شجرهٔ مبارکه

یا

برکی از تاریخ خوزستان

تألیف

آیة الله جزائری
دامت برکاته

جلد اول

J14 1---1

۶
۶
۲۲

یوقد من شجرة مبارکة

سوره نور : ۱۵

شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان

در بیان انساب و احوال سادات نوربه (خاندان جزائری) وبزرگان خوزستان

تألیف

دانشمند محقق متتبع

آیت الله حاج سید محمد جزائری

جلد اول

مشتمل بر تصاویر و فتو کپی ها واسناد متعدد تاریخی و فوائد دیگر بسیار

جمیع حقوق طبع محفوظ و مخصوص مؤلف است

تعداد ۳۰۰۰ جلد در چاپخانه نگارین اهوازچاپ

و بشماره ۱۰۰۱ اداره کل فرهنگ وهنر خوزستان ثبت گردید

اهداء کتاب

این اثرناچیز را به‌روان پاک پدر بزرگوارم عالم ربانی پرهیزگار جامع المعقول والمنقول بهشت آرامگاه آیة‌الله آقای سیدنعمت اللهجزائری طاب مضجعه‌الشریف که‌سالها است بجهان‌ابدی پیوسته تقدیم میدارم

نگارنده

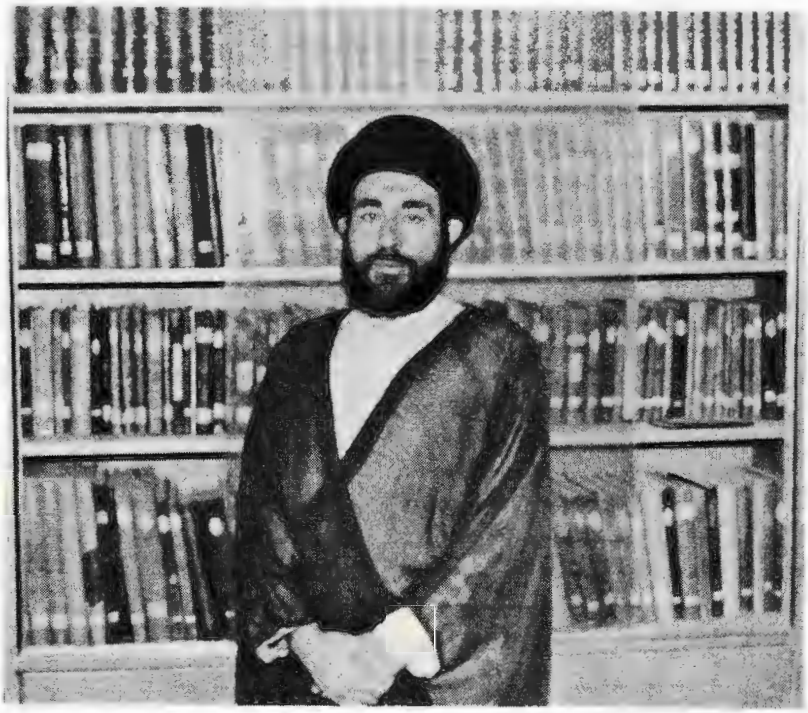

نگارنـده کتـاب

عکس من ظاهر من را به‌تو ابراز کند　　زنده و مرده من با همه‌همراز کند

لیک اگر باطن من را بحقیقت‌خواهی　　این کتاب‌است‌کزین‌رازگره‌بازکند

کتاب حاضر :

حاوی کاملترین شرح حال خاندان جزائری شوشتری (سادات نوریه)وخانواده‌های وابسته به آن است

نسب سادات جزائری را از دستبرد حوادث مصون و محفوظ میدارد.دانشمندان وبزرگان این سلسله جلیله وآثار علمی مخطوط و مطبوع آنها را معرفی میکند .

افراد پراکنده این فامیل بزرگ را بیکدیگر نزدیک مینماید .

درباره خاندانهای اصیل خوزستانی وعلما و شعرا و حکام این استان سخن میراند .

ترجمه بسیاری از علماء شیعه مشهور و گمنام را در بردارد و در حقیقت این کتاب تاریخ علمی و فرهنگی خوزستان طی سه قرن اخیر است

مطالب متنوع و فوائد گوناگون و تحقیقات ارزنده‌ای در آن آمده که بیشتر آنها دست اول وجالب وموجب سرگرمی خواننده است

ودرنتیجه وجود این کتاب در هرخانه بویژه خانواده‌های خوزستانی مغتنم است .

از عموم سادات جزائری و دیگران مستدعی است چنانکه سند یا عکس یا کتابی ازآثاراین خاندان یا آثار دیگر خوزستانیان دارند بهآدرس مؤلف : (اهوازکوی بهروز مسجد حجت)ارسال فرمایند تا در جلد دوم که به زودی به چاپ آن اقدام خواهد شد استدراک شود .

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد افزون‌از حدآفریدگاری راسزد که به‌احصاء نعمتهای اواحدی نرسد ،وان‌تعد وانعمه‌الله لاتحصوها ،ودرود بیش‌ازحد براشرف‌انبیاء وفخردودمان‌معد * نبی خاتم حضـــرت محمد وآل اطهار او باد ، که دارای بهترین حسب و نسب و سادات عجم و عرب اند ، از آنجائیکه علم به‌انساب را فوائدی فراوان است

از آنجمله : نسبت دادن هر کس به پدران او (ادعوهم لابائهم) ، ** و شناختـــن طبقات ارث (واولوا ارحام بعضهم اولی ببعض) ، *** ، و صله‌ارحام جهت پیوستن به‌آنان (تعلموانسابکم تصلواارحامکم) ،**** بویژه انساب سادات عالی درجـات ، ذراری سیدکائنات (علیه‌وآله‌افضل الصلوات) .که‌دارای‌امتیازات‌وفضائلی‌مخصوص‌هستند، وازآنجائیکه‌نوشتن شرح حال دانشمندان وافراد با ایمان همانند احیاء آنان است ***** لـهذا از هنگام تشخیص و تمییزبفکر این بنده ناچیز میرسید ، که‌کتابی‌جامع درشرح حالات وانساب خاندان جزائری (سادات نوریه) اعقاب علامه مشهور مرحوم سید نعمت الله جزائری (طاب مضجعه) که خود نیز افتخار انتساب به آنجناب را دارم بنگارم .

پس در ایامیکه در نجف اشرف (علی مشرفه‌التحایا والتحف) به‌تکمیل تحصیل اشتغـال داشتم در مواقع تعطیل که‌فرصت می یافتم ، ترجمه نیای نامبرده جلیل و بـاقی افراد فامیل را در کتابی بنام (الشجره‌النوریه) نگاشتم ******

اما چون به‌اقتضاء وتناسب محیط تاءلیف ، آن کتاب‌بعربی مسطور و از فهم عـده ای دور بود ، خواهان برگرداندن آن بفارسی روان گردیدند ،

از اینرو شروع بنوشتن کتاب حاضر نموده ، اما ترجمه جداعلی و فرزندان بلاواسطه‌اورادر

---

* معدباضم میم وفتح عین مهمله وتشدیددال بی نقطه فرزند عدنان‌نیای نوزدهم رسول اکرم (صلی الله‌علیه وآله‌وسلم)

** سوره احزاب آیه۵

*** سوره انفال آیه۷۵

**** (عمده‌الطالب : ۲)چاپ نجف‌اشرف و(بحرالانساب معروف به‌المشجر الکشاف : ۳)چاپ‌مصر ،

***** طبق حدیث نبوی (من ورخ مومنا فقد احیاه) یا (من ورخ عالما فکانما احیاه)بنابراختلاف روایت که در(مستدرک تحفه اهل الایمان: ۳) تالیف عالم زاهد معاصر شیخ فرج ال عمران (سلمه‌الله) و (وقائع‌الشهور: ۶۱) تالیف مرحوم محدث‌جلیل شیخ محمد باقر بیرجندی‌متوفی(۱۳۵۲)منقول است ،

****** مرحوم علامه حاج شیخ آقا بزرگ‌تهرانی (قدس سره) این کتاب را در (الذریعه۱۳: ۴۱) نامبرده و از آن نقل کرده‌اند ، برخی از نویسندگان دیگر هم از آن یادداشتهائی برداشته اند ،

مجلدی مخصوص بنام (نابغه‌فقه‌وحدیث) * قرارداده ،واین کتاب را مرتب برسه‌ساقه نموده‌واحفاد وسائر اعقاب اورا ضمن (ساقه‌اول) واعقاب‌سید علی بن سید عزیز الله بن (سیدعبدالمطلب‌عموی)رادر (ساقه‌دوم) ، و اعقاب سید صالح بن (سید عطاءالله عم دیگر او)رادر (ساقه‌سوم) آورده وبه (شجره‌مبارکه) یا (برگی‌ازتاریخ‌خوزستان) نامیدیم ، و وجه‌تسمیه‌اول واضح ، و دوم آنستکه‌این کتاب مشتمل است بر تراجم بسیاری از بزرگان و شاعران خوزستان مانند جلوه ،ودری ،وشرف ،وفائز ،ومخلص وناطق‌وجزانان ، کـه ترجمه کامل آنها در جای دیگر بدست نیاید ،

وقبل از شروع در مقصود توجه مطالعه‌کنندگان را به نکات ذیل جلب مینمائیم :

۱ــ این (شجره‌مبارکه)مخصوص‌اولاد ذکور است ، ونادرا" بعضی از اناث را نام برده ایم ، وباوجود تفحص وجستجو و سعی و کوششی که‌دراین باره نموده‌ایم مدعی استیعاب نبوده بلکه معترف به‌امکان از قلم افتادن بعضی اسامی بویژه کودکان سالهای اخیر هستیم ،واما اطفالی که در کودکی درگذشته‌اند ، ممکن است نامبرده شوند ولی مقید بآن‌نخواهیم بود، واختصاص مذکور اعنی ذکر افراد ذکور بعلت فقدان مصادر اناث است ، زیرا که طبقـــه نسوان گذشته را ضبط نکرده‌اند ،وطبقه‌معاصره‌نیازمندوقت کافی وفرصت زائدی است کـه اکنون‌فاقدآن‌هستیم ، واگر در آینده‌مجالی یافتیم ، نام دختران را در مجلدی جداگانه ثبت خواهیم نمود ، چنانکه علمای نسب اولاد ائمه‌اطهار (علیهم السلام) را چه پسر و چه دختر نوشته‌اند ،

۲ــ همانطور که اشاره‌رفت نام بسیاری از دانشمندان وشاعران وبزرگان خوزستان وغیره‌در این کتاب آمده‌که در متن یا پاورقی بشرح حال آنان پرداخته‌ایم ،وآنهائیکه مکرر نامبرده شده ویامحتاج‌بشرح وبسطی بوده‌اند که‌ازحوصله پاورقی خارج است ، بهر یک شماره ای‌از یک به بعد به‌ترتیب ورود در کتاب داده‌ایم که در هر جا ذکر شود آن‌شماره‌مخصوص‌همراه او در میان پرانتز ** خواهد بود ،و شرح حال صاحبان آنها رادرپایان‌ساقه‌سوم بعنوان توضیحات آورده‌ایم ،

---

* کتاب نامبرده در ۳۵۲ صفحه در سال (۱۳۹۵) چاپ و منتشر و با استقبال کم نظیری‌ازطرف دانشمندان واهل فضل روبرو گردید ، و جمعی کثیر از بزرگان بوسیله نامه یا تلفن نویسنده رامورد لطف قرار داده‌اند از آنجمله آیه‌الله شریعتمداری واستاد وحید علامه لنکرانی که تقریظشان در اول‌کتاب‌چاپ شده و محقق بزرگ حاج شیخ محمد تقی شوشتری صاحب قاموس الرجال ، و علامه مشهور حاج میرزا خلیل کمره‌ای ، و جناب شیخ سلمان خاقانی عالم خرمشهر و فاضل باستان شناس سیدمحمدتقی‌مصطفوی مدیر انجمن آثار ملی و نویسنده معروف آقای مرتضی، مدرسی و فهرس نویس فاضل شیخ رضا استادی (دامت برکاتهم) که از لطف همه سپاسگزاریم ،

** تابا شماره‌های خارج ازپرانتز مربوط به طبقه سادات که‌موضوع اصلی کتاب‌هستند مشتبه‌نشود،

مرحوم آیه‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و نگارنده کتاب

آیةالله‌حاج سیدکاظم شریعتمداری وفاضل معاصر شیخ قوام بشروی ونگارنده کتاب

۳ــ در شرح حال معاصران (سلمهم الله‌تعالی)اگرازالفاظ والقاب داله‌برتعظیم وتفخیم که در کلمات یومیه‌ومحاورات عرفیه‌معمول است ، خودداری شده‌بدین سبب‌است‌که این کتاب بیشتر حافظ انساب بوده نه معرف مقامات اشخاص ، و البته ما بفضل همه معترفیم ، واختلافی که‌به‌ایجاز و تطویل واختصار و تفصیل‌در تراجم فامیل دیده میشود ، بواسطه اختلاف در اطلاعات نگارنده به زیاده و نقیصه است نه‌غرض شخصی ،چنانکه‌ستودن‌فردی فی المثل که از جهتی شایسته‌ستایش وازجهتی ناشایسته و یا فاسدالعقیده است دلیل بر توافق با عقیده او نیست ، *

۴ــ برای تعیین طبقه ، شماره‌ای دنبال نام هر کس نوشته‌ایم ، و چون سرسلسله را مرحوم سیدنعمت الله (رحمه‌الله)قرارداده‌ایم ، شماره‌یک را به او و دو را بفرزندش مرحوم سید نورالدین ، و سه را بفرزندان او و بهمین نرتیب ، هرچه پائین بیایند بهرکدام شماره مناسب متوالی را داده‌ایم ، و در حین تحریر این سطور از طبقه هفتم احدی نمانده و از چهاردهم کسی بوجود نیآمده‌است ،

۵ــ به‌تناسب نام کتاب ، عناوین آنرا بجای فصول و ابواب ، از متفرعات شجره‌انتخاب نموده‌ایم ، مانند شاخه ، وشکوفه ، وثمره ، وپس از خاتمه‌هر عنوان که ویژه‌یک‌خاندان‌است شجره‌ای مخصوص آن ترسیم نموده‌که‌صورت جامعی ازخانواده‌را نشان داده و کمک درپیدا کردن نامها میکند ،

۶ــ تواریخ این کتاب هجری قمری است ،

۷ــ مصادر و مآخذ این (شجره مبارکه) علاوه بر مصادری که در آخر (نابغه‌فقه‌وحدیث) یاد شده اند ،صدها جلد کتاب خطی و چاپی ** و مجموعه‌های علمی ،وبیاضها وجنگهای ادبی ، وسفرنامه‌های تاریخی ونامه‌های شخصی ، واجازات علما ، و تذکره ها و دواوین شعرا و یادداشتهای معتبره‌در اثناء وپشت برخی از کتابها واطلاعات‌خارجی‌است، که معاصران با اطلاع بویژه فقیه متبحر مجمع فضائل و مرجع افاضل حاج سید محمد حسن آل طیب (دامت برکاته) در اختیار ماگذاشته‌اند ، و هر مطلبی را نسبت بمصدرآن‌داده و خود را از ضمانت صحت ومسوولیت‌آن خارج ساخته و بعهدهٔ مصادرمربوطه‌گذاشته‌ایم ، و در اینجا مناسب است مصادری را که در خصوص خاندان جزائری نوشته شده نام بریم ، اول (بوستان پیغمبر) از عالم فرزانه‌مرحوم حاج سید مصطفی ۹ امامزاده آتی در (غنچه

---

* چنانکه سید اجل رضی (قدس سره) صاحب نهج البلاغه ، ابواسحاق صابی را با اینکه کافر بوده ، مرثیه گفته ، بواسطه کمالاتی که داشته است ،

** که‌برخی ازآن مطبوعات نادروکمیاب است‌مانند (تاریخ گلزار اصفیه)و(سروآزاد)و(گلبن‌ـ تاریخ) و جز آنها از کتابهای فارسی که در هند چاپ شده ،

دوم) که در حدود (۱۳۸۰) تالیف شده ، نسخه‌اصل در اختیار ما بوده‌است ،
دوم ــ (تتمه‌الشجره‌وتنمیه‌الثمره) از عالم مقدس مرحوم سیداحمد۹ معروف به سید آقای امام آتی‌در (غنچه اول) که بعنوان‌تکمیل (شجره‌نوریه) در (۱۳۶۰) نوشته‌ودرباره عده‌ای معدود شرح حال مختصر آورده ،ومامندرجات آنرا ازروی نسخه‌ناتمام مؤلف نقل‌کرده‌ایم،
سوم ــ (تحفه‌العالم) از دانشمندادیب مرحوم میرسیدعبداللطیف ۴ جزائری آتـی در (شاخه پنجم) که سادات جزائری را تا (۱۲۱۶) نوشته و به چاپ رسیده ،
چهارم ــ (حاشیه تحفه‌العالم) از نویسنده‌فاضل مرحوم سیدلطف الله ۵ جزائری‌آتی در (شکوفه‌هفتم) ،
وی که معاصر صاحب تحفه‌بوده بر نسخه‌ای خطی از تحفه‌حواشی ارزنده‌مشتمل بر تاریـــخ وفات بعضی از سادات که درآن کتاب مذکورند نوشته‌که‌درجای دیگر قید نشده و همـــه دست‌اول و دارای اهمیتی فراوان بوده که موجب امتیاز کتاب ما گردیده است ،
پنجم (شجره‌جزائری) در شرح احوال اعقاب مرحوم سیدمحمد۳ و سیدطالب ۳ فرزنـدان سیدنورالدین۲ بن سیدنعمت الله ۱ ، از دانشمند خردمند مرحوم‌حاجی‌سیدمحمدحسن ۹ جزائری آتی در (میوه‌اول‌از شاخه سوم)
آنمرحوم‌که‌ابن‌عم والدماجد و مشوق مادر تالیف کتاب حاضر بود ، اطلاعـات خود رادر باره اجداد و خویشاوندان نزدیک ما که به سیدمحمد ۳ مزبور میرسند وقلیلی‌ازاعقاب‌سید طالب ۳ نامبرده‌رادرمجموعه‌ای‌گردآوری نموده‌که‌نامی‌مخصوص ندارد واز این رو ،نام‌مزبور را مناسب آن دانستیم ، نسخه‌اصل دراختیار ما بوده ،
ششم‌ــ(شجره‌طیبه) از مورخ دانشمندمرحوم سیدنورالدین ۹ امام آتی در (غنچه اول) که جامعتر از مصادر نامبرده بوده اما بعضی از فصول آن مفقود گردیده ، وحدودچهل‌سال از تألیف آن گذشته‌و وقائع این مدت طولانی را فاقد است ، ازنسخه‌اصل استفاده شده ،
هفتم (شجره‌نوریه) مطبوعه‌در (۱۲۶۲) در بمبئی ، و آن یک صفحه‌بزرگ‌است‌شامل‌اسامی سادات جزائری بطور شجره‌با مختصر توضیحی در مقابل بعضی از نامها که بیشتـر آن از تحفه گرفته شده ، با اشاره به‌دختران این خاندان که برای هر کدام یک مربع یا مستطیل سفید گذاشته ، اما دارای نواقص و اشتباهاتی است ، بسیاری از افراد را که در آن تاریخ بیست ساله یا بالاتر بوده‌اند ننوشته ، و برخی از نامها را با محمد ترکیب‌کرده ،فی‌المثل باقر و یوسف را محمد باقر و محمد یوسف نوشته اما مفتی سید محمـد عباس ۶ جزائـری (شاخه‌پنجم) را که در هند معروف به محمد عباس وتقریبا " محمدجزء نام‌اوبوده ،عباس نوشته ، این شجره ، جداگانه وبه‌ضمیمه‌کتاب تجلیات * منتشر شده اما اکنون کمیاب

---

* مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۲۳۸)

است ، و ما آنرا در آخر کتاب کلیشه‌نموده‌ایم ،

هشتم ـ (شجره‌صائغ) از نسابه‌معروف سید رضای صائغ بحرانی متوفی (۱۳۳۹) کـــه در طوماری بلند و باریک در (۱۰ـج۲ـ۱۳۳۲) بدستور مرحوم آقا سیدحسین پیشنمازمتوفی (۱۳۳۶) مقیم خرمشهر نوشته ، و در حقیقت همان شجره‌نوریه‌است‌که معاصران خود را بر آن افزوده‌اما مشتمل‌براغلاط واوهام بسیاری است از آنجمله درباره‌سیدحبیب‌الله ، فرزند جداعلی مرحوم سید نعمت الله ، که‌بتصریح تذکره‌شوشتر ، و تحفه‌العالم ، درکودکی‌وفات کرده ، نوشته (عقبه‌فی پاریس)

و نویسنده‌این مشجره‌در (دیوان کعبی: ۴۶) و (ماضی النجف وحاضرها۳:۲۴۴)و(نقباء البشر: ۷۶۲) ترجمه شده‌وعموما اشاره‌به‌ضعف نوشته‌ها و خلط مبحث های وی نموده اند، اصل این مشجره‌نزد سیدعلی عالمزاده فرزند سیدحسین مذکور ، و یک نسخه‌از فتوکپـــی آن نزد ما موجود است.

نهم ـ(یادداشتهای کتانباف) از مرحوم حاج محمدعلی‌ابن حاج عبدمحمدابن‌حاج احمد کتانباف شوشتری متخلص به (عاصم) متوفی (۱۳۷۲) مطابق ماده‌تاریخ ذیل

از این جهان روان شد یکسر بسوی جنت　　آن حاجی کتانباف تقوی شعار وخصلت

اسم شریـــف حاجی محمـــد و علی اســت　　تاریخ سال‌فوتش (هستم بزیر رحمت)

وی کاسبی نیکوکار معمر بود که در بدو امر تحصیلاتی داشته و اطلاعاتی از بعضی از خانواده‌های شوشتری بدست آورده و در دفترچه‌ای آنها را یادداشت کرده ، از آنجملـه سادات جزائری ، که بیشتر آنها را از تحفه‌العالم برداشته‌اما نام بیشترمتاخران ومعاصران خود را ندانسته‌وبکلمه (سید)وچند نقطه‌در مقابل آن اکتفا کرده ، و بیشتر صفحـــات این دفترچه اینگونه‌است ،

گرچه‌این یادداشتها برای ما تازگی نداشته‌وقلیل الجدوی است اما از نظر تاءیید نوشتـــه های دیگران ، آنرا قابل ذکر دیدیم ،ومحتملا" صاحب شجره‌طیبه‌هم آنها را دیده و یـــا بالمشافهه‌از مرحوم کتانباف شنیده زیرا در بعضی از موارد مطالبی بعنوان نقل از بعضی ثقات آورده‌که‌بامندرجات این دفترچه‌مطابق است ،

۸ـ چون کلمه (سید) * را جزء اسامی فامیل فرض کرده و مقیدبذکر آن قبل ازهرنام هستیم ** پس همزه (ابن) را که قبل از نامها آمده بین العلمین فرض نموده و آنرا ننوشته‌ایم ، فی المثل سیدحسن بن سیدعلی را با سید حسن بن علی در کتابت یکی دانسته‌ایم با علم به‌اینکه مطابق اداب‌کتابت ورسم الخط در مثال اول‌همزه‌رانبایدحذف

---

* معنی این کلمه را در (نابغه فقه و حدیث: ۲۹۳) نوشته‌ایم ،

** مگر در نامهائی که متناسب با آن نباشد نظیر (کورش) و (اردشیر) و غیره ،

نمود همانطور که باید همزه ابن در اول سطر نوشته شود ،

۹ــ در (شجره‌نوریه) مذکوره برای احیاء دعائی دیده‌نمیشود جز برای سیدمحمد۵ بن سیدطیب۴ بن سیدمحمد ۳ بن سید نورالدین ۲ بن سید نعمت‌الله ۱ ودوفرزندبرومندش سید احمد ۶ و سیدعلی ۶ که به‌ترتیب برای آنان چنین نوشته (سلمه‌الله‌تعالی ، حرسه الله‌تعالی ، دام فضله) *

و چنانکه بر اهل‌فضل پوشیده نیست این اشارت به‌امتیاز این سه بزرگواراست ،

و سیدمحمد ۵ مزبور معروف به‌حاجی سید محمدی ، نیای چهارم نگارنده‌است بدین‌ترتیب که فرزندش مرحوم سید احمد ۶ مذکور که به‌حاج سید احمد بزرگ موصوف بوده ، پدر آیه الله مرحوم‌حاجی سید عبدالصمد۷ ،پدر دانشمند فرزانه مرحوم حاجی سیدمحمدجعفر۸، پدر نابغه دل آگاه مرحوم سیدنعمت الله۹ ، (قدس الله‌ارواحهم‌الزکیه) پدرنگارنده‌است ، و مرحوم سیدعلی ۶ فرزند دوم او ، همان حاج سیدعلی شوشتری معروف ، وصی شیخ انصاری است ،

۱۰ــ چون عدد صفحات کتاب از هزار بیشتر بود ناچار آنرا در دو جلدقراردادیم ،جلد اول مشتمل بر قسمتی از ساقه اول ، و عکسها و کلیشه های مربوط به آن ، جلد دوم شامل بقیه‌کتاب وآنچه‌از عکسها و مطالب جلد اول که بموقع نرسیده‌و استدراک شده ،

۱۱ــ از فضلا و اهل تحقیق تقاضا دارم اگر بعیوب‌و نواقصی در این کتاب برخورند ،به نگارنده تذکر داده و یا از آن اغماض فرمایند ، و به‌ضعف انشاء نویسنده‌ننگرند ،واز تکرار کلماتی مانند متولدشده و درگذشت که در اغلب صفحات کتاب می بینند بگذرند ، و به اندیشه‌رنگین کردن عبارات و نمکین نمودن جملات ، بایراد مترادفات و ایجاد تنوع در کلمات مانند بدنیا آمد ، زائیده‌گردید ، دیده‌بجهان گشود ، موجودشد و یارحلت‌کرد ، بحق پیوست ، رخت بربست ، بدرودجهان گفت ، نباشند ، زیرا بعیوب این اثر ناچیز و خود معترفم ، و در اینجا سخنی درباره‌سادات عالی درجات بطورعموم‌وخاندان جزائری بطور خصوص آورده آنگاه به اصل موضوع میپردازیم ،

چهارشنبه‌بیستم جمادی الاخره‌ــ۱۳۹۷ = خاندان رسالت

سید محمد جزائری

---

* شرح حال آنان بترتیب در (ثمره سوم) و(میوه‌اول) و(میوه‌دوم) از(شاخه‌سوم) بیآید ،

نگارنده کتاب

التاريخ ٢٦/ع/٢/١٣٩٦/هـ — المكتبة الخاقانيه

تلفون ٣٨٣ ٢ — خرمشهر

بسم الله الرحمن الرحيم

سيدنا العلامة الأجل السيد محمد السيد نعمة الله الجزائري المحترم دام عزه

سلام عليك ورحمة الله . وبعد :

فاني ارجو من الله العزيز الحكيم ان يحفظك ويديمك ذخراً للشرع والشريعه، ومناراً للهدايه والحق، وباباً من ابواب التحقيق العلمي والأدبي والتاريخي المجيد

الآن - وفي هذه الساعه التي اخط لك فيها هذه الرساله - فرغت من مطالعة كتابك الكريم الموسوم بـ (نابغه فقه وحديث) في ترجمة جدك الأعلى، وسيد سلفنا الصالح السيد نعمة الله الجزائري قدس الله نفسه. فقد بقيت مع الكتاب ستة ايام بلياليها اطالعه مطالعة تأنٍ وروية، لأقتطف من ثماره التاريخيه والأدبيه. فهو شجرة مثمره، بل حديقة يانعه، فيها ما تلذه الأنفس من تحقيق علمي وتاريخي وادبي. وكم تمنيت ان يكون الكتاب قد كتب باللغة العربيه لتكون فائدته اشمل ومنفعته اعم. خصوصاً واني عرفت من خلال دراسته ان قلمك في اللغة العربيه لا يقل روعة عن اللغة التي كتب فيها الكتاب. فبارك الله فيك وفي قلمك. ونفع المسلمين بخدماتك الجليلة. رحم الله اباك وجدك الأعلى والأدنى، وجعلك خير مذكر للآباء والأجداد، واحسن قدوة للأبناء والاحفاد. والسلام عليك من الداعي لك بالتوفيق والتأييد. المخلص

سلمان الشيخ عبد المحسن الخاقاني

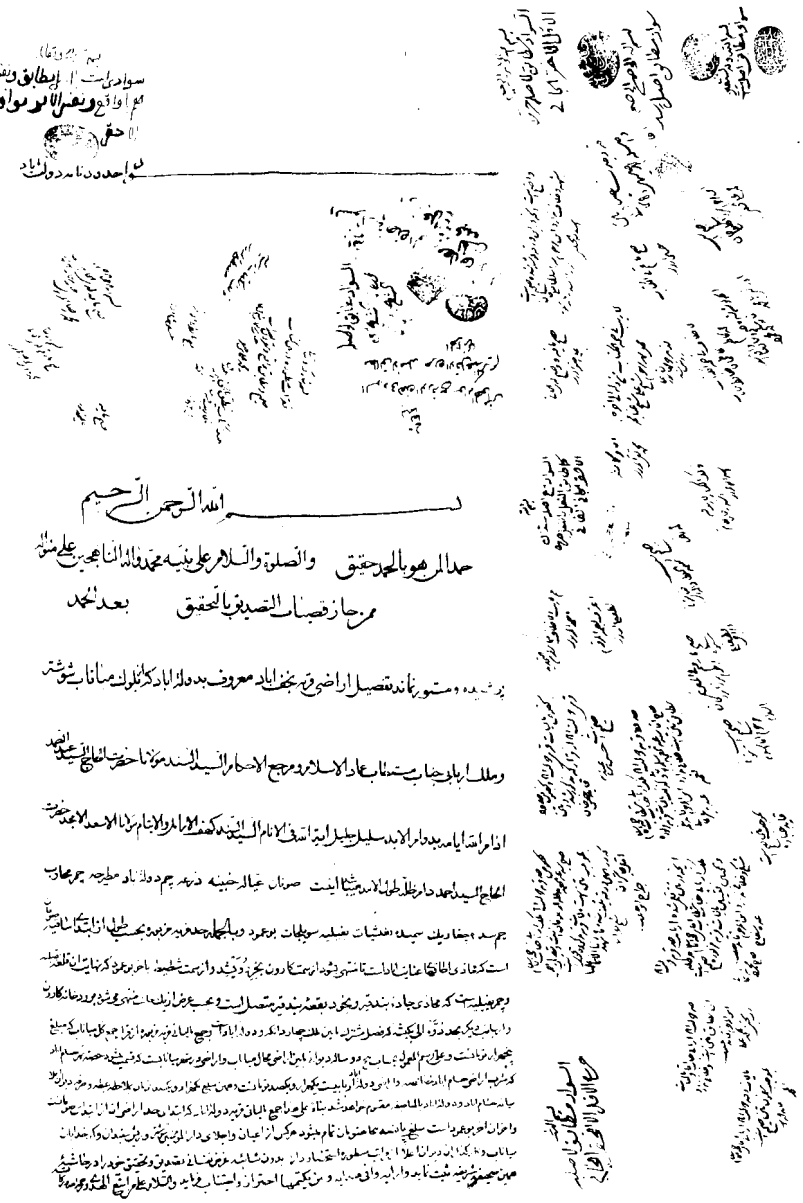

بسم الله الرحمن الرحیم

حمدا لمن هو بالحمد حقیق والصلوة والسلام علی نبیه محمد وآله الناهجین علی منواله

من حاز قصبات التصدیق بالتحقیق بعد الحمد

پوشیده و مستور نماند تفصیل اراضی قریه نجف آباد معروف بدولت آباد که از ملوک میانات شوشتر

و ملک اربابی جناب مستطاب عماد الاسلام و مرجع الاحکام السید السند مولانا حضرت الحاج السید عبد الصمد

ادام الله ایامه بدوام الابد سلیل جلیل آیة الله فی الانام السید السند کهف الارامل والایتام مولانا الاسعد الامجد حضرت

الحاج السید احمد دام ظله طول الامد میباشد اینست صونان عیاله خبینه ذرعه چم دولت آباد مطرحه چم محارب

چم سد چغاریک سمیده نعشیات نفیلیه سویلجات بوعمود و بالجمله حد قریه مزبوره بحسب طول از ابتدای ساقیه

است که محاذی اطاقهای عنایت آباد است تا منتهی شود از سمت کارون بجزو ویشد و از سمت شطیط باخر بوعمود که نهایت آن قلعه

و چم نفیلیه است که محاذی جاده بندقیر و بخود بقعه بندقیر متصل است و بحسب عرض از یک ساعت منتهی میشود بر دو خانه کارون

و از جانب دیگر بحد ذوه الی کبشه و فصل مشترک بین ملک چهار دانگ و دولت آباد و جمیع المیان قریه مزبوره از قرا جمع کل میانات که مبلغ

پنجهزار تومانست و علی رسم المعمول بحساب هیجده ساله دیوان اراضی محال میانات و اراضی در شهر میانات است و قسمت شده حصه نهر حسام آباد

که شرب اراضی حسام آباد خالصه و اراضی دولت آباد بیست یکهزار و یکصد تومانست و همین مبلغ یکهزار و یکصد تومان بملاحظه عطیه و مرحمت دیوان

میانات حسام آباد و دولت آباد بالمناصفه مقسوم خواهد شد بنا علی هذا جمیع المیان قریه دولت آباد که ابتدای حد اراضی آن از ابتدای صوبات

و اخر آن اخر بوعمود است سلخ پانصد مخاصمان تمام میشود هرکس از اعیان و اجلای دار المؤمنین شوشتر و ریش سفیدان و کدخدایان

میانات و کدخدایان دیوان اعلا از مراتب مسطوره استحضار دارد بدون شائبه غرض نفسانی تصدیق و تحقیق خود را در حاشیه

همین صحیفه شریفه ثبت نماید و ارایه و افی هدایه و من یکتمها احتراز و اجتناب فرماید والسلام علی من اتبع الهدی و محمد و آله

یک سند که نام آیة الله حاجی سید احمد جزائری در آن دیده میشود

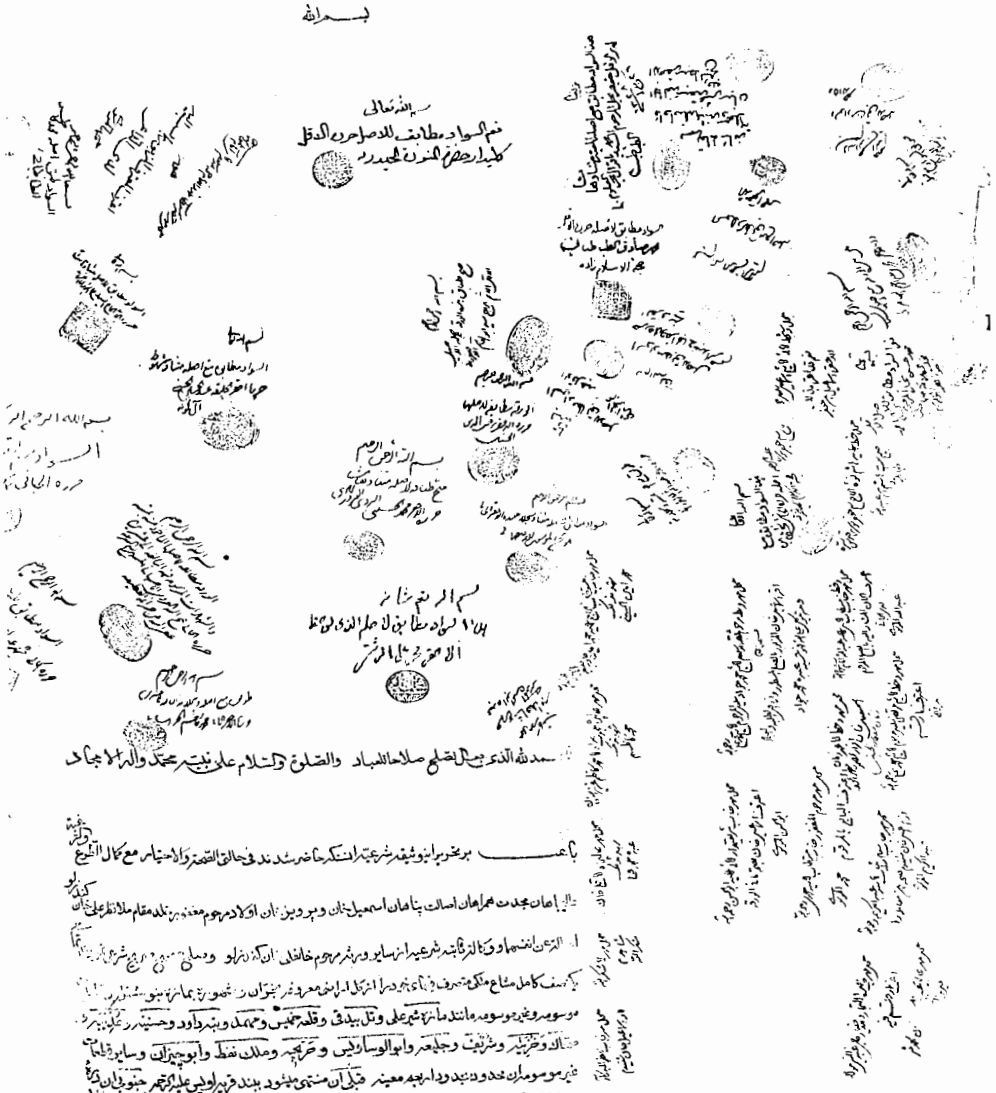

یک سند که نام مرحوم حاجی
سید محمد جعفر حزائری
نیای نگارنده درمتن آن
دیده میشود

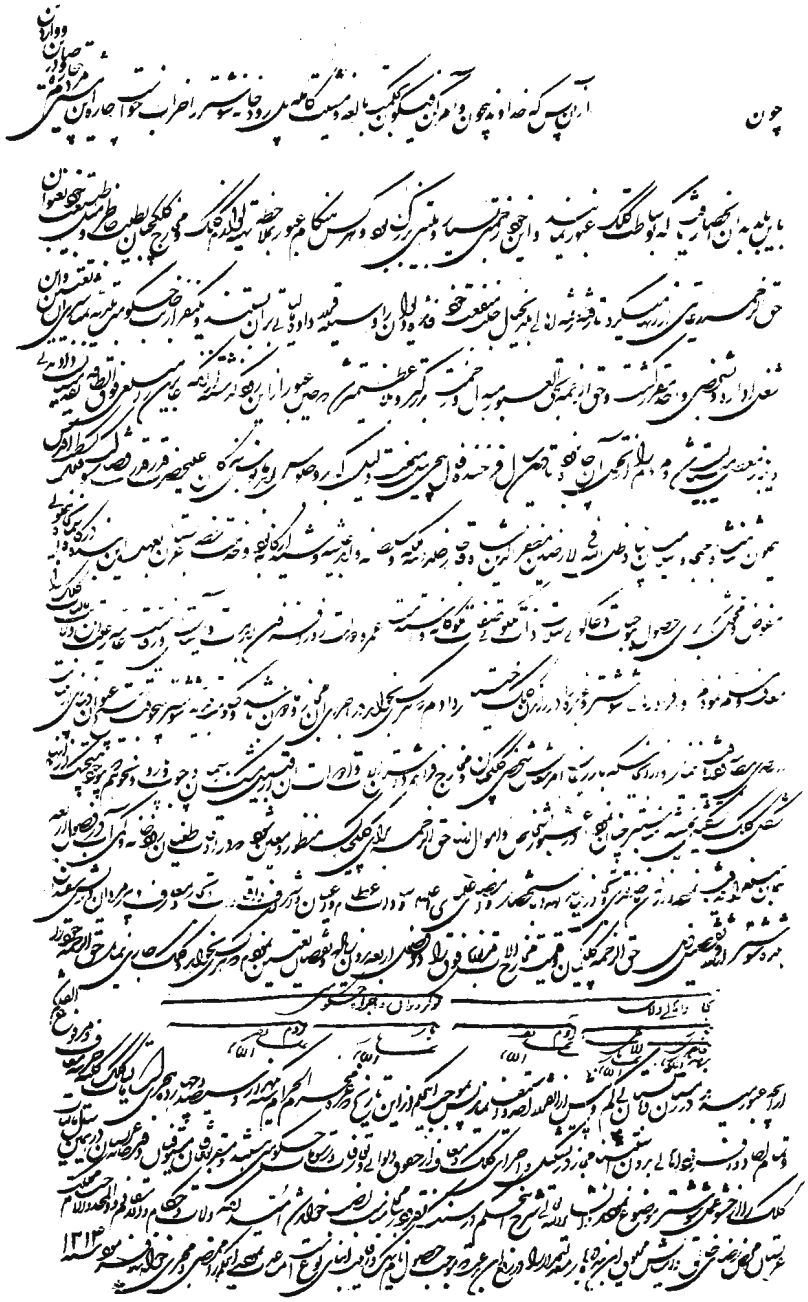

یک سند مربوط به کلکهای شوشتر که در پشت آن مهر سعدالملک زده شده

سادات عالی درجات

این سلسله جلیله دارای فضائل وخصائصی هستند که درکتب فریقین بیان شده ، ازآنجمله فرمایش رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که درباره آنان رسیده (کل نسب وحسب منقطع یوم القیامه ماخلاحسبی و نسبی ، وکل بنی انثی عصبتهم لابیهم ماخلا بنی فاطمه فانی انا ابوهم و انا عصبتهم) *

یعنی هر نسب و حسبی در روز قیامت گسیخته خواهد شد مگر حسب و نسب من ،وهر دختر زاده‌ای از جانب پدرشناخته شده وبه او منسوب میشود مگر فرزندان فاطمه که من پدر وعصبه آنها هستم ،

و استحباب بلکه وجوب دوستی ایشان (قل لااسالکم علیه اجرا الا المودة فی القربی) **

یا آل بیت رسول الله حبکم — فرض من الله فی القران انزله

یکفیکم من عظیم الفخر انکم — من لم یصل علیکم لاصلاه له ***

شاعر فارسی گوید

حب اولاد نبی حب نبی است — هر که را این حب نباشد اجنبی است

سر بسر گرخاص وگرعام اندشان — مستحق حب و اکرام اندشان ****

و اختصاص خمس به‌ایشان (واعلموا ان ماغنمتم من شیی فان لله خمسه وللرسول و لذی القربی) *****

هرگز نبوده است شریک خدا کسی — ال نبی به خمس شریکند با خدا

و حرام بودن زکاه بر ایشان که امیرالمؤمنین علیه السلم فرمود (ولم یجعل لناسهما من الصدقه ، اکرم الله نبیه واکرمنا ان یطعمنا اوساخ مافی ایدی الناس) ،******

و تقدیم هاشمی در امامت جماعت ، بنا برراءی عده‌ای از فقها ،

و کراهت یا حرمت جمع بین دو زن که از اولاد فاطمه زهرا (علیها السلام) باشند .

و ثواب نگاه کردن به‌ایشان که حضرت رضا (علیه السلام) فرمود نگاه کردن به فرزندان ما

---

* (کنزالفوائد: ۱۶۷) چاپ تبریز درسال ۱۳۲۲،تالیف عالم بزرگوار شیخ ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی متوفی (۴۴۹) (رحمه الله تعالی) و(الصواعق المحرقه: ۲۳۴)چاپ دارالطباعه المحمدیه مصرتالیف ابن حجر هیتمی مکی که از دشمنان سرسخت شیعه است بروایت ازعمربن الخطاب ،

** (سوره شوری: ۲۳)

*** (دیوان شافعی: ۷۲) چاپ بیروت

**** (سندالسعادت: ۱۴)

***** سوره انفال: ۴۱) ،

****** (اصول کافی: ۲۷۷) چاپ سال ۱۳۱۳ وغیره ،

عبادت است از ایشان سئوال شد که نگاه‌کردن به امامان از شما عبادت است یانگاه‌کردن بهمه فرزندان پیغمبر (صلی الله‌علیه‌وآله) ؟ فرمود نگاه کردن بهمه فرزندان تا وقتیکه از روش او بیرون نروند و دامن خود را بگناه آلوده‌نسازند ،*

و بودن ایشان امان برای مردمان که پیغمبر (صلی الله‌علیه‌وآله) فرمود (النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض)**

و برای‌واقف شدن بر مناقب و فضائل‌و خصائص و امتیازات بیشتر ذریه‌طاهره ، رجوع شود به مقدمه (جنه‌النعیم) عالم فاضل مرحوم‌حاج ملاباقر تهرانی متوفی در (۱۳۱۳) و (اسعاف الراغبین : ۴۷) شیخ محمد صبان از اهل‌سده سیزدهم و (الشرف المؤبد:۳۳ـ ۳۹) شیخ یوسف نبهانی متوفی (۱۳۵۰) ، که این دو نفر از علمای اهل سنت هستند، و (مجله‌المرشد ۱ : ۱۷۶) و (جامع الانساب ۱ : ۶۱ـ۶۵)*** و (سندالسعادات فی حسن خاتمه‌السادات) تالیف میرغلامعلی واسطی بلگرامی حنفی **** متخلص به آزاد متوفی (۱۲۰۰) که در ۳۳ صفحه بفارسی در بمبئی به سال (۱۳۰۸) چاپ‌شده واحادیث و روایاتی در این زمینه آورده که بیشتر آنها از طرق مخالفان‌و معاندان است .

و (فضائل السادات) عالم‌جلیل مرحوم سیدمحمد اشرف عاملی متوفی (۱۱۴۵) که در (۴۸۹) صفحه بسال (۱۳۱۴) بطبع رسیده***** و غیره .

---

* (عیون اخبار الرضا : ۲۱۴) و غیره ،

** (الصواعق المحرقه : ۲۳۳ـ۲۳۴) با یک سند ضعیف و با یک سند صحیح با اختلاف الفاظ آنرا نقل کرده ، ولی مؤلف آنکتاب اگر چاره‌ای میداشت تمام فضائل ذریه طاهره را منکر و مدعی ضعف آنها میشد ،

*** تالیف‌دوست فاضل ماآقای سید محمدعلی روضاتی متولد (۱۳۴۸)مقیم‌اصفهان (دام‌علاه) ، که‌در(۱۳۷۵) چاپ شده ودرصفحات متعدد از آنجمله صفحه اخیر از ما نام برده است ،

**** از ادباء بزرگ عصر خود بوده وآثاری بنظم و نثر فارسی و عربی مطبوع دارد ، از آنجمله خزانه عامره ، و دیوان شعر ، و سبحه‌المرجان ، و سروآزاد ، چاپ لاهوربسال۱۳۳۱) که‌درصفحه(۲۹۱) شرح حال خود را آورده و تصریح کرده که حنفی صوفی است ، و از رساله نامبرده در فوق او برآید که با انصاف و خالی از تعصب بوده ،

علامه تهرانی او را شیعه پنداشته و در (الذریعه ۱۲ : ۲۳۵) این رساله را نامبرده و فرموده نشانه هائی بر شیعه بودن مؤلف آن دارد ،

***** در(فهرست کتابهای چاپی فارسی۳ :۳۷۵۲) چاپ دوم ، و (مؤلفین کتب چاپی۱ : ۶۲۱) گوید از روی خط محمدحسن گلپایگانی در (۱۳۱۳) و (۱۳۱۴) چاپ شده ، ولی بنظر ما اشتباه است‌و تنها یکبار به طبع رسیده ،

سادات جزائری

این خاندان با عظمت از مهمترین وپرجمعیت ترین و مشهورترین خاندانهای دینی وعلمی بوده که بزرگان واخیار آنان نسل اندرنسل در گوشه وکنار بوده و هستند * و مردان با فهم ومهربان بسیاری دارند **

دانشمندان وبزرگانی از آنان برخاسته‌که‌خدمات ایشان طی سه قرن معروف‌اهالی‌خوزستان بلکه‌ایران و جهان است ، رجالی برجسته و شخصیتهائی وارسته ازایشان به ظهور پیوسته که در نقاط مختلف گیتی توطن‌اختیارنموده و منشأ آثار مهمه و افتخار در هر شهر ودیار گردیده‌اند ،که‌از رجال‌آنان درخارج کشور مرحوم سیدعلی سلطان‌العلماء ۷ (شاخه‌چهارم) در حیدر آباد ، ومرحوم مفتی سیدمحمدعباس۶ (شاخه‌پنجم) در لکهنو ، ومرحوم پرفسور سیدهدایت الله۹ (میوه‌اول) در مدارس ، و مرحوم آیه‌الله حاجی سیدعبدالصمد۷ (میوه اول) در نجف اشرف را برای نمونه میتوان نام برد ،

آثار ارزنده و خدمات زیبنده آنان به‌اجتماعات‌بشری و همنوعان که در اثر مساعی شایان وکوششهای فراوان بوجود آمده برای همه‌نمایان است ،

بیشتر افراد این خانواده از استعدادی فوق العاده برخوردارندکه‌درمراحل‌مختلف زندگی تقدم و تفوق و زیبندگی ولیاقت وصلاح وبرازندگی خود را آشکار نموده‌اند ،

حدت فهم وسرعت انتقال وقوه‌حافظه‌این دودمان رفیع البنیان مثل زد خاص و عام و آشنایان است ، حدود نیمی از این جمعیت با برکت ، ارباب‌هنر و اصحاب‌معرفت (فقیه ، فیلسوف ، گوینده ، نویسنده ، خطاط ، شاعر ، طبیب ، منجم ، مهندس ، مورخ ، مؤلف ، مترجم ، مدرس ، دبیر) و بقیه‌به‌کارهائی مانند بازرگانی وکشاورزی و مشاغل اداری یا ریاست ووزارت و استانداری اشتغال دارند ، و کمتر افراد بیکاره در میان‌آنان‌یافت‌میشود وبقول صاحب شجره‌طیبه (کسانیکه‌ازعوالم مادیه‌قدمی فراتر نهاده و از احتیاجات روحی بشر با خبرند ، میتوانند بفهمند که این آقایان در مدت سه قرن گذشته چه اصلاحات و خدمات روحی واخلاقی واجتماعی نسبت به مردم خوزستان و دیگران‌نموده‌اندودرتربیت آنها چه رنجهابرده‌اند ،

اما شرح خدمات علمی و مذهبی این خاندان ، پس‌کتاب جداگانه‌لازم دارد ،

اجمالش آنکه‌چون سیدنعمت الله‌جزائری دراواسط نیمه‌دوم قرن یازدهم در شوشتر توطن اختیارنمود ، کمر به‌نشرعلم و احیاء شعائر دیانت بست وعده‌زیادی از مردم شهرواطراف

---

* *فوائد الرضویه* ۲ :۶۲۴ و *منتهی الامال* ۲ :۱۶۰ و *هدیه الاحباب*: ۱۵۴

** (زندگانی من : ۲۵۶) چاپ چهارم تالیف احمد کسروی ،

را در مدرس خود (مدرسه جزائریه) پذیرفته تربیت مینمودو در این مسلک شریف زیاده از سی سال رنج برد ، و پس از او فرزندش عالم جلیل سیدنورالدین و نوادهاش علامه سید عبدالله‌وسایر اولاد واحفاد بسیره‌سنیه‌اش اقتدا نموده ، وسیله‌اهتداء خوزستانیان‌را فراهم ساختند و لوای علوم ومعارف حقه‌ودیانت حنیفه را برکنگره فلک برافراختند ، در نتیجه فداکاریهای این خاندان ، علوم‌دیانت وادبیات وریاضیات درخوزستان رواج یافت و زیاده از بیست مدرسه در شوشتر وسایر نواحی بر پا گردید که تا آلان بعضی بر پا است و آثار بقیه‌هم باقی است ، و از آن زمان الی الان این‌خاندان برکت و عظمت تواءمان ، پیوسته کانون تابش اشعه علم وهدایت بوده و آفاق را از نور خود روشن نموده است ،

قوم علو مهم عن جدهم اخذت عن جبرئیل و جبریل عن الباری

و اما در باب کثرت نسل پس سادات نوریه هم از غالب ذریه وسائر بریه در این قضیه صاحب مزیداند)

علامه استادشیخ مجتبی لنکرانی با نگارنده وجمعی از سادات

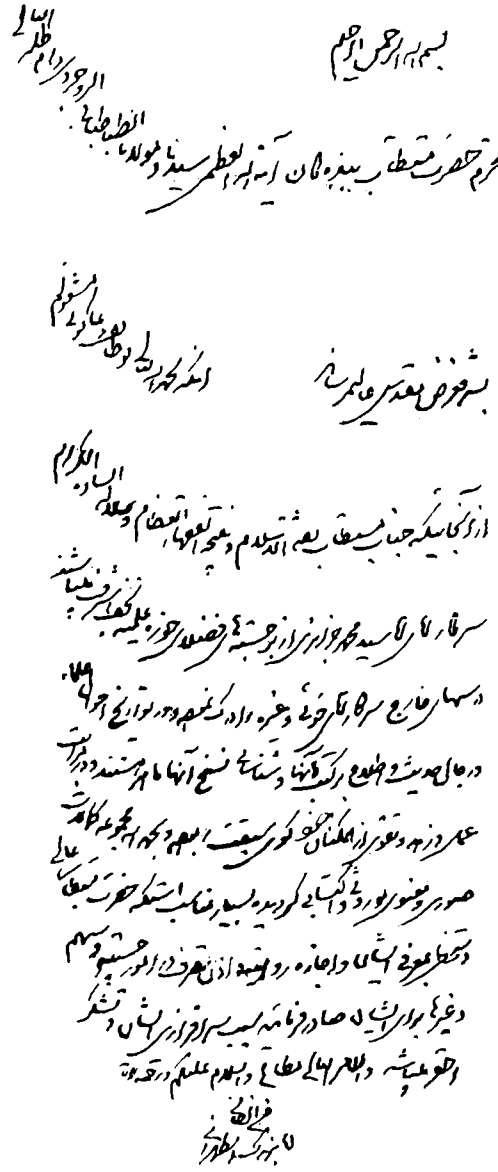

خط علامه تهرانی صاحب الذریعه

ساقه اول

* مشتمل بر شش شاخه که دو شاخه آن در این جلد آمده *

* ساقه اول *

جداعلی وسرسلسله جلیله سادات نوریه ، علامه مشهور مرحوم سیدنعمت الله ابن سیدعبدالله جزائری است (قدس سره السری) ،

آن جناب که ازعلمای بنام عالم اسلام وصاحب آثار ارزنده علمی بوده ، در (۱۰۵۰=معظم) متولد * و در (۱۱۱۲= غبن کلی) متوفی ، و در جایدر نزدیک پل دخترمدفون گردیده است ،

فرزندانی داشته که در (نابغه فقه وحدیث : ۲۳۶) مذکوراند ، ارشد آنان فقیه ادیب امین مرحوم سیدنورالدین ۲ متولد (۱۰۸۸= بلندبخت) و متوفی (۱۱۵۸= اختلاف احوال) و مدفون در جنب مسجد جامع شوشتر بوده ، که عموم (سادات نوریه) از نسل اویند و به همین سبب بنام مذکور نامیده شده اند ، نسابه معروف مرحوم سید جعفر اعرجی در (مناهل الضرب) احتمال داده وجه تسمیه به نوریه ، انتساب به سید نورالدین بن سید سعدالدین سید عیسی بن سید موسی بن سیدعبدالله فرزند امام هفتم حضرت موسی کاظم (علیه السلام) باشد که در عمود نسب جداعلی واقع است ، اما بنظرما این احتمال بعید است ،

ما شرح حال دو نیای مزبوررا درکتاب (نابغه فقه وحدیث) سابق الذکرنگاشته ایم ، مرحوم سیدنورالدین ۲ پنج دختر داشته بطوریکه در (نابغه فقه وحدیث : ۲۸۱) نوشتیم ، و دارای هشت پسر بوده دو تن در حیات وی درگذشته اند ، که ذیلا نگارش می یابند : سید فرج الله ۳. سیدنعمت الله ۳ ، وباقی عبارتند از : سید عبدالله ۳. سید حسین ۳ . سیدمحمد ۳ سید مرتضی ۳. سید طالب ۳. و سید رضی الدین ۳. ** که احوال واعقاب آنان را ضمن شش شاخه می نگاریم ،

در (کهن شعرای خوزستان : ۲۳۱) *** شجره پسران آقاسیدنورالدین را ترسیم نموده اما شش نفر را نوشته که ناقص است ، ودراثناء و فهرست آن کتاب نام آنها را به (صفحه ۲۳۰) حواله داده با اینکه در (۲۳۱) مذکور اند ،

وسیدفرج الله ۳ مذکوررا در (تذکره شوشتر : ۶۰) قبل ازسیدنعمت الله نامبرده وفرموده درحویزه ماه ذیقعده (۱۱۴۶= خلل افتاد) بلاعقب درگذشته ، درشجره نوریه هم نوشته (بلاعقب توفی شابا) ،

---

* (الانوارالنعمانیه ۴ : ۳۰۲) چاپ تبریز

** (تذکره شوشتر : ۶۰) و (تحفه العالم : ۱۰۴) و (شجره نوریه)

*** تألیف معاصر محترم سید محمدعلی امام (دام تاییده) فرزند مرحوم حاج سید هبه الله دزفولی ، چاپ (۱۳۹۴) که کتاب حاضر ما را در شمار مآخذ خطی خود در (صفحه ۲۸۳) یاد کرده ودر صفحات عدیده از ما نام برده است .

صاحب تحفه او را بعد از سید نعمت الله۳ در اولاد آقا سید نورالدین۲ یاد کـرده و در باره‌اش هیچگونه توضیحی نداد ه با اینکه باقی برادرانش را ترجمه کرده است .
علامه تهرانی در الکواکب المنتثره) درگذشت او را به نقل از اجازه کبیره‌در (۱۱۴۴) نوشته ، که اشتباه است و در اجازه مذکور نیست .
و سید نعمت‌الله۳ بن سیدنورالدین ۲ که معروف‌به سید آغائی بوده‌نیزعقبی‌نداشته‌است . در (اعیان الشیعه۱ : ۱۲۴)و(۵۰: ۲۵) و (تحفه‌العالم۱۱۶ـ۱۱۷) و (ترجمـه فلاسفه الشیعه) و (الذریعه) و (الکواکب المنتثره)و (نجوم‌السماء :۲۵۸) مذکور است ، و چنیـن برآید که وی حکیمی ماهر وفیلسوفی شاعر و سیدی عالیقدر و در فنون هندسی و ریاضی منشرح الصدر بوده ، به شعر و شاعری رغبتی تمام داشته ، دیوانی تخمینا "سه‌چهار هزار بیت از او به یادگار است ، اشعار برجسته‌دارد (سید) تخلص اواست .
در جوانیها از شوشتر برآمده در عراق وخراسان به‌تکمیل علوم ریاضی پرداخت و ازآنجا به‌هند افتاده از پادشاه ذی جاه (محمدشاه) عزت واحتشام یافت .
در بستن زیج محمدشاهی سرآمد رصدبندان دقیقه‌یاب ، واحذق اخترشناسان بطلمیـوس انتساب‌بود ، در پیشاور در (۱۱۵۱= بجنت ره‌یافت) بلاعقب درگذشت (رحمةالله‌علیه) در (شجره نوریه) او را مصنف (تسهیل زیج الغ بیگی) معرفی کرده که اشتباه است . و صحیح آن (زیج محمدشاهی)است که یک نسخه مورخ (۱۲۲۷) بشماره (۱۶۱۵)درکتابخانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلم) در نجف اشرف موجود است .
یکی از نویسندگان معاصر هم در نام زیج مذکور و مؤلفش اشتباهی داشته‌که‌در (نابغه‌فقه وحدیث : ۲۸۵) یادآور شدیم .
از اشعار سید آغائی این یک بیت را برادر زاده‌اش سید بهاءالدین۴ بن سید عبدالله ۳ در پشت نسخه‌ای از (المختصر النافع) به او نسبت داده

گر کسی را به (شرائع) نظری افتاده است دوجهان دربراو (مختصری)افتاده‌است

و ابیات زیر هم که تخلص (سید) را دارد محتمل است از ایشان باشد ، گرچه‌این‌تخلص مشترک بین چندین نفر شاعر بوده ولی از بعضی قرائن مستفاد میشود که از او است .

ای بسا معصیت آلوده به نافرمانـی شرم بادت زخدا تاکی از این نادانی
همه‌شب‌خفته‌ای‌غافل‌شده‌ازرحمت حق روز ها درطلب عشرت هر عصیانـی
چند گوئی که به پیری‌رسم و توبه کنم چه کنی گـربجوانی به لحد درمانی
مگر از ضائعة الموت نداری خبـری که چنین مانده‌ای در عالم سرگردانی

---

* شرائع یا شرائع الاسلام ، و مختصرش (النافع) ، دو کتاب فقهی معروف از محقق حلـی (رحمه الله‌تعالی) هستند ،

نوجوانان همه نومید عروسان ناکام | قد بالای خوش اندام سیه چشمانی
همنشین همه در زیر لحد خاک شدند | چشم عبـرت بگشا خواجه اگر انسانی
بر سر قبر کسی رفتم و گفتم چونی | گفت احوال مپرس چونکه بیائی دانی
من هم ازاهل جهان مثل تومردی بودم | داشتم مال و زن و خانه و فرزندانـی
این زمان در لحد تنگ بودجا و مکان | قبر تاریک بود در همه شب ظلمـانی
نه رفیق و نه شفیق و نه مراهمدم ویار | بجز ازعقرب و مارم نبـود مهمانـی
غم روزی مخورهرگزکه خدا رزاق است | تو چرا غم خوری و وسوسه شیطانی
این نه آنجا است که پرسند زکس اصل ونسب | اگـر از اصل که آیا پسـر خاقانـی
رشوه از درهم ودینار نگیراند زکـس | عمل خیر بکار آیـد اگـر بتـوانـی
تو که امـروز سوار کمیتـی هستـی | اسب چـونی ز برای توکند جولانی
باید آخر شدنت بر فرس چوب سوار | نـرود مرکب دیگر به چنان میدانـی
چون بیایند نکیرین کنند از توسئوال | بجوابش تـو فرومانی و هم درمانی
آن زمان دست بدامان کسی باید زد | که بـود نام گـرامش علی عمرانی
جز علی بن ابیطالب و فرزندانـش | نکند چـاره دردت دگـری درمانـی
دارد امید شفاعت ز تو یا شاه نجـف | (سید) مذنب عاصی به جزا برهانی

و ناگفته نماند که (آغا) و(آقا) بمعنی رئیس و مهتـر و مانند آن فارسی است ،و جهت احترام با نام اشخاص چه مرد وچه زن ذکر میشود ، وبعضی عقیده دارند که اصل این دو کلمه ترکی مغولی میباشد ، چنانکه مشهور بر آنند که برای مردان (آقا) و برای زنان (آغا) باید نوشته شود * و فعلا" در خرم آباد و نواحی چنین متعارف است ،

* (فرهنگ عمید: ۳۷) و (مکارم آثار: ۲۹ مقدمه) ،

بسم الله الرحمن الرحيم

قد تم هذا الشرح المبارك على تهذيب
الحديث في عدة ثمان مجلدات وقد مر
عليه نظر المؤلف أيده الله تعالى من الأول إلى الآخر
فصح بتوفيق الله تعالى وليت الأحرف مؤلفه
الفقير إلى الله الغني نعمة الله الحسيني الموسوي
حميدي الأولى من عام الثاني عشر بعد المائة والألف
في محروسة شوشتر في دار المجاورة لجامعها
الأعظم حامدا مصليا مسلما

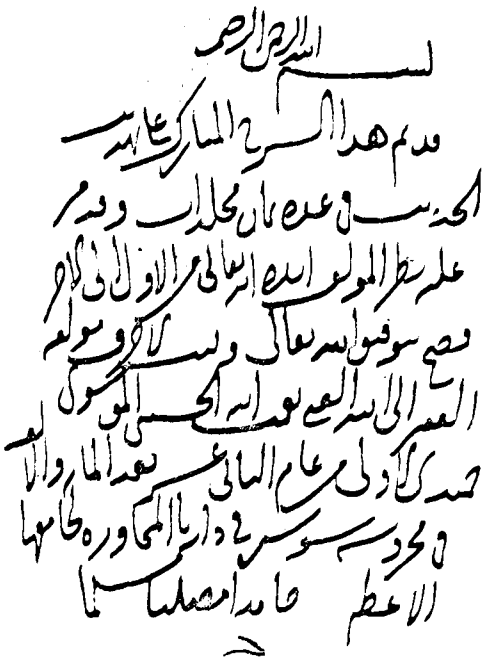

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على عباده الذين اصطفى
محمد وآله خيرة الورى وبعد [illegible] على جملة وافية من هذا
الكتاب الولد الأعز الموفق المؤيد المسدد ثمرة فؤادي وأعز أولادي
ومن له أرقى وسهادي السيد عبد الله وفقه الله تعالى للارتقاء إلى أعلى مدارج العلم والكمال
وصانه عن الخطأ والخلل في جميع الأفعال والأقوال وأمده بالعمر المديد السعيد والعيش الطيب الرغيد
ثم استجازني روايته بعدما حقق درايته فاستخرت الله تعالى وأجزت له رفع الله إقباله وحباه في الدارين
آماله رواية هذا الكتاب وسائر كتب الأخبار ومصنفات فقهائنا الأخيار رضوان الله عليهم في سائر الأعصار حسبما
أجازني والدي النحرير العلامة أعلى الله في الخلد مقامه والشيخ الأجل الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي صاحب وسائل الشيعة الساكن في المشهد
المقدس الرضوي تغمده الله بغفرانه وأسكنه بحبوحة جنانه وشرطت عليه ما شرط علي من سلوك طريق الاحتياط في النقل والفتوى ومراقبة الله سبحانه
في سائر الأمور وملازمة التقوى وأرجو أن لا ينساني في أعقاب الصلوات ومظان الإجابات في الحيوة وبعد الممات والله ولي الخيرات
وكتب هذه الكلمات بيده الجانية والده نور الدين بن نعمة الله الحسيني الجزائري القاطن في محروسة شوشتر صانها الله عن الخطر في شهر صفر المظفر سنة ١٠٣

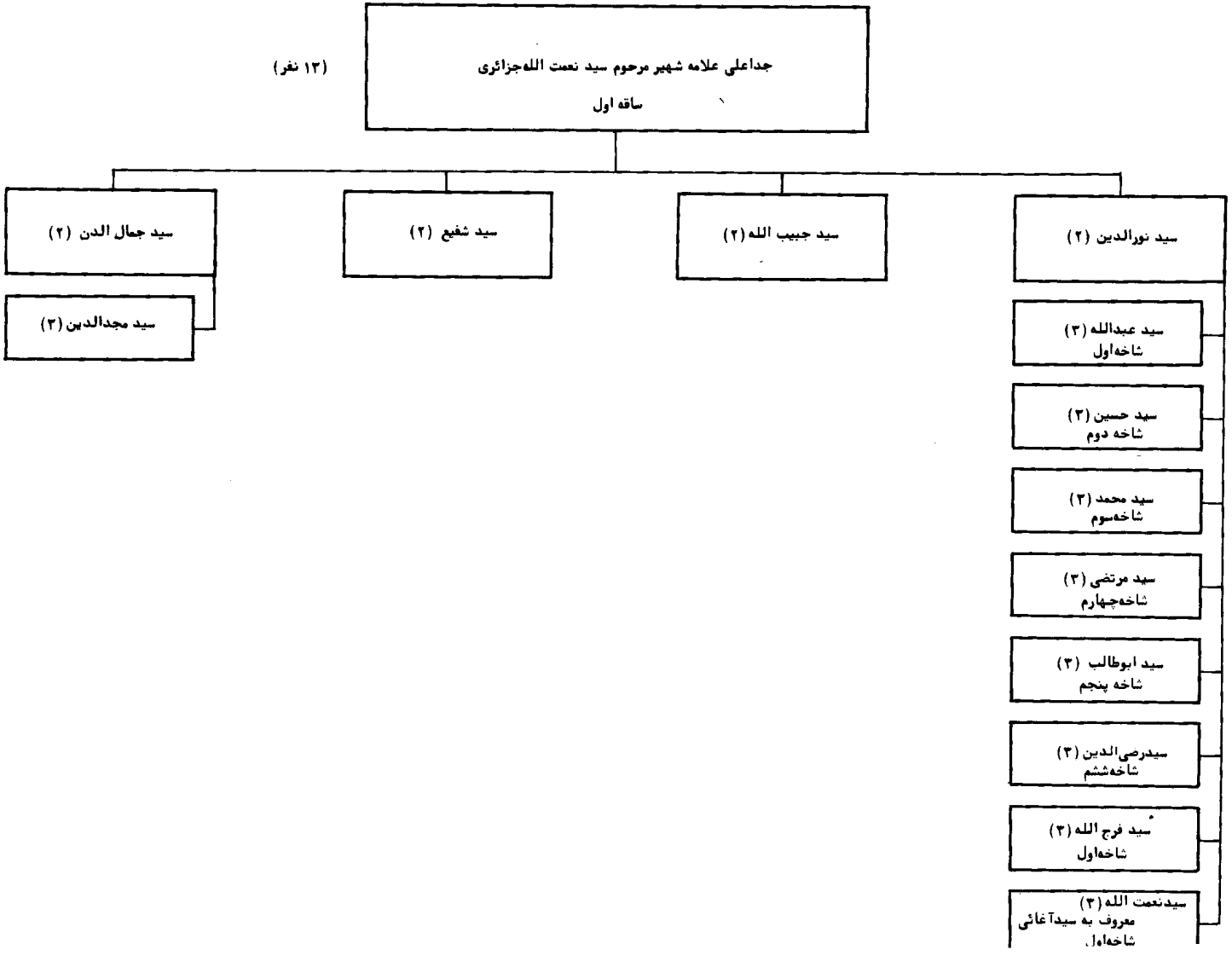
جداعلی علامه شهیر مرحوم سید نعمت الله‌جزائری
ساقه اول
(۱۳ نفر)
سید نورالدین (۲)
سید عبدالله (۳)
شاخه‌اول
سید حسین (۳)
شاخه دوم
سید محمد (۳)
شاخه‌سوم
سید مرتضی (۳)
شاخه‌چهارم
سید ابوطالب (۳)
شاخه پنجم
سیدرضی‌الدین (۳)
شاخه‌ششم
سید فرج الله (۳)
شاخه‌اول
سیدنعمت الله (۳)
معروف به سیدآغائی
شاخه‌اول
سید حبیب الله (۲)
سید شفیع (۲)
سید جمال الدن (۲)
سید مجدالدین (۳)

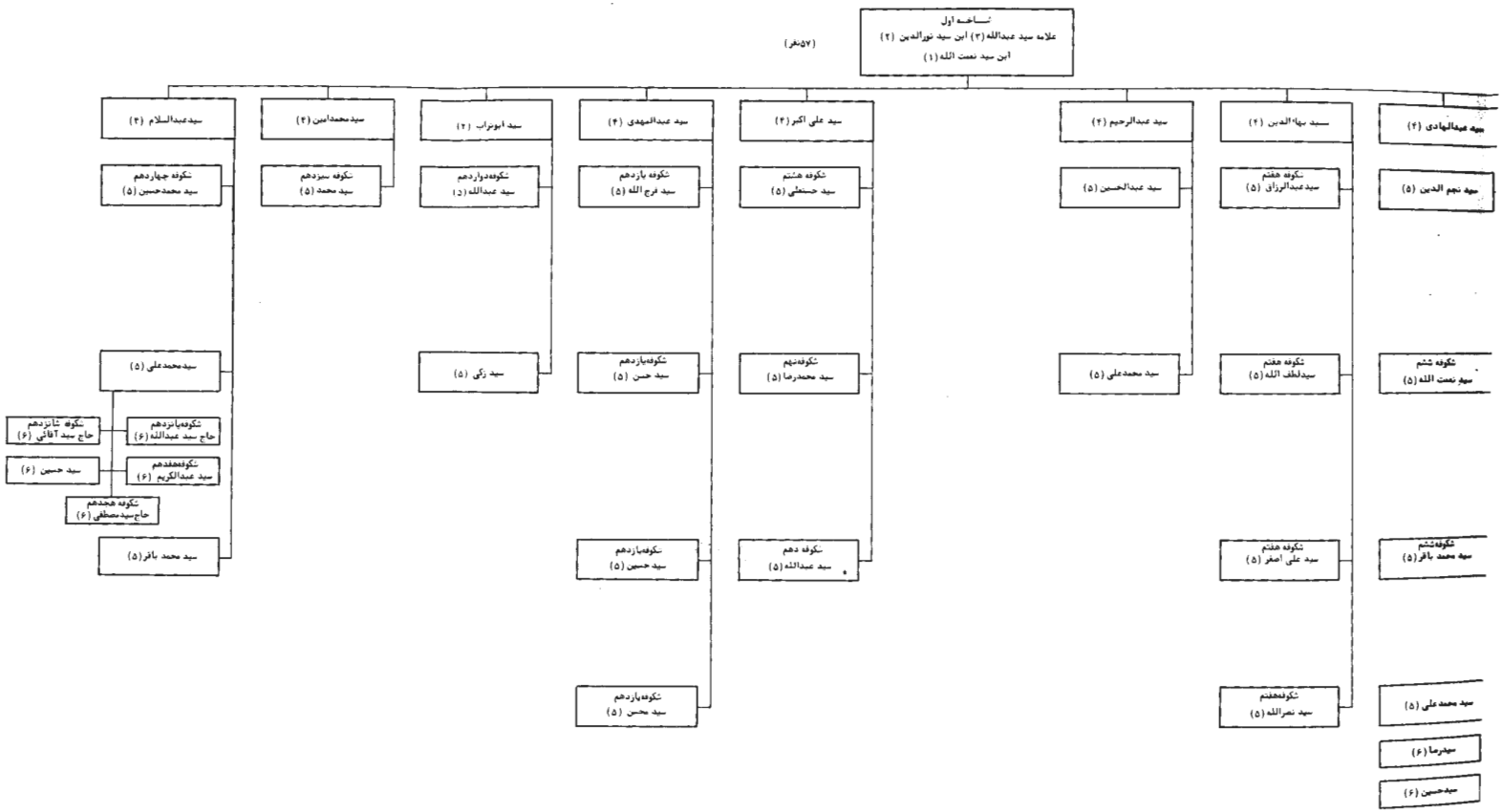
شاخه اول
علامه سید عبدالله (۳) ابن سید نورالدین (۲)
ابن سید نعمت الله (۱)
(۵۷نفر)
سید عبدالهادی (۴)
سید نجم الدین (۵)
سید بهاءالدین (۴)
نکوفه هفتم
سید عبدالرزاق (۵)
سید عبدالرحیم (۴)
سید عبدالحسین (۵)
سید علی اکبر (۴)
نکوفه هشتم
سید حسنعلی (۵)
سید عبدالمهدی (۴)
نکوفه یازدهم
سید فرج الله (۵)
سید ابوتراب (۲)
نکوفه دوازدهم
سید عبدالله (۱۵)
سید محمدامین (۴)
نکوفه سیزدهم
سید محمد (۵)
سید عبدالسلام (۴)
نکوفه چهاردهم
سید محمدحسین (۵)
نکوفه ششم
سید نعمت الله (۵)
نکوفه هفتم
سیدلطف الله (۵)
سید محمدعلی (۵)
نکوفه دهم
سید محمدرضا (۵)
نکوفه یازدهم
سید حسن (۵)
سید زکی (۵)
سید محمدعلی (۵)
نکوفه ششم
سید محمد باقر (۵)
نکوفه هفتم
سید علی اصغر (۵)
نکوفه دهم
سید عبدالله (۵)
نکوفه یازدهم
سید حسین (۵)
سید محمد باقر (۵)
نکوفه هفتم
سید نصرالله (۵)
نکوفه یازدهم
سید محسن (۵)
سید محمدعلی (۵)
سیدرضا (۶)
سیدحسین (۶)
نکوفه یازدهم
سید محمد (۶)
نکوفه دوازدهم
حاج سید عبدالله (۶)
نکوفه شانزدهم
حاج سید آقائی (۶)
نکوفه هفدهم
سید عبدالکریم (۶)
سید حسین (۶)
نکوفه هجدهم
حاج سیدمصطفی (۶)

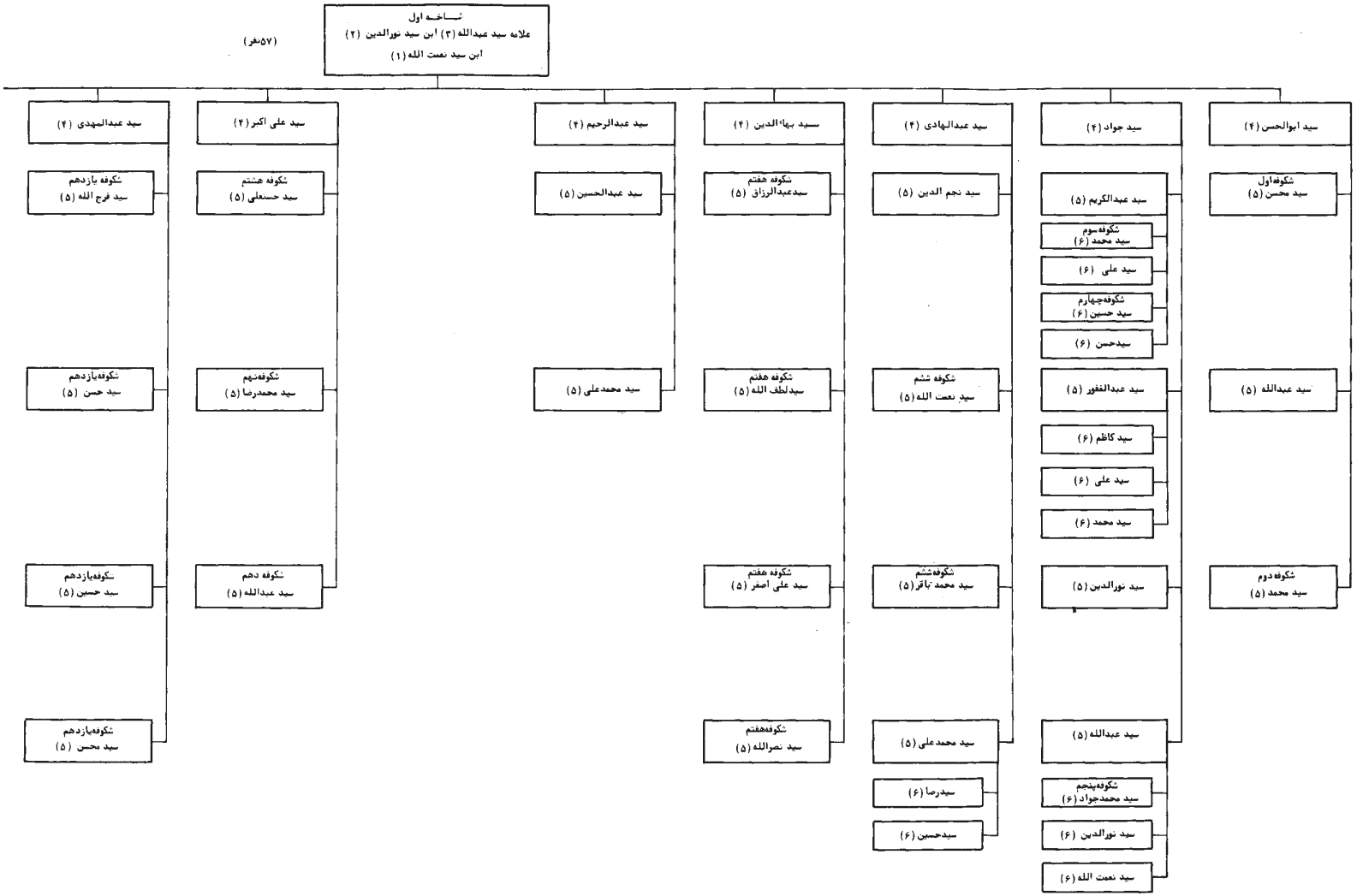
شـــاخـه اول
علامه سید عبدالله (۳) ابن سید نورالدین (۲)
ابن سید نعمت الله (۱)
(۵۷نفر)
سید ابوالحسن (۴)
سید جواد (۴)
سید عبدالهادی (۴)
سید بهاءالدین (۴)
سید عبدالرحیم (۴)
سید علی اکبر (۴)
سید عبدالمهدی (۴)
شکوفه اول
سید محسن (۵)
سید عبدالکریم (۵)
سید نجم الدین (۵)
سکوفه هفتم
سیدعبدالرزاق (۵)
سید عبدالحسین (۵)
شکوفه هشتم
سید حسنعلی (۵)
شکوفه یازدهم
سید فرج الله (۵)
شکوفه سوم
سید محمد (۶)
سید علی (۶)
شکوفه چهارم
سید حسین (۶)
سیدحسن (۶)
سید عبدالله (۵)
شکوفه ششم
سید نعمت الله (۵)
شکوفه هفتم
سیدلطف الله (۵)
سید محمدعلی (۵)
شکوفه نهم
سید محمدرضا (۵)
شکوفه یازدهم
سید حسن (۵)
سید عبدالغفور (۵)
سید کاظم (۶)
سید علی (۶)
سید محمد (۶)
شکوفه دوم
سید محمد (۵)
سید نورالدین (۵)
شکوفه ششم
سید محمد باقر (۵)
شکوفه هفتم
سید علی اصغر (۵)
شکوفه دهم
سید عبدالله (۵)
شکوفه یازدهم
سید حسین (۵)
سید عبدالله (۵)
سید محمدعلی (۵)
شکوفه هفتم
سید نصرالله (۵)
شکوفه یازدهم
سید محسن (۵)
شکوفه پنجم
سید محمدجواد (۶)
سیدرضا (۶)
سیدحسین (۶)
سید نورالدین (۶)
سید نعمت الله (۶)

شاخه اول

* مشتمل بر هجده شکوفه *

* شاخه اول *

حضرت علامه سید عبدالله ۳بن سید نورالدین ۲ بن سیدنعمت الله۱ ،کهپس ازپدرجمیع مناصب او را از شیخ الاسلامی و قضاوت * و تدریس و نیابت صدارت ** و امامت جمعه و جماعت و تولیت مسجد جامع و امر به معروف و نهی از منکر وسائر مناصب شرعیه *** دارا بوده ، نابغه زمان ونادرهاوان‌و وحید دوران و فخر ایران است در جامعیت و کثرت فنون و تسلط و تبحر در علوم مختلف کم نظیر ، و در تاریخ عده‌ای انگشت شمار مانند آن بزرگوار را میتوان یافت ، اما بواسطه بودن در خوزستان وشوشتر که در گوشه‌ای دور از تردد مردم و فضلا واقع است مجهول‌القدر مانده ،وبسیاری‌ازخواص هم او را نشناخته و بپایه علمی وی دست نیافته‌اند ،

شرح حال آن جناب به کتاب جداگانه احتیاج دارد ،

این جانب در (۱۳۷۵) رساله‌ای در ترجمه‌او بعربی نگاشته**** و مصادر ترجمه وی را اراء ه داده‌ام ، در (دائره‌معارف الشیعه الامامیه ۶ : ۷)*****و (دائره‌المعارف جندقی

---

* قضاوت باو اوغلطی مشهور است زیرا قضی یقضی ناقص یائی است و مصدر آن قضاء که در اصل قضای بوده و قضیا " و قضیه میباشد ،

** شیخ الاسلام در عرف وعادت بکسی اطلاق میشود که‌متصدی افتاء و قضاء و حل مشکلات بین مردم باشد ، و این منصب را سلاطین به علماء اهل سنت میداده‌اند همانطور که قاضی و امام جمعه‌رانیز معین میکرده‌اند ،

اول کسی که از سلاطین شیعه این سه‌منصب را به علماء شیعه داد شاه‌اسماعیل صفوی بود ، وصدارت تصرف در امور موقوفات بوده ، و صدر در پایتخت که اصفهان بوده می نشسته و هرکسی‌را برای رسیدگی بامور موقوفات درشهرستانهای دیگر معین میکرده ، او را نائب الصدر گفته اند ،(مکارم‌الآثار۹۴ مقدمه و ۸۲۰–۸۲۱)

نگارنده گوید این دوکلمه (شیخ الاسلام)و(صدر) امروز صرفا " لقب خانوادگی بعضی ازافراد میباشند . ودرحاشیه تذکره الملوک گفته شیخ الاسلام بدعواهای شرعی وامر بمعروف ونهی از منکر میرسد و طلاق شرعی را در حضور شیخ الاسلام میدادند و ضبط مال غائب و یتیم اغلب با او بوده و بعد از آن بقضاء مرجوع شد الخ

*** (تحفه‌العالم: ۹۱) اما امر بمعروف و نهی از منکر را که از واجبات کفائیه است جزء مناصب قرار دادن خالی از مسامحه نیست ، وشاید باعتبار قدرت و ترتیب اثر بر آن اطلاق شده باشد ،

**** این رساله را صاحب (الذریعه) تقریظی نوشته و درآن کتاب (۱۱ : ۱۴۴) یاد کرده ، در (معجم رجال الفکر: ۹۲) چاپ نجف اشرف و (ارمغان اصفهان: ۶۶) چاپ اصفهان هم در ضمن تالیفات نگارنده نوشته شده ، نسخه مسوده را تقدیم کتابخانه مرحوم آیه‌الله‌حکیم (قدس سره)در نجف اشرف نموده ، و پاکنویس نزد خودم میباشد ،

***** تالیف شیخ عبدالعزیز جواهر کلام معاصر ، مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۳۲۲)

۱۳ : ۵۳) نامش آمده اما در هر دو اشتباه رخ داده ، محدث شهیر شیخ یوسف بحرانی (متوفی به سال ۱۱۸۶) در (لؤلؤة البحرین : ۱۰۵) چاپ نجف اشرف ،وی را (المحقق الاواه) توصیف نموده ، در (وادی ایمن) در حرف عین او را نوشته و گفته آنچه اوصاف آن بزرگوار نویسم اندکی از بسیار و یکی از هزار است .

و محدث نیشابوری در باره‌اش فرموده (سیدسندعارف سیدعبدالله‌بن سیدنورالدین‌بن سید نعمت الله‌جزائری شوشتری (قدس الله‌ارواحهم الزکیه) مثل جد و پدرش از اجله مشایخ وبزرگان محدثین است ، تصانیف رشیقه در دین دارد ، مخصوصا شرحی برمفاتیح داشته‌که‌در دیباجه آن حق کلام را ادا و نهایت تحقیق مرام را هویدا ساخته است ، فاضل بصیر شیخ محمد ابراهیم طبسی * هم بهمین نحو او را ستوده ،

وازمعاصران که‌اورانامبرده‌اند ،مورخ‌سنی (عمررضاکحاله) در (معجم‌المولفین۶ : ۱۶۰)دروصف وی چنین‌نگاشته (عالم ، فقیه ، ادیب ، ناثر ،مورخ ، لغوی ، مشارک‌فی‌انواع من العلوم) ، در (اعیان الشیعه۴۶ : ۱۱۸) سیدعبدالله‌بن‌سیدنعمت الله ، اشتباه‌است که‌از ناشر یا مطبعه سر زده‌و این‌اشتباه‌در جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان صفحه ر هم‌آمده، و در (وحید بهبهانی ۱۳۰) و (شرح حال آیه الله بهبهانی ۲۲) تألیف فاضل معاصر شیخ علی دوانی (سلمه‌الله) ، سیدعبدالله‌نوه‌دختری‌سیدنعمت‌الله آمده که‌اشتباه و عجیب است زیرا در پاورقی صفحه‌کتاب اخیر تصریح کرده که اجازه سید عبدالله را دیده و دارد . و از اول و آخر اجازه معلوم میشود نوه‌پسری بوده ،ودر (دیار شهریاران۱ : ۶۸۱) نام پدر او را سید نورالله نوشته‌که آنهم اشتباه است ،

وولادت آن جناب در (۷ــ شعبان ــ۱۱۱۲= فضل رب) اتفاق افتاد **

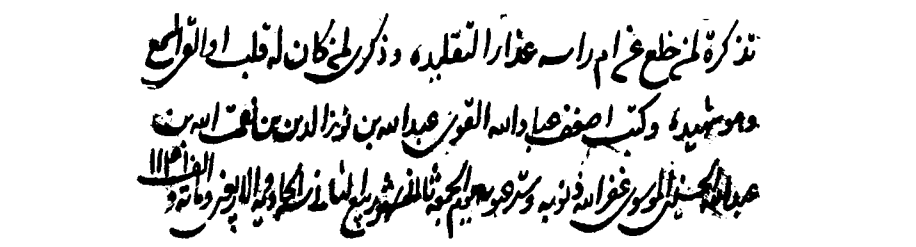

---

* مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۳۰۹)

** بطوریکه در نسخه خطی (تحفه‌العالم) مذکور است اما در چاپهای مختلف‌به‌چهاروچهارده تصحیف شده وسبب اشتباه نویسندگان گردیده به‌تفصیلی که درمقدمه (تذکره شوشتر: ۴) نوشته ایم ، در (مکارم آلاثار ۱: ۳) چهار ، و در کتب دیگر چهارده نوشته‌اند ، که ناشی از عدم توجه به تصحیف مزبور است ، تنها در (کهن شعرای خوزستان: ۱۸۸) بطور صحیح نوشته شده که صاحب آن ، مقدمه تذکره را دیده و از اشتباه مصون مانده است ،

* تحصیلات *

در (شجره‌طیبه) فرماید (والدماجدش سید نورالدین از چهارسالگی همت به تعلیم وی گماشت و در مدتی خیلی کم سواد فارسی و نوشتن را تعلیمش نمود ،
پس از تحصیل خط و سواد شروع به ادبیات عرب نمود صرف و نحو و معانی بیان رادردو سال تکمیل‌نمود ، و به حدت تمام به معقول و منقول مشغول شد ، چون‌به‌شانزده سالگی رسید از تحصیل علوم متداوله عصر خویش فارغ گردید *

آنگاه سید را شوق ملاقات افاضل واساتید معاصر بسر افتاده ، رهسپار اصفهان شد وبعداز چندی توقف از آنجا بفارس مسافرتی فرمود و از محاضر فضلای آن دیار استفاده نمـود ، سپس از فارس به خراسان واز آنجا به آذربایجان وبعضی بلاد انـاضول (آسیای صغری) مسافرت کرد و در هر جا صاحب کمالی را سراغ داشته بسراغ‌وی‌رفت ،حکمیات‌وریاضیات‌را به‌حداکمل فرا گرفت وبه شوشتر بازگشت وبه نشر فضائل و معارف مشغول شد ، و با وجود آنکه حوزستان در آن زمان از برکات مجاهدات والدعالی مقدار وجد بزرگوارش‌مهبط علم و عرفان ومعدن ایمان وایقان بود ، تابش اشعه کمال‌آن نادره اعصار نور سابر فضلاو علما رامحو ونامرئی ساخت واشتهارصیت‌آن‌وحید روزگار ساحت‌آفاق‌راپرنمود ،ومکرر معاصرینش از بلاد دور دست مثل نهاوند و حویزه مسائل مشکله در فنون مختلفه از آنحضرت کتبا " سئوال می نمودند ، وآنها را جوابهای شافی منظم بدلائل کافی میداد که‌بعضی‌جوابها بصورت کتابی تدوین شده‌است ،
در استیلای آزادخان افغان بر اصفهان که بعدازکریم خان زند شکست خورد و بسیاری از مردم بلده متفرق گردیدند ، یکی از اعاظم کشیشان نصاری جزء اسرا بدست‌افاغنه‌افتاده بود ، سید وی را مستخلص نموده چندی در شوشتر نگاهداشت تا کتب مذهبی نصاری رااز او فراگرفت ، و در همان اوقات یکنفر حاخام یهودی را از اصفهان و یکنفر موبدزردشتی‌را از یزد طلب داشت تا توراه‌وزند واوستارا نزد ایشان بخواند ، و این سه نفر عالم‌مختلف الدیانه‌را نزدخودنگاهداشت تا معلومات متشته آنانرا تحصیل نمود ، وکمترکسی‌ازفضلای اسلام را این‌جامعیت میسر آمده که‌آنحضرت بدان موفق شد *
علم‌هیات‌ونجوم‌واستخراج‌تقاویم‌اززیجات‌واسطرلاب‌وهندسه‌واعداد درخوزستان‌ازبرکت‌انفاس

---

* مطلب فوق با توجه به هوش سرشار و استعدادی که از آن برخوردار بوده استبعادی ندارد و داستان بخشیدن جداعلی برخی از کتب خود را بوی در ایام رضاع و شیرخوارگی که آثار رشدوفرزانگی در او دیده نیز مؤید آنست ،
وآنگهی نظیر آنرا در حالات نوابغ دیگر چون ابن سینا وعلامه‌حلی وفاضل هندی (رحمهم الله‌تعالی) نیز نوشته اند .

آن یگانه روزگار رواجی بسزا یافته، وعده‌ای زیادازمردم این سامان درمحضرآنحضرت تحصیل ریاضی نموده ، هر یک منجمی ماهر شدند ، و تا این آواخر که بازار هرکمالی در این حدودکساد است هنوز اشخاصی پیدا میشوند که‌اطلاعاتی از نجوم و هیات و ریاضیات دارند و همه شاگردان مع الواسطه آن عالی مقدارند که یدابید استفاده نموده‌اند ، و قواعدی برای رؤیت اهله و سایر تقاویم کواکب ، بقوه ذهن وهاج خویش کشف فرمود وتسهیلاتی در قواعد استخراجیه قدمابداد که متاء سفانه در کتابی تدوین نشده‌است و قسمت مهم‌آنهااز بین رفته و ذکرشان در افواه مانده است ، و بقیه که در سینه بعضی ثبت‌است دراثر متروک شدن تحصیل هیات و نجوم و استخراج تقویم بگور خواهد رفت ،

حضرت سید مکرر میفرمود که اگر پادشاه مقتدر علم دوستی پیدا میشد که متحمل مصارف تاسیس رصدخانه بشود زیجی می بستم که بر زیجات سلف را جح آید و از تغییرواندراس محفوظ ماند ولایق ذخیره سلاطین قدرشناس باشد ،

* مسلك و اخلاق *

مذاق لطیف آن سید حق پرست در هر زمینه‌وموضوع شیرین و موزون است

فضائل حقیقت را با محاسن طریقت جمع داشت ،

در اصول اعتقادیه مشربش بین عرفای اشراقی (وحکمای) رواقی

در فروع عملیه که‌محل اختلاف فقهاء است مسلکش متوسط بین مجتهدین واخباریین ،

و میفرمود این طریقه به‌حقیقت !قرب و به احتیاط انسب است ،

مراتب فوق از (شرح نخبه) که نفیس ترین آثارذی قیمت آنحضرت است هویدا و روشن است ،

در دقت طبع وجودت ذهن و قوت حافظه و تیزی هوش در عصر خود طاق ، و در استغنا وآزادی طبع وعلو همت و ایثار بر نفس و تواضع وفروتنی وحسن‌اخلاق‌وسایرصفات حمیده و ملکات پسندیده یگانه آفاق بود ، با ارحام واقارب‌وفقرا راه‌مساوات ومواخات می پیمود، و با آن علو مقام و جلالت شان که‌حکام مقتدر وامرای معظم پاس آداب‌آنحضرت را کاملا ملحوظ میداشتند ، با ضعفا و عموم مردم مثل یک شخص عادی سلوک می نمود ، و لهذا هر فرد از اهالی حضرتش را دوست مخصوص خود میپنداشت وپدرمهربان خودمی‌انگاشت مخصوصا در اکرام واحترام طلبه‌وفضلای هر فن بی نهایت کوشان بود وازمجادله وخود نمائی محترز ، در قوت نفس و شجاعت ادبی وشهامت در قول وکتابت‌و عمل یکی‌ازنوادر محسوب میشد ، در شورای مغان * که بحکم قهرمان ایران نادرشاه افشار عموم فضلا

* در (سال ۱۱۴۸)

و معارف مملکت ایران آن روز اجتماع نموده‌بودند ، و سفرای روم وروس نیز حضورداشتند واز خوزستان عده‌ای بریاست آقاسیدعبدالله نیز بطوریکه در اجازه‌کبیره بآن اشاره نموده طلبیده شده بودند ، بگفته‌میرزا مهدی خان در جهانگشای نادری * یکصد و هفتاد هزار از اعیان واشراف کل ممالک وسیعه ایران آن زمان اجتماع نموده‌بودند ،که‌کمترتاریخ این گونه اتفاقات را در خاطر دارد ،

نخست به‌حکم آن پادشاه قهار چند کس از مشاهیر را به‌جزئی بهانه به قتل آورده ،و در حضور مردم یکی دو کس را چشم کندند ، مجلسیان از بیم سیاست خشن نادری مانند مجسمه بی روح در جای خود ایستاده وقدرت نفس کشیدن ازایشان سلب گردیده بود ،

در این حال اشاره بحضرت سید شد که خطبه در تهنیت سلطنت بخواند ، سید با کمال اطمینان خاطر که برای احدی در آن نمایشگاه‌موحش ومهیب اتفاق نمیشد ، بالبداهه خطبه‌ای در کمال فصاحت انشاء نمود و در خواندن مجلسیان رابحیرت انداخت ،

در سفر حجاز که آنحضرت از راه عراق رهسپار مشهد اقدس بود ، در حله و نجف اشرف علمای شیعه وسنی را ازایران وافغانستان‌وترکستان وبلاد عراق عرب بجهت تنقیح مذاهب بحکم نادرشاه مجتمع ساخته بودند ، باهر یک از علمای مذاهب اربعه مناظرات شایسته نمود وکلیه‌اعضاء مجمع را از احاطه و تبحر خود در تعجب انداخت ، تمام مناصب شرعیه خوزستان بعد از فوت والدش سید نورالدین به آنحضرت مرجوع بود و تمامی رابخوبی از عهده تقلد بر آمد ،

* تألیفات *

مولفات نفیسه آن عالم یگانه‌هرکدام درعالم‌خود آیه‌ای است ازکمال ،وبراستادی‌وجامعیت آنحضرت بهترین شاهدی است صادق المقال ،

قوت فصاحت وبلاغت وقدرت بیان وبنان شریفش بخوبی از آنهاظاهروعموماًمطبوع علمای بزرگ افتاده‌است) و آنها عبارت‌است از :

اول اجازه کبیره عربی برای چهار نفر از دانشمندان نوشته که دو نفر را در اول و دونفر را در آخر نامبرده ، تاریخ آن (یکشنبه۲ــ ج۲ــ ۱۱۶۸) بوده ، و نسخه‌هائی متعدداًزآن موجود است ،

---

* عبارت (شجره‌طیبه) بگفته میرزامهدی خان نادری در جهانگشا است ، و این همان میرزا مهدی استرآبادی صاحب (انشاات) و(درة‌نادری) است که‌کتاب دره‌وجهانگشایش چاپ شده است ،

بعضی نام آنرا درست ننوشته‌اند از آنجمله در (کهن‌شعرای‌خوزستان : ۲۸۳) بصورت (ذیل اجازات کبیر) یادشده که تلفیقی است از اشتباهات دیگران در نام‌آن ،وتوصیف مؤ نث به‌مذکر که‌درعلم نحونادرست شناخته‌شده ،

در (اعیان الشیعه۱-۲ : ۹۱) فرموده‌علمای چهل ویکسال را از (۱۰۹۷تا۱۱۳۸) در آن نوشته ،واین اشتباه‌است ، و درست آن شصت‌ویکسال است تا (۱۱۶۸) چنانکه در (همان جلد صفحه۴۵۳) نوشته‌است ، بعضی از آن تعبیر به‌اجازات کرده‌اندکه‌اینهم‌اشتباه‌است از آنجمله ودائره معارف‌الشیعه الامامیه۶: ۹ و ۱۰) ، و دیگران که بآنها اشاره نموده‌ایم ۰ *

دوم‌الانوارالجلیه عربی‌جواب هفتادمساله ** از علوم مختلف‌مورخ (۲۸ـج۱ـ۱۱۴۹) پدرش ودیگران تقریظ بر آن نوشته‌اند ، و الحق شایسته‌تقدیر وکتابی ارزنده است ، و بعضی از سؤ ال‌وجوابها فارسی است ، در (تذکره‌شوشتر : ۶۱) تعبیربه(جبلیه‌اولی)نموده وفرموده (رساله‌ای است مشتمل برجواب هفتاد مساله از فنون متفرقه)

سائل این مسائل عالم‌فاضل‌سیدعلی نهاوندی‌است‌که درجواب سوالات دیگر او (الذخیره الباقیه) آنی را نوشته که‌جبلیه‌ثانیه‌آن میگویند . ودر (تحفه العالم : ۱۰۸) و (روضات الجنات : ۲۰۰) دکری از او شده‌است ، صاحب (روضات‌الجنات : ۳۶۶) فرماید (از جمله کتب مفیده سید عبداللهاست کتاب جواب مسائل سیدعلی نهاوندی بروجردی ، که در فضل و ادراک ثانی سید مهنابن سنان مدنی است ، که او نیز سوالاتی از علامه حلی و فخرالمحققین پرسیده است)

واقعا" سائل و مسؤل ومسائل را تشبیهی‌مناسب نموده ، و اتفاقاسید مزبورهم دوبار ازعلامه (اعلی اللهمقامه) مسائل پرسیده‌که‌غالب آنها از فقهاست‌و نسخه‌های‌متعددکه‌شامل اجازه علامه‌برای او نیز میباشد بنظر نگارنده رسیده ،

و نیزدر همان‌صفحه‌فرموده (گفته‌شده‌این جوابات در دو جلد است ، و جلداول‌که‌بدست من رسید آنرا یافتم فوق آن اوصافی که واصفان در تمجید آن گفته‌اند ، زیرا مشتمل بود بر مراتب عالیه از فنون خصوصا" فقه‌واصول وحل بسیاری از مشکلات کتاب‌وسنت ، ومساءله تقلیدمیت رابطوری نوشته‌است که‌مزیدي برآن متصور نیست)

نسخه‌اصل‌ازآخرناقص ونسخه‌ای نزدنگارنده‌ودونسخه‌درکتابخانه‌غرب‌مدرسه‌آخوند همدانی *** و نسخه‌های دیگری موجود است

---

* در مقدمه (تذکره شوشتر ۱۰) و(نابغه فقه و حدیث ۳۰۲)

** مرحوم محدث زاده قمی درپاورقی (فوائد الرضویه ۱ : ۲۵۶) فرموده شصت ونه مساله است ، گویا مساءله‌هفتادم از نظر وی پنهان شده ،

*** (فهرست نسخه‌های خطی رشت و همدان: ۱۲۶۸)و آخوند مذکور ملا علی همدانی متولد (۱۳۱۲) از علمای جلیل القدر معاصر است (سلمه الله‌تعالی) ترجمه‌اش در(آثارالحجه۱:۳۷۸)آمده ،

سوم التحفه‌السنیه عربی در شرح نخبه فیض * (رحمه‌الله‌تعالی) کتابی است فقهی و اخلاقی درموضوع خود کم نظیر ، بخواهش شیخ علی نجار شوشتری که از اعاظم تلامذه پدرش سید نورالدین بوده نوشته .

از اول تا آخر طهارت که حدود یک‌سوم آنست در تهران چاپ شده ، و نسخه های کامل خطی از آن موجود است ، از آنجمله دو نسخه بخط مولف (قدس سره)،و نسخه ای در کتابخانه مجلس که صفحه آخر آن گراور شده‌است ** ، دو تن از شاگردان مولف در زمان حیات وی حاشیه بر آن نوشته‌اند که درمحل خود بیان خواهد شد ، شیخ محمدابن حاج قنبر علی مدنی کاظمی متوفی (۱۳۱۴) در(۱۲۹۴)آنرامنتخب نموده است ***

چهارم التحفه‌النوریه عربی مختصری است مفید مشتمل‌بر ده مساله از ده علم بنام پدرش نوشته و او تقریظی بر آن نگاشته‌است ، این کتاب کوچک مانندغالب‌کتابهای دیگر وی نشانه جامعیت و تبحر وی در فنون گوناگون میباشد ،

نسخه‌هائی ضمن مجموعه هائی یافت میشود و نگارنده هم آنرا استنساخ کرده ام ،

پنجم تذکره شوشتر فارسی ، بهترین و جامعترین کتاب در تاریخ این شهر کهن است که مانند باقی آثار مولف با عباراتی‌زیبا نوشته شده‌که‌خواننده رابه‌مطالعه‌آن راغب‌میسازد ، نسخه اصل آن دیده نشده ، دو نسخه بخط اسدالله آصفی شوشتری‌موجوداست یکی مورخ (۲۴ــ رجب ــ۱۳۱۷) که‌اینک در کتابخانه‌مجلس**** نگهداری میشود و از روی آن‌در کلکته چاپ شده وبعدها در تهران افست گردیده به‌تفصیلی که در (نابغه فقه و حدیث : ۳۰۸) نوشته‌ایم

واسدالله آصفی نامبرده در (۱۳۲۳) درگذشته‌بطوریکه‌ازفرزندش حاج محمدمعاصرشنیدم، واو فرزند عبدالنبی بن محمدمؤمن بن اسدالله‌از احفاد شیخ علی بن‌صدرالدین‌بن صفی اردبیلی است که‌از اردبیل‌به‌شوشتر مهاجرت کرد،و در (۱۰۰۲) بدستور شاه عباس‌مامور نظم شوشتر شد وبدین مناسبت او را وزیر واحفادش را وزیری گویند ، و اسدالله مزبور مردی با کمال وخوش خط بوده و کتابهائی بخط او دیده‌ام که برای دیگران نوشته ، و دو فرمان مستمری مورخ (۱۳۰۸) از ناصرالدین شاه قاجار بنام وی موجود است ،

و نسب وی میرسد به میرزا زکی برادر آقاحسن (حسنعلی‌آصف) که داماد مرحوم سید

---

* شیخ محمدبن مرتضی کاشانی معروف‌به ملا محسن فیض ،در(نابغه فقه وحدیث: ۱۴۰ــ۱۴۵) مذکور است ،

** (فهرست کتابخانه مجلس ۱۳: ۴۱۵ــ۴۱۶)

*** (الذریعه ۲۲: ۳۸۲)

**** (فهرست کتابخانه مجلس ۱۷: ۹۲)

نورالدین ۲ فرزند جد اعلی بوده بطوریکه ازنسب نامه مختوم به مهر جمعی کثیر از علما و بزرگان شوشتر که نزد حاج محمد مشارالیه‌موجود است معلوم میگردد ،

ششم تذییل سلافه‌العصر عربی در علم تراجم،نظیر اصل ان با سجع وقافیه است بطوریکه از اجازه‌کبیره معلوم میشود ، قسمتی از آن در آن نقل شده و متاءسفانه نسخه کامل آن مفقود است ،

هفتم ترجمه تصریف زنجانی به فارسی . دو نسخه از آن دیده شده ،

هشتم ترجمه هدیه‌المؤمنین به‌فارسی واصل آن بزبان عربی در طهارت وصلوه از مولفات جداعلی (قدس سره) میباشد ، سه‌نسخه‌ازآن‌بنظر رسید که‌ازاول‌ناقص است ، درآخریک نسخه چنین‌مسطوراست (تمام شدرساله هدیه‌المؤمنین درروزچهارشنبه‌سوم‌ماه‌ربیع‌الاول‌از سال هزار و هشتاد و سه در دارالمؤمنین شوشتر در مدرسه مولف که‌بجوار مسجد جامع است و تمام شد ترجمه آن در یوم الاحد دوم ماه محرم از سال هزار و صدو هفتاد و سه درهمان مدرسه مولف) ،

جبلیه اولی وثانیه ، رجوع شود به (الانوارالجلیه) و (الذخیره‌الباقیه) ،

نهم جنگ مشتمل بر مطالب متفرقه ،

دهم جواب مسائل‌مشکل فقهی‌عربی نظیر مسائل عویصه شیخ مفید (رحمه الله تعالی) معماً مانند ، بخط مولف‌ملحق به‌شرح نخبه ، و در مجموعه فرزندش سید ابوالحسن ۴ موجود است ، دیگران از روی آن نوشته‌اند و نگارنده هم آنرا استنساخ کرده ام .

یازدهم جواب مسائل‌نه‌گانه‌فارسی مختصر مورخ (۱۱۷۰) درجواب یکی از سادات نوشته ملحق به کتابهای دیگر وی بنظر رسید ، آغاز (صاحباسایه‌افادت تو ، برسرکل‌خلق‌تابان باد ، آفتاب وجود ذی جودت ، برهمه‌دامن زرافشان باد)

دوازدهم حاشیه‌اربعین حدیث شیخ بهائی ، عربی ، اصل آن مکرر چاپ‌شده‌وبسی‌مشهور است ، و این حاشیه را که‌شرحی است‌مفصل‌بدستور پدرش که علاقه‌ای مخصوص بآن کتاب داشته‌نوشته‌ودر (۱۱۳۵) پایان یافته،دو نسخه موجود است *

سیزدهم حاشیه‌الفیه‌ابن مالک ــ در نحو یک نسخه را مرحوم آقای سید محمدعلی امام دیده بود بطوریکه‌میفرمود ،

چهاردهم حاشیه وافی فیض،عربی در اخبار و احادیث ، یک نسخه در کلکته بوده **

پانزدهم حواشی متفرقه بر استبصار ، و امالی صدوق ، و خلاصه‌الحساب ،وشرح‌صحیفه سیدعلیخان ، و شرح لمعه شهید ثانی ، و مدارک ، و مطول ، و مغنی اللبیب ، و منهج

---

* (الذریعه ۶:۱۳) (وماضی النجف وحاضرها ۱:۱۱۵) چاپ صیداء

** (الذریعه ۶:۲۲۹)

المقال ، و نقدالرجال ، و غیره که بعضی از آنها در حواشی برخی از نسخه‌های خطی کتب مذکوره بنظر رسیده‌است ،

شانزدهم ختام الکلام، عربی در شرح مفاتیح فیض * و ظاهرا غیر از (الذخرالرائع) و (مصابیح اللوامع) است

هفدهم دیوان شعر، حدود پانصد وشصت بیت بوده بطوریکه برادر زاده‌اش فرموده ** و تخلص او (فقیر) است، قسمتی از اشعار فارسی وعربی و ملمع وی در (اجازه کبیره) و (تذکرهٔ شوشتر : ۱۲۰–۱۲۴–۱۳۷–۱۴۱–۱۴۳) و غیره مذکور است ،

در (کهن شعرای خوزستان : ۱۸۸–۱۹۱) اشعاری به نقل از مخزن القصائد به وی نسبت داده ، که چون صاحب مخزن را نشناختیم و سبک آن اشعار را با اشعار وی سازگارنیافتیم، در صحت این‌نسبت تردید داشته و از نقل آنها خودداری نمودیم ،

در (۱۱۳۰) که هیجده ساله‌بوده‌ابیاتی در مدح زبده‌الاصول شیخ بهائی سروده که بر نسخه خطی‌آن کتاب بنظر رسید :

شمس العراقین بهاء الانام ومعتری المجدالذی‌لایزول
احله الله بالطافه فی‌جنه‌الخلد بحق‌الرسول
لما تلاطم بحرافضاله ازتبدت بزبده فی الاصول
وافیه کافیه لموجزه خالیه عن کل حشوفضول
تحوی الامانی للذی‌رلمها مقرنه آماله بالقبول
کانها روضه حسن بدت از هار هاالغربکل الفصول

و بر شرح نخبه چنین نوشته (لبعض الفضلا و جدته علی ظهر کتاب

لوکنت تعلم کلماعلم الوری طرالکنت صدیق‌کل العالم
لکن جهلت فقلت ان جمیع من یهوی‌خلاف هواک لیس‌بعالم

جوابه‌لشمس الدین‌محمد بن عبدالکریم الموصلی

یامن یموه‌فی السوال مسفسطا ان‌الذی الزمت‌لیس بلازم
هذا رسول الله یعلم کلما علم‌الوری‌عاداه‌جل‌العالم

لکاتبه الفقیر عبدالله الحسینی

یا من یموه‌فی السوال مسفسطا اولیس فی طرق الحجاج بعالم
هذا رسول الله یعلم کلما علموا فکان صدیق‌کل‌العالم
عاداه ناس جاهلون و انه لصدیقهم فالنقض لیس بلازم)

---

* (الذریعه ۷: ۱۴۰)

** (تحفه العالم: ۱۱۴)

نگارنده گوید صاحب (الدررالکامنه۲ ۷۱)بیت اول را به آیه الله علامه حلی متوفی (۷۲۶) نسبت داده ، و صاحب (روضات الجنات: ۱۷۷) فرموده هنگامیکه ابن تیمیه یکی از کتب علامه را رد کرد ، علامه ان ابیات را برای او فرستاد و شمس الدین موصلی آنها را پاسخ گفت ، انتهی

و ابن تیمیه مزبور حنبلی مذهب وصاحب بدعتهائی در دین بوده که بواسطه آنها منفور جمیع فرق مسلمین گردیده ، و مذهب باطل و هابی پس از قرنها ، از بدعتهای اوسرچشمه گرفته ، وبعضی از بزرگان شیعه و سنی کتابها در رد او نوشته اند ،

و از اشعار فارسی آقا سید عبدالله که به‌استقبال غزل حافظ (عمر بگذشت به بیحاصلی و بوالهوسی) فرموده :

گرچه در راه طلب گرم روانند بسی — نرسیدند به مقصود مگر چند کسی
دل آزاده نداری تو کجا کعبه کجا — که بسر منزل غفلت تو رهین هوسی
شعله نور تجلی بفراز است هنوز — کو کلیمی که از آن کوی بباردقبسی
رنج شب میشودت باعث آسایش روز — دوش این نکته شنیدم ز زبان جرسی
گرچه ناقابلی از فیض تو مایوس مباش — جهد کن بلکه اجابت بشود ملتمسی
بی‌خرد آمدی ازاوج سعادت به‌حضیض — تو همائی عبث این قدر بفکر قفسی
دل ارباب صفا را چه غم ازغمازان — بحر را کی بود اندیشه هرخار و خسی
پند در پرده دهد نی دل آگاهان‌را — تا ز خود برگ نریزی بمقامی نرسی
رو کن از دار خلایق بفضای‌ملکوت — تو غزال ختنی چند به‌قید مرسی *
سهل باشد غم نقلی که‌نخوردی تاچند — بوسراز حسرت آن‌دست زنان‌چون‌مگسی
هر طرف می نگرم مرده دلانند(فقیر) — کاش میبود دراین عصر مسیحانفسی **

و بدانکه فقیرتخلص هشت نفر شاعردیگر بود، ***

هجدهم الذخرالرائع،عربی‌درشرح مفاتیح فیض ،یک جلد آن درطهارت وصلوه پاکنویس شده و مقدمه‌ای بس مهم در درایه‌واصول دارد ،

آغاز (بسم الله‌یتبدی کل امر یستتم وبحمده یفتتح کل‌مراد وبه‌یختتم . . . . کتاب‌مفاتیح الشرائع . . . ولم نقف له‌علی شرح . . . الابضعه‌یسیره‌للمولی الشریف‌ابی‌الحسن‌العاملی الغروی . . ونهضت لشرحه‌قبل هذاالحین . . . وسمیته‌الذخرالرائع)

پدرش ودیگران بر آن تقریظ نوشته‌اند که‌اکنون تقریظ پدرش مورخ (۱۱۴۳) و میرزا قوام

---

* (ختن)بر وزن هنر قسمتی از ترکستان چین است که آهوی مشک آن معروف بوده ، و (مرس) بروزن قفس بمعنی رسنی است که‌بر گردن سگ بیندازند . (فرهنگ عمید: ۴۲۱ و ۹۵۸)

** (تذکره شوشتر: ۱۷۹)

*** (الذریعه ۹: ۸۴۱-۸۴۳)

الدین سیفی قزوینی و میرزا محمدابراهیم بن محمدباقر رضوی مورخ (۱۱۴۸) برنسخه اصل موجود است ،

میرزا قوام الدین مذکور سه بیت شعر سروده * و زیر آنها چنین نوشته (نظمها و رقمها العبدالراجی فضل ربه السنی قوام الدین محمدالحسنی عندالاستضاء بلقاء السید المولف ادام الله افاضاته وافاض علی العالمین من برکاته فی دارالسلطنه قزوین حین رجوعه سلمه الله الخ)

و تصریح کرده که هنگام مراجعت سید از دشت مغان در (۱۱۴۸) آنرا نوشته ،

صاحب تحفه العالم : ۱۰۷) گمان کرده که سید قوام الدین مذکور تقریظ مزبور را ضمن مراسله‌ای برای آقا سید عبدالله فرستاده ، ولی وجود تقریظ بخط میرزا قوام الدین برنسخه اصل ، اشتباه این گمان را آشکار می نماید ،

سید نصرالله حائری مدرس ** وادیب شاعر عبدالرسول نجفی خادم حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام ودیگران نیز عباراتی در ستایش این کتاب برنسخه اصل نوشته اند که متاسفانه از آن جدا شده و از بین رفته ،

محدث نیشابوری در منیه المرتاد ومحدث طبسی در تذکره المحدثین از این کتاب تمجید نموده اند ،

بعضی مقدمه آنرا که خود رساله‌ای نفیس در درایه واصول بشمار آید جداگانه نوشته‌اند ، از آنجمله سید محمد ۳ بن سید نورالدین ۲ ، برادر مولف، وشیخ محمد عصفوری *** ، نوزدهم الذخیره الابدیه ، عربی در جواب چهل مسئله که سید احمد حویزی **** پرسیده وغالب آنها از فقه است وبه‌تناسب نام سائل (رساله احمدیه) هم بآن گفته میشود تاریخ تالیف (۱ــ صفر ــ ۱۱۵۴) ونسخه‌های متعدد از آن موجود است از آنجمله درکتابخانه سالار جنگ در حیدرآباد دکن بطوریکه در فهرست کتب مخطوط عربی آنکتابخانه (ج۲ ۱۷۵) مذکور است ، با مراجعه به این کتاب سعه اطلاعات و تبحر مولف در علوم مختلف بویژه فقه معلوم میگردد ،

کتاب سعه اطلاعات وتبحر مولف در علوم مختلف بویژه فقه معلوم میگردد ،

---

* مطلع آنها (بحسبک ذخرالسید الموسوی فی بیان مفاتیح الشرائع کافیا) ودر (تذکره شوشتر : ۶۱) منقول است .

** مذکور در (نابغه فقه و حدیث : ۲۷۳)

*** (الذریعه ۸ : ۷)

**** فرزند سید مطلب فرزند (سید علیخان مشعشعی مذکور در (نابغه فقه وحدیث : ۸۸) دانشمندی پارسا بوده وقبل از (۱۱۶۸) درگذشته در (اجازه کبیره) و (تذکره شوشتر : ۶۰) و (الکواکب المنتشره) واعیان الشیعه ۱۰ : ۱۳۶) و (تاریخ المشعشعیین : ۲۲۵ مذکور است)

بیست و هفتم الذخیره الباقیه ، عربی جواب سی مساله از علوم مختلف که سائل مسائل (الانوار الجلیه) سابق الذکر پرسیده و مجموعا صد مساله شده ، وجبلیه اولی وثانیه به آنها گفته میشود ، تاریخ تالیف (۱۷ــ شعبان ــ۱۱۵۱) ،مشتمل برنوادر علمی وفوائد وتحقیقات ارزنده ، و بعضی از سوال وجوابها فارسی است ،

صاحب معاول (میرزا محمد اخباری) از این کتاب نقل کرده است* نسخه های متعدد بنظر رسیده ،

رساله احمدیه رجوع شود به الذخیره الابدیه ،

بیست و یکم رساله دراستخراج انحراف قبله هر شهر بدون احتیاج به اسطرلاب یا وسیله دیگر ریاضی ، متاسفانه مفقود است

بیست و دوم رساله تحقیق قبله شوشتر فارسی مختصری است مفیدکه حسب الاشاره اسفندیار بیک میرشکار در نصف روز آنرا تالیف کرده (۷ــ صفر ــ۱۱۴۰) ، یک نسخه بخط نوه اش سید محمد محسن ۵ ضمن مجموعه پدرش سید ابوالحسن ۴ شیخ الاسلام ، ونسخه‌ای بخط اینجانب ضمن مجموعه‌ای از رسائل مولف ، و نسخه‌های دیگر ضمن مجامیع دیگر موجود است ، از آنجمله در کتابخانه غرب همدان** ،

و میرشکار نامبرده از اخیار روزگار وصاحب آثار خیریه از آنجمله مدرسه و مسجد درشوشتر بوده که وقفنامه آندو (در تذکره شوشتر : ۷۲) مذکور است و در صفحه پیش از آن تعریف بسیار از او شده ، و مسجد وی تاکنون باقی است اما مدرسه‌اش سالها است که خراب شده و اثری از آن نمانده است ،

بیست وسوم رساله رمل ، در اجازه کبیره فرموده باوجود اختصار و ایجازی که در آن بکار رفته مشتمل بر مسائل بسیاری از این فن است که در کتب مفصله نیامده ، یکی از شاگردان مولف آنرا بعاریت گرفت و نزد او ماند تا درگذشت و مولف فرصت استنساخ نسخه دیگری ننمود و از اینرو نایاب است ،

بیست وچهارم رساله درصحت نماز مردیکه طلا همراه داشته باشد در صورتیکه پنهان در جیب یا آستین او باشد ، این رساله هم نایاب است

بیست و پنجم رساله درمال ناصبی آنهم مفقود است

بیست و ششم رساله در مساله مشکله‌ای از علم حساب ، که آنهم نایاب است ،

رساله علویه نام دیگر (المقاصد العلویه) آتی است ،

بیست و هفتم الرمحیه ، عربی لغزی است بنام رمح ،در مقابل سیفیه پدرش انشاء فرموده ،

---

* (کشف الحجب والاستار: ۲۲۰)

** (فهرست نسخه‌های خطی رشت و همدان: ۱۵۸۴)

در مجموعه فرزندش سیدابوالحسن ۴ و مجموعه رسائل وی بخط اینجانب وجاهای دیگر موجود است ،

شرح مفاتیح‌الشرائع ، نگاه کنید به (ختام الکلام) و (الذخرالرائع)و (مصابیح‌اللوامع)، بیست و هشتم طلسم سلطانی،فارسی ترجمه (غایه‌الحکیم) مجریطی درطلسمات‌واحراز وادعیه ، اصل آن قدیم التالیف در(۳۴۳)،و در حدود (۱۳۷۸) در مصر بدون تاریخ چاپ شده است ، سید بزرگوار این کتاب را بنام ابوصالح ترشیزی حاکم خوزستان ترجمه کرده و فوائد بسیاری بر آن افزوده و مرتب بر فصولی است ، و آنچه بنظر رسیده تا فصل پنجاه و سوم است ،

(عوالم العلوم والمعارف) در (دائره‌معارف الشیعه۶ :۱۰) بوی نسبت داده شده ، اما اشتباه است و کتاب مزبور در صد جلد تالیف محدث بزرگوار شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی شاگر علامه مجلسی است ،

بیست و نهم رساله کاشفه‌الحال در باره تحقیق قبله و زوال حویزه وبعضی از فوائد دیگر که بنام سید علیخان حویزی* حاکم آنجا نوشته و نسخه اصل نزد او بماند و مولف فرصت استنساخ آنرا نیافته بطوریکه در اجازه کبیره فرموده ،

سی ام لب اللباب در شرح صفیحه** شیخ بهائی ، در اسطرلاب بنام شیخ ابراهیم بن عبدالله‌حویزی نوشته‌هنگامیکه نزد او درس میخوانده ، و از قرائن مستفاده بعربی بوده ، متاسفانه بدست ما نرسیده‌است ،

(اللوح المحفوظ) علامه تهرانی فرموده شرح دعای سحرماه رمضان معروف به بهاء و در نزد نوه هایش موجود است*** ولی بنظر ما اشتباه است

مجموعه رسائل ، چند رساله از تالیفات وی است که اینجانب آنها را استنساخ کرده ودر یک مجلد تدوین نموده‌ام وعلامه تهرانی آنرا دیده و یاد کرده‌است ****

سی و یکم مصابیح اللوامع شرح مفاتیح الشرائع فیض ، که در هفده سالگی در (۱۱۲۹) یک جلد آن در طهارت بپایان رسیده ، این کتاب را بامر پدرش نوشته بطوریکه درآن‌تصریح کرده ، و بعد از این‌مجلد دنباله‌آنرا رها کرده تا پس از دوازده سال مجددا در آن تجدیدنظر کرده و مقدمه‌ای بر آن افزوده و آنرا بنام (الذخرالرائع) نامیده‌چنانکه‌گذشت،

---

* برادر سید احمد سابق الذکر و عم زاده سید علی بن سید عبدالله بن سید علیخان حویزی صاحب (الرحله المکیه) مذکور در (الذریعه ۱۰ :۱۷۱) و موجود در کتابخانه‌مجلس، است که در آثار الشیعه الامامیه از آن تعبیر به سفرنامه شده است ،

** تصغیر صفحه ، رجوع کنید به (مقدمه تذکره شوشتر: ۱۲) بقلم نگارنده ،

*** (الذریعه ۱۸ :۳۷۶)

**** (الذریعه ۲۰ :۱۱۴)

نسخه‌اصل این کتاب از اول وآخر ناقص نزد نگارنده موجود است ، و یک نسخه پاکنویس‌که مقارن زمان تالیف استنساخ شده بنظر رسید که مولف در(۱۱۳۰) این دو بیت را بـرآن نوشته

احسن بهذا المولف انه کشف　　عن السرار بتبیان و ترشیح
یحوی‌الامانی‌لمن‌رام‌السدادبه　　و کل ذاک بتهذیب وتنقیح

آغاز : نحمدک اللهم علی ما اوضحت لناشرائع الاسلام ، وچنانکه ملاحظه میشودباآغاز الذخرالرائع متفاوت‌است ،

(معترک المقال) درعلم‌رجال‌در(الذریعه۲۱ ۲۱۰)به‌وی‌منسوب شده‌ولی اشتباه است ،

سی ودوم المقاصد العلیه،عربی در پاسخ‌مسائل فقهی شیخ علی حویزی ، و از اینرو آنرا (رساله علویه) هم گفته‌اند ، و خود مولف هم در (تذکره‌شوشتر : ۶۱) چنین‌تعبیرازآن نموده ، نسخه‌های متعدد از آن موجود است ، نگارنده هم ضمن مجموعه رسائل وی آنـرا آورده‌ام ،

سی وسوم المقفل ، در ادعیه واحراز وجفر وسائر علوم غریبه ، این کتاب را مرحوم عالم متتبع سیدآقای امام نام میبرد،ودر (الذریعه ۲۲ : ۱۱۸) هم مذکور است ،

* استادان و مشایخ سید عبدالله ۳ *

بیشترتحصیلات او نزد پدر دانشمندش سید نورالدین ۲ بوده و از وی اجازه‌ای دریـافت نموده مورخ (صفر ــ۱۱۵۳) که در آخر استبصار برای وی نوشته و ما صورت آنرادر رساله جداگانه‌شرح حال وی نقل کرده‌ایم ، اما چون شیفته‌وتشنه‌علم بوده بسراغ دانشمنـدا ن دیگر رفته و از چشمه معلومات آنان خود را سیراب کرده ، و از بعضی اجازه تحصیل‌نموده که از نظر خوانندگان میگذراند *

اول سید احمد علوی خاتون آبادی مقیم مشهد که در رواق مقابل مسجدگوهرشاددرمشهد مقدس اصول کافی را درس میگفت ، سید مرحوم چند روزی بدرس او حاضر گردید ، وی عالمی پرهیزگار بوده با وجود اجتهاد از افتاء خودداری کرده وعمل‌به‌احتیاط نموده، و علماء مشهد معاصر وی اعتراف به فضل او داشته‌اند ، از تالیفات وی رساله‌ای در جواب یکی از مخالفان است که بر حق الیقین علامه مجلسی ایراداتی وارد کرده شیخ عبدالنبی

---

* در اجازه کبیره بشرح حال آنان پرداخته ودیگران مانند صاحب‌روضات الجنات و محـدث نوری و سید امین و شیخ تهرانی و محدث قمی و جز ایشان بیشتر ترجمه این عده را از آنجا گرفته اند ،

قزوینی شاگرد او در تتمه امل الامل بنابه‌نقل الکواکب المنتثره وفات او را در (۱۱۶۱) نوشته که با اجازه‌کبیره منافات دارد، زیرا در اجازه که در (۱۱۶۸) تالیف شده فرموده سه‌سال است که‌بواسطه بسته‌شدن راه‌مشهد از وی اطلاعی ندارم ، مگر اینکه کلمه ثلاث را که سه‌ترجمه کردیم‌تصحیف ثمان بدانیم که رفع منافات شود .

دوم ملا احمد خاتون آبادی که در (۱۱۳۷) از راه عتبات به شوشترآمده ،آقاسیدعبدالله دو سال او را نگاهداشت تاهیات و نجوم را از وی آموخت ،

وی صاحب معرفه‌التقویم است که در شجره‌طیبه گفته‌آنرا بنام آقاسید عبدالله نوشته . و مادر (نابغه فقه وحدیث :۱۸۳) ترجمه‌اش نمودیم ،

سوم شیخ حسن بن حسین بن محی الدین جامعی عاملی ساکن حویزه ، که سید بزرگوار از وی استفاده علمی برده، و ما شرح حال این شخص و پدرانش را در (نابغه فقه وحدیث: ۱۶۹–۱۷۵) نوشتیم ،

چهارم سید رضی الدین عاملی فرزند سید محمدبن علی بن حیدر که از مشایخ آقا سید عبدالله بوده و در مکه معظمه بوی اجازه داده است ،

پدرش سیدمحمد را در (نابغه فقه وحدیث : ۲۶۸) ذکر نمودیم ، وسید رضی الدین در مکه در (۱۱۰۳) متولد شده و از علما و ادباء عصر خود بوده ، در اجازه‌کبیره‌اوراباوصف (السیدالجلیل الفقیه) نام برده و فرموده (کان‌مهذبا ادیبا شاعرافصیحا حسن السیره مرجوعا الیه فی احکام الحج وغیره)و در (نزهه الجلیس ۱ : ۱۸۶) چاپ نجف اشرف ترجمه اش با ستایش بسیار و مقداری از اشعار وی موجود است ، و از تالیفات وی تنضیدالعقودالسینه را یاد کرده‌وگفته تاریخی است جلیل القدر پر فائده ، ودر (الکواکب المنتثرد) فرموده (اجازه‌ای برای سید نصرالله‌حائری وسیدشبرموسوی‌مشعشعی در (۱۱۵۵) نوشته‌وتالیفات خودرادر آن چنین یادکرده ،اتحاف‌ذوی‌الالباب ، و تنضیدالعقودالسنیه و حواشی مدارک و مسالک و مفاتیح ، و الدلائل النهاریه ، و مناسک مشتمل بر احتیاطات حج ، و نهج السداد فی حج الافراد و الوسیط در حج) .

تاریخ وفات وی معلوم نیست واجازه‌ای را که برای آقاسید عبدالله نوشته در راه مکه‌گم شد بطوریکه در اجازه‌کبیره فرموده ،

پنجم ملارفیع گیلانی که در خراسان بدرس او حاضر شده ، وشرح حال وی در (نابغه‌فقه‌و حدیث ۲۷۳) نگارش یافته ،

ششم شیخ شمس الدین بن صقر جزائری بصری که سفری بخوزستان آمد سیداورانگاهداشت واکثر شرح مطالع رانزدوی خواند ، و شرح حال وی‌در کتاب مزبور (صفحه ۱۷۷) نگاشته شده ،

هفتم ملاصدرالدین فرزند قاضی سعیدبن مفید قمی که در مقبره‌سلاطین صفویه متصل به

حرم حضرت معصومه (علیها السلام) اصول کافی را درس میگفت ، سید عالیقدر چند روزی که در قم بود در درس او حاضر میشد ، وی بعدها قاضی گردید و در (۱۱۴۸) به دعوت نادرشاه بدشت مغان رفته بود وپس ازآن به اندکی از دنیا رفته ،پدرش نیزاز علماء بزرگوار بوده ، کتاب اربعین حدیث وی از کتب معتبره است که در (۱۳۵۵) ۲۳ حدیث آن بطبع رسیده و در آنجا نام خود را محمد معروف به سعید شریف نوشته ،

هشتم سید صدرالدین محمدبن محمد باقر رضوی قمی شارح رافیه ، که سید بزرگوار در کربلا او را ملاقات کرد واز وی اجازه‌ای تحصیل نمود (مورخ رجب ـ۱۱۵۳) که صورت آنرا در رساله جداگانه‌شرح حال وی نقل کرده‌ایم ، در شجره طیبه فرموده‌اجازه‌رادرنجف برای وی نوشته ، که اشتباه است

در الکواکب المنتشره فرموده (ولادتش بعداز۱۰۹۰ بوده پس شاگرد مدقق شیروانی‌متوفی ۱۰۹۸ وآقا رضی صاحب لسان الخواص متوفی ۱۰۹۶نبوده * وآقا رضی را که در شرح وافیه نام برده آقا رضی بن نبی یا حاجی محمد رضی است که در فتنه افغان (۱۱۳۶) شهید شده ، و برادرش سید ابراهیم‌از وی اجازه داشته ،ودیدم مجموعه‌ای از آثار وی به خط‌او مشتمل بود بر تفسیر بعضی از آیات قران مجید و رساله‌ای در معراج و شرح حدیث العبودیه جوهره ، و مقالات دیگر ، وکتاب البرهان المتین در نبوت خاصه ، و شرح باب حادی عشر نیز از تصنیفات موجوده او است) ،

نگارنده گوید از تالیفات وی که در اجازه ذکر شده رساله درافضلیت ثقلین و اینکه کدام اکبر است‌که صاحب اجازه آنرا دیده و نه‌پسندیده واو به سید وعده‌داده‌که‌آنرا در آب بیندازد و نابود کند ، دیگر رساله در طهارت واثبات عدم انفعال ماء قلیل که‌فتوای ابن عقیل است ، یک نسخه‌ناتمام نزد نگارنده‌موجود است ،

نهم سید عبدالباقی بن مرتضی موسوی دزفولی که در دزفول تفسیربیضاوی‌رادرس میگفته سید جلیل القدر سفری به دزفول رفت و بدرسش حاضر میشد ، و سید عبدالباقی مزبور معروف به سید آغامیر در (۱۱۴۳) وفات نموده بطوریکه در اجازه‌کبیره است در (تاریخ حزین : ۷۰) اورافاضلی ازاعیان دزفول خوانده ،در (اعیان‌الشیعه ۳۷ : ۸۸) و (زندگانی و شخصیت شیخ انصاری : ۳۵۱) و (تاریخچه مسجد جامع دزفول : ۵۸ـ۵۹) عبارت‌اجازه‌را نقل کرده‌اند ، و صاحب کتاب اخیر در (کهن شعرای خوزستان : ۲۳۵) نام او را برده‌و شجره خانوادگی اعقاب وی را ترسیم‌نموده‌است ، و او دو پسر داشته سیدمحمد باقروسید محمدحسین‌که دومی بعد از (۱۲۰۸) درگذشته وجد سادات آغامیر است ،

دهم ملاعبدالغفار صراف شوشتری که شرح شمسیه را برای او درس گفته ، و ترجمه این

---

* چنانکه در (روضات الجنات : ۳۳۱) گمان کرده ،

استاد در (نابغه فقه وحدیث : ۱۷۹) موجود است ،

یازدهم میر سید علی بن سید عزیز الله بن سید عبدالمطلب جزائری خرم آبادی ، در ایامیکه در شوشتر بود آقا سید عبدالله در حوزه درسش از مدارک وشرح اشارات حاضر میشد ، و ما شرح حال او واعقابش را در (ساقه‌دوم) میآوریم انشاء الله‌تعالی ،

دوازدهم امیر محمدحسین خاتون آبادی اصفهانی متوفی (۱۱۵۱) که بوی اجازه داده ، و بواسطه او عالی ترین طریق را داشته بطوریکه در شرح حال وی در (نابغه‌فقه‌وحدیث : ۲۵۲) نوشته‌ایم ،

سیزدهم حاج محسن بن جان احمد دزفولی که‌عالمی صالح وهوشیار بود و در حدود (۱۱۵۰) درگذشته ، وآقا سیدعبدالله مقداری از مغنی را نزد او خوانده بطوریکه در اجازه کبیره تصریح کرده ، اما از نظر صاحب شجره طیبه پنهان‌مانده‌واورانام‌نبرده است ،

چهاردهم سید منصور طالقانی که در (۱۱۳۵) بشوشتر وارد شد و سید بزرگواراحادیثی‌از فروع کافی نزد او بخواند ، پس بوی اجازه عامه‌ای داد بطوریکه در اجازه‌کبیرمسطوراست، در شجره طیبه این شخص را ننوشته ودراجازه‌کبیره‌در باره‌اش فرموده (سیدمنصورطالقانی غروی دانشمندی فقیه ومحدث بودالخ) و در الکواکب المنتثره فرموده:(سید منصور بن سید محمد بن سید عبدالحسین حسینی طالقانی نجفی برادرزاده سیدحسن میرحکیم بن عبدالحسین بوده واز او اجازه داشته‌به‌اجازه‌مورخ (۲۴ صفر ۱۱۱۶) که ستایش بسیار از او نموده ، و خود هم برای سید نصرالله‌حائری در (۱۱۵۲) اجازه‌ای نوشته واحدی از مشایخ خود را نام نبرده بجز عم مذکور خود را ، در مقدمه (دیوان سیدموسی طالقانی : ۹)در ترجمه‌سیدحسن میرحکیم مذکور اشاره به‌اجازه او برای سیدمنصور نموده ، اما اشتباها اورا سیدمنصوربن سیدعبدالحسین نوشته‌است ،

پانزدهم سیدنصرالله‌حائری شهید مدرس روضه‌حسینی ، که سید در (۱۱۵۳) که‌به‌عتبات مشرف شد او را ملاقات و بوی اجازه‌ای داد واز وی اجازه‌ای گرفته که‌این قسم اجازه را مدبج گویند * وسید نصرالله مزبور در (نابغه فقه‌وحدیث : ۲۷۳) مذکور است ،

شانزدهم ملانظر علی زجاجی شوشتری ، که آقا سیدعبدالله‌مفاتیح را نزد او خوانده ، و این شخص در (نابغه‌فقه وحدیث : ۲۱۰) ترجمه شده ،

هفدهم شیخ یعقوب بختیاری حویزی ، که مدتی کشاف را درس گفته وسیددردرس‌اوحاضر شده ، وشرح حال او را در کتاب مذکور صفحه (۲۱۳) نگاشته‌ایم ،

---

* در (شجره طیبه) آنرا وجاده نامیده که اشتباه است ، و بنظر میرسد که به محدث نوری اعتماد واستناد کرده که دچار این اشتباه شده‌است در (مستدرک‌الوسائل ۳ :۴۰۳)

* شاگردان و مجازان *

مرحوم سید عبدالله۳ مانند پدر وجد گرامی خود حوزه درس مفصلی داشته‌که دانشمندان بزرگی از آن برخاسته‌وبه‌برکت تعلیم وتربیت وی به مقامات عالیه رسیده‌اند ،
چند تن از اعلام وبزرگان هم از وی اجازه داشته‌اند که همه‌آنها را که‌شناخته‌ایم دراینجا میاوریم ، خود آنجناب در فصلی مخصوص از (تذکره شوشتر: ۱۳۳–۱۳۹) نام شاگردان‌را با توصیف به اخوان الصفا یاد کرده ،
صاحب (شجره طیبه) چهار تن از فرزندان او را (سید ابوتراب ۴ . سیدابوالحسن۴ . سید عبدالمهدی۴ . وسید عبدالهادی۴) در شاگردان وی شمرده ، که‌تنها در مورد سید ابوالحسن ۴ که پسر بزرگ اواست وصاحب تحفه العالم به شاگردی او نزد پدرتصریح‌کرده کلام او را میتوان پذیرفت ، اما درباره سه‌نفر دیگر مدرکی نیافتیم ، و اگر قرینه اعتبارو علاقه سید بزرگوار به تعلیم آنان استفاده‌شده ، تخصیص این چهار بی دلیل خواهدبود ، و اینک به‌ترتیب حروف لحی بیان میشوند ،

اول شیخ ابراهیم فرزند خواجه عبدالله‌فرزندکرم‌الله‌حویزی ، یکی از چهار نفری است که اجازه‌کبیره را برای آنان نوشته ودر اول اجازه نام او را با اوصاف والقاب بزرگی‌یادکرده، و در کتب تراجم همان اوصاف والقاب را برای او نوشته اند ،

دوم شیخ ابراهیم همیلی‌حویزی فرزند عبدالله‌فرزندناصر،اوهم یکی از چهار نفر است‌که اجازه‌کبیره را برایشان نوشته‌و در آخر اجازه او را قبل ازشیخ‌محمدبن‌محمدمقیم اصفهانی نام برده ، و این شخص اسطرلاب را نزد سید عالیقدر خوانده‌و (لب‌اللباب) را سید برای او نوشته ، و از برکات عالیه‌استاد بزگوار به مدارج علیا ارتقا و به امامت جمعه وجماعت حویزه و تدریس اعتلا یافته *

سوم سید ابوالحسن ۴ شیخ‌الاسلام پسر مهین آنجناب که‌ترجمه‌اش در همین (شاخه‌اول) بیاید ،

چهارم سید احمد۴ فرزند سیدمحمد۳ فرزند سیدنورالدین۲ که برادر زاده او بوده‌و ترجمه‌اش در (شاخه‌سوم) بیاید ،

پنجم سیدرضی الدین۳ متخلص به اقدس برادر وی که شرح حال اودر (شاخه‌ششم) بیاید،

ششم ملا رفیع الدین شوشتری فرزند حاجی محمدفرزند ملاکاظم فرزندخواجه افضل‌صراف که‌شمع شعورش کفلقه الاصباح ، و ضمیرمنیرش کمشکوه ** فیها مصباح ، ووالد اوازمعارف

* (تذکرهٔ شوشتر: ۶۰) و (تحفه‌العالم: ۱۱۳)

** این کلمه و نظائر آن را باواو بصورت مشکوه باید نوشت ، اما برای سهولت و رعایت بعضی‌از خوانندگان آنرا بصورتی که تلفظ میگردد نوشتیم ،

اعیان عصر که از هرجهت مشمول نعمت الهی ودراصلاح امورمسلمین سالک طریق نصیحت و خیرخواهی بوده * ، و نیای او خواجه‌افضل در (نابغه‌فقه وحدیث : ۱۷۹) مذکور است ،

هفتم سید زین‌الدین‌جزائری از احفاد (سید عطاء الله‌عم معظم جداعلی) که در (ساقه سوم) بیاید ،

هشتم سید عبدالکریم ۵ فرزند سید جواد۴ فرزند سیدعبدالله۳ ، نوه‌عالیقدر وی که‌ازاو اجازه‌داشته ونزد وی تتلمذهم نموده‌است ،

نهم ملاعبدالله فرزند ملامحمدنجار شوشتری که‌امام جماعت وپیشوای‌اهل‌تعفف‌و قناعت بوده *

دهم حاجی علی فرزند ملافرج الله فرزند درویش خداداد شوشتری گرگری ، که پارسائی مقبول السیره ودانشمندی کامل البصیره‌بوده * پدرش از شاگردان جد اعلی و در (نابغه‌فقه وحدیث : ۲۶۷) مذکور است ،

یازدهم سیدعلی ۴ فرزند سیدمحمد ۳ فرزند سیدنورالدین ۲ برادر زاده آنجناب ، که ترجمه‌اش در (شاخه‌سوم) بیاید ،

دوازدهم حاجی علی‌فرزند حاجی میرعلی بن حسین‌بن‌علی شوشتری صراف متخلص به اکسیر ، ازبزرگان تلامذه وی بوده که د (تذکرشوشتر : ۱۳۵) در باره‌اش می‌نویسد (نقاد صنوف معارف وعلوم وجواهری عوالی اللالی‌منطوق ومفهوم‌است ، طبعش‌موزون وکمالاتش از حد افزون ، و براوائل شرح نخبه حاشیه مدون‌نوشته ** که‌مبلغ علم واستقامت سلیقه او از آنجا معلوم میشود ، و روزی در بعضی مجالس منادمت این رباعی رادر رقعه نوشته بدست فقیر بداد :

ای مهر منیر روشنی بخش جهان — من ذره بی قدر و تور خورشید زمان
خواهم ز عنایتت که تابد بر من — نوری که تخلصی عیان باشد از آن

و فقیر در ظهر رقعه این رباعی نوشته :

ای صیرفی نقود افکار و حیال — گنجینه دل زدانشت مالامال
رائج‌بتوشد کمال چون سکه بزر — اکسیری‌وحاجتت‌نباشدبسوال

و ملا محمد برادرش او را توصیف نموده به (الاخ الصالح العالم المؤید بالفکر الصائب و الذهن الثاقب و وفور الفطانه و النباهه و مزید القوه و المتانه ،

در (تحفه‌العالم : ۱۱۵) در شرح آقا سید عبدالله داستان تخلص خواستن او و خواجه

---

* (تذکره شوشتر: ۱۳۵)

** نسخه‌ای وقفی از این حاشیه را در کربلا نزد مرحوم سید محمدعلی طباطبائی دیدم ،

هادی قواس را نقل کرده ، و در حق این دو نفر گفته : هر یک در عرصه سخنوری هما ورد خاقانی وانوری ورشک سعدی شیراز در شیرین زبانی بودند ،

و در کتاب مزبور (صفحه۲۰۷) در شرح حال خود گوید (باردیگر بخدمت حاجی علی اکبر که ذکر او بتقریبی گذشت از سر گرفتم ، وی از اعاظم تلامذه سیدعبدالله وبحقایق علمی آگاه ، طلاقت لسانی عجیب داشت واز اخیار زمانه بود ، مدتی شد که وفات نمود، برادر کوچک او مولانامحمدبن میرعلی الخ)

اماچنانکه دیدی در اینجا نام اوراعلی اکبرنوشته‌که‌اشتباه است یا اینکه‌اکبرتصحیف‌اکسیر بوده ،وچون تالیف تحفه در (۱۲۱۶) بوده‌پس درگذشت او در حدود ۱۲۱۰ میباشد ،

در (کهن شعرای خوزستان : ۱۲۶—۱۲۸) شرح حال واشعار او را که در تذکره شوشتر پراکنده بوده آورده ، وگفته در فرهنگ سخنوران با عنوان علی شوشتری‌ازروی‌تذکره‌شوشتر یادشده ،

در الکواکب المنتثره هم با استفاده از تذکره وتحفه ترجمه شده است ،

برادر مشارالیه هم‌نگاشته خواهد شد ،

سیزدهم ملاعلی اکبر بن ملامحمدبن خواجه‌معزالدین شوشتری ، که در اعلی مراتب ذکاو شعور و درجمیع صفات حمیده واخلاق پسندیده مشابه والدخود بوده .*

پدرش از شاگردان آقاسیدنورالدین۲ ودر (نابغه‌فقه وحدیث : ۲۷۰) مذکوروکتابهائی به خط زیبای او موجود است،از آنجمله شرح تحفه المبتدی شیخ علی جامعی عاملی مورخ (۱۹—ع۲—۱۱۱۹) ،

چهاردهم آقا علیرضای مقدمی شوشتری فرزند آقاسمیعابن خواجه‌عنایت الله بن خواجه عبدالباقی ، که در دقت طبع و سلامتی ذات یگانه‌ودر فن نجوم کامل‌وفرزانه‌استوالحال (۱۱۶۶) مدارتقاریم این بلاد بر استخراج‌آن معرفت نهاد است * ،

پدرش آقاسمیع تا (۱۱۹۵) زنده بوده‌وقباله‌ای بخط و مهرش مورخ تاریخ مزبور دیده‌شده ،

نوه او نصرالله‌ابن محمدتقی‌بن علیرضا نسخه‌ای از معرفت التقویم‌خاتون‌آبادی‌مورخ جمعه (۲۶— شوال—۱۲۴۸) نوشته‌وازعبارت‌آخرنسخه‌معلوم‌میشوداهل‌فضل‌بوده ،معاصر وی محمد رشید ابن آقاحسن مقدمی ساکن‌دزفول مجموعه‌ای داردمشتمل بر رضاع مجلسی ،ورساله‌در تحقیق قبله‌شوشتر تالیف آقاسیدعبدالله‌مورخ (۱۰—ع۲—۱۲۶۲) ، وقبل از این عده ملا مقصودعلی بن محب علی مقدمی درتاریخ (۲۳— شعبان —۱۱۳۰) از نسخ کشف الایات نصیری که خوش خط و طلاکاری است فارغ شده ،

واین‌خانواده ازدیرزمانی است که‌درخوزستان معروف شده‌اند ،اما بچه‌جهت‌ودرچه‌تاریخی

---

* (تذکره شوشتر ۱۳۶)

به‌مقدمی شهرت یافته‌اند معلوم نیست ،
نخستین کسی که از اجدادشان اسمش را شنیده‌ایم خواجه‌عبدالباقی نیای‌آقا علیرضامترجم ما است که در ایام شاه صفی وشاه‌سلیمان صفوی میزیسته ، در ایام شاه سلطان حسین ،آقا حسین وآقا هادی پسران خواجه عنایت الله عمویان مترجم ما ، مستوفی شوشتر و دزفول بوده‌اند ،
اینک از مقدمیان سه‌خانواده درخوزستان معروفند
اول مستوفیان شوشتر که تا اول مشروطه منصب‌استیفابه ایشان واگذار بود ، مشهور ترین افراد این خانواده میرزا بزرگ خان و میرزا طاهرخان و آقااسدالله اولاد آقا محمد شفیع ابن حاج حبیب الله بن آقا لطفعلی وحاج میرزا محمد بن آقا اسدالله معاصر میباشند ،
دوم مستوفیان دزفول که اعرف آنان آقا رضای مستوفی است که آدمی نجیب وبزرگ‌و متمول بود ، مظفرالملک او را مبالغی جریمه کرد وبشوشتر آورد ، آقا رضا در منزل‌حاجی سید احمد پدر آیه‌اللّه‌حاج سید عبدالصمد جد نگارنده ، بستی شد و منجر به‌جنگ‌وعزل حاکم گردید ، پسرش آقا علی ملقب به‌عماد دفتر در محله کتکتان دزفول ریاست داشت ،
سوم خانواده‌ای شوشتری بنام مقدم بدون یا شهرت دارد که عموم افراد آن در رشته کسب وخارج از علم هستند ، و محتمل است که از یک خانواده بوده‌اند که بامرور زمان یا آنرا حذف کرده و مقدم شده‌اند ،
پانزدهم ملاعلی‌نقی فرزندحاج عبدالحسین‌گرگری شوشتری که پدرش ازشاگردان‌جداعلی بوده و در (نابغه فقه وحدیث : ۱۷۸) مذکور است ، و خود مرآت خاطرش نقشبند صدر کمال وجام‌ضمیرش ازشراب معرفت‌مالامال ودر زهد وتقوی وسائر * محامداطوار مقتدی به سنت پدر بزرگوار ست ،**
شانزدهم ملاعلی نقی بصیر فرزند ملاعیدی محمد قاری شوشتری ، که مصباح حقیقت در فانوس خیال افروخته ودرعوض قوت باصره نوربصیرت در دل اندوخته **
پدرو نیایش نیز از علما ودر (نابغه فقه وحدیث : ۱۸۷) مسطورند ،
هفدهم حاج محسن بن حیدرعلی بهبهانی ، قافله سالار ارباب یقین وسرخیل زمره سابقین ودر مبادی حال در بلده طیبه بهبهان سالها ملازم صحبت‌شیخ‌عبدالله‌بن صالح بحرینی*** (رحمةالله و رضوانه علیه) که از مشاهیر علمای‌روزگاروفضلای‌عالی‌مقدار

---

* سائر از (ساریسیر) اسم فاعل اجوف یائی است که در اینجا غیر مقصود است ، واز(سائر) مهموزالعین بمعنی‌باقی است ، که سؤرهم از همان ماده‌است ، در (المنجد : ۳۶۸ چاپ۱۹۶۶)درستون سوم درعنوان اجوف یائی آنرا نوشته‌که‌غلط است ، با اینکه در ۳۱۶ ستون دوم درمهموزالعین‌آنرا آورده،
** (تذکره شوشتر :۱۳۶)
*** مذکور در (نابغه فقه وحدیث: ۲۱۷)

بوده وبعد از آن در مشاهد مشرفه وسائر بلاد از فیض سائر علمای عصر انواع استفاضه نموده ،و در فقهاحکام دین برطریقه‌متوسطه مابین اخباریین ومجتهدین‌که‌صراط المستقیم* ارباب احتیاط و یقین است قدم ثبات استوار ساخته و اکنون (۱۱۶۶) ، سالهااست‌که‌رحل اقامت در این مرز وبوم انداخته‌ورایت افادت وافاضت افراخته است ، و مولا نا را به صحبت شعر وسائر بطالات چندان‌رغبتی نیست ، اتفاقا روزی در بعضی مجالس منادمت این شعر بر زبان او جاری شد

بهرکاری که‌همت میگماری نصرت‌ازحق جو که‌برگنجشک دام‌افکندم‌وصیدهماکردم**

در بعضی از کتب تراجم نیز بهمین مضمون ترجمه شده ، از آنجمله (کهن‌شعرای‌خوزستان : ۱۵۸).

هجدهم شیخ محمدبن کرم الله حویزی یکی از چهار نفر مجاز به اجازه‌کبیره بوده و نام او را در اول اجازه با القاب واوصاف‌شایانی یاد کرده ، در الکواکب المنتشره پس‌ازذکر آن القاب فرموده : در دیوان سید صادق فحام مرثیه‌ای برای او موجود است که تاریخ آن منطبق با (۱۱۷۲) بوده وچنین است (بنعیم دارالخلد حل محمد) انتهی ،

وشیخ کرم‌الله پدر وی هم‌از علما بوده و در (۱۱۵۴) درگذشته هنگامیکه در سفرخرم‌آباد بوده ، و جنازه او را به حویزه منتقل و در جوار عم وی که پدر زن‌اونیزبوده‌شیخ‌عبدالله‌بن کرم الله دفن نمودند ، و این شیخ هم مقامی عالی در علم و عمل و چهره‌ای زیباوبیانی شیوا داشته ، ومرحوم آقا سیدعبدالله در (۱۱۳۱) برای ملاقات وی بحویزه رفته و اورا تعریف وتوصیف زیاد نموده ، و فرموده بعداز آن بفاصله‌کمی درگذشت .

نگارنده گوید مرحوم شیخ محمد طه حویزی (۱۳۱۷ــ شب جمعه۵ محرم ــ۱۳۸۸) عالم معاصر حویزه از اعقاب شیخ محمدبن کرم الله مذکور ، و در صورت و سیرت مثال نیاکان خود بود (رحمة‌الله‌علیه) و فرزند ارشد اوشیخ محمد کرمی معاصر نیز ازعلمااست (سلمه الله)

نوزدهم ملا محمد گرگری برادر ملاعلینقی سابق الذکر جامع فضیلتین علم وعمل ومبرااز هرگونه منقصت وخلل و در امامت مسجد گرگر قائم مقام والد ستوده سیربوده*** ،

بیستم حاجی محمدبن خواجه‌محمدعلی بن محمدشوشتری معروف به‌ملاصفیه ، ده‌ازبزرگان علماء امامیه بوده ودر (تذکره شوشتر : ۱۳۷) چنین مسطور است (حاجی محمد بن

---

* عبارت چنین است ومحتمل است که ال غلط چاپی است ،یا اینکه بجهت شیوع این استعمال (مغایرت صفت و موصوف در تعریف و تنکیر در فارسی) مؤلف آنرا استعمال کرده نظیر حجرالاسود و بیت المقدس و کلمات دیگر چنانکه در مقدمه (نابغه فقه و حدیث: ۴) تذکر دادیم ،

** (تذکره شوشتر: ۱۳۶ــ۱۳۷) .

*** (تذکره شوشتر: ۱۳۷)

خواجه محمدعلی عالمی محقق نحریر وفاضلی صاحب تصنیف وتحریر، دراثنای‌مباحثات شرحی بر استبصار ، و حاشیه مدونه بر شرح نخبه نوشته ، و رساله‌در تحقیق‌عصیردرغایت بسط و تنقیر

نگارنده گوید این شخص از دانشمندان گمنام بوده و تالیفات دیگری داشته‌که‌بعضی بنظر رسیده و با آنچه از تذکره استفاده میشود چهار کتاب داشته‌بشرح زیر :

۱ــ بسط المقال فی بیان الاغسال،کتابی‌است فارسی وآغاز آن بعد از حمدچنین است :

چنین گوید بنده‌خاکسار و ذره‌بی مقدار خادم علوم دینیه‌محمدبن محمدعلی مشهوربه ملا صفیه عفا الله‌عن ذنو بهما ، چون خواهش نمودند بعضی از برادران ایمانی ودوستان روحانی تالیف رساله‌ای که‌مشتمل باشد برغسلهای واجبی وسنتی و موجبات و احکام آنها... مشتمل شد بر چهار مطلب و خاتمه الخ ،

۲ــ حاشیه‌شرح نخبه ، مذکور در تذکره‌شوشتر و آن عربی است آغاز (الحمدلله‌مفیض‌الخیر و ملهم الصواب . . . . وبعد فیقول الفقیر الی الله‌الغنی محمدبن محمدعلی بصره‌الله بعیوب نفسه‌وجعل یومه‌خیر امن امسه‌هذه در رصفیه وغرروضیه ، معلقه‌علی ماالفهاالاستاد دیمت افاد اته‌البهیه ، و وفق للاعتلاء علی سنام المجد والثناء)

این دو کتاب را نزد یکی از علماء دیدم ، متاسفانه‌بعد از وفات وی‌اوراق‌آنهاازهم پاشیده و ناقص شدند ، و این حاشیه که بخط مولف بود ، در (۱۲۲۹) در تملک مرحوم سیدمیرزا فتح الله کیمیائی درآمده ،

۳ــ رساله در تحقیق عصیر ، که در تذکره یاد شده ،

۴ــ شرح استبصار ، مذکور در کتاب مذکور ،

و مجموعه‌ای دیدم که در پشت آن این عبارت نوشته شده (مالکه محمدتقی ومحمد اولاد خواجه محمدعلی شهیربه ملاصفیه ثم ملکه ولده عبدالوهاب بن‌محمد)

وازاین عبارت معلوم میشود که‌برادری داشته‌بنام محمدتقی وظاهرا" بزرگتر از او بوده و فرزندش عبدالوهاب نام داشته و ملاصفیه لقب پدر او نیز بوده ،

و در جنگی خطی فرزندش عبدالوهاب چنین نوشته :لغزلوالدی الماجدالفاضل النحریر الحاج محمدبن محمدعلی بن محمدالمشتهر والملقب بملاصفیه‌جعلنی الله‌فداه کتبه‌العبد عبدالوهاب ــ الحمدلله‌الذی خلق الانسان وعلمه البیان ولتبیان ، وهداه‌الی‌حل‌اشکال الاشکال ، ومکن عقله من حل کل عقال ،والصلوه علی‌محمدوآله‌خیرآل ، وبعد اخبرنی‌عن اسم رباعی البناء کثیرالاجزاء ، قدیکون اسماللثی‌المظلم کاللیل اذاعسعس ، والمضی ، کالصبح اذاتنفس ، عدده اثنان وستون بعدالمثنی من المائه‌الخ ،

بیست وبکم شیخ محمدبن شیخ محمدمقیم بن شیخ درویش محمدحامدی خزاعی اصفهانی غروی ، وی یکی از چهار نفر است که اجازه کبیره را برای آنان نوشته ، ودر آخر اجازه

فرموده که او سالها پیش بوسیله نامه از من استجازه نموده بود و او را چنین توصیف نموده (العالم الفاضل اللوذعی سلاله‌الفضلاء الامجاد بقیه‌اهل‌بیت التقوی والسداد خریت طرق العلم والروایه مصباح‌مسالک الرشاد والهدایه الموفق المسدد الموید الشیخ محمد) در (الکواکب المنتثره) پس از نقل عبارت اجازه فرموده (یظهر منها ان اباءه من‌العلماء الفضلاء) در (ماضی النجف وحاضرها ۳ : ۳۸۲) پس از عنوان وی گوید (یظهرمنه ان اباءه‌من‌العلماء الفضلاء) که عبارت کواکب را تصحیف نموده وضمیر مونث را که مرجع آن اجازه‌است مذکرآورده‌که‌مرجع‌آن‌خودمترجم‌است، در (اعیان الشعیه۴۷ : ۳۴) عبارت اجازه‌را درباره‌اونقل کرده‌اما‌اشاره‌به‌مجازبودن وی بآن اجازه نکرده است، در (کواکب) و (الذریعه ۲۱ : ۵۶) تالیفی بنام مشکاه البهیه بوی نسبت داده در (دانشمندان‌وبزرگان اصفهان : ۴۹۱) عبارت اعیان الشیعه و نام تالیف او را بصورت مشکاه‌الهیه آورده‌است، و پدر وی شیخ محمد مقیم صاحب (حاوی نخب الادله و الاقوال) شرح مزجی بدایه‌الهدایه‌بوده، و در (۲۶ـ ع ۱ـ۱۱۶۵) درگذشته بطوریکه فرزندش در آخر جلد اول کتاب‌مذکور نوشته * و او غیر از شیخ محمد مقیم است که در (۱۰۷۷) علامه مجلسی بوی اجازه داده، بطوریکه از تاریخ اجازه وتاریخ وفات او معلوم میشود، در (ماضی النجف وحاضرها صفحه مرقوم) درباره مجاز از مجلسی گفته (او نیای شیخ محمداست که از آقا سید عبدالله‌اجازه داشته) و چنانکه دانستی نیای‌شیخ‌محمد، درویش محمد بوده، و محمد مقیم پدر او است وغیر از شخصی است که از علامه‌مجلسی‌مجازبوده، بیست‌ودوم ملا محمدبن میرعلی صراف شوشتری برادر ملاعلی اکسیر سابق، در (تذکره شوشتر ۱۳۷) چنین است (گنجینه نفائس‌علوم ومعارف ومخزن اسرار فضائل‌ولطائف، درنهایت صفای‌ذهن ودقت‌طبع وسعت‌فکر، ودرجمیع کمالات‌مشارک‌برادر مهتر سابق‌الذکر است) طبع شعر نیزداشته ودرجواب سوال لغزی استاد خوداشعاری گفته‌است مطلعش اینست خرد گفت با من که آن نوجوان‌الخ که در (تذکره شوشتر : ۱۴۴) مذکوراند اما درآنجا نام پدر او از میرعلی به‌مهرعلی تصحیف شده، وصاحب (کهن شعرای خوزستان : ۱۵۹) بدون توجه‌به‌این تصحیف او را با همین عنوان نوشته، و لهذا اشاره‌به‌نسبت برادری وی با اکسیر که او را هم یاد کرده نکرده‌است،

در (تحفه‌العالم : ۲۰۷) گوید (مولانا محمدبن میرعلی اگر چه او هم از ریزه خواران مائده‌آن بزرگوار (اقاسیدعبدالله) وبعلوم‌متداوله ماهر بود اما در اوآخر، بسبب‌مصاحبت بعض اشخاص ناجنس که‌از اصفهان وارد بودند یا بعلت خلل دماغی، حلول‌راقائل‌و غلوی عظیم به مذهب تناسخ داشت، مذمت عقاید دیگران واهیات‌آنها را، ورد زبان نمودی بهریک از حیوانات که رسیدی از روی تحسر باودیدی وبسویش اشارت کردی، و گفتی که

* (الذریعه ۶ : ۲۳۷) و فرموده دوجلدآنرا دیده‌ام ولی به‌سومی دست نیافته‌ام،

افسوس تو هم روزی مثلها مجمعی داشته‌واز گلزار حسنی بساخارها که در دل شکسته‌ای ، و از این قبیل کلمات برزبان او جاری میشد ، ارباب فهم از او متنفر شدند او نیز کناره گرفته‌ذم ایشان و مدح عوام کردی و همچنان منزوی بود تا درگذشت (تجاوزالله‌عنه) ، در الکواکب المنتثره نسب وی را از آخر اجازه‌کبیره‌مورخ (رجب ـ۱۱۶۸)که‌بخط وی‌دیده چنین نقل کرد محمدبن میرعلی بن حسین بن علی بن مقصود علی ، وازتاریخ آن‌معلوم میشود که‌از مقربان تلامذه‌آقاسیدعبدالله‌بوده‌وهمزمان با تالیف اجازه (۲ـ ج۲سال‌مزبور) آنرانوشته ،

و مجموعه‌ای مشتمل بر الانوارالجلیه‌مورخ (ج۲ـ۱۱۶۱) ، و الذخیره‌الباقیه‌مورخ رجب همان سال ، و المقاصد العلیه‌مورخ‌شعبان سال مذکور ، والذخیره‌الابدیه‌که‌تاریخ کتابت آن افتاده ، بخط‌وی موجود است ، و در آخر آنها تصریح کرده‌که‌شاگرد مولف است‌ودعاکرده که‌مولف بسلامت بماند تا درس استبصار را تمام کند ، ودر (۱۱۶۲) این کتابها را ازروی نسخه‌اصل با برادرش حاج علی مقابله وتصحیح کرده ، وعبارت او در آخرکتاب سوم‌چنین است (تلمیذالسیدالمجیب الاجل الانبل‌الابجل العالم‌العامل والحبرالکامل متسنم ذروه المفاخر واحق من یثنی علیه‌الخناصرذی الحسب الباهر والنسب الزاهر ،اللهم‌فکماجعلت هذاالسیدالاستادمهبطالهذه‌الفیوض‌التی‌تنبت‌ازهارهاالعلوم‌الدینیه فابقه‌رافلا بحله‌السداد محمود الاصداروالایرادحتی ینهی درس الاستبصارعلی احسن رویه ، مقرونه‌بخلوص النیه بمحمدوآله‌الابرار علیهم سلام الله‌انا اللیل واطراف النهار ، العبدالاقل محمد بن علی ابن‌حسین بن‌علی ضحاه‌یوم الاثنین الثانی من شهر نبینامحمدصلوات الله و سلامه علیه شعبان سنه احدی و ستین بعد المائه والالف)

و چون در آنجا نام پدر خود را علی نوشته پس او متحد است بامولی محمدبن علی بن حسین شوشتری ، که او را با این عنوان قبل از صاحب ترجمه در الکواکب المنتثره یاد کرده‌وفرموده (ذخیره‌العباد سماهیجی را که ترجمه زادالمعاداست در (۱۷ـ ع ۱ـ۱۱۹۲) نوشته وحواشی بسیاری در توضیح عبارات وبیان احتیاطات وشرح لغات آن نگاشته ، و تصریح نموده‌که در مدرسه حاج ابوالحسن جنب مسجد عمویش حاج رضا در شوشتر آنرا نوشته ، و طلب مغفرت ورحمت برای آندو کرده‌است)

و پدر وی حاج میرعلی نیز اهل فضل بوده ، نسخه‌ای از شرائع و قفی دیدم که قبل ازوقف در تملک او بوده ، و فرزندش در پشت آن چنین نوشته (من متملکات والدی الحاج میر علی بن حسین بن علی وکتب هذه الاحرف محمد فی ۱۱۵۸) وظاهر این‌عبارت‌حیات‌پدر او را در آن تاریخ میرساند ،

بیست وسوم ملامحمدتقی ابن استاد عبدالله‌شوشتری ، که سیمای تقوی از ناصیه‌اش ظاهر

و انوار توفیق از مجامع احوالش زاهر * طبعش سلیم و فهمش مستقیم بوده **

بیست‌وچهارم ملامحمدتقی بن نظر علی چیت ساز شوشتری که در نهایت حدت فهم‌و جودت ذهن وحسن ادراک ودامان ایمانش از آلایش مناقص پاک ،** وصاحب‌خطی‌زیبا بوده ، و الذخیره‌الابدیه‌را در (۱۱۵۶) نوشته‌است ،

بیست وپنجم ملامحمدحسین موگهی فرزندحاجی خضر ، جامع کمالات صوری ومعنوی ودر فن طب و تنجیم دست تصرفش قوی بوده**

پدرش‌از شاگردان‌آقا سید نورالدین است ودر (نابغه‌فقه‌وحدیث : ۲۵۶-۲۵۷) اووچند تن دیگر از منسوبان وی را نوشته‌ایم ،

بیست وششم آقا محمدرضا فرزندحاجی نصیر فرزندحاجی رضا فرزندحاجی عنایت الله شوشتری ، که با حداثت سن ،کاملی‌حقیقت نهاد موفورالاستعداد بوده **

بیست وهفتم ملامحمدزمان بن ملاعلی صحاف شوشتری ، پدرش را در ذیل ترجمه پدرش ملامحمدزمان بن ملامحمدرضا در (نابغه فقه وحدیث:۱۷۶) نوشتیم واشتباهی را که صاحب الکواکب املنتثره در باره این ملا محمدزمان نموده تذکر دادیم ، و دراینجا گوئیم که‌وی در مضمارکمالات سابق ودر فن طب و تنجیم ماهر وحاذق و استادملانعمت‌الله‌برادر خود و آقا علیرضای سابق الذکر و حاجی محمدامین خراط بوده **

و حاجی محمدامین مزبور فرزند حاجی فرج الله ، از معارف ابرار و دانشمندان فرخنده آثار بوده‌که‌علم نجوم را از وی استفاده کرده *** و در این علم مقامی‌ارجمندوتالیفاتی داشته ، و استخراج تقویم می نموده بطوریکه‌در پشت نسخه‌ای از زیج الغ بیکی چنین نوشته (هوالمالک الحقیقی اگر غیرتو مالکیت سزا است ، هر آنچه زبنده بودازخدا است قدصارمن عواری الزمان للعبد المذنب محمدامین ، بعضه‌بالبیع الصحیح الشرعی وبعضه کتبتها**** بیدی فی التاریخ۱۱۶۲ مطابق لوی ئیل که‌کمترین شروع به‌استخراج‌نمودم) و منتخب نموده‌اختیارات وتنبیهات وشرح بیست باب ملامظفر وتذکره‌النجوم داودانطاکی را ، ومنتخبات مذکوره‌با رساله‌الواح ورساله‌آفاق‌ملامظفرمورخ (۱۱۶۳) بخط‌وی درحسینیه شوشتر یها در نجف اشرف موجود است ، و کفایه‌التعلیم غزنوی را هم برای استفاده خود استنساخ کرده ، پس معلوم میشود که‌ازعلاقه‌مندان به فن نجوم بوده‌است *****

---

* درنسخه‌چاپی تذکره(ظاهر)بجای زاهر غلطی ظاهر است ،

** (تذکره شوشتر: ۱۳۸)

*** (تذکره شوشتر: ۱۳۹)

**** کتبته درست است ،

***** (الکواکب‌المنتثره)و (الذریعه۲۲: ۳۷۰و۳۸۸) وصفحات دیگر ، اما در الذریعه جزم نداشته که منتخب تنبیهات از او باشد ،

بیست و هشتم سید مرتضی ۳ بن نورالدین ۲ برادرش که در (شاخه‌چهارم) بیاید ،
بیست و نهم ملا نادعلی فرزند استاد تقی شالباف شوشتری ، که در جمیع مکارم با یاران سابق الذکر مشارک و مساهم بوده *

سی ام سید نصرالله‌حائری مدرس کربلا که از وی اجازه مدبج داشته چنانکه گذشت

سی و یکم ملاهادی قواس فرزند خواجه‌صادق فرزند استادمحمدتقی ، از شعرای نامـــی‌و شاگردان گرامی آقاسیدعبدالله‌بوده که‌در (تذکره‌شوشتر ۱۵۹ به بعد) در فصل سی‌وششم نام و نسب و قدری از وصف‌طبع‌وشعر موزون‌او را آورده ودر (صفحه۱۶۵) در فصل سی‌و هشتم نیز مقداری از اشعار او را نقل کرده ،

در (تحفه‌العالم : ۱۱۵ و۱۱۶ و ۱۹۳) از او به مولانامحمدهادی قواس تعبیر نموده و در باره‌اش چنین نوشته (در بدایت حال بشغل‌جولائی وکمانگری اشتغال ،داشت‌وچون طبعش موزون بود چند بیتی موزون ناموزون گفتی وبر اماثل واقران خویش خواندی .عم فضائل گستر که قدرشناس ارباب هنربود لطف طبعش رادریافته ، او را از آن‌جرگه‌برآورده لباسی دیگر پوشانید و به‌تربیت او جدی موفور فرمود ، از برکت انفاس آن عالی مقام در سلک شعرای شیرین کلام و کدخدایان عظام منسلک ، و بطرز سخن آشنا و بمدارج علیا بلنداوا گردید ، برخی‌از اوقاتش را صرف کرباس فروشی مینمود وفواصل آنرا به‌اکتساب فضائـــل مشغول بود ، سواد شهر بند نظمش رشک چین و چگل در دلگشائی ،و در حجله خیـــانش بیان فرخاری بر سوائی **

سلیقه‌در گفتن تاریخ داشت که‌کمتر کسی را از شعرای زمان میسر آمده باشد ، چیزی که‌ازاو سوال میرفت فی الفور ماده‌آن بر زبان او جاری میشد ، و گاه بود که‌تمام قطعه را بدیهـه تاریخ میگفت ، قصیده‌ای در ولادت سید نعمت الله‌بن‌سیدحسین خان که‌ذکراوگذشت دارد قرب پنجاه بیت کمابیش ، که از هر مصراع یکی از تواریخ اربعه مشهوره بترتیبی‌که‌ملحوظ داشته‌است بر میاید ، هجری وفارسی ورومی وجلالی ، و باملاحظه‌این همه‌صنعت ، الفاظ غیرمانوس وکلمات مهجوره‌اصلا در آن نیست ،والحق کارنامه‌ایست ، این یک بیـــت ازآن بیاد است : نعمت الله زحق شد نامش زاسد طالع والایش دان

چندی قبل از این وفات نمود) ،

و این تخلص را استاد وی باوداده ، واین دو رباعی بین آن دو رد وبدل شده .

---

* (تذکره شوشتر: ۱۳۹)

** (چگل) و (فرخار) نام دو شهر از ترکستان است که اولی حسن‌خیز بود . مثال

محقق همان‌بیند اندر ابل که در خوبرویان چین و چگل
نگار اگر رنگ و بوی دارد وبس همذا چین و مرحبا فرخار

(مجمع الفرس ۱ ۳۹۴و۳ ۹۶۳)

خواجه هادی :

بر درگهت ای خسرو ارباب سخن　　قسمت شده چون ناصیه فرسائی من
از مکـرمتت توقـــع آن دارم　　سازی بتخلصم تو مشهور ز مـن

جواب استاد :

ای تیر فلک تو را است پیوسته بکیش　　برجیس کمان نهاده‌است درپیش
آوازه زه تـو را ز هر گوشه بلنـــد　　قـواس بود تخلصت بی‌کم‌وبیش

قواس اشعار زیادی در مدح وستایش ائمه‌اطهار(علیهم السلم)وبعضی از بزرگان آن عصر گفته ، و در وصف صبح وشفق وطلوع وغروب،معانی بدیعه ومضامین لطیفه بکـار برده که متاسفانه آنها در دست نیست ، وآنچه از وی باقی مانده‌اشعاری است که درتذکره‌شوشتر و از آنجا در (کهن شعرای خوزستان : ۱۹۲ـ۱۹۵) نقل گردیده ، و هم ماده تاریخـــی برای درگذشت استادخود گفته که‌قریبا ثبت خواهد گردید .

* درگذشت و آرامگاه آقا سید عبداله ۳ *

وماتنفع الاداب والعلم والحجی　　وصاحبها عندالکمال یموت

سید دل آگاه پس از شصت‌ویکسال‌عمردر(۱۱۷۳ـ مجلس غم) از ایـن جهـان فانی به روضـه‌رضوان شتافت وداغ حرمان بردل خرد پژوهان گذاشت ، و درجوار والد بزرگوارش دراطاق‌متصل به‌مسجدجامع شوشتر مدفون‌گردید ،و مقبره مقدسه‌اش اکنون معمور و زیارتگاه عموم است ،

ملاهادی قواس درتاریخ فوتش فرموده :

از امر خداوند جهاندار قدیم　　علامه دهر سید خلد مقیم
در باغ نعیم جای‌او شد قواس　　تاریخ‌وفاتش‌طلب‌ازباغ‌نعیم

ازآن‌حضرت ده‌پسرنیکو سیر بجای ماند سیدابوالحسن ۴ . سیدجواد ۴ . سیدعبدالهادی ۴ . سیدبهاءالدین ۴ . سیدعبدالرحیم ۴ . سیدعلی‌اکبر ۴ . سیدعبدالمهدی ۴ . سیدابوتراب ۴ . سیدمحمدامین ۴ . سید عبدالسلام ۴ *

سیدابوالحسن ۴ شیخ الاسلام که در زمان پدر به هندوستان سفر کرده ، عالمی عالی‌مقدار بوده وشطری از عمر خود را به اسفار گذرانیده ،

شرح حال وی نخست در تحفه‌العالم نوشته‌شده‌وازآنجا به (اعیان الشیعه ۶ : ۳۱۴) و (بوستان پیغمبر) و (الذریعه ۱۰ : ۲۵۳) و (شجره‌طیبه) (الکنی‌والالقاب ۲ : ۳۰۰) و (الکواکب المنتثره) و (مکارم الاثار ۱ : ۱) و (نجوم السماء : ۲۹۸) نقل گردیده ،و

* (تذکره‌شوشتر : ۶۰) و) تحفه العالم : ۱۱۶) و (شجره نوریه)

ما نخست عبارت تحفه‌را نقل کرده آنگاه اطلاعاتی را که از مواضع دیگر بدست آورده ایم مینگاریم، در (تحفه‌العالم : ۱۲۳) چنین است (در ذکر طبقه‌چهارم از این سلسله‌علیه السید الفاضل الموتمن السید ابوالحسن بن السید عبدالله ، گرامی اختر برج سروری و فضیلت و یکتاگوهر درج برتری ومکرمت ، بعد از فوت والد بزرگوارش مصطبه آرای بزم افادت ومشعله افروز انجمن افاضت بود ، تلمذ در خدمت والد بزرگوار خود نموده و به مدارج علیا رسید ، در جوانیها بحیدرآباد دکن افتاده از اوضاع زشت این مملکت بغایت متنفر گردیده عود بوطن نمود ، مکرر میفرمود که مردم آندیار از اعالی وادانی هر یک‌به پندار خود مغرور و در تمیز نیک وبد اشیاء بغایت عدیم الشعور ، و اکثر فرومایگان ازخود بیگانه‌اند ، علم وجهل را درنظر ها درجه‌مساوات وبرارتکاب مناهی‌افتخارومباهات دارند، بالجمله‌بحکم وراثت وقابلیت،منصب جلیل‌شیخ‌الاسلامی ازپیشگاه خان نیکوسیرت محمد کریم خان زند باو مرجوع وبخدمت آن پادشاه معززومحترم ، و در فن‌طبابت بقراط زمان وسرآمد اطبای عالی مقام واحذق حکمای اعلام بود ، حدسی صائب وذهنی رسا داشت ، در هندسی وریاضی صاحب دستگاه ودرعلوم دیگر نیز افادت پناه ، بسی رسائل شریفه مدونه‌درطب وحساب وریاضی دارد ، خلاصه الحساب را در خدمتش خواندم ، شرحی مبسوط بر مفاتیح را شروع نموده بود اجل فرصت نداد و باتمام نرسید ، آنقدرکه‌به‌بیاض رسید منقح نوشته‌شده‌است ، در ماه شوال سنه (۱۱۹۳) از این سرای فانی بعالم جاودان انتقال نمود وحسب الوصیه در مقبره علیحده مدفون گردید . بارگاه او معروف است)

و در حاشیه تحفه‌گوید (و آنجناب در علم تفسیر نیز سرآمد عصر خود بود ، فقیر تفسیر صافی را در خدمت او مباحثه می نمودم ، اکثر اتفاق میشد که آیه‌ای را تفسیر میفرمود که هیچیک از مفسرین در این تفاسیر مشهوره مثل صافی وبیضاوی وکشاف ننوشته‌بودند وبعد از مدتی اتفاق میشد که‌تفسیر همان آیه‌رابنحوی که‌میفرمود در جائی دیگر از تفاسیر غیر متداوله مثل تفسیر جلالین وغیره‌میدیدم ، و از این مقوله بسیار اتفاق میشد ، چنانچه در علم تفسیر یدی طولی ورایی صائب وحدسی مقرون به‌صواب داشت ، وفقه‌وحدیث او نیز بحد کمال بود رحمه الله علیه)

نگارنده‌گوید خطی‌پخته وشیرین داشته ،و برکتب بسیاری تملک خود را نگاشته ،ونسخه‌ای ازبدایه‌الهدایه‌شیخ حرعاملی بخط‌او دیدم که در (۱۱۷۱) در بصره‌نوشته . همچنین مجموعه‌ای بزرگ بخط‌او موجود است مشتمل بر رساله‌اسهالیه حکیم عمادالدین محمود شیرازی ، ورساله رمل‌شمس الدین محمدخفری ، وحقائق‌اسرارالطب مسعودبن‌محمد سنجری و تحفه‌سلیمانی محمدهاشم بن محمد طاهر طبیب ، وجواهرالاسراردهدار ، و مقصدالاشیاء غیاث الدین علی حسینی اصفهانی ،و مجموعه الصنائع ، و عقد انامل ، و منظومه‌معما از

حقیری هروی * و رمحیه پدرش وفوائددیگر، که بیشتر آنرا در حیدرآباداز (۱۱۶۵) تا (۱۱۶۸) نوشته‌است ،

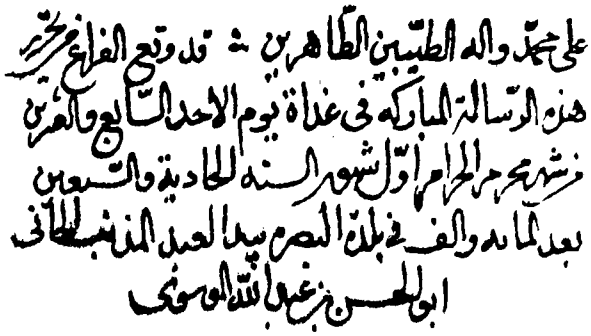
علی محمد واله الطیبین الطاهرین ۰ قد وقع الفراغ من تحریر
هذه الرسالة المبارکه فی غداة یوم الاحد السابع والعشرین
من شهر محرم الحرام اوّل شهور سنه الحادیة والتسعین
بعد المائه والالف فی بلدة البصره بید العبد المذنب الجانی
ابی الحسن بن عبدالله الموسوی

وفات مرحوم سیدابوالحسن ۴ شیخ الاسلام عصر سه‌شنبه (۱ــ شوال ــ۱۱۹۳=قضائی‌مبرم) اتفاق افتاد،بطوریکه برادر زاده‌اش سیدنعمت الله۵ بن سید عبدالهادی ۴درپشت‌تمهید القواعد نوشته ،ودر شوشتر بخاک سپرده شده ، و آرامگاه‌او که‌درعصرصاحب‌تحفه (۱۲۱۶) معروف بوده اکنون مجهول است ،

از آنجناب‌سه پسر مخلف گردید:سیدمحسن۵ ۰ سیدعبدالله۵ ۰ سید محمد۵ ***

سیدعبداله۵ پسر دوم وی بلاعقب بود وازوی اولادی بجای نماند ، بطوریکه‌در بوستان پیغمبر وشجره‌طیبه‌است ، اما کتانباف پسری بنام سیدمحمدطاهر۶ برای او ثبت کرده‌وگفته او پسری داشته‌سیدمحسن ۷ نام که اولاد ذکوری از وی مخلف نگردیده‌وقبورایشان‌دربقعه مقام حسین*** بسمت مغرب واقع است ،

سیدمحسن۵وسیدمحمد۵ در ضمن دوشکوفه‌نگارش یابند ،

---

* مذکور در (تذکره نصرآبادی: ۴۷۲ و ۵۰۹)

** (تحفه العالم: ۱۲۴)

*** مقام حسین که شوشتریها مقوم حسین گویند (تبدیل الف به واو در الفیکه قبل‌از میم و نون باشد در فارسی شائع است) بقعه‌ای است واقع در جنوب غربی مسجد جامع و اطراف آن گورستان است‌و وجه‌تسمیه‌معلوم نیست ، در (تذکره شوشتر: ۳۱) یادشده ،

شکوفه اول

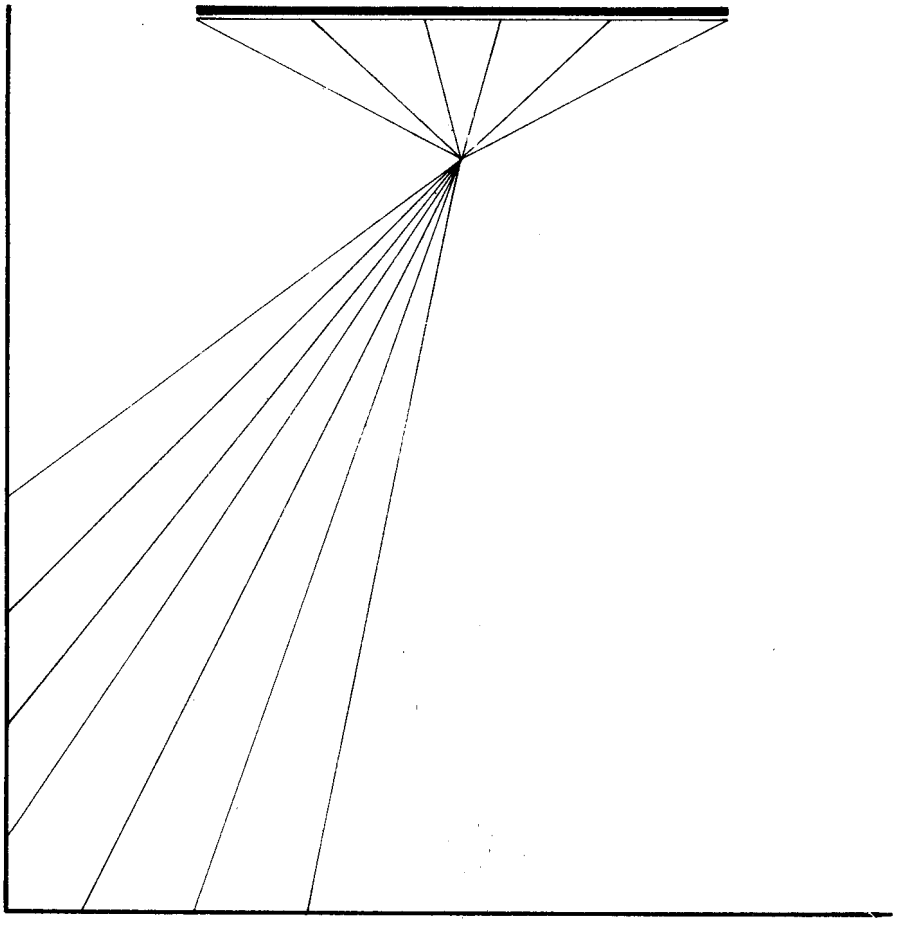

* شکوفه اول *

خاندان شیخ‌الاسلام ، سیف السادات ، شمس زاده ، شیخ‌الاسلامی ، هاشمی سیدمحسن ۵ بن (سیدابوالحسن ۴مذکور درشاخه‌اول) در (شجره‌نوریه) و (الکرام البرره خطی) و نوشته بعضی از احفادش(محمد محسن)نامیده شده ، و خودنیزهمینگونه‌امضاء نموده ، اما در تحفه عن است ، و از عجائب اتفاق . توافق محسن‌باابوالحسن‌درحساب جمل که‌مطابق (۱۵۸) است ،

در (تحفه‌العالم : ۱۷۳) و (نجوم‌السماء : ۳۳۲) بدین سان مذکوراست * (ذوالمکارم والمحاسن‌السیدمحسن ابن السیدابوالحسن ، بحکم وراثت ملاذاسلام‌وبمکارم‌اخلاق‌سیدی عالی مقام ومرجع اکابرعظام ، و در نظر سلاطین با شکوت چون نوردیده‌باحترام است ، بقدر فرصت کسب فضائل وتحصیل علوم از سیدزین الدین ** و والد بزرگوارش نموده ، فطانت و ذکائی عالی دارد ، مجمع اخلاق‌فاضله ومتحلی باوصاف شریفه ، مجلس‌آرائی‌و طلاقت لسان او مشهور عالم ودرارحام پروری زبده‌اولاد آدم ، در نوشتن‌مراسلات عربی فصیح عهد و درشفابخشی به‌سائلین ومحتاجین مسیح مهد است ، مکاتباتی‌که‌ازجانب‌خود ووالدش وبعض امرای آن‌نواح‌به‌موالیان عرب نوشته ،بلاغت‌امورمستعدان آفاق والحق در انشای عربی باطمطراق است ،،

منصب جلیل شیخ الاسلامی از سلاطین عصر وشهنشاه خجسته‌اخلاق دیندار فتحعلی شاه قاجار باو مفرض است و بائین ستوده بتقدیم میرساند ،

در عهد والدش شوق طواف حرمین او را گریبان گیر شده بآن سعادت عظمی بهره‌ورگردید با اقارب و بنی اعمام خصوص باراقم آثم عاطفتی تمام دارد ،

در ابتدای جلوس این خدیو بی همال خود باردوی‌کیوان بوی‌ارتحال ، و پادشاه ذیجاه باعزاز واجلال او کوشید ، تا درآنجا بود مقرب بزم‌حضورومراحم شاهانه در باره اوبه جلوه ظهور میرسید ، وظیفه معتد به حسب الاستدعای او بجهت‌سادات ذوی الارحام و طلبه‌از مصدر جاه واحتشام معین گردید)

در (جلد ششم دائره معارف الشیعه) زیر عنوان جزائری بشماره (۱۲) مذکور است ، و در (شجره طیبه) مرقوم داشته : آنجناب در (۱۲۰۸) از طرف آقا محمد خان بـــه حکمرانی خوزستان منصوب و تا اوآخر سلطنت آن پادشاه حاکم بود ، در اول جلـوس فتحعلیشاه به طهران رفت که حساب ایام حکومت خود را تصفیه کند مورد نوازش شاه‌واقع شد انتهی

---

* و برصاحب اعیان‌الشیعه بود که او را ترجمه کند اما از قلم او افتاده ،

** در (ساقه سوم) بیآید

نگارنده گوید این مطلب در جائی دیده نشده و از احدی از سادات مسموع نگردیده وغریب بنظر میرسد ،

مرحوم سیدمحسن۵ شیخ‌الاسلام باشتغالات علمی مشغول بوده وخطی زیبا داشته ، تفسیر صافی مورخ (۱۱۸۶) و فوائدی ملحق بان نوشته که در کتابخانه رضویه موجود است ، الذخیره‌الابدیه والرمحیه را در (۱۱۹۹) در مدرسه علمیه شوشتر استنساخ کرده ، و بر نسخه‌ای از (المقاصد العلیه) یادداشتی مورخ (۱۲۱۸) و بر (ریاض الابرار) تملک خود را مورخ (۱۲۲۵) نگاشته‌بطوریکه در (الکرام البرره) مذکور است ، و اینجانب (عقود المرجان) مورخ (۱۶ــ ذق ــ۱۲۱۳) را در حاشیه قرآن که به خط ملاعیدی محمد معرف شوشتری است و(قلمیه) دوانی مورخ (۱۱۸۴) ونسب نامه او را تا امام کاظم (علیه السلام) درمجموعه پدرش واسنادی بخط وی دیده‌ام

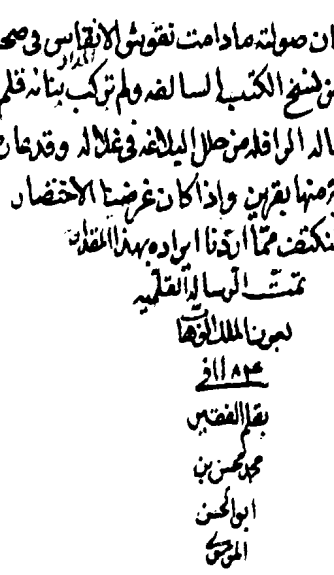

وسندی موجود است که در (۱۷ــ رجب ــ۱۲۲۰) آنرا چنین گواهی نموده (صح ماز بـرو سطرفیه‌لدی الداعی لدوام الدوله‌الابدیه‌القاهره‌وانا‌الفقیرمحمدمحسن الموسوی) و مهر مستطیل‌شبیه به مربع خود را در زیر آن زده‌است ،

وسیدعلی اصغر۵ بن سید بهاء الدین۴ (شکوفه‌هفتم) نسخه‌ای ازحاشیه‌جداعلی بـر شرح جامی راکه‌ناقص بوده‌بدستور اوتکمیل‌کرده‌واوراچنین‌توصیف‌نموده (العم الامجد و المخدوم الممجدملجاالانام وملاذالخاص والعام السیدمحمدمحسن شیخ‌الاسلام) وآخوند ملا نظـر علی متخلص به دری شوشتری (۱) متوفی در ۱۲۵۰ مطابق (دری ازطرف جهان رفت) در مدح وی سروده :

در مدیح شیخ الاسلام است واجب یک دو بیت آنکه می باید بپایش کرد عالم را نثار
زبده احرار سید محسن آن عالی جناب کآسمان بردرگهش پرده‌است کیوان پرده‌دار
نیر برج سعادت حامی دین نبی عالم علم و سپهر فضل ومهرافتخار
آنکه در خورد است دولت ذات او را از ازل آنکه‌پرورده است عصمت شخص اورادرکنار
هادی راه هدا و شارع شرع نبی قدوه ارباب تمکین و مه اوج وقار
آنکه از دست سخای او است کز دریا وکان هر زمان گوهر امان می جوید و زر زینهار
هر کجا فرمان دهد حرفش جهان فرمان پذیر هر کجا خلوت کشد حرفش زمانه پرده‌دار
هر لباسی را که پوشیده است شخص دولتش عصمتش‌بوده‌است پودوعفتش‌بوده است تار
ای تو را در تحت فرمان هم وضیع وهم شریف وی تو را در زیر منت هم صغار و هم کبار
تا بود ظاهر کسان را اصل ونسل‌وتخت‌وبخت ثابت و باقی و سطح عالی اندر روزگار
هست اصلت ثابت و نسل تو باقی در جهان باد تختت عالی و بختت بعالم رام یار

تاریخ ولادت و وفات مرحوم سید محسن ۵ بدست نیآمد ،
و آن جناب پنج پسر داشته : سید ابوالحسن ۶ معروف به سید آقائی . سیدمحمد رضا ۶ . سیدمحمدحسین ۶ . سیدعبدالکریم ۶ . سیدعزیزالله ۶ ، ومادر فرزندانش بی بی مریم بیگم دختر مرحوم سید احمد بوده‌بطوریکه از صلحنامه مورخ (۱۱ــ ج ۲ــ۱۲۴۴) معلوم‌میشود . سیدابوالحسن ۶ معروف بسید آقائی ، تولدش در پشت قرآنیکه بخط عیدی محمد است (۱۱ــ صفر ــ۱۱۹۸ = خورشیدمحل) ثبت گردیده‌و در (ذح ــ۱۲۳۴) با بی بی شرف‌جهان ۶ دختر سیدعبدالله۵ بن‌سید جواد۴ بن سیدعبدالله۳ ازدواج کرده‌بطوریکه‌سیدعبدالله مذکورنوشته ، وتولداین دختر را شب (غره ــ رجب ــ۱۲۱۴) ضبط کرده درشجره‌طیبه‌گوید:
چون والدش مرحوم شد جمعی از اعیان شوشتر از سادات مرعشی بعدرصغر سن وی ،فرمان شیخ الاسلامی را از محمد علی میرزای دولتشاه حاکم وقت بنام (سید نعمت الله کــر) صادر کردند که شیخ الاسلام شهر از محله خودشان باشد اما طولی نکشید که‌چندهــزار روپیه از طرف میرعالم از هندوستان رسید ، که سید آقائی بر سادات‌تقسیم‌کند ،حضرات خود رامحروم یافته و از کرده پشیمان شدند ، ناچار مجددابدربارمحمدعلی‌میرزاچسبیده فرمان شیخ‌الاسلامی را بنام آقاسید آقائی صادر کردند ، سید مرحوم دارای فضل و ادب کاملی بوده‌است .
نگارنده گوید در (ع ۲ ــ۱۲۴۶) فرمانی از حاکم سابق الذکر بنام وی صادرگردیدبدین مضمون که (چون اسد نامی که مستمری بیست تومان داشته بلا وارث مانده مبلغ مزبور را از مالیات شوشتر بجناب قدسی مآب‌فضائل انتساب سلاله‌السادات العظام‌سید ابوالحسن بدهند که صرف معیشت خود ساخته به‌تحصیل علوم دینیه‌ودعاگوئی دوام‌دولت ابدمدت

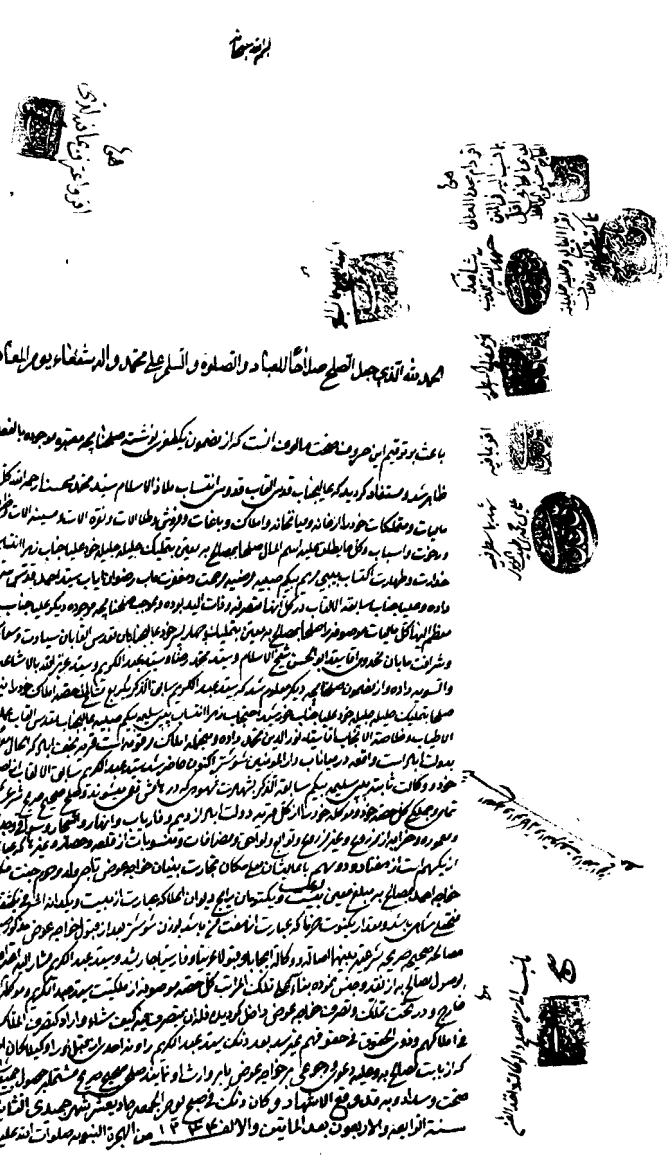

یک سند مربوط به خاندان شیخ الاسلام

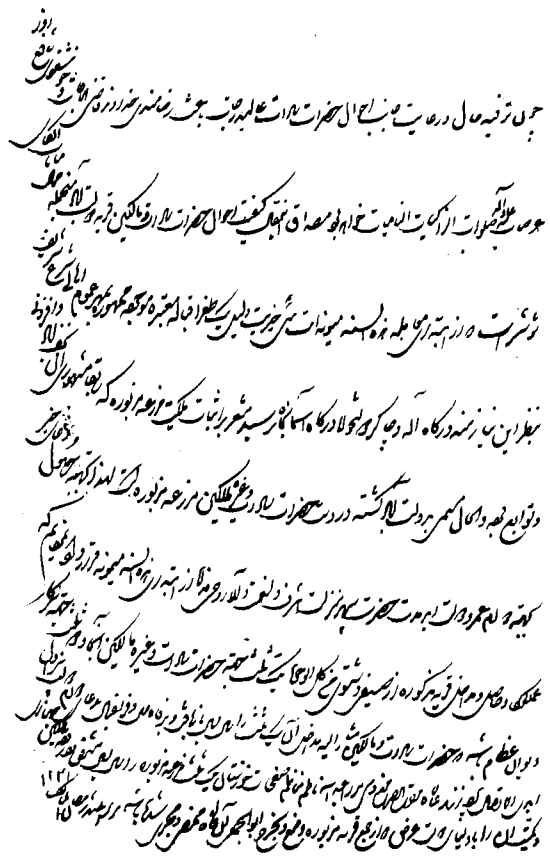

سند متضمن نام میرزا عبدالله مرعشی

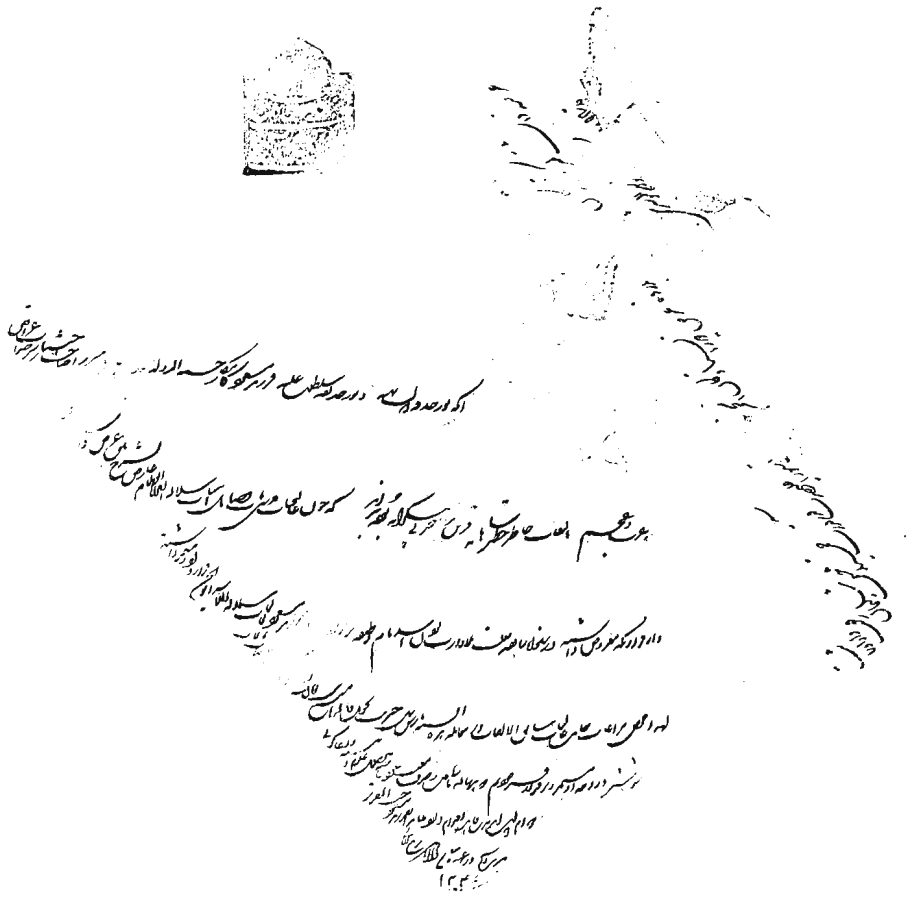

قاهره اقدام دارد)
و آن مرحوم خطی زیبا داشته وکتابهائی بخط خود نوشته از آنجمله انیس الوحید *
و تحقیق قبله شوشتر مورخ چهارشنبه (۱۴ــ ع ۱ــ۱۲۲۰) و زهرالربیع و مسکن الشجون
مورخ (۱۰ــ ذق ــ۱۲۴۶) که برای مرحوم حاج سید احمد جزائری نیای سوم نگارنـــــده
نوشته ، و امضاء او در آنجا ابوالحسن ابن المرحوم السید محمدمحسن الموسوی است ،و
مجموعه دردعا نیزبخط اوموجود است ، و شنیده‌ام درسفرنامه‌مسترلیاردنام‌اوآمده است ،
پسرانش دو نفر بوده‌اند : سیداحمد علی ۰۷ سید محمدعلی ۰۷**

---

* این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است ودر(نابغه فقه وحدیث ؛ ۲۶) یاد شده ،

** بوستان پیغمبر و شجره طیبه ،

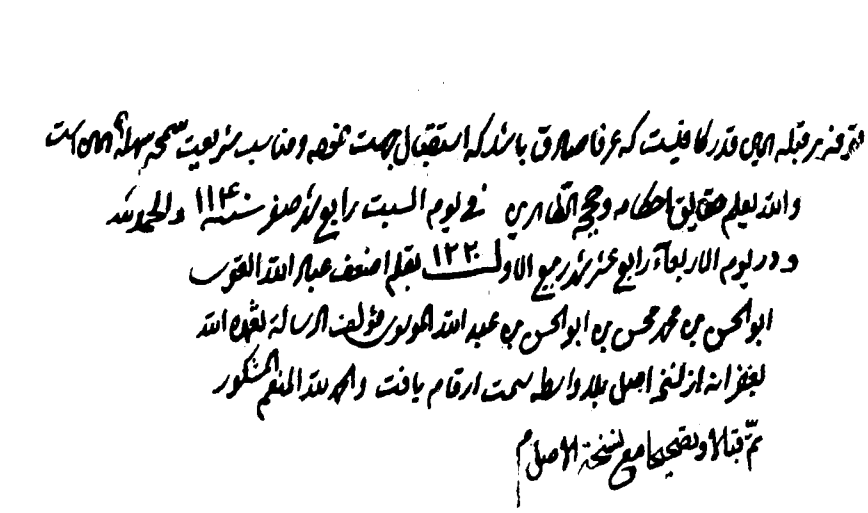

سید احمد علی ۷ بن سید آقائی ، بطوریکه از بوستان پیغمبر و تتمه الشجره ، و شجره طیبه ، تلفیقا مستفاد میگردد،از اعاظم واجلاء وافاضل سادات عالی درجات‌وآدمی پاکیزه اطوار بوده و از تربیت بهره داشته ، واوقات خویش را با صلاح امور انام و قطع خصومات و تحریر قباله‌جات میگذرانیده ، ومنصب شیخ الاسلامی که در این زمانهاتقریبااسمی‌خالی از رسم است بوی مفوض بوده ،

نگارنده‌سند انتقال قسمتی از املاک او را بمرحوم حاجی سید احمد نیای بزرگوارم مورخ (۱۴ـ ع ۲ـ۱۲۸۸) بخط‌او دیده‌ام که مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری و مرحوم‌حاج‌سید محمدامام جمعه وجمعی دیگر آنرا گواهی و مهر نموده‌اند وکلیشه‌اش چاپ شده ،

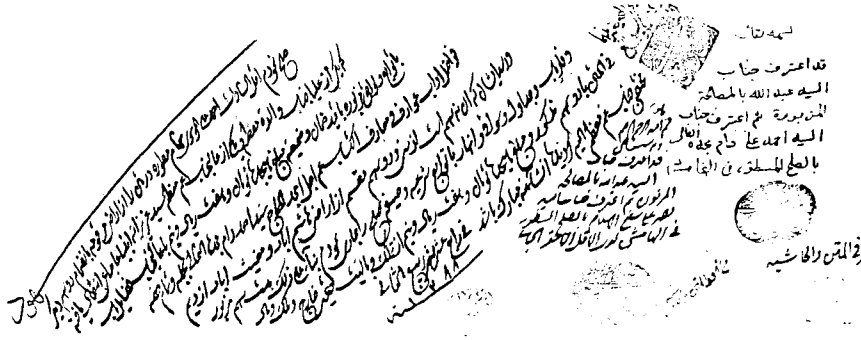

تولدش در (۱۷ــ صفر ــ۱۲۳۸= چشمه‌فیض) و فوت در (۱۰ــ شوال ــ۱۳۱۵= غفرلــه) اتفاق افتاد ، جنازه‌اش را در (۱۳۱۷) به‌نجف اشرف منتقل و در حجره صحن مطهر کــه در گوشه بین قبله و مغرب واقع است دفن نمودند ،

از آنمرحوم سه پسر بوجود آمد : سیدمحمدتقی ۸ ، سید بزرگ ۸ ، سیدمحمد ۸ .

سید محمد تقی ۸ شیخ الاسلام فاضلی ادیب وعالمی لبیب بود ، در ادبیات متبحر و در فقه واصول و ریاضیات نیز مهارت داشت ، ستوده خصال و موقر و متین و نزد عامه مردم محترم بود ، جمعی کثیر از محضرش استفاده فضل نموده‌اند نسخه‌ای ازفارسی‌هیات‌مورخ (۱۲۸۴) بخط‌او دیدم ،

و شنیدم وقتی نامه‌ای برای مرحوم حاج محسن معین نوشت که آغازش چنین‌بودالحمدلله المحسن المعین ،وچون‌درأواخر عصراومکینه آبیاری آورده‌بودند ،به‌مناسبتی کاغذی‌نوشت که حمد و ثنایش تقریبا چنین بود (وشبه اهل بیته لنجاه‌امته بالسفینه‌وجعل محبتهم‌فی قلوبنامکینه)

و شنیدم از مرحوم آقا سید آقای امام فرمود روزی بدیدن مرحوم آقاسیدمحمدتقی شیــخ الاسلام رفتم برای احترام من از جا بلند شدچون پیر وضعیف بود او را از بلنــد شدن ممانعت کردم ، فرمود چون شما جوانید و مزه پیری را نچشیده‌اید لازم است برای‌احترام شما برخیزم ، اگر مزه‌پیری را چشیده بودید وعملا میدانستید که معذورم بلند نمیشدم ، و باز فرمود روزی با کمال زحمت برای بازدید من تشریف آورد ، بایشان گفتم وظیفه خود میدانم مکررا بزیارت شما بیایم و انتظار بازدید ندارم و بجای بازدید خودم میآیــم ، فرمود هر قدر شما بیائید وقتی من آمدم یک بار بیشتراز زیارت یکدیگر متمتع میشویم ، ولادت آنمرحوم (۲۲ــ ع ۱ــ۱۲۶۱= توفیق خداوند) و وفاتش در شوشتر (۲۷ــ ج ۲ ــ ۱۳۴۲ = بنده غفار) واقع شد ، جنازه را به‌نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفــن نمودند ،

دربوستان پیغمبر تاریخ فوت اورا (۱۳۴۴) نوشته و آنچه را مانوشتیم از روی‌خط فرزندش حاج سید محمد رضا بود که در پشت قرآن مجید یادداشت کرده ، دو پسر از وی بازماند سیدمحمدرضا ۹ سید عبدالله۹

سیدمحمدرضا ۹ شیخ الاسلام متولد حدود (۱۲۹۶= منصه‌ظهور) مدتی به‌تحصیل‌ادبیات عرب و ریاضیات و فقه واصول مشغول بود ، و طب را از روی تحفه حکیم مؤمن‌نزدمرحوم حاج ملامحمد طبیب شوشتری خوانده واجازه طبابت از او دریافت نمود ، ولی عملا ازآن خودداری کرده وبرای احدی نسخه ننوشته است ،

حاشیه ملاعبدالله‌را در(۱۳۲۲) بخط‌خود نوشته و نزد فرزندش موجود است ، آن‌مرحوم به مضمون (الکاسب حبیب الله) وارد رشته کسب گردید ، و در اواخر ایام‌حیات درمسجد

شیخ صدوق در اهواز اقامه جماعت می نمود ، و به صله ارحام بسی مقید بود ، تااینکه‌در شب(۱۹ــماه‌رمضان ــ۱۳۸۵=فخرشهر)درگذشت‌ودرجوارعلی‌بن‌مهزیار* مدفون گردید، سه‌پسر ازاو بوجودآمد سیدجواد ۱۰ ،سیدکاظم ۱۰که‌درکودکی درگذشت ،سیدجعفر ۱۰ ،

سیدجواد۱۰ متولد (۱۳۲۹) نیکو اطوار و دارای چهار پسر است : سیدحسین ۱۱متولد (۱۳۶۹) سیدمحمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۷۴) سیدمصطفی ۱۱ متولد (۱۳۷۹) سید مرتضی ۱۱ متولد (۱۳۸۶) محصلند ،

سیدجعفر ۱۰ متولد (۱۳۴۶) ، در قم تحصیل علوم دینیه‌نموده واخیرا به‌تهران منتقل‌و به‌وعظ وتدریس دردبیرستانها اشتغال‌ودو کتاب مطبوع دارد ، اول اسلام وحقوق‌کارگران ده ترجمه ازعربی است ، دوم پرورش کودک دراسلام ، پسرانش سه‌نفرند سید مرتضی ۱۱ متولد (۱۳۷۴) ،سیدمحمدعلی ۱۱متولد (۱۳۷۶) ،سیدمصطفی ۱۱متولد(۱۳۸۳)محصلند ،

آقای سیدجعفر
شیخ‌الاسلام

مرحوم آقای سیدمحمدرضا
شیخ‌الاسلام

آقای سیدجواد
شیخ‌الاسلام

سید عبدالله۹ شیخ الاسلام پسر دوم سیدمحمدتقی ۸ متولد حدود (۱۳۰۶= تاج‌بخش) از اتقیاء روزگار، به تجارت اشتغال داشت در(۱۳۶۴= غفور حکیم) وفات نمود و در قبرستان‌کهنه‌اهوازمدفون گردیدوچهارپسربازنهاد سیدبزرگ۱۰ . سید محمد حسن ۱۰ . سیدمحمدجواد۱۰ . سید علی اکبر ۱۰ .

سید بزرگ ۱۰ متولد (۱۳۴۳) بازرگانی است معروف دراهواز وسه پسر دارد : سید محمد

---

*ازاصحاب‌امام‌هشتم‌ونهم‌ودهم (علیهم‌السلم)وجلیل‌القدربوده ،مقبره‌اشزیارتگاه‌اهوازیان ، وترجمه‌اش در (قاموس‌الرجال۷: ۶۶) موجوداست ، فاضل معاصرمرحوم شیخ‌اسماعیل گلباسی متوفی در ۱۳۹۷ رساله‌ای در شرح احوال او نوشته که در (۱۳۶۵) چاپ شده است ،
از مزارات شوشتر است ، بعضی او را فرزند امام حسین علیه‌السلم دانسته‌اند ولی ثابت نیست ،وبعضی گفته‌اند اهل تسنن و تصوف بوده ،

علی ۱۱ متولد (۱۳۷۰. سیدمحمود ۱۱ متولد (۱۳۷۴) . سیدحمید ۱۱ متولد (۱۳۷۶) به‌تحصیل اشتغال دارند ،
سیدمحمدحسن ۱۰ متولد (۱۳۵۴) ، دکتردرطب‌است وتاکنون‌یک پسرداردبنام شهریار ۱۱ ،
سیدمحمدجواد ۱۰ متولد (۱۳۵۹) ، مهندس مکانیک و اکنون در بندر شاهپور است ،
سیدعلی اکبر ۱۰ متولد (۱۳۶۱) ، لیسانسیه‌حقوق وکارمندشرکت نفت در آبادان است ،
تاکنون یک پسر دارد بهنام ۱۱ نام متولد (۱۳۹۵) ،

آقای سیدبزرگ
شیخ‌الاسلام

مرحوم آقای سیدعبدالله
شیخ‌الاسلامی

دکتر سیدمحمدحسن
شیخ‌الاسلامی

آقای سیدمحمدجواد
شیخ‌الاسلامی

آقای سیدعلی اکبر
شیخ‌الاسلامی

سید بزرگ ۸ بن سید احمد علی ۷ شیخ‌الاسلام ، سیدی خوش اخلاق نیکوسیرت متواضع بوده ، در (۱۳۳۵= شوریده‌خاطر) در شوشتر وفات نمود ، دو پسر از وی عمل آمد : سید ابوالحسن ۹ که در بوستان پیغمبر باین نام است ، و در شجره طیبه سیدحسن‌نامیده‌شده وسید عبدالله ۹ که هردودر کودکی وجوانی درگذشتند ،
سیدمحمد ۸ بن سیداحمدعلی ۷ ، در شجره طیبه است که‌فاضلی جلیل وبزرگواری نبیل بود ، در نحو صرف وحساب ذوالید و در انشاء اسناد وکتابت قبالجات‌شهرتی بسزاداشت خط شکسته‌را مخصوصا برسم قبالجات شیرین مینوشت ،تولدش‌در (۱۲۸۰= فرخنده‌فرزند)

و وفاتش در (۱۳۶۰= تسخیرملک) بود اولاد ذکورش نماند ،
نگارنده‌گوید کلمه‌ذکور در اینجا بی مورد است زیرا که‌بلاعقب بوده ، بطوریکه در بوستان پیغمبر فرموده و از اطلاعات خارجی معلوم شده ، و در قبرستان کهنه اهواز مدفون‌است ، واستشهادنامه‌ای راگواهی نموده‌بطوریکه کلیشه‌خطش دیده‌میشود ،

بسم الله الرحمن الرحیم

و سید محمدعلی ۷ شیخ الاسلام فرزند سید آقائی ، سیدی جلیل وفاضلی نبیل ومدرسی ماهر و زاهدی پارسا بوده ، وی استاد نحو و صرف عربی و در این فن براساتید عصرمقدم بوده و از این باب در حوزه طلاب به سیبویه شهرت داشت ، و کتانباف لقب او را امـام النحاةنوشته ،درسرا خیلی شیرین وساده‌میفرمود وبا اینکه‌نودسال تقریبا سن داشت ، الفیه رااز آخر روبه اول‌ازحفظ میخواند ، تولدش در(رجب ــ۱۲۴۷= اظهارعلم)ووفاتش (۲۰ رجب ۱۳۳۴= جام رخصت) اتفاق افتاد ، مخلص شوشتری (۲) در ضمن مرثیه‌این

ماده‌تاریخ را برای او گفته (شیخ الاسلام زدقدم بجنان) و در عبدالله‌بانو مدفون شد ، در شجره‌طیبه‌این مصرع را مطابق ۱۳۳۵ دانسته که‌اشتباه است ،

در بوستان پیغمبر گوید (در حدود ۱۲۸۰ بود یک روزاولاد او سید ابـوالحسن و سیـد نعمت اللـه‌و سیدمحمدکه طفل بودند باوالده ایشان در اطاق نشسته بودند که اطاق بر ایشان منهدم همه‌فوت شدند ، سید مسطور در خانه‌نبود وقتی که آمد و این حال را دید خیلی منقلب شده ، بعد از آن عیال دیگر گرفت اولاد برای او نشد)

و سید محمدرضا ۶ دومین پسر سیدمحسن۵ شیخ‌الاسلام ، تولدش را در پشت‌قرآن (۱۶ـ ج۱ـ ۱۲۰۷= چارباغ) نوشته‌اند ، و در (۹ـ ذق‌ـ۱۲۴۴) حصه خود را از دولت‌آبادکه از والده‌اش باو مخصوص شده ، منتقل نموده به‌خواجه‌عوض ابن المرحوم خواجه احمد ، و سند آنرا بخط‌خود نوشته و مهر مستطیل خود را زده ، و جمعی او را گواهی نموده اند ،

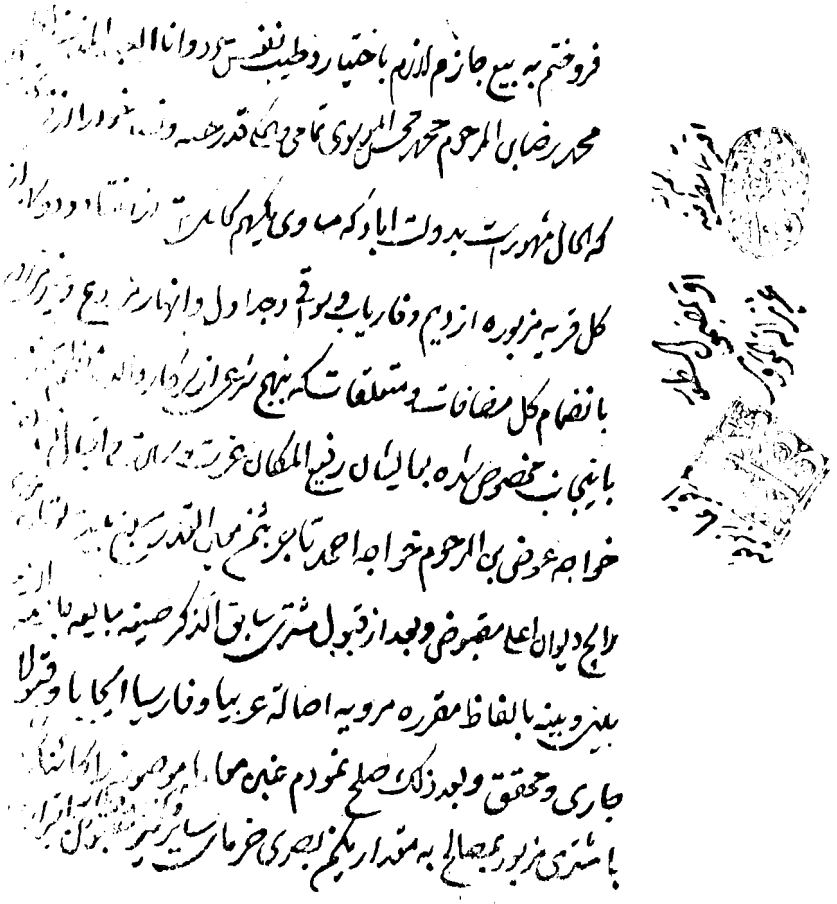

و او یک پسر داشته بنام :

سید عبدالوهاب ۷ که بلاعقب بوده و در پنجشنبه (۲۷ـ ماه رمضان ـ۱۲۲۳= عنایات خاص) متولد گردیده ، که در آن تاریخ پدرش هفده‌ساله‌بوده ،ومعلوم میشود طبق عادت گذشتگان دراوائل بلوغ ازدواج کرده ،ودری شوشتری (۱) تاریخ ولادت سید عبدالوهاب را چنین بنظم آورده :

الصبوح ای دوستان کاینک ز نو آمد بهار — آنچه بود پوشیده در آفاق گردید آشکار
شد عیان برخنده‌لب وازهرطرف چشمک‌زنان — نو عروس دهر و اطفال بناتش در کنار
در چمن بر مهد گلبن بست طفل غنچه‌را — پیره زال عصر با صد طور و تمکین ووقار
چشم بد دور از رخ‌این‌طفل‌بادا درجهان — لطف ایزد باد از چشم حسودش‌پرده‌دار
بی سبب‌این‌طفل‌نبوددرگلستان‌شیر مست — بی سبب این طفل‌نبوددر خیابان‌عطربار
میکشند از حقه سوسن بر اندامش عبیر — میزنند از شیشه نرگس گلابش بر عذار
میدهد شیرینیش از جان قوای نامیه — میدهد شیرش زپستان دایه ابر بهار
بی‌سبب‌نبودکه‌نامش‌هست‌وبیتابیش‌نیست — بی‌سبب‌نبودکه‌خوابش‌هست‌ودائم‌درخمار
میگشاید بهر تابش نافه در گلشن نسیم — میسراید بهر خوابش محسنی بلبل‌هزار
چون شنیدم این همه‌مدحت‌سرائی بهرگل — در تفکر رفته پرسیدم زعقل ای هوشیار
کاین همه آرایش و پیرایش از بهرگل‌است — یا گل دیگر در این گلزار آمد در کنار
یا زبستان رسالت غنچه‌ای از نو دمید — یا ز گلزار سیادت نو گلی آمد ببار
یا شد از بیت‌المقدس طلعت‌عیسی‌عیان — یا شد از ایمن ید بیضای‌موسی‌آشکار *
آری آری زندگانی باد بر ابناء دهر — آری آری مژدگانی باد بر اهل‌دیار
آری آری از گلستان رسول هاشمی — آری آری از خیابان شه عالی تبار
آری از آن گل که‌باشدبلبلش‌روح‌الامین — آری از آن در که باشدعرش حق‌راگوشوار
شد عیان زیبا گلی اما چه‌گل‌کاندر بهشت — شد نمایان گوهری اما چه گوهر شاهوار
درجبین‌از(نوردین)نوری‌که(عبدالله)داشت — بر در برج شرف سر پنجه قدرت‌بکار
باز یاقوتی‌که‌اندردست بودش (بوالحسن) — خازن‌حکمت گرفت و داد درمخزن‌قرار
نور آن یاقوت ونور نور باهم‌گشته ضم — شد درخشان کوکبی نور علی نور آشکار
تازنسل پاک (سیدمحسن) آمد در وجود — تا ز صلب طاهر (سید رضا) شد درکنار
گوهردین (عبدالوهاب) آنکه از مولود او — تاابد اندرجهان دارندسادات‌افتخار **
در مه صوم هزار وبیست وسه‌بعدازدویست — بیست وهفتم در خمیس هفته ونصف‌نهار

---

* در اصل ید و بیضا است

** نامهائیکه‌در این شعردرپرانتزگذاشته‌شده‌نام‌پدران‌اواست ،وکلمه‌مولود در این بیت غلط ومیلاد صحیح‌است ،

باغبان عصر و غواص جهان مشاق دهـــر | هر یکی آورده رنگین تحفه ای بهر نثـار
باغبانش غنچه غواصش گهر مشـــاق‌زر | غنچه خرمن خرمن وگوهربکشتی‌زر ببار
زد رقم دری پی تاریخ این مولود و گفت | باد این سـرو گلستان محمـد یادگـار

و هم او گفته :

هاتفی آیـه فبشر ناه | بزبان فصیح چون در سفت
گفت‌تاریخ‌سال‌مولودش | (بغلام علیم) باید جست

و از این تاریخ صریح و ماده تاریخ (بغلام علیم) معلوم شد که تاریخ تولدکه‌دربوستان پیغمبر آمده (۲۷ـ شعبان ـ۱۲۳۲) اشتباه است ،

و سید محمد حسین ۶ سومین پسر سید محسن شیخ الاسلام بلاعقب بوده ، و از صلحنامه مورخ ۱۱ـ ج ۲ـ ۱۲۴۴ ظاهر میشود که در آن تاریخ زنده نبوده است ،

و سید عبدالکریم ۶ چهارمین پسرش در صبح پنجشنبه (۵ـ ذح ـ۱۲۱۱= خیرات)متولد شده بطوریکه خود در مجموعه پدرش نوشته و بر قرآن سابق الذکر هم ثبت شده ، فاضلی متدین بوده و اجزای صیغه طلاق را که بیشتر مراجع شرعیه از آن محترزاند متعهد بوده‌و لذا به سید مطلق و سربر* معروف بوده ، تاریخ وفاتش بدست نیآمد ، از او دو پسر بوجود آمد : سید محسن ۷. سید جعفر ۷ ،

از سید محسن ۷ فرزندی نماند ،

سیدجعفر ۷ یک پسرداشت سیدهاشم ۸ که سه پسر از وی مخلف‌گردید : سیدحسین ۹ . سید باقر ۹ . سید عبدالکریم ۹ .

سید حسین ۹ در (۱۲۸۳= افاضات) متولد و در (۶ـ شعبان ـ۱۳۴۵= فارغ‌البال)متوفی و در بقعه سید صالح مدفون گردید ، و یک پسر مخلف نمود : سید علی اکبر ۱۰ که‌تولدش در (۱۳۱۱= چراغ مسجد) و وفاتش (۱۳۶۳= باغ نشاط) و مدفنش در قبرستان‌کهنه‌اهواز است ، و از او سه پسر موجود شد : سیدمهدی ۱۱ که در کودکی درگذشت ، سید محمـد تقی ۱۱ ، سید جواد ۱۱ .

سیدمحمدتقی ۱۱ معروف‌به سیف السادات ، متولد (۱۳۴۳) ساکن ماهشهر و برتق و فتق امور اشتغال دارد ، و دارای چهار پسر است : سیدمحمد ۱۲ متولد ۱۳۷۲ . سید علی ۱۲ متولد ۱۳۷۶ . سیدحسن ۱۲ متولد ۱۳۷۹ .

سیدحسین ۱۲ متولد ۱۳۸۴ .

سیدجواد ۱۱ بن سید علی‌اکبر ۱۰ متولد (۱۳۴۶= غفاردیان) در (۱۳۶۸= غفارمطلوب) درگذشت و نزد پدر مدفون گردید ،

بوستان پیغمبر بنقل از تتمه الشجره ،

و سید باقر ۹ بن سید هاشم ۸ مردی متواضع و کوچک دل و گشاده جبین‌وپارساوپرهیزگار* بود ، در (۱۲۸۸= ماه‌مغرب) متولد و در (۱۳۵۶= خشونت) متوفی و در بقعه سید صالح ** مدفون گردید ، یک پسر از وی بیادگار ماند :

سید مهدی ۱۰ معروف به هاشمی متولد (۱۳۲۱) با اخلاق‌و فروتن ، در اهوازکاسب‌است ویک پسردارد : سید مرتضی ۱۱ نام متولد (۱۳۶۹) که به تحصیلات خود ادامه‌میدهد،

و سید عبدالکریم ۹ بن سید هاشم ۸ تولدش در(۱۲۹۰= گلشن فیض) و وفاتش در مسجدسلیمان (۱۳۴۷= یاغفارمجیب) واقع گردید ، جنازه او را بشوشتر منتقل و در مقام صاحب*** علیه‌السلم مدفون‌نمودند ،

وی ساکن شوشتر و کاسبی بود در کمال تعفف و تقوی زندگی می نمود**** دو پسر از وی مخلف گردید : سیدرضا۱۰ ، سیدکاظم۱۰ ، که نام فامیلی هر دو (شمس زاده) است ،

سیدرضا۱۰ شمس زاده متولد (۱۳۴۳= خیرالبشر)کارمندشرکت ملی نفت درمسجدسلیمان و اخیرا به تهران رفت ، و در (۱۱ــ ماه رمضان ــ۱۳۸۷= باخر رسید عمر) درگذشت‌ودر امام زاده عبدالله مدفون گردید ، و دو پسر باز نهاد: سید جواد ۱۱ متولد (۱۳۶۴) لیسانسیه زبان انگلیسی مقیم‌تهران ، و سید مجید ۱۱ متولد (۱۳۸۱)که‌درتهران‌محصل است .

سید کاظم ۱۰ شمس زاده متولد (۱۳۴۷) مردی خلیق و دبیر انگلیسی دراهوازاست ،ویک پسر دارد سید علی ۱۲ نام متولد (۱۳۷۵) که به‌تحصیل ادامه میدهد ،

آقای‌سیدجواد
شمس‌زاده

مرحوم‌آقای‌سیدرضا
شمس‌زاده

آقای‌سیدکاظم
شمس‌زاده

---

* بوستان پیغمبر

** از گورستانهای معروف شوشتر ونزدیک مقوم حسین است ومعلوم‌نیست که‌سیدصالح‌مزبور نیای صاحب روضات باشد ، چنانکه در (دیارشهریاران ۲۱۱) از مرحوم شرف الدین نقل کرده ، ودر(تذکره شوشتر :۲۱) از قول متولیان آنجا ، او را فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه‌السلم نوشته ،

*** مقام صاحب‌الزمان (علیه‌السلم)در شمال شرقی شوشترواقع واخیرا "تبدیل‌بگورستان‌بزرگی‌شده که‌اموات‌راازشهرستانهای‌مجاوربرای‌دفن‌به‌آنجامیبراند ،ازسنگی که اخیرا "در آنجا کشف شده‌واشعاری‌بروی آن نوشته است معلوم میشود آغاز پیدایش این بقعه بزمان شاه صفی میرسد ،

**** بوستان پیغمبر

و سید عزیزالله ۶ پنجمین پسر سید محسن ۵ شیخ الاسلام ، تولدش‌در (۱۹ـ ع ۲ـ۱۲۱۹ = بیداربخت) بوده و ازاز اینرو است که در تحفه العالم مذکور نیست ، زیرا بطوریکه‌مکرر گفته‌ایم تالیف تحفه در (۱۲۱۶) بوده ، و در شجره نوریه هم نوشته‌نشده که دلیل بر بی اطلاعی نویسنده‌آنست ، و در هرحال ازحالات و تاریخ وفات سید عزیزالله ۶ چیزی بـه دست نیامده ، جزاینکه در (۱۲۴۴) سند بیع ملک برادرش سید محمدرضا را گواهی‌نموده و دارای دو پسر بوده : سیدعبدالحسین ۷ سیدحسن ۷.

سید عبدالحسین ۷ اولاد ذکور نداشت ،ودراواخر عمر به نجف اشرف رفت و در روز سـه شنبه (۱۷ـ ع ۲ـ ۱۳۱۸ = عمرباخته) درهمان جا مرحوم شد

سید حسن ۷ دارای دو پسر شد سیدمحمدرضا ۸ معروف به‌شاهزاده که بلاعقب بود ،

و سید حسین ۸ ملقب‌به شیخ الاسلامی متولد حدود (۱۳۰۴= خوب صورت) و متوفـی در شب اربعین (۱۳۸۸= فروغ ایمان) و مدفون در مقام حسین ،سیدی‌بودمتواضع ومهربان ، یک پسر از وی مخلف گردید:سید جعفر ۹ متولد (۱۳۴۶) در اهواز کاسب است ،ودوپسر دارد : سیدمحمدعلی ۱۰متولد (۱۳۸۲) ، سیدمهدی ۱۰ متولد (۱۳۸۵) ،

آقای سید محمد تقی سیف السادات

شکوفه اول خاندان شیخ الاسلام ، سیف السادات ، شمس زاده ، شیخ الاسلامی ، هاشمی

(۸۴نفر)

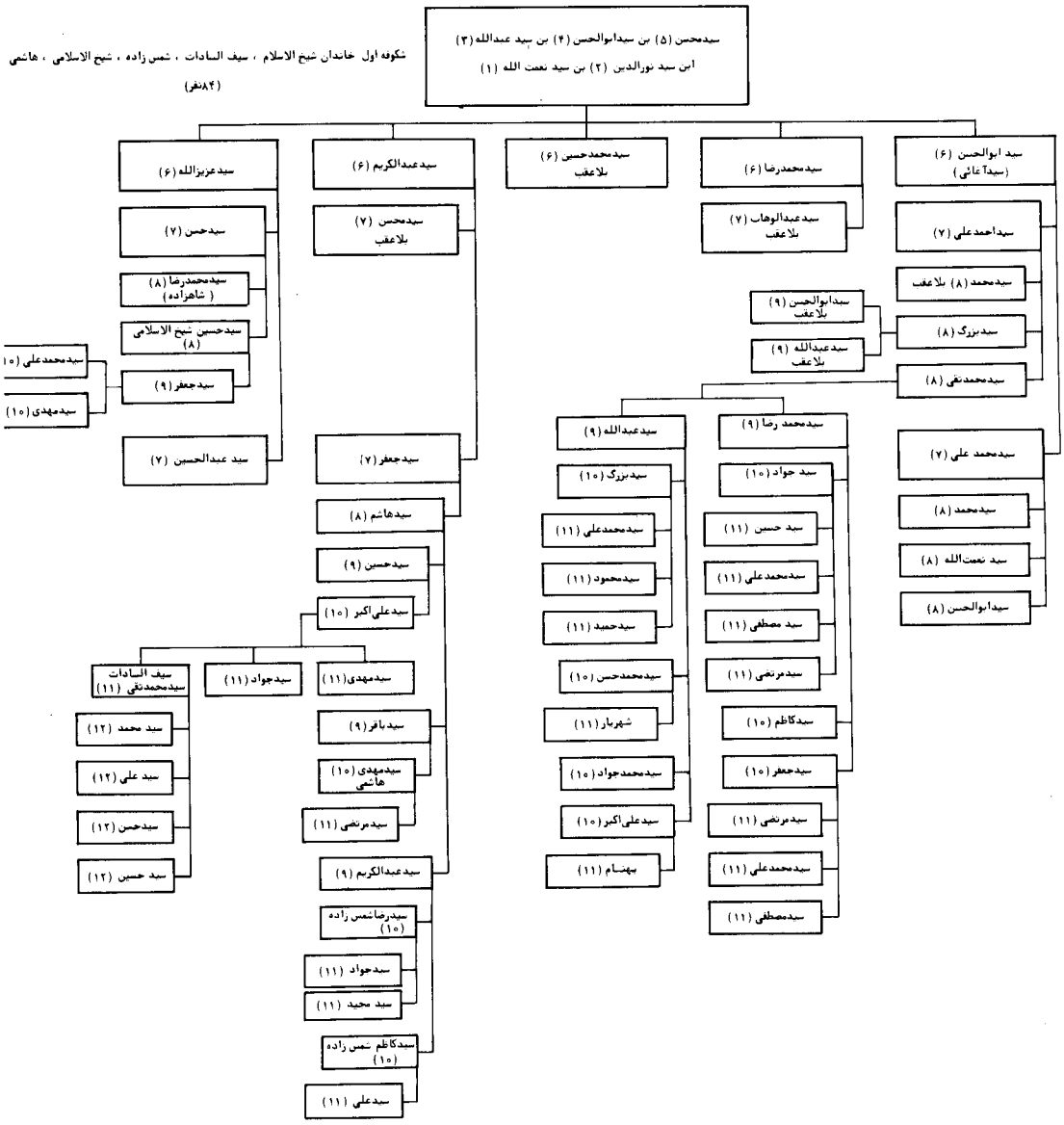

شکوفه‌دوم

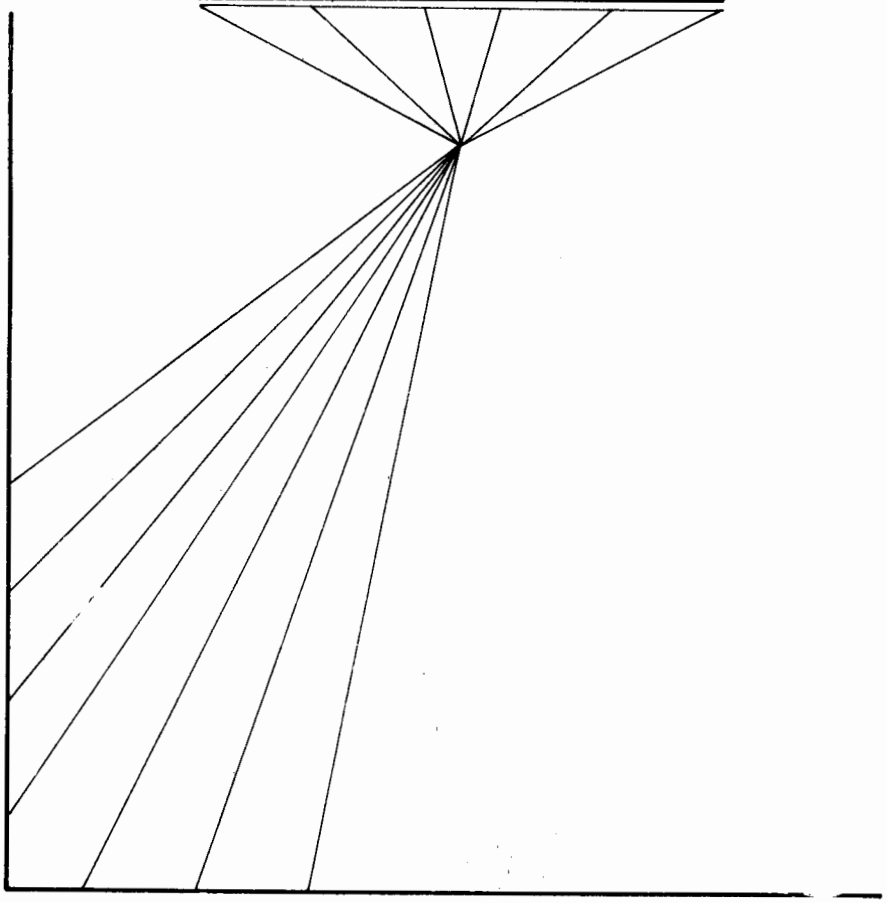

* شکوفه دوم *

خاندان ملائکه، نائب الصداره ،

سید محمد ۵ بن (سید ابوالحسن ۴ شیخ الاسلام مذکور در شاخه اول) عالمی فاضل‌واز اعیان زمان خود بوده وپس از فوت پدر ، منصب نیابت صدارت بوی‌رسیدوبنائب‌الصداره معروف گردید ،

نسخه‌ای از شرح نخبه آقا سید عبدالله۳ مورخ (۱۱۸۸) بخط وی دیده‌ام ،

دارای چهار پسر بوده بدین ترتیب : سیدحسین ۶. سیدمحمدتقی ۶. سیدابوالحسن ۶. سید علی ۶. که از دو نفر اخیر اولادی نماند ،

در شجره‌طیبه‌سیدابوالحسن را نام نبرده ،

سید حسین ۶ شخصی فاضل و مقدس وعفیف‌وقانع بوده ، در صفای سیرت و نیکی طینت و خوش اخلاقی در عصر خود طاق ، و از این جهت به ملائکه معروف شد ، و این نام لقب فامیلی خانواده‌اش گردید، سالها امام مسجد حاج علی قادر (مسجد علافان)در شوشتر بود ، و او نیای مادری مرحوم آقا سید ابوالقاسم پدر صاحب بوستان پیغمبر بوده ،مرحوم کتانباف‌نیزاورا (سیدحسین) نوشته اما در شجره‌طیبه سیدمحمدحسین است ، در هر حال او یک پسر داشته‌بنام سید عبدالله۷ معروف به‌گلابی ، که سیدی جلیل وبزرگواروثانی‌پدر در زهد و ورع بوده ، و غالب‌اوقات خود را بعبادت میگذرانید ، و از شدت تعفف‌و علـــو همت زیر بار منت احدی نمیرفت وبه شغل گلاب کشی امرار معاش می‌نمود و لذامعروف‌شد به گلابی ، و گاهی هم ملائکه به او میگفتند ،

در اواخر عمر به نجف اشرف مشرف‌شد و در آن مکان مقدس در ساعت یکم‌ازشب‌پنجشنبه (۶ـ ج ۱ـ۱۳۱۹= غم‌رسیده) وفات‌نمود ،وازوی سه‌پسر مخلف گردید سیدمحمد ۸ ، سید احمد ۸. سید محمود ۸. *

سید محمد ۸ بن سید عبدالله، سالها سعادت مجاورت نجف‌اشرف را دارا ، و در زمان حیات پدر (۱۳۱۲= بی غش) در همانجا وفات نمود ، یک پسر از او مخلف‌شد : ســـید محمد علی۹ معروف به(بن عم)متولد (۱۲ـ رجب ـ ۱۳۰۹= باغ‌شاه) و وجه‌معروفیتش به (بن عم) این بود که عمویش حاجی سید احمد ملائکه پسری داشت سید محمد علی نام ، فوت شد ، و طائفه جلیله‌نخواستند او را سید محمدعلی صدا زنند که عمویش بیاد پسرش بیفتد دلش شکسته شود ، و او خوش صورت ، خوش‌آواز، خوش قریحه ، تیز فهم ،

* بوستان‌پیغمبر ،و کتانباف ، ودر شجره‌طیبه بدین‌ترتیب : سیداحمد .سیدمحمود . سید محمد نوشته ،که‌ما آنرا اشتباه ونوشته صاحب‌بوستان پیغمبررا که‌با صاحب‌عنوان نسبت نزدیک داشته وبانوشته کتانباف تائید شده درست دانستیم ،

بسم الله الرحمن الرحیم

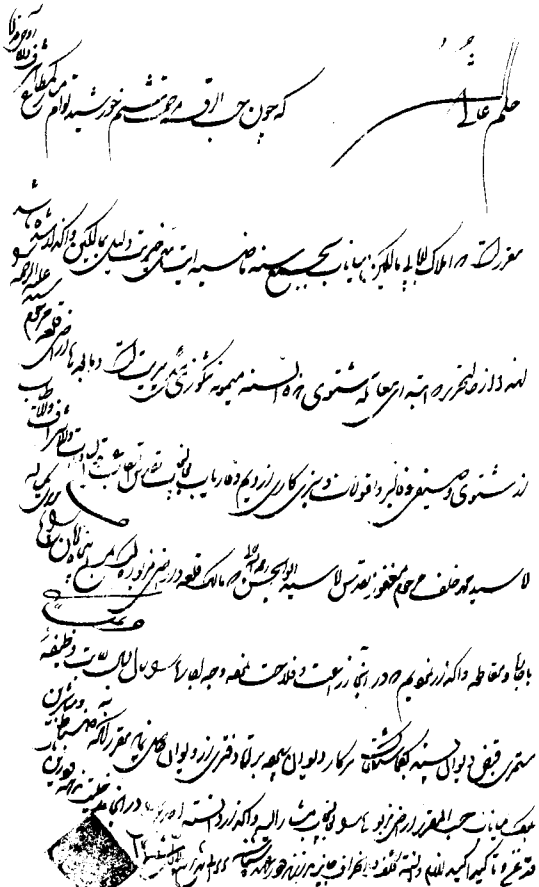

چند سالی در بمبئی بود بعد شوشتر آمد ، و ابتداءنوحه خوانی وسینه‌زنی در شوشتر در دهه عاشورا شبها در مساجد از او شد ، قبل از تاءهل وفات نمود *

در شجره طیبه‌فرموده‌سیدمحمدعلی معروف به‌بن عم بلاعقب دراصفهان درگذشت .

سید احمد ۸ بن سید عبدالله‌گلابی ، سیدی بود روشن ضمیر نیکو سیرت ، دارای سلامتی نفس و خیرخواهی بندگان خدا و راستگوئی ومجالست با علما و فضلا و استفاده دینی از آنها ، و در دین داری راسخ متصلب ، بسیارتلاوت قرآن می نمود * در (شعبان‌ـ ۱۳۴۲= غالب شده) در شوشتر وفات نمود ، بعد ا جنازه او را به نجف اشرف بـرده در وادی السلام دفن نمودند بطوریکه از فرزندش مسموع شد ،

در شجره طیبه او را چنین‌توصیف نموده (شخصی مقدس وساده‌بود ،وغالب‌اوقاتش‌بقراءت ادعیه ماثوره و تلاوت قرآن میگذشت) اما وفات او را در (۱۳۴۴) نوشته که‌اشتباه است ، هشت پسر از وی بعمل آمد سید محمدتقی ۹ ، سید محمدرضا ۹ ، سید ابوالحسن ۹ ، سید ابوالفضل ۹ ، سید باقر ۹ ، سیدجعفر۹ ، سیدمحمدعلی۹ ، آقاسید۹ ، که این دو درحیات درگذشتند .

باقر۹ . سیدجعفر۹ . سیدمحمدعلی۹ . آقاسید۹ . که این دو در حیات پدر درگذشتند .

در بوستان پیغمبر گوید شش پسر از او مخلف‌شد ،و اشاره بآن دو نکرده تنها در حالات (بن‌عم) سابق الذکر سید محمدعلی را نام برده‌است ،

در شجره طیبه از هشت نفر به (مخلف شد) تعبیرنموده‌با اینکه بوفات‌آندودرحیات پدر تصریح کرده‌است ،

سید محمدتقی ۹ ملائکه ، سیدی جلیل القدر نیکو خصلت پرهیزگار بود ،مقدمات را یـک اندازه دیده ، ولادتش در حدود (۱۲۹۷= فیوضات) و در اواخر ایـام حیات از شوشتر مهاجرت و درنجف اشرف مجاورت اختیار نمود تا اینکه در شب جمعه (۴ـ ع ۱ـ۱۳۹۱ = متضاعف) در همانجا متوفی و مدفون گردید،و هنگام وفات معمر ترین سادات نوریه‌بود ، وی دارای سه پسر شد : سید محمدی ۱۰ . سید عبدالله۱۰ . سید علی اکبر۱۰ که‌بلاعقب درگذشت ،

سید محمدی۱۰ متولد (۱۳۱۹) در شوشتر ، بشغل آزاد اشتغال دارد و دارای اخـــلاق حمیده و سه پسر است : سید محمدکاظم ۱۱ . سید محمدحسن ۱۱ . سیدمحمدحسین ۱۱ .

سیدمحمدکاظم ۱۱ متولد سال (۱۳۵۲) ، در شوشتر باقامه جماعت وترویج احکام مشغولو دارای چهار پسر است : سیدمحمدعلی ۱۲ متولد (۱۳۸۰) ، سیدمحمود۱۲متولد (۱۳۸۵) سیدمصطفی ۱۲ متولد (۱۳۸۸) ، سیدمحمدحسین ۱۲ متولدشعبان (۱۳۹۲) .

---

* بوستان پیغمبر

سیدمحمدحسن ۱۱ متولد (۱۳۵۹) ، در اهواز کاسب‌است و تاکنون یک پسردارد سیدمحمد تقی ۱۲ متولد (۱۳۹۱) ،

سیدمحمدحسین ۱۱ متولد (۱۳۶۲) دو پسر دارد : سیدمحمود ۱۲ . سید مصطفی ۱۲ دوقلو هستند متولدین (۱۳۸۹) ،

سیدعبدالله ۱۰ بن سیدمحمدتقی ۹ ملائکه متولد (۱۳۳۵= ظهورکرد) و متوفی در ماه‌رمضان (۱۳۹۵= مخاصمت کرد) و مدفون درمقام‌حسین ، یک پسر بجای نهاد سیدمحمدجواد ۱۱ متولد (۱۳۷۳) مقیم اهواز کاسب است ،

و سید محمدرضا ۹ بن سید احمد ملائکه از اخیارروزگار ، تولدش در (۱۳۰۸ = باغ شه*) و وفاتش در (۱۳۷۹= عزت بخش) و مدفنش در سید صالح ،دارای سه پسر بود : سید محمد حسین ۱۰ . سید نعمت الله ۱۰ . سیدجعفر ۱۰ .

سیدمحمدحسین ۱۰ ملقب‌به (ملائکه رحمت) متولد (۲۴ ــ شوال ــ ۱۳۲۸) کاسبی مقیم اهواز و دارای سه پسر است : سید مهدی ۱۱ متولد (۱۳۶۳) ،سیدمجتبی ۱۱ متولد (۱۳۶۴) ، سیدمحمود ۱۱ متولد (۱۳۷۱) ، وسیدمهدی ۱۱ پسر بزرگ وی اکنون یک پسر دارد سید مرتضی ۱۲ متولد (۱۳۹۰) ،

سیدنعمت الله ۱۰ بن سیدمحمدرضا ۹ متولد (۱۳۴۳) مقیم شوشتر یک‌پسر دارد سیدمحمد هادی ۱۱ که به سید محمد مشهور است ، متولد (۱۳۶۵) ساکن اروجن که اوهم تاکنون‌یک پسر دارد سیدمحمدرضا ۱۲ متولد (۱۳۹۰) ،

سیدجعفر ۱۰ بن سیدمحمدرضا ۹ در حیات پدر بسال (۱۳۷۸= ظلمت‌زا) درگذشت و در مقام حسین مدفون گردید ، یک پسر از وی بجای ماند سیدمحمدحسن ۱۱ متولد (۱۳۷۴) مقیم اهواز ،

و سید ابوالحسن ۹ بن سیداحمد ملائکه متولد (ذح ــ۱۳۱۴= بهارظاهر) در نجف‌اشرف و متوفی در اهواز (۱۴ــ ذح ــ۱۳۶۲= مرتب گشت) و مدفون در بقعه علی بن‌مهزیار ،دو پسر داشت : سید بزرگ ۱۰ . سیدمحمدطاهر ۱۰ .

سیدبزرگ ۱۰ نامش سید احمد و معروف‌به سید بزرگ بود ، مدتی در گمرگ آبادان‌کارمیکرد و در قضاء حوائج مراجعان به‌آن اداره بویژه مسافران ارحامیکه از آن طریق بـه عتبـات ذهاب‌و ایاب می نمودند سعی‌بلیغ و کمک موثر می‌نمود ، پس از چندی‌استعفادادومنتقل به تهران شد ، در ماه رمضان (۱۳۸۸= قابض السرور) در تهران درگذشت و در امام زاده عبدالله مدفون گردید ** دو پسر از وی یادگار بماند : سیدابوالحسن ۱۱ معروف بـه

---

* بوستان پیغمبر

** واقع در سه‌راه ورامین شهرری ودارای باغ‌وسیع وحرم وگنبد و بارگاه با شکوهی است

شمس الدین متولد (۱۳۷۴) ، سیدحسین ۱۱ معروف به رضا متولد (۱۳۸۳) ،
وسید ابوالفضل ۹ بن سید احمد ملائکه متولد (۱۳۲۰= تفضیل) ومتوفی حدود (۱۳۶۴= غفور حکیم) و مدفون درجوارعلی بن مهزیار ، اولاد ذکوری نداشت ،
و سید باقر ۹ بن سید احمد ملائکه که سید محمد باقر هم نامیده میشد ، در (۱۳۲۴=بهار ظاهری) متولد ودر شب دوشنبه (۵ــ صفر ــ۱۳۹۵= شیشه شکست) مرحوم ودر بهشت آباد مدفون گردید ،
پنج پسر از وی مخلف شد : سیدمحمد ۱۰ متولد (۱۳۷۲) ، سیداحمد ۱۰ متولد (۱۳۷۵) ، سیدمحمود ۱۰ متولد (۱۳۷۸) ، سیدابوالقاسم ۱۰ متولد (۱۳۸۵) ، سید مصطفی ۱۰ متولد (۱۳۸۷) ،
وسیدجعفر۹ ملائکه کوچکترین پسران سیداحمد ۸ ، دو ماه‌پس از مرگ‌پدردر شوال (۱۳۴۲) متولد شده ، کاسبی متواضع مقیم اهواز است و دو پسر دارد : سیدمحمدجواد ۱۰ متولد (۱۳۷۱) ، سیدعلیرضا ۱۰ متولد (۱۳۸۵) ،
یدمحمود ۸ بن سیدعبدالله۷ گلابی متولد (۱۲۸۳= افاضات) ، نخبه‌الاخیاروزبده‌الابرار

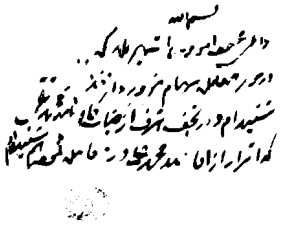

صاحب سعادت جاودانی مشمول لطف و توفیق ربانی ، چندین سال نعمت مجاورت درنجف اشرف را دارا بود پس از آن به‌شوشتر آمد ودر ماه (ج۱ــ ۱۳۴۵= فارغ البال) وفات نمود
** و در محله دکان سید در شوشتر مدفون گردید بطوریکه آقاسیدمحمدی ۱۰ ملائکه اظهار نمود ، و او دارای دو پسر بود : سیدمحمد۹ ، که قبل از تاءهل درگذشت و بطور مسموع در شوشتر بخاک سپرده شد ، و سیدعلی۹ مقیم آبادان که چهار پسر دارد : سید محمود ۱۰ معروف به مصطفی ، سید عباس ۱۰ ، سید صادق ۱۰ ، سیدمحمدتقی ۱۰ ،
و سیدمحمد تقی۶ دومین پسر سیدمحمد۵ نائب الصداره مجهول الحال و دارای یک پسر بوده بنام سیدمحمد ۷ که از اعاظم بوده و
در بوستان پیغمبر ، وشجره طیبه و (فهرست‌کتابخانه‌استان‌قدس‌رضوی ۴ یا) ونقباءالبشر

---

* گورستان جدید اهواز است که مرحوم حاجی محمد علی نمکی فرزند مرحوم حاجی محمدکمال شوشتری آنرا وقف کرده در ۱۳۸۹ ،

** بوستان پیغمبر

قسمت خطی مذکور است * و آنچه از آنها و اطلاعات متفرقه دیگر برآید آنست که فاضلی پسندیده کردار بوده وباکوشش بازرگان با ایمان مرحوم حاج محمدرضای‌فیض‌الله شوشتری و تشویق مجدد شیرازی ** به‌بمبئی‌رفته وبه‌جماعت خوجه اتباع آقا خان محلاتی که ازباطنیه‌اسماعیلیه‌هستندنزدیک شده ، وعده‌بسیاری از آنان را بمذهب حق‌اثنا عشریه‌داخل، ومسائل شرعیه از اصول و فروع دین را بآنان آموخته ، و درمسجد ایرانیان به‌امامت و ارشاد و هدایت مردمان اشتغال داشته و در ماه‌رمضان (۱۳۰۹) یکصدوبیست جلد کتاب برکتابخانه‌امام رضا (علیه السلم) درمشهد مقدس وقف کرده ، و بعضی ازکتب دینیه در بمبئی بهمت او بطبع رسیده ، از آنجمله منهج الرشاد مرحوم‌حاج شیخ جعفر شوشتری که در (۱۲۸۸) و (۱۲۹۸) در آنجا چاپ شده و در صفحه اخیر چاپ دوم بااین عبارت مذکور است (بسعی واهتمام و تصحیح و مقابله‌جناب مستطاب فضائل و فواضل اکتساب عنوان صحیفه‌هدایت دیباجه رساله‌عنایت مرکز دائره سیادت قطب فلک سعادت العالم‌الفاضل و الفاصل العادل ابوالایتام والمساکین ملجا الغرباء والساکنین‌آقاسیدمحمد المعروف به‌شوشتری)

و ازجمله اشخاصی‌که بوسیله‌او شیعه‌اثنی عشری شده‌اندقائداعظم پاکستان‌محمدعلی جناح *** و خانواده اش باشد که تشیع او از قطعیات ، و سنی و سیعه درآن‌تردیدی‌نداشتند ولی بعد از وفاتش بعضی از سنی هاروی‌اغراض‌شخصی‌مدعی شدند که او سنی بوده و خواستند که میراثش بطریق تعصیب تقسیم شود ، دخترش که تاحال زنده‌است در دادگاه

---

* مرحوم‌حاج‌ملا باقرشوشتری درکتاب (التذکره) داستانهائی ازاونقل کرده‌بطوریکه‌در (الذریعه ۴ : ۲۳) مذکوراست ،

** مرحوم آیة الله میرزا سید محمدحسن شیرازی متوفی (۱۳۱۲) از مفاخر واعاظم‌مراجع تقلید شیعه بوده ، وبا خدمات ارزنده و ترویجی که از مذهب حق نمود به مجدد مذهب ملقب گردید ، در ایام وی با انتقال او از نجف اشرف به سامراء و تاءسیس مدرسه علمیه ، موقتا " حوزه علمیه شیعه به آن شهر منتقل گردید ، شرح حال وی در کتب تراجم موجود است ،

علامه فقید مرحوم میرزا محمد علی اردوبادی (قدس سره) کتابی در شرح حالات و کتابی در مدائح‌وی نوشته ،

علامه‌تهرانی صاحب الذریعه نیز کتابی جداگانه بنام هدیة الرازی در حالات او نگاشته‌که‌در (الکنی و الالقاب ۳ : ۱۸۵) تحفة الرازی نامیده شده که نام‌سابق آنست ، و در(گنجینه‌دانشمندان۴ : ۵۰)هدیة النمله که اشتباه است و بهرحال این کتاب بدون آنکه پاکنویس و تصحیح شود با کاغذی نامرغوب مغلوطا بچاپ رسیده ، و گویا ناشر پس از چاپ پشیمان شده و از انتشار آن جلوگیری کرده و از اینرو کمیاب است ،

مرحوم میرزای شیرازی درعقل و فهم نیز یکتا و دارای خطی بسیار زیبا بوده ، و قضیه دخانیه وی‌درعصر ناصرالدین شاه مشهور است .

*** متولد (۱۲۹۳) و متوفی (۱۳۶۷)

اعلان کرد که پدرش شیعه بوده و میراث او طبق موازین مذهب شیعه باید باو برسد ،و از جمله ادله بر شیعه بودنش اینکه غسل وکفن آنمرحوم وسایر تجهیزات حسب تقاضای فاطمه جناح خواهرش بوسیله مولوی سیدانیس الحسنین رضوی بطریقه شیعه در خانه خود مرحوم محمدعلی جناح برگزار گردید. و سید مزبور که قدیم ترین علمای شیعه کراچی و درنزدسنی و شیعه بتقوی و راستی معروف بود وسال گذشته (۱۳۹۶) درگذشت در دادگاه این گواهی را داده و در روزنامه های پاکستان منتشر شد ، اما قاضی دادگاه که شیعه بودن جناح راتقویتی برای شیعیان پاکستان میدانستو ازطرفی ادله شیعه بودن او قوی بود این حکم عجیب را داد که محمدعلی جناح بالاتر از آنست که او را شیعه یا سنی بگویند !!

و پوشیده نیست که حکم مذکور خود شاهد شیعه بودن او است زیرا که هرمسلمان یا شیعه است یا سنی و قسم سوم وجود ندارد و اگر سنی بودنش دلیل درستی داشت قاضی بدون توقف حکم به سنی بودنش میکرد و هیچ مانعی در آن وجود نداشت بخلاف شیعه بودنش که اعلان آن موانع محلی در برداشت ،

صوفی معروف حاجی میرزا معصوم قزوینی متوفی (۱۳۴۴) صاحب طرائق الحقائق کـه در سفر مکه از بمبئی عبور کرده و سید محمد را دیده مینویسد " امام جماعت مسجد جنـاب حاجی سیدمحمد از اخلاف مرحوم سید نعمت الله جزائری وظاهر الصلاح است ، جمعی از بابیه محض شهرت خودشان او رامتهم ساخته و میگویند از رفقا میباشدملقب به (نورالله) ، کسی از این ضعیف ازحال اوجویاشد ، فرموده شیخ بخاطر رسید گفتم در ظاهرش عیـب نمی بینم و از باطنش غیب نمی دانم ، و این شبهه دور نیست که ازمعاشرت بامبلغ الرساله و رفقای او بهم رسیده ، و از این سبب فرموده اند اتقوا من مواضع التهم ، یاربد بدتر بوداز ماربد ، از فضل حق امیدواریم رفع این شبهه فاسده را بزودی بنمایند " *

نگارنده گوید گرچه این فرقه ضاله برای تقویت مسلک باطل خود هماره براههای عدیـده متوسل شده اند که از آنجمله نسبت دادن بعضی ازبزرگان است بخود ، اما در باره حاجی سید محمدمزبور که جلالت وعدالت او مسلم همه بوده وبهمین دلیل امامت مسجدرابعهده داشته چنین تهمتی نمی چسبد ، و براءت اوهمچون براءت گرگ ازخون یوسف (علیه السلم) آشکار و واضح است ، و مطلب مزبور را احدی جز این صوفی ادعا نکرده ، و تاریخ زندگی حاجی سید محمد بسی روشن است که در آغاز جوانی از شوشتر به نجف اشرف مهاجـرت و پس از پانزده سال تحصیل و رسیدن به کمالات و مقامات ، بدستور مرجع وقت به بمبئی اعزام شده و تا آخر عمر بتقوی و وعظ و تعلیم و ترویج احکام شرع درآن بندرمهم پیشوای امامیه بوده چنانکه گذشت ، و عاقبت درحدود (۱۳۲۵= تذکره) در آنجا مرحوم شد ،

---

* (تحفه الحرمین: ۳۰۴)

جنازه او را به نجف اشرف منتقل و در مقبره‌حاجی محمدرضای فیض الله در حجره زاویه جنوب شرقی صحن مطهر دفن نمودند ،

در فهرست کتابخانه رضویه صفحه‌مشارالیها وفات او را (۱۲ــ رجب ــ۱۳۰۹) نوشته که اشتباه و مخالف تصریح وی‌به وقف کتابها در ماه رمضان همانسال است ،

از آنجناب سه‌پسر بوجودآمد حاجی سید آغا ۸ . سید علی ۸ . سیدمهدی ۸ . که‌درجوانی بلاعقب درگذشت ،

مرحوم حاجی سیدآقا
(بمبئی)

مرحوم حاجی سیدمحمد
(بمبئی)

مرحوم سیدعلی
مصر

حاجی سیدآغا ۸ بن سیدمحمد ۷ که نام او سیدمحمدتقی بوده وبهمین عنوان در (نقباء البشر ۲۶۷) مذکوراست ،ودرپاورقی (الرحله‌الاعسمیه‌فی‌الدیارالهندیه ۴)* به‌فقیه‌وتاجر شهر بمبئی از وی‌تعبیر شده،از دانشمندان واعیان زمان خود بوده ، پس‌از پدر بدستورآیه الله میرزا حسین خلیلی ** روانه‌بمبئی و بترویج دین و وظائف روحانیت مشغول و مورد توجه ایرانیها و هندیها بود ، او نیز مانند پدر جمعی دیگر از آقاخانی‌هارامستبصر وشیعه‌اثنی عشری نمود و در آنجا مرجعیت داشت ولی بواسطه‌شدت احتیاط و تقوائی که داشت پس از چندی استاد و دوست خود مرحوم شیخ محمدتقی تهرانی معروف به مقدس *** را بایرانیان مقیم بمبئی ، و مرحوم شیخ‌ابوالقاسم کاشانی **** را به هندیها معرفی و جانشین خود کرد و از مداخله در قضا و افتا و کارهای عمومی کناره گرفت ،وهمه

---

* تالیف‌ادیب اریب‌مرحوم شیخ‌عبدالحسین‌اعسم‌نجفی ،نام دیگرآن الزهورفی‌رامپوراست . در (۱۳۴۶) درهبمئی چاپ شده ، کتابی است سودمند با تصاویر جالب ،

** پس از وفات میرزای شیرازی‌مرجعیت عامه‌تقلید بوی‌رسید ،در(۱۳۲۶)وفات نمود ، ترجمه‌اش در کتب تراجم از آن جمله (نقباءالبشر ۲ : ۵۷۶) موجود است ،

*** متولد (۱۲۸۸)ومتوفی (۱۳۵۸) صاحب‌اربعین حدیث‌مطبوع وکتب فقهی‌واصولی‌غیرمطبوع ،

**** متولد (۱۲۷۵)ومتوفی (۱۳۵۱) ،نخست‌به‌صحافی اشتغال داشت‌وبعدازآن‌بتحصیل پرداخت تا به‌مرحله کمال رسید ، دراواخر عمر ازبمبئی به‌کربلا مهاجرت ودرآنجاوفات‌نمود ، کتاب روضه‌الا برار از تالیفات مطبوعه اواست ،

این امور را آندو نفر که ازعلمای بزرگوار بودند انجام میدادند ، و حاجی سید آغا تصرف در حقوق نمی نمود وازتجارت وسیعی که داشت اعاشه میکرد تاعاقبت در (۱۳۴۲= غالب شده) درگذشت ، جنازه او را بهنجف اشرف منتقل و در مقبره پدر دفن نمودند و اولاد ذکوری از او نماند ،

در شجرهطیبهفرمودهاولادی از او نماند ، وآن اشتباهاست زیرا دو دختر داشته که یکی همسر مرحوم سید علی بن سید عبدالکریم و مادرآقا سید محمد نجابت بوده ،

و سید علی ۸ بن سیدمحمد۷ در (۱۳۳۵) بهقاهره مصر رفت ، مدتی بهتجارت واخیرابه خدمت دولت واردگردید وطبق نوشتهشجرهطیبه ،در(۱۳۵۸=باغ دلگشا) بدست اشخاصی ناگهان مقتول ، و بگفتهآقای نجابت در همانجا مدفون و یک پسر از وی مخلف گردید : سید ضیاءالدین ۹ نام ، که مدتی در مدرسه نیروی هوائی مصر بهتحصیل مشغول بود و اکنون از او خبری نیست ،

در شجرهطیبه پسر دیگری برای مرحوم سید علی ۸ بنام سیدمحمدرضا ثبتکرده ،وصاحب بوستان پیغمبر نیز از او پیروی نموده ، ولی طبق اظهار آقایینجابتمذکور ،وجودخارجی نداشتهواشتباهاست ،

و اما سید جواد۴ دومین پسر آقا سید عبدالله۳کهدرحیاتپدر به هند رفته * ، به مقدمات مربوط وبغایتآرمیده ودرویشمسلک بود ،بهندافتادهبعدازچندیکهدرحیدرآباد دکناقامت داشتعود بوطن نمود ، و در اواخرباز عود بهندوستان ودکنگریبان گیر او شده ، در راهبیکی از بنادر هند معروف بکراچی بندر او با یکی از اولادش سید نورالدین که با او بود بغدر یکی از تبهکاران آندیار یاباجل طبیعی علی اختلافالاقوال بفاصله ده بیست روز هر دو نقد حیات از کف دادند ،**

نسخهای از مفتاح الفلاح موجود است که در آخر آن چنین نوشته "الحمد لله الذی وفقنی لتصحیح الادعیه الشریفه و اساله ان یوفقنی لمقابله اصل الکتاب انه الموفق للصواب ، و کتب المذنب محمد جواد بن عبدالله الموسوی الشوشتری ، غفرالله ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات بحرمه محمد وآله شفعاء یوم العرصات ، وذلک فی شهر ربیعالثانی ۱۱۷۳ فی حیدرآباد "

و پدر بزرگوارش در پشت نسخهای از شرح عقائد نسفی که چند برگ آخرآن بخط جداعلی بوده نوشته (این کتاب از فرزندی سیدمحمدجواد است)

بطوریکهملاحظهمیشوددراین دوجامحمدجواد نامیده شده .

---

* (تذکره شوشتر : ۶۰)

** (تحفه العالم : ۱۲۴) و عین عبارت آن در بوستان پیغمبر و شجره طیبه منقول است ،

تاریخ ولادت و وفات او معلوم نیست اما تا (۱۱۹۳) زنده‌بوده که نسخه‌ای از شرح قطر مورخ باین تاریخ بخط او دیده شده، و قبل از (۱۲۱۶) درگذشته زیرا در تحفه که‌در این تاریخ تالیف شده وفات اورانوشته ، علامه تهرانی در (الکواکب المنتثره) که‌مخصوص دانشمندان قرن دوازدهم است او را ترجمه کرده، پس وفات او را در آن قرن که بـــه (۱۱۹۹) ختم میشود دانسته‌اند ، ؟

چهار پسر از او مخلف شده : سید فاضل همام سید عبدالکریم ۵ . سید عبدالغفور۵ . سید نورالدین۵ . سید عبدالله۵ *

سیدعبدالکریم ۵ بن سیدجواد۴ ،بن سیدعبدالله۳ ،مجتهدی بزرگوارازاعاظم علماء و اجلاء فقهاو مفاخرادباء وصاحب مدرسه‌علمیه‌درشوشتر ** وتالیف‌ارزنده‌واشعارپنددهنده‌بوده،

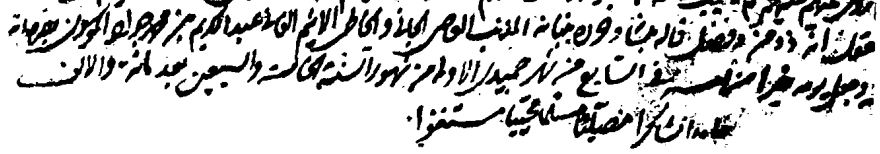

در شجره نوریه او را مجتهد العصر خوانده، وشرح حال وی نخست در(تحفه‌العالم:۱۷۳) آمده‌آنگاه‌در (اعیان الشیعه۳۸ : ۷۰) و (بوستان‌پیغمبر) و (تتمه‌الشجره)و (الذریعه) در مجلدات‌عدیده‌و (الکرام البرره۲ : ۷۶۰) و (الکنی‌والالقاب ۲ :۳۰۰)و مستدرک‌الوسائل ۳ : ۳۸۷) *** و (مکارم الاثار ۲ : ۵۵۲) و (نجوم‌السماء : ۳۲۳) نقل شده ، در تحفه صفحه مرقوم فرماید (السیدالعلیم ذوالفضل العظیم السید عبدالکریم بن سید جواد ، فاضلی‌نحریر وعالمی بی نظیر و سرآمد پارسایان وعباد و سرخیل اصحاب مکرمت و سداد ، در اکثری از علوم خاصه فقه و حدیث امام همام ، ودرمجاهدات‌وریاضات‌وقوت عبادت از کبرای اولیای عالی‌مقام ، و از سن صبا تا حین رحلت که از شصت متجاوز عمر یافت ، در تحصیل معارف دینیه آبله پا و در نشر علوم و حق طلبی با عقلا ، بغایت‌کریم النفس و وارسته و بسی قانع‌و بی ساخته بود ، شرح کیفیت سلوک‌و ریاضات آن مجاهـد را مقامی عظیم باید و تفصیل آن در حوصله تحریر نمی آید ، و اگر در کلیات و آنچه‌نوشته

---

* (تحفه‌العالم: ۱۲۴)و(شجره‌نوریه) ،باتقدیم سیدعبدالله بر سید نورالدین در مصدردوم ،

** (تاریخ جغرافیائی خوزستان: ۱۳۶) ،

*** در(مستدرک)اشتباه‌چاپی‌رخ داده‌زیراکه‌چنین آمده‌السید عبدالکریم بن‌السید محمدبن‌السید جواد ،

میشود مسامحه نرود نیز دفترها مشحون گردد ،
بالجمله بعد از آنکه بسن چهارپنج سالگی رسید ، جد والای او سید عبدالله بهتربیت او همت گماشت و او را به مرحوم سید زین الدین* سپرد ، خطی وسوادی بهم رسانیده شروع به عربیت نمود ، بعد از استفاده مبادی از سید مبرور ، آن والامقام خود به تعلیم او پرداخت بسهل فاصله آن بزرگوار رحلت نمود ، خود باستعداد ذاتی و بقوت مطالعه و مذاکره واستفاده از بعض اعمام گرام به مراتب علیا ارتقاء یافت ،
از ابتداء نشو ونما خلوت بمزاجش غالب بود ، از مرجعیت مردم حتی ازمشاکلت ومعاشرت اعمام و سلسله عالی‌شان خود نیز دامن کشیده‌گوشه‌نشینی اختیار نمود و در بر روی مردم بسته بعبادت و حق طلبی بسر میبرد ،
مدتها بشراکت فرزند اکبر او سید محمد در خدمتش استفاده نموده‌ام ، در این ظرف‌ایام هرگز ندیدم که از امور مسنونه از صوم وصلوه و دعوات ماثوره چیزی از اوفوت‌شود یافعلی که در شرع مدموم باشد از او سرزند حتی در افعال مباحه‌نیز باحتیاط بود ،
بعد از بیماری سید اسمعیل** که ذکر او گذشت امامت جمعه‌وجماعت بخدمتش‌مفوض ،
و بالاخره از فرط تقوی از آن هم سرباز زده انزوا بگوشه منزلخویش او را مستحسن‌نمود ،
سالی یکمرتبه بزیارت ائمه عراق رفتی وچندی توقف نمودی وازعلما ومجتهدین آن‌اماکن تکمیل کردی ،
از آقا محمدباقر بهبهانی*** که‌شمه‌ای از ذکر او گذشت وسیدمحمدمهدی طباطبائی بروجردی**** که از اعلام افاضل‌سموالمکان وسرآمد مجتهدین عالی شان بود اجازه تحصیل نموده ، روزگاری به عزت واحترام‌گذرانید ، در سفر مشهد مقدس رضوی‌از استاد الحکما میرزا محمدمهدی خراسانی***** بقدر فرصت استفاده حکمیات نمودا‌ما آن

---

* در (ساقه سوم) بیاید ،

** در (شاخه چهارم) بیاید ،

*** معروف به‌وحید بهبهانی ،ازدانشمندان‌موسس درعلم‌اصول‌ومجدد مذهب دراوائل‌قرن‌سیزدهم بوده‌ودر(۱۲۰۵) درگذشته ، کتاب‌(وحید بهبهانی)در شرح احوال واعقاب او بچاپ رسیده است ،

**** متوفی (۱۲۱۲) صاحب مقامات‌عالیه‌علمی‌وعملی وکرامات‌وآثارمنظوم‌ومنثوربوده ،احفادوی‌تا کنون درنجف‌اشرف وحاهای‌دیگربسر میبرند وهمه‌به‌لقب آنمرحوم‌که‌بحرالعلوم است‌مشهوروفضلا وادبائی درمیان آنها میباشند، ودرنسب‌باجداد مرحوم آیة‌الله‌حاج‌سید حسین بروجردی پیشوای بزرگ معاصر شیعه متوفی (۱۳۸۰) میرسند ،

***** فیلسوفی‌معروف‌بوده‌در (۱۲۱۷)بشهادت‌رسیدودرکتب‌تراجم‌ازآنجمله(شهداءالفضیله : ۲۷۵) مذکوراست ،

بزرگوار را به تعلیم و تعلم حکمی وریاضیات رغبتی نبود ، اخباری مذهب * و از فقهای ظاهر و در فتاوی بغایت محتاط بود ، ازقبول هدایا وٌ احسان مردم حتی ازکرام خلق از دوستان احترازی تمام داشت وبلقمه نان جوین که از بعض اراضی موروثی به او میرسید میساخت ، و حق با او بود چه بر فرض محال هرگاه نفس بلند همت تن به پستی در دهد و بتلاش قدر ضرورت گردن نهد ، طریق تحصیل از وجوه ستوده در این جزو زمان نایاب و قبول ذلت وزبونی مقدور کرام نه ،و اگر از دنیا طلبی منظور جودوایثار است بدیگران ، سرهمه سخاوتها گذشتن از دنیا و گذاشتن آن چیزیست که در دست لئام خلق است به آنها ، مصنفات بسیاری در هر فن از ماثر قلم فیض شیم او بر صفحه عالم بیادگار است که متذکر آنها نیستم ، و اکثری بعد از برآمدن من از آن دیار تالیف شده اند ، تا من بودم شرح مزجی بر الفیه ابن مالک در نحو نوشته ، و چند رساله در فقه که هر یک را بموقع خود خوب نوشته بودند ،

دوسال قبل از وفاتش ازوفور اشفاق استادانه مکتوبی در بنگاله ازآن علامه رسید ،ازبود باش این کشور زجر و توبیخ بسیاری فرموده تکلیف عود بوثاق مالوفه اجداد کرام ورسیدن بعتبه بوسی ائمه عظام نموده بود ، از آن معلوم شد که از شوشتر به مشهد مقدس غروی انتقال و در آن مکان با برکت واعزاز مسکن گزیده به احترام واجلال به افاده ونشر علوم ورضاجوئی خالق متعال اشتغال دارد ، یکسال قبل از این فوتش مسموع شد که در آن روضه خلد مثال مدفون گردید طوبی له وحسن مآب)

نگارنده گوید مرحوم آقاسید عبدالکریم دستور داده که درمساجد شوشتر بعد از اداء فرائض احکام شرعیه و وظائف دینیه را بگویند وجای مخصوص برای زنان درست کنند تا زنها به مساجد بروند واحکام شرعیه را فرا گیرند ،

ولادت آنمرحوم بطوریکه نوه اش سیدآقاگپ ۷ درمجموعه مجالس از روی خط او نقل کرده شب جمعه (۲۹ــ شوال ــ ۱۱۴۹= زیب خلقت) بوده ،

در بوستان پیغمبر حدود ۱۱۵۰ نگاشته ، و در شجره طیبه ۱۱۶۰ نوشته که ناشی از عدم دقت در عبارت تحفه است که تصریح کرده بیش از شصت سال داشته ،

مؤلفات سید عبدالکریم ۵

اول انشاء الصلوات والتحیات ، و آن صلوات بر چهارده معصوم (علیهم السلم) بااقتباس آیه نور است ، و در شجره طیبه فرموده در مناجات است ، که با نقل قسمتی از اول و آخر آن اشتباه او معلوم میشود ،

آغاز ((یا ایهاالذین امنواا تقوا اللهقبل قضاء نحب فرض ، و تعاونواعلی البر والتقوی و

* در اینجا مسلک بجای مذهب معمول است و مقصود از این لفظ نه آنستکه امروز بذهن متبادر میشود بلکه به آن معنی که در (نابغه فقه وحدیث : ۲۱۹) نوشتیم وعلامه مجلسی وبزرگان دیگر وجداعلی هم همان مسلک را داشته اند ،

المعروف والقرض، و صلوا علی النبی وآله یثقل موازینکم وعنکم یرض، (اللهنورالسموات و الارض) اللهم صل علی اخلص من تهجد بتلاوة ایاتک فی دیجوره ، و اقراته فلم ینس ذکرک فی‌شیئی من اموره، وکان ترقد عیناه دون قلبه وشعوره ، سید المرسلین ابی‌القاسم محمد الذی لایقاس بنورالله سبحانه‌الا) مثل نوره) *

انجام اللهم ان قنک الفانی عبدالکریم ، قداقتبس فی مدیح ساداته‌آیه‌النور من‌الذکر الحکیم ، مقتد یابجده نورالدین الموسوی ** المنتقل‌الی النعیم رجاء ،ان تعفوعنه‌و تغفر ذنبه‌العظیم ، فاغفرلهما وللموءمنین کافه وارحمهم یاروءوف ویارحیم ، فانک انت العالم بضراعتهم (و اللهبکل شئ علیم) ،

دوم اشعار فارسی‌که در ستایش ائمه اطهار علیهم‌السلم وپندونصیحت‌سروده ، ده‌قصیده را صاحب تتمه‌الشجره‌دیده ،

سوم ایضاح الدلیل ، درطهارت آب‌قلیل عربی مختصری‌است ملحق به‌الدررالمنثوره‌آتی

چهارم البرهان‌الموءسس ، در عدم منجسیت متنجس، عربی منضم به‌کتاب سابق‌است

پنجم التحفه‌البهیه ، در شرح الفیه ابن مالک ، در شجره‌طیبه‌مذکوراست ، واز تحفه بر آید که شرح مزجی است ،

ششم تکمیل‌الایمان در تحقیق اوزان‌فارسی مرتب بر پنج فصل معنی قیراط ودینار ،دانگ و درهم ، رطل ، مد ، صاع ، در ظرف یک ساعت آنرا تالیف کرده (۷ــ ج ۲) ولی سال‌آنرا ننوشته ، ضمن مجموعه‌ای بنظر رسید وآنهم مختصر است و درهیچ جا مذکور نیست ،

هفتم تنبیه العاقل ، در شجره طیبه مذکور است ،

هشتم الجنه العاصمه ، درکتاب سابق یادشده ،

نهم حاشیه بر شرح ابن ناظم ، که‌برنسخه‌ای خطی از آنکتاب بنظر رسید ،

دهم حاشیه بر مغنی ، بر نسخه‌ای خطی روءیت گردید ودر (الذریعه ۶: ۲۱۱) مذکور است ،

یازدهم الحجه البالغه ، در حکم نکاح زن بالغه ،عربی ملحق به‌الدر رالمنثوره است ،

دوازدهم الدررالمنثوره دراحکام ماثوره که درجمیع ابواب فقه ازطهارت تادیات ،احکام خمسه‌تکلیفیه‌مخصوص‌وماثور از رسول‌اکرم و امامان (علیه‌وعلیهم‌السلم)را ذکر کرده و در موضوع خود بی سابقه ، و دلیل بر فقاهت و تبحر و درایت وسعه نظر آنجناب است ، و اجازه‌ای را که سید بحرالعلوم (قدس سره) برای وی نوشته واز او تمجیدوتجلیل‌فراوان کرده ، پس از دیدن‌این کتاب‌بوده‌است ، و مرحوم سید اسماعیل صدربرآن‌حاشیه‌ای دارد

* مرجع ضمیر درتنزیل (الله) و در این‌اقتباس (محمد) است چنانکه‌پس‌ازدقت‌معلوم‌میشود،

** اشاره به اقتباس آیه نور جد بزرگوار آقا سید نورالدین ۲ است

*** (الذریعه ۸: ۱۳۶) و جلد ششم (دائره معارف الشیعه الامامیه الاثناعشریه)،

نسخه اصل متاسفانه از آخر ناقص و نسخه‌های دیگر بنظر رسیده ،

یکی از معاصران نام آنرا الدرالمنثور فی الفقه‌الماثور نوشته * که‌اشتباه است ،

سیزدهم رساله در نماز جمعه که مرحوم عالم فقیه معاصر میرزا محمدعلی دزفولی معزی** رحمه‌الله تعالی آنرا دیده‌بود ،

خط علامه معزی

---

* (اللآلی المنتظمه : ۱۱۴)

** متولد (۱۲۹۸) ومتوفی (۱۳۹۰) عالمی جامع وفقیهی بارع صاحب آثار ارزنده‌علمی مانند (تجدیدالدوارس) در فقه در مجلدات عدیده‌که‌بطبع رسیده‌و(الترجمان) حاشیه مرزبان نامه و آنهم مطبوع و هر دو دلیل بر جامعیت آنمرحوم است ، وی از مشایخ نگارنده بوده واجازه‌بخط آنمرحوم‌کلیشه شده ،

ورسائل دیگری نیز داشته در موضوعات متفرقه که از تحفه شنیدی ،
شرح الفیه ، رجوع شود به التحفه البهیه ،
چهاردهم شرح‌مفاتیح فیض،عربی استدلالی و آنهم نشانه دیگر از تبحر وی‌درفقه‌وحدیث ومقام علمی آنجناب است‌اما متاسفانه ناتمام و نسخه منحصر بفرد و در خطر از بین‌رفتن است ، و آن شرح قسمتی از بیع و طلاق مورخ (۱۱۹۸) بخط مولف‌است‌که بسیار محققانه و فاضلانه نوشته شده و در هیچیک از مصادر مذکورنیست ،
پانزدهم کشف الغطاء عن حال الغناء عربی در اثبات حرمت آوازخوانی ،یک نسخه در کتابخانه فاضل معاصر سیدمحمدصادق بحرالعلوم (سلمه‌الله) در نجف‌اشرف دیدم ،
شانزدهم گرزآتشی بر فرق مرتشی فارسی یک نسخه بخط یکی از احفادش دیده‌ام ،
هفدهم مفتاح الایمان‌فارسی مختصری است در اصول پنجگانه ضمن مجموعه‌ای‌موجوداست ، نوه‌هایش هم آنرا داشته‌اند ،
هجدهم مفتاح الجنه رساله‌عملیه‌فارسی مشتمل بر یک مقدمه و پنج باب وخاتمه است ، کتاب التحفه الغریه سید علیرضای کابلی که در (۱۳۳۱) چاپ شده از این کتاب‌اقتباس گردیده *
نوزدهم‌وبیستم مناسک حج صغیر و کبیر هر دو فارسی **
بیست و یکم نهایه الکفایه در شرح بدایه الهدایه ، در تتمه‌الشجره یاد شده،و نگارنده نسخه‌ای از بدایه را مورخ (۱۱۷۰) بخط‌او دیدم ،درآخرش‌چنین‌نوشته بود (نسأل الله من‌فضله‌ان یحصل‌لنا نسخه‌صحیحه نصحح هذه‌ـ الحمدلله‌الذی‌استجاب دعاءنافرزقنا نسخه صحیحه و قابلنا کتابنا و صححناه و نسأله‌آن یوفقنا لاتمام شرحه‌الذی شرعنا فی تالیفه الموسوم بنهایه الکفایه)
بیست ودوم هدایه الانام فی حکم مایستخرج من الاجسام ، درتتمه‌الشجره‌فرموده نسخه آنرا دارم ،
بیست‌سوم هشت بهشت فارسی در حالات و زیارات امامان علیهم‌السلم در (۱۱۸۵) تالیف شده وآنرا دیده‌ام ،

اشعار سیدعبدالکریم ۵

سینیه‌ای در ۱۵ بیت گفته از جمله ابیات آن :

بلبل چه شد فریفته گل بدام رفت و ز دام شد بصحبت ناجنس در قفس

---

* (الذریعه ۳: ۴۶۰) و (۲۱: ۳۲۵)
** (الذریعه ۲۲: ۲۶۶)

منشین بشهد مجلس ابنای روزگـار کان سم قاتل است چو شیرینی مگـس
غره مشو بعزت و اقبال مال و حـال هر بدر را محاق هـویدا شود ز پس
ای مست مسندشرف وعزبهوش باش خواهی فتاد زیر زمین خوارهمچه‌خس
عبـدالکـریم تو بنگـر بعیب‌خود اغماض کن زغیر مبین عیب هیچکـس
غرق محیط معصیت نفس سر کشـم یا مرتضی علی تو بفریاد مـــن برس
در لغزش دو کون‌زکرم دست‌من بگیر بازار عرض را چه توهستی شه وعسس
یارب بمصطفی و بداماد و عترتـش کاز لطف در نجف بسپارم همین نفس

این ترجیع بندهم از او است :

اول از اسـم خـداوند کریم قـادر شرف مهر نبوت ز (محمد) ظاهـر
آنکه جبریل امین گشت بکوهش ظاهر (فاطمه) خیرنسا بنت رسول مه و مهر
بر گل عارض جان پرور احمـد صلوات بر دو گیسوی فرخ‌بخش محمد صلـوات
شهسواری‌که‌ر رویش شده‌خورشیدخجل مادرش بهر تولد بحرم شـد داخـل
پادشاهی که بود دار سلامش منـزل پاک طینت ز(علی) بغض ندارد در دل
بر گل عارض جان پرور احمد صلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات
وارث شیـر خدا هست امـام طاهر آنکه از روی ادب سجده براو کرد سپهر
گوش کن‌این‌سخن‌ای‌شیعه‌که‌گردی‌مخبر از(حسن)گوکه‌شفاعت‌ز(حسین)است‌آخر
بر گل عارض دین پرور احمد صلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات
نزد پیغمبر ما گشت چه قرآن نازل * شرف هشت و چهار است بخلقان‌ظاهر
شک میاور تو از این قول نگردی کافر (عابدین) نوردو چشم من‌وگویم (باقر)
بر گل عارض دین پرور احمـدصلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات
اشک ازدیده‌روان‌سازم‌وخون‌گردد دل من آشفته از این گریه ندارم حاصل
مضطرب گشته وازکرده‌خودخواروخجل طلب از (جعفر)واز (موسی کاظم) مشکل
بر گل عـارض جان پرور احمدصلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات
پادشاهان همه‌برخاک درش‌چون‌بسمل دارم امید روم روضه پـاکش داخـل
شود از لطف خدا جمله گناهم باطل مشو از شاه (رضا)قدر(تقی) تو غافل
بر گـل عارض جان پرور احمدصلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات
طائر گلشن روحم‌زده قلاج ** زمهر مضطرب حالم ای دل چه کنـم من‌آخر

---

* در اصل چنین بود و کلمات دیگری نیز در ابیات دیگرش هست که بنظر غیر صحیح و غیـر مستقیم است و بجهت رعایت امانت بدون تصرف درآنها مطابق اصل آنها را نقل نمودیم ،

** (قلاج) بر وزن عناب کشش کمان بزور (فرهنگ‌عمید : ۷۹۶)

محشر که‌برآرم سرعاصی‌ازگل * از (نقی) خوانم و (عسکر) نرودازخاطر
بر گل عارض جـان پرور احمدصلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات
بلکه باشد بدلم دیدن رویش مـائـل گوش کن از سخن عبدالکریم ای عاقـل
مهر (صاحب) بدلت‌گرنبودای‌جاهل همچه سنی بودت دین و دنیا بـــاطل
بر گل عارض جان پـرور احمدصلوات بر دو گیسوی فرح بخش محمـد صلوات

هم او را است در پند و نصیحت بخط نوه‌اش سید آقا گپ در پشت حقائق الاصول دیدم ، در (۱۲۰۸) سروده :

تـوشه خـواهد ره دراز خـــراب فاتقـوا اللـه یا اولـــی الالبـاب
عبرتی گیـر از این سرای غـــرور دست کوته کن از شـراب و کبـاب
عیش و عشـرت وداع کن جـانـا وقـت رحلـت رسیـده هان بشتـاب
دور شو زیـــن عجـوزه مکـــار کشته چنـدیـن هـزار از احبـــاب
پیگ مرگ آمـــده است پـی درپی چیست پیـری پـریـد مرغ شبـاب
شهـــوت بطـن و فرجـت ارشدکم لیـک حـرست بـرون زحصر وحساب
سبـزه بنگـر سفیـد وزرد و سیـاه بـر دل لالـه داغ بیـن بـی تاب
برگ ها ریخته گـلاز چپ وراست جـدول و نهـر خشک همچه سـراب
چـــاه پـــر آب لیک با تعطیـــل قصـر عالی و خـــالی از اصحـاب
صفـه شد بـی صفـا و مـردم آن جسته ز آن اهـــوان ز گـــــلاب
حـوض پـاشیـده وشور شد پاشـور در زمیـن آب رفـت چـون سرداب
سرنگـــون اوفتـــاده فـــــواره لبکیهـــای حـــوض در گـــــرداب
طـاق افتـاد و در شکسـت اطـاق شـد سیـه آن سفیـدیـش چه غراب
کنـده شد میخ در زمـان ز زمیـــن خیمـــه شـد واژگـون بـرید طنـاب
نظـم پـاشیـد همچـه بـرگ‌خزان رفـت آثـار از آن میان چه حبـاب
تـازه روئـی کـه بود رشک پـــری پیریش کهنـه کـــرد همچـه جـراب
نـو عروسی کـه قـد نمونه تیـــر چـون کمـان کـرده شوق را پـرتاب
رخ گلنـــاریـــش شـــده ورسـی لـب یـــاقـوتیـــش در بـــی آب
بنـــد از بنـد شد جـدا چون نی دست و پائی که داشت نقش‌خضـاب
از سیـــه چشم مست مخمـــورش اشک حســرت روان روان چه سحاب
جـوهـر نـازک تـــن سیمیـــن شـده در بـــوتـــه هلاک مـــذاب

* اصل نسخه چنین است

چون چنین دید عاشق مسکین | مضطرب حال گشت چون سیماب*
دلبرش در برش نماند و بماند | حسرتش در دل و جگر خوناب
خورد افسوس رنج بی حاصل | برد بینا وصبر او سیلاب
دوستی قطع کن زخلق جهان | آشنا شو به حضرت وهاب
اجل آید بدرگهت فی الفور | بر نگردد به رشوه و احزاب
از کنار بتان به مرکب چوب | در زمان میشوی قرین تراب
اینکه گفتم رهی است باید رفت | چه گدا وچه شه چه شیخ چه شاب
تا به کی مست و غافلی آیا | نیست بیدارئی تو را زین خواب
دست بر دیده مال و بشنو پند | تا نیفتاده ای زهوش‌مخواب (وخطاب)
هر چه کردی خطا و نامعقول | لیک پنداشتی درست و صواب
حیله و غش به یک کنار گذار | هست ناقد بصیر در هر باب
غم روزی مخور چه ضامن آن | ز کرم شد مسبب الاسباب
زهد و تقوی کەتوشه‌عقبی است | امر کرده به آن بنص کتاب
گرد تقوی نگردی ای بی شرم | دین اسلام از تو شد به حجاب
پی روزی شوی چه سگ بینم | بضمان خدا تو را مرتاب
گرچه عبدالکریم گوید پند | در سوالات حاضر است جواب
لیک او را است دردهای نهان | چاره با تو است یا علی دریاب
گرچه مویم سفید و رو سیهم | لیس لی طاقه و حسن مآب
جز گناهان به دفتر عملم | ننوشته فرشته کتاب
لیک محکم بعروه الوثقی | دست آورده ام ز بیم عذاب

فضله مع شفاعه المختار
وعلی وآله الاطهار

و از اشعار او است که گویا در جوانی انشاء فرموده

دو گاو اطراف عالم را گرفته | یکی در آسمان پیدا بدیدن
دگرگاوی برشاخش‌زمین است | بآن موضع کسی نتوان‌رسیدن
خران اندرمیان این دوگاوند | که میباشند مشغول چریدن
نیاید ازخران غیر از خریت | گهی جستن‌بهم‌گاهی‌گزیدن
برآرعبدالکریم‌ازاین‌خروگاو | وگرنه زیرسم خواهی‌طپیدن
نجاتی‌یارب‌ازگاووخران‌بخش | دریغا مرگ را میشد خریدن

* سیماب جیوه وزیبق ، (فرهنگ عمید : ۶۴۱).

ابیات فوق را از این رباعی منسوب به‌عمر خیام (خیامی‌هم باوگفته شده‌مانند پدر عمرو ابن‌العاص که او را قدما عاصی گفته‌اند) گرفته

گاوی است در آسمان و نامش پروین — گاو دگری نهفته در زیر زمین
خیام تو چشم معرفت را وا کن — زیر و زبر دو گاو مشتی‌خربین

و مقصود از بودن زمین روی شاخ گاو آنست که آبادی وحیات زمین و موجودات به‌زراعت‌و کشاورزی است ،

(لهایضا) در مدح مولای متقیان امیرالموٴمنین علی (علیه‌السلم)

شب و روزم نشد کاری — بجز آه و غم و زاری
ز هجران تو شد جاری — سرشک ارغوان من
کمند عشق افکندی — بدامم آخر آوردی
ز خود دورم چرادردی — کجائی مهربان من
شدی‌پنهان‌چه‌دوش‌ازمن — ربودی‌عقل‌وهوش‌ازمن
برآوردی خروش از من — بیاروح و روان من
ز نم گه‌بوسه بر رویت — گهی بر طاق ابرویت
ببویم عنبرین‌مویت — توئی آرام جان من
بیا ای دلبرا سویم — نشین یک‌لحظه‌پهلویم
که راز دل برت‌گویم — تو آگه از نهان من
زهجرت‌داغ چون‌زاغم — روان در کوچه و باغم
بنه مرهم تو برداغم — ز وصل ای قدردان‌من
بشاٴن آنکه میدانی — ندارد مرد میدانی
چه باشد روح انسانی — خصوصا" آن چنان من
علی و عالی‌واعلی — ولی و والی و اولی
کجا وصافی مولی — کجا نطق و بیان من
رسان ای پیک جانم‌را — که جانی جسم‌وجانم‌را
زدل بردی قرارم را — چه گفتار از زبان‌من
چشدعبدالکریم‌ازجان — بهر ساعت تو راقربان
زخوان نعتت مهمان — مران ای میزبان من

ابیات دیگری در مدح امیرالموٴمنین (علیه السلم) دارد که فرزندش سیدحسین٦آنهارا تخمیس کرده ودر شرح حال او بیاید ، و پنج بیت مشتمل بر نام اجداد پیغمبر(صلی‌اله

علیه واله) در شرح حال فرزند مذکور میآوریم که محتمل است هم از سید عبدالکریم ۵ باشد ،

مشایخ مرحوم سید عبدالکریم ۵ چهار نفر اند اول وحید بهبهانی دوم سید محمد مهدی بحرالعلوم که اجازه ای مفصل بر کتاب الدررالمنثوره وی نوشته چنانکه گذشت ، و این اجازه در حدود (۱۳۸۰) در بغداد با مقدمه عباس بغدادی چاپ شده و قسمتی از آن بفارسی ترجمه و در (وحید بهبهانی : ۱۵۴) آمده ، اما نام سید عبدالکریم را اشتباها عمادالدین نوشتهواین اشتباه از کاتب اصل اجازهبوجودآمدهکهپدر او را توصیف نموده بهالسید العمادالسیدجواد ،

سوم جد امجد خود آقا سید عبدالله ۳ چهارم محدث بحرانی صاحب حدائق بطوریکه خود در پشت الدررالمنثوره نوشته ، و اجازه این دو در آخر آنکتاببوده که متاسفانه بعلت نقصان نسخه اصل افتادهاند

وفات وی بطوریکه نوهاش سید آقاگپ۷درمجموعه سابقهنوشته در روز دوشنبه (۷ــج ۱ ــ ۱۲۱۴= دربغ) در نجف اشرف واقع و در طرف شرقی وادی السلام بخاک سپرده شد ، در شجره طیبه اضافه بر عبارت تحفه (یکسال قبل از این وفاتش مسموع شد) چیزی ننوشته، در بوستان پیغمبر،حدود (۱۲۱۵) و در (الذریعه ۱ : ۲۵۵) و (الکرام البرره۲ ۷۶۰) و (مکارم الاثار ۲: ۵۵۳) و (نجوم السماء : ۳۲۳) (۱۲۱۵) نوشتهاندکهازظاهر آن عبارت استفاده کردهاند ، زیرا تالیف تحفه در (۱۲۱۶) بوده ، ولی بطوریکه دانستی تاریخ صحیح دقیق همانست که از آن مدرک معتبر نقل نمودیم ، وپس از دقت در عبارت تحفه هم آن تاریخ را که نوشتهاند ثابت نگردد زیرا که سماع خبر فوت در آن تاریخ بوده نه وقوع آن ،

اولاد ذکور آنمرحوم چهارنفراند : سید محمد۶ . سیدعلی ۶ . سیدحسین۶ . سیدحسن۶*

سید علی ۶ و سید حسن ۶ را ، در شجره طیّبه بلاعقب معرفی کرده ،امادربوستانپیغمبر گفتهاولاد ذکور از ایشان نماند ،

وسیدحسن ۶ مزبور شخصی فاضل و امام مسجد میرشکار بوده ، و بر نسخهای ازشرحتصریف زنجانی (غیر از شرح تفتازانی) که یک قسمت از آن بخط غلامعلی وقسمت دیگر بخط او

---

* (تحفةالعالم : ۱۷۶) و(شجرهنوریه) و براین شجرهبود کهدختران او را هم باعلامت مشخص نماید زیرا دو دختر داشته یکی همسر مرحوم سید محمد جعفربن سید طیب ۴ بن سید محمد ۳ بن سید نورالدین ۲ بوده و از او دختری بوجود آمده که زوجه مرحوم حاج سید علی ۶ بن سید محمد ۵ بن سید طیب ۴ مزبور و ما در حاج سید حسین ۷ حکیم بوده بطوریکه در تتمه الشجره فرموده ، و دیگری جده خانواده آل علی است بطوریکه علامه جلیل آقا سید محمدحسن آل طیب دامت برکاته فرمودند ،

است چنین نوشته و (بعضه بخط المذنب الاثیم حسن بن عبدالکریم الموسوی بتاریخ روز یکشنبه (۷ـع ۲ـ۱۲۳۸) *

وسیدمحمد ۶ و سید حسین ۶ در (در شکوفه‌های سوم و چهارم) بیایند ،

و سید عبدالغفور ۵ پسر دوم سید جواد ۴ ، دارای سه پسر بوده سید کاظم ۶ . سید علی ۶ . سیدمحمد ۶ . **

سیدکاظم ۶ را در (شجره طیبه) سید محمدکاظم نوشته ، و در باره این سه برادرفرموده (هرچه تفحص کردم اطلاعی ازحال آنان بدست نیآوردم شایددرطاعون (۱۲۴۷=غربیله) بلاعقب مرده‌باشند)

و بوستان پیغمبر بدون تردید آنان را بلاعقب دانسته ،

وسیدنورالدین ۵سومین پسرسیدجواد ۴راهم (بوستان پغمبر) بلاعقب نوشته ، و آن ازعبارت تحفه‌سابقه که در باره او و پدرش آورده‌استشمام میشود ، ودرشجره‌طیبه‌هیچگونه‌توضیحی در باره او نداده است ،

وسیدعبدالله ۵ چهارمین پسرسیدجواد ۴ دارای‌خطی‌زیبابوده‌وباکتابت‌امرارمعاش‌مینموده و کتابهای بسیاری بخط او دیده‌ام ، از آنجمله دو نسخه شرائع مورخ (۱۲۱۰) و (۱۲۵۰) وشرح نظام‌مورخ(۱۲۲۹) که برای فرزند خود سیدمحمدجواد۶ نوشته ، و شرح الفیه ابن ناظم مورخ (۱۲۴۳)که برای فرزنددیگرخودسید نعمت الله۶ استنساخ کرده ،وشرح تصریف نفتازانی ،وجلداول قوانین مورخ (۱۲۵۱) برای فرزندش سیدمحمدجواد۶ ایضا ،ونسخه‌ای از تلخیص الاقوال *** را که ناقص بوده در (۱۲۳۲) بخط خود تکمیل نموده ،

و دو نسخه از ترجمه هدیه المؤمنین آقا سیدعبدالله۳بخط او دیده ام بطوریکه قبلا" اشاره‌شد ، درآخر یک نسخه چنین نوشته (باتمام‌رسید کتابت ترجمه هدیه‌المؤمنین و تحفه الراغبین فی العشرالثالث من الشهرالرابع فی سنه**** التاسعه عشره بعد'لماتبن و الالف من الهجره بقلم شکسته رقم ذره بی مقدار عبدالله بن محمدجوادابن المترجم عبدالله بن‌نورالدین ابن‌المولف‌نعمت الله‌الموسوی . . . ، للاخ الدینی والخلیل‌الحقیقی کهف الحاج و المعتمرین زائرالائمه‌المعصومین حاجی محمدتقی المشتهر به‌حاجی آقا گپ، و فقه الله لقراءته واتمامه‌والعمل به ، من احفاد مولاناالعالم الفاضل الکامل المؤید بنصرالله آخوند ملاعبدالله‌حلوائی شوشتری***** (قدس الله سره) فی دارالمؤمنین

---

* تتمه الشجره

** (تحفه العالم: ۱۷۶) ،

*** (رجال وسیط) استرآبادی است که چاپ نشده اما نسخ فراوان خطی‌دارد ،و(جامع الرواة) مانند شرح آنست ، و (رجال کبیر) استرآبادی بنام (منهج المقال) چاپ شده‌اما (رجال‌صغیر)کمیاب است ،

**** عبارت چنین است سنه را بی ال نوشته ،

***** مذکور در (تابغه فقه وحدیث: ۴۷) ،

شوشتر صانه‌الله‌عن الفتن والشر)و نسخه‌ای از (تسهیل الدواء)بی‌تاریخ ضمن‌مجموعه‌ای نوشته که مشتمل است بر (رساله) در نشانه‌های زنهای خوب وبد از ترکیب اعضاء آنها مورخ (۱۲۲۲) در حیدرآباد نوشته‌و (تحفه‌الملوک) زیدبن هیبت الله‌بصری‌درباره‌جماع که بامر طغارتگین تالیف کرده‌ومرتب بر هفده باب است ،

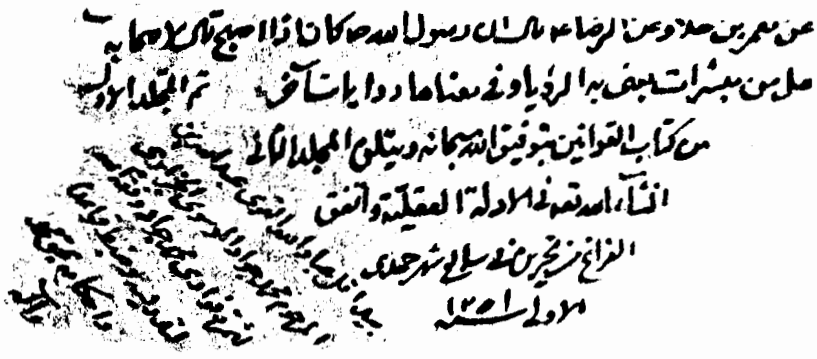

و آنجناب پسران متعددی داشته که بعضی در کودکی وحیات وی درگذشته‌اند ، وباقی عبارتند از : سیدمحمدجواد۶ سیدنورالدین۶ . سیدنعمت الله۶ . بطوریکه‌خودش‌نوشته، در(شجره‌نوریه) تنها یک پسر بنام سیدمحمدعلی۶ برای او ثبت کرده‌که‌اشتباه است ، و در (تتمه الشجره) او را با سید محمدجواد یکی دانسته ،

در(شجره‌طیبه) چهار نفر بدین ترتیب نامبرده سیدمحمدعلی سیدنورالدین . سید نعمت الله . سید محمد جواد معروف به سیدمحمد ، و چنانکه دانستی سیدمحمدعلی اشتباه بوده واین نامرا در عداد اولاد خود نیآورده ، و ترتیب مذکور هم صحیح نیست .

سید محمدجواد ۶ در (شکوفه پنجم) مذکور خواهد شد ،

سید نورالدین ۶ متولد (۲۰ــ شعبان ــ۱۲۱۷) بوده بطوریکه پدرش یادداشت کرده و بلاعقب درگذشته .*

سید نعمت الله۶ نیز بلاعقب بوده وپدرش در باره‌اش چنین نوشته : تولد فرزند ارجمند بحان ودل پیوند نعمت الله (ابوطالب)** (اطال الله‌عمره) یوم الثلثاء (۲۷ــج۱ ــ۱۲۲۳) ،

(لیله‌الاحد (۲۳ــ ذح ــ۱۲۴۷) بمرض طاعون وفات وبجوار مسجد جامع نزد جد خود آرمید ، و در ظهر یوم الجمعه ۲۱ شهر مزبور والده اش ارتحال نمود وبهمان مکان نیز مدفون گردید (حشر هما الله مع اجدادهما)

---

* بوستان پیغمبر وشجره طیبه ،

** این کنیه را به فرزند دیگرش سید محمدحسین هم داده است ، و او در کودکی درگذشته ،

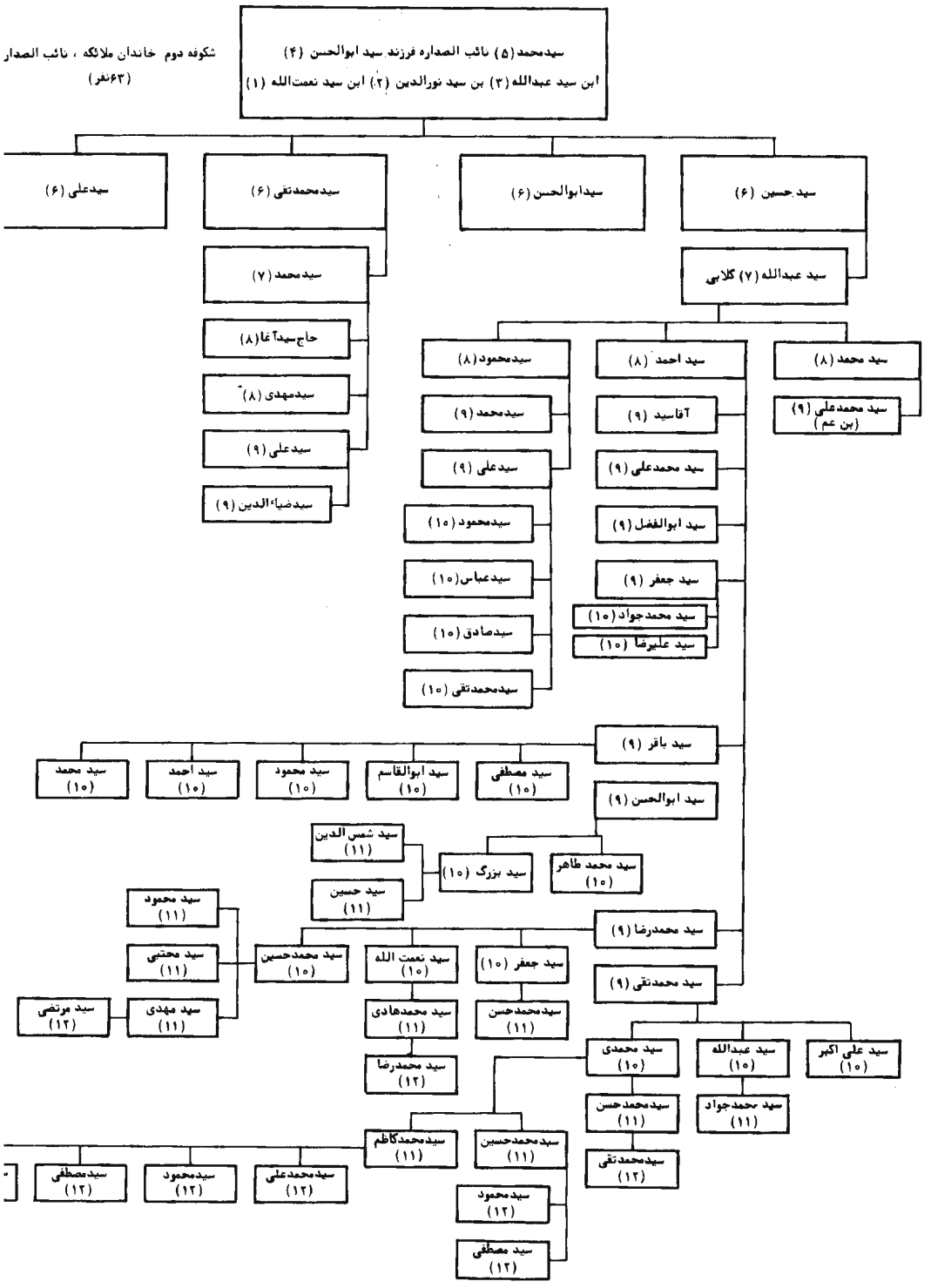
سیدمحمد (۵) نائب الصداره فرزند سید ابوالحسن (۴)
ابن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲) ابن سید نعمت‌الله (۱)
شکوفه دوم خاندان ملائکه ، نائب الصدار
(۶۳نفر)
سیدعلی (۶)
سیدمحمدتقی (۶)
سیدابوالحسن (۶)
سید حسین (۶)
سید محمد (۷)
سید عبدالله (۷) کلابی
حاج‌سیدآغا (۸)
سیدمهدی (۸)
سیدعلی (۹)
سیدضیاءالدین (۹)
سیدمحمود (۸)
سید احمد (۸)
سید محمد (۸)
سیدمحمد (۹)
آقاسید (۹)
سید محمدعلی (۹) (بن عم)
سیدعلی (۹)
سید محمدعلی (۹)
سیدمحمود (۱۰)
سید ابوالفضل (۹)
سیدعباس (۱۰)
سید جعفر (۹)
سیدصادق (۱۰)
سید محمدجواد (۱۰)
سیدمحمدتقی (۱۰)
سید علیرضا (۱۰)
سید باقر (۹)
سید محمد (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سید محمود (۱۰)
سید ابوالقاسم (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید ابوالحسن (۹)
سید شمس الدین (۱۱)
سید بزرگ (۱۰)
سید محمد طاهر (۱۰)
سید حسین (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید محمدرضا (۹)
سید محتبی (۱۱)
سید محمدحسین (۱۰)
سید نعمت الله (۱۰)
سید جعفر (۱۰)
سید محمدتقی (۹)
سید مرتضی (۱۲)
سید مهدی (۱۱)
سید محمدهادی (۱۱)
سیدمحمدحسن (۱۱)
سید محمدرضا (۱۲)
سید محمدی (۱۰)
سید عبدالله (۱۰)
سید علی اکبر (۱۰)
سیدمحمدحسن (۱۱)
سید محمدجواد (۱۱)
سیدمحمدتقی (۱۲)
سیدمحمدکاظم (۱۱)
سیدمحمدحسین (۱۱)
سیدمحمود (۱۲)
سیدمصطفی (۱۲)
سیدمحمود (۱۲)
سیدمحمدعلی (۱۲)
سیدمصطفی (۱۲)

شکوفه سوم

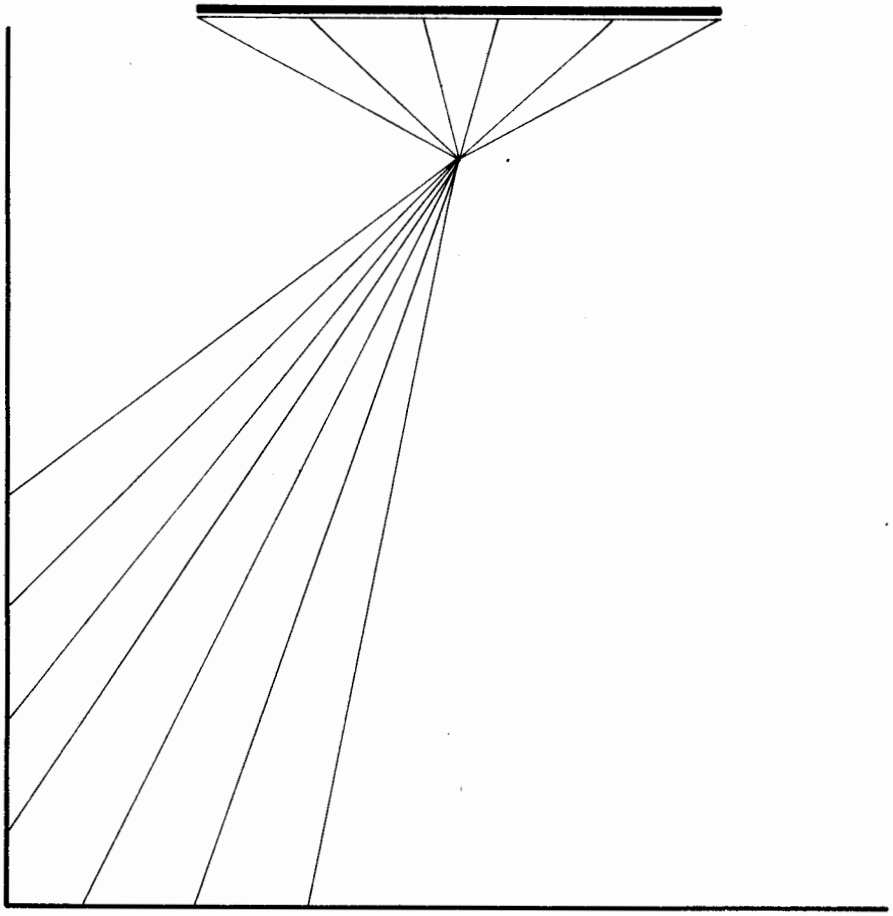

* شکوفه سوم *

خاندان معلم . امامی شوشتری . جزائری . قاری پور . محمودی زاده .
سیدمحمد ۶ بن (سید عبدالکریم ۵ مذکور در شاخه‌اول) * عالمی عارف‌و فقیهی جلیل و شاعری متخلص به اشرف و موسوی است ،
شرح حال وی نخست در تحفه آنگاه در بوستان پیغمبر ، و دائره‌معارف الشیعه جواهرکلام جلد ششم ، زیر عنوان جزائری شماره ۱ ** ، وشجره‌طیبه ، والکرام البرره ،و (مکارم الاثار ۲ : ۴۰۸) و (نجوم السماء : ۳۳۳) و غیره آمده ، در (تحفه‌العالم : ۱۷۸–۱۸۲)
چنین است (طبقه‌ششم این سلسله منحصر است بیک فرد کامل *** بحلاوت ذکراحوال او کام تلخ شده بزهر حوادث را شیرین وصفحه را رشک نگارستان چین می نماید ، السید الاوحدالعارف الکامل‌الموحد السیدمحمدبن‌سیدعبدالکریم ،حرسه الله ،سلاله‌این‌خاندان و یادگاران افاضل ذی شان مظهر انوار باری ومظهرلمعات کامکاری ، گوهر شاهوار دریای عرفان واز اعلام افاضل اصحاب ایقان ، فضائل ظاهر وباطن را جامع و نورشهود ازسیمای او لامع است ،
از ایام رضاع اثار رشد وبزرگی از ناصیه او پیدا بود و باین سبب والد بزرگوارش خود بـه تعلیم او رغبت وبه عمر چهارپنج سالگی شروع به‌تعلم نمود **** و در دو سال صاحب خط و سواد و راغب به هدایت و ارشاد شد ، کتب بسیاری از نظم و نثر خواند و برسائل صرف و نحو مشغول گردید ،
در حدت ذهن و سرعت انتقال تا این زمان کسی را مثل او ندیده‌ام ، بخدمت والد خود به‌تحصیل علوم چنان مستغرق بود که بدنیا و مستلذات آن حتی بارتکاب بعضی از ستـه ضروریه بشری ***** التفات‌نمی‌نمود ،به‌التماس‌والدین به‌اقل مایقنع****** اکتفامیفرمود، در سن هشت سالگی باشاره‌والدش بتجوید قراءت قرآن مشغول وحسن قراءتش ******* مرغوب اسماع گردید ، و در انـدک زمانی آنقدر از علوم مختلفه وفنون متشتته بمطالعه‌او

* صفحه ۸۶

** اما اشتباهی بزرگ درآن آمده که‌او را از عرفای‌اوائل قرن سوم هجری‌نوشته ،وباید سیزدهم باشد ،

*** بسی جای شگفت است که صاحب تحفه باقی افراد این طبقه را نشناخته ویا نادیده گرفته‌واز آنجمله مرحوم سید حسین۶ برادر صاحب‌عنوان‌است که درآن تاریخ جوانی بیست و هفت‌ساله‌وقابل‌ذکر بوده ،

**** در (نجوم السماء ۳۳۳) تعلیم ، اشتباه است ،

***** سته ضروریه‌در(کفایه منصوری : ۲۳ ببعد) مشروحا " بیان شده ،

****** چون ماده قنع لازم است تعدی آن به حرف جر (مایقنع به) است ،

******* منظور از قراءت اول علم قراءت ، واز دوم خواندن است یا بالعکس ،

درآمد که کمتر کسی از محصلین را میسر آمده باشد . . . بالجمله آن عالی جناب بعد از والد نیک اختر وعلمای نواح شوشتر ، فقه وحدیث وباقی علوم عربیت را فرا گرفت ، روانه عتبات عرش درجات گردید،و در آن وقت مرحوم مبروراخوی سیدمحمدشفیع درارض اقدس کربلا مجاور بود ، از ورود او مطلع شده او را بخانه برد وبجهت تربیت وتعلیم اورا بخدمت مشاهیر فضلا مانندآقای معظم ، و میرسیدعلی بهبهانی مشهور به کوچک * که ازافضال زمان و بفقه و حدیث واصول ورجال ، سرآمد امثال واقران است سپرد ، اسباب مایحتاج از کتب مدونه مبسوطه در هر فن وسائر ضروریات بجهت او سرانجام و بتربیت او کوشید ، او نیزدر آن شهر روان پرور خلد مثال از فیض انفاس آن بزرگواران به‌مرتبه کمال رسید و بفضیلت شهره‌آفاق گردید ، البته تالیفات شایسته داشته‌باشد که مرامعلوم نیست ، پس عود بشوشتر نمود انجمن آرای محفل افادت کشت ،

بخلاف سیلقه‌فقهای ظاهر و والد مبرورش ، بامید اینکه کفایت شر مظلومان از ظلمه نماید باحکام و اعیانی که کمال ادب را مرعی میدارند آمد ورفت دارد ، در صفای طینت‌وصافی طویت و وسعت مشرب از نوادر روزگار و ازعوام و فرومایگان بغایت متنفروبیزاراست ،بعض مسائل مشروعه وحکمی را با مشاهدات وعقاید صوفیه‌انطباق داده به مذاق عرفا وارباب تجرید رغبتی عظیم دارد ، و در اصلاح و تزکیه نفس آنقدر مبالغه و التفات می نماید که زبان از بیان آن قاصر است ،

شنیدم که در سفر حجاز بعد از ادراک سعادت زیارت حرمین در مراجعت به کرین که یکی از بنادر سواحل دریای عمان واقعه به دو سه‌منزلی بصره و مجمع اکابر علمای عامه است افتاده ، با فقها و فضلای آن بلد مناظرات بسیاری نموده و بر همه غالب‌آمده‌است ،حالیا در شوشتر بوالامحکمه جدعالی مقام بنیابت ملاذالاسلام راتق مهمات و مرجع انام‌بافاده وحق طلبی روزگاری بآسایش وانتظام دارد)

و آخوند ملا نظرعلی متخلص به‌دری شوشتری (۱) که به امر آنجناب دفتر دوم (سفینه خوشگو)را مرتب‌نموده ، در مقدمه آن چنین گفته (روزی از روزها بساط بوسی عالی‌محکمه شرع اقدس انور بسر آمده ، مجلس فیض مونس و حضور برکت دستور عالی جناب قدسی القاب سلاله‌السادات الاطیاب جامع معقول ومنقول حاوی فروع واصول تاج‌العارفین و عمده المحققین فخرالعلماء و مرجع الفضلاء مرکز اشراف الاوصاف واوصاف الاشراف‌معدن‌اخلاق ویگانه آفاق مرحوم مغفور فردوس مکان سیدمحمدبن سیدعبدالکریم الموسوی . . . . همان

---

* منظور از نفر اول وحید بهبهانی است کهاعقاب او را (ال اقا) گویند ، و نفر دوم صاحب ریاض المسائل است که‌بجهت امتیاز ازهمنام معاصرش میرسید علی کربلائی او را توصیف به‌کوچک‌نموده ، واین توصیف را در غیرتحفه ندیده‌ام ، و اما کلمه‌بهبهانی دراینجا اشتباه‌وشاید تصحیف‌طباطبائی بوده که‌در (نجوم السماء : ۳۳۴) مذکور است ،

پاشیده اوراقی که از آن کتاب معهود بر رسم تحفه با خود بر داشته وبخدمت‌لازم‌البرکت آن عالی حضرت برده وبشرف ملاحظه نظر فیض اثر آن سمی خیرالبشر مشرف ساخت ، عالی جناب مشارالیه چون سواد نظر را در میدان آن اوراق جولان داده ، گنجی آب‌آورد آنرا شناخت چنانکه معلوم خواهد شد ، فورا باحضار این خاکسار امر ایشان اصدار شد ، و این دره بی مقدار را بشارت بحصول این نعمت غیر مترقبه داده و مقرر فرمودند که همه روزه بخدمت ایشان مطالعه و ملاحظه آن اوراق نموده‌باشم ، کمترین حسب الفرموده‌بجان قبول نموده و از کثرت شوق و نشاط سرمباهات بر آسمان الخ)

و در شجره طیبه گوید (سید از کثرت اشتغال به‌تدریس علوم مختلفه از ادبیات و شرعیات و حکمیات و تبحر و احاطه به‌آنها درحوزه فضلای خوزستان به استادالکل‌واستاد الدنیامعروف‌بوده‌است ، شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی در سفرخراسان‌که‌ازشوشترمیگذشت در چند مجلس با او مباحثه ها نموده اجتهادوتبحرش‌را تصدیق و تمجیدکرده ، شعرفارسی و عربی را عالی میفرمود وبه اشرف تخلص می نمود ، وآن عالی جناب خیلی اعیان‌منش‌و مشکل پسند و نظافت مآب بود ، و در اتخاذماکل وملبس و منزل کمال تانق * وسلیقه را بخرج‌میداد و بسبک ساده‌زندگانی علمای خوزستان که‌تقریبا‌بلاقیدی‌نزدیک‌است بی‌میل بود ، و میفرمود زندگی ملائی شوشتری بوی گدائی میدهد ، وبه سیزصحرا ومنازل طبیعی ** خصوصا در ایام خوش بهار و شبهای مهتاب وهواهای صاف شوق بسیاری‌داشت)

نگارنده گوید آنچه را که از اخلاق و رفتار صاحب ترجمه از تحفه نقل کردیم که حتی به سته ضروریه توجه نداشته با این نوشته موافق نیست ، و با توجه به معاصر و معاشر بودن صاحب تحفه با وی قول اومقدم است مگر اینکه در اوآخر زندگی وی پس از تالیف آنکتاب چنین شده‌باشد ،

و در بوستان پیغمبر فرموده (منصب امامت جمعه وجماعت و تولیت مسجد جامع و تدریس بایشان مفوض بود ولی پس از مدتی از امامت جمعه وجماعت دست کشیده و به برادرخود جناب آقا سید حسین واگزار نمود ، تخلصش موسوی بود) ،

و در تتمه‌الشجره فرماید : بیاضی بخط وی دیدم که از اول وآخر ناقص ودارای‌فوائد ادبی از خود و دیگران بود شبیه کشکول ، ونسخه‌ای از مغنی خطی که برآن حواشی مفید نوشته بود ، و سید علی محمد بن سید مهدی آل طیب نسخه‌ای از مفتاح الایمان والد بزرگوارش بخط او دیده‌است انتهی

نگارنده هم نسخه‌ای از منهج المقال استرآبادی را دیده که آنجناب حواشی برآن‌نوشته ،

---

* (تاءنق) بروزن تکلم امر پسندیده را اختیار کردن و گفتار و کردار خود را محکم و متقن انجام دادن و از روی حکمت کاری کردن است (فرهنگ عمید: ۲۷۵)

** در اصل چنین است ،

وبیاضی بامشخصات مزبور که اینک نزد نوه‌اش آقا سید علی فرزند حاجی آقاسید (سلمهما الله) موجوداست ،

و رساله قندونبات * درمسائل نماز وزکات داشته‌که‌علامه‌تهرانی یک نسخـــه ناقص الاخر از آن را نزد نوه‌اش مرحوم سیداحمد معروف به‌حاجی سیدآقا دیده‌اما‌اشتباهامرقوم فرموده‌نزد پسرش سید احمد دیده‌است **

نگارنده یازده صفحه‌آنرا بخط مولف ضمن مجموعه‌ای دیده ونمیدانم تالیف آن به پـایان رسیده یانه ؟

برای نمونه‌مقداری از اولش را در اینجا نقل میکنیم (حمد وسپاس بی قیاس خداوندی را سزا است . که آدمی را از ذلت وپستی (والله‌اخرجکم من‌بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا) در آورد و بعزت وبلندی (وجعل لکم السمع والابصار والافئده‌لعلکم تشکرون) برآورد و درود نامعدود بر سبب آفرینش عالم (اشرف) اولاد آدم بدومعنی انبیاء راخاتم (محمد)*** عربی آن سرافراز بشرف (ان الله‌وملائکته یصلون‌علی النبی) وبرآل واصحاب‌خجسته‌مآل او التابعین لهم باحسان غرض از آفریدن جن وانس همین منحصر بعبادت‌وبندگی‌کردن‌است همانا این آیه‌شریفه‌بگوش نرسیده‌باشد ، و ماخلقت الجن والانس الالیعبدون ،سخنی بزرگ است ونفرموده‌الالیاکلون ویشربون وینکحون وینامون**** . . و هرگاه آدمی بفکر این کار نیفتد . . . . مثل کسی است که‌کتاب بسیار خوب و پر فائده بدست آرد واصلا آنرا وا نکند و از فوائد او هیچ لذت نبرد وبهره‌مند نشود وآن کتاب را بالشی یا سفره‌ای کند هر چند این هم نفعی است لیک وضع کتاب برای بالش و سفره نیست . . . ونام نهاده شد ایـــن مجموعه به (قند ونبات در بیان نماز وزکات)

نام این مجموعه شد قندونبات یادت آرد از نماز واز زکات

و فقیر ضعیف منزوی محمدبن عبدالکریم الموسوی را محرک سلسله‌الاشواق به‌تسوید این اوراق هیچ چیز نمی شد . . .تا اینکه دوستی قدیم ایمانی وبرادر روحانی که ظاهرش‌ازاین جهان وباطنش از آن نفور و از آن جهان***** محمدصالح خان مکری)

و در شعر چنانکه گفتیم گاهی (اشرف) و زمانی (موسوی) تخلص نموده ، و مـا بـه

---

* و آن غیر از قند و نبات فرزندش مرحوم سید احمد معلم‌است ،

** (الذریعه ۷ : ۱۷۲)

*** لطف این عبارت بر اهل فن پوشیده نیست که نام و تخلص او را با قصد یا برحسب‌اتفاق‌در برداشته ،

**** اشتباهی عجیب از این عالم ادیب در اینجا رخ داده‌که‌نون را در این چهار کلمـه آورده و می بایست لیأکلواویشربواتا آخر باشد ،

***** جهان اول بمعنی عالم وجهان دوم از جمیدن بمعنی جهنده است ،

نسخه‌ای از (سلوه الغریب) * دست‌یافتیم که یادداشتهائی از آنمرحوم درائناء وپشت آن و مقداری از اشعارش بخط او نوشته‌شده ، از آنجمله قصیده‌ای مشتمل بر پنج ماده‌تاریخ برای‌فوت مرحوم بحرالعلوم مذکور درصفحه ۸۷ که در اواخرش گفته

مدفن بغری (غریب) تاریخش دید اشرف گفتا که (علم مهدی غائب)
بی نور چـراغ درس هم تاریخ است (غم العالم) نـویس هم ای کاتب
هاتف گفتا چهار باغش حـــق داد پس لفظ (چهار باغ) هم شد واجب

در بیت دوم مقصود کم کردن (۲۵۶= نور) از (۱۴۶۸= چراغ درس) است که تـاریخ (۱۲۱۲) حاصل شود ،**

و در جواب گلی خوشبوی در حمام روزی ،ابیاتی گفته که دو بیت آخر چنین است :

چون این مصرع شنید از شیخ سعدی بپاسخ موسوی در وی نظر کرد
کسی کا باد سازد نا کســـی را اساس خویش را زیر وزبرکرد

و چنانکه ملاحظه میشود در اشعار اول (اشرف) و در دوم (موسوی) تخلص کرده ،
و فرزند ارجمندش مرحوم سید احمد معلم در بیاض خود شعر زیر را که در وصف بقعه امام زاده عبدالله *** در شوشتر است بوی نسبت داده

حبذا این روضه خلد بـرین مرقد فرزند زین العابـدین
بقعه های عالیـات دیگران روزوشب بودرگهش‌سوده‌جبین
حاجی نجـار از بهرش‌دری ساختا گفتاخرد‌باب‌است‌این
موسوی در شدت تـاریخ‌بود از پس شدت فرج‌باشد یقین
گفت‌هاتف‌بافرح‌این‌آیه‌خوان ادخلـــوها بسلام امنین

نگارنده گوید جمع اعداد فرح واین آیه (۱۲۱۹) است ،

و ابیات: قربان آن غارت گرم کو دل نه تنها میبرد
تاراج جان هم میکند دین هم‌به یغما میبرد

---

* در باره مؤلف این کتاب مرحوم سید علیخان مدنی در(نابغه فقه و حدیث : ۳۱۵) سخن گفته‌ایم ،

** و بدانکه برای وفات مرحوم‌بحرالعلوم ماده تاریخهای عدیده‌بفارسی وعربی گفته شده که برخی راصاحب (تاریخ بروجرد ۲ :۲۲۶-۲۲۸) نقل کرده ، از آنجمله

خرد چو سال وفات توجست باوی گفت سمی مهدی صاحب زمان ز عالم رفت

و فرموده مصراع اخیر با ماده تاریخ وفات منطبق نیست .

و ماگوئیم مصراع اخیر مطابق (۱۱۹۶) و با اضافه‌کردن (۱۶) که در مصراع اول بآن اشاره شده‌کهاز کلمه (وی)بدست آید ، تاریخ درست است .

*** بنابرمشهور ازاعقاب امام‌چهارم زین‌العابدین‌علیه‌السلم بوده ،ودر(نابغه‌فقه وحدیثه: ۱۸) اشاره به‌این بقعه نموده‌ایم ،

که در صفحه ۶۰ خزائن نراقی چاپ شده محتمل است از او باشد .
شعر عربی هم از وی دیده‌ام که از نقل آنها خودداری شد ،
وفات سیدمحمد ۶ بن سیدعبدالکریم ۵ در (حدود ۱۲۳۰= تلف گشت) بوده * ودر جوار مسجد جامع شوشتر مقابل مقبره مرحوم آقاسید نورالدین ۲ مدفون شدبطوریکه‌مرحوم امامزاده در ذیل ترجمه پسرش سید احمد نوشته ،
وازآنجناب چهارپسرمخلف گردید: سیدمحمدشفیع ۷ . سیداحمد۷ . سید محمود ۷ . سید محمدعلی ۷ ، **
سیدمحمدشفیع ۷ بن سیدمحمد۶ تنها فرزند پدر است که در (تحفه العالم) *** و (شجره نوریه) نامبرده شده ، در (بوستان پیغمبر) و (شجره طیبه) نام اوسیدشفیع ، و هیچگونه شرح حال از وی نوشته نشده ،
اینک ما گوئیم:وی عالمی فاضل و در علم رجال کامل بوده و تالیفاتی‌داشته و دربعضی از کتب تراجم مذکور است **** و او جد خاندان (امامی شوشتری) و (جزائری) مقیم اصفهان میباشد .
در (مکارم الاثار ۲ : ۴۰۸) ضمن وقائع سال (۱۲۱۱= خیرات) چنین نوشته (تولدسید محمدشفیع شوشتری وی فرزند مرحوم سیدمحمد . . . . . از علماء اصفهان وفقهاءآن‌سامان بوده و در علم رجال تبحری کافی و تتبعی وافی داشته ، چنانکه هرجا در تالیفاتش نام یکی از رجال و روات برده شده شرحی و تحقیقی در باره او نوشته . . ،و نواده‌اش مرحوم سید عبدالله (رحمه‌الله) شرحی از احوال او برای این فقیر بیان کرد ، بخلاصه‌اینکه وی در این سال در شوشتر متولد شده ، و چون پدرش زوجه دیگری غیر از مادر او داشت اوبه جفای زن پدر گرفتار ، و بدانجهت در بیست سالگی از پدر خود گریخته و به‌اصفهان‌آمد و مدت بیست سال درآنجا با کمال سختی وعسرت در نزد علماء آن شهرکه عمده آنها مرحوم حاجی کرباسی بوده به‌تحصیل علم پرداخت تا خود از علماء وفقهاء بزرگوار و از وی باجازه نائل گردید ، و پس از اینکه بوسائط بعضی از بزرگان ، اهل وعیال‌بهم‌رسانید چندی درخانه اجاره‌ای ، وسپس بواسطه غیرت عیال که‌همسایه‌بی صدا وارد میشد سخت

---

* (شجره‌طیبه) ، و در بوستان پیغمبر بدون حدود ، (۱۲۳۰) نوشته ،
** (بوستان پیغمبر) و (شجره طیبه)
*** صفحه (۱۸۲) درآخر شرح حال پدرش ،

**** (دانشمندان‌وبزرگان‌اصفهان: ۳۷۰)و(الذریعه۷ : ۱۱۱)و(۱۸ : ۳۶)و (مصفی المقال: ۱۹۴) و (معجم المؤلفین ۱۰ : ۷۰) و (۱۳ : ۳۹۲) که‌محل اخیر تکرار است ، و درآنجا نام سید نورالدین ۲ جدش را (علی)نوشته و کتاب اول (نورالدین علی) قید کرده که هر دو اشتباه است ،

متاثر گردید و در اثر این تاثر چند کس از مردمان خیرخواه وجهی تعیین وخانه‌ای برای‌او خریدند که‌تاکنون درمحله‌شهشهان در دست اعقاب او باقی مانده ، و مارا مکرر ورود بان روی داد ، و پس از این سیدمحمدشفیع قدری وسعت بهم رسانید وکتب‌چندی‌برشته‌تالیف کشیدازآنجمله :

اول کتاب (کشف الریاض) درحاشیه بر (ریاض المسائل) آقا سیدعلی‌کربلائی درچندین جلد که تمام نشده و تاآخر نماز رسیده ، وچهار جلد ازآن در نزد آقا سیدعبدالله‌مذکور در جزء کتب باقی مانده ازاو و پدرانش بنظر رسید بدینقرار اول و دوم در طهارت تقریبا (۵۲) هزار بیت ، انجام تالیف آن چاشت سه‌شنبه (۴ـ محرم سنه ۱۲۶۰) و سیم‌و چهارم در نماز ،

دوم رساله‌ای‌در (منجزات مریض) سوم (حواشی ، برکتاب نقدالرجال‌تالیف‌میر مصطفی تفریشی ، چهارم (تحقیقات متفرقه)در نحو وفقه وغیره

و او شعر هم میگفته ازآنجمله این (دوازده‌امام) * در پشت یکی از کتابهایش بخط او بنظر رسید که نسبت نظم آنرا بخود داده بود

صل یا رب علی بدرالدجی	احمد الشافع یوم العرصات
و علی الصهرالذی‌قال‌ا لنبی	حبه یورث محو السیئات
و علی زوجته بنت النبی	کوکب العصمه ام السادات
و علی المسموم‌من‌کیدالعدی	اکبر السبطین مقهور الزنات
و علی‌المقتول من‌محکرالبغاه	جائعا عطشان فی‌شط الفرات
و علی‌المعلول‌من جورالعصاه	الذی تلقیبه ذوالثفنات
و علی الباقر مصباح الهدی	وعلی الصادق کشف‌المعضلات
و علی‌الکاظم محبوس‌الطغاه	والرضا المسموم من‌سم السعاه
و ابی جعفر الثانی التقی	مطلع الجود سراج الظلمات
و علی‌الهادی النقی‌و الزکی	و علی المهدی‌کشف الکربات
نتمنی منه تعجیل الفرج	کی خرجنا من جمیع النکبات
اجب اللهم ثم استجب	محاتمنی انت قاضی الحاجات

سید محمد شفیع کتابخانه‌ای داشته که درخانه‌موصوف او مکرر ما رابدان ورود دست داد ، و آن اگر چه از عدد چندان مهم نبود لیکن بواسطه‌اینکه ارثی اباء واجدادی‌اوبوداهمیتی بسزا داشت ، و در پشت اوائل و اواخر بسیاری ازآنها بخط وی و فرزندش‌سیدمحمدفوائد

* چهارده معصوم انسب است ،

نافعه و از آنجمله تاریخ وفات بعضی از علماء قرن ۱۳ و اوائل ۱۴ بنظر رسیدکه در جـای دیگر ماندیده ، و آنها را در این کتاب در مواقع خود نقل نموده و مینمائیم ، و مقـارن تحریر این اوراق مسموع شد کهاین کتابخانهرا مرحوم حاج سیدعلی نجف آبادی برده ، و بعداز وفات او ماندانیم دردست چهکسی افتاده ، و بهرحال مرحوم سید محمد شفیع در بعد ازظهر روز یکشنبه (۲۱ـ ذح ـ ۱۲۷۴= ظفرمند) مطابق (اسدماه برجی)وفاتکرده ودرقبرستان تخت فولاد اصفهان در تکیه خوانساریها در صحن تکیهجلو ایوان گنبد کـه پیش روی قبر مرحوم حاجی ملا حسینعلی تویسرکانی باشد دفن شد)

ودر (دانشمندانوبزرگان اصفهان) بنقل ازرجال اصفهان گوید (از علماء از کیاء بوده و در جمله علوم بالاخص فقه ورجال مهارت داشته و در اصفهان در محلهدردشت ساکن وبدرس و مباحثهواقامهجماعت وارشاد مردم اشتغال داشته)

نگارنده گوید نسخهای ازدرهبحرالعلوم مورخ (محرم ـ ۱۲۶۰) بخطآنمرحوم در کتابخانه مدرسه آیهاللهبروجردی در نجف اشرف موجود است ، و در بیاض برادرش مرحوم سیداحمد یک تحقیق تاریخی نوشتهکهدلیل اطلاعات وسیع وتتبع اواست ،

و شنیدم از مرحوم آقا سیدآقای امام رحمهاللهکهمرحوم سیدمحمدشفیع ۷ روزی بـه درس مرحوم حجه الاسلام شفتی حاضر گردید وبهمناسبت دربارهیکی ازرواتکه مورد استشهاد حجهالاسلام بود تحقیق واظهارنظر نمود کهموردتحسین واعجاب استادوسائر حضارگردید وهمان موجب تقاضای توطن از او در اصفهان شد ، وچون درآنجا مقیم گردید برادرمشارالیه وی کهتاب مفارقت او را نداشت نامهای مشتمل براستدعاء عودبهشوشتروجمله (کفی بالموت مفرقا) بوی نگاشت ،

آنمرحوم دارای سه پسر بوده : سیدمحمد۸ ، سیدعبدالکریم ۸ ، سیدمحمدجواد ۸ ، *

سیدمحمد۸ در (مکارم الاثار ۲ : ۴۱۰) چنین یادشده (در تذکرهالقبور : ۶۰)فرماید از علماء گوشهنشین فاضل و مدرس ومطلع برفقه ورجال بودهانتهی ، و در کتابخانه مذکوراو چند کتاب از کتب رجال وغیره بخط نسخ او که درغایت جودت بود بنظر رسیدکهدرپشت بسیاری از آنها چنانکه ذکر کردیم تاریخ وفات بعضی ازعلماء نوشتهشده بود ، واو در سنه (۱۲۴۹= بخشایش اله) متولد و در بامداد آدینه (۱۲ـ ذح ـ۱۳۲۲= غفارما)وفاتکرده چنانکه فرزندش آقاسیدعبداللهمیفرمود و در تخت فولاد در تکیهمرحوم آقا میرسیدمحمد شهشهانی ره ، دفن شده ، و در سمت قبله ،قبرمرحوم حاجی میرزا بدیع درب امامی بـه

---

* بوستان پیغمبر ، و شجره طیبه ، و نامهابن عم محترم حاجی سید حسین ۱۱ معروف به سید رضا (سلمه الله) مقیم اصفهان که از احفاد صاحب ترجمه است ، و مطالب مربوط بهافراد معاصر ایـن خاندان و عکسها بوسیله ایشان تهیه شده ،

اندکی فاصله بطوریکه سر او برابر کمر حاجی میرزا بدیع و پاهای او برابر آقامیرسیدمحمد صاحب تکیه است ، و اینکه در تذکره القبور سنه (۱۳۲۳) نوشته اشتباه و تقریبی است ، چنانکه بر روی قبر او نیز همین اشتباه واقع شده وشاید ماءخذ تذکره نیزهمین‌عبارت‌روی قبر باشد"

نگارنده گوید در (دانشمندان و بزرگان اصفهان : ۳۷۱) تاریخ وفات او را مطابق‌مکارم نوشته وگویا از آنجا گرفته ولی در شجره طیبه هم اشتباه‌کرده وچنین گفته :سیدمحمد بن سیدشفیع مجتهدی‌منزوی بوده ودر مدرسه نوریه اصفهان تدریس می نموده تادر (۱۳۲۳) وفات نمود انتهی واز او چهارپسر مخلف گردید حاج سید عبدالله ۹ ،سیدمحمدشفیع ۹ ، سید عبدالوهاب ۹ ، سید عبدالرحیم ۹ ،

در بوستان پیغمبر این چهار نفر را بدون ترتیب صحیح چنین آورده ، سید عبدالرحیم ، سید عبدالوهاب ، سید شفیع ، سید عبدالله .

حاج سید عبدالله۹ بن سیدمحمد ۸ از علمای بزرگوار متأسی به کردار اباء أبرار و سیدی اواب اوآه بوده ، و آنمرحوم درخانه‌کوچکی در محله‌شهشهان اقامت ودرمسجد کوچکی‌نیز نزدیکی خانه‌اش درحوالی مسجد آقا نور امامت داشت و بموجب (عزمن قنع‌وذل‌من‌طمع) امور زندگی خود رابقناعت میگذرانید ، تا دربامداد آدینه (۴ــ ع ۲ــ۱۳۵۷= باغ‌دلکش) وفات‌کرده‌ونزدپدرخود دفن‌شد * وازاودوپسر مخلف گردید میرزا علی اکبر ۱۰. سید محمد معروف به حاجی میرزا آقا ۱۰

میرزاعلی‌اکبر۱۰ متولد (۱۳۱۹= نورس باغ) و متوفی در (۱۱ــ ع۲ــ۱۳۷۸= غفور انام)و مدفون در تخت فولاد ، بلاعقب بود ، در بوستان پیغمبر او را سید شفیع‌نامیده‌که‌اشتباه است .

سید محمد ۱۰ معروف به حاج میرزا آقا متولد (۱۳۲۷) ، در خانه پدران خود در محله شهشهان اقامت دارد ، اولاد ذکوری ندارد ، و مقدمات را از پدرخودآموخته است**

و سید محمد شفیع ۹ بن سیدمحمد ۸ در (۱۳۳۵= تیره‌گشت) درگذشت‌ودرتکیه‌شهشهانی مدفون گردید . دو پسر داشت : سیدحسین ۱۰. حاج سیدحسن ۱۰ ،

سیدحسین ۱۰ بلاعقب بوده و تاریخ تولد و وفاتش معلوم نیست .

حاج سیدحسن ۱۰ متولد (۱۳۱۶ = غاشیه) ، سیدی مقدس اهل منبر بود ، درجمعه (۲۰ ــ ذح ــ ۱۳۹۷= پذیرفته) درگذشت‌ونزدیک فبر پدرمدفون شد ، هشت‌پسرداشت : سید

---

* (مکارم آلاثار ۲: ۴۱۰) و (نقباء البشر ۳: ۲۱۶) واز این دو مصدر به (گنجینه دانشمندان۵: ۴۰۸) نقل شده ،

** (مکارم آلاثار ۲: ۴۱۱)

حسین معروف به‌سیدرضا ، سیدشفیع ۱۱ ، سیدمحمد ۱۱ ، سیداحمد ۱۱ سیدمهدی ۱۱ ، سید محمود ۱۱، سیدعبدالعلی ۱۱، سیدمحمدعلی ۱۱ ،

سید حسین ۱۱ معروف به سید رضا متولد (۱۳۴۸) واعظی با اخلاق ودبیری‌فاضل‌ودارای سه‌پسر است سیدمحسن ۱۲ متولد (۱۳۸۱) ، سیدمجتبی ۱۲ متولد (۱۳۸۴) ، سیدمحمد ۱۲ متولد (۱۳۸۸) ،

سید شفیع ۱۱ متولد (۱۳۵۵= عظیم القدر) کارمند شرکت نفت بود ، و در (یادداشت هفتگی) نشریه شرکت نفت مورخ (۲۵ــ ۴ــ ۱۳۵۴ شمسی) نام و عکس او موجوداست . در اواخر (ج ۲ ــ ۱۳۹۵= شهر جمادی الاخر) در اثر تصادف اتومبیل‌درگذشت ،جنازه‌اش رابقم برده در وادی السلام دفن نمودند ، یک پسر از وی یادگار مانده ،سیدرضا ۱۲ متولد (۱۳۸۷) ،

سیدمحمد ۱۱ متولد (۱۳۵۹) کارمند سازمان آب وبرق در اندیمشک است ، و تاکنون یک پسر دارد ، بنام سید علیرضا ۱۲.

سیداحمد ۱۱ متولد (۱۳۶۳) درآرتش است و تاکنون پسری ندارد .

سیدمهدی ۱۱ متولد (۱۳۶۳) کارمند اداره‌پست و تلگراف‌اصفهان است دوقلوهستند

سیدمحمود ۱۱ متولد (۱۳۶۵) کارمند یکی از ادارات دزفول است وتاکنون متاءهل نشده،

سیدعبدعلی ۱۱ متولد (۱۳۶۵) ، درکارخانه‌بافندگی‌اصفهان کار میکند دوغلواند .

سید محمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۶۸) ، پس از گرفتن دیپلم به‌تحصیل علوم دینیه‌پرداخته است ،

و سیدعبدالوهاب ۹ بن سیدمحمد ۸ مفقودالاثر شده‌وعقبی نداشته .*

و سیدعبدالرحیم ۹ بن سیدمحمد ۸ متولد (۱۲۹۸= عیدغدیر) ومتوفی‌درحدود (۱۳۸۸= فروغ ایمان) و مدفون در تکیه ابوحمزه قم . وی اصفهان را ترک و بتهران مهاجرت کرد. بوسیله منبر مردم را ارشاد می نمود ، و دارای سه پسر شد:سیدمحمد ۱۰ . سیدمرتضی ۱۰ سیدباقر ۱۰ که‌بواسطه‌جد مادری خود نام فامیلی (امامی شوشتری) دارند .

سیدمحمد ۱۰ متولد (۱۳۳۴= مددغفور) کاسب بود ، در (شنبه ۱۶ــ ذق‌ــ۱۳۸۷= اللهم اغفر) درگذشت و در تکیه ابوحسین قم مدفون گردید ، و سه پسر از وی مخلف شد :سید محمدعلی ۱۱ ، سید کمال الدین ۱۱ ، سیدجلال الدین ۱۱

سیدمحمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۶۲) مهندس مکانیک و تاءسیسات ساختمانی‌است‌تاکنون‌یک پسر دارد سیدمحمدرضا ۱۲.

سیدکمال الدین ۱۱ متولد (۱۳۶۸) تاکنون پسری ندارد ، و بشغل آزاد وبازرگانی‌اشتغال دارد ،

* شجره طیبه

سیدجلال الدین ۱۱ متولد (۱۳۷۶) اکنون در آمریکا دررشته‌مهندسی ساختمان‌مشغول تحصیل است ،

سیدمرتضی ۱۰ بن سیدعبدالرحیم ۹ متولد (۱۳۴۵) ، در یک شرکت‌خصوصی کار میکند و فعلا" یک پسر دارد بنام همایون ۱۱ متولد (۱۳۸۷) ،

سیدباقر ۱۰ بن سید عبدالرحیم مقیم آلمان و به تجارت فرش اشتغال دارد ، تولدش در (۱۳۴۸) بوده‌واکنون یک‌پسردارد‌بنام نادر ۱۱ که در (۱۳۹۲) در فرانکفورت متولدشده ،

سیدعبدالکریم ۸ پسر دوم سیدمحمد شفیع ۷ یک پسر داشته سید جعفر ۹نام‌متولد (۱۲۸۶ غفور) و متوفی (۱۳۵۶= خشونت) و مدفون در دهق (بیست فرسخی اصفهان) که‌ازوی یک پسر یادگار مانده : سیدابوالفضل ۱۰ متولد (رجب ۱۳۴۲) که از فضلاء اصفهان است و بوعظ و تدریس واقامه جماعت در مسجد پاگلدسته باب الدشت اشتغال دارد ودارای‌سه پسراست : سیدجعفرمعروف به‌سیدمحمد ۱۱متولد (۱۳۷۳) ،سیدمهدی ۱۱متولد (۱۳۸۳) ، سیدحبیب ۱۱ متولد (۱۳۸۳) ، که دوقلو هستند ،

وازسیدمحمدجواد ۸بن‌سیدمحمدشفیع ۷ اطلاعی ندارم زیرا مفقودالاثرشده ،ودربوستان پیغمبر سیدجواداست ،

آقای‌حاج‌سیدمیرزاآقا

مرحوم‌آقاسیدحسن‌جزائری

آقای‌سیدحسین‌جزایری

مرحوم‌آقای‌سیدشفیع جزائری

آقای‌سیدمحمدجزائری

آقای‌سیداحمدجزائری

آقای سید مهدی جزایری

آقای سید عبدالعلی جزایری

آقای سید محمدعلی جزائری

مرحوم آقای سید عبدالرحیم

مرحوم آقای سید محمد امامی

آقای سید محمدعلی امامی

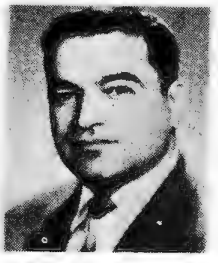

آقای سید مرتضی امامی

آقای سید ابوالفضل جزائری

و اما سیداحمد ۷ پسر دوم سیدمحمد۶ بن سید عبدالکریم ۵ از علما و مدرسان عصر خود بوده ، و در ادبیات عرب تخصص و مهارتی داشته ، و ملقب به (معلم)ومتخلص‌به (مشفق) است ، تولد او در حدود (۱۲۱۳= بختیار) بوده‌اما صاحب (تحفه) او را ننوشته ، در(اعیان الشیعه۹ : ۳۱۶) و(الذریعه) درمجلدات عدیده‌اش و(بوستان پیغمبر) و (شجره طیبه) و(الکرام البرره ۱ : ۱۱۰) و (معجم المؤلفین۲ : ۱۲۰)و(مکارم‌آلاثار ۲ : ۴۰۸) در عنوان ترجمه برادرش سیدمحمدشفیع ۷ وغیره‌مذکور ، و از آنها چنین برآید که‌او در علوم ادبیه از صرف ونحو و معانی بیان وعروض استادی کامل ، ودر معقول

و منقول از منطق و کلام وفقه واصول وحدیث ورجال مجموعه‌ای شامل ، بلکه بحری‌بیکران بوده ، و چون مدتی پسران خانلر میرزای‌احتشام الدوله‌راکه‌در (۱۲۶۶) حاکم خوزستان بود درس میداد به (سیدمعلم) معروف شد و از این باب خانواده‌اش به سادات معلم و معلمی ملقب هستند ، وخود شاگرد سیدمحمدباقر ۵ بن سیدعبدالهادی ۴ * بوده ، و هنگامیکه فوت شده او را بفارسی وعربی مرثیه گفته ، و حاج شیخ جعفرشوشتری ** مسائل مشکله خود را بوسیله نامه از او میپرسید وجواب کافی باو میرسید و مشکلاتش حل میشد ، وکتابها و تألیفاتی داشته‌که‌بعضی بصورت بیاض هستند ، وبعضی از کتب علمیه را بخط خود نوشته ، از آنجمله حاشیه ملاعلیرضا بر حاشیه ملاعبدالله‌مورخ (۱۷ــ ج ۱ــ۱۲۴۰) که در آخر آن فوائدی از لغت را از استاد نامبرده‌اش نقل کرده ، وقصیده‌فرزدق در مدح امام چهارم زین العابدین (علیه‌السلم) و ترجمه فارسی آن از جامی مورخ (۱۲۴۳) و معالم الاصول‌مورخ (۱۱ــ ماه رمضان ــ۱۲۷۴) که برای فرزند خود سید محمد نوشته ، و فرزند مذکور آنکتاب را در (۱۲۷۵ــ۶) خوانده بطوریکه در آخر نسخه نوشته و پدر خود راچنین توصیف کرده (العالم الفاضل المتبحر الکامل جامع الفروع والاصول حاوی‌المعقول والمنقول)وقوانین الاصول بخط او درشوشتر ، و مسکن الشجون مورخ (۱۲۴۲) درکتابخانه مرحوم آیه‌اللهحکیم در نجف اشرف موجود است ،

اجازه کبیره آقا سید عبدالله را هم بخط خود نوشته ***

ودر (۱۲۶۱) تقسیم نامه‌اموال واملاک‌آخوین‌جلیلین حاجی سیداحمد ۶ جد سوم نگارنده‌و حاجی سیدعلی ۶ را گواهی نموده ،وتلامذه‌ای‌داشته ،از آنجمله ملاابوطالب بن‌عبدالجواد شوشتری که در (۱۲۷۷) بدرس او حاضر شده وبعضی فوائد را که از وی شنیده در مجموعه خودیادداشت کرده ،وپدرش عبدالجواد متخلص به‌ناطق ودیگرآخوندملاجعفر شرف‌الدین (۶) که‌مغنی را نزد او خوانده ، و تالیفاتی بشرح زیر داشته :

۱ــ بیاض در ادعیه که نزد مرحوم شرف الدین بوده ،

۲ــ۳ــ دو بیاض در فوائد ادبیه وحل بعضی از عبارات مشکله و کلمات غریبه عربیه و اشعار از خود و دیگران

۴ــ تلخیص مغنی اللبیب نزد نوه‌اش حاج آقا سید (سلمه‌الله) بوده ولی‌مفقودگردیده، ومغنی اللبیب مذکور تالیف ابن هشام یکی از بهترین کتب نحواست ،وچندتن‌آنرامختصر کرده‌اند ، از آنجمله محمدبن محمدمؤمن بن علیقلی بانی شافعی قاع دزدی که آنرا

---

* در (الکرام البرره : ۱۱۰) فرموده شاگرد عمش سید محمد باقر بوده ، ولی‌مقصودعم حقیقی و بلاواسطه نیست زیرا که او پسر عموی جد سید احمد معلم بوده‌است ،

** مذکور در (نابغه فقه وحدیث : ۲۶۳)

*** اجازات المشایخ

ملخص منظوم بنام (الخلاصه المغنیه) نموده و آن منظومه را بنام امان الله خان * شرح کرده و (فوائد اللبیب) نامیده یک نسخه مورخ (۱۲۳۰) بنظر رسید ، این کتاب در ذیل کشف الظنون و جاهای دیگر مذکور نیست در بیان نام آن چنین گفته :

سمیتها الخلاصه المغنیه وللبیب والغبی وفیه

آغاز شرح (الحمدلمن خص معرفه اوضاع المفردات . . ان اشرحفه . . واجعله عرضه " . . الو الی ابن الوالی امان الله خان . . . و لقد سمیته بفوائد اللبیب) وتلخیص مغنی دیگری در (میوه دوم) بیاید ،

۵ــ حاشیه بر شرح الفیه ابن ناظم ، وسیوطی ، و سلوه الغریب ، وشرح صحیفه ، وشرح لمعه ، وشرح کافیه ، وقوانین الاصول ، و مختصر تلخیص ، ومعالم الاصول ، ومغنی اللبیب ، که در حواشی کتب مزبوره نوشته وبعضی رانگارنده دیده‌ام .

علامه تهرانی در باره حاشیه مغنی فرموده (از اتفاقات عجیبه آنکه سید محمد پدر سید احمد معلم وسید عبدالکریم نیایش وسید عبدالله که نیای دیگر او است وسید نعمت الله که نیای بالاتر است هر کدام از آنها حاشیه بر مغنی دارند ، **

۶ــ قندونبات : بشعر نظیر نان و حلوای شیخ بهائی ، والبته واضح است که آن غیر از قند ونبات سابق الذکر پدرش میباشد زیرا که آن به نثر و در موضوع دیگر است ،

آغاز (الحمدلله علی نواله والصلوه علی احمده وآله اما بعد فیقول العبدالاثم المنزوی احمد بن محمدبن عبدالکریم الموسوی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه ، هذه کلمات نفیسه و منظومات انیسه اقتبستهامن الایات و اقتفیتها *** من کلام العرفاء الاخیار وسمیتها القند والنبات **** ارجو من الله ان یضاعف بهاالحسنات ویمحوبها السیئات وعلی الله الاعتصام فی البدء والختام

ایها النائی عن البیت الحرام ایهاالجائی الی بیت اللئام

---

* والی کردستان واز رجال عصر فتحعلیشاه بوده و در (۱۲۱۹) پلی بنا نموده که ناطق اصفهانی قصیده‌ای مشتمل بر ۱۴ بیت در ماده تاریخ آن گفته که هر ۲۸ مصرع ماده تاریخ است بطوریکه در (موادالتواریخ ۵۷۱–۵۷۲) مذکور است و در (مکادم الاثار ۴ : ۱۱۴۲) وفات او را در (۱۲۴۱) نوشته و گفته (فرزندش خسروخان نیز والی کردستان بوده و حسن جهان خانم مشهور به والیه دختر فتحعلیشاه را بزوجیت داشته ، وفرزند او ازاین دختر امان الله خان ثانی از شعرا بوده و تخلص (والی) داشته و بهمین عنوان در (مجمع الفصحاء ۲ : ۵۴۵) ذکر شده)

** (الذریعه ۶ : ۲۱۱)

*** اقتفاء در اینجا بمعنی اختیار است

**** در اصل منقول منه ، با الف و لام بود

روز یاران حرم بر تافتـــــی بالئیمان کنشتی ساختی *
عهد و پیمانت همه بر بادرفت وصل جانانت‌همه از یاد رفت تاآخر)

۷ــ مفتاح‌المغلقات درشرح معلقات‌سبع ، در (بوستان‌پیغمبر) و (شجره طیبه) مذکور است تاریخ تالیف آن (۱۶ــ شعبان ــ۱۲۷۳) بوده ، بنام خانلر میرزا احتشام الدوله تالیـــف نموده ، یک نسخه که بفرمان جلال الدین میرزا فرزند احتشام الدوله نوشته شده‌درمشهد موجود است ،**

۸ــ اشعار فارسی وعربی که در بیاضهای سابق الذکر خود نوشته ، ازآنجمله مرثیه و ماده تاریخ وفات شیخ انصاری (طاب ثراه) را در فارسی (غفار) و در عربی (غافر) نوشته ، و از اواست :

معشوقه بنام من و کام دگرانست چون غره شوال که عید رمضانست
با من نگشاید لب شیرین به‌تبسم در بزم رقیبان چکنم فن بیـــانست
هرگز نکند ساده ما زینت و زیور گفتم زچه رو گفت که آئین زنانست
گفتم لب شیرین تو یاقند بگفتا ان شیره شکر بود این‌شیره‌جانست
گفتم چه بود نقطه‌موهوم‌حکیمان گفتا که همین نقطه‌موهوم دهانست
گفتم به ره‌کوی‌تومن‌خائف‌ولرزان گفتاکه ره کعبه چه امن وچه امانست
گفتم که فنا ساخته‌ای تاب‌وتوانم گفتاکه‌دراین‌ورطه‌چه‌تاب‌وچه‌توانست
گفتا تونه‌فرهادی‌واین‌لاف‌محبت حقا که‌خوش آینده‌ازآن کوه‌کنانست
گفتاتونه‌عاشق‌مکن‌این‌دعوی‌بیجا این زردی روی تو ز قسم یرقانست
گاهی که‌نصیحت کنمش‌ازره‌خوبی گوید که‌فلانی نه‌چنین‌ونه چنانست
من جان‌بنثارش کنم‌اوجور نماید چیزی نتوان گفت‌که تاءثیر زمانست
در کام رقیبانش چون‌نوش‌مصفی نوبت که‌بمن‌میرسدش نیش زنانست
ازخود به‌تبسم من‌بیهوده‌بحسرت کلک‌من بیهوده چه تحریر کنانست
هرنسخه‌بقانون و شفا بود نوشتم دیدم‌که‌همانست‌وهمانست‌وهمانست
(مشفق)چه‌نمایدگله‌مردم‌همه‌دانند چیزیکه‌عیانست‌چه‌حاجت‌به‌بیانست

و بر نسخه‌ای از من وسلوی *** چنین نوشته بود (لراقمه‌احمد در ستایش گرسنگـــی و نکوهش سیری

خوانده‌ام من در اصول و در فروع صوم را حکمت همین جوع است جوع

---

* (کنشت) باضم کاف وکسر نون و با کسرکاف هم گفته شده دیر ، معبد نصاری‌ویهود (فرهنگ عمید: ۸۴۸) ،

** (تاریخ بروجرد ۲: ۳۴۶)تالیف خطیب جلیل فاضل معاصر شیخ غلامرضای مولانا (دام‌علاه)

*** مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۱۹۶)

نیست محبوب خدا بطن ملی | شاهد این مدعی الصوم لی
حرف یا احمد تجوع از خدا است | متصل بالن ترانی نه جدا است
طرفه مدحی آمده اندر خبر | کز مجاعه بسته پیغمبر حجر
هم قرین جوع باشد تشنگی | حاصل هر دو شده وارستگی
یادم آمد تشنگی‌های حسین | ناله های غم فزاهای حسین
با لب تشنه فتاده برجبین | از جفای شمر مقطوع الوتین
حرمت آن ناله‌های العطش | انتقام معصیت از ما مکش
خاطر آن سوزهای تشنگی | (مشفق) خاطی بده وارستگی

و نیز از اوست

لن ترانی با کلیم آمد عتاب | شد تجوع را ترانی اش خطاب
جوع را باشد فضیلت بی‌شمار | اینکه گفتم یک بود ازصد هزار
فضل آنرا گرتو خواهی بشنوی | در گوشت را ز بحر مثنوی
گر نویسم فضل جوع و احتما | پر ز گوهر میکنم ارض و سما

وفات مرحوم سیداحمد ۷ معلم در (۱۲۹۰= رخصت) بوده * و در شوشتر نزدیک قبر پدرش که مقابل مقبره مرحوم آقاسید نورالدین ۲است بخاک سپرده‌شد، و در(۱۳۷۳) که شهرداری شوشتر آن قبرستان را خراب کرد قبر آنمرحوم از بین رفت، علامه تهرانی تاریخ وفات او را ندانسته ولی حیات او را تا(۱۲۷۹)ازبیاض سابق الذکرش استفاده کرده، با اینکه از آن بیاض حیات او تا (۱۲۸۱) که سال وفات شیخ انصاری است مستفاد میگردد زیرا که او را مرثیه گفته ،

ازآنمرحوم چهار پسر مخلف گردید : سیدمحمد۸، سیدحسن۸، سیدمحمدعلی۸، سید حسین۸* ،

سیدمحمد۸ معلم عالمی فاضل وادیبی کامل است، تولدش در شوشتر بوده ودر(۱۲۹۱) با اهل بیت خود باتفاق مرحوم حاج ملافتح الله وفائی شاعر شوشتری** بوسیله‌کشتی به‌نجف اشرف مهاجرت کرده، به‌تحصیل علم وتکمیل نفس پرداخت تا بدرجه کمال‌رسید و مدرس سطوح گردید، و در فقه واصول هم متبحر بوده اما دنیا با او سازش نداشته ، نمونه‌اش آنکه بقصد ملاقات مرحوم حاج سیدحسین حکیم از نجف اشرف عازم شوشتر گردید، روزیکه وارد شوشتر شد حاج سید حسین از دنیا رفت، پس جنازه او را همراه وی به نجف اشرف فرستادند ، و او مانند پدر در ادبیات مهارت و شاگردانی داشته ، ازآن جمله مرحوم علامه آقاسید بزرگ آل طیب ،

---

* (بوستان پیغمبر) و (شجره طیبه)،

** مذکور در (نابغه فقه وحدیث: ۷۱)

و شنیدم از عالم بزرگوار حاج شیخ محمدتقی شیخ * (سلمه‌الله‌تعالی) که والدشان مرحوم حاج شیخ محمدکاظم عبارات مشکله‌ابن ناظم ومغنی و اشکالات دیگر ادبی خود را بوسیله آن بزرگوار حل مینمود ، و خود سید محمد۸معلم‌هم مسائل مشکله‌ای داشته‌که‌ازمیرزا محمدهمدانی ملقب بامام الحرمین ** پرسیده ، واو در رساله‌ای پاسخ گفته که ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه مرحوم آیه‌الله حکیم (طاب ثراه) در نجف اشرف موجود است ، و آن رساله را در کاظمین بتاریخ (رجب ــ۱۲۹۶) نوشته ،

در آغاز آن گفته (ان الفاضل السری السیدمحمدبن السیداحمدالمعلم التسترى ،کتب‌الینا مسائل مفیده من علوم عدیده ، اشکلت علیه وعلی اشکاله ، والتمسنا الجواب عن سئواله واشکاله ، المساله‌الاولی هل قول القائل (الحمدلله) یعنی بالحمدلله تعالی‌ویکون‌القائل عاملا ، المساله‌الثانیه ماالفائده‌فی‌تکرارالجزافی‌قوله‌تعالی فی‌سوره‌یوسف (ولما دخلواعلی یوسف آوی الیه اخاه) الی ان قال (فماجزاؤه‌ان کنتم کاذبین قالواجزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه) و ماالفائده فی تکرار (رایت) فی اول هذه السوره (انی رایت احد عشر کوکبا والشمس والقمر رایتهم لی ساجدین تا آخر)

و کتابهای بسیاری بخط‌او دیده‌ام ، که قبل از رفتن به نجف اشرف برای مرحوم آیه الله حاجی سیدعبدالصمد جزائری (طاب ثراه) پسر خاله خود و جد نگارنده نوشته ودرآخر آنها نام او را باعظمت یادکرده ، از آنجمله‌است تلخیص البیان*** شریف رضی ، و رسائل اصولیه وحید بهبهانی مورخ (۱۲۷۹) و شرح الفیه شیخ حسین پدر شیخ بهائی ، و اللؤلؤالمسجو ر شیخ اسدالله دزفولی صاحب مقابس الانوار ، که در مسجد حسین شوشتر (۱۲۷۸) نوشته ، والمقاصد العلیه شهید ثانی .

آخر شرح الفیه مزبور چنین است (فرغ من کتابته محمدبن احمد الموسوی فی یوم‌السبت الحادی والعشرین من شهر محرم (۱۲۸۷) لمخدوم الامجدالاوحدالاسعدالعلام الفهام فریدالدهر والایام الحاج سیدعبدالصمد دام عمره وعزه و توفیقه دوام الابد بمحمدو آل محمد)

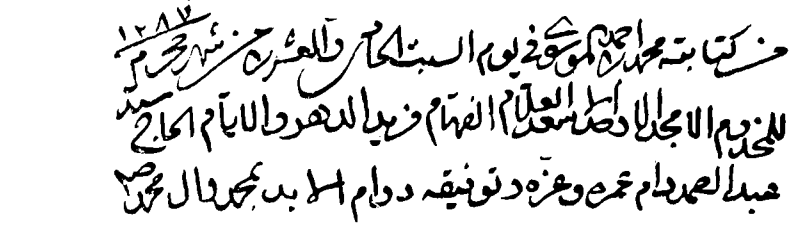

* مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۲۶۵)

** مذکور در (نابغه فقه وحدیث: ۳۲۹) ،

*** این کتاب پس‌از عصر مؤلف مفقود و مانند سیمرغ و عنقاء شده بود تا اینکه در حدود (۱۳۷۰) یک نسخه ناقص آن بدست‌آمد ودرتهران ومصر بطبع رسید ، و نسخه کامل‌خط سیدمحمدمعلم ، در(۱۳۷۵) بوسیله اینجانب در بغدادطبع گردید ، به تفصیلی که در مقدمه آن موجود است ،

ودرنجف اشرف بدرس عالم فقیه شیخ نوح قریشی * حاضر شده و کتاب زکوه شرح شرائع او را که در (۸ ــ ذ ح ــ ۱۲۹۳) تالیف کرده ، در (۱۸ ــ ع ۲ ــ ۱۲۹۴) از نسخ آن فارغ گردیده و از او چنین تعبیری کرده (شیخنا الشیخ نوح لازال جسمه‌الشریف قرینا للروح) ،

و شرح صحیفه جداعلی مورخ (۱۳۰۹) آخرین اثر او میباشد ،

وفات مرحوم سید محمد ۸ معلم دوشنبه (۸ــ محرم ــ ۱۳۱۰= تفضل) در نجف اشرف بوده ،

اشعاری در مرثیه اش گفته شده که دو بیت از آنها بدست آمده

چه بست چشم زدنیا همان خجسته خصال بگشت قامت افلاکیان دوتا فی‌الحال

ز هفته سوم و از ماه بـــــد هشتم به سال غیش و مـــاه اول سال

و بطور مسموع شباب شوشتری (۴) هم او را مرثیه گفته ، ولی نگارنده دردیوان وی چاپ اصفهان نیافتم ،

چهار پسر از او مخلف گردید : سیدعبدالله۹ ، سیدعلی اکبر۹ ، سیدمحمدرضا۹ ، سید علی اصغر۹ ،

سیدعبدالله۹ بن‌سیدمحمد۸ عالمی جلیل‌وسیدی نبیل ،تولدش‌درشوشتر (۱۲۸۰=فرخنده فرزند) بوده ، مقدمات را در آن شهر از پدرش فرا گرفت ودر (۱۲۹۱) که به نجف‌اشرف مهاجرت کردند ، سطوح فقه واصول را نزد مدرسان آنعصر دیده،آنگاه بدرس خارج ایات عظام،مرحوم سید محمد کاظم یزدی** و مرحوم شیخ فتح الله معروف‌به‌شیخ الشریعه اصفهانی*** حاضر گردید تا بدرجه کمال رسید ، و در (۱۳۳۴) به‌شوشتر مراجعت نموده ، زمستان در مسجد (صاحب میر) وتابستان در مسجد حاجی علی حاجی علی‌اکبر در محله (سیدقاسم) امامت می نمود و مرجع امور شرعیه آن محله بود (تا غره ــ ج۱ــ ۱۳۴۳= شهزاده بدارالبقا رفت) که وفات نمود ، و در (۲۶ــ محرم ــ۱۳۴۴) جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در وادی السلام دفن نمودند ،

در (بوستان پیغمبر) و (شجره‌طیبه) تاریخ ولادتش را (۱۲۸۲) نوشته اند ، و مصدر

---

* از اعاظم و معمرین علمای عرب بوده ودر(۱۳۰۰) درگذشته ، در (ماضی النجف وحاضرها ۳ : ۸۲) ترجمه‌شده‌است ،

** صاحب (العروة الوثقی) از اجلاء فقهاء ومراجع تقلید بوده وفاتش‌در(۱۳۳۷)درنجف اشرف اتفاق افتاد ،

*** اصلا " شیرازی وجامع علوم بوده ، جلالت و مقام او بیش از شهرت وی بوده ، پس از وفات مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی مرجعیت عامه در وی مستقر گردید اما دیری نپائید و در سال (۱۳۳۹) درگذشت ، بعضی از مترجمان مانند صاحب (اعیان الشیعه) او را ملقب به(شریعتمدار) کرده اند که اشتباه است ،

دوم وفاتش را (۱۳۴۴) نوشته‌که هر دو اشتباه‌است ، و آنچه را مانوشتیم از قول فرزندش حاج آقا سید (سلمه‌الله‌تعالی) بوده که‌اعرف بحال اواست ،

در (نقباء البشر ۴ : ۱۲۱۵) وفاتش را بعد از (۱۳۱۰) نوشته که با تاریخ دقیق آن سی و سه سال فاصله دارد ، در (گنجینه دانشمندان ۵ : ۴۰۸) هم اشاره‌ای باو شده ،

دو پسر از وی بجای ماند : حاج سید آقا ۱۰ . حاج آقاسید ۱۰ ،

حاج سید آقا ۱۰ بن‌سید عبدالله۹ نامش سیداحمد است ، در (۱۳۲۹) یادداشتی دربیاض جدش آورده ، وامضاء کرده (احمدبن عبدالله) ، و او هم سیدی جلیل با اخلاق متواضع بود ، ولادتش در (۱۳۰۷=آغوش) در نجف اشرف ، پس از تحصیل مقدمات با والدین خود به شوشتر رفته وبعداز وفات والدش در مسجد او اقامه جماعت داشته ، تا (۱۳۵۷) که به نجف اشرف مراجعت و مجاورت اختیار نمود ، و بدرس خارج مرحوم آیه الله میرزا ابوالحسن مشکینی* و آیه الله مرحوم سید محسن حکیم** حاضر میشد تا در شب

بسم الله الرحمن الرحیم وله الحمد

جناب عمدة الفضلاء السید محمد الموسوی الجزائری المحترم دام تأییده

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته والدعاء لکم بالسداد والتأیید

وبعد فقد تسلمنا رسالتکم وفهمنا ما ذکرتم فیها ودعونا الله سبحانه لکم بالفلاح

والنجاح . ارسلنا لکم بالبرید مجموعة من الرسائل العربیة والفارسیة والمناسک

الموجودة لدینا فعلاً نسأله تعالی لکم حسن التأیید والتسدید والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محسن الطباطبائی الحکیم

۱۳۸۰
۱۲ ذ ق

---

* متولد (۱۳۰۵) ومتوفی (۱۳۵۸) از بزرگان مدرسان نجف اشرف و مقدم بربسیاری‌ازمعاصران خود بوده‌اما مجهول القدر مانده (حاشیه کفایه) وی چاپ شده‌وتوضیحی وسودمند است ترجمه اش در (نقباء البشر: ۳۸) آمده ،

** متولد (۱۳۰۶) ومتوفی (۲۷-ع ۱-۱۳۹۰) مرجع تقلیدومصداق آیه شریفه (ومن یسلم وجهه الی الله و هومحسن فقد استمسک بالعروه الوثقی) وصاحب مستمسک العروه است که مکررچاپ‌شده ،کتابی جداگانه در شرح حال آنمرحوم بنام (الامام الحکیم) بطبع رسیده ،

چهارشنبه (۱۴ــ ذق ــ ۱۳۶۳= باغ نشاط) مرحوم و در وادی السلام جنب قبر پــدرش مدفون گردید ، چهار پسر از خود بیادگار گذاشت : سیدمحمد۱۱ . سیدعلی ۱۱ . سیــد نجفی ۱۱ . سید علی اکبر ۱۱ .

سیدمحمد۱۱ متولد (۱۴ ــ ج ۱ــ ۱۳۴۲) چهار پسر دارد : سیداحمد ۱۲متولد(۱۳۶۸)، سیدمحمدرضا ۱۲متولد (۱۳۷۴) ،سیدهاشم ۱۲متولد (۱۳۷۶) ،سیدعلی ۱۲متولد(۱۳۸۷)، و سید احمد ۱۲ــ پسر بزرگ سیدمحمد۱۱ ، اکنون یکپسر دارد بنام سیدکاظم ۱۳ متولد (۷ــ صفر ــ۱۳۹۲) ،

سیدعلی ۱۱ متولد (۱۳۴۹) او هم چهار پسر دارد : سیدحسن ۱۲متولد(۱۳۷۴) ،سید حسین۱۲ متولد (۱۳۷۶) ، سیدعباس۱۲متولد (۱۳۷۸) ،سیداحمد۱۲متولد (۱۳۸۰) ، سید نجفی ۱۱ بن حاج سید آقا متولد (۱۳۵۱) ، موسوم به سید عبدالله و معروف بسید نجفی ، از فضلاء طلاب است درس خارج مرحوم آیه الله میرزا باقر زنجانی* را دیدهو اکنون در شوشتر به اقامه جماعت و تدریس مشغول ، و کتابی بنام (لغات القران)کهمقتبس از (مجمع البیان) طبرسی است ، وکتابی در ادعیه بفارسی بنام (مفتاح الرجاء)دارد ، و دارای چهار پسر است : سیداحمد۱۲ متولد (۹ــ ج۲ــ۱۳۷۹) سیدمحمود۱۲ متولــد (ج۱ــ ۱۳۸۲) .سیدکاظم ۱۲ متولد (رجب ــ۱۳۸۵) .سیدهاشم ۱۲متولد (۴ــ ذق ــ۱۳۸۸)

سید علیاکبر ۱۱ پسر اصغر حاج سید آقا ۱۰ متولد۱۳۵۵ چهار پسر دارد : سیدحسن۱۲ متولد (۱۳۸۰) ،سیدمحمود۱۲متولد (۱۳۸۲) ،سیدهاشم ۱۲متولد (۱۳۸۶) ،سیدهادی۱۲ متولد (۱۳۸۹)

حاج آقاسید ۱۰ بن سید عبدالله۹ ، نام اصلی اوسیدمحمد ، عالمی متقی و منزوی است ، تولدش (رجب ــ۱۳۱۳) بوده ، مقدمات را در نجفاشرف خوانده ، سطوح را قدری در نجف وقدری در شوشتر فرا گرفته و در شوشتر امام مسجد سید قطبالدینبودهتا (۱۳۵۳) که بهنجف مشرف ومجاورت را اختیار ، درس خارج را از محضرایتاللهشیخ ضیاء الدین عراقی وسید ابوالحسن اصفهانی وسیدمحمود شاهرودی وسیدمحسن حکیم (قدس اللــه اسرارهم) استفاده کرده، تا ۱۳۹۲ که بهایران معاودت و در اهواز سکونت و باقامهجماعت مشغولشده ، وچهارپسر دارد: سیدعلی ۱۱ ،سیدنجفی ۱۱ ،سیدبزرگ ۱۱ ، سیدحسین ۱۱ ،

سیدعلی ۱۱ معروف به سید علوی متولد (۱۱ــ ذح ــ۱۳۴۹) ،فاضلی جلیلدرمطالبادبی کنجکاواست ،تحصیلات خودرادرنجف اشرف گذرانیده ، بیشتر سطوح را از درس استادین

---

* متولد (۱۳۱۲) ومتوفی (۱۳۹۴) ازمدرسان بزرگوار نجف اشرفاست که به قدس وپرهیزگاری ممتاز بوده ، ترجمه اش (در نقباء البشر: ۳۲۶)و (گنجینه دانشمندان ۴ :۲۳۴) و جاهای دیگر موجود است .

جلیلین شیخ مجتبی لنکرانی* وسیدمحمدجعفر مروج وخارج را از محضر آیه اللهاستاد حاج سید ابوالقاسم خوئی (مدظله) فرا گرفتهآنگاه در (کلیه الفقه) وارد وآن دوره را گذرانیده ، و در خلال این مدت یادداشتهای متفرقه نموده که غالبا پاکنویس نشدهاند ،و از آنجمله رسالهای در اخلاق ودیگری در باره‌جمله شرطیه وتقریرات دروس‌بعضی‌ازاساتید خود ، شرح حال خود را برای درج در این کتاب نوشته که‌ملخص آن‌نقل‌گردید ،واکنون‌در اهواز به تدریس وافاده واستفاده از استاد دومی مرقوم اشتغال دارد و تاکنـون فرزنـدی ندارد ،

سیدنجفی ۱۱ بن حاج آقا سید ، نام او باقر اما بآن مشهور نیست ، تولدش (۱۵ـ ع ۱ـ ۱۳۵۶) و در رشته کسب داخل و دارای چهار پسر است : سیدجعفر ۱۲ متولد (۹ـ ذح ـ ۱۳۸۰) ، سیدعلی ۱۲ متولد (۱۷ـ ذق ـ۱۳۸۵) ، سیدحسن ۱۲ متولد (۱۴ ـ محرم ـ ۱۳۹۰) ، سیدحسین ۱۲ متولد (۷ـ صفر ـ۱۳۹۶) ،

سید بزرگ ۱۱ نامش عبدالله ولی بآن شناخته نمیشود ، در شب (۱۷ـ شوال ـ ۱۳۵۸) متولد ، و او هم تاکنون چهار پسر دارد: سبد احمد ۱۲ متولد (۴ـ شعبان ـ۱۳۸۲) ، سید محمود ۱۲ متولد (۲۶ـ محرم ـ۱۳۸۵) ، سید محمد۱۲ متولد (۱۹ـ ذح ـ۱۳۹۰) ، سیدعلی ۱۲ متولد (۱۰ـ شوال ـ۱۳۹۱) ،

سبد حسین ۱۱ متولد (۱۹ـ ذح ـ۱۳۹۰) ، تاکنون دوپسردارد : سیدعلی۱۲متولد (۱۸ـ رجب ـ۱۳۸۵) ، سید مرتضی ۱۲ متولد شب (۱۵ـ ذح ـ۱۳۹۴) ،

و سیدعلی اکبر ۹ بن سید محمد ۸ معلم متولد (۱۲۸۷= بلند اختر) در شوشتر ، بـــا والدین به نجف اشرف مجاورشده مشغول کسب گردید و در اواخر دست‌کشید ،وفاتش‌عصر پنجشنبه (۴ـ محرم ـ۱۳۵۴= حکم غفور) بوده بطوریکه فرزندش آقا سیداحمد ۱۰ (سلمه الله) نقل نمود ، در بوستان پیغمبر (۵ـ محرم) نوشته‌کهاشتباه‌است ، ودر وادی‌السلام نزدیک‌مقبره‌امین‌التجار سر راه‌کربلا که سابقا میرفتند دفن گردید ، چهار پسر از او بـاز ماند : سیدحسین ۱۰ ، سیدمحمد۱۰ ، سیداحمد۱۰ ، سید محمدحسن ۱۰ ،

سید حسین ۱۰ متولد (۱۳ـ صفر ـ۱۳۱۱= ذریات) اخیرا مقیم بغداد بود و در (ع ۲ ـ ۱۳۹۶= غفورعلی) درگذشت و جنازه‌اش را بنجف اشرف منتقل نمودند ، اولاد ذکورش منحصر به یک پسر است:سید محمد ۱۱ ساکن بغداد و کاسب ودارای دو پسر است : سیـد قاسم ۱۲ متولد (۱۳۷۷) ، سید هاشم ۱۲ متولد (۱۳۸۹) ،

سیدمحمد ۱۰ بن سید علی اکبر ۹ متولد (۹ـ شعبان ـ۱۳۲۰= فضیلت)** مقیم نجف

---

* مذکور در (نابغه فقه و حدیث ج و ۱۹۹)

** بوستان پیغمبر

اشرف دارای اخلاق حمیده بود در سه‌شنبه (۲۱ـ ج۱ـ۱۳۹۷= وفات شیخ) در نجف درگذشت و دو پسر مخلف نمود : سیدمحمدرضا ۱۱ ، سید علوان ۱۱ ،

سیدمحمدرضا ۱۱ متولد (۲۶ـ شوال ـ۱۳۵۴) مقیم بصره و تاجر است وپنج پسر دارد : سید مهدی ۱۲ ، سیدهادی ۱۲ ، سیدحسن ۱۲ ، سیدحسین ۱۲ ، سیدعباس ۱۲ ،

سیدعلوان ۱۱ که‌نام اصلی اوسیدعلی اکبر ودرنجف اشرف در داروخانه‌کارمیکند، تولدش (ذق ـ۱۳۵۸) بوده‌وتاکنون یک پسر دارد:سید عادل ۱۲ متولد (۱۳۸۳) ،

سیداحمد ۱۰ بن سیدعلی اکبر ۹ متولد (شب ۳ـ شعبان ـ۱۳۲۵) کاسبی باایمان‌وازاخیار است ، در (۱۳۹۲) از نجف به‌ایران معاودت ودر اهواز اقامت نموده ، و هفت پسردارد : سید محمدعلی ۱۱ ،سیدمحمدحسن ۱۱ ،متولدشب دوشنبه (۲۷ـع۲ـ۱۳۶۷) ، سید محمد حسین ۱۱ متولد صبح شنبه (۴ـ ذق ـ۱۳۶۹) ، سیدعباس ۱۱ متولد شب سه شنبه (۵ـع۲ ۱۳۷۲) ، سید رضا ۱۱ متولد شب (پنجشنبه۷ـ صفر ـ۱۳۸۹) ،سیدجواد ۱۱متولد شنبه (۶ـ شوال ـ۱۳۹۰) ، سیدمحمود ۱۱ متولد شب سه‌شنبه (۳ـ صفر ـ۱۳۹۴) ،

سید محمدعلی ۱۱ پسر اکبر سید احمد ۱۰ تولدش عصر شنبه (۲۲ـ رجب ـ۱۳۵۲) بوده‌و تاکنون پنج پسر دارد : سیدهاشم ۱۲ متولد (۲۰ـ ج۱ـ۱۳۷۷) ، سیدعدنان ۱۲ متولد (۱۰ـ صفر ـ۱۳۸۰) ، سیدحیدر ۱۲ متولد (۲۰ـ صیام ـ۱۳۸۵) ، سید محمد جواد ۱۲ متولد (۶ـ ذق ـ۱۳۸۷) ، سیدمحسن ۱۲ متولد (۱۵ـ ج۱ـ۱۳۹۰) ، سید محمدحسن ۱۱ تاکنون متاهل نشده سیدمحمدحسین ۱۱ فعلا "سه‌پسر دارد سیدعلی ۱۲ ،سیدمحمد۱۲ ، سیدحیدر۱۲ ،

سیدمحمدحسن ۱۰ پسر اصغر سید علی‌اکبر۹ معلم که از همسر دیگر اوبوجودآمده ،تولدش در (ع۱ـ۱۳۳۸) * ، و در ۱۳۶۹ کسالتی عارض او گردید که تاکنون اثر آن‌باقی‌است، مردی متدین وفعال‌وکاسبی موجه بود ، بعد از آن کسالت دست‌از کسب وکار کشیدواکنون در کربلا وتنها بسر میبرد ، یک پسر از او بعمل آمد :

سیدهاشم ۱۱ نام‌که در حدود ۱۳۶۸ متولد و تازه از دانشگاه تهران رشته داروسازی‌فارغ شده و از هوشی سرشار و استعدادی خاص برخوردار است ،

وسیدمحمدرضا ۹ بن سید محمدمعلم متولد (۱۳۰۰= صغیر) ومتوفی (۲۰ـ ج۲ـ ۱۳۷۹ = عزت‌بخش) و مدفون در نجف اشرف ، سالها به تجارت اشتغال داشت تا اینکه شکستی در شغلش آشکار و ناچار به مسافرت افریقا وزنگبارگردید ، و در اواخر عمر به نجف کـه وطن اوبود برگشت و در همانجا درگذشت ، و در وادی السلام دفن گردید ،درنقره‌غربی

---

* بوستان پیغمبر

حرم مطهر کاظمین (علیهماالسلم) بهمت او درست شده و نام وی بر آن ثبت‌است ، *
سه پسر از او بوجود آمد : سید کاظم ۱۰ ، سیداسماعیل ۱۰ ، سیدابراهیم ۱۰ ،
سیدکاظم ۱۰ درجوانی قبل از تاءهل در (۲۵ــ ع ۱ــ۱۳۶۳= باغ نشاط) درگذشت و در وادی السلام نزدیک قبر عمش سید علی اکبر۹ بخاک سپرده شد .
سید اسماعیل ۱۰ کاسب‌است تولدش در (۱۳۴۷ در نجف) بوده و هفت پسر دارد سید محمد۱۱ ، سیدمحمود۱۱ ، سیدحسن۱۱ ، سیدحسین۱۱ ، سیدرضا۱۱ ، سیدعلی ۱۱ ،سید محسن۱۱ ،
سیدابراهیم ۱۰متولددرنجف (۱۳۴۹)که‌مرافقت‌پدر رادرسفرمزبور داشته با زبان سواحلی وگجراتی وارد و آشنا و دارای پنج پسر است سید محمدعلی ۱۱متولد (۱۳۷۶) ، سید حسن ۱۱ متولد (۱۳۷۷) ، سیدحسین۱۱ متولد (۱۳۷۸) ، سیدرضا۱۱ متولد (۱۳۸۳) ، سیداحمد ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ، وسیدعلی۹ ، اصغر اولاد سید محمدمعلم که‌سید علی‌اصغر نام داشت و به سید علی معروف بود ، تولدش در (۱۳۰۹= فروغ دیده) ** و وفاتش شب پنجشنبه (۷ ــ ع ۱ــ۱۳۷۴ = آب ظلمات) در نجف و در صحن شریف طرف راست کسیکه از در قبله داخل صحن شود نزدیک حجره سوم مدفون گردیده ، در اوائل امردر مقام تحصیل علم بوده** ولی آنرا ترک کرده و در رشته کسب داخل و در اواخر قاری قران شده‌بود ، اولاد ذکورش سه نفراند : سیدباقر۱۰ ، سیدصادق۱۰ ، سید جواد ۱۰ ،
سید باقر ۱۰ معلم متولد (۱۳۳۷) بازرگانی با ایمان‌است‌و شش پسر دارد : سیدمهدی۱۱ متولد (۱۳۶۱) ، سیدیحیی ۱۱ متولد (۱۳۶۶) ، سید عباس ۱۱ متولد (۱۳۷۰) ،سیدرضا ۱۱ متولد (۱۳۷۳) ، سید هادی ۱۱ متولد (۱۳۷۶) ، سید محمدعلی ۱۱متولد (۱۳۸۲)، سیدمهدی ۱۱ فعلا دارای سه پسر است : سید صالح ۱۲ متولد (۱۳۸۲) ، سیدمحمد ۱۲ متولد (۱۳۸۴) ، سیدعلی ۱۲ متولد (۱۳۹۴) ،
سید یحیی ۱۱ تاکنون فرزندی ندارد .
سید عباس ۱۱ در حال حاضر یک پسر از او بوجود آمده بنام سید مسعود ۱۲ متولد (۲۰ ج ۱ــ ۱۳۹۶) ،
سید صادق ۱۰ معلم در تهران‌به کسب آزاد اشتغال و سه پسر دارد : سید جعفر ۱۱ ،سید

---

* (تاریخ کاظمین: ۲۰۵) تالیف مرحوم میرزاعباس فیض چاپ ۱۳۲۷ شمسی . در این کتاب توصیف خوبی از حرم مطهر و ریزه‌کاریهای معماری که درآن بکار رفته شده و فصل یازدهم در وصف درها است که بصورت درب نوشته ، در (فرهنگ عمید : ۴۶۸) آنرا مرادف در دانسته‌وگفته‌جمع آن‌دروب‌است، اما معلوم نیست درست باشد ، و در فرهنگ سروری موسوم به (مجمع الفرس ۲ : ۵۲۴) (در) دیده میشود ، اما درب مذکور نیست و در فرهنگهای معتبر دیگر نیز بنظر نرسید اگر چه‌در استعمال‌شائع است

** تتمةالشجره

علی ۱۱ . سید حسین ۱۱ .

سیدجواد ۱۰ معلم هم در تهران کاسب است واکنون دو پسر دارد : سیدکاظم ۱۱ ، سید محمد ۱۱ .

آقای سیدعلی معلم فرزند حاجی آقاسید

مرحوم آقای سیدمحمدمعلم

آقای سیدعلوان معلم

مرحوم آقای سیدمحمدرضا معلم

آقای سیداسماعیل معلم

آقای سیدباقرمعلم

سیدحسن ۸ پسردوم سیداحمدمعلم ، در (۱۲۹۳=خبریافت) بلاعقب دربمبئی متوفی و مدفون گردید .

سیدمحمدعلی ۸ پسر سومش مثولد (۱۲۷۳= بضاعت) ، در شوشتر تجارت داشت تااینکه در (۴ــ صیام ــ۱۳۶۱= غفارحسیب) درگذشت ودر بقعه سید صالح بخاک سپرده شد و اولادی نداشت .

سید حسین ۸ پسر کوچک سیداحمد۷معلم ، تولدش‌در (۱۲۸۳= ظفرمندی) و وفاتش در (ذ ح ــ۱۳۵۱= تاریک گشت) در شوشتر و در مقام حسین مدفون شد . او هم تاجر بود واولادش منحصر بیک پسر سیدمحمد۹ که در (۲۵ــ ذ ق ــ ۱۳۳۱) متولد و با شغل ساعت سازی روزگار میگذراند ، خطی بسیار زیبا دارد وسالها مشق کرده اما روزگار با او سازگار نیست وبدون زن و فرزند در شوشتر بزندگی ساده خود ادامه میدهد .

و اما سید محمود ۷ پسر سوم سید محمد ۶ بن سید عبدالکریم ۵ ، دارای خطی شیرین بوده ، بیاضی مشتمل بر برخی از سوره های قران مجید و ادعیه بخط او دیده ام که در

آخرش چنین نوشته "تمام شد مقابله این بیاض بیدالعبدالمذنب العاصی محمودبن‌محمد ابن‌عبدالکریم الموسوی‌فی تاریخ (۲۳ـ ج۲ـ۱۲۴۵)
واورا دوپسر بوده سید عبدالکریم ۸ ،سید محمد۸،
سیدعبدالکریم ۸ مردی فاضل بوده ،نسخه‌ای از مغنی اللبیب مورخ (۱۰ـ رجب ـ۱۲۷۳) بخط او دیده‌ام ، بلاعقب درگذشته .
سیدمحمد ۸ معروف به (صدوق) و (قاری) استاد علم تجوید وسیدی جلیل‌القدرزاهد متقی بوده ، وفاتش در شوشتر (۱۸ـ ذق‌ـ۱۳۵۱= متقاضی) * واقـع و در مقام حسین مدفون گردید . دو پسر از وی مخلف شد : سیدعلی محمد۹ ، سید محمد علی۹ ،
سیدعلی محمد ۹ نام فامیلی او (محمودی زاده) است کاسب بود و در وفـات نمود و در قبرستان قدیمی اهواز مدفون‌گردید .
یک پسر از وی بازماند:منوچهر ۱۰ متولد (۱۳۵۴) خیاط است وسه پسر دارد: سید رضا ۱۱ متولد (۱۳۸۲) ، سیدمحمد۱۱ متولد (۱۳۸۶) ، سید عبدالامیر ۱۱ متولد (۱۳۹۱) ،
سید محمد علی ۹ نام فامیلی او(قاری‌پور) ،است متولد (۱۳۴۳) ساکن‌اهوازوکاسب‌است شش پسر دارد : سیدمحمدحسین ۱۰متولد (۱۳۶۶) ، سیدمحمدحسن ۱۰ متولد (۱۳۷۰) ، سیدمجید ۱۰ متولد (۱۳۷۲) ،سیدجلال ۱۰متولد (۱۳۷۴) ،سیدجمال ۱۰متولد (۱۳۸۳) ، سید محمود ۱۰ متولد (۱۳۸۶) ،
سید محمدعلی ۷ پسر کوچک سیدمحمد ۶ بن سیدعبدالکریم را در (شجره‌طیبه)بلاعقب نوشته ، و در (بوستان پیغمبر) او را سید علی نامیده و هیچگونه‌توضیحی درباره‌اش‌نداده است ،

* بوستان پیغمبر

شکوفه چهارم

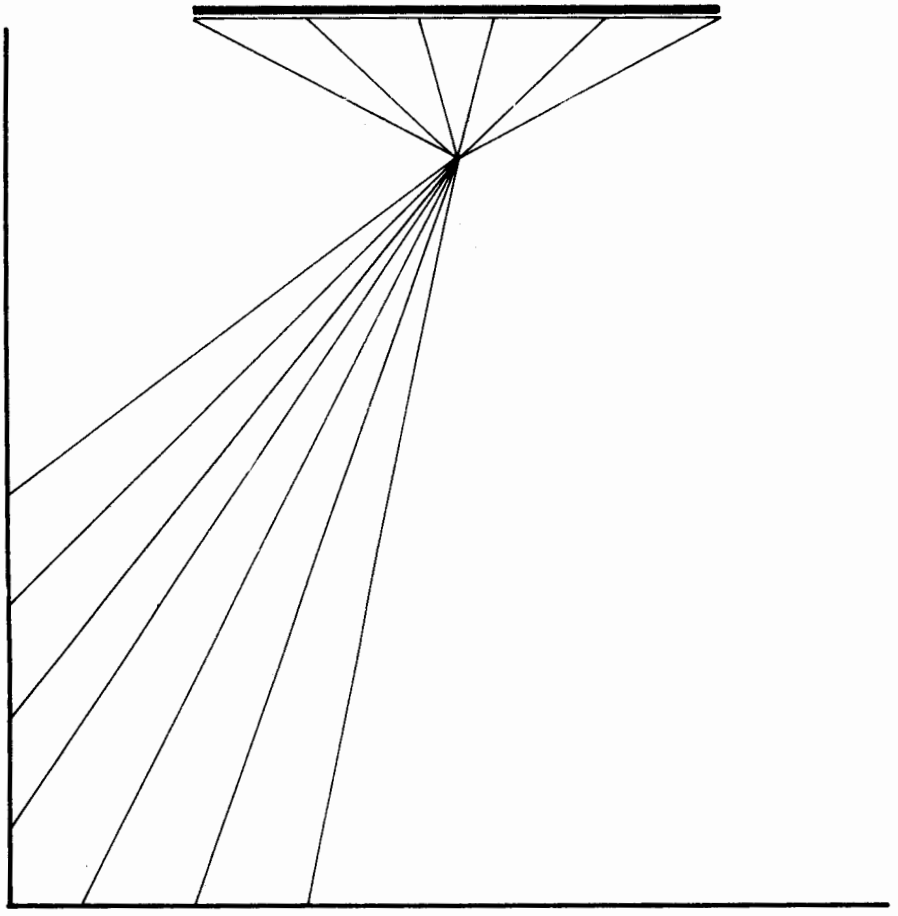

* شکوفه چهارم *

سیدحسین ۶ بن (سیدعبدالکریم ۵ مذکور در شاخه اول) * از اعاظم این سلسله جلیله واعیان اعلام عصر خود بوده ،

در شجره نوریه او را سید محمدحسین نامیده وتوصیف به مجتهد الزمان نموده ، صاحب تحفه العالم شرح حال او را ننوشته با اینکه در وقت تالیف آنکتاب (۱۲۱۶) بیست و هفت ساله وقابل ترجمه بوده .

مرحوم سید آقا ۹ حفید جلیل او رساله (الفوزالعظیم) را که فارسی است در کرامات و مقامات وی نوشته که مسوده** و ناتمام مانده ،

در بوستان پیغمبر ، و تتمه الشجره ، و شجره‌طیبه ، که مؤلف هر سه نوه‌های او هستند ،و همچنین در (الذریعه) و (الکرام‌البرره۱: ۳۹۸) و (معجم المؤلفین ۴ : ۱۸)که‌ترجمه شده ، تاریخ دقیق ولادت و وفات او مذکور نیست ،

تولدش در شوشتر نزدیک صبح (۱۷ــ ذق ــ۱۱۸۹= ای خجسته طالع) بوده ، بطوریکه فرزندش سید عبدالکریم معروف به سید آقاگپ۷درمجموعه‌مجالس نوشته ،

در شجره طیبه در باره‌اش مینویسد (عالم عیلم وتقوای مجسم‌وفقیه‌معظم‌ومقتدای‌مؤمنان و امام جمعه خوزستان بود ،

ادبیات وفقه واصول وحدیث را از والد ماجدش وفضلای اعمام وعلمای اعلام شوشتر اخذ فرمود ، و برای تکمیل تحصیل سفری بعراق عرب نمود ومدتی در درس آقا میرسید علی طباطبائی و سایر علمای آن عصر حاضر میشد تا بمرتبه کمال رسید . و در علم وعمل بر امثال و اقران سبقت گرفت وچون به شوشتر برگشت مرجعیت روحانیت خوزستان درایشان استقرار یافت ، وآنجناب از مشایخ اجازه حاج سید علی معروف است ، و این مطلب در اجازه‌ای که حاج سید علی برای میرزا محمدهمدانی*** نوشته تصریح شده‌است ، ماعبارت وی را تیمنا در اینجا نقل میکنیم

(وانا اروی ذلک عن ثقات اعلام وصلحاء کرام وفضلاء متفنین وفقهاء مقننین‌وعلماء متقین منهم‌العالم‌البارع والفاضل‌الذی لهفی الفضل مجال‌واسع ، من‌تجلبب بالتقی‌واتزربالقدس والورع ، فاخذبرکابه‌افواج ممن بالزهد ادرع ، حضره‌القدس وحظیره‌الانس وحیاه النفس ، امام الجمعه والجماعه‌فی تستر ، ومن انتشرت اشعه شمس الشرع بوجوده وابت ان تستر ،

---

* صفحه ۸۶

** مسوده با فتح سین و تشدید واو اسم مفعول از باب تفعیل در اینجا صحیح است ، در مقابل مبیضه با فتح با و تشدید یا که از همین باب است ، و بسیاری از مردمان حتی خواص این دو کلمه را با سکون دوم و فتح سوم و تشدید چهارم اسم مفعول از باب افعال تلفظ میکنند که اشتباه وغیرمراداست

*** مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۳۲۹)

سید نالاجل السید حسین ، ساق الله الیه‌سحائب رضوانه مدی الجدیدین ، عن ابیه‌القمر الباهر و الکوکب الزاهر و الغمام الماطر ، رحیق الفضل الکوثری وبریق العلم الجوهری السید عبدالکریم الموسوی التستری ، عن العالم البر الذی شاع علمه و بره بحراو برا ، و کشف الاستارعن اسرار العلوم فلم یترک فی الحساب سرا ، السیدالسندالسید عبدالله شارح النخبه ، امطر الله علیه من غفرانه سجاله ، عن ابیه‌الحبر النحریر والبحر العذب الخطیر الصادق القول الامین مروج الشرع المبین السیدالجلیل نورالدین ، عن جماعه من مشایخ الفحول .

ح وعن مشکاه مصباح النور سیدناالاجل السیدحسین المذکور ، عن منبع حیاض الفضائل و منبت ریاض المسائل و منقح الاحکام بالدلائل‌العالم الفائق علی القاصی‌والدانی‌الامیر سیدعلی الطباطبائی عن خاله‌الوحید البهبهانی)

معروف است کهاساتید علامه انصاری بنابر خواهش پدرش شیخ محمدامین‌اجازات اجتهادی برای وی نوشته بودند ، شیخ آنها را پاره‌نمود و فرمود که‌علم محتاج به تصدیق‌وشهادت نیست ، اما چون به شوشتر آمد از آقا سید حسین خواهش نمود محض تیمن و تبرک اجازه روایتی باوبدهد* و ازغرائب‌آنکه چون شیخ جعفر شوشتری ازعتبات‌برگشت‌وتحصیلاتش برسید معلوم شد ، سید در روز جمعه در مسجد جامع بر منبر رفته در حضور چندهزارنفر اعلمیت شیخ را تصدیق کرد ،**

و آنحضرت در قدس و تقوی وورع وحید عصر ، و در قوت ایمان وصفای عقیدت فریددهر بود ، اخلاق حمیده و کردار پسندیده‌اش تمام خوزستانیان را از عرب‌وعجم در ارادتش بی اختیار نموده و بزرگ و کوچک و دور و نزدیک اطاعت و کوچکیش مینمودند ، درتاء دب باداب شرعیه و تخلق باخلاق قدسیه‌الهیه وتاسی بسیره اجداد طاهرین و نشر علم‌ودین وترویج شریعت سیدالمرسلین بطوری برمعاصرین سبقت گرفت ، که موٴمنان‌آن زمان امام سیزدهم ومعصوم پانزدهمش میخواندند ، در نماز جمعه‌اش سه‌تاچهار هزار نفر اجتماع مینمودند ، و در بعضی اوقات جامع شوشتر با آن وسعت وفضا بر نماز گزارندگان‌تنگ‌میشد و با اینکه مردم هر محله را بحضور جماعت در مسجدخودشان امر میفرمود بلکه از حضور غیر از نماز جمعه در جامع اعظم مانع بود مع ذلک اکثر موٴمنین و مقدسین ازراههای‌دور

---

* بنظر نگارنده این قضیه مصداق (رب مشهور لااصل له) است زیرا مستلزم توهین به‌مشایخ اجتهاد است که شیخ (اعلی‌الله‌مقامه) از آن منزه و مبری بوده ، وانگهی مگر نگهداشتن آنها تیمن‌و تبرک نداشته ؟

** با توجه به‌تاریخ تولد و وفات صاحب عنوان (۱۱۸۹–۱۲۵۷) و شیخ جعفر شوشتری (۱۲۳۰ ۱۳۰۳) این مطلب هم مستبعد بنظر میرسد ، و محتمل است با شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء درسالیکه بشوشتر رفته مشتبه شده باشد .

ونزدیک بجامع آمده فرائض پنجگانه خود را در عقب آنحضرت بجا میاوردند و با بودن حضرتش کسی را لائق امامت نمی شمردند.

در ترویج عبادت وشعائر دیانت بنهایت میکوشید مخصوصا" در اعتیاد مردم به نماز و صداقت اصرار بلیغ داشت ، زیاده از چهل مسجد در شهر و اطراف آن تعمیر * یا بنیاد فرمود که‌تفصیل آن در دفترش موجود است ، در نصفه آخر شب به در خانه های مؤمنین میرفت وایشان ا برای تهجد بیدار میکرد ، و تا بحال حکایت رفتنش به‌درخانه حاجی سیدعلی وصدازدن (یاعلی علیک بصلوه اللیل) در افواه معروف است ، و در اسفار نیز این عادت را ترک نمی فرمود ، و در سفری بین کربلا و نجف بمناسبت تهجد، کرامتی به ملا آقای دربندی** نشان داد که ذکرش در افواه دائر است.

نگارنده‌تفصیلش را از مرحوم حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی*** شنیدم که از والدش حاج سید محمدرضا که عالمی جلیل بوده‌است نقل میکرد و او از شخص (ملاآقا) شنیده بود.

در فن وعظ و خطابت از تمام علمای عصر ممتاز و کلام وی را در دلها تاءثیری خاص‌بود، کمتر اتفاق میافتاد که کسی زیر منبر وعظش بنشیند و تغییر مهمی در مسلک و اخلاق خود ندهد، مطالب عالیه را بعبارات مختصر وساده ادامیفرمود، و بابلاغت‌وشیرینی‌مخصوص خاطر نشین مستمعین میکرد ، لذا خواص و عوام‌رغبت کاملی به‌استماع بیانات آنحضرت داشتند ، و از بس به هدایت و ارشاد عباد علاقه‌مند بود بسیاری از اوقات ترک تکلف مینمود و بسیره علی بن ابیطالب (علیه‌السلم) دربازار شهر منبر زده موعظه‌میفرمود ، و اعیان ومحترمین وغیرهم را بدون پاس حشمت مقام بترک‌ذمائم اخلاق تذکر میداد ، و آن عالیجناب بر خلاف عادت بعضی از علمای آن زمان از دخالت درسیاسات به کلی خودداری میفرمود و آنرا از مقوله (دفع فاسد به‌افسد) میشمرد ، در تمام عمر دو دفعه توسط فرموده است ، یکی واقعه شیخ مزعم و شیخ مرید است که از طرف شیخ‌ثامرکعبی‌نزد

---

* بطوریکه از کتب لغت مستفاد میشود و آیات شریفه قران موءید آنست (تعمیر) عمردادن‌را گویند ، و ثلاثی مجرد این ماده در عمران و آبادی استعمال شده ،

** از دانشمندان ذوفنون قرن سیزدهم ، مذکور در (الکرام البرره: ۱۵۲) و صاحب (اسرار الشهاده) مشتمل برغث وسمین ، و خزائن الاحکام (شرح دره بحرالعلوم) بوده که‌گواهی بر تبحروی‌در فقه واجتهاد است ،

*** از عرفای دانشمند صاحب آثار واشعار از آنجمله (تحفةالحجاز) بشعر سفرنامه مکه مورخ (۱۳۰۵) ، و(غنچه بازدر شرح گلشن راز) مورخ (۱۳۰۸) ، و پدر سید صدرالدین صاحب (شکرستان) بوده ، فرزند دیگرش سید رضی الدین که در حیات پدر درگذشت و با دست خود او را کفن ودفن‌نمود ، پدر حاج سید علی کمالی معاصر از دانشمندان و نویسندگان وادباء با قریحه است و آثاری منثور ومنظوم مطبوع دارد ازآنجمله(قانون تفسیر) که تازه چاپ شده و در موضوع خودعالی ونفیس است (سلمه الله)

معتمدالدوله‌بعنوان گروحبس بودند و معتمد آنان را برای کشتن بپای داردربازاربفرستاد، سیدجلیل‌ایشان رابمبلغی خریده وآزاد کرد ، و این واقعه در جلد قاجاریه ناسخ‌التواریخ ضبط است * و چون حضرتش در تقید بکلیات وجزئیات شرع شریف مصر بود ، و گذشته از واجبات و محرمات از ترک مکروهات واتیان به مستحبات ذره‌ای فروگزاری نمیکرد ، از معاشرت لاابالیان ** بدیانت بغایت محترز بود ، ودر غیر از مواقع ضرورت آمیزش و مجالست نمیفرمود ، حتی در سال (۱۲۴۵) *** که فتحعلیشاه از راه فارس به‌خوزستان آمد وتمام امرا و علما و مشایخ و خوانین خوزستان بهمراه حسام السلطنه محمد تقی‌میرزا حاکم این سامان استقبال‌موکب همایونی نمودند ، فقط حضرتش حاضر نشد ، واشرفیهای جدید الضرب فتحعلی شاهی را که برای اکثری ارسال شده بود رد کرد وحاضرملاقات شاه نگردید ،

مذاکرات آنحضرت با نماینده‌ای که از طرف فتحعلیشاه برای درخواست ملاقات آمده بود تا بحال نقل مجالس ارباب علم وهمت است ، این حرکت سید،عموم مطلعین‌حتی‌شخص شاه را بحیرت انداخت ،

یکی از خدمات آن مرحوم مقدس ، بر انداختن‌عادت گدائی و مفت خوری‌ونیزه‌بازی‌است که‌تمام بیکاران خوزستان را از سادات و غیر هم بکسب و کار وادار میکرد و درپیشرفت‌کار ایشان سعی تمام بخرج میداد ، هرکس از محتاجین کهاظهار فقر می نمود فورا "او را بیکی از تجار و کسبه می سپرد که کاری موافق حالش بدو مفرض نموده مزدکافی باو بدهد ،حتی برای کوران وشلان مشاغل مناسبه پیدا میکرد ، راه مفتخوری‌وگداسازی را سد می فرمودو به‌اشخاصی که قدرت کار داشتند صنائع یدی مانند مدادسازی وگلاب کشی وعطر کشی و زنبیل وحصیر وجاروب بافی وکاغذ مهره‌کشی وشنجرف سازی و امثال آن یاد میداد .

اینک تقریبا یک قرن از وفات آن جامع کمالات میگذرد و هنوز ذکر مکارم اخلاق وخدمات نوعی و عبادات و مقامات وکرامات آنحضرت درالسنه وافواه‌خوزستانیان وغیر هم دائر و سائر است)

نگارنده گوید یکی از کارهای آنمرحوم رواج دادن عقیقه در روستاهای شوشتر بوده به‌این نحو که میفرمودهر کس عقیقه کند و از من دعوت کند او را اجابت می نمایم ، و مـــردم دهات بشوق وافتخار رفتن سید بمنازلشان عقیقه میکردند و آن از سنن جاریه شد ، و در بوستان پیغمبر مرقوم داشته (والد نگارنده این سطور میفرمود که جناب سید از مشایـــخ

---

* نگارنده آنرانیافتم

** لایبالیان درست است ،

*** (فتحعلیشاه نامدار آمد) و (بنهم مه رمضان بود) و (بهبود شوشتریها)هرسه‌جمله‌مطابق (۱۲۴۵) است .

اجازه شیخ انصاری بوده ، و مرحوم شیخ دراوائل امرش خدمت مرحوم سیدرسیده‌بودوسید باو فرموده بود که تو درس میخوانی و ملامیشوی ،
و مرحوم سید در ترویج شرع واقامه شعائر اسلام وبرپاداشتن نماز جماعت و ذکر مسائـــل خیلی اهتمام داشت ، برای هر مسجدی از مساجد شوشتر پیشنمازی معین نموده بود ،
مرحوم حاج سید حسین‌شوشتری عالم زنگبار برایم نقل نمود که یک شب‌مرحوم‌پدرم رفته بود مسجد جامع که نماز جماعت با سید بخواند ، بین نماز مغرب وعشا ملتفت‌شدکه‌سید حبیب الله پدرم در صفوف جماعت است ، همانوقت او را طلبیده و نیز چند نفـری از ماء مومین که از همسایه‌های سید حبیب الله بودند طلبید ، و بآنها فرمود که شما نبایـد برای‌نماز جماعت اینجابیائید مسجدی در نزدیکی شما هست ازفرداشب‌آقاسیدحبیب‌الله را ببرید آنجا و با او نماز جماعت بخوانید ، سید خوبی است ، و ازشب بعد پدرم را به آن مسجد برده و عقبش نماز خواندند و سالها امامت مسجد با او بود ،
علامه تهرانی در ترجمه ایشان مرقوم داشته (عالمی جلیل پارسا پرهیزگار و مرجع امور و امام جمعه شوشتر و نزد خواص وعوام موجه ومحترم بود ، و کراماتی باونسبت داده شده و او را آثاری است‌از آنجمله‌رساله عملیه که ملاعبدالرضای شوشتری ازفتواهای‌اوجمع آوری کرده و (واجبات الصلوه) نامیده است
نگارنده گوید از آثار وی (تحفه‌الاخوان) است که‌در کاظمین‌تالیف کرده‌ونسخه‌بی تاریخ ازآن دیده‌ام .
در آغاز آن فرماید (چنین گوید ذره بیقدار وبنده‌نابکار القن الاثیم حسین‌بن‌عبدالکریم (اعلی‌الله‌درجه‌والده‌وحفظه‌من‌شرالشیطان ومکائده) که‌چون‌مدتی است مدیدوعهدی‌است بعید کهاز مسقط راء س دورافتاده‌واز فراق احباء داغ در دل نهاده . . .جمله ای ازاحادیث قدسیه . .که‌مشتمل برموعظه‌های شافی . . .جمع کردم وبزبان فارسی آنها رادرآوردم‌وآنرا تحفه الاخوان نام نهادم
وآنجناب طبع شعری عالی‌داشته‌وابیات ذیل را فرزندش (سید آقاگپ) بوی نسبت داده

بیست و شش نام پیمبر را که قرآن محتوی است
از برای حفظ آنها را باین ترتیب دان
حضرت نوح و شعیب و صالح و ایوب و هود
لوط و ذوالکفل وسلیمان‌یونس‌واسحاق‌خان
یوسف و یحیـی زکر یاو یعقـوب و عـــزیر
الیسع ادریس و اسماعیل وعیسای نهان

(الکرام البرره ۱: ۳۹۸) ،

باز الیاس است و ابـراهیم و هارون نبـی حضرت ایوب* داوداست وموسای شبان
خـاتـم ایشان محمـد فخـر کـل انبیـا از وجودش گشت مخلوق از زمین تاآسمان

و این ابیات نیز از اوست یا از پدرش اما باحتمال قوی از او باید باشد :

نام اجداد نبی را یاد گیـر باش از نقصان ایمـان بر حذر
هست عبداللهوعبدالمطلب هاشم و عبد المناف معتبـر
پس قصی بن کلاب و مرهکعب پس لوی و غالـب و فهرای پسر
پس نزاربن معد پاکـدین بعد عدنان (امسکوا)** آمدحبر

و از اوست ترجیع بند معروف (وقت نماز برخیز) کهاز ابیات آنست :

خوابیده چون حماری شرم از خدا نداری
طاعت نمـی گـزاری وقت نمـاز برخیز
خوابیده ای مِشـوش پهلوی یار مهـوش
دوزخ ببین پرآتـش وقت نمـاز بـرخیز
وقت نمـاز پیشیـن ره میزند شیـاطین
غافـل مبـاش منشین وقـت نمـاز برخیز

این مخمس هم در بیاض نوهاش مرحوم آقا سیدآقاموجود است باین عبارت (در مـدح امیرالمؤمنین علیهالسلاماز منشآت عالم فاضل مرحوم سید عبدالکریم ، که آنرانعم الولد ایشان آقا سیدحسین مخمس نمودهاست :

ای یداللهی که از عین سر زانوی تو شهر دین محکم شده چون قلعه وباروی تو
یاد ایامیکه دردم را بـدی داروی تو تا شدم دور از رخ ماه و قد دلجـوی تـو
روز و شب در پیچ و تاب افتادهام چون موی تو
جان من قربان صحن و گنبدپرنوریت انتظارم تا رسد فرمـان نـو دستـوریـت
دل کبابم رو سیاهم از غم مهجوریت زخـم کاری بر جگـر دارم ز داغ دوریـت
دیده ام خونبـار از یاد خـم ابروی تو
وقتآن شد آنکه نگذارم بهجسم جامهای کاغذی در دست گیرم دست دیگر خامه ای
کاش حالم را نوشتی همچنان علامهای پیک جستم یا کبوتر تا فرستـم نامـه ای
شاید آید بر مشامم شمهای از بوی تو

---

* تکرار شده ،

** (امسکوا) اشاره بحدیثی است که از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در نهی از تجاوز عدنان رسیده ،

گر روم درمکتب ومدرس بپا وسردوان　　تا به بینم مرد پیر کاردانی یا جـــوان
کس به بینم تا کنم‌حال‌خرابم‌را بیان　　تا گرفتم خامه را سیلاب اشکم شد روان
ز آنکه بینم بیش از این مهجور ماه روی تو

فخر باشد خضر را کز فرقتت ریزید اشک　　پرکند آب حیات ازبهر زوار تو مشک
ای‌خوشابودم نجف‌بودی‌خوراکم‌خاروخسک*　　عرش اعظم میبرد بر خاک درگاه‌تو رشک
از فلک آید ملک بهر طواف روی تو

چشم آن دارم که فرمائی تو اندرحال‌شوق　　این سگ خاص است داردگردنش‌زنجیروطوق
تا که جانم از تنم بیرون رود از راه‌ذوق　　ای شهنشاهی که شاهان جهان از روی شوق
با دو صد عجز و نیاز آرند روبر سوی تو

کی بود تا من کنم در روضه‌ات فرضی‌ادا　　تا شود از جاه درگاه تو مقبول خدا
خلق عالم شوق مندت ای امام و مقتـــدا　　آستانت قبله حاجات هر شاه و گدا
آب حیوانی خضر یک قطره ای از جوی تو

حق بساط این‌جهان بهرنبی ایجادساخت　　مصطفی از بهر زهرا حضرتت راجفت‌یافت
حکم تو بر هرکه‌صادرشدبفرمانت شتافت　　شهپر جبریل اگر نامد دم‌تیغت شکافت
تا بفرق گاو و ماهی قوت بازوی تو

از برای مدح تو نازل شده‌والعادیات　　حق ولی کردت برای مؤمنین و مؤمنات
چون نبد بعدازنبی‌اشرف زتوازممکنات　　حق تعالی برگزیدت برجمیع کائنـــات
هر چه موجود است برده فیضی از پهلوی تو

خالق عالم تـرا کرده ثنا ای مستطاب　　فخر کل انبیا مدح تو کرده بی حساب
اندکی از فیض نورت ماهتاب و آفتـاب　　من که باشم تاشوم‌مداحت‌ای‌اعلی‌جناب
حق پسندیده بسی طبع شریف وخوی تو

برق شمشیر تو بر فرق اعادی اره‌ای　　رانده از بهر حسینت گرگ آهو بره‌ای
علم‌جبریل‌ومسیح‌ازعلم‌توچون‌قطره ای　　سوره والشمس از خورشید رویت ذره‌ای
ایه والليل وصف عنبرین گیسوی تو

بود وقت زادنت ای زاده‌ام القری　　مادرت در کعبه پنهان چون هلال لایری
کس نکرده‌حق‌مدحت از ثریا تا ثری　　قل تعالو اهل اتی و لافتی کافی تورا
نیست دیگر حاجت مادح به گفتگوی تو

مظهر ذات خدائی نعت رحمن ورحیم　　حب تو هر کس که دارد نیز محروم از حریم

---

* خسک با فتح اول و دوم خس وخار است (فرهنگ عمید : ۴۳۲)و در بالا جهت ضرورت شعر سین آن ساکن است

والدم حال حیاتش گفته این در نظیـــم
صرف کرده عمر خود در خدمتت عبدالکـریم

تا بوقت نزع بیند صورت نیکوی تو

چون بوقت مردنم باشد کند داعی ندا — روح را از قالبم البته میسازد جدا
التماس مادحت آنست از فضـــــل خدا — آرزو دارد که درارض نجف گردد فدا

تا نبیند هول دوزخ را زجستجوی تو

آه از آن روزی که دست از طاعت حق نارس است
خردلی از خرمن جود تو عاصی را بس است

منحرف از راه دورت کمتر از خار و خـــــس است
در صف محشـر که و انفسا بلنداز هر کس است

دارد امید آنکه گردد داخل اردوی تو

وفات مرحوم آقا سید حسین ۶ امام در کاظمین روز شنبه (۲۰ـ ج ۲ـ۱۲۵۷= یغمابرد) واقع شد بطوریکه فرزندش مرحوم سید آقاگپ ۷ درمجموعه مجالس یادداشت کرده ، و در رواق شریف کاظمین نزدیک قبر شیخ مفید (علیه‌الرحمه) مدفون گردید ، نگارنده بارهـا پس از زیارت حرم کاظمین علیهما السلم اورا زیارت کرده‌است ،
در بوستان پیغمبر وفاتش را بعداز طاعون (۱۲۴۶) و در شجره طیبه (۱۲۵۴) ودر (الکرام البرره۱ : ۳۹۸) بین (۱۲۴۶ و۱۲۶۴) نوشته‌اند ، که اشتباه یا غیر دقیق است ،
قصیده دیل دررثاء وتاریخ آن بزرگوار گفته شده ودربیت اول نام حاج سید محمدامام جمعه فرزند ارشد او دیده میشود ولی سرآینده ناشناس است ،

و ان لکم عمن فقدتم محمدا — و من حق من کل له‌الحمد والشکر
همام لدی‌الهیجا اذا عینها بکت — و قد ضحکت فیها المهنده البتـــر
یصول بغضب یخجل الشمس لمعه — و من سله من غمده یرهب الدهـر
علیم حلیم اریحی مهـــذب — علی العلی فی فخره یفخر الفخر
حوی رتبا اضحی لهن مقصرا — من العالمین الشعر فی‌الدهروالنثر
سواه اذاماجاد جاد بدر هـم — و ادنی عطایا جوده التبـر والدر
فیا صاحب‌العلیایا غایه المنی — و من عطر الاکوان من نشره عطر
تعز ولاتحزن علی فقد سیـد — ملا بسه فی الخلد من سندس‌خضر*
حسین‌قضی لماقضی العلم والتقی — وجب من‌الاسلام فی موته الظهـر
اعادلنار رزء الحسین مصابـــه — کان جمادی فی الشهور هـو العشر
فلا زال تهمی فوق روضه قبـره — سحائب عفو لایجف لهـــــا در

* خضر خبر ملا بس و یا نعت مقطوع برای سندس است که در اشعار نظائر بسیار دارد ،

حباهااله العرش لطفا و رحمـه مدی الدهروالتاریخ (غیب بهاالبدر)

اولاد ذکورآنمرحوم نه نفراند: حاج سیدمحمد۷ امام جمعه . سیداحمد۷ ، سیدمحمدجواد۷ ، سیدعلی اصغر۷ ، سیدعلی ۷ ، سیدموسی ۷ ، سیدعلیمحمد۷ ، سیدجعفر۷ ، سیدآقاگپ ۷ ، که احوال واعقاب آنها ضمن دو غنچه نگارش خواهد یافت .

خاندان امام . امام پور. امام شوشتری . امامی . امامیان . پیامی .
حاج سیدمحمد۷ امام جمعه بزرگترین پسران مرحوم آقاسید حسین۶ مذکوردرشاخه‌چهارم، عالمی نیکو سیرت بوده ، و مرثیه عربی پدر اوکه‌گذشت‌هشت‌بیت اوائل‌آن‌مشتمل‌بر مکارم اخلاق اواست ،
شرح حال‌وی‌در بوستان پیغمبر ، و تتمه‌الشجره ، وشجره‌طیبه ، ونقباء البشر خطی آمده ، و آنچه‌از آنها واطلاعات شخصی خارجی بر آید آنکه وی فاضل عصر وادیب یگانه‌ودانشمند زمانه بوده از علوم متداولـه‌عصر خویش بهره‌ای تمام و بعلوم غریبه و کیمیـا علاقـه‌ای شدید داشته و کتب بسیاری از این موضوعات را در کتابخانه مهم خود فراهم کرده‌بود ، حسن اخلاق و خوشی معاشرتش معروف وبه‌آداب کمال ومرضی افعال موصوف بود ، درطب و ادبیات عربی وریاضیات ذوالید ، و در ادبیات فارسی وانشاء مراسلات رسمی شیـرین و سلیقه‌ای دلنشین داشت ،
در زمان حیاتش نوشتن اسناد مهمه وقبالجات معتبره شوشتر بوی مرجوع بود ، درتمام‌ایام عمر حتی الامکان از مندوبات شرعیه فروگذاری نمیکرد ، غالب عمر را که بنودوچهارسال رسید بعبادت‌واصلاح امورعباد صرف فرمود ، و از چهارده سالگی الی شب آخر عمر هیـچ شبی تهجد را ترک نکرد ، وهمه روزه مقدار مهمی از قران مجید را تلاوت وادعیه ماثوره را قراءت می نمود ، حسینقلیخان مافی (۵) در ایام حکومت خوزستان (۶ـ۱۳۰۹)مکرر میگفت امام جمعه شوشتر در صنف خود ناخلف است ، زیرا امام جمعه های زمان ما جاهل و ناستوده اخلاقند وحاج سید محمد جامع علم وعمل وآداب واخلاق است ،
وآنجناب در (۱۲۶۱) تقسیم نامه اموال واملاک مرحوم حاجی‌سیداحمدجدسوم نگارنده و برادرش مرحوم حاجی سید علی را گواهی نموده ،
و نسخه‌ای از مسکن الشجون جداعلی موجود است که در (۱۲۶۴) تملک خود را بـــرآن نوشته و یادداشتهائی ملحق بآن نموده باین عبارت (چنین گوید افقر عبادالله ابـــن المرحوم‌المقدس السید حسین‌رحمه‌الله‌محمد الموسوی که چون در این سنوات ناخوشی‌وبا شیوع رسانیده و اطراف عالم را فرا گرفته در این شوق افتادم که مختصری از اقوال علمـا بجهت دفع هموم وغموم با آنچه از کتب ادعیه وآنچه ادویه از نوشتجات اطباء دیده ام الخ)
تولد آنمرحوم در شوشتر (۱۲۳۵= طلوع خورشید) و وفاتش (۱۰ـذح‌ـ۱۳۲۹=مددغفار)

بسمه تعالی

چنین گوید احقر عباد الله ابن المرحوم المقدس السید حسین رحمه الله الموسوی محمد

که چون در این سنوات ناخوشی وبای شیوع رسانیده و اطراف

عالم را فرا گرفته در این شوق افتادم که مختصری از اقوال علماء بجهة

دفع هموم و غموم با آنچه از کتب ادعیه و آنچه از دیگر از نوشتجات

اطباء دیده بودم که برخی را بتجربه رسانیده و بعضی را دیگران تجربه

نموده اند نوشته و قلمی نمایم تا ناظران را از مطالعه آنها بهره باشد

و دعای خیری نمایند اولاً باید آدمی را از حقوق الناس بری

[illegible]

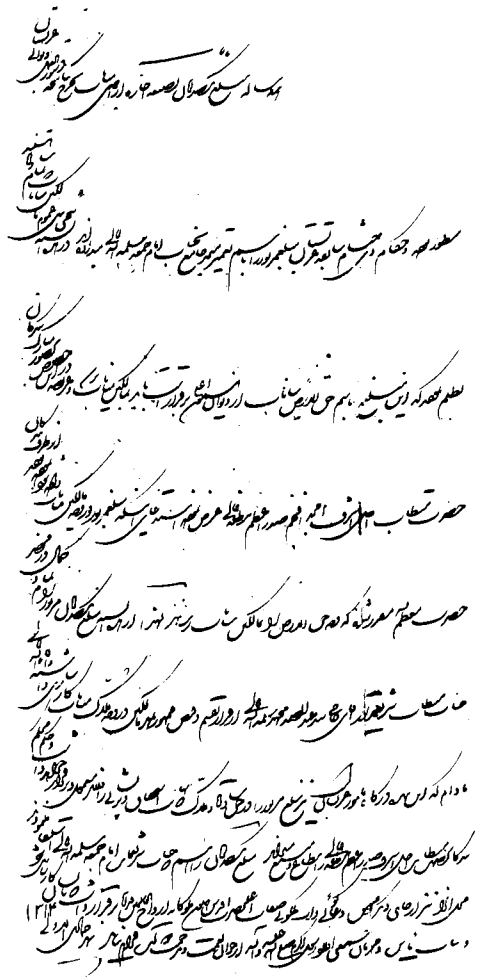

سند مشتمل بر نام
امام جمعه مذکور

اتفاق افتاده * ، نوحه‌ای که برای او گفته‌اند چنین است

مه ذی الحجه شد ماه محرم اماما" وا اماما" وا اماما"

و شنیدم از نوه‌اش آقا سید حسین۹ امام معاصر که اشعاری در مرثیه اوگفته‌شده‌که‌متاسفانه آنها را فراموش کرده‌است ،

اولاد ذکورش چهار نفر بوده‌اند : سید بزرگ ۸ ، سیدعلی۸ ، سیدعبدالله۸ ، سید محمد شریف ۸ ، بطوریکه امام زاده و کتانباف نوشته‌اند ،

و در شجره طیبه دو پسر دیگر بنام سید حسن ۸ و سید صفی الدین ۸ ثبت کرده و گفته این دو در زمان پدر درگذشتند و اولاد نداشتند .

سید بزرگ ۸ ، نامش سید حسین ولی به سید بزرگ معروف بوده ،وبطوریکه‌ازبوستان‌پیغمبر و شجره‌طیبه ، و(نقباء البشر ۲ ۶۴۸) و اظهارات فرزندش مرحوم آقا سید محمد علی ۹ برآید ، تولدش در شوشتر (۱۲۶۴= مظهر لطف) و سیدی فاضل و متواضع‌ولین الاخلاق و از علماء اعلام و اجلاء فخام بوده ، وامامت‌مسجدحاجی‌محمد کتانباف را درآغاز و مسجد حاجی علی قادر مشهور به مسجد علافان را در اواخر داشته ، و جزاوقات‌نمازکمتر از خانه بیرون آمده ، و در شب جمعه (۹ــ شوال ــ۱۳۳۱= غفران) در گذشته ، و پس‌از ۶ سال ، جنازه او را فرزند نامبرده‌اش به‌نجف اشرف برده وعصر پنجشنبه (۲ــصفر ــ۱۳۳۷) در وادی السلام بخاک سپرده است ،

در (گنجینه دانشمندان ۵ : ۴۰۷) ترجمه‌اش را از نقباء برداشته و گفته‌معروف به‌آقابزرگ است ، ولی چنانکه گذشت سید بزرگ بوده نه آقا بزرگ ، ازآنجناب پنج‌پسرمخلف‌گردید سید آقا ۹ ، سیدمحمدرضا۹ ، سید نعمت الله۹ ، سید محمدعلی۹ ، سیدمحمدجواد۹ ، سید آقا ۹ که سیداحمد نام اصلی او بوده دانشمندی ذوفنون زاهد پرهیزگار متخصص در

مرحوم‌آقای‌سیدآقای‌امام

حل مشکلات اخبار بود ، نام و ترجمه‌اش بطور اختصار یا تفصیل نسبی در اعیان الشیعه و بوستان پیغمبر ، و الذریعه ، و شجره طیبه ، و(فهرست کتابخانه‌مجلس ۱۷ : ۲۶۶) و

* در نقباء البشر وفاتش را (۱۴ ــ محرم) نوشته که اشتباه است ،

(ماضی النجف وحاضرها)* و (مصفی‌المقال ۱ : ۱) و (معجم رجال الفکر والادب فی النجف ۹۱)** و (مقتبس الاثر)*** و (نقباء البشر ۱ : ۹۶) مذکور است ،وآنچه از آنها و اطلاعات خارجی نگارنده که‌سالها از نزدیک او را دیده وباوی معاشر بوده‌برآید چنین است که تولدش وقت طلوع فجر صادق یکشنبه (۱۴ــ ذق ــ۱۲۹۱= ضیافت) در شوشتراتفاق افتاد وتا (۱۳۰۹) در آنشهر نزد علماء آنجا تحصیل کرده ، خواندن‌فارسی رانزدجده ابی‌وجده‌امی ، مقدمات و ریاضی وتجویدرانزد اساتید آن عصر مانند مرحوم سید محمدتقی شیخ الاسلام ، و مرحوم سید بزرگ آل طیب ، و مرحوم سید محمد بن سید محمد باقر شیشه گرخانه ، که هر سه از اعاظم سادات جزائری بوده وشرح‌حال‌هرکدام در محل مناسب از این کتاب مسطور است ، و آخوند ملاجعفر شرف الدین (۶) وجزایشان بخواند ، واستاد وی در مقداری از نصاب وترسل و تصریف زنجانی وشرح الفیه ابن ناظم و مقداری از نحو و علم خط مرحوم ال طیب مذکور بوده ، در آن اوقات موقعیکه مرحوم والدش که در مسجد سابق الذکر امامت داشت هر وقت بواسطه ضعف یا کسالت به مسجد نمیرفت او را بجای خود میفرستاد ، در (۱۳۰۹) بدزفول رفت و دو سال ازمحضرمرحوم آیه الله شیخ محمدطاهر دزفولی قدس سره **** استفاده و هم جمعی را افاده‌میفرمود ،

---

* تالیف مرحوم مقدس شیخ جعفر محبوبه نجفی (۱۳۱۴ــ۱۳۷۸) که نخست یک جلد ازآن‌در صیدا وبعدها سه جلد در نجف اشرف چاپ شده ، وسه جلد دیگر در باره سادات دارد که بطبع نرسیده وترجمه صاحب عنوان درآنجا است ،

** تالیف نویسنده معاصر شیخ محمدهادی فرزند مرحوم علامه مجاهد شیخ عبدالحسین امینی (قدس سره) چاپ نجف اشرف (۱۳۸۴) ، که فهرستوار اسامی علماء نجف را از زمان شیخ طوسی تا سال مذکور نوشته ، اما بیشتر قدما را نام نبرده ، وشرح حال قرن گذشته وحاضر است ،

*** تالیف مرحوم شیخ محمدحسین جندقی از فضلاء کربلا بود ودر اواخر مقیم قم شده بود ، کتاب مزبور که بقول مولف (دائره‌المعارف) است در مجلدات عدیده چاپ شده ، و مولف برای تالیف آن رنج فراوان کشیده‌اما محتاج ترتیب و تهذیب و تحریراست ،

**** فرزند شیخ محسن ابن‌حاج اسماعیل‌ابن‌ملا محسنابن مجدالدین بن (امیر معزالدین‌اصفهانی که‌این خاندان بوی منسوبند) مرحوم شیخ محمدطاهر فقیهی محتاط متتبع و ازمراجع مهم‌خوزستان‌درعصر خودبوده‌وبرخلاف اهالی آن‌سامان که‌بزبان محلی تکلم‌میکنند بفارسی سخن میگفته‌ورساله‌مصباح‌الهدایه وی چاپ و بوسیله‌سید علی بن سید نعمت الله امام دزفولی متوفی (۱۳۳۰) ((که در (نقباء البشر ۴ : ۱۵۵۱ و۱۵۵۲) اشتباها " بدو عنوان ترجمه‌شده)) تعریب شده که یک نسخه‌آنرا مورخ(۲ــ صفر ــ۱۳۱۵) نزدیکی از احفادش دیده‌ام .

شرح حال شیخ محمد طاهر در (تجدیدالدوارس) و (خاندان معزی : ۱۸ــ۲۶) و(الماثروالاثار : ۱۵۱)و (مکارم‌الاثار ۳ : ۸۸۹) و (نقباءالبشر ۲ : ۹۴۷) و غیره‌مذکور ، و در (سفرنامه‌دیولافوا) و (سفرنامه خوزستان : ۲۳) هم بمناسبت نام او برده شده و عموما " از او تجلیل و تمجید نموده‌اند . بجز کتاب‌اخیر که‌نسبتهای غیرقابل قبولی بوی داده . ولادت آنجناب در (۱۱ــ ع ۲ــ۱۲۳۰) بوده‌بطوریکه بخط پدرش دیدم و در باره‌اش گفته‌اند : ←

در (۱۳۱۱) به‌نجف اشرف مشرف وتا آخر عمر در آن مکان شرافت‌اقتران‌مجاور ،وازحوزه درس آخوند خراسانی صاحب کفایه‌الاصول ودیگر علمای آنعصر استفاده برد تا به مراتب عالیه و درجات سامیه رسید ،

اجازات روایت وامور حسبیه کتبی وشفاهی از حجج وآیات داشته‌که‌در (اجازات‌المشایخ) آنها را یاد کرده ، و ازاعاظم آن عده‌است مرحوم سید ابوتراب خوانساری ، و مرحـــوم شیخ محمد طاهر دزفولی مشارالیه ، و مرحوم حاج شیخ عباس قمی ، و مرحوم حاج سیـد عبدالصمد جزائری نیای دوم نگارنده ، و مرحوم آخوند ملاکاظم خراسانی ،

و جمعی از آنجناب اجازه داشته‌اند از آنجمله مرحوم سیدجعفر جزائری خرم آبادی و مرحوم شیخ علی محمد نجف آبادی * و مرحوم شیخ علینقی بن رضاقلی بن علینقـی قفقازی شاهکوئی معروف به شمس العلماء از فلاسفه و حکمای نجف اشرف ، وسید علینقی نقوی و مرحوم شیخ محمدحسن لنکرانی وسیدمحمدصادق بحرالعلوم ومرحوم میرزا محمد علی اردوبادی ومرحوم شیخ محمدعلی سنقری و مرحوم سید نورالدین امام ،

مؤلفات ایشان عبارت است از :

اول اجازات المشایخ ومجازات الشوامخ ، عربی در سه فصل ۱ــ اجازات مشایخ برای وی ۲ــ اجازات او به مجازان ۳ــ بعضی از اجازات مهمه گذشتگان که از آنجمله است‌اجازات مشایخ آیه‌اللّه‌حاجی سید عبدالصمد جزائری قدس سره ، مشارالیه ، واجازه‌کبیره آقا سید عبداللّه رحمه اللّه ، نگارنده نسخه‌ای از روی آن نوشته‌ام ،

دوم بیاض ، ملمع مشتمل برمطالب متنوعه ، و نگارنده در (سبد) از آن نقل کرده ام ،

سوم تتمه الشجره و تنمیه‌الثمره ** فارسی که بعنوان‌تتمه (شجره نوریه) آنرا نوشته ولی ناتمام و نامرتب مانده‌و یادداشتهای متفرقه مختصری در باره بعضی از بزرگان‌وعلماء این طایفه آورده‌است که‌ما تمام آن مطالب را در این کتاب نقل کرده‌ایم ،

شد زمحسن نتیجه‌ای ظاهر در هزار ودویست وسی‌ظاهر

در مصادریکه تاریخ ولادتش را متعرض شده‌اند تنها سال آنرا نوشته و از روز و ماه بی اطلاع بوده انـــد. وفاتش در (۱۳۱۵) بوده یادداشتهای متفرقه در فقه‌واصول داشته‌که‌نگارنده در (۱۳۸۱) قسمت مهم‌آنها را یافته‌و در مجلدی تدوین و به‌نوه‌جلیلش صاحب تجدیدالدوارس اهداء نمودم .

پدرش شیخ محسن متوفی (۱۲۴۵) برادر شیخ اسداللّه صاحب مقابس الانوار و خود نیز فقیهی‌فاضل‌بوده وخط نسخ را خوب‌مینوشته و سه‌کتاب بشکل بیاض در ادعیه و زیارات و فقه واصول و مطالب متفرقه تالیف کرده که‌بخط زیبای اونزد آقای زاهد که از نوه‌های اواست موجود است . شیخ محسن معاصر سیدصدرالدین متخلص به کاشف متوفی(۱۲۵۶) عارف معروف دزفولی بوده وچون با دراویش مبارزه شدید داشته ، مرحوم کاشف قاصم الجبارین را درطعن ورد او نوشته.

* مؤسس کتابخانه حسینیه شوشتریها در نجف اشرف و عالمی بزرگ بوده ،

** مذکور در مقدمه

چهارم التعلیقات الیسیره ، عربی که حواشی مرحوم جداعلی را بر نقد الرجـــال درآن تدوین نموده ،

پنجم تعویداللسان‌بتجویدالقران،فارسی در علم تجوید ، آنمرحوم درعلم‌تجوید وقراءت استاد بود ، وکتب بسیاری در این دو موضوع فراهم کرده بود ، و این کتاب را حاج‌ملا باقرشوشتری * با خط نسخ عالی خود تقریظی نوشته ، یـک نسخه در کتابخانه حسینیه شوشتریها در نجف اشرف ، ویک نسخه در کتابخانه مجلس‌در تهران موجود است .

در معجم آقای امینی باذال معجمه نوشته کهاشتباه‌است‌وبنظر میرسداز (فهرست کتابخانه مجلس ۱۷ : ۲۶۶) گرفته که بصورت تعویذ است، و عبارت اول‌آنرا هم درست نقل نکرده ،

ششم تقویم المعرفه،در معرفت تقویم مختصری است فارسی در(۱۳۱۸) نوشته ، و اشعاری را که در (۱۳۰۹) در باره باد و باران و رعد و برق سروده ، درآن‌گنجانده که‌آخرابیات چنین است

احمد موسوی که کرد انشاء سنه غشط بود و سلخ صفر
ابن سید بزرگ ابن امام سایه هر دو باشدش برسر

مرحوم علامه سیدهبةالدین شهرستانی در(۱۳۲۲) تقریظی برآن‌نوشته . یک‌نسخه نگارنده استنساخ کرده‌ام ،

هفتم حاشیه بر شرح لمعه ، عربی که بر اوائل آن کتاب است ، ضمن‌مجموعه ای نزد وی دیده‌ام ،

دیوان شعر ، بعضی بوی نسبت داده‌اند ** ولی حقیقت آنستکه وی دیوان‌شعرنداشته و بر سبیل ندرت گاهگاهی ابیاتی بعربی یافارسی سروده که بسیار محدود بوده است ،

هشتم صیغ النکاح در صیغه‌های عقد نکاح با رعایت احتیاط ، فارسی است بـه خواهش مرحوم سیدحسین شوشتری زنگباری*** در حدود (۱۳۲۳) که سید مزبور عازم زنگباربوده

* مردی فاضل وعاشق کتاب بوده ، سفرهای متعدد به‌حج رفته و مدتها در حجاز مانده و بـا علمای مخالف مباحثه و مناظره کرده وشریف حسین بدست او شیعه شده ، داستانها و برخی ازنوشته‌های او از آنجمله رساله‌ای در حالات همسرش ، سادگی او را میرساند ،
اما کتابخانه‌اش از نظر کمیت کم نظیر و مشتمل بربعضی از نسخ کمیاب بوده ، و تملک خود را باجوهرقرمز به‌رمز(م ـ ق ـ ر) بر کتابها مینوشته ، که پس از وفاتش آنها را گونی گونی فروختند ، دو مجموعه‌شعر و نثر بخط او دیده‌ام ، و کتابی بنام (التذکره) دارد که دو جلد است مشتمل بر فوائد نادره ،بطوریکه در(الذریعه۴ : ۲۲) نوشته ، واکنون این کتاب در کتابخانه رضویه است ،
وفات او در (۱۳۲۷) بوده ، در (کتابخانه‌های ایران: ۱۰۵) کتابخانه‌اش را نوشته اماوفاتش رابغلط در ۱۳۰۲) نقل کرده ، ترجمه اش در (نقباالبشر ۱: ۲۱۸) موجود است ،

** (معجم رجال الفکر و الادب : ۹۱)

*** عالم زنگبار بوده ، در پاورقی (گلستان پیغمبر ۶۸) مذکوراست ، وی فرزند سیدحبیب الله بن‌سیدمحمد ابن سید راضی بن سید محمدبن سید محمدباقربن سیدحسین بن سید عبدالله بن سید عبدالکریم بـن ←

آنرا نوشته ،
دهم الفوائد المختلفه والفرائدالمتشتته ، کشکول مانند ،
یازدهم الفوزالعظیم ، در کرامات جد خود مرحوم سیدحسین ۶ بن سیـد عبدالکریم ۵ فارسی و ناتمام است ،
دوازدهم الکواکب الدریه ، مجموعه ای است از اشعار خود ودیگران ،
آنمرحوم به احیاء آثار اجداد امجاد علاقه‌ای زیاد داشت ، وبسیاری از آنها را بخط خود استنساخ کرده‌بود ، و کتابهای بسیار دیگری هم بخط خود نوشته ،واصولا به‌کتاب علاقه‌ای عجیب داشت و هیچ وقت آنرااز خود جدا نمیکرد ، و هماره یک قرآن ویک تقویم وتبصره علامه و چند کتاب دیگر بهمراه اوبود حتی درحمام و مسجد آنها را همراه میبرد ،
در امور دین وامر بمعروف و نهی از منکر بسیار متصلب بود .واگر منکری میدید بی اختیار بدنش بلرزه‌میافتاد وحتی اگر میشنید که کسی از سادات نام فرزندخود را ازنامهای غیر اسلامی اختیار کرده از شدت ناراحتی تب میکرد ،
وفات وی در (۲۷ـ ذق ـ۱۳۸۴= احمد خوش کردار) در نجف اشرف رویداد ، ودر مقبـره فیض الله گوشه جنوب شرقی صحن مطهر مدفون گردیده ، اولاد ذکورش شش نفر بودند :
سید محمد ۱۰ . سیدعلی ۱۰ . سیدمحمدعلی ۱۰ . سیدمحمدجعفر ۱۰ . سیدمحمدحسن ۱۰ . سیدمحمدتقی ۱۰ .
سیدمحمد ۱۰ بن سیدآقادر (۱۵ـمحرم ـ۱۳۲۱=اغفرلی) درنجف‌اشرف‌متولد، ودرحیات‌پدر (۳ـ صفر ـ۱۳۸۳= محمداصغر) درنجف درگذشت ، مقدمات را یک اندازه دیده‌بود وبسفر افریقا چندین بار رفته وسه پسر باز نهاد : سیدمحمد طاهر ۱۱ . سیدصادق ۱۱ . سیدمحمد رضا ۱۱ .
سیدمحمدطاهر ۱۱ چهار پسر دارد : سید مهدی ۱۲ . سیدهادی ۱۲ . سیدجواد ۱۲ . سیـد عباس ۱۲ .
سیدصادق ۱۱ دو پسر دارد : سیدجعفر ۱۲ . سید علی ۱۲ .
سیدمحمدرضا ۱۱ سه پسر دارد : سیدعلی ۱۲ . سید حیدر ۱۲ . سید غالب ۱۲ .
سیدعلی ۱۰ بن سیدآقامتولد (۱۳۲۴= بهارظاهری) درنجف‌اشرف ومتوفی درحیات پدر(غرۀ صفر ۱۳۵۹= غفورجلیل) ،ازاهل فضل‌بوده وبرای‌تبلیغ به افریقای شرقی مسافرت کرده‌بود

سیّد حسین بن سید قوام الدین بن علی بن عمادالدین بن عبدالله بن معدبن علائی بن معدبن‌منصور بن معدبن اسماعیل بن محمدبن ادریس بن موسی‌بن محمدبن معدبن محمدبن علی بن‌موسی‌بن عبدالله فرزند امام‌موسی کاظم (علیه‌السلم) بوده ، بطوریکه‌کتانباف نوشته ، و آنمرحوم‌فرزندانی‌داشته‌ازآنجمله مرحوم سید کاظم که در حدود (۱۳۷۰) در نجف وفات نمود ، و مرحوم سید علی اکبر مقیم زنگبارکه‌در (سفرنامه برادران امیدوار) مذکور است ، واکنون فرزند سید کاظم مذکور،حاج سید مهدی شوشتری بـه تجارت اشتغال دارد ،

در عزوشه که یکی ازشهرهای کینیا است درگذشت ودرهمآنجا بخاک سپرده شـد ، اولاد ذکوری نداشت ، نسخه‌ای از تذکره شوشتر بخط او دیده‌ام که برای پدر بزرگوارش نوشتـه بود ، و شنیدم از پدرش که او در کودکی دچار بیماری صعب العلاج شد و با تربت سید الشهداء (علیه‌السلم) شفایافت ، پس وقتی که بزرگ شد ، از اثر آن تربت پاک ، شوق روضه خوانی در او پیدا شد و بآن شغل پرداخت ،

سیدمحمدعلی ۱۰ بن سیدآقامتولد (۱۳۲۷) درنجف اشرف متصدی کتابخانه حسینیه شوشتریها درنجف اشرف بودبه مراجعان کتاب میدادتادر (۱۳۹۲) که‌بایران آمد و ساکن شوشترواما جماعت شده وشش پسر دارد : سیدعبدالکریم ۱۱ . سیدموسی ۱۱ . سیدمحمدکاظم ۱۱ . سید محمد رضا ۱۱ . سیدمحمود ۱۱ . سیدمحمد ۱۱ .

سیدعبدالکریم ۱۱ در نجف اشرف به‌کسب اشتغال داردودارای سه‌پسراست: سید علی ۱۲ ، سید حسن ۱۲ ، سید غالب ۱۲ ،

سیدمحمد کاظم ۱۱ یک پسر دارد: سیدجواد ۱۲ (رافد) . سید محمدرضا ۱۱ . دوپسردارد : سیدمحمد ۱۲ . سید علی ۱۲ .

سیدمحمدجعفر ۱۰ بن سیدآقا ۹ متولد (۱۳۲۹) درنجف اشرف که‌اوهم جزومعاودان بایران آمده و دراهوازباقامه جماعت اشتغال دارد ، چهارپسر ازوی موجود شده سید محمدکاظم ۱۱ ، سید هاشم ۱۱ . سید محمدرضا ۱۱ . سیدمحمد ۱۱ .

سیدمحمدکاظم ۱۱ متولد (۹ـ ج ۱ ـ ۱۳۶۰) کاسب و دارای دو پسر است : سید رضا ۱۲ . سید محمد ۱۲ متولد (۱۳۹۶)

سید هاشم ۱۱ متولد (۱۱ـ ج۲ـ۱۳۷۶) ،

سیدمحمدرضا ۱۱ متولد (۱۳ـ ع۱ـ ۱۳۸۰) محصل است ،

سیدمحمد ۱۱ متولد (۱ـ ذق ـ۱۳۸۷) ،

سیدمحمدحسن ۱۰ بن سید آقا ۹ ، متولد (۱۳۳۲) در نجف اشرف ، تحصیلاتی داشته ، و اکنون در یکی از مساجد قلهک امام جماعت است ، و پنج پسر دارد : سید نورالدین ۱۱ . سید صدرالدین ۱۱ . سید محمد مهدی ۱۱ . سید ضیاء الدین ۱۱ . سیدمحمد رضا ۱۱ .

سید نورالدین ۱۱ ساکن اهواز و دارای دو پسر است : سید علی ۱۲ . سیدمحمد ۱۲ معروف به سید حیدر ،

سیدمحمدتقی ۱۰ بن سیدآقا ۹ متولد (۲۱ـ ج۲ـ۱۳۴۲= غفوردانادرنجف اشرف) ومتوفی در (۲۴ـ ع۲ـ ۱۳۶۴= سخت شده) و مدفون در وادی‌السلام نجف ،

پدرش در تتمه الشجره در باره‌اش فرموده (از ایام کودکی آثار بزرگی وهوش واستعداد دراو ظاهر بود ، آنچه از قرآن وغیره‌میخواند از بر مینمود ، وبعضی ازکتب رابخط خوداستنساخ نمود مانند مفتاح الایمان وده قصیده در اخلاق وموعظه و نصیحت وفضائل و مناقب ائمه

(علیهم‌السلم)که‌همه از آثار جدم سید عبدالکریم بودند ،وبعضی از تواریخ راکه بخط من دیده بود ، و شروع به خواندن مقدمات وادبیات نمود و مقداری را خواند ومقداری‌را نوشت ،و اگر عمر و توفیق داشت از علمای عاملین میشد لیک در ایام جوانی‌قبل‌ازازدواج درگذشت)

وسیدمحمدرضا۹ بن سیدبزرگ۸ ،متولد (۱۲۹۳= سیدبیداربخت)چندوقتی برای تحصیل به نجف اشرف مشرف سپس بشوشتر مراجعت و در مسجد آهنگران امامت داشت تا (۱۳۵۳ = غفارباسط) که درگذشت و در مقام حسین مدفون گردید ، چهار پسر از وی بجای‌ماند: سیدمحمد ۱۰. سید علی اکبر ۱۰. سید علی اصغر۱۰. سید احمد ۱۰.

سیدمحمد ۱۰متولد (۱۳۳۷)کاسب‌ودارای‌چهارپسراست سیدمحمدرضا ۱۱متولد (۱۳۶۹) سیدعلی ۱۱ متولد (۱۳۷۱) ،سیدمحمدعلی ۱۱متولد (۱۳۷۳) ، سید محمود ۱۱ متولد (۱۳۷۶) ، سیدعلی اکبر ۱۰ متولد (۱۳۳۹) او هم کاسب است وپنج پسر دارد : سید جمال الدین ۱۱ متولد (۱۳۶۷) ، سید جلال ۱۱متولد (۱۳۷۱) ، سیدمحمدرضا ۱۱متولد (۱۳۷۴) سیدمصطفی ۱۱ متولد (۱۳۷۷) ، سید مرتضی ۱۱ متولد (۱۳۸۲) ،

سیدعلی اصغر ۱۰ ، متولد (۱۳۴۳) او نیز کاسب‌و دارای سه پسر است : سیدمحمدحسین ۱۱متولد (۱۳۷۷) ، سید محمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۸۰) ، سید محمود ۱۱ متولد(۱۳۸۶) ، سید احمد ۱۰ در اهواز دبیر است ، و تاکنون‌دو پسر دارد : سید محمدامین ۱۱. سید محمدرضا ۱۱. متولد (۱۳۹۵)

و سید نعمت الله ۹ بن سید بزرگ ۸ متولد (۱۳۰۵= بلند اقبال) برای تحصیل به‌نجف اشرف رفته بود ، در (۱۳۵۳= بهشت دلخواه) وفات نمود و دروادی‌السلام مدفون‌گردید، دو پسر از وی باقی ماند : سید علی ۱۰ متولد (۱۳۳۲) . سید محمدعلی ۱۰ که هردودر نجف ساکن و کاسبند ،

و سید محمد علی ۹ بن سید بزرگ۸امام ،متولد (۱۳۰۸= جوان‌مرغوب) عالم‌فاضل جلیل، مقدمات را نزد مرحوم سید محمدعلی شیخ الاسلام ومرحوم سیدمحمدعلی بن سیدمحمود و مرحوم سید محمدتقی شیخ الاسلام ، وشرائع را نزد مرحوم سید علیمحمد آل علی ، و قسمتی از شرح‌لمعه وریاض را نزد آخوند ملاجعفر (۶) شرف الدین خوانده آنگاه‌به‌دزفول رفت و در حوزه درس مرحوم شیخ محمدرضا (۸) معزی حاضر گردیدتا (۱۳۳۷) که بنجف مشرف و اواخر درس مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی و مرحوم‌سیدمحمدکاظم نحوی بروجردی * استاد علم عروض و ناظم تهذیب المنطق را ادراک کرده سپس به شوشتر

* عالمی معمر مقیم مدرسه قوام در نجف اشرف ومدرس ادبیات وصاحب رساله تهلیله‌بوده ، وفاتش در (۱۳۴۴) بوده ، و در (الذریعه۴: ۵۱۶) و (تاریخ بروجرد ۲: ۵۳۷) مذکور است ،

مراجعت نمود ، علم خط را هم از مرحوم حاج ملا محمد کسائی * فرا گرفت ، از مرحوم شیخ محمدباقردزفولی** ومرحوم شیخ محمدرضا (۸) و مرحوم سید حسن صدر و مرحوم میرزا محمد تهرانی و مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم سید ابوالقاسم معروف به علامه تبریزی اجازه روایت تحصیل نمود ،

جمعی هم از آنجمله مرحوم حاج سید مصطفی امام زاده وجناب حاج شیخ محمد تقی شیخ (سلمه الله تعالی) نزد او درس خوانده ویا از وی اجازه گرفته اند ،

کتابی بنام اسباب‌النجاه ،فارسی در اصول وفروع‌دین دارد ، و برخلاف مشهور تولـی‌و تبری *** را از اصول دین شمرده ، کتابهای بسیاری هم بخط‌خود نوشته یا نسخه های ناقص راتکمیل‌نموده ،ونیز به‌ارشاد وهدایت واقامه جماعت و تدریس و افادت مشغول وعمری رااین چنین درشوشتر سپری کرده ،تا عاقبت در روز چهارشنبه (۱۶ـ ع ۱ـ ۱۳۹۴ = مرغ سفید) مرحوم و در مقبره ال طیب در سید صالح مدفون گردید ، و در روزنامـــه کیهان و مجله تهران مصور شرح حال و تصویر وی چاپ شده ، پسرانش شش نفر بوده‌اند : سید محمد ۱۰ . سید علی ۱۰ . سیدمحمدکاظم ۱۰ . سیدمرتضی ۱۰ . سیدمحمد حسن ۱۰ . سیدمهدی ۱۰ . متولد (۱۳۸۵) ،

سیدمحمد ۱۰ متولد شوشتر (۱۳۳۶) **** ساکن حسن آباد قلهک ، بامامت جماعـت و ترویج اشتغال‌وسه‌پسردارد : سیدنورالدین احمد ۱۱متولد (۱۳۷۰) ، سید محمد حسن ۱۱ متولد (۱۳۸۰) سید محمدحسین ۱۱ متولد (۱۳۸۵) ،

سید علی ۱۰ جزوّ طلاب علوم دینیه بود ، در شوشتر بجوانی درگذشت و در سید صالح مدفون گردید ،

---

* از خطاطان شوشتر بوده‌که‌جمعی از دانشمندان نزداو مشق کرده‌اند ، نسخه‌ای از کافی بنظر رسید که‌نامبرده در (۱۳۱۷) با مرحوم شیخ محمد جواد نوه مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری آنرا مقابله کرده ، وفاتش در (۱۳۴۰) بوده‌است ،

** فرزند شیخ محمد حسن برادر شیخ محمد طاهر مذکور در صفحه ۱۴۰ ،متولد روز سه شنبـه (۲ـ ع ۲ـ۱۲۷۵) و متوفی در روز شنبه (۱۲ـ صفر ـ۱۳۵۶) عالمی با کمال دارای طبع شعر عالی بوده و به شیدا تخلص میکرده ، مقداری از اشعار او در (مخزن الدرر ۸۰) و صفحات دیگر آن چاپ شـده و بعدها تخلص خود را به ابوالمفاخر تغییر داده بطوریکه در (خاندان معزی ۲۸) مذکور است . و خـط شکسته را بطرزی جدید مینوشته ، عکس او و نمونه‌ای از خطش در کتاب مذکور گلیشه شده .

و او غیر از شیخ باقر دزفولی نوه‌صاحب مقابس الانوار است که در (نقباءالبشر۱ ۲۰۵) ترجمـه‌اش را آورده .

*** این دوکلمه مصدر باب تفعل‌وباکسرلام‌مشددماقبل یاء هستند اما مشهور با فتح لام مشددو الف تلفظ میکنند ،

**** سال ولادت مذکور را بخط مرحوم والدش دیدم امافرزندش در نامه‌مورخ(۳۰ـ شعبان ـ۹۷) نوشته (تولدش شب ۲۳ـ ماه‌رمضان ـ۱۳۳۴ بوده‌و در شوشتر وقم تحصیل کرده و یازده سال است‌که در حسن آباد قلهک میباشد) انتهی

سیدمحمدکاظم ۱۰ ساکن قلهک واهل منبر ودارای چهار پسر است : سیداحمد۱۱. سید ابوالقاسم ۱۱. سید محمدرضا ۱۱. سید مجتبی ۱۱.

سید مرتضی ۱۱ امام پسر چهارم مرحوم سید محمدعلی ، متولد (۱۳۷۰=بچه‌ذی‌احترام) جوانی پرهیزگار صاحب ذهنی وقاد و حافظه واستعدادی عجیب بود ، وازفضلاء طلاب، با وجود حداثت سن و نبودن وسائل کافی در شوشتر ، مقدمات وسطوح را بخوبی فراگرفته ، و از معلومات جدیده‌هم مقدار زیادی بدست آورد ، و در ضمن به تدریس مقدمات و جمع آوری لغات محلی شوشتر وامامت در مسجد قلی اشتغال داشت ، ودرعنفوان‌جوانی دارای کمالات موروثی واکتسابی بود وشعر میسرود ، از آنجمله این‌بیت معروف را

ثلاثه یذهبن عن قلب الحزن　　الماء والخضراء و الوجه الحسن

چنین ترجمه کرده

سه چیزندمیبرند اندوه ازدل　　گیاه سبز و آب و روی خوشگل

و این مخمس را بمناسبت غید غدیر (۱۸ــ ذح) سروده

شیعیان شادی کنیدآورده روعید غدیر　　عید مسعود شه والاگهر مهر منیر

دوستدار ایزد و محبوب یزدان‌خبیر　　صهر احمد شوی زهرارهبربرناوپیر

پیشوای هر دو گیتی حیدر دلدل سوار

اندرین روز خجسته بر سر شاه جهان　　افسر شاهنشهی تاج امامت شدعیان

بر سر دست پیمبر جلوه‌گر شدناگهان　　آفتابی تابناک ولامع پرتو فشان

گز فروغ چهره اش روشن شد آن دشت ودیار

نغمه پیغمبر اکرم شد آندم آشکار　　با ندای دلربا نطق رسا و آبدار

ای‌گروه‌مسلمین‌ازهرنژادو هر دیار　　هرکه‌راسروربدم اینک‌علی‌شدپایدار

چانشین من زسوی حضرت پروردگار

بهرشیعه هیجده‌ذیحجه ازنوشد پدید　　روز شادی و مسرت وقت خشنودی رسید

بلبلان در بوستان داده‌بگلهااین‌نوید　　آمده نوروز شیعه هر که را باشد امید

دست وی بر دامن مولای خود شد استوار

مظهر جود وسخاوت معدن علم و وقار　　منبع حسم وشجاعت نور ذات کردگار

شاهد گویای عدل و شافع روز شمار　　پاکزاد و راد مرد و نیکخواه و بردبار

کس ندیده درجهان مانند وی پرهیزگار

یا علی از پیروانت دور کن رنج وبلا　　قلبشان از هم وغم وحزن واندوه ده‌جلا

اجتماع‌شهرشوشتر بهتر و خوشتر نما　　این بلد معمور و آبادان نما ای مقتدا

بر سراینده امام خوش سخن رحمت ببار

متاءسفانه بیماری قلبی از کودکی دامنگیر او شده بود که مجبور به مسافرت به فرانسه وعمل جراحی شد وپس از آن بفاصله کمی درگذشت ، هنگامیکه از زیارت قـم بر میگشت شب (چهارشنبه ۲ـ رجب ـ۱۳۹۶= خون میگریست)در ایستگاه قطار دراراک برای اداء فریضه مغرب و عشاء پیاده شد و پس از نماز عشاء چون سوت قطار را شنید که آماده حرکت شده بود و زن و فرزندش که طفل بود داخل قطار بودند ، با عجله از مسجد ایستگاه خودرا به داخل قطار رسانید و در اثر این هیجان وسابقه کسالت قلبی افتاد و بی حرکت ماند ، دکتر او را معاینه کرد معلوم شد درگذشته ، جنازه او را در اهواز از قطار پیاده کرده وباماشین به شوشتر برده و بااندوه مشیعین در مقبره مرحوم آقا سیدنورالدین۲ جنب مسجد جامع به خاک سپردند ، ویکی از شعرا مرثیه‌ای برای او گفته که در زیر تصویرش در مقبره‌اش نوشته شده ، و عقب او منحصر بیک پسر است بنام سید احمد۱۱ متولد (۳ـ ع۱ـ۱۳۹۶) که طفلی شیرخواراست و هنگام وفات پدر سه ماهه بود ،

سید محمدحسن ۱۰ پسر پنجم سید محمدعلی امام متولد (۱۳۷۷) ، در شوشتر از طلاب علوم دینیه وبخواندن مقدمات اشتغال دارد ،

سیدمحمدجواد ۹ بن سید بزرگ ۸ متولد (۱۳۱۰= مخترع) ،بقدرمقدوردرتحصیل کمالات کوشیده و دارای صفات حسنه واخلاق مستحسنه بود * ، و در یکی از مساجد شوشتـــر امامت داشت وشاگردانی تربیت نمود ، تا اینکه در (۱۳۵۳= ترقی مراتب)درگذشت ودر جلو ایوان مقام حسین در شوشتر مدفون گردید ،

سه پسر از وی مخلف شد : سیدمحمدتقی ۱۰ . سیدجعفر۱۰ . سیدمحمد۱۰ . که لقب آنان (امام پور) است ،

سید محمد تقی ۱۰ متولد (۱۳۴۶= مغروق)ومتوفی اواخر محرم (۱۳۷۴= نورس باغ امید) و مدفون در وادی السلام نجف اشرف ، اولاد ذکور نداشت ،

سید جعفر ۱۰ متولد (۱۳۵۰) سه پسر دارد : سید احمد ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ، سیدجواد ۱۱ متولد (۱۳۸۶) ، سیدمحمود ۱۱متولد (۱۳۹۳) ،

سید محمد ۱۰ متولد (۱۳۵۴)** هنگام وفات پدر شش ماهه بوده ، کارمندراه‌آهن است و در اوقات فراغت به مطالعه میپردازد و اهل منبر است ، و دو پسر دارد : سیدمحمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۸۳) ، سید علی ۱۱ متولد (۱۳۹۱) ،

و اما سید علی ۸ بن سید محمد امام جمعه ، ولادتش در (۱۲۶۸= چراغ دین)و وفاتش در (۱۳۴۴ = ختم شد) اتفاق افتاد و در جوار بقعه سید صالح در شوشتر مدفون گردید . سیدی متواضع خوش قلب وسالها امام مسجد جامع شوشتر بود ، از اوسه پسر مخلف گردید :

---

* بوستان پیغمبر

** در بوستان پیغمبر او را سید احمد نامیده که اشتباه است ،

سید محمد باقر ۹ . سید محمدتقی ۹ . سید محمدجعفر ۹ .

سید محمد باقر ۹ بن سید علی متولد (۱۳۰۰= صغیر) در ادبیات وریاضیات مهارت تامه داشته ، خط نستعلیق و شکسته را خوب مینوشته ،استادش در ریاضی مرحوم حاج سید حسن منجم ، و در ادبیات وشرعیات مرحوم سید محمدتقی شیخ‌الاسلام‌ومرحوم‌سیدبزرگ آل طیب بوده ، و مدتی در درس مرحوم حاجی سید عبدالصمد نیز حاضر میشده ، و خط را از میرزا نصرالله‌خان مرعشی * تعلیم گرفته بود ** ،ومرحوم‌سید محمد تقی آل طیب هم استاد خط نستعلیق او بوده ،

وفاتش در شوشتر (۱۳۵۵= تفرقه شرع) و مدفنش در سید صالح نزدیک مقبره مرحوم‌حاج سید عبدالله امام جمعه است ،

قصیده‌ای در مرثیه‌اش سروده اند از آنجمله

از کف برفت حیف و دریغا امام ما شد در سرای قبر به بیگانه آشنا

واحسر تا که سید باقر وفات کـرد از فوت اوبسینه‌زنان صبح تامسا

هشت پسر از وی مخلف گردید سید احمد ۱۰ . سید صدرالدین ۱۰ . سیدطیب ۱۰ .سید محمدعلی ۱۰ . سید محمدحسین ۱۰ . سید محمد ۱۰ . سیدعبدالغفور ۱۰ .سید طه ۱۰ .

سید احمد ۱۰ فرزند اکبرش ، متولد (۱۳۲۱) ، در بدو استخدام با سمت مدیریت‌مدرسه وارد آموزش و پرورش شد و بتدریج ترقی نموده تا به کفالت اداره‌آموزش وپرورش‌خوزستان رسید ، آنگاه در (۱۳۱۸ شمسی = ۱۳۵۸) بوزارت دارائی منتقل و به ترتیب ریـــاست دارائی شادگان وآبادان و بهبهان ودزفول واهواز و معاونت پیشکاری دارائی خوزستان را عهده دار بود ، تا (۱۳۷۷) که بازنشسته شده ، و اکنون مقیم اهواز وچهار پسر دارد :

دکتر سیدمهدی ۱۱ ، مهندس هوشنگ ۱۱ ، سیدمنصور۱۱ ، متولد (۱۳۶۴) ،سیدمسعود۱۱ متولد (۱۳۶۷) ،

دکتر سید مهدی ۱۱ متولد (۱۳۴۹)

هوشنگ ۱۱ متولد (۱۳۵۵) مهندس کشاورزی است وتاکنون یک پسر دارد کامران۱۲متولد (۱۳۹۳)

وسید صدرالدین ۱۰ بن سید محمد باقر امام ، متولد (۱۳۲۷)کارمند بازنشسته آموزش و پرورش و رئیس انجمن شهر شوشتر و ساعی در آبادانی آنشهر ودارای چهار پسر اسـت :، سید عبدالحمید ۱۱ متولد (۱۳۶۱) ، سیدعبدالمجید۱۱ متولد (۱۳۶۵) ،سیدعبدالکریم ۱۱ متولد (۱۳۶۷) ، سید عبدالعظیم ۱۱ متولد (۱۳۷۰) ، که طبق اظهار والدشان :

فرزند میرزاحسین از خطاطان شوشتر بوده و جمعی کثیر نزد او مشق کرده‌اند تاریخ وفاتش بدست نیآمد ،

** شجره طیبه ،

سیدعبدالحمید ۱۱ کارمند اداره غله شوشتر تاکنون یک پسر دارد بنام سیداحسان ۱۲
سید عبدالمجید ۱۱ دبیر در اهواز است و او هم فعلا یک پسر بنام انوش ۱۲ دارد
سید عبدالکریم ۱۱ در قسمت زمین شناسی از دانشگاه جندیشاپور فارغ التحصیل شده و مشغول کار است ،
سید عبدالعظیم ۱۱ اکنون برای ادمه تحصیل به امریکا رفته .
و سید طیب ۱۰ بن سید محمد باقر ، تولدش در (۱۳۲۹= مرغوب طبع) و وفاتش درپنج شنبه (۲۲ــ ذ ح ــ ۱۳۸۵= عاقبت بخیر) در اهواز واقع ، جنازه بشوشتر منتقل‌ودرمقبره سید صالح مدفون گردید ، در دارائی شوشتر خدمت میکرد و هشت پسر باز نهاد :
سید علی ۱۱متولد (۱۳۶۴) ، سید محمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۶۶) ، سیدمصطفی ۱۱متولد (۱۳۶۸) ،سیدمحمود ۱۱متولد (۱۳۷۰) ، سیدمجتبی ۱۱متولد (۱۳۷۲) ،سیدمحمدباقر ۱۱ متولد (۱۳۷۵) ، سید محمدحسن ۱۱ متولد (۱۳۷۷) ،سید حسین ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ، وسیدعلی ۱۱ را اکنون یک پسر است بنام بابک ۱۲ ،
و سید محمدعلی ۱۰ بن سید محمد باقر متولد (۱۳۳۵) شش پسر دارد : فرهنگ ۱۱ ،سید عبدالله ۱۱ متولد (۱۳۶۸) ، همایون ۱۱ متولد (۱۳۷۰) ، منوچهر ۱۱متولد (۱۳۷۴) سید کمال ۱۱ متولد (۱۳۷۸) ، سید سعید ۱۱متولد (۱۳۸۰) ،
فرهنگ ۱۱ متولد (۱۳۶۴) ، کارمند سازمان آب وبرق خوزستان تاکنون‌یک‌پسردارد ساسان ۱۲ متولد (۱۳۹۲) ،
سید عبدالله ۱۱ در جزیره خارک ، و همایون ۱۱ در سربندر میباشد ، منوچهر ۱۱ اکنون دوره نظام را میگذراند ، هر سه دیپلمه طبیعی وسیدکمال ۱۱ وسید سعید ۱۱ محصلند ،
وسیدمحمدحسین ۱۰ بن سید محمد باقر متولد (۱۳۳۶ = خورشید روی) ، متوفی (۱۳۵۷= فخر عتبه) و مدفون در سید صالح بلاعقب بوده ،
و سید محمد ۱۰ بن سید محمد باقر متولد (۱۳۳۹) چهار پسر دارد:سیدمرتضی ۱۱متولد (۱۳۶۹) ، سیدمحمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۷۱) ، سیدمحمدحسین ۱۱ متولد (۱۳۷۶) ، سید مسعود ۱۱ متولد (۱۳۷۹) ،
و سید عبدالغفور ۱۰ بن سید محمد باقر کارمند آموزش و پرورش شوشتر ،خوش‌اخلاق‌است تولدش در (۱۳۴۴) و دارای چهار پسر است پرویز ۱۱ متولد (۱۳۶۷) ،سید محمد جواد ۱۱ متولد (۱۳۷۵) ، شهرام ۱۱ متولد (۱۳۹۰) ، شاهین ۱۱ متولد (۱۳۹۶)
و سید طه ۱۰ بن سید محمدباقر امام متولد (۱۳۴۷) تاکنون فرزندی ندارد .
وسید محمد تقی ۹ پسر دوم سید علی ابن حاج سیدمحمدامامجمعه تولدش در (۱۳۰۲= اقتضا) ، وفاتش در اهواز (۱۳۸۷= غفارنهان) جنازه اش را بشوشتر برده و دفن نمودند،

وی در شوشتر امامت مسجد ملاابوالقاسم را داشت و اخیرا" ساکن اهواز و دارای پنج پسر شد :سید هاشم ۱۰ ، سید حسن ۱۰ ، سید نظام ۱۰ ، سیدمهدی ۱۰ ، که‌درکودکی درگذشت انوشیروان ۱۰ ،

آقای سیدمحمد جعفرامام

آقای سیدمحمدامام
فرزندسیدمحمدعلی

مرحوم آقای سیدمرتضی امام

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور
باهر النور مرحمت ظهور حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم السید السند الامجد الاوحد جناب
عموزاده گرامی علامی فهامی عمو آقا سید محمد حرایری دامت افاداته
پس از عرض سلام و ثنا و دعا خدمت آقای محترم مختصراً مرقوم میشود
که آنچه لطفاً ارسال فرموده بودید از مجلدات ثلاثه کتاب ۲ ح ل ات
و چند برگه بقطع نیم ورقی و کتاب سؤال و جواب مرحوم علامه کهنه
و بارضه از اول تا آخر ضایع و رساله کوچک دیگر همه آنها واصل
وفقکم الله و ایدکم الله تعالی والسلام الاحقر محمدعلی الموسوی امام والسلام علیکم
و رحمة الله و برکاته

خط مرحوم سید محمدعلی امام فرزند سید بزرگ

سید هاشم ۱۰ متولد (۱۳۴۶= داغ فرزند) ، قبل از تاءهل در حیات پدر در (۱۳۷۴= نهال گلشن)وفات نمود ودر علی‌بن مهزیار مدفون گردید ، سید حسن ۱۰ متولد (۱۳۵۲ = مواخذه) او نیز درحیات‌پدر، در کویت در (۱۳۸۳= پریشانی خاطر) درگذشت، جنازه اش را باهواز منتقل و در جوار علی بن مهزیار دفن کردند ،

سید نظام ۱۰ متولد (۱۳۵۰) دو پسر دارد : سید نورالدین ۱۱متولد(۱۳۷۷) ، سید محمد رضا ۱۱ متولد (۱۳۹۰) ، انوشیروان ۱۰ متولد (۱۳۵۵) ، کارمند آموزش و پرورش شوشتر است ،

مرحوم آقای سید محمدجواد امام

مرحوم آقای سید محمدتقی امام پور

آقای سید محمد امام‌پور

آقای سید احمد امام

مهندس هوشنک امام

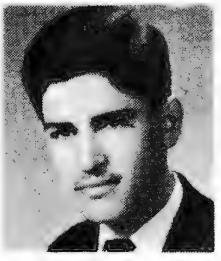

آقای سید منصور امام

آقای سید مسعود امام

آقای سید محمد علی امام فرزند سید محمد باقر

آقای فرهنگ امام

آقای سید محمد امام
فرزند سید محمد باقر

آقای سید عبدالغفور امام
فرزند سید محمد باقر

وسید جعفر ۹ سومین پسر سید علی امام متولد (۱۳۰۶= فرزند مبارک اثار) و متوفی (۱۳۷۷= متواری گشت) و مدفون در علی بن مهزیار در اهواز، کارمند دارائی بهبهان و شوشتر بود ، وقائع شوشتر را در زمان حکومت مؤیدالدوله از (۱۹ــ محرم تا۲۳ــ ع ۱ ــ ۱۳۴۱) روز بروز نوشته،یک پسرازوی مخلف گردید :

سید حسین ۱۰ امامی متولد (۱۳۴۵) کارمند شرکت ملی نفت در اهواز که به تواضع و حسن خلق ممتاز است ، و تاکنون فرزندی ندارد.

و اما حاج سید عبدالله ۸ فرزند حاج سید محمد امام جمعه ، سیدی بزرگ منش و عالی همت بود ، تولدش در (۱۲۸۶= فروغ) و در (۱۳۳۵) بریاست عدلیه خوزستان منصوب گردید.

در عصر خویش از اعیان عالی مقدار این دیار بود ، در بدایت حال بکشف کمالات صوری و معنوی اشتغال و تهذیب اخلاق بر وجه کمال نموده بسیار با تمکین و وقار بود *

علامه تهرانی پس از توصیف او به عالم کامل فاضل جلیل ، درس خواندن او را نزد علماء شوشتر و رسیدن بدرجه عالیه و امامت جمعه وجماعت و مرجعیت اورادرشوشتربیان کرده**

هنگام غروب آفتاب جمعه (۱۶ــ محرم ــ۱۳۳۶= مظلوم کش) بغتةً مقتول شد ، مخلص شوشتری (۲) در ضمن مرثیه‌ای تاریخش را چنین سروده (ناحق نهال موسی جعفر شهید شد)***

کسروی در باره قاتل او مینویسد (از آغایان که در شرارت بر دیگران پیشی داشت .... کاظم داود بود ، این جوان نیک اندام درخوزستان شهرتی بسزا داشت و چنین میگفتند

---

* بوستان پیغمبر

** (نقباءالبشر۲:۱۲۱۴)،

*** (شجره طیبه)

که کشنده حاج سید عبدالله امام جمعه او بوده) *
ازآنمرحوم چهارپسربوجودآمد : سیدحسین۹امام . سیدکاظم۹امامیان . سیدعبدالسلام ۹ .
سید بهاءالدین ۹ پیامی .
سید حسین ۹ امام متولد (۱۳۱۳) از اعیان و مشاهیر این خاندان ، مدتی در شوشتر و نجف تحصیل علوم دینیه نموده بحسب استعداد ذاتی کسب فضائل کرده ، در (۱۳۵۶) رئیس دفتر حکومتی ** ، در شوشتر بود و قبل از آن قاضی عسکر و بعداز آن به‌اهواز منتقل و سردفتر اسناد رسمی شد ، و اکنون وکیل دادگستری است ، کسروی در (زندگانی من : ۲۸۹) او را نام برده ، شش پسر دارد سید احمد ۱۰ . دکتر سید ضیاء ۱۰ .
سیدعبدالغفور۱۰ . سیدعبدالعظیم ۱۰ . سیدعبدالله۱۰ .که دوقلو هستند سید محمد ۱۰ .
معروف به منوچهر
سید احمد ۱۰ متولد (۱۳۴۰) پس از آنکه از شرکت نفت بازنشسته شده کارمندبانک‌توسعه و صنایع ایران در تهران است ، و دو پسر دارد : سید محمود ۱۱ متولد (۱۳۶۷)که‌خلبان جت است ، و سید محمد ۱۱ متولد (۱۳۸۰) ،
سید ضیاء ۱۰ (دکتر امام) متولد (۱۳۴۳) از اطباء مجرب و حاذق اهواز که برای دوره تخصص به آمریکا رفته و تازه به اهواز برگشته ویک پسر دارد : سید علی۱۱ متولد (۱۳۷۶) که طبق اظهار جدش در مراحل تحصیل ، همیشه نمره اول بوده واکنون در آمریکابه ادامه تحصیل اشتغال دارد ،
سید عبدالغفور ۱۰ متولد (۱۳۵۲) ، لیسانسیه حقوق از دانشگاه تهران وسر دفتر اسناد رسمی در اهواز است ، واکنون یک پسر دارد : سید محمد رضا ۱۱ متولد (۱۳۷۹) ، سید عبدالعظیم ۱۰ متولد (۱۳۵۴) تاکنون چهار پسر دارد : سید روح الله (حسین۱۱)متولد (۱۳۷۸) ، سید عزیزالله ۱۱ متولد (۱۳۸۱) ، سید ابراهیم ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ، سید حسن۱۱متولد (۱۳۹۶) ،
سید عبدالله۱۰ متولد (۱۳۵۴) ، تاکنون دو پسر دارد : افشین ۱۱ متولد (۱۳۸۷) ، انوش ۱۱ متولد (۱۳۹۴) ،
سید عبدالسلام ۹ متولد (۱۳۲۶)و متوفی (۱۳۴۲) و مدفون در سید صالح .
سیدکاظم ۹ امامیان متولدحدود (۱۳۳۰= شغل) ساکن مسجدسلیمان بود ودرشب سه‌شنبه (۲ـ ذق ـ۱۳۹۶= مشغله جدید) درگذشت ودرهمانجا مدفون گردید و اولادی نداشت .

---

* تاریخ پانصد ساله‌خوزستان: ۱۸۸ چاپ دوم ، و در (زندگانی من ۲۵۷) چاپ چهارم نیز او را نام برده ،

** از نظر قاعده در کلماتیکه مختوم به تاء است تاء باید در نسبت حذف شود وحکومی‌گفته‌شود اما چون در استعمال فارسی آنرا ثابت میگذارند تعبیر فوق را آوردیم ،

مرحوم آقای سیدجعفر امامی

آقای سیدحسین امامی

آقای سیدحسین امام

آقاسیداحمدامام
فرزندسیدحسین

دکترسیدضیاء امام

آقای سیدعبدالعظیم امام

آقای سیدعبدالله امام
فرزندآقاسیدحسین

آقای منوچهر امام

آقای سیدبهاء الدین
پیامی

سید بهاء الدین ۹ پیامی متولد (۱۳۳۵) ، کارمند بازنشسته دارائی دراهواز ، پنج‌پسردارد :
پیروز ۱۰ ، پرویز ۱۰ متولد (۱۳۷۰) ، پورمند ۱۰ متولد (۱۳۷۲) پویان ۱۰ متولد (۱۳۷۴) ، پیمان ۱۰ متولد (۱۳۸۳) ،
و پیروز ۱۰ متولد (۱۳۶۷) در اداره روابط دانشگاه جندیشاپور کار میکند وتاکنون دوپسر دارد سید امیر عباس ۱۱ متولد (۱۳۹۴) ، معروف به‌امیر ، سیدمحمد ۱۱ ،

واما سیدمحمد شریف ۸ بن حاج سید محمدامام جمعه ، در حسن اخلاق ونیکی اطوار معروف وبتواضع وخوش رفتاری موصوف بود ، وعموم طبقات از اقارب واجانب ازرفتارش خوشحال، و بر وفاتش متاءسف بودند ،

تولدش در (۱۲۸۸= ماه مغرب) و وفاتش بسکته در (۱۵ــ شعبان ــ۱۳۴۹= حکم غفار) اتفاق * و در مقبره سید صالح مدفون گردید ، و او داماد مرحوم شیخ محمد علی فرزند حاج شیخ جعفر شوشتری** بوده ، و هنگامیکه شیخ در دزفول بسر میبرد واو به دیدنش رفته بود ، وی را چند روزی نزد خود نگهداشت ، و در نامه‌ای که به مرحوم حاج سید محمدامام جمعه نوشت اظهار داشت " قدری از موجبات حبس نور چشم اعزمن الروح آقا سید محمدشریف (حفظه‌الله) از بابت یاد آن بزرگوار که فی الحقیقه اقرب المجازات الی الحقیقه و یادگار سرکار است "

آنمرحوم چهار پسر بازنهاد: سید نورالدین ۹ ، سیدمحمدعلی ۹ ، سیدجلال الدین ۹ ، سید محمد ۹ ،

سید نورالدین ۹ امام ، فرزند ارشد سید محمد شریف ، عالمی دانا و نویسنده‌ای تواناو به فنون مختلفه آشنا ، و در تاریخ خوزستان متخصص و بی نظیر وصاحب (شجره‌طیبه) است ، شرح حال خودرادرآنکتاب چنین نوشته (تولدم درشب (۲۴ــ ذق ــ۱۳۱۶ قمری= خیر و شر) در شوشتر واقع شده است ، مادرم بی بی ساره بیگم دختر مرحوم شیخ محمد علی فرزند حاج شیخ جعفر معروف است که از بطن حاجیه بی بی فاطمه سلطان دختر حاج سید محمدرضا که در عصر خود ریاست سادات وعلمای دزفول را داشت بعمل آمده است ، سواد فارسی را از عمه زاده‌ام سید عبدالله امام زاده تحصیل نموده‌ام ، استاد خطم سید محمدتقی ال طیب ، و سید علی اصغر حکیم ، و ملا رجبعلی ابن ملایوسف*** بوده‌اند

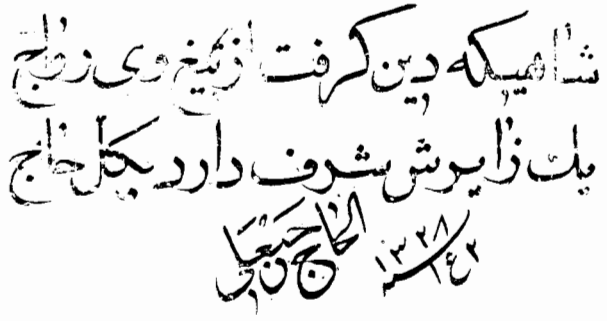

---

* (شجره طیبه)

** مذکور در (نابغه فقه و حدیث : ۲۶۵)

*** از معلمان خط و وعاظ شوشتر دارای خطی شیرین وبیانی دلنشین بود، در اواخر ایام حیات نابینا شد و در (۱۳۸۰) درگذشت ، و درمقام حسین نزدیک قبر مرحوم سید محمدباقر حکیم به خاک سپرده شد .

کتاب تصریف را نزد حاج ملامحمدکساتی ، والفیه را نزد سیدمحمدعلی شیخ الاسلام ، و سیوطی وابن ناظم ومغنی را نزد آقاسید علی اصغر سابق الذکر ، ومختصروخلاصه الحساب را نزد سید محمدتقی شیخ الاسلام ، ومطول وحاشیه ملا عبدالله وشرح لمعه ومعالم را نزد آقاسید بزرگ آل طیب، وقوانین وتقریرات شیخ انصاری وشرح مطالع وشرح تجرید را نزد خالویم حاج شیخ محمد کاظم درس خوانده‌ام ، در (۱۳۳۵) سفری بدزفول نموده و مقداری از رسائل را نزد آقا سید حسین مفید ، وشیخ عبدالحسین عاملی گذرانیدم ، در (۱۳۳۷) بزیارت ائمه عراق مشرف شده تا سال بعد مجاور بودم ، در ایام توقف نجف نزد شیخ محمد حسین رشتی ، و سید ابوالقاسم اشکوری ، بدرس رسائل و کفایه وریاض مشغول بودم ، و شبها بدرس خارج سید محمد فیروزآبادای حاضر میشدم ، و در ایام توقف کربلا بدرس شیخ غلامحسین مرندی میرفتم و الهیات منظومه را با دقت تمام از سید محمد علی هبة الدین شهرستانی اخذ نمودم ،

سید مزبور منظومه‌ای بنام من شروع نمود و آنرا (صحف مکرمه) نامید که خلاصه مباحث منقحه الهیات بود و با منظومه سبزواری تفاوت بسیار داشت ، در (۱۳۳۸) به خوزستان مراجعت و در مدرسه جزائریه بتدریس مشغول بودم ، و سالها در تاریخ وجغرافیا وریاضیات و ادبیات فارسی وعربی وطبیعیات وسائر فنون دینیه واجتماعیه مطالعه نموده‌ام ، که نتائج آن تالیف چند کتاب است :

اول جغرافیای تاریخی خوزستان دوم تاریخ سیاسی خوزستان سوم تاریخ علمی وادبی خوزستان که این سه جلد (خوزستان نامه) را تشکیل میدهد چهارم مجموعه در فنون مختلفه پنجم مسوده‌های عدیده در تفسیر وفقه و اصول وحدیث واخلاق)

نگارنده گوید ششم از تالیفات وی شجره طیبه مذکور در مقدمه است که ما در این کتاب از آن بسیار نقل کرده‌ایم ، هفتم مجموعه‌ای مورخ (۱۳۳۴) مشتمل بر اشعار متفرقه که برای مرحوم ملامحب طحان شوشتری * نوشته ، و مجموعه شماره چهار مشتمل بر مطالب متنوعه نادره داله بر حسن انتخاب او است ، و از مؤلفات مذکوره تنها جلد اول خوزستان نامه باپاکنویسی برادرش سیدمحمد علی امام شوشتری ومقدمه‌ای درشرح حال او در (۱۳۳۱ شمسی) چاپ شده اما نام کتاب را تصحیف نموده و تاریخ جغرافیائی خوزستان نامیده ** ،

---

* اهل ذوق و شعر دوست وشاعر بوده ، و در (۱۳۶۸) درگذشته ، در وفات آیة‌الله شیخ محمد رضا معزی (۸) مرثیه‌ای گفته که دو بیت آخر چنین است

زین ماجرا محب شریعت ز فرط غم — خاموش شد از اینکه کلیم کلام رفت

سال هزاروسیصد و پنجاه ودوبدی — کین شیخ رخت مست بدارالسلام رفت ،

** روی جلد (نوشته سیدمحمد علی امام) نوشته شده ،وازاین رود درفهرست کتابهای چاپی فارسی ۱ : ۳۱۱) آقای مشار چاپ اول به سید محمد علی منسوب شده ، و در چاپ دوم (۱ ۱۰۶۴–۱۰۶۵) که به سید نورالدین نسبت داده عدد صفحات آن را (۱۲۶+۲۹۰) و چاپ دوم آن را در (۲۸۸ صفحه) نوشته که اشتباه است و چاپ دومی تاکنون نداشته ،

و تاریخ تولد مؤلف را غره محرم (۱۳۱۷) نوشته، وشیخ محمد رضای دزفولی راازاساتید دزفول اودانسته، ومرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی را از اساتید نجف‌وی‌شمرده، و شجره خانوادگی مؤلف را در اول کتاب چاپ کرده وبرای مرحوم سید بزرگ فرزند حاج سید محمد امام جمعه که عم او بوده سه پسر نوشته ویکی را سید علی نامیده، وهمه‌آنها اشتباه است، ودرآخرآن مقدمه‌چنین‌آمده (مرحوم سیدنورالدین دربیست سال اخیرعمر باندیشه‌تالیف تاریخی بجهت خوزستان افتاد که‌بنیان آن بر تتبع اسناد و مآخذ، و توجه بعلل‌ووقائع استوار باشد، وبرای وصول باین هدف به بیشتر کتابخانه‌های شخصی و عمومی موجود در ایران وعراق عرب مراجعه کرد، و بسا خود شخصا" به نقاط مختلف خوزستان‌ومیان‌ایلات مسافرتها نمود و اوقات خود را بکاوش و جستجو مصروف میداشت، متاءسفانه پیش ازآنکه کتابی‌که‌منظور آنمرحوم بودتکمیل شود وآماده طبع گردد بیمار شد و در روز۱۳۲۴/۲/۲۵ شمسی این جهان رابدرود گفت واز مرگ او ضایعه‌ای بس بزرگ بجنبه علمی خوزستان‌وارد آمد)

در بوستان پیغمبر او را (عالم فاضل مورخ ادیب ریاضی فقیه واعظ،بهر یک از فنون کمالیه مربوط)خوانده و فرموده (وفاتش در ۱۰ـ ج۲ـ۱۳۶۵= دست‌قضا) در مریضخانه شرکت نفت در مسجدسلیمان،جنازه ایشان را بشوشتر برده، اهالی استقبال شایان‌نموده در جوار بقعه سید صالح نزدیک مرقد پدرش دفن نمودند).

در الذریعه و (مصفی‌المقال: ۴۸۵)(معجم المؤلفین ۱۳ : ۱۲۱)و(مؤلفین کتب چاپی ۶ : ۶۴۷) و نقباء البشر خطی ترجمه اش موجود است،

درکتاب‌چهارم‌که ترجمه او را از مقدمه مزبور گرفته، اشتباه در تاریخ ولادت اوبهمان نحو آمده‌است،

ازآنمرحوم سه پسر مخلف گردید: سید جمال الدین ۱۰، سید عبدالله ۱۰، سید نعمت الله ۱۰،

سید جمال الدین ۱۰ بن سید نورالدین متولد (۱۳۴۲)، کارمند شرکت نفت در اهواز، یک پسر دارد بنام سید معزالدین منصور ۱۱ متولد (۱۳۷۱)،

سید عبدالله۱۰ بن سید نورالدین، متولد (۱۳۵۲) کارمند آموزش وپرورش شوشتر، تا کنون سه پسر دارد: فرخ ۱۱ متولد (۱۳۸۸)، سید فرشیدرضا ۱۱ متولد (۱۳۹۰)، سید فرشادمحمد۱۱ متولد (۱۳۹۶)،

سید نعمت الله۱۰ بن سید نورالدین متولد (۱۳۵۷)، کارمند شرکت نفت در اهوازاست و تاکنون یک پسر دارد سید رضا ۱۱ متولد (۱۳۹۵)،

سیدمحمدعلی ۹ بن سید محمدشریف معروف به (امام شوشتری) نویسنده‌ای فاضل وشاعر بود، مقدمات عربیت را از برادرش سید نورالدین خوانده و مدتی در درس خالویش

مرحوم حاج شیخ محمدکاظم استفاده منطق و معانی بیان کرده است *
شرح حال وی در مقدمه (دوازده مقاله تاریخی) که در (۱۳۵۳ شمسی) منتشر شده مذکور است ، به خلاصه اینکه وی در (۱۳۲۰= گلشن خشک) در شوشتر متولد و پس از تحصیلات مذکوره به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و بخدمت وزارت معارف درآمد ، و پس از دوازده سال بوزارت دارائی وارد و باداره‌گمرک منتقل ، وبه مقامهای مستشار فنی وزارت گمرکات ، ریاست امور قضائی کل گمرک ، وریاست گمرک تهران رسید ، و در همان اوقات وقتی فراغتی میبافت به مطالعه میپرداخت ، و در (۱۳۷۷) بازنشسته شد ، و چون بزبان عربی آشنائی و تسلط کامل داشت در (۱۳۸۶) رئیس بخش عربی کتابخانه پهلوی گردید ،آثارقلمی داشته‌که‌بعضی‌بطبع رسیده‌وعبارت‌است‌از: اول طول‌وعرض شهرهای قدیم ایران ، دوم تاریخ مقایسات ونقود در حکومت اسلامی ، در (۱۳۳۹ شمسی) چاپ شده ، سوم فرهنگ واژهای فارسی در عربی در (۱۳۴۷شمسی) چاپ شده و شامل بیش ازسه‌هزار ریشه لغت فارسی است که در زبان عربی وارد شده و گواه بر تتبع وی در این زمینه‌است ، چهارم مقالات متفرقه ، که نه‌مقاله در یادنامه‌فرهنگی چاپ شده ، و مقداری در (مجلـــه بررسیهای‌تاریخی) منتشرشده ،وپس‌از وفاتش از طرف آن مجله ،آن‌مقالات‌را‌با‌نام (دوازده مقاله تاریخی) در (۱۳۵۳ شمسی) چاپ نموده‌اند بطوریکه سبق ذکر یافت ، درمقدمه‌آن ، شرح حال او را نوشته و بیست وشش اثر علمی بوی نسبت داده‌اند که اول‌تاریخ‌جغرافیائی خوزستان تالیف برادرش میباشد ، یک مقاله هم در ایام توقف در شوشتر از وی منتشـــر گردید که با انحراف فکری تواءم بود ویکی ازنویسندگان معاصر ردی برآن نوشت که آنهم منتشر شد ولی بعدها خود از آنکار پشیمان شد و ندامت خود را بوسیله روزنامه ها اعلان نمود ، پنجم نامنامه‌جغرافیائی‌ایران‌است که‌ناتمام‌است ، درجلدسوم‌کتاب‌فراماسون** نام و عکس با فرم مخصوص از وی چاپ شده است ، در (مؤلفین کتب چاپی ۴ : ۱۳۳) پنج کتاب بوی نسبت داده که بعضی ازآنها در دوازده مقاله تاریخی مزبور یادنشده‌اندوعکس همنام او را بجای عکس او چاپ کرده ،
وفات وی در شعبان (۱۳۹۲= فرزند مضطرب) درلندن که برای معالجه رفته بود واقع و جنازه‌اش را به تهران منتقل و در حسینیه رحمتی در شرق صحن مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون گردید ، دو پسر باز نهاد سید محسن ۱۰ مهرداد ۱۰ ،
سید جلال الدین ۹ بن سیدمحمدشریف معروف به سید جلال امام جمعه متولد (۱۳۳۸) ، مدتها در شرکت نفت با سمتهای مهمی مشغول خدمت بود ، واکنون مشاور پتروشیمـی در تهران است ، در زبان انگلیسی تسلط کامل دارد ، و مقالاتی به آن زبان و بفارسی از وی

* شجره طیبه
** تألیف اسماعیل رائین معاصر ،

منتشر شده ، وعضو انجمن ستاره شناسان امانوری انگستان در ایران است ،
کتاب اقمار مصنوعی که ترجمه است ودر سال (۱۳۳۶ شمسی) چاپ شده ، و کتاب ماه که با تقریظ مرحوم دکتر هشترودی در (۱۳۴۸ شمسی) بطبع رسیده ، هرودازاومیباشند ، سه پسر دارد ایرج ۱۰ ، سید شریف ۱۰ ، سید علی ۱۰ ،
سید محمد ۹ بن سید محمد شریف مهندس کشاورزی از هندوستان و کارمند شرکت نفت در تهران است و دو پسر دارد : سید امیر ضا ۱۰ ، سید امین ۱۰ ،

مرحوم آقای سید نورالدین امام

مرحوم آقای سید محمد علی امام شوشتری

آقای سید جلال امام جمعه

آقای سید عبداله امام

بسمه تعالی شانه

هدیة من العبد الذلیل الحقیر اقل العباد محمد رضا بن محمد جواد الی المولی الجلیل النبیل
اسوة العلماء الراسخین وقدوة الفقهاء الکاملین غوث الانام ومروج الملة
والاسلام وملجا الخاص والعام الذی عجزت الالسن عن عد محامده وفضائله
وکلت الاقلام عن حصر محاسنه وفواضله نور حدقة السیادة ونور حدیقة
الجلالة والنبالة حائز قصبات السبق فی المعقول والمنقول والحاوی لکل سعادة
وکمال باتفاق العقول ملاذ المسلمین واکمل المجتهدین وافضل المتاخرین بل
والمتقدمین المؤید من الرب الاحد الحاج السید عبد الصمد من الله تعالی
علینا وعلی سائر المسلمین بطول بقائه وجعلنی من کل محذور فداه

خط آیت الله شیخ محمدرضا معزی

خاندان ادیب ، امام زاده ، امین التجار ، امین زاده ، جزائری ، شوشتریان ، عطـار ، کاظمی ، نجابت ، نجفی ، که اعقاب باقی پسران سید حسین ۶ بن سید عبدالکـریـم ۵ مذکور در (شکوفه چهارم) میباشند ،

سید احمد ۷ پسر دوم سید حسین۶ مزبور ، سیدی جلیل وفاضلی نبیل ، بهتجارت امرار معاش مینموده ، وچون معاصر جناب حاجی سید احمد ۶ ابن حاجی سیدمحمد ۵ جد سوم نگارنده بوده و هر دو در شوشتر میزیستهاند برای امتیاز او را حاجی سید احمد کوچـک میگفتهاند* ، در شجرهطیبه او را پسر چهارم پدر دانسته که اشتباه است ،

در تتمه الشجره فرموده (حاج سید احمد بن حسین . . . . عم مرحوم والدوجدامی حقیر مدتی مشغول تحصیل علم بوده در نجف با مرحوم حاج سید محمد بن محمدتقی بن محمد ابن ابوالحسن بن عبدالله ، باکمال قناعت وریاضت وشدت ، بحدی که قوت غالب ایشان نان وسرکه بود وبعداز آن مشغول شد بهتجارت تا آخر عمر ، و حقیر در خانه او دیدم از آثار تجارت ، قدری دفتر تجارتی کهمحاسبات ایشان در آنها نوشته بود و قدری قالـب قند سازی که در آن زمان در شوشتر قند میساختند و آن قسم قند را میگفتند قند شهری مقابل قند ارسی که ازآن جانب میآوردند ، و از آثار علمیه ،کتاب شرح نظام و منبع البکاء از فاضل برغانی و کتاب دیگر که تمام آنرا ارضه ** خوردهبودمگر مقدارکمی ازاوائلش که مشتمل بود بر آداب سفر واینکه وقت سوار شدن بردابه بگوید سبحان الذی سخرلنا الخ ، وصاحب بوستان پیغمبر که نوه او است مینویسد (پس از تحصیلات بشوشترمراجعت نمود ، سعی در ارشاد و هدایت مردم داشت ، بغایت متقی وپرهیزگار با اخلاق حسنه بود ، نقل کرد برایم جناب نخبة الاخیار حاجی عبدالحسین نمکی از مرحوم والدش حاجی محمـد کمال که گفت سالی عازم حج بیت الله بودم ، حسابهای خود را تصفیه ، مبلغی از خمس سادات بذمهمن بود ، خواستم مقداریازآن را به مرحوم حاجی سید احمدبدهم بخانهاش رفته درکوبیدم خود سید در را باز نمود وجه را باو داده ، پرسیداین چهپولی است مطلب را گفتم ، فرمود بسیار خوب عجالتا " باشد نزد خودت و کمی تاءمل نما تا بیایم ،رفت در خانه فرشی آورد زیر دالان پهن نمود فرمود بنشین حالا که میخواهی مکه بروی مسائلت را باید یاد بگیری ، بعد چند مساله را برایم بیان نمود آنوقت فرمود پولها را بده ، اینطور که ما از شما مستفید میشویم شما هم باید از ما استفاده بنمائید ، و دراواخرمشغول تجارت شد تا آنکه در سال وبائی در شوشتر وفات نمود) ،

---

* تتمة الشجره وکتانیاف ،

** ارضه موریانه را گویند ،

سه پسر از وی مخلف شد : سیدمحمود۸ ، سید محمدعلی ۸ ، سید ابوالقاسم ۸ ،
دو نفر اول در سن طفولیت در سال وبائی درگذشتند بطوریکه در بوستان‌پیغمبراست ،در شجره طیبه نفر دوم را ننوشته ،
سید ابوالقاسم ۸ بن سید احمد ۷ عالم عامل و مدرس کامل ، در اجازات المشایخ و ، بوستان پیغمبر ، وشجره طیبه ، و (نقباءالبشرا : ۶۰۰) ، * مذکور است ،
در بوستان پیغمبر که تالیف فرزند او است چنین مسطور است ((سید ابوالقاسم والد نگارنده این سطور متولد (۱۲۸۱= فارغ) عالم فاضل مدرس متصلب در دیانت ، زیاده بر بیست سال در نجف اشرف ساکن و به‌تحصیل علوم دینیه مشغول ، تلمذ ایشان قدری نزدمرحوم آقا سید محمد معلم ، و درس خارجرا از محضر یگانه زاهد ودانشمند بزرگ آقا سید مرتضی کشمیری ، و مرحوم میرزا حبیب الله رشتی ، و مرحوم آقاسیداسماعیل‌صدر، و مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی استفاده نموده و تقریرات درس اساتید خود رانوشته، و از آقای کشمیری اجازه روایتی داشتند ، پس از آن بشوشتر مراجعت نموده ، موقعی بود که مدارس علمیه شوشتر مخروبه و اهل علم منحصر بهمان چند نفر پیر مرد بود ، درنظر گرفتند که برای دوره بعد روحانی تربیت بنمایند ، منبرها رفته گفتگو ها نموده تا آنکه بالأخره موفق شده با همت بعضی از اهل خیر ، مدرسه جد اعلی را تعمیر نموده ، زیاده بر یکصد نفر از اهل شوشتر و اطراف آن در آنجا جمع شده ، فرش وکتاب برای‌مدرسه تهیه و غالب ماهها و جهی نیز از اهل خیر برای طلاب میرسید که‌تقسیم بر آنها میشد ،وقبل از تشکیل مدرسه ، درخانه و بعدا" در مدرسه ، حوزه درس شرح لمعه و مکاسب و رسائل داشتند و اقامت جماعت در مسجد میرشکار داشته تا (۱۳۴۹) چند روزی اهواز تشریف برده ، اهالی آنجا درخواست توقف را نموده اجابت نمودند ، در مسجدی‌که‌جناب نخبه الابرارحاجی مهدی چیت ساز بنا نموده ** امامت داشتند ،ودرخانه‌تدریس مینمودند تا آنکه در (۱۹ــ ج۲ــ۱۳۵۴) داعی حق را لبیک‌گفته برحمت ایزدی پیوست)) ودرشجره طیبه گوید (حاج سید ابوالقاسم بن حاج سید احمد سیدی جلیل وفاضلی نبیل‌است ،در قدس و تقوی وغیرت در دین معروف و به‌صفات حمیده موصوف ، چندسالی درنجف‌اشرف

در نقباءالبشر نسب او را احمد بن عبدالکریم نوشته گاشتباه‌است ،

آنمرحوم دومسجد دراهواز بنا نمود یکی بنام مسجد چیت ساز معروف است که صاحب‌عنوان در آن اقامت جماعت نموده ، دیگری (مسجدالمهدی) نام دارد که مرحوم استاد عالیقدر شیخ الفقهاء حاجی‌سید علی‌بهبهانی (۱۳۰۳ــ۱۳۹۵) درآن امامت داشته ، و بدین جهت به مسجد آیةالله بهبهانی معروف است ، و سید مرحوم دارای تألیفات مطبوعه‌است ودوکتاب در شرح حال‌وی‌بنام (ارمغان‌اصفهان) و(آیةالله‌بهبهانی) نوشته شده وبچاپ رسیده‌اند ،

از حوزه درس مرحوم مامقانی * و میرزا حبیب الله رشتی اخذ علم نموده‌وچند سالی در مدرسه جزائریه شوشتر تدریس میفرمود ، ودراهواز بامامت وارشاد مشغول بودودر (۱۳۵۴) درگذشت)و چناکه دیدی تاریخ وفاتش را بهفته نهفته گذاشته‌اند و آن روز۴ شنبه‌بوده بطوریکه‌صاحب اجازات المشایخ در اجازه‌ایکه برای مرحوم علامه‌میرزامحمدعلی اردوبادی ** نوشته ،تصریح کرده ودرباره اش فرموده ((العالم العامل الفاضل الکامل و الزاهدالورع التقی النقی خالی وابن عم والدی زین الفضلاء الاعاظم الحاج سید ابوالقاسم عن نادره الزمان فی العلم والعمل والزهد والتقوی و امثالها من الفضائل الکمالیه والصفات المرضیه الالهیه السیدمرتضی بن مهدی بن محمد بن کرم الله الکشمیری النجفی الحائری المتوفی والمدفن (۱۳ــ شوال ــ۱۳۲۳) ، و هوکان من تلامذته اخذابسیرته من تـــرک الشبهات واجتناب الملتبسات . . . و کان مدة مدیدة فی اقامته بالنجف الاشرف یحضـر بحثه الخاص به وباحاد من امثاله من نوادر الطلاب والاخیارفی الفقه الخارج . . .ویحضر درس غیره من العلماء العاملین والفضلاء الکاملین . . . تم رجع الی شوشتر و اشتغـل

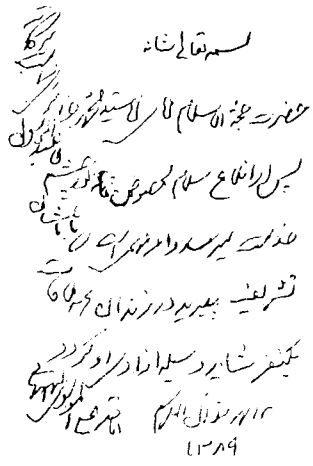

خط مرحوم آیت الله بهبهانی

---

* شیخ محمدحسن بن عبدالله مامقانی نجفی متوفی (۱۳۲۳) از اعاظم شاگردان شیخ انصاری بوده ، و فرزندش (مخزن المعانی) را در ترجمه او نوشته ،

** متولد (۱۳۱۲) ومتوفی (۱۳۸۰) ، فقیهی جلیل القدر زاهد ونویسنده‌ای توانا وادیبی بزرگ صاحب تالیفات واشعار مغلقه‌بعربی بوده‌که‌صاحب الغدیر از وی استفاده و به شیخنا الاوردبـادی از وی تعبیر کرده ، و قدری از اشعار او را در شهداءالفضیله نقل نموده ، ردی برقاضی و هابیه به مناسبت هـدم قبور ائمه بقیع علیهم‌السلم نوشته وشرح حال ابراهیم بن مالک اشتر ، وترجمه‌امامزاده‌حضرت سیدمحمد فرزند امام دهم علیه‌السلم که‌هرسه‌چاپ شده ، اجازات زیادی داشته واجازات مفصله‌ای‌برای‌بعضی نوشته از آنجمله برای ابن عم محترم آقاسید محمدکاظم جزائری سلمه‌الله‌تعالی مورخ(۱۳۵۸) ، شرح حال وی در (الکنی والالقاب ۲ :۱۷) آمده و یگانه کسی از احیاء بوده که در عنوان مستقل در آنکتاب ترجمـــه شده ، در (نقباءالبشر ۴ :۱۳۳۲) و غیره نیز مذکور است ،

بوظائفه‌من‌التدریس وامامه الجماعة والوعظ وارشاد الناس وترویج الدین المبین واحیاء سنن سید المرسلین علیه و آله‌افضل صلوات المصلین باي نحو یقدرعلیه ،حتی‌انه‌اذارای من‌کان اهلالامامة الجماعه جعله اماما وائتم به‌فی صلوه‌المغرب وصلی‌العشاء منفرداليرغب الناس فی الاقتداء به‌الخ)) آنگاه وفات او را همانطور که‌گفتیم روز چهارشنبه (۱۹ـ ج۲ـ ۱۳۵۴= شاح نبات) نوشته ، و مدفن وی در اطاق جنب بقعه علی‌بن‌مهزیاردراهوازاست، مرحوم حاج سید ابراهیم محمدی متخلص به رجاء و حاج سید محمدحسن آل طیب (سلمه الله‌تعالی) که هر دو از اجلاء علماء سادات جزائری هستند او را مرثیه گفته‌اند ، و ما در اینجا قسمتی از آنمرثیه ها را ثبت میکنیم

مرحوم رجاء فرموده :

چنان فسرده دلم از حوادث ایام — که روز در نظرم تیره‌تر بود ازشام
بهر رهی گذرم بردلم زگردش‌چرخ — چه‌سنگ‌حادثه‌غم‌میرسدبهردروبام
نظر بهرکه‌کنم همچه‌من‌بود غمگین — زاهل‌ایمان مرد وزن خواص و عوام
خصوص‌زمرمه‌سادات پور(نورالدین) — زنسل‌حضرت (سیدجواد)و(عبدسلام*)
چه‌روی‌دادکه‌بهرتسلی (احمد)** — روند زمره ارواح انبیاء عظام
عزای‌کیست‌که‌با آه وزاری و افغان — بروی‌خاک‌سیه (مصطفی***)نموده قیام
یگانه حامی دین نبی‌ابوالقاسم — سلیل‌احمدونجل‌حسین‌وپورامام****
بحار فضل و هنرمنبع علوم‌وکمال — در آسمان شرف‌حضرتش‌چوبدرتمام
چنانکه زمره طلاب علم درشوشتر — زیمن حضرت او گشته عالم و علام
گذاشت عالم فانی‌وشد بدار بقاء — ز دست ساقی کوثر گرفت کاس مدام
زآتش‌غم‌اوگرچه‌جان‌خلقی‌سوخت — ولیک حضرت‌باری‌زلطف‌ورحمت عام
نموده‌جبر وتدارک به‌پور نامی او — سمی ختم رسل مصطفی ملاذ انام
اگر دواند بصورت‌یک‌اند‌درمعنی — چه فرق‌نیست‌بمعنی‌میان کینه و نام

و آقای آل طیب (دام بقاؤه) فرماید :

هزار حیف‌که‌ازسیرچرخ بدآئین — شد آفتاب شریعت نهان بزیر زمین
جه‌حاج‌سیدابوالقاسم ازسرای‌فنا — ببست‌رخت‌وشداندرجنان‌عدن‌مکین

---

* دو نفر اول از اجداد آنمرحوم و نفر سوم جد مرثیه سرا است که برادر سیدجواد مذکوراست ،

** پدر آنمرحوم‌است ،

*** فرزند آنمرحوم ،

**** در این بیت نام ونسب آنمرحوم ولقب‌او که امام است بیان شده‌وایماثی بسیادت‌و امامزاده بودنش‌هم دارد ،

بهارفصل خزان زین فجیعت کبری　　شده است ثلمه بدین زین مصیبت سنگین
همیشه تربت او باد مهبط رحمت　　که علم وفضل وورع گشته در تراب دفین
بروز نوزدهم از جمادی الاخـری　　هزاروسیصدوپنجاه وچار بد ز سنین

وقصیده دیگری هم باین مناسبت سروده ودر آخر آن نام فرزندش حاج سیدمصطفی وملکات فاضله او را یاد کرده ، از آنمرحوم دو پسر مخلف شد : حاج سید مصطفی ۹ ، سید محمد ۹ ، که لقب هر دو امامزاده است ،

حاج سید مصطفی ۹ امام زاده فرزند ارشد حاج سید ابوالقاسم ، عالمی با دیانـت و برجاحت عقل و فطانت ممتاز بود ، در بوستان پیغمبر شرح حال خود را چنین نگاشتـه ((اسم مصطفی ، نام فامیلی امامزاده ، تولدروز (۱۴ــ محرم ــ ۱۳۲۱ = بخت کامران باد) ، در نجف اشرف * دو سال داشتم که با مرحوم والد بشوشتر آمده هفت ساله بودم کـه ابتداء نزد جده‌امی و بعدا نزد آقا سید عبدالله امامزاده فرزند مرحوم آقاسیدابراهیم که از تلامیذ مرحوم پدرم بود خواندن و نوشتن را یادگرفتم ، نه‌ساله‌بودم که‌نزدسیدمذکور تصریف را خواندم والفیه را نزد عمه‌زاده‌ام آقاسید محمدعلی فرزند آقاسید بزرگ امام ، و ابن ناظم و مغنی را نزد مرحوم والد و مرحوم حاج سید محمدعبونوئی ، قدری ازشرائع را خدمت آقا سید محمدعلی شیخ الاسلام ، حاشیه ملاعبدالله‌وشرح شمسیه را نزد مرحوم حاجی سید محمد حسین نوری ، و قدری از شرح مطالع را نزد مرحوم آقا سید ابوالحسن آل محمد ، ومطول‌رانزد مرحوم‌آقاسید محمدمهدی آل طیب ، قوانین وخلاصه‌الحساب‌را نزد مرحوم آقا سید بزرگ آل طیب و مرحوم آقا سید محمدتقی شیخ‌الاسلام ، و قدری از معرفه‌التقویم را نزد مرحوم آقاسیدمحمدمنجم خواندم ، ودر (۱۳۴۴) بنجف‌اشرف‌مشرف رسائل راخدمت مرحوم آقاشیخ نعمت الله دامغانی و مرحوم شیخ محمدحسین‌رشتی‌حائری وتقریرات مرحوم انصاری را نزد شیخ عبدالله‌قوچانی ، ومکاسب را نزدمرحوم شیخ محمد کریم نیشابوری ومرحوم شیخ حبیب اردبیلی ، و کفایه‌وقدری درس خارج طهارت شیـــخ انصاری را نزد میرزا ابوالحسن مشکینی خواندم ، در (۱۳۴۶) بشوشتر مراجعت‌ودرمسجد ابولی محله موگهی امامت داشتم ، در (۱۳۴۷) مسافرت به افریقای شرقی زنگبار ، تنکا نیکا ، جزیره ماداکاسگار ** نموده در آنجاها بوظیفه‌شرعیه‌اشتغال داشتم ، دراواخر (۱۳۴۸) مراجعت نموده در مسجد ابریشمکار امامت داشتم در (۱۳۴۹) که‌مرحوم والـد اهواز تشریف برده بدرخواست بعضی مقیم شدند ، نگارنده را طلبیده‌هروقت بواسطه‌ضعف مزاج نمی توانستند مسجد تشریف ببرند بنده‌میرفتم امامت مینمودم ، چهارپنج ماه‌بعداز

در (الذریعه ۴ : ۲۳۶) تولدش را (۱۳۲۰) نوشته که اشتباه است ،

** یکی از دوستان آنمرحوم بدین مناسبت در وصفش گفته بود :

سیدی عالی نسب والا تبار　　حجة الاسلام ما داکاسگار

وفات ایشان باعائله‌بنجف‌اشرف مشرف شده ، یک دوره‌درس‌اصول‌خارج‌آقاشیخ ضیاء الدین عراقی ، وچندی درس خارج مرحوم آیة‌الله‌حاج شیخ محمدحسین اصفهانی ، و چند وقتی درس فقه مرحوم شیخ محمدعلی کاظمینی ، و درس اصول خارج حاج سید ابوالقاسم‌خوئی و فعلا" در درس فقه واصول آقاسید محمود شاهرودی حاضر میشوم))

نگارنده گوید درس مرحوم آیة‌الله‌آقاسیدابوالحسن اصفهانی رانیزدیده‌بطوریکه‌خودبرایم نقل نمود ، ودرسال (۱۳۷۴) مجددا" به‌نمایندگی ازطرف مرحوم آیة‌ الله حاج آقا سید حسین بروجردی رهسپار افریقا وزنگبار گردید ، و با زبان محلی‌آنجاکه‌آشنائی‌کامل‌داشت به‌ترویج دین وارشاد عباد پرداخت و پس از چندی بنجف برگشت تا آنگاه که‌برحمت حق پیوست ، آنمرحوم مردی خلیق وخوش محضر بود واز مسافرتهای دور خود داستان هائی برای نگارنده نقل فرمود از آنجمله بیان داشت * در یکی از اسفارکه باخاله‌زاده‌ام همراه بودم ، مردی شیاد انگشتری را که‌بی ارزش بود با ارزش و منحصر بفرد معرفی کرده بود ، و پسر خاله‌ام میخواست آنرا با وجهی سنگین از وی بخرد ، من آن انگشتری را از اوگرفته و گفتم چون این انگشتری‌تک وبی‌نظیر است من هم طالب آن هستم واین سبب اختلاف بین ما دو نفر خواهد شد ، اگر متعدد بودند هر دو از تو میخریدیم ، پس دست درجیب برد و یکی دیگر مشابه آن درآورد آنرا گرفتم و گفتم من دو همسر دارم و این انگشترها را برای آنها میخواهم و خاله‌زاده‌ام محروم میماند ، پس دیدم که‌یکی دیگر بمانشان‌دادپس باوگفتم این سه‌را به‌مبلغ سه‌ریال طالبیم در حالیکه‌طبق گفته‌او بیش از هزار تومان ارزش داشتند پس از این حرف من بسیار ناراحت شد و شروع بداد و فریاد نمود وبالاخره قبول کرد و آنها را به سه ریال خریدیم ، اتفاقا روزی داخل شهر میگشتم چشمم بمرادی درکنار خیابان افتاد که‌مقدار زیادی از آن انگشترها را برای فروش‌آورده بود رفتم نزد اووقیمت را پرسیدم گفت دانه‌ای نیم ریال است ،

مرحوم حاج سیدمصطفی۹جلد دوم زهرالربیع ومقامات النجاه‌جداعلی وبعضی ازتالیفات آقاسید عبدالله ۳ را استنساخ کرده بود ، وکتاب اول از روی خط او در نجف اشرف‌چاپ شده وتازکی افست گردیده ،

تالیفاتی هم بدن شرح داشته :

اول بوستان پیغمبریاخاندان سادات جزائری‌شوشتر ،که ماازآن نقل کرده‌ودرمقدمه‌نام‌اورا برده‌ایم ،

دوم تعریب رساله شرفیات درآنکتاب مذکوراست ،

سوم تفسیرآیات بینات در فضائل اهل بیت سید کائنات در (الذریعه۴ : ۲۳۶) مذکور است *

* درآنجا فرموده یک جلد بزرگ است نزد مؤلف ،

چهارم تقریرات بعضی از دروس خود ، در کتاب اول آنرا نام برده
پنجم گلستان پیغمبر در حالات مرعشیان شوشتر در (۱۳۷۳) چاپ شده* ، در مقدمه آن گفته (والصلوةوالسلام علی صفیه من خلقهومجتبیه المصطفی وآلهالمخصوصین بالطهارةوالتنزیه) بطوریکه مشاهده میشود مجتبیه در اینجابصورت اسم فاعل بی جاوصحیح آن مجتباه بصورت اسم مفعول است ،
وفاتش در (ج۲ــ ۱۳۸۳= صاحب افتخار) واقع و در وادی السلام نجف اشرف بخاک سپرده شد ،
(از آنمرحوم شش پسر بیادگار ماند : سید مرتضی ۱۰ ، سید ابوالقاسم ۱۰ ، سیداحمد ۱۰ ، سید محمود ۱۰ ، سیدمحمد ۱۰ ، سید رضا ۱۰ ،
سید مرتضی ۱۰ متولد (۱۷ــ ذح ــ۱۳۵۷) ساکن اهواز وشغل آزاد دارد ، ودارای دو پسر است سید عباس ۱۱ متولد (۱۳۸۰) و سید مصطفی ۱۱ متولد (۱۳۸۶) ،
سید ابوالقاسم ۱۰ متولد پنجشنبه (۱۷ ــ شوال ــ۱۳۶۳) دکتر در ریاضیات از دانشگاه لندن و استاد دانشکده نفت آبادان است ، وتاکنون یک پسر دارد سید مصطفی ۱۱ متولد شب (۱ــ ع ۲ــ۱۳۹۷) ،
سید احمد ۱۰ متولد (۲۰ــ ج ۲ ــ ۱۳۶۵) ، لیسانسیه در ادبیات عربی است ،وتاکنون یک پسر دارد:سید شهاب ۱۱ ،
سید محمود ۱۰ متولد (۱۸ــ شعبان ــ۱۳۶۷) مهندس راه وساختمان است و یک پسر دارد سید علی ۱۱ نام
سیدمحمد ۱۰ متولد (۵ــ ذق ــ۱۳۶۹) فوق لیسانس ادبیات عرب ازدانشگاه تهران واکنون دبیر روحانی بعضی از دبیرستانهای ملی پایتخت است ،
سیدرضا ۱۰ متولد (۱۳۸۱) چون پس از تالیف بوستان پیغمبر متولد شده درآنکتاب مذکور نیست ،
وسیدمحمد ۹ امامزاده بن سیدابوالقاسم ، متولد (شوال ــ۱۳۳۷) در شوشتر ، دبستان رادر اهواز طی نموده وتصدیق گرفته** و در رشته کسب داخل شده ، مدتها مقیم نجف اشرف بوده واکنون در تهران است و سه پسر دارد : سید محمدجواد ۱۰ متولد (۸ــ ع ۱ــ۱۳۶۷) سیدعبداله ۱۰ متولد (۳ ــ ع ۲ــ۱۳۶۹) ، سیدحسین ۱۰ متولد (۱ــ شعبان ــ۱۳۷۴) ،
وسیدمحمدجواد ۷ سومین پسر سید حسین ۶ بن سید عبدالکریم ۵ ، سیدی فاضل وزاهدو

---

* وبمناسبت این کتاب در (مؤلفین کتب چاپی ۶: ۲۰۷) ترجمه‌اش را از روی خط سید محمد جزائری (نگارنده) آورده و در (معجم رجال الفکر والادب: ۴۳) نیز مسطور است ، و در نابغه فقه و حدیث: ۳۲۴ وفات او (ج۱) نوشته شده که تصحیف (ج۲) بوده ،

** بوستان پیغمبر

مرحوم حاج سیدمصطفی امامزاده

دکتر سیدابوالقاسم امامزاده

آقای سیدمحمد امامزاده

آراسته و وارسته بود واوقات عمر شریف را بعبادت و تدریس صرف مینمود* نسخه‌ای از شرح الفیه ابن ناظم مورخ (۱۲۶۲) بخط او دیده‌ام ، در (۱۳۰۰=غرق) وفات کرد* و در نجف اشرف در وادی السلام نزدیک مقبره حاج سیدکریم‌هندی** مدفون گردید ،

---

* شجره طیبه

** حاجی سید کریم بن سید محمدبن سید احمد بن سید عبداله شوشتری متوفی(۲۰ ـ ع ۲ـ ۱۳۱۵) چون بمنظور تجارت به هند رفته به هندی معروف شد و مقبره او در جنوب وادي السلام نجف اشرف نزد شوشتریهای مقیم آنجا معروف است . فرزندان متعددی داشته از آنجمله سید ابوالحسن وسید محمد وسید اسدالله وسید علی محمد که کتانباف آنها را نامبرده و دارای اعقابی‌بوده‌اندکه‌خانواده‌های مرتضوی و مصطفوی و مهدوی را بوجود آورده‌اند . سید ابوالحسن بن حاجی سید کریم پدر حاجی سید احمد مرتضوی بازرگان نیکوکار بوده که فرزندانش از محترمین و یکی از آنان حاج سید محمد علی‌مقیم تهران نماینده سابق مجلس است .

سید محمد بن حاجی سید کریم از چکامه سرایان و خوشنویسان با ذوق خوزستان ادیبی شاعر متخلص به سعادت بوده ، اشعار فارسی ومحلی سروده ، ومجموعه‌ای بنام (چمن عشاق) داشته ،ودیوان‌شباب (۴) شوشتری در (۱۳۱۰) از روی خط او در بمبئی چاپ شده و در صفحه ۹ اشعاری از شباب در مدح او دیده میشود از آنجمله

به تشریف سیادت گشته فاخر — سرد گر خوانمش کنز المفاخر
سعادت کرده‌کسب‌ازفیض‌سرمد — محمد نامش ازاصل محمد
نهالی که کمالش بد اقـامت — کریمش باب خود باب‌کرامت

آنمرحوم از راه شکسته نفسی‌دوبیت‌اخیررا از نسخه چاپی انداخته ،

ما شرح حال و نمونه‌ای از اشعار او را در (دانشوران شوشتر) آورده‌ایم و در اینجا بیت اخیرغزل‌حافظ را که تضمین نموده در مرثیه حضرت علی اصغر علیه‌السلام نقل‌نمودیم .

نه کشد تشنه کسی طفل ز مهمان حافظ — گر کشد هم نزند تیر بدینسان حافظ
ز سعادت‌عجب‌است چون ندهدجان حافظ — نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چکنم بازی ایام مرا غافل کرد

وفات مرحوم سعادت در حدود (۱۳۲۳) بوده ،

و آنمرحوم پدر مرحوم حاج سید محمدحسین مهدوی متولد پنجشنبه (۴ـ ذق ـ۱۳۰۸) و متوفی (۲۶ ـ ←

یک پسر از وی یادگارماند سیدعبدالکریم ۸ که او نیزفاضلی خمیده‌صفات بود و در مسجد مهی امامت مینمود ،و در(۱۳۲۶= مغفور) در نجف اشرف مرحوم ودرنزدیکی مقبره‌مذکوره مدفون گردید ،

در (بوستان پیغمبر) پسری دیگر بنام سیدمحمد برای سید محمدجواد ۷ نوشته و او را بلاعقب معرفی کرده ، و آن اشتباه است

ومسجد مهی درشوشتر اکنون خراب شده ، ووجه تسمیه‌اش آنستکه درخت خرمائی در آن بوده که بزبان شوشتری انرامه باضم میم وسکون ها گویند * و از سید عبدالکریم ۸ مزبور سه پسر مخلف گردید: سید محمد حسین ۹ ، سید علی ۹ ، سید مهدی ۹ ،

سیدمحمدحسین ۹ ملقب به‌نجفی نیکوسیرت خوش اخلاق سالها درنجف اشرف مجاور، مقدمات و یک اندازه از سطوح را دیده و در اواخر مقیم اهواز شده ودرمسجدجزائری** امامت داشت در شب جمعه (۱۸ــ ذق ــ۱۳۶۱= غفار حسیب) پس از خواندن نمازمغرب درمسجد مزبور عطسه ای نمود و بسجده افتاد و خرخره‌ای از اوشنیده شد وبی حرکت ماند ، دکترآوردند او را معاینه‌کرد ، معلوم شد باسکته درگذشته ، جنازه‌اش را پس از چندی به‌نجف اشرف حمل و در وادی‌السلام دفن نمودند نسخه‌ای از (الذخیرة الابدیه) را که ناقص بوده در(۲۸ شعبان ــ۱۳۴۱) تکمیل کرده ، یک پسر از وی مخلف گردید :

ذق ــ۱۳۹۳)مقیم اهوازبوده که او هم اهل ذوق و با کمال و دارای خط نستعلیق زیبا و انشائی‌روان‌بوده و جلد اول (وادی ایمن) را که نسخه‌اصل طعمه موریانه شد با خط نستعلیق زیبای خودنوشته‌ودرنوشتن آن اعمال ذوق و حوصله قابل تقدیری بکار برده‌که‌اورا در ردیف خوشنویسان خوزستان بلکه ایران قرار داده ، و چون آنمرحوم در ایام حیات در مقام تظاهر و ادعاء فضل نبوده وحتی نزد دوستان از آنجمله نگارنده گمنام مانده‌بود ما برای معرفی و تجلیل او این چند سطر را نوشتیم و عقیده خود را در بساره‌او ابراز داشتیم تا نامش از صفحه تاریخ محو نشود ، و ناگفته نماند که نسب حاجی سید کریم را هم ازروی خط او نقل کرده‌ایم .

مرحوم آقای سیدمحمدحسین مهدی

پسران دیگری مرحوم‌سعادت داشته که‌در قیدحیات نیستند بجز آقاسیدمهدی مهدوی‌متولد(ذح ۱۳۱۷) مقیم اهواز که در حال حاضر بزرگ خاندان خود است (سلمه الله) ،

* (واژه نامه‌ای از گویش شوشتری: ۴۶۱)

** سابقا " معروف بود به‌مسجد حاجی آقاجعفری ، منسوب به‌بانی و مؤسس معظم آن ، مرحوم حاجی سید محمد جعفر مجتهد جزائری فرزند آیه‌الله مرحوم حاجی سید عبدالصمد (قدس سرهما)جد نگارنده ،

سید حسن ۱۰ که لقب فامیلی خود را از نجفی به (جزایری) تغییر داده، تولدش (۲۰ـ رجب ۱۳۳۹) کارمند بازنشسته شرکت نفت و اکنون مقیم تهران است ، و دو پسر دارد : سید محمد ضیاء ۱۱ متولد (۱۳۶۹) ، سید محسن ۱۱ متولد (۱۳۷۱) ، که هر دواکنون در آمریکا مشغول تحصیل میباشند .

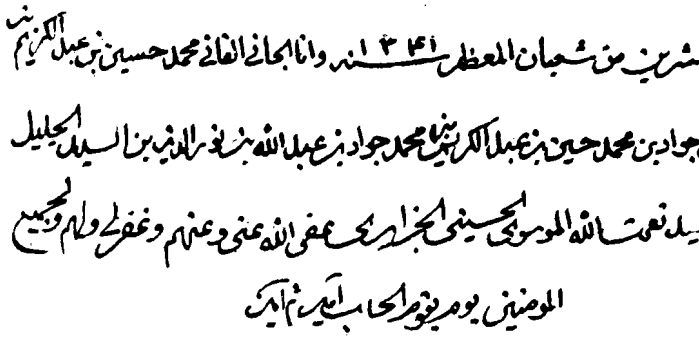

سید علی ۹ بن سید عبدالکریم ، مقدمات را دیده، مدتی در بمبئی وپس ازآن چند سال در نجف اشرف بود ، اخیرا" کسالتی عارض او شد او را بایران بردند * ، دراوائل (۱۳۶۱= مشت خاک) درشوشتر وفات نمود ، جنازه‌اش را بنجف برده در مقبره‌خانوادگی دروادی السلام دفن نمودند ، یک پسر از وی یادگار ماند :

سید محمد ۱۰ نجابت ، متولد بمبئی شب (۲۶ـ شوال ـ۱۳۲۶) ، در نه سالگی باتفاق مرحوم سیدعلی بن سیدمحمدعم مادرش بقاهره‌مصررفت ودرمدرسه‌فرانسویها (تارکان دنیا) به‌تحصیل تا دیپلم ادامه داد ، سپس به‌ایران آمد در تهران‌وخرمشهرواردخدمات دولتی گردید، تا (۱۳۸۵) که‌بازنشسته شد واکنون در خرمشهر است ودو پسر دارد : سیدمحمد تقی ۱۱ ، سید محمدرضا ۱۱ ،

سیدمحمدتقی ۱۱ ، طبق اظهار والدش ، تولدش در (۱۳۵۵) بوده‌وپرفسورمقیم بن‌پایتخت آلمان غربی واستادکرسی جراحی است و هنوز متاءهل نشده ،

سید محمدرضا ۱۱ ، بنابنقل والدش متولد (۱۳۶۵)و فارغ التحصیل رشته‌پزشکی ازدانشگاه پهلوی شیراز است ،

سید مهدی ۹ بن سید عبدالکریم ملقب به‌ادیب شوشتری ، متولد (۱۳۱۹= باغ شاهی) کارمند بازنشسته اداره‌دارائی مقیم تهران بود ، در روز یکشنبه (۱۵ـ شوال ـ ۱۳۹۶ = غفور علی) درگذشت ودر بهشت زهرا** مدفون گردید ، اولاد ذکوری نداشت ،

---

* بوستان پیغمبر

** قبرستان جدید تهران در راه قم نزدیک قریه کهریزک واقع است

مرحوم سیدعلی بن سیدعبدالکریم

آقای سیدمحمدنجابت

پرفسورسیدمحمدتقی نجابت

مرحوم آقای سیدمهدی ادیب

وسید علی اصغر ۷ چهارمین پسر سید حسین۶بن سید عبدالکریم ۵ ، خالی از فضیلتی نبوده و در مسجد جوراب دوزان شوشتر امامت مینمود ، در (۱۲۸۴= تیرخدنک) وفات نمود * ، و طبق اظهار نوه‌اش حاج سید علی عطار (سلمه الله تعالی) در سید صالح مدفون گردید ، از او دو پسر مخلف شد : حاج سیدمحمد طاهر ۸ ، امین التجار . سید عبدالحسین ۸ ،

حاج سیدمحمدطاهر۸امین التجار ، در (۱۲۸۰=باغ انگور) متولدوازاعیان وتجارمعظم خوزستان بود ، در (سلخ صفر ــ۱۳۵۳= غفار باسط) درگذشت** بعدا جنازه او را به‌نجف اشرف برده در وادی‌السلام دفن نمودند ، مرحوم ملا محمدکاظم فروغی روضه‌خوان شوشتری*** قصیده‌ای در مرثیه‌اش گفته ، از ابیاتش :

بازاین عزای کیست که‌چشم‌جهان‌تراست — گوش فلک ز ناله و احسرتا کر است
فوت پیمبر و حسن مجتبی گذشت — از چیست‌پس محرم‌تازه بشوشتراست
گویا که حاج سید طاهر امین شهر — رحل اقامتش بلب حوض کوثر است

* شجره طیبه ، و او راپسر دوم پدر نوشته ،

** شجره طیبه

*** فرزند مرحوم محمد طاهر وشاگرد برادرخود ملا محمدجعفر بوده ، تولدش در (۱۳۲۶) و در جوانی وفات نمود ، با مرحوم سید محمدرضای مرعشی متوفی درخرمشهر (۱۳۸۸) و مذکور در(گلستان‌پیغمبر : ۱۰۴) صاحب دیوان شعر ، رفاقت وصمیمیت داشته‌ونامه‌هائی بین آن دو رد وبد ل شده است ،

و در جریده (اصلاح:۶) شماره (۴۹) مورخ (۱ــ ذح ــ۱۳۲۷) نام امین‌التجارشوشتر دیده میشود و مرحوم حاجی ناظم شوشتری او را مرثیه‌گفته

شد تیره جهان بچشم اخیار از فرقت حاج امین التجار

دو پسر ازاومخلف گردید : حاج سیدمحمدحسن ۹ ،سیدمحمدی۹ ،که‌لقب‌هردو(امین‌زاده) است

حاج سید محمدحسن ۹ امین زاده متولد (۱۳۰۰= خشت) * از اعیان و ملاکان‌شوشتر بود ، در بوستان پیغمبر تولدش را در (۱۳۱۰) نوشته ، در شب سه‌شنبه (۲۳ــ ع ۲ــ۱۳۹۲ = انتظام) درگذشت ودرسیدصالح مدفون‌گردید ، پنج پسر مخلف نمود: سیدمهدی ۱۰ ، سیدابراهیم ۱۰ ، سیدفخرالدین۱۰ ، سیدخلیل۱۰ ، سیدجلیل۱۰ ،

بترتیب از راست به چپ ۱ــ مرحوم حاج سید محمدطاهر امین التجار۲ــ مرحوم آقا سید شریف امام ۳ــ مرحوم آقاسیدمحمدباقر امام ۴ــ مرحوم حاج سیدمحمدحسن امین زاده

سیدمهدی۱۰متولد (۱۳۲۹) ،پس از بازنشستگی به مشهد مقدس‌مهاجرت‌ودرآنجامجاورت اختیارکرده وسه پسردارد : سیدرضا۱۱ متولد (۱۳۶۲) ، سیدمرتضی ۱۱که‌سیدمحمدطاهر نامیده میشود متولد (۱۳۷۰) ، سیدمصطفی ۱۱ متولد (۱۳۷۲) ،

سیدابراهیم ۱۰ متولد (۱۳۰۰شمسی)مطابق (۱۳۳۹یا۱۳۴۰قمری= خلیل سیرت) کارمند بانک بود ، در چهارشنبه (۲ــ ج ۱ــ۱۳۹۵= مخاصمت کرد) داخل قطار نزدیک نیشابور به سکته درگذشت ، جنازه‌اش را به شوشتر حمل و در سید صالح دفن نمودند !!

* شجره طیبه

چهار پسر از وی یادگار ماند : سیدمحسن ۱۱متولد (۱۳۶۶) ،سیدحسین ۱۱متولد (۱۳۶۹) سید مجید ۱۱ متولد (۱۳۷۴) ، سید سعید ۱۱ ،

سید فخرالدین ۱۰ سومین پسر سید محمدحسن امین زاده متولد (۱۳۴۹) ، کارمنداداره قند وشکر ، یک پسر دارد سید علی ۱۱

سید خلیل ۱۰ چهارمین پسرش متولد (۱۳۵۶)

سید جلیل ۱۰ پسر کوچک وی متولد (۱۳۶۱)

سید محمدی۹ امین‌زاده ساکن‌شوشترمتولد (۱۳۱۹) * که‌در (بوستان پیغمبر) تولدش را (۱۳۲۴) نوشته شش پسر دارد : سید مجتبی ۱۰ ، سید ربیع ۱۰ ، ایـرج ۱۰ ، سیـد عبدالسلام ۱۰ ، سید عطاء ۱۰ ، سید نورالله۱۰ ،

سید مجتبی ۱۰ بن سید محمدی متولد (۱۳۴۶) سه پسر دارد : سیدداود۱۱ ،سید حمید ۱۱ ، سید امین۱۱ ،

سید ربیع ۱۰ بن سید محمدی متولد (۱۳۵۳) یک پسر دارد بنام سید علی ۱۱ .

ایـرج ۱۰ بن سید محمدی متولد (۱۳۵۵) یک پسردارد سیدمحمد۱۱ متولد (۱۳۹۳) ،

سیدعبدالسلام ۱۰ بن‌سیدمحمدی‌متولد (۱۳۶۰) هم‌فعلا "یک پسر بنام سیدمرتضی۱۱دارد

سید عطاء ۱۰ بن‌سیدمحمدی‌متولد (۱۳۶۶) ، سیدنورالدین ۱۰ بن‌سیدمحمدی‌امین‌زاده متولد (۱۳۷۹) معروف بسیدنوری است ،

سید عبدالحسین ۸ بن سید علی اصغر ۷ ، متولدحدود (۱۲۸۲= افتخار) و متوفی حدود (۱۳۴۷= یاغفار مجیب) ** و مدفون در نجف‌اشرف داخل صحن مطهر نزدیک ایوان اول،سمت راست کسیکه از در قبله وارد شود ، سیدی متواضع جلیل‌القدرساکن‌نجف‌اشرف بوده ودوپسر ازوی مخلف گردید : سید علی اصغر ۹ عطار ، سیدمحمدعلی۹شوشتریان ، سید علی اصغر ۹ معروف به سید علی عطار متولد (۱۳۱۱) ، سالها مقیم نجف اشـرف و مغازه سیگار فروشی داشت ، و اکنون ساکن کاظمین است و یک پسر دارد :

سید محمد ۱۰ متولد حدود (۱۳۵۳) ، لیسانسیه حقوق و دبیر،او هم ساکن کاظمین است وتاکنون اولاد ذکور ندارد ،

سید محمدعلی ۹ شوشتریان متولد (۱۳۲۷) کاسبی درستکار ،دارای‌صفات‌برجسته انسانی ودرفتوت ازنوادرروزگاراست ، چهارپسردارد : سیدعبدالحسین ۱۰ ،دکترسیدمهدی ۱۰ ، بهمن ۱۰ ، سیدمحمدرضا ۱۰ ،

سید عبدالحسین ۱۰ معروف بسید نورالدین ، متولد (۱۳۵۳) ، حسابدار سازمان آب‌وبرق

---

* شجره طیبه

** طبق اظهار فرزندش حاج سید محمد علی شوشتریان (سلمه‌الله) که هنگام‌فوت‌پدرش‌بیست ساله‌بوده ،

خوزستان‌است ،وتاکنون دوپسر دارد : سیدمحمدمسعود۱۱متولد (۱۳۸۱) ، سید سعید۱۱ متولد (۱۳۸۲) ،

دکتر سیدمهدی۱۰ شوشتریان فارغ التحصیل از دانشگاه اصفهان ودارای تخصص اطفال‌از دانشگاه تهران ورئیس گروه‌اطفال دانشگاه جندیشاپور اهواز بود واکنون برای دوره فوق تخصص در لندن بسر میبرد و تا کنون یک پسر دارد : سامان ۱۱ متولد (۱۳۹۶) ،

بهمن ۱۰ ، شوشتریان متولد (۱۳۵۹) ، کارمند وزارت خارجه در تهران ، تاکنون یک پسر دارد مهرداد ۱۱ متولد (۱۳۹۴) ،

سید محمدرضا۱۰.پسر کوچک سیدمحمدعلی شوشتریان متولد (۱۳۶۹) ، میباشد .

آقای سیدخلیل امین زاده

آقای سیدعلی اصغرعطار

آقای سیدمحمدعلی شوشتریان

آقای سیدعبدالحسین شوشتریان

دکترسیدمهدی شوشتریان

آقای بهمن شوشتریان

و سید علی۷ پنجمین پسر سید حسین ۶ امام را در شجره طیبه نام نبرده ، ودر بوستان پیغمبر و یادداشتهای کتانباف بلاعقب معرفی شده ،

و سید موسی ۷ ششمین پسرش را نیز در بوستان پیغمبر بلاعقب دانسته اما در شجره طیبه او راپنجمین پسر پدر نوشته وپسری بنام سید تقی برای او ثبت کرده واورابلاعقب‌دانسته، مرحوم کتانباف او را هفتمین شمرده وپسر مزبور را هم نام برده‌است ،

وسید علیمحمد ۷ هفتمین فرزندش بنابنوشته بوستان پیغمبر عقبی‌نداشته‌ودرشجره طیبه اصلا" مذکور نیست ،

وسید جعفر ۷ پسر هشتم سید حسین امام هم بلاعقب بوده، و خالی از فضیلتی نبوده، و به امر بمعروف و نهی از منکر بسی مقید بوده، و همه‌روزه دربازارشوشترمیگشت‌ومرتکبان خلاف را تنبیه مینمود، و محتملا" عکس موجود در سفرنامه دیولافوای فرانسوی‌ازاواست و در شجره طیبه او را آخرین پسر سید حسین دانسته که‌اشتباه است،

و سید آقا گپ ۷ کوچکترین پسرانش (سید عبدالکریم) نام‌داشته و همنام نیای مذکورش بوده وبهمین جهت او را آقا گپ گفته‌اند، چه آنکه (گپ) بر وزن شب در زبان محلی شوشتری،بزرگ را گویند،*

و آنجناب عالمی عامل وفقیهی کامل بوده‌است، مقدمات را در شوشتر بدست آورده‌آنگاه به‌نجف اشرف مشرف شد و از محضر علمای آنجا مثل آقاسیدحسین ترک ** و میرزا حبیب الله رشتی *** فقه و اصول را استفاده نمود، و در(۱۲۹۷) به شوشتر برگشت، اهالی نسبت بوی ارادتی کامل بهمرسانیدنداما اجلش مهلت‌نداد، در(۱۲۹۹) مرحوم شد، کتابی در علم اصول دارد بنام حقائق الاصول وخط نسخ وشکسته را شیرین مینوشت)****

و در (بوستان پیغمبر) مذکور است که (دو ساله بود که پدرش مرحوم شد تحت تعلیم‌و تربیت اخوی بزرگش قرار گرفت، پس از تحصیل سواد فارسی شروع بخواندن علوم‌دینیه نمود و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف مشرف، کتابی در اصول نوشته بنام حقائق الاصول، پس از مراجعت به شوشتر در مسجد بعکان محله دکان سید اقامت داشته، و در (۱۳۰۷) در شوشتروفات نمود، جنازه‌اش را به‌نجف آورده در وادی‌السلام راه‌سابق‌کربلا دفن نمودند) نگارنده گوید هنگام وفات پدر دو سال نداشته بطوریکه خود تصریح کرده‌و از بیانات آینده ما معلوم میشود و (حقائق الاصول) نامبرده دو جلد است‌که‌ازتقریرات درس سیدحسین کوهکمری مشارالیه نوشته، شروع به‌جلد دوم، (۲۳ـ شوال ـ ۱۲۸۰) بوده بطوریکه خودش یادداشت کرده، و (مجموعه مجالس) نیز بخط او موجود است که ازمنابر

---

* در (واژه نامه ای از گویش شوشتری : ۳۹۱) گوید گپ بزرگ جمع آن در اشخاص گپون‌ودر اشیاء گپا الخ،

و در(برهان قاطع : ۱۱۹۵) چاپ سال(۱۳۱۷ شمسی) ضمن معانی (گپ) گنده وسطبر و بزرگ‌رانوشته،

** مرحوم سید حسین کوهکمری معروف به ترک متوفی (۱۲۹۹) از اعاظم شاگردان شیخ‌انصاری بوده ودر (الکرام البرره: ۴۲۰) ترجمه شده و در آنجا مذکور است که تالیفی نداشته، اما ما در (نابغه فقه وحدیث : ۵۱) رساله‌ای ازاو نشان داده‌ایم،

*** متوفی (۱۳۱۲) صاحب (بدائع الاصول) مطبوع وغیره، گرچه او را به سادگی درعرفیات نسبت داده‌اند اما در مطالب علمی موشکاف و دقیق بوده بطوریکه از آثارش هویدا است، در (ریحانه الادب ۲: ۷۶) و غیره یادشده،

**** (شجره طیبه)، و درآنجا او را قبل از برادرش سیدجعفر نامبرده،

مرسوم حاج شیخ جعفر شوشتری بین سالهای (۱۲۷۸–۱۲۹۷) جمع کرده ، و در اول آن (اربعین حدیث) با ترجمه فارسی است که بعلت نقص اول نسخه معلوم نیست از کیست ، و محتمل است از خودش باشد ، و در اثناء آن تاریخ تولد خود وپدر وجد و وفیات آنانرا ثبت کرده بطوریکه در شرح حال آنان نقل کردیم ، و در باره ولادت خوددر (غره– محرم ۱۲۵۷= انتهاض) چنین نوشته ((تاریخ ولادة الجانی الفانی عبدالکریم بن حسین بن عبدالکریم بن محمد جواد الموسوی علی ماسمعتهمن والدتی سلمها الله ،لیلةالجمعه قبل العشاء الاخرة غرة شهر محرم الحرام (۱۲۵۷) فیکون عمری یوم وفات الوالدعلیهالرحمة خمسةاشهروستةوعشرین یوماویوم تحریرهذهالکلمات وهویوم الاربعاء الحادی عشر من شهر جمادی الاولی ۱۲۹۷ یکون عمری اربعین سنة واربعة اشهر واحد عشریوما))

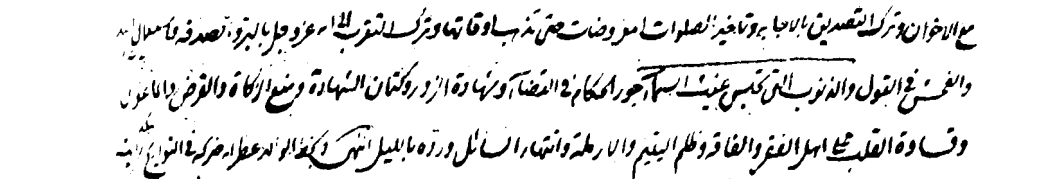

خط سید آقا گپ

علامه تهرانی اورا ترجمه‌کرده اما اشتباها" نام جدش سید جواد را سید حسن نوشته ،وبا اینکه تصریح کرده وفاتش قبل از (۱۳۱۰) بوده ، اما در زیر عنوان نام وی (۱۳۱۰)نوشته* وتاریخ حقیقی وفات وی حتی براحفادش مجهول است ، ومعلوم نیست کدامیک‌از دو تاریخ ۱۲۹۹ و۱۳۰۷ درست است ،

* (نقباءالبشر ۳:۱۱۶۹) و (هدیةالرازی: ۱۱۴) و در کتاب دوم گوید ("کتابی دارد به نام صابرالاصول که‌پس از او بفرزندش سید حسین رسیده و آنرا نزد برادرش دیده‌ام ، و این مطلب اشتباه است زیرا که‌نام کتاب چنانکه دانستی حقائق الاصول است که در اینجا تصحیف شده و او را نزد برادرش ندیده بلکه فرزندش یا نوه‌اش بوده ،

در (گنجینه دانشمندان ۵ : ۴۰۸) هم از روی نقباء ترجمه شده واشتباهات اورادارد ،در هر حال او یک پسر داشته : حاج سید حسین ۸ نجفی متولد (۱۲۹۴=, مختاراحمد) عالم فاضل دارای خط خوب نسخ وشکسته وصاحب اخلاق پسندیده ، در نجف اشرف از شاگردان آخوند خراسانی وسید یزدی بوده و تقریرات فقه واصول آنانرانوشته که نزد نوه‌دختری او آقا سید علی معلم (سلمه‌الله) موجود است ، و بیاضی نیز دارد مشتمل بر فوائد علمیه‌و نکات ادبیه ، در (۱۳۲۸) به‌شوشتر آمده ودر مسجد سید قطب الدین محله عبدالله بانو امامت داشت* و در مسجد جزائریه تدریس مینمود وبمناسبت تولد وتوقفش در نجف بحاج سید حسین نجفی معروف بود ، علامه تهرانی او را ترجمه کرده‌وبعضی ازمستنسخات و متملکات او را مورخ (۱۳۱۲) نشان داده ** که از آنجمله است منظومه‌البیان میرزا قوام الدین سیفی قزوینی که بخط او در کتابخانه حسینیه شوشتریها درنجف اشرف موجود است *** ، وفاتش در (۲ــ ذح ــ۱۳۴۴= حسین غیور) جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن نمودند بطوریکه از خواهر زاده و دامادش جناب حاجی‌آقا سیدمعلم (سلمه‌الله) شنیدم ،

در بوستان پیغمبر تنها سال وفات را نوشته ، و درشجره‌طیبه‌اشتباها " (۱۳۴۲) مذکوراست، سه‌پسرمخلف‌نمود: سیدمحمد ۹ ، سیدعلی ۹ ، سیدحسن ۹ ، ونام‌فامیلی‌هرسه (کاظمی) است، سیدمحمد ۹ کاظمی فرزنداکبرش متولد (۱۳۲۷= پسرخسته) مقدمات را تحصیل‌نموده‌ومقیم نجف اشرف بود ، مریض شد برای معالجه‌به‌تهران رفت ، در بیمارستان‌شاه‌آباد (۱ــمحرم ۱۳۶۷= حاضرشدن) وفات نمود* و در مسگرآباد مدفون گردید ، دو پسر از وی یادگار ماند : سیدعبدالکریم ۱۰ ، سیدمحمدعلی ۱۰معروف به سید نجفی ،

سید عبدالکریم ۱۰ که در شناسنامه‌نام وی منوچهر است ،در (۱۳۵۶) متولدوکاسب ساکن اهوازودارای سه پسراست : سیدمحمدحسین ۱۱متولدشعبان (۱۳۷۹) ، سید محمدحسن ۱۱ متولد ماه رمضان (۱۳۸۱) ، سید محمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۸۳) ،

سید محمدعلی ۱۰ معروف به سید نجفی متولد (۱۳۶۵) ، در دواخانه کار میکند وتاکنون یک پسر دارد سید محمد ۱۱ متولد شعبان (۱۳۹۵) ،

سید علی ۹ کاظمی فرزند حاج سید حسین‌نجفی متولد (۱۳۳۵) ، کارمند راه‌آهن ،اخیرا معاون‌اداره‌خدمات بوده‌وبازنشسته شده ، مقیم نارمک ودارای سه‌پسراست : سیدحسین ۱۰ معروف‌به کورش ،سید محمد رضا ۱۰ معروف به کامبیز ، سید احمد رضا ۱۰معروف‌به کامران سیدحسین ۱۰ (کورش) متولد (۱۳۵۹) ساکن‌بهبهان شغل‌آزاددارد وپسرانش سه نفراند

---

* بوستان پیغمبر

** نقباءالبشر ۲ : ۵۹۸

*** (الذریعه ۲۳ : ۸۹) ودر (گنجینه‌دانشمندان ۵ : ۴۰۶) هم مذکور است ،

داریوش۱۱ ، انوش۱۱ ، آریوش۱۱
سیدمحمدرضا ۱۰ (کامبیز) متولد (۱۳۶۹) ، دانشجوی رشته الکترونیک کامپیوتر در انگلستان است ،
سید احمد رضا ۱۰ (کامران) متولد (۱۳۷۲) دانشجوی رشته پزشکی در آمریکا است ،
سیدحسن۹ کاظمی سومین پسر حاج سیدحسین نجفی متولد (۱۳۳۷) مقیم تهران نیز سه پسردارد سیدحسین ۱۰متولد (۱۳۶۹) ،سیدمصطفی ۱۰متولد (۱۳۷۳) ، سید مرتضی ۱۰ متولد (۱۳۷۸) ،

آقای سید عبدالکریم کاظمی

آقای سید نجفی کاظمی

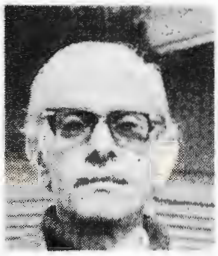

آقای سید علی کاظمی

نگارنده کتاب در وسط دوتن از دوستان و نفر چهارم آقاسیداحمدجزائری فرزند نگارنده‌است

شکوفه چهارم مشتمل بر دوغنچه
(۹نفر)

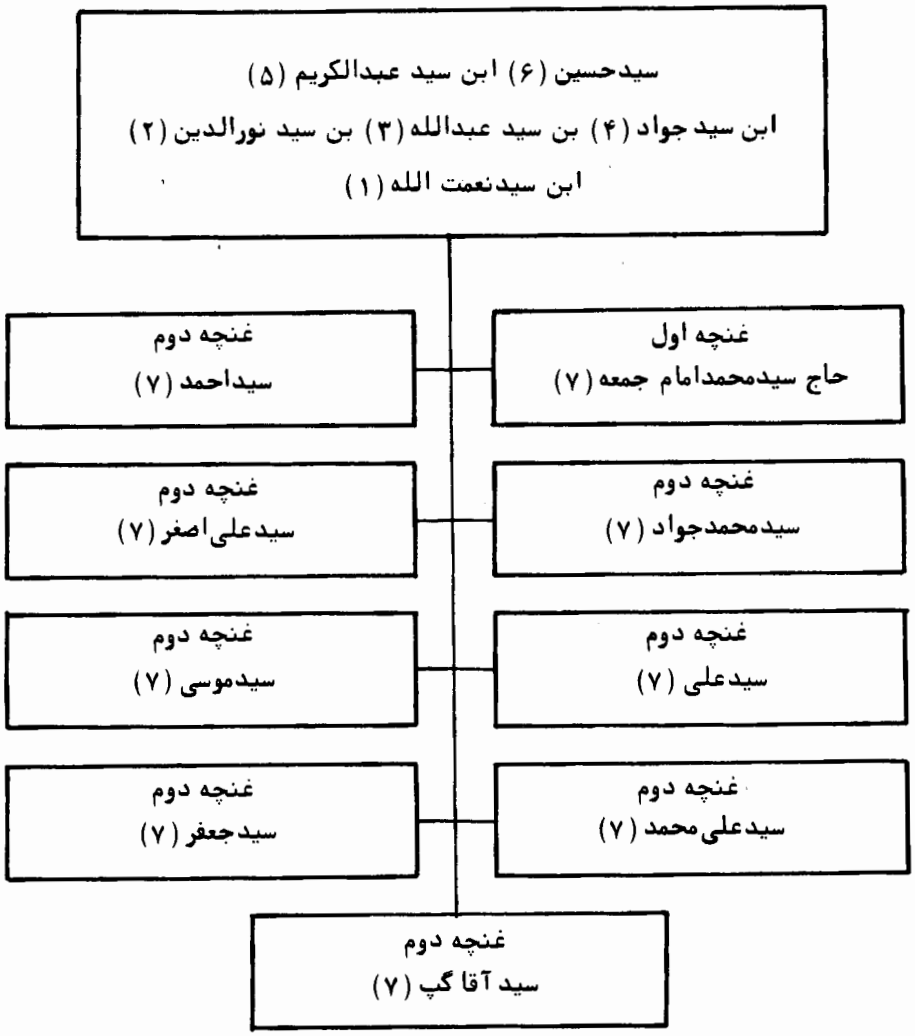

غنجه اول خاندان امام ، امام پور ، امام جمعه ، امام شوشتری ، امامی ، امامیان ، پیامی
(۱۹۶۱نفر)

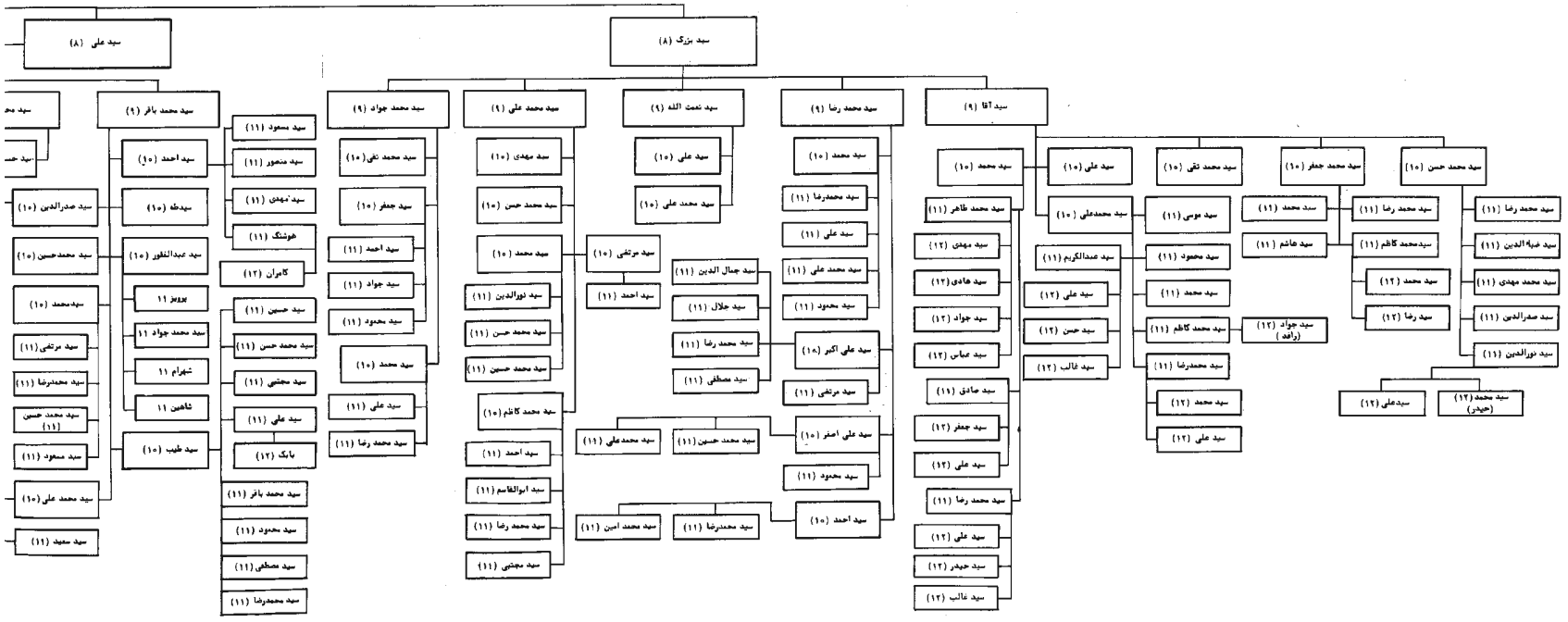

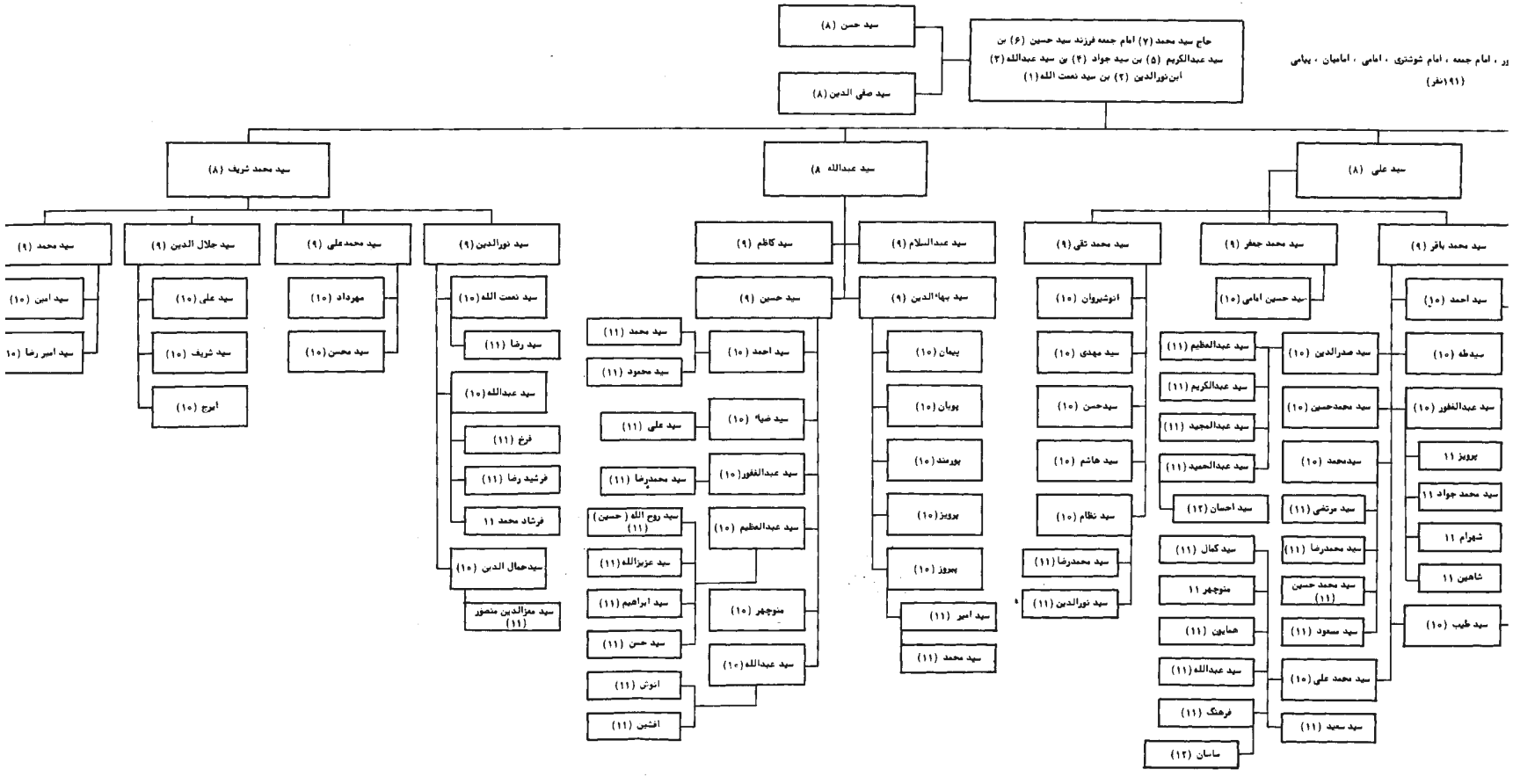
ور ، امام جمعه ، امام شوشتری ، امامی ، امامیان ، پیامی
(۱۹۱نفر)
حاج سید محمد (۷) امام جمعه فرزند سید حسین (۶) بن
سید عبدالکریم (۵) بن سید جواد (۴) بن سید عبدالله (۳)
ابن‌نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید حسن (۸)
سید صفی الدین (۸)
سید علی (۸)
سید عبدالله ۸
سید محمد شریف (۸)
سید محمد باقر (۹)
سید محمد جعفر (۹)
سید محمد تقی (۹)
سید عبدالسلام (۹)
سید کاظم (۹)
سید نورالدین (۹)
سید محمدعلی (۹)
سید جلال الدین (۹)
سید محمد (۹)
سید احمد (۱۰)
سیده (۱۰)
سید عبدالغفور (۱۰)
پرویز ۱۱
سید محمد جواد ۱۱
شهرام ۱۱
شاهین ۱۱
سید طیب (۱۰)
سید حسن امامی (۱۰)
سید صدرالدین (۱۰)
سید محمدحسین (۱۰)
سیدمحمد (۱۰)
سید مرتضی (۱۱)
سید محمدرضا (۱۱)
سید محمد حسین (۱۱)
سید مسعود (۱۱)
سید محمد علی (۱۰)
سید سعید (۱۱)
سید عبدالعظیم (۱۱)
سید عبدالکریم (۱۱)
سید عبدالمجید (۱۱)
سید عبدالحمید (۱۱)
سید احسان (۱۲)
سید کمال (۱۱)
منوچهر ۱۱
همایون (۱۱)
سید عبدالله (۱۱)
فرهنگ (۱۱)
ساسان (۱۲)
انوشیروان (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سیدحسن (۱۰)
سید هاشم (۱۰)
سید نظام (۱۰)
سید محمدرضا (۱۱)
سید نورالدین (۱۱)
سید بهاءالدین (۹)
پیمان (۱۰)
پویان (۱۰)
پورمند (۱۰)
پرویز (۱۰)
بهروز (۱۰)
سید امیر (۱۱)
سید محمد (۱۱)
سید حسین (۹)
سید احمد (۱۰)
سید ضیاء (۱۰)
سید عبدالغفور (۱۰)
سید عبدالعظیم (۱۰)
منوچهر (۱۰)
سید عبدالله (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید محمدرضا (۱۱)
سید روح الله (حسین) (۱۱)
سید عزیزالله (۱۱)
سید ابراهیم (۱۱)
سید حسن (۱۱)
انوش (۱۱)
افشین (۱۱)
سید نعمت الله (۱۰)
سید رضا (۱۱)
سید عبدالله (۱۰)
فرخ (۱۱)
فرشید رضا (۱۱)
فرشاد محمد ۱۱
سیدجمال الدین (۱۰)
سید عزالدین منصور (۱۱)
مهرداد (۱۰)
سید محسن (۱۰)
سید علی (۱۰)
سید شریف (۱۰)
آبرج (۱۰)
سید امین (۱۰)
سید امیر رضا (۱۰)

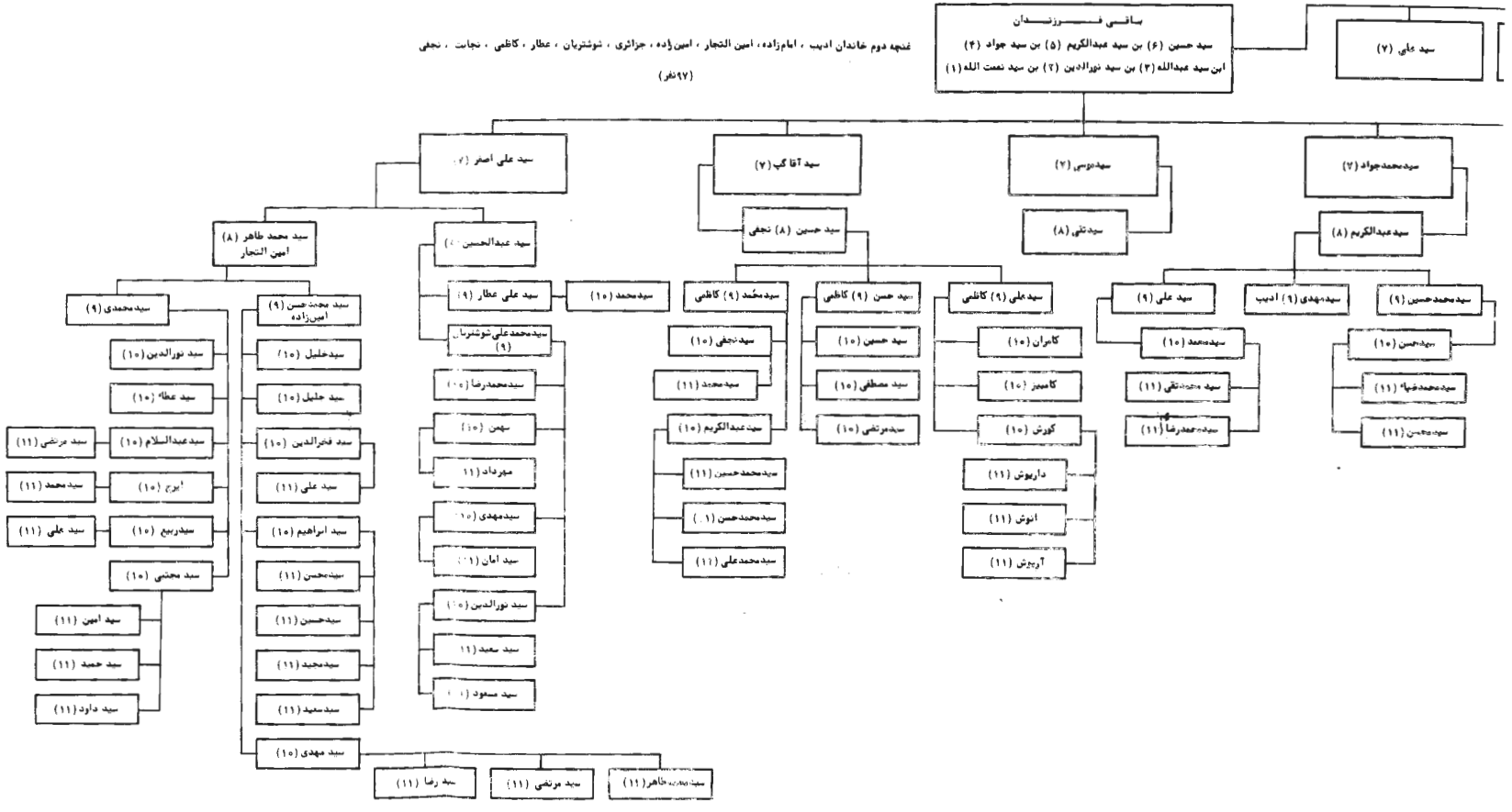
غنچه دوم خاندان ادیب ، امام‌زاده، امین التجار ، امین‌زاده ، جزائری ، شوشتریان ، عطار ، کاظمی ، نجابت ، نجفی
(۹۷نفر)
باقی فرزندان
سید حسین (۶) بن سید عبدالکریم (۵) بن سید جواد (۴)
ابن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید علی (۷)
سید محمدجواد (۷)
سید موسی (۷)
سید آقا کپ (۷)
سید علی اصغر (۷)
سید عبدالکریم (۸)
سید تقی (۸)
سید حسین (۸) نجفی
سید محمد طاهر (۸) امین التجار
سید عبدالحسین (۸)
سید محمدحسین (۹)
سید مهدی (۹) ادیب
سید علی (۹)
سید علی (۹) کاظمی
سید حسن (۹) کاظمی
سید محمّد (۹) کاظمی
سید علی عطار (۹)
سید محمد (۱۰)
سید محمدحسن (۱۰)
سید محمدمهدی (۱۱)
سید محمدحسن (۱۱)
سید محمدتقی (۱۱)
سید محمد (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید مرتضی (۱۰)
کامبران (۱۰)
کامبیز (۱۰)
کوروش (۱۰)
داریوش (۱۱)
انوش (۱۱)
آرمیش (۱۱)
سید محمدرضا (۱۱)
سید نجفی (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید عبدالکریم (۱۰)
سید محمدحسین (۱۱)
سید محمدحسن (۱۱)
سید محمدعلی (۱۱)
سید محمدعلی شوشتری (۹)
سید محمدرضا (۱۰)
سهیل (۱۰)
مهرداد (۱۱)
سید مهدی (۱۰)
سید امان (۱۱)
سید نورالدین (۱۰)
سید سعید (۱۱)
سید مسعود (۱۱)
سید محمدی (۹)
سید نورالدین (۱۰)
سید عطاء (۱۰)
سید عبدالسلام (۱۰)
سید مرتضی (۱۱)
سید محمد (۱۱)
ایرج (۱۰)
سیدربیع (۱۰)
سید علی (۱۱)
سید محسنی (۱۰)
سید امین (۱۱)
سید حمید (۱۱)
سید داود (۱۱)
سید محمد حسن (۹) امین‌زاده
سید جلیل (۱۰)
سید جلیل (۱۰)
سید فخرالدین (۱۰)
سید علی (۱۱)
سید ابراهیم (۱۰)
سیدحسن (۱۱)
سیدحسین (۱۱)
سیدمجید (۱۱)
سید سعید (۱۱)
سید مهدی (۱۰)
سید رضا (۱۱)
سید مرتضی (۱۱)
سید محمد طاهر (۱۱)

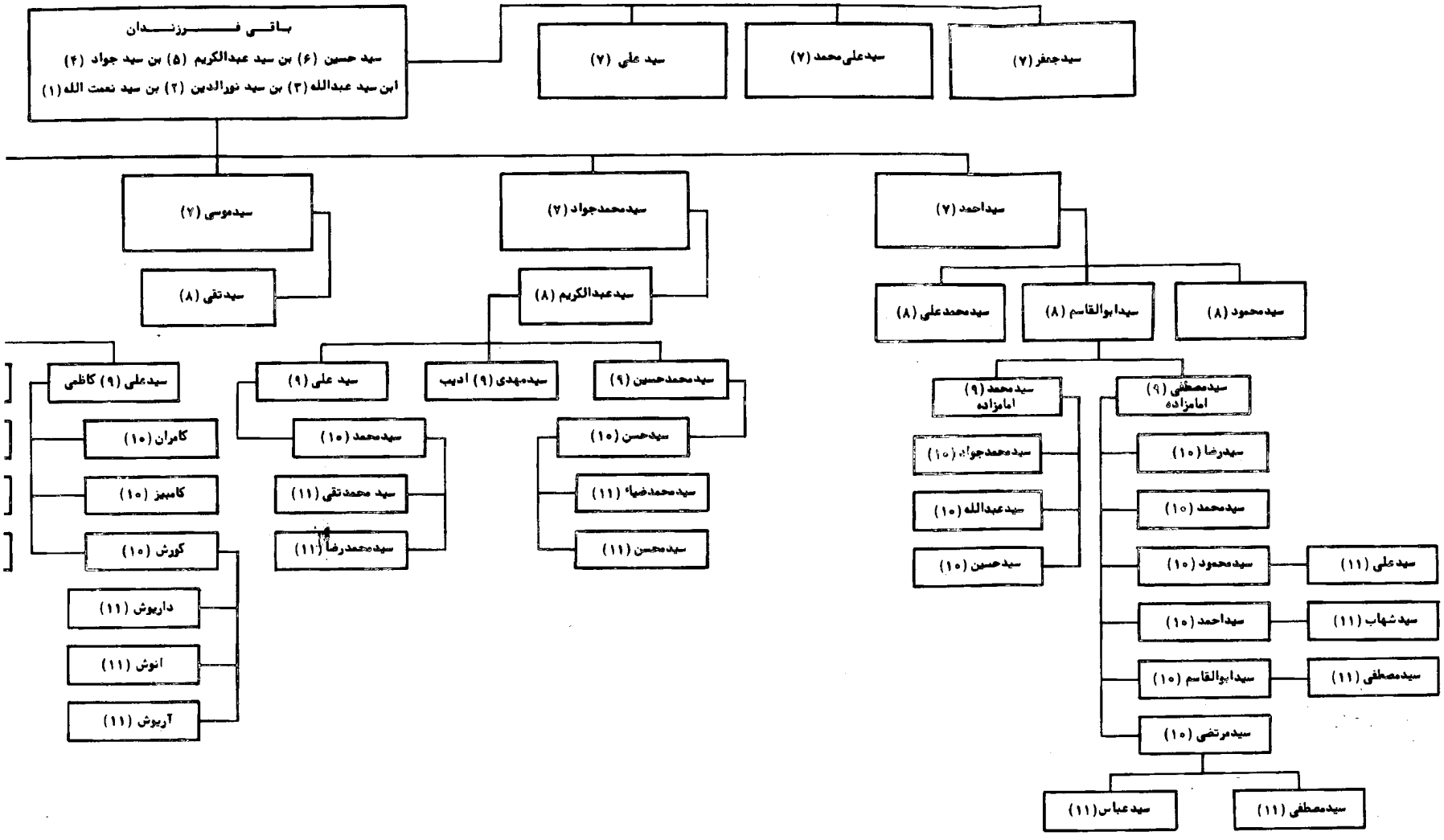
باقی فرزندان
سید حسین (۶) بن سید عبدالکریم (۵) بن سید جواد (۴)
ابن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید جعفر (۷)
سید علی محمد (۷)
سید علی (۷)
سید احمد (۷)
سید محمد جواد (۷)
سید موسی (۷)
سید محمود (۸)
سید ابوالقاسم (۸)
سید محمد علی (۸)
سید عبدالکریم (۸)
سید تقی (۸)
سید مصطفی (۹) امامزاده
سید محمد (۹) امامزاده
سید محمد حسین (۹)
سید مهدی (۹) ادیب
سید علی (۹)
سید علی (۹) کاظمی
سید رضا (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید محمود (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سید ابوالقاسم (۱۰)
سید مرتضی (۱۰)
سید حسین (۱۰)
سید عبدالله (۱۰)
سید محمد جواد (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید محمد تقی (۱۱)
سید محمد رضا (۱۱)
سید محمد رضا (۱۱)
سید حسن (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید شهاب (۱۱)
سید مصطفی (۱۱)
سید عباس (۱۱)
سید مصطفی (۱۱)
کامران (۱۰)
کامبیز (۱۰)
کورش (۱۰)
داریوش (۱۱)
انوش (۱۱)
آریوش (۱۱)

شکوفه پنجم

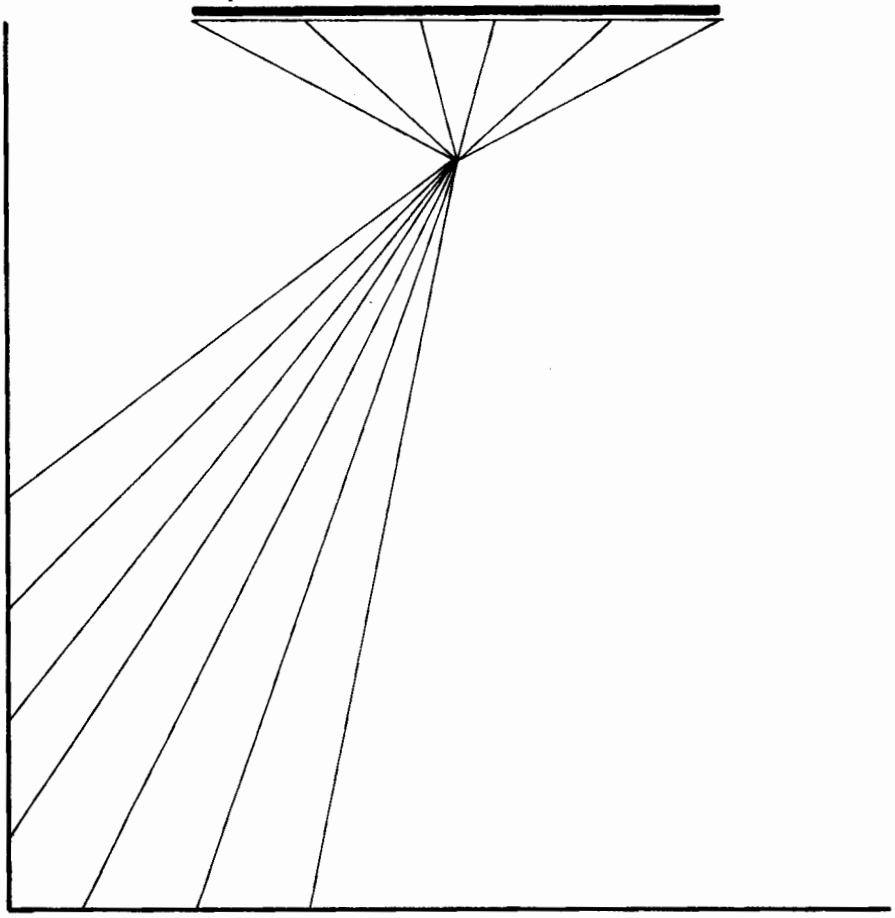

* شکوفه پنجم *

خاندان امینی . جعفری ،

سیدمحمدجواد ۶ بن (سیدعبدالله۵ مذکور در شاخه‌اول) * معروف به سیدمحمد ، فاضلی جلیل بوده ودر ادبیات وفقه مقامی عالی داشته ، و در حوزه درسش بسیاری از فضلاء تربیت شده‌اند ، تولدش را بخط پدرش دیدم ، در شب (۲۰ــ ع ۲ــ ۱۲۱۰ = مدارج) بوده ، و در (۱۲۳۵) ازدواج کرده ، و بتعبیر پدر ، کارخیر او اتفاق افتاده ، او نیز مانند والد خود خطی زیبا داشته وکتب علمیه بسیاری‌را استنساخ کرده ، از آنجمله حاشیه ملا عبدالله که حواشی بسیار بر آن نوشته و آنرا تصحیح کرده ، واین عبارت‌رادرآخرش‌آورده (قدفرغ من مقابله‌هذه‌النسخةالشریفةبحسب الجهدوالطاقةمن نسخ معتبرةالامازاغ عنه البصر ، ومن کتابةحواشیه وتصحیحها العبدالمذنب المضیع عمره‌فی البطاله‌ابن‌عبدالله‌بن محمدجوادبن عبدالله‌الموسوی ، محمدجواد واتفق ذلک فی یوم الاثنین ۸ــ صفر ــ ۱۲۵۸) و مطول مورخ (۱۱ــ ذح ــ۱۲۴۰) ، و مرحوم حاج سید محمود بن سید احمد ۶ بن سید محمد رضا۵ مغنی را نزد او خوانده ، و بر نسخه‌ای که بخط اواست‌چنین‌نوشته (تاریخ‌شروع کردن خواندن‌این کتاب‌درخدمت سرورمعظم ومولای مکرم وخال مفخم جناب قدسی‌القاب قدوسی انتساب سلالةالسادات الاطیاب جناب آقاسید محمد جواد مدطله العالی فی یوم السبت ۱۲ــ ج۲ــ ۱۲۶۸) ،

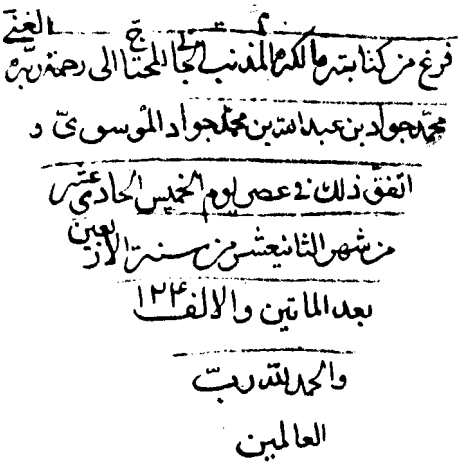
فرغ من کتابته راقمه المذنب الحاج المحتاج الی رحمة ربه الغنی
محمد جواد بن عبدالله بن محمد جواد الموسوی
اتفق ذلک فی عصر یوم الخمیس الحادی عشر
من شهر الثانی عشر من سنة الاربعین
بعد المائتین والالف ۱۲۴۰
والحمد لله رب
العالمین

و آنجناب اهل قدس و ورع بوده و مردمان نسبت بوی علاقه وعقیده‌ای مخصوص داشته ،و ادعیه او را موءثر دانسته‌اند ، و معروف بوده به‌دعانویس ، و همه روزه جمعی کثیر از زن‌و

* صفحه ۹۲

مرد برای گرفتن دعا در خانه‌او مجتمع میشدند ، ومرحوم حاجی سید محمدحسین۸فرزند مرحوم آیة الله حاجی سیدعبدالصمد۷ ، اجازه خواندن بعضی ادعیه را از او داشته ، و مرحوم کتانباف او را به صاحب علوم غریبه وتسخیرات توصیف نموده ،

و آنمرحوم دارای دو پسر بوده: سیدعلی۷ ، سیدمحمدامین۷ ،

سید علی ۷ بن سید محمد جواد را در شجره طیبه بلاعقب نوشته ، و در بوستان پیغمبر گفته اولاد ذکوری از او نماند ،

سیدمحمدامین ۷ بن سیدمحمدجواد ، متولد اول صبح سه‌شنبه (۱۱ــ رجب ــ۱۲۵۱= باغ زردآلو) بطوریکه جدش سید عبدالله۵ یادداشت کرده ، در بوستان پیغمبر و تتمةالشجره و شجره‌طیبه ، او را حاج سید امین نامیده‌اند و بتلفیق درباره‌اش گفته‌اند : خانه اش در شوشتر در نزدیکی و همسایگی حاج عبدالله علم * بود و لذا معروف شد به علم ، و در آنعصر حاجی سید امین دیگری‌بوده از سادات مرعشی در محله کهواز معروف به حاج سید محمدامین کهوازی ، و حاج سید امین علم دارای املاکی درشوشتربودوتجارت‌مینمود وپرهیزگار ومتین وعمران دوست بود ، وباغ مشجر از آثار اواست ، در اواخر عمر موفق به زیارت عتبات مقدسه گردید ، و در نجف‌اشرف حدود (۱۳۲۰= باغ نورانی) مرحوم‌شد. از او دو پسر مخلف گردید : سید عبدالله ۸ ، سید محمد جواد۸ ،

سید عبدالله۸ بن سیدمحمدامین در (۱۰ــ شوال ــ۱۳۵۴= نوگل مراد) درگذشت ** و در سیدصالح مدفون گردید ، یک پسر از وی بجای ماند :

حاج سید محمد ۹ امینی سیدی جلیل وخلیق بود ، تاریخ تولدش را پدرش دو شنبه (۸ شوال ــ۱۳۳۴= نهال باغ مراد) یادداشت کرده ، ساکن شوشتر بود و با زمین مــزروعی موروثی گذران مینمود ، تا اینکه بیمار شد و برای معالجه به تهران رفت و در پنجشنبــه (۲۴ــ محرم ــ۱۳۹۵= شیشه شکست) در همانجا درگذشت ودر بهشت زهرا مدفون شد، دوپسرازوی یادگاربماند سیدمحمدعلی۱۰ که‌جوانی کاسب است‌وسید محمد حسین ۱۰ که جوانی مؤدب وبا استعداد است ودر رشته رادیولژی در تهران تحصیل میکند ،

سید محمد جواد ۸ بن سید محمدامین معروف به‌جعفری از اخیار روزگار بود ، اوقات خود را صرف آبادی زمین موروثی معروف به (چم شلیلی) مینمود و همان وسیله امرارمعاش او بود ، پس از فوت برادرش از شوشتر مهاجرت کرد و مدتی در اهواز ساکن شد واخیرا " به آبادان رفت ودر (۱۳۷۰) بسکته‌ناقصه‌دچارشد واین بیماری او ممتد بود تا (۲۰ــ ج۲ــ

---

* خاندان (علم) بر وزن قلم در شوشتر معروفند ، از قدیم در رشتهٔ کسب و تجارت داخل بوده‌اند ، یکی از آنان حاج محمد علم در قرن یازدهم از ملافتحای شاعر شوشتری تقاضای سجع مهری نمود بالبداهه این مصرع را گفت در هر دو جهان نام محمد علم است ،

** بوستان پیغمبر

۱۳۷۲= مازاغ البصر) درگذشت ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف بردند ، واز وی سه پسر به وجود آمد : سید محمد حسین۹ ، سید عبدالله ۹ ، سید محمد امین ۹ ،
سیدمحمدحسین ۹ جعفری متولد (۱۳۴۳) کارمند شرکت نفت درآبادان دو پسر دارد سید محمدعلی ۱۰ ، سید محمدجواد ۱۰ معروف به سعید
سید عبدالله۹ بن سید محمد جواد در جوانی در حیات پدر بلاعقب درگذشت ،وفات‌او درآبادان بود و همانجا مدفون شد ،
سید محمد امین ۹ بن سید محمدجواد متولد (۱۳۵۴) کارمند سازمان آب‌وبرق خوزستان درآبادان است و تاکنون فرزند ذکوری * ندارد ،
واماسید عبدالهادی۴فرزندسوم آقاسیدعبدالله۳ از بزرگان دانشمندان عصر خود بوده و علاوه بر تحفه‌العالم ، در بوستان پیغمبر ، وحاشیه تحفه ، و شجره‌طیبه ،و (الکرام‌البرره ۲ : ۸۱۴) و (نجوم السماء : ۳۲۹) مذکور است ** ،
درشجره‌نوریه‌اورامحمد هادی نامیده‌و توصیف به (العالم الفاضل المستغنی عن‌التوصیف) نموده ،بعضی از فرزندانش که نسب خود را نوشته‌اند نیز او را چنین‌نامیده‌اند ،اماپدرش او را عبدالهادی نوشته و نام بعضی دیگر از فرزندان خود را نیز (مضاف الیه عبد) قرار داده ، مانند عبدالرحیم ، و عبدالمهدی ، و عبدالسلام *** و از اینرو است که علامه تهرانی که در دو جا او را محمدهادی نوشته ، آنرا استدراک نموده وفرموده‌اشتباه است و صحیح عبدالهادی است ****
(درتحفه‌العالم : ۱۱۶) فرماید (السید المتاءدب باداب المبادی السید عبدالهادی ابن‌سیدعبدالله ، بعلوم منقول و معقول فضائل مآب ، و در خیرخواهی عبادوانجاح‌مطالب کافه انام سیدی عالی‌جناب است ، و در اکثری از فنون علمی حلال‌غوامض‌حقائق ، خاصه در فقه وحدیث که به‌استحقاق واستقلال فائق است ، تا حال که عمراوبه‌هشتادترقی‌نموده دمی از نشر علوم دینیه نیاسوده ، و بحمدالله‌که‌تاحین تحریر (۱۲۱۶) در حیات و مسند آرای بزم افاضت و روزگاری به عزت واحتشام دارد اللهم احفظه واحرسه))
تاریخ ولادت وی به‌تحقیق معلوم نیست اما اگر عمر او را در وقت تالیف تحفه‌هشتادوپنج فرض کنیم پس ولادت او در (۱۱۳۱) بوده ،و اما وفاتش از حاشیه تحفه‌معلوم میشود که‌در

---

* فرزند ذکر درست و مطابق قاعده‌است ، اما چون مستعمل نبود ، این غلط مشهودرابرصحیح مهجور ترجیح دادیم ،

** در (دائره معارف الشیعه جواهر کلام ۶: ۷ ببعد) که‌جمعی ازسادات جزائری را نوشته او را بشماره۵ یاد کرده اما نام پدرش را نورالدین نوشته که‌اشتباه است .

*** (تذکره شوشتر: ۶۰) ،

**** (الکرام البرره ۲: ۸۱۵) ،

(۱۲۱۷= تواریخ) بوده، فرموده (در علم فقه وخدیث واصول‌وحیدزمان‌وفرید اوان‌خود بود و قناعت در مزاج مبارک ایشان غالب ، فقیر برفاقت ولد سعیداواخوی سیدنعمت‌اله سلمه‌اللهمدتها در خدمت با سعادت ایشان تلمذ نموده، قدر معقولی از اصول‌فقه‌وبدیع‌را در خدمت ایشان گذرانیده واز برکات انفاس قدسیه ایشان کسب فوائد نمـوده ، شفقتـی بی نهایت ولطفی بی غایت نسبت به فقیر داشتند ، نهایت آنکه در این‌اواخرثقل‌سامعه ایشان را عارض شده بود که محاوره با ایشان متعسر بلکه‌متعذر، و دراواخرشعبان (۱۲۱۷) برحمت ایزدی پیوسته، بارگاه او در جوار بقعه سیدصالح معروف است ، اللهم احشره‌مـع اجداده‌الطاهرین واخلف علی عقبه‌فی‌الغابرین) در شجره‌طیبه‌بطور تقریب وفات‌وی‌رادر (۱۲۲۰) نوشته‌که‌اشتباه‌است ، اولاد امجاد او : سیدنجم الدین۵. سید نعمت الله ۵ . سیدمحمد باقر ۵. سیدمحمدعلی ۵ ،

سید نجم الدین ۵ سیدی فاضل و دانا و به بسیاری از کمالات صوری و معنوی متصف‌بوده بشیراز رفت و در آنجا وفات کرد واولاد نداشت ..*

سیدنعمت الله۵ وسید محمدباقر ۵ در (شکوفه‌ششم) بیایند ، وسیدمحمدعلی۵ را ،در شجره طیبه وعده داده که ترجمه‌کند ،اما از قلم او افتاده ، و اوبطوریکه‌دربوستان‌پیغمبر است دو پسر داشته : سید رضا ۶ وسید حسین ۶که هر دو بلاعقب بوده‌اند.

---

* شجره طیبه‌وظاهرا "از این عبارت شجره نوریه گرفته (توفی فی شیراز)امابه بلاعقب‌بودنش اشاره‌ای نکرده ،

نگارنده‌کتاب وفرزندش آقاسید نعمت الله

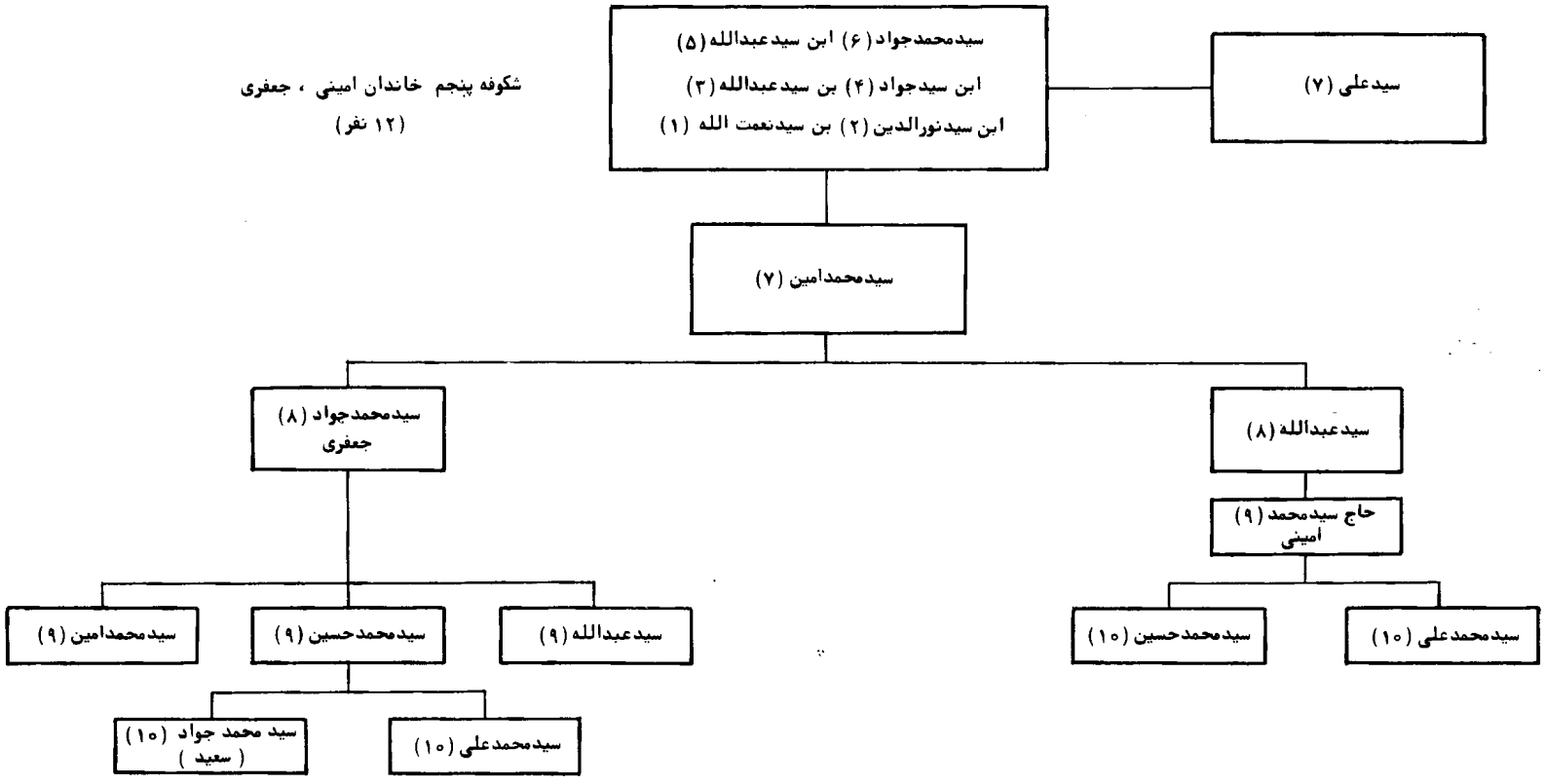
شکوفه پنجم خاندان امینی ، جعفری
(۱۲ نفر)
سیدمحمدجواد (۶) ابن سیدعبدالله (۵)
ابن سیدجواد (۴) بن سیدعبدالله (۳)
ابن سیدنورالدین (۲) بن سیدنعمت الله (۱)
سیدعلی (۷)
سیدمحمدامین (۷)
سیدمحمدجواد (۸) جعفری
سیدعبدالله (۸)
حاج سیدمحمد (۹) امینی
سیدمحمدامین (۹)
سیدمحمدحسین (۹)
سیدعبدالله (۹)
سیدمحمدحسین (۱۰)
سیدمحمدعلی (۱۰)
سید محمد جواد (۱۰) (سعید)
سیدمحمدعلی (۱۰)

شکوفه ششم

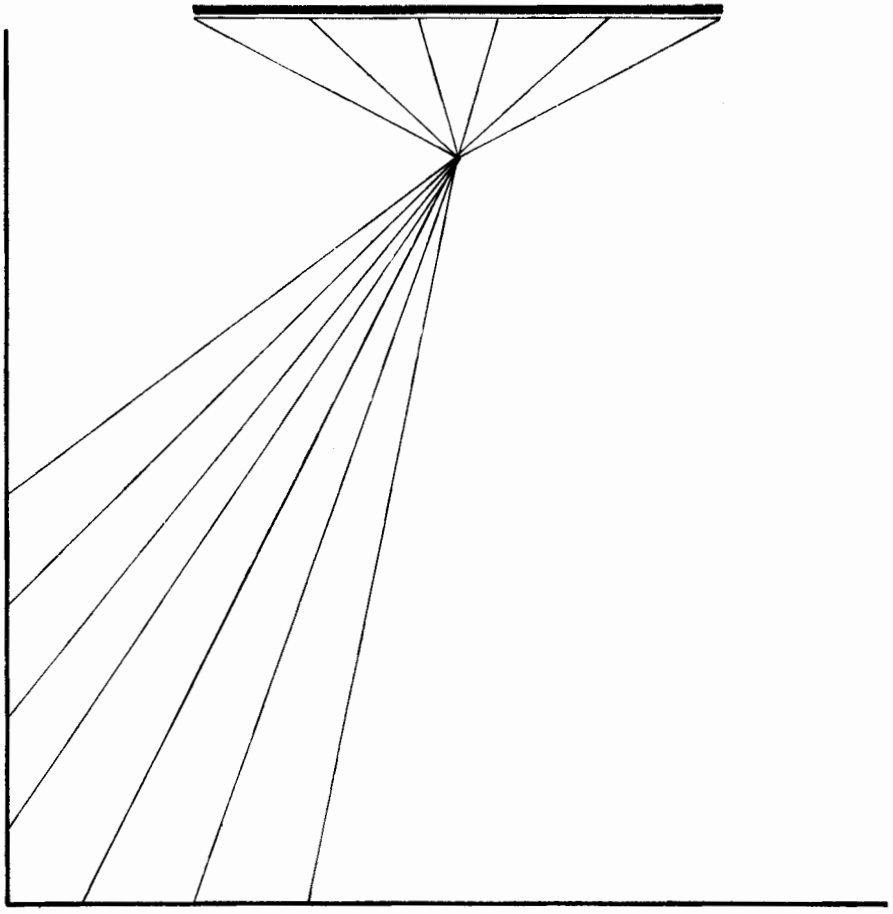

* شکوفه ششم *

خاندان بنی هاشمی . جزائری . رستگاری . سعادت . سیادت . شفیعی .فیاضی .مشکی . منجم . هاشمی . اعقاب سیدنعمت الله ۵ وسیدمحمد باقر ۵ فرزندان سیدعبدالهادی ۴ مذکور در (شاخه اول)*

سیدنعمت الله ۵ مزبور ، عالم فاضل ادیب صاحب تالیف واز شاگردان پدر خود بوده ، شرح حال وی نخست در تحفه آنگاه در جاهای دیگر مانند بوستان پیغمبر ، والذریعه ، و شجره طیبه ، والکرام البرره قسمت خطی یاد شده ،

در (تحفه العالم : ۱۲۴) فرماید (سید نعمت الله بن سیدعبدالهادی (سلمه‌الله) سیدی بزرگ منش وعالی شان وبقدر حوصله در تحصیل علم ممتاز اقران‌است ،تلمیذوالدبزرگوار خود است اما فکر بلندی رتبه وجاه وتلاش منصب شیخ الاسلامی پیوسته‌در گریبان‌خیالش خارافکن است ، و تکاپوی در این وادی او را از غواصی بحر فضیلت باز داشته ،غافل از اینکه قبول عام وستایش مردم شخص را باحترام امری‌است خداداد هر کس را میسرنیاید، از بدو حال بامسوداوراق بوفاق)و در شجره‌طیبه‌گوید ((سیدمزبور در زمان حکومت محمد علی میرزای دولتشاه (۲۱ــ ۱۲۳۷) مدتی سمت شیخ الاسلامی را داشت و فرمانی کــه از طرف شاهزاده در این باب صادر شده تا بحال موجود است ، و چون‌آنجناب به‌ثقل‌سامعه مبتلا بود به سید نعمت الله کرمعروف است ، رویهمرفته شخصی فاضل‌ومحترم‌بوده ،حکام واعیان او را تجلیل مینمودند))

تالیفاتی بشرح زیر داشته :

اول حاشیه تمهید القواعد شهیدثانی ، عربی بر نسخه‌ای از آنکتاب بخط اومورخ (۱۲۱۹) موجود است ،

دوم عطر العروس ، از مصادر تاریخ جغرافیائی خوزستان است‌که‌بسیدنعمت‌الله‌جزائری ، بدون نشان و توضیح منسوب شده ، و بنظر ما از صاحب این عنوان‌است ،

سوم فائق البیان در تفسیر آیه ان الله یامر بالعدل والاحسان ، فارسی در وظائف‌حکام‌و بزرگان نسبت به زیر دستان ورعایا ، مشتمل بر خاتمه‌ایست** در تواریخ شکستها و بناهای سد شاپوری شوشتر در عصور مختلفه تازمان شاهزاده محمدعلی‌دولتشاه‌سابق‌الذکر، در (۱۲۳۲) بنام دولتشاه مذکور نوشته ، یک‌نسخه کامل بخط‌زیبای ملامحمدرضا معروف

---

* صفحه ۱۸٤

** در شجره طیبه این خاتمه را بعنوان تالیفی مستقل بنام تاریخ بندمیزان‌نوشته‌که‌اشتباه‌است ،

به‌کباب*مورخ (۱۲۳۳) درتهران دیدم وگمان دارم همان نسخه است که بدولتشاه اهداء شده ، و نسخه دیگری از آن سراغ ندارم ، نسخه‌مزبور راعلامه‌تهرانی هم دیده‌وفرموده (جلددوم فائق البیان است ، و هر دوجلد نزدحاج محمدعلی روضه‌خوان موجوداست) **
نگارنده گویدسد شاپوری مزبور که سد قیصر وسدخاقان نیز نامیده میشود از بناهای‌محکم‌و قدیم عالم است‌که تاکنون‌آثاری ازآن باقی است تفصیل بناء این سددر (تذکره‌شوشتر: ۶) و (سفرنامه لرد کرزن : ۱۸۴) ترجمه‌مرحوم علی‌جواهر کلام که‌ازنویسندگان مبرز معاصر بود مذکور است ، و درکتاب دوم‌ابتداءا بناء آنرا در (۲۶۷) میلادی و یکی ازتعمیراتش را در (۱۳۰۳) نوشته و میرزا ابوطالب قیری که از مردم فارس بوده و طبعی سرشار داشته متخلص به خادم قصیده‌ای مشتمل بر یکصد و بیست بیت در وصف سد مزبور و ستایش دولتشاه و صالح خان** مباشر تعمیر سددر (۱۲۳۶) دارد از جمله ابیاتش :

همان شهزاده‌گیتی ستانی کز ازل ایزد — زعالم پایه قدرش زساق عرش برتر بست
پس از نام محمدچون‌بری‌نام علی‌روشن — در آنجا نام نیک‌اوجهان‌زیبنده‌زیوربست
زهی فرخنده‌نامی‌راکه‌نقش حضرت‌باری — بروی خاتم دست سلیمان پیمبر بست
خجل گراز کف جودش‌نمیبودابرنیسانی — چراآمدبه‌بحروبرصدف شدخود بخود دربست
قضا امری‌که دست‌حکم اوبا پنجه قدرت — تواند کوه بگشاید ز بند و پای صرصربست
نمیداست‌آنکه‌بست‌اسکندروصاحب‌قران‌گردید — بودصاحب‌قران‌آنکس‌که‌بندشط‌شوشتربست
بودگرناخدایش‌نوح‌ونه فلک فلک کشتی — سراسرغرق میسازد بیک موجی‌که‌اندربست
چه‌شطی‌کوهزاران‌طعنه‌خودبربحرعمان‌زد — چگونه‌دجله‌ای‌کوراه‌بر دریای اخضر بست
سیه‌دیوی‌که‌ازیک‌حمله‌کوه‌قاف می بلعد*** — بلابحری‌که‌ازیک‌موج‌خودصدبحردربربست****
به‌پیش‌این‌چنین دیوانه‌شطی سدتوان‌بستن — کتان‌وهیزم اربتوان به پیش ماه و آزر بست

---

* از دانشمندان و خطاطان وشعرای شوشتر بوده‌وکتابخانه‌ای بزرگ داشته که‌تمام‌کتابها تبدیل به‌خاک شده ، این بیت از او است

ما را دل از زوال جوانی کباب بود — موی سفید شد نمکی بر کباب ما

کتابهای بسیاری برای اشخاص نوشته از آنجمله الفیه ابن مالک و قوانین قمی ، و نسخه‌ای از صلاةمطالع الانوار حجةالاسلام شفتی مورخ(۱۲۳۹) که درآخر آن نسب خود را چنین نوشته محمدرضا ابن المرحوم عبدالرضا ابن الحاج محمد تقی بن عبدالرضا ابن حاج محمدبن شهریار التستری ، شرح حال او را در دانشوران شوشتر نوشته‌ایم ،

** محتمل است صالح خان مکری (۳) باشد ،

*** دری شوشتری در مقدمه(ترتیب سفینه خوشگو) راجع به‌سیل شوشتر در(۱۲۲۸) باین بیت استشهاد کرده ،

**** گویند دولتشاه خطاب به آب کرد وگفت اگر تو زورداری من هم پول دارم و هر قدر سد را بشکنی میسازم .

بلی شاپور بستش بندی ولیکن پس از چندی شکست آن بند شاپور از نخست و باز قیصر بست
پس از قرنی چو فیلی کاید ش بر یاد هندوستان درید آن بند قیصر هم براه پیشتر سر بست
بلی روزی بدل شد زهره آن آب بیحد آب که آن شهزاده والاکمر برستنش بـــر بست
یکی از چاکران خاص آن فرخنده بفرستاد بشوشتر آمد و سدی براه او سراسر بست
قضا فصل زمستان آمد و شد آب زور آور شکست آن بند و بازش بست و هم بشکست و دیگر بست
دگر دی آمد و بگسست از هم بند بندش را غرض تا چند بارش این شکست آن مکرر بست
چو عاجز ماند از پی کس دیگر فرستادش همان کس کو بصولت از قفا دست غضنفر بست
امیر عصر سردار فلک خرگاه صالح خان که بحر از ابر جودش قطره‌ای بگرفت و گوهر بست
نه جز آن بند را بردیده منظور دگر بودش نه غیر از بستن او در نظر چیزیش منظر بست
به اقبال شه و شهزاده آن سد باز بست آسان نه پنداری به خشت بیشمار و سنگ بیمر بست
چنان مردانه بست آن بند بی پایان که با آن بند تو گفتی بازوی اسکندر و شاپور و قیصـر بست
عجایب طرح بندی ریخت کاب دجله برگردید خط بسم اللهی بنوشت وره بر دیو ابتر بسـت
چه سدی کاین چنین شطی ز بیمش آب شد زهره چه بندی کانچنان بحری از او تب لرزه در بر بست
چه سد گز عرض او خیل ملایک باز میگوینـد خدا برروی این هفت ارض مرهفت ارض دیگر بست
چنان آن بنده‌ره بگرفت بر آن شط که پنداری علی با ذوالفقارش پیش روی جیش کافر بست
درآن روزی که او بنیاد این بند فلک شوکت بنام حضرت خیر البشر با نام حیدر بســت
ز بهر پایه او نجم ثابت خشت از سـرداد برای بستن او نسر طائر سنـــگ مرمـر بســت
بزور وزر نه بستش کس بعالم زانکه حق زاغاز بنام نـامی شهزاده کـش درعالم زر بست
چه سدی کو زمین شوشتر چون باغ مینوکرد چه سدی کو بنای صدارم بر ملک ششتر بســت
بگرد آندیار از فیض قدر مشک از فـــرداد بخاک آنولایت قیمت گـوگـرد احمـر بست
فراز دشت خوزستان زخود فردوس آئین کرد بطرف شوره زار شوشتر صـد حوض کوثـر بست
چنان معمور شه ویرانه شوشتر که حور العین بسیر شوشتر بگشود چشم و خلد را در بســت
چه شوشتر کز ریاحینش صبا بوئی بجنت برد دماغ اهـل جنت از نسیـم او معطـــر بست
چه شوشتر کو زخوبی پشت پا بر هشت جنت زد چه شوشتر کو زنیکی پرده‌ای برهفت کشور بست
چه شوشتر گلشنی کز دامن صحرا بجای فرش گل و نسرین و یاس وسنبل وریحان و عنبر بست
هر آن ویرانه کاندر آن نواحی بود شد معمور غرض آن بند طرح این عمارت تا به محشر بست
بسی شاهان عالم را کمر بشکسته بود این بند ولیکن آن خدیو داد خواه عـدل گستر بست
چنین بندی ندیده دیده دور فلـــک آری که هر وصفی که از نیکوئیش گفتم نکوتـر بست
پی تاریخ او چون عقد پروین مصرعی گفتم زنو سدی قوی عالی به از سد سکندر بست
برآورده است خادم بردعا بعداز ثناهر چند نشاید تا زبان باشد زبان از مدح او بـر بست
همیشه تا زمین بندد بخوداز سبزه پیراهن همـی تا آسمان خواهد که چتر از مهر خاور بست

ودرمجموعه‌ای بخط فتح‌الله میرزای‌قاجار ابیات زیررادیدم که در (ج۲ــ۱۲۴۰) در دزفول نوشته:

حبذا سدی که اندر رود شوشتر بسته‌اند — گوئیا سدی میان بحر اخضر بسته اند
راست‌گویم دفع یاجوج‌ختن‌ازاین‌سداست — تهمتی دان‌آنکه بر سد سکندر بسته‌اند
بحر شهر آشوب رازنجیر بر پا کرده اند — موج طوفان‌خیز راگردن‌ز ششدر بسته اند
مارپیچان بر رخ آب روان زنجیر سان — حلقه‌حلقه‌خم بخم چون‌زلف دلبربسته‌اند
آسمان دیگر است اندر جوار آسمان — یا که در جنب نخستین سددیگربسته‌اند
باکمند بازوی شه کو پی رفع جنون — بحر مجنون سار را از پای دیگر بسته‌اند
ماند سدی آهنین گر از سکندر یادگار — سد دولت شاه غازی بین‌که‌از زربسته‌اند
خسروادر یانوالازطفیل جاه تو است — آنچه اندر بحر و برازخشک‌وازتربسته‌اند
از نهیب حمله‌دشمن شکارت دشمنان — معجر و چادر بسر بر جای مغفر بسته اند
دولتت پاینده بادا تادر این نیلی‌سپهر — دشمنانت سرنگون از بحر زیور بسته اند

و در (موادالتواریخ : ۶۹۳ و ۶۹۸) دو ماده تاریخ برای بستن سد مذکورآورده که یکی‌از فتحعلیخان صبا و مطابق (۱۲۲۵) و دیگری از سید عبدالله داعی دزفولی (که بغلط او را شوشتری نوشته) است و مطابق (۱۲۳۲) میباشد

چهارم ــ فریدة الاصقاع در ترجمه سلوان المطاع محمدبن محمدظفر اندلسی ، در علم اخلاق نظیر کلیله‌ودمنه ، آنرا نیز بنام محمدعلی دولتشاه در (۸ــ ع ۱ــ۱۲۳۳) نوشته ، آغاز (آغاز ترجمه کلام وافتتاح نگارش اقلام حمد وشکر)

یک نسخه در دانشگاه تهران بشماره (۳۵۶۳) و نسخه‌ای نزد مرحوم عالم محدث میرزا عبدالرزاق واعظ همدانی بوده* و یک نسخه در کتابخانه غرب‌مدرسه‌آخونددرهمدان ** موجود ، و محتمل است همان نسخه واعظ باشد که بعد از وفاتش به آنجا منتقل گردیده ،

پنجم منتهی المطالب در ترجمه بغیه الطالب شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی ، درسالیکه شیخ مزبور به شوشتر رفته چون اهالی مقلد او بودند سید نعمت الله آن رساله‌را بالتماس میرزا فرج الله بن محمد حسن بن اسدالله بن میرزا اسحاق مرعشی شوشتری وغیره‌بفارسی ترجمه‌نمود ، یک نسخه بخط سید نورالدین محمد فرزند مترجم مورخ (۱۶ــ محرم ــ۱۲۲۰) بنظررسید که تاریخ ترجمه را (۲۳ــ ذق ــ۱۲۱۹) ذکر کرده ، درآغاز آن گفته (دراین اوان که فقیه امام و مفتی انام . شیخ محمد جعفر . . . . وارد شوشتر شده اهالی آن دیار را بعمل‌کردن برساله صلوتیه‌که‌از مؤلفات آنحضرت است موسومه برساله‌بغیه‌الطالب امر

* (الذریعه ۴: ۱۰۷ و ۱۶: ۲۲۲)

** (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رشت و همدان: ۱۲۶۴)

فرمود . . جمعی از متدینین که عمده ایشان برادر ایمانی و خلیل روحانی الموید بتاییدات الله میرزا فرج الله . . از این بی بضاعت نعمت الله بن عبدالهادی الموسوی التستری التماس نمودند که . . بزبان فارسی ترجمه نمایم وبه منتهی المطالب فی ترجمه بغیة الطالب موسوم گردانید)

نگارنده گوید : میرزا فرج الله مذکور را با اعقابش در (گلستان پیغمبر : ۹۳) بدون اینکه توضیحی در باره او بیاورد نامبرده ، وبغیة الطالب ترجمه دیگری بنام (تحفة الراغب) مذکور در (الذریعه ۳ : ۴۳۳) و ترجمه دیگری مجهول الاسم والمترجم وچندین شرح داشته ، از آنجمله منهج الراغب از علامه شیخ محمدبن یونس بن راضی حسکی نجفی برادرزن شیخ جعفر که شیخ تقریظی بر آن نوشته است ،

کنزالملوک در (الذریعه ۱۶ : ۲۲۲) بوی منسوب شده و آن اشتباه است ، و همانطور که در کتاب مزبور (۱۸ : ۱۶۸) تصریح کرده از سید عبدالله جزائری است ،

تاریخ وفات سید نعمت الله ۵ معلوم نشده ، پسرانش سه نفر بوده اند سید نورالدین محمد ۶ ، سید کمال الدین اسماعیل ۶ ، سید شفیع الدین حسن ۶ ،

سید نورالدین محمد ۶ بن سید نعمت الله از فضلا و نویسندگان بوده و در ترجمه و برگرداندن از عربی بفارسی تخصصی داشته و بیشتر آثار علمیه وی از این قبیل است ،

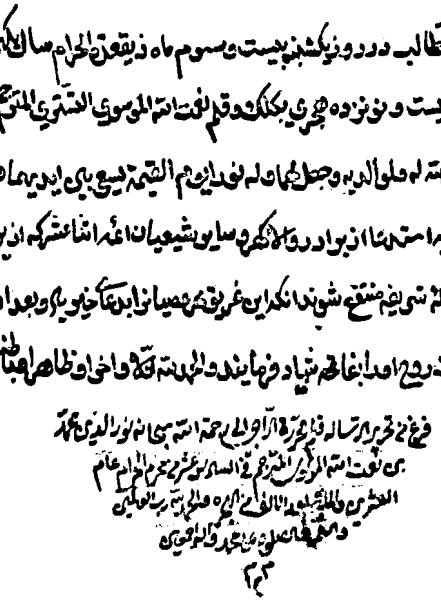

ترجمه وی باختصار با ذکر بعضی از آثارش در بوستان پیغمبر ، والدریعه ، و شجره طیبه ، والکرام البرره قسمت مخطوط ، و (مؤلفین کتب چاپی ۵ : ۸۱۷) موجوداست ، ودر دائره المعارف الشیعه جواهر کلام جلد ششم ، زیر عنوان جزائری بشماره ۱۴ او را نوشته ، امـــا

پدرش رابجای نعمت‌الله نعمه‌وجدش را محمدبن هادی نوشته‌که‌اشتباه‌است ،وی‌از شاگردان پدر خود * و محقق قمی صاحب قوانین بوده‌بطوریکه‌درآخرقوانین مورخ (۱۲۲۵)کـه در کربلا نوشته تصریح کرده ، در آخر آن نسخه و منتهی المطالب پدرش که بخط اوموجود است و در اول ترجمه زهرالربیع نام خود را نورالدین محمد نوشته ، اما در (تحفه‌العالم : ۱۷۶) ذیل ترجمه پدرش و شجره نوریه و همچنین بوستان پیغمبر و شجـره طیبه او را نورالدین نامیده اند کتابهای زیر از اواست

۱ــ اسماعیلیه ، در انساب سادات مرعشی ، بنام میرزا اسماعیل بن میرزا ابوالتح خـان مرعشی نوشته ، پایان تالیف (۱۶ ــ شعبان ــ۱۲۳۸) ، نسخه‌اش در کتابخانه آقای سیـد شهاب الدین موجود است ** ، در این رساله حالات اولاد میر اسدالله صدر راآورده، سید محمد بن میرزا ابوالفتح مرعشی در(۱۲۷۲) وسیداحمدبن سلطانعلی مرعشی متوفی (۱۳۵۶) هر کدام تکمله‌ای برای آن نوشته‌اند ، و گلستان پیغمبر بمنزله تکمله‌آن‌تکمله ها است ،

۲ــ ترجمه اضداد شیخ ابوالحسن ، بنام مهرعلی‌نوشته ، درآخرش گفته (هوپ‌بمعنی‌بالا رفتن و پائین آمدن نیزآمده) ،

یک نسخه مورخ (۱۳۰۸) بخط‌سید محمد سعادت ضمن مجموعه ای دیدم

۳ــ ترجمه تاریخ سید علی مشعشعی ، کسروی در تاریخ پانصد سال‌ه‌خوزستان از آن نقـل کرده اما نام مترجم را نبرده و گفته یکی از سادات جزائری است ، و نسخه متعلق به‌شیخ ابوعبدالله مجتهد زنجانی است ،

نگارنده گوید همان نسخه پس از درگذشت مالک مزبور به کتابخانه مجلس‌درتهران منتقل شده است ،

۴ــ ترجمه تعبیر خواب ، در شجره طیبه مذکور است ،

۵ــ ترجمه زهرالربیع جدا علی رحمه الله ، فقط جلد اول را ترجمه کرده که دو جزء شده‌و دریک مجلد مکرربطبع رسیده‌است ، در(فهرست کتابخانه مجلس ۱۲ ۱۳۹) گوید (متن‌و ترجمه هر دوازسید نورالدین محمد وتاریخ تالیف جمعه(۱۹ــ ج۲ــ۱۲۳۱) است ، ولـــی اشتباهی واضح نموده ، از جداعلی است ،واین تاریخ ترجمه‌است نه تالیف . در(شجـره طیبه) گوید ، آنرا بخواهش میرزاعبدالله مرعشی نوشته ، اما این مطلب هم اشتباه است‌و در اول نسخه تصریح شده که بنام صالح خان مکری بیگلر بیکی (۳) نوشته است ،

خاتمه فائق البیان ، در بوستان پیغمبر و (الذریعه ۷ : ۱۳۲) بوی نسبت داده شده‌وآن هم اشتباه است ، و این خاتمه از پدرش مؤلف فائق البیان بوده ،

---

* شجره طیبه

** (الذریعه ۲:۶۹)،

۶ــ مراسلات ــ با شاهزاده محملعلی دولتشاه سابق الذکر ، در کتابخانه‌مرحوم حاج سید عبدالله منجم بوده ،*

وفات مرحوم سید نورالدین محمد۶ در (۱۲۴۷= اظهارعلم) بوده ، زیرا که صاحب تکمله اسماعیلیه‌در (۱۲۷۲) تصریح‌کرده‌که‌اودر بیست وپنج سال قبل درگذشته بطوریکه علامه تهرانی نقل کرده ** ، اماعجب آنکه ناقل این مطلب ،خودوفاتش‌رادر (۱۲۲۵) نوشته *** ، و در بوستان پیغمبر هم از او پیروی کرده است ، و عجبتر آنکه صاحب شجره طیبه گفته که تا (۱۲۸۰) زنده بوده ، که اشتباهی واضح است ،

و اما فرزندانش شش نفر بوده‌اند : چهار دختر ، و دو پسر بنام سید کاظم ۷ ،وسیدمحمد هادی ۷ ، یکی از دختران بی‌بی شرف جان۷ زوجه‌مرحوم حاج سید احمد ۶ بن حاج سید محمدی۵ومادرمرحوم‌آیه‌الله حاجی سید عبدالصمد ۷ جد نگارنده بوده ،

دیگری همسر مرحوم سید احمد ۷ معلم و مادر سید محمد ۸ ، وسومی عیال سید عیسی ۷ بن سید شفیع الدین حسن ۶ برادر زاده وی که مادر سید موسی ۸ بوده ، چهارم بی بی سلیمه‌زوجه‌مرحوم سیدعبدالکریم ۶ بن‌سیدمحسن ۵بن سید ابوالحسن۴ بن‌سید عبدالله۳ بوده ، بطوریکه از صلحنامه مورخ جمعه (۱۱ــ ع ۲ــ۱۲۴۴) ممهور **** بمهروگواهی شیخ حسین پدر شیخ جعفر شوشتری ، وحاج سیداحمد وحاج سیدعلی برادرش وجمعی دیگر معلوم میشود ،

و بی‌بی شرف جان نامبرده از مجللات ومخدرات عصرخود بوده وهمین افتخار او را بس است که فرزندی مثل آیةالله عظیم الشأن حاجی سید عبدالصمد ۷ داشته که از نوادر و نوابغ عصرخودبوده‌بطوریکه‌در (میوه‌اول‌ازشاخه‌سوم) بیآیدان‌شاءالله‌تعالی ،وفائزشوشتری (۷) در مرثیه آن‌بانوی گرامی چنین سروده

شد بانوی کمال ز دوران هزار حیف	زان شمسه جلال هزاران هزار حیف
ای آسمان زگردش دوران چه دیده‌ای	کردی مدام از پی نقصان هزارحیف
بلقیس ملک عفت و عصمت بریدچشم	از ملک دستگاه سلیمان هزار حیف
بنگر جدا زحضرت احمد خدیجه را	بگرفتی از جهان شرف‌جان‌هزارحیف
حوای حور طینت از آدم جدا فتاد	آدم ز هجر او شده گریان هزار حیف
خورشید آسمان شرافت غروب کرد	شد شام روزه پرده‌نشینان هزار حیف
افسوس ز آن مخدره پرده جلال	زآن بانوی سرادق خوبان هزارحیف

---

* (الذریعه ۲۰:۲۹۷)،

** (الذریعه ۴:۴۱۱)

*** (الذریعه ۲:۶۹) و ۲۰:۲۹۷)،

**** ممهور غلطی مشهور است وصحیح آن مختوم است اما بلحاظ شهرت آنرا استعمال نمودیم ،

گویا گذشت حضرت زهرا ازاین‌جهان — کآمد بناله سرور مردان هـــزار حیف
یک دودمان بماتم او مـانده درفغان — از اهل بیت ختم رسولان هزار حیف
رفت از میانه دختر زهرا که در کمال — مانند او نبود به نسوان هزار حیـــف
در ماتمش هزار چه مریم نشسته انـد — با حال زار و موی پریشان هـزارحیف
فائز بنـــال از غم ذریه رســـــول — برگو دمی هـــزار هزاران هـــزار حیف

و سید کاظم ۷ بن سید نورالدین محمد رادربوستان پیغمبربلاعقب نوشته امایک دختر داشته*
وسید محمد هادی ۷ بن سید نورالدین محمد در جوانی درگذشت
و فائز (۷) مرثیه ای در هجده بیت برای او گفته که از آنجمله است

آه آه از گردش وارون چرخ کج مـدار — گلشن نوریه را آمد خزان فصل بهـار
نونهال باغ نورالدین فتادازپا دریغ — صد هزار افسوس از آن نوجوان گلعذار
داغ مرگش زد شرربرخرمن پیروجوان — دودمانی سوخت یکسر ازصغار واز کبار
مهتر اولاد سیدنعمت اللهشد ز دهر — سوخت جمعی ازغم شمع رخش پروانه‌وار
صاحب اخلاق نیکوچشم بست ازاین‌جهان — سرورخوبان بعالم زودرفت از این دیار
حیف ازسید محمدهادی آنصاحب کمال — صدهزاران حیف ازان کاردان کامکـار
مانده عبدالله او بر کردسروقامتش — قمری آسا در فغان نالان بهرلیل ونهار
ازفراق عارص چون ارغوانش روزوشب — گشته نورالدین اونالان وشیداچون هزار
بوالحسن گوید پدرازمن جدائی بودزود — چون کنم من بی‌توبااین کودکان اشکبار
در عزایت فائزحیران کشدآه ازجگر — ازتف ** آهش زند برخمن جانان شرار

سه پسر از وی مخلف شد : سید عبدالله۸ ، سیدابوالحسن ۸ ، سید نورالدین ۸ ،
و سید عبدالله۸ پسر بزرگش آدمی ظریف طبع ولطیفه‌گوبوده ،که خوش طبعیهایش تابحال در افواه دائر است * تاریخ وفاتش معلوم نیست اما در وادی السلام نجف اشرف بخاک سپرده شده و او یک پسر داشته بنام :

سید بزرگ ۹ مشکی که بعلت رنگ چهره وپوست بدن که به‌سیاهی متمایل بوده به آن لقب معروف گردید ، و او سیدی جلیل القدر بود در (۲۶ـ ج۲ـ۱۳۴۵= فارغ‌البال) درشوشتر درگذشت وجنازه او را به‌نجف برده در وادی السلام مدفون گردید ، دو پسر از او مخلف شد: سید کاظم ۱۰ ، سید محمدعلی ۱۰ ، که نام فامیلی هر دو (رستگاری) است ،
سید کاظم ۱۰ رستگاری متولد (۱۷ـ ذق ـ ۱۳۲۹) ، ساکن شوشتر واکنون در اداره سیلـو کار میکند ، سابقا " کاسب بوده وسه پسر دارد : سیدمحمد ۱۱ ذر شوشتربکسب مشغول است، سید جواد ۱۱ متولد (۱۳۷۱) ، سید جلال ۱۱ ،

* شجره‌طیبه
** تف بر وزن کف در اینجا مقصود پرتو است

سیدمحمدعلی ۱۰ رستگاری معروف بهآقاسید متولد (۱۳۴۶) ساکن اهواز کارمندسازمان‌آب و برق خوزستان است ، ویک پسر دارد سید حسین ۱۱ متولد (۱۳۶۹) ، دیپلمه‌ریاضی ، وسیدابوالحسن ۸ بن سیدمحمدهادی ، مقدمات عربیت و هیئت ونجوم را از حاج سید محمد بن سید محمد باقربن سید عبدالهادی استفاده نموده بود ، وسالهااستخراج‌تقویم میکرد و در (۱۳۱۸= ترقی درجات) درگذشت * و طبق اظهار نوه‌اش سید محمد حسن ۱۰ در عبدالله بانو مدفون است ،

نسخه‌ای ازشرح خلاصه‌الحساب تالیف شمس الدین علی بن حسین خلخالی‌رابرای‌آیةالله

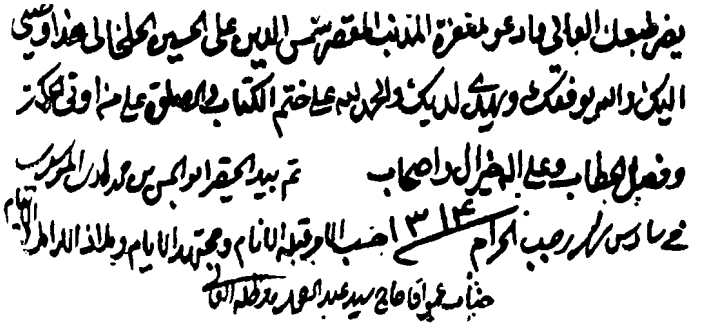

حاج سید عبدالصمد جزائری جد دوم نگارنده نوشته ودرآخرش این عبارت است (تم بید الحقیر ابوالحسن بن محمدهادی‌الموسوی فی سادس شهر رجب الحرام ۱۳۱۴ حسب‌الامر قبلة الانام وملاذالارامل‌والایتام جناب عموئی آقای حاج سید عبدالصمد مدظله‌العالی)واز آنجناب سه پسر مخلف شد : حاج سید محمد باقر ۹ بنی هاشمی ،سید محمدجواد۹ سعادت ، سیدمهدی ۹ سیادت ،

حاج سید محمد باقر ۹ بنی هاشمی متولد (۱۳۰۴= شریف عالی تبار) طبیبی بودحاذق‌از اطباء مجاز طب قدیم وپزشک بهداری شوشتر ، متدین جلیل القدر و خیرخواه وبزرگوار ، طب قدیم را از حاج ملا محمد طبیب گرگری اخذ نموده بود * ودرعلم نجوم وهیئت دست داشت و مدتی این دو علم را تدریس مینمود و تقویم استخراج میکرد ، وبامرگ وی در(۱۳۷۶= مشغول) بساط‌طب قدیم ازشوشتر متاسفانه برچیده شد ،و آنمرحوم درنجف اشرف مدفون گردید و دو پسر از او بجای ماند : سیدمحمدحسن ۱۰ ، سید نورالدین ۱۰ ، سیدمحمدحسن ۱۰ متولد (۱۳۳۷) فی الجمله‌اطلاعی ازطب قدیم از پدر یادگرفته ، ساکن شوشتر و در بهداری مشغول کار و دارای چهار پسر است : سید جلال ۱۱ متولدو۱۳۶۹) ، لیسانسیه آمار اقتصاد است ، سیدمحمود ۱۱ ، شهرام ۱۱ ، مهران ۱۱ ،

سید نورالدین ۱۰ متولد (۱۳۵۲) تاکنون فرزند ذکوری ندارد ،

---

* بوستان پیغمبر و شجره طیبه

سید محمدجواد ۹ سعادت متولد (۱۳۰۶= تاج بخش) و متوفی (۱۳۷۷= شغل‌اولـی) و مدفون در وادی السلام نجف اشرف ، او هم جلیل القدر و در مطب ، معاون برادر و در اخلاق حمیده وصفات پسندیده با وی برابر بود ، واز وی دو پسر باقی مانده : سید علوی ۱۰ ، سید نعمت الله۱۰ ،

در بوستان پیغمبر بجای سعادت لقب (سیادت) را که از آن برادرش است به‌او داده ، سید علوی ۱۰ متولد (۱۳۵۴) کارمند شیروخورشید شوشتر ، دو پسردارد: سیدمحمدجواد ۱۱ ، سید محمد رضا ۱۱ ،

سید نعمت الله۱۰ متولد (۱۳۶۲) آموزگار ساکن شوشتر تاکنون یک پسرداردسیدعلی۱۱ ، سیدمهدی ۹ سیادت متولد (۱۳۱۵= باغ آبادشد) طبیب مجاز متخصص درجراحی بود ، در (۱۳۷۰= تظلم) بلاعقب درگذشت ، جنازه‌اش را بنجف‌اشرف برده در وادی السلام دفن نمودند ،

و سید نورالدین ۸ بن سید محمدهادی ، در بوستان پیغمبر وشجره‌طبیه مذکور نیست اما از بیت نهم مرثیه فائز که برای پدرش گفته و جوداو معلوم میگردد چنانکه گذشت ، و به حسب ظاهر در کودکی بفاصله کمی پس از پدر درگذشته و نام و اثری از اوبرصفحه‌روزگار نمانده تا در صفحات کتب ثبت شود .

سید کمال الدین اسماعیل ۶ دومین پسر سید نعمت الله ۵ عقبی‌نداشته‌وازحالش اطلاعی نیست ، *

سید شفیع الدین حسن ۶ سومین پسرش را بعضی سید محمد شفیع وبعضی سیدمحمدحسن نامیده‌اند** که‌مسامحه و مخالف تسمیه پدرش در آخرفائق‌البیان‌سابق‌الذکر است ،

و او دارای شش پسر بوده : سیدعبدالحسین۷ ، سیدمحمود ۷ ، سید عبدالمهدی۷ ، سید عیسی ۷ ، سید محمد علی ۷ ، سید محمد ۷ ،

سه نفر اول اولاد ذکور نداشته*** یا بلاعقب بوده‌اند ****

سید عیسی ۷ پسر چهارم سید شفیع الدین حسن ، سیدی زاهد وفاضل ودارای یک پسـر بوده بنام سید موسی ۸ ، و طبق اظهار نوه‌اش هر دو در شوشتر مدفونند ، و سیدموسی ۸ یک پسر داشته موسوم به حاج سید اسماعیل ۹ که شغلش بزازی وخود سیدی مقدس و خیّرو متولی مدرسه علمیه‌جزائریه در شوشتر بوده‌ودرآبادی آن مدرسه مساعی جمیله‌بخرج‌میداد **** ، و تجار بواسطه اعتمادی که باو داشتند وجوه شرعیه خود را بوسیله‌اوبطلاب

---

* بوستان پیغمبر و شجره طیبه

** (تحفه العالم: ۱۷۶) و شجره نوریه

*** بوستان پیغمبر

**** شجره طیبه

آنمدرسه‌میرسانیدند * ، دراواخر بمسجدسلیمان رفت ودر (۱۳۶۰= متعلق‌گشت) درگذشت ودر سیدصالح مدفون گردید وسه پسر بازنهاد:

سیدمحمدباقر۱۰ ،سیدمحمدطاهر۱۰ ،سیدمحمدجواد۱۰ که‌نام فامیل آنها (فیاضی)است ، ازسیدمحمدباقر ۱۰ فیاضی متولد (صفر۱۳۳۱) وسیدمحمدطاهر ۱۰ فیاضی‌متولد (۱۳۴۴) فرزندی بوجود نیآمده ،

وسیدمحمدجواد۱۰ فیاضی سه پسر دارد: سید اسماعیل ۱۱ ، سیدموسی ۱۱ ، سید مصطفی ۱۱ ،

سیدمحمدعلی ۷ پنجمین پسر سید شفیع الدین حسن ۶ دو پسر داشته : سیدحسن۸وسید حسین ۸ ،که در شجره طیبه آنها را بلاعقب معرفی کرده ، ودر بوستان پیغمبر هیچگونه توضیحی در باره ایشان ننوشته است ،

سیدمحمد ۷ پسر ششم سید شفیع الدین حسن ۶ ، تولدش در (۱۲۵۶= روغن) وفاتش در (شب ۸ــ رمضان ــ۱۳۴۵= خواجه خلق) بوده و مدفنش در شوشتر در اطاقی است‌ملحق به‌مسجد (پیرچه خواهی) در محله شیشه گر خانه ، طبق اظهار نوه‌اش آقا سید حسین (وفقه‌الله‌تعالی) ، طب را از مرحوم حاج سید حسین حکیم و میرزا ابوالحسن گرگری‌اخذ نموده و مدتی طبابت کرد و اخیرا" ترک نمود،**

در بوستان پیغمبر گوید (نگارنده این اوراق خدمت او رسیده ، سیدی بود وارسته ، پیر مردی نورانی با اخلاق متواضع) یک پسر از او مخلف شد :

سید نعمت الله۸ که در کتاب مزبور در باره‌اش مینویسد (ایشان موقعی که مدرسه علمیه جداعلی در شوشتر باهتمام والد نگارنده تجدیدشده ، بعضی کتب فقهیه مانند شرح لمعه رانزد مرحوم والدم درس میخواند ،خط شکسته را بسیار خوب‌مینوشت ،خیلی‌مبادی‌آداب بود و در اواخر بمسجدسلیمان رفته مسائل واجبه شرعیه را بمردم یادمیداد و در همانجا وفات نمود) ، و در شجره طیبه نوشته (مدتی در تحصیل مقدمات صرف عمر نموده‌وساکن مسجدسلیمان بود ، و چندی پیش فوت ودرچشمه علی مدفون گردید) ،

نگارنده گوید :وفاتش در (۱۳۵۷= عفو تقصیرات) بوده بطوریکه از فرزندانش شنیدم،و او دو پسر داشته :

سیدحسین۹ شفیعی ، سیدمحمدعلی۹ شفیعی ،

سید حسین ۹ شفیعی متولد (۱۳۳۲) مقیم اهواز کارمند شرکت نفت بوده و بازنشسته‌شده واکنون در قسمت لوله‌سازی مشغول کار و دارای پنج پسر است : سید نعمت الله۱۰ ، سید نورالدین ۱۰ ، سید محمد۱۰ ، سیدمهدی۱۰ ، سیدسعید۱۰ ،

---

* بوستان پیغمبر

** شجره طیبه

سیدنعمت‌الله۱۰ ، لیسانسیه حسابداری وکارمند اداره ذوب آهن در تهران‌است ،وتاکنون دوپسردارد اردشیر۱۱ ، اردلان۱۱ ،

سید نورالدین۱۰ اکنون در آمریکا به ادامه تحصیل اشتغال دارد ،

سیدمحمد ۱۰ دانشجوی مدرسه عالی ساختمان در تهران‌است و تاکنون فرزند ذکـــوری ندارد ، سید مهدی۱۰ وسیدسعید۱۰ محصلند ،

سیدمحمدعلی۹ شفیعی متولد (۱۳۴۶) کارمند شرکت نفت درگچساران وچهار پسر دارد : سیدعلی۱۰ متولد (۱۳۶۸) که در آلمان تحصیل میکند ، سید احمد۱۰متولد (۱۳۷۲)که درآمریکا محصل است ، سید محمود ۱۰ متولد (۱۳۷۴) کهاکنون دوره نظام را میگذراند ، سید مسعود ۱۰ متولد (۱۳۷۶) که تازه دیپلم گرفته‌است ،

و اما سید محمدباقر ۵ بن سید عبدالهادی ۴ ، از اعاظم رجال علمی‌ودرجامعیت‌ازنوادر اعلام عصر خود بوده ،

در (تحفة العالم : ۱۲۵) ذیل ترجمه پدرش او را سید باقر نامیده ، اما در شجره نوریه‌و جاهای دیگر و کتابهائی که بخط او دیده‌ام سید محمد باقر است ،

درتتمةالشجره فرماید (العالم العامل الفاضل الکامل البدرالباهرالنورالزاهرالحاج السید محمدباقر بن عبدالهادی بن عبدالله ، مجمع علوم متعارفه وریاضیه وغریبه ،جامع اخلاق حمیده و کمالات پسندیده‌بود ، متوفی در نصفه رمضان ، مرحوم فائز چند بنددرمرثیه‌او انشاء نموده ودر دیوان او مسطورند ، و ایشان‌ساکن بودند در شوشتر محله گر گر کوچـه شیشه گر خانه) ،

در بوستان پیغمبر هم عبارات کتاب مذکور را در باره‌اش نقل کرده ، و در شجره طیبه نگاشته (سید محمد باقر بن سید عبدالهادی بن سید عبدالله ، یکی از بزرگان علمای عصر خویش در خوزستان بوده است ، در ادبیات عربی وفارسی استاد و در ریاضیات از هیاءت و نجوم وحساب وهندسه متبحر بود ، و از فقه واصول ودرایت وحدیث حظی‌وافی و بهره‌ای کافی داشت و معاصرینش با اطلاع بر علوم غریبه‌اش میستودند ، جمع کثیری‌از محضرش تحصیل فضل وکمال‌نمودند) ،

نگارنده گوید در علم رجال نیز مهارت داشته‌چنانکه حواشی مفیده راجع به تحقیق‌سندو احوال رجال بر جلد اول غایة المرام (شرح تهذیب جداعلی) نگاشته ،

و او در(۱۲۲۲) با بی بی کلثوم ۶ دختر سید عبدالله۵ بن سید محمد جواد۴ * ازدواج کرده ،

ودر (الکرام‌البرره : ۱۹۶) ترجمه‌اش نموده و فرموده ((شاگردش‌سید احمدمعلم‌متخلص‌به

* مذکور در صفحه ۹۷ بطوریکه سید عبدالله۵ مزبور تولد این دخترش رایوم‌الاضحی ۱۲۰۵ و تاریخ ازدواج او را یادداشت کرده

مشفق در آخر حاشیه علیرضا بر حاشیه ملا عبدالله فائده‌ای از او نقل کرده و او را استاد اعظم خوانده وبفارسی وعربی مرثیه‌اش گفته ، شاگرد دیگرش شیخ علی بن محمد بن شیخ صالح شوشتری * که در (۱۲۵۳) معالم را نزد او خوانده او را به این اوصاف (العالم الفاضل المحقق المدقق السند المعظم الملا ذالمکرم فخرالمحققین وکنزالمدققین) توصیف کرده است)) ،

وآنجناب نسخه‌ای ازجامع عباسی ناقص را تکمیل نموده ،ودر آخر نسخه‌ای ازسلوة الغریب

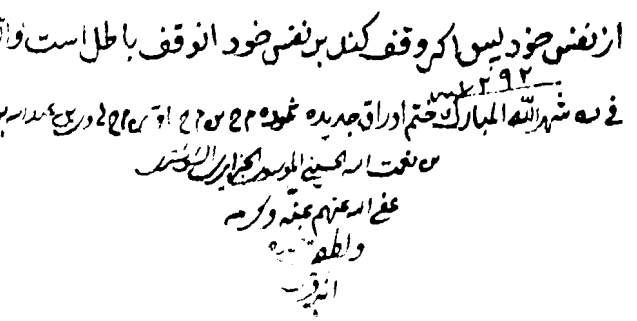

سید علیخان مدنی که بخط او بود چنین نوشته (قدوفق لتحریر هذه النسخه العبد ابن المرحوم محمدهادی الموسوی التستری الجزائری ، محمدباقر من نسخة کثرت تصرفات الکتاب فیها و سلبت صحة نسبتها الی مؤلفها یوم الجمعه ۱۳ رجب المرجب ۱۲۳۲) ، تاریخ ولادت و وفاتش معلوم نشده

ولی فائز (۷) شوشتری پنج قصیده رثائیه مشتمل بر نام بسیاری ازعلوم وکتب که آنمرحوم داشته‌وتدریس میکرده سروده ، که از هر کدام ابیاتی برای نمونه در اینجا مینگاریم

اول

باز این عالم نمیدانم چرا از نو غمیـن شد
ناله عرش زمین بر عرشه عرش برین شد
پیر و برنا مرد و زن در ناله و افغان وشیون
مرغ و ماهی بحر وبرجن‌وبشریک سرغمین‌شد

* از شاگردان میرزا فتح الله کیمیائی و شیخ انصاری بوده ، کتابهای مختلفی بخط او دیده‌ام ، ومیدان شیخ‌در شوشتر باو منسوب است ، تقریرات و فتاوی عملیه شیخ انصاری را نوشته ،مدتی‌در کاظمین بوده ، و در این شهر در (۴ـ صیام ـ۱۲۶۱) از نوشتن جلد اول فصول فارغ گشته ، در آغاز فتاوی‌شیخ آنها را گواهی و تایید کرده‌چنین گفته (این کلماتی است سودمند و مسائلی است چند که اقل عبادالله علی بن محمد الشوشتری عفی‌عنهما بموافق رای رزین و فتوای متین . . الشیخ مرتضی . . مقبول عباد و ذخیره معاد باشد) و ظاهرا " نیای او هم اهل فضل وصاحب مقامی بوده‌که‌همه‌جا کلمه شیخ را با نـام او آورده ، و نقش خاتم او (علی بن محمدبن شیخ صالح) است ، والبته آشکار است که او غیر ازشیخ‌صالح شوشتری مذکور در (المآثر و الاثار: ۱۴۶) است ،

حضرت سید محمد بـاقـر آن میـر هدایـت آنکه‌درترویج دین سلطان دین‌راجانشین‌شد
قامت اسلام شد خم با کتاب و عقل و سنـت رخت ماتم بر تن مجموع اصحاب یقین‌شد
معنی تحریر اقلیدس ز هیاءت شد از این غم بی بها تشریح الافلاک بهائی هم‌ازاین‌شد
از صفا افتاد اخـوان الصفـا یاران بعـالم تا که خورشید کمالات از سپهر کملین شد
شد مـورق اختیارات مظفـر ز ین مصیبـت اختیار صبر و طاقت از کف اعدادیین شد
باز منهاج الکرامه ز یـن الم پاشیـد از غم در عزایش سر بسر اسرار سرالعالمیـن شد
از میان برخاست اعدادوحروف وجفر وهیاءت نور علمش چون ید بیضا نهان درآستین شد
نیست حد کس بیان سازد زفقهش یا اصـولـش عیسی علمش همی دانم بچرخ چارمیـن شد
چشم بست از این جهان شد جانب‌فردوس‌اعلی در حضور جد و بابش ساکن خلد بـرین شد
گر ببارد روز و شب خون جای اشک ازدیده‌فائز میسزد چون او جدا از خدمت‌ان بی قرین شد

دوم

لوای تعزیت بر پا است یاران اندر این کشـور بود شهر صیام ای دل نباشد ماتم حیدر
اگر چه ماتم حیدر بود این ماتم عظمی* ولی در این چنین روزی نباشد قتل آن‌سرور
علی شد کشته در بیست ویکم از تیغ بن ملجم نشاند شیعیان را در مصیبت تا صف محشر
جناب سید محمد باقر اندر نصفه این مـه ز دنیا پا کشید و شیعیان راسوخت‌پاتاسر
عزای مصطفی و مـرتضی تجدید شـد یاران که تا شد از میان امتان فرزند پیغمبـر
سیه پوشید بـر تن کعبه از این ماتم عظمی نشسته در عزا رکن و مقام و مسجد ومنبر
ز داغش زمزم و حجر و صفا و مروه‌درشیون حرم محزون حجر گریان منی همناله‌بامشعر
شکسته قامت اسلام در این مـاجرا از غـم ربوده از سر اسلام تـا دست قضـا افسـر
دریغ از این کمالات وعلوم ودانش و تقوی هزار افسوس بر آن مهر با نیهای آن سرور
فغان کن بر ملا فائز که عالم بر فغان آری که گشته ماتم سید قرین با ماتـم حیـدر

سوم

این شور و غوغا و نوا از چیست درعالم‌بپا خلوت گزینان بلا بی پرده در افغان چـرا
جن و بشر حور و ملک از سمک‌رامح**تاسمک در این مصیبت یک بیک در ناله‌باارض‌وسما
خونبار چشم آسمان در آه و افغان قدسیان در این عزا کر وبیان با حامل عـرش علا

---

* اعظم صحیح است ،

** سمک با کسر سین در اصل سماک بر وزن کتاب بوده و حذف الف جهت ضرورت شعر است ،
و سماک رامح وسماک اعزل نام دوستاره روشن درآسمان است که در عربی اند و راسماکان‌گویند . (فرهنگ‌عمید: ۶۱۷)
مرحوم علامه‌ادیب شیخ ابوالمجد محمدرضای اصفهانی درمدح علامه کبیرمرحوم‌شیخ میرزامصطفی‌مجتهد
تبریزی متوفی (۱۳۳۸) مذکور در (شهداء الفضیله: ۳۸۸) و (ریحانه آلا دب ۳: ۴۴۶) فرموده
علوت فی الفضل السهی و السماک وانت بدر و المعالی سماک
و سمک دوم با دو فتحه (ماهی) است ،

این انقلاب اندرزمین ازچیست یاران این چنین
لرزان مکان گریان مکین باشد مگر روز جزا

در آه وافغان انبیا از بوالبشر تا مصطفـــی
خم گشته پشت اولیا چون پشت گردون زین عزا

رفته ز عالم سروری در رتبه چون پیغمبری
معلوم در هر کشوری معروف در علم و تقی

سید محمد باقر آن میر سپهر عز و شـــان
کاندر وداع این جهان شد جانب دارالبقا

شدبی پدر یک‌دودمان ازمردوزن پیر و جـوان
عالم سراسر نوحه خوان بر سر زنان صبح ومسا

سید محمد شد الیم دل از غم بابش‌دونیم
در ناله آن دّر یتیم با خـواهران بی نـوا

یکجا جناب بوالحسن در بر دریده پیرهن
زین ماجرا اندر محـن گریان و نالان برملا

شدحصن شهردین‌خراب‌ازفوت آن‌والاجناب
در آه وافغان شیخ‌وشاب باحضرت‌خیر الوری

شهر صیام شیعیان شد با مصیبت تواءمان
با هم نشسته نوحه خوان از ابتدا تا انتها

فائز فغان کن دمبدم ازهجر آن والا همم
باشد حقوقات نعم ز ین نالـه ها گردد ادا

چهارم

فلکا ز جور تور بـر ملا رسدم بـلا بسر بلا
که نگون شوی تو الاالا چه غرور گشته‌باین علا

فلک از جفای تو در تعب همه سالکان سبیل رب
نحسب لحاظ تو نی نسب نه حیا قرار تونی وفـا

نه کسی به حلم وشکیب اونه‌کسی‌بعلم غریب او
به علوم کس نرقیب او به عمل کسی‌نه‌بعهدما

نه کسی بعلم وکمال او نه‌کسی بوصف‌جمال او
نه کسی بحسن خصال او مگر اینکه گویمش‌این‌ثنا

چه سمی حجت پنجمین شده از میانه اهل دین
بفغان جماعت موءمنین که نگون شده علم هـدی

شده منخسف قمر ورع بحسن ترین مه و جمـع
ز مؤذنان شده مرتفع بصلوه خسف که اصـلا*

شده‌علم‌ازغم‌اوحزین‌چه‌کتاب‌وسنت وعقل‌ودین
شده خم چه قامت متقین ز فراق او کمر تقـی

تو بخوان چه فائز نوحه گرگهی‌ازپسردمی‌ازپدر
که ز جور لشکر کینه ور چه شدی بعرصه کربلا

پنجم

عزای کبست یا رب کاینچنین عالم عزادارد
لوای تعزیت گردون در این ماتم بپا دارد

بود ماتم نشین ختم رسل با حضرت حیـدر
ملک گریان فلک دستی بسر زین ماجرادارد

نمیدانم چه فریاد و فغانست اندرین کشـور
بهر کس بنگرم زین غصه چشمی پر بکادارد

مگر قائم مقام حضـرت قائـم شد از عالـم
که عالم انقلابی تازه زین شور و نـوا دارد

جناب حضـرت سید محمـد باقـر از دنیـا
گذشته کاینچنین داغش بدلها شعله ها دارد

ز داغ مرگ او سید محمد مانده در افغـان
بدامان زاشک خونین لعلهای پـر بهـا دارد

اگر گویم زفقه او جـواهر از ثمـــن افتـــد
ببین شافی مریض و لمعه بـر دل داغهادارد

اگر گویم اصولش را قوانین باشد از این غم
رسائل خود در این ماتم عزائی بر ملا دارد

غریب است ای مسلمانان زمن تقریراین‌مطلب
علومات غریبش کس در این عالـم کجا دارد

---

* اقلا مخفف الصلوة است که در نمازهای واجب غیریومیه ، سه‌بار بجای اذان گفته میشود ، واز این بیت برآید که وفات وی در روز جمعه ای بوده ،

برویش باز بود ابواب علم ودانش و تقـوی
ز علمش یـک جهان عالم بعالم رهنمـا دارد
بیاد سر وقدش همچه قمری فائز نـــــالان
بگردن طوق ماتم بسته تا روز جـــــزا دارد

اولاد ذکور آنمرحوم منحصر بیک پسر بوده حاج سید محمد ۶ ،
و حاج سید محمد ۶ مذکور مانند پدر بزیور علم وفضیلت آراسته بوده ،
در بوستان پیغمبر ، و تتمة الشجره ، وشجره‌طیبه ، ونقباء البشر قسمت مخطوط ،مختصرا" ترجمه شده‌که‌از مجموع آنها و نیز از اطلاعات خارجی دیگر برآید ، که وی سیدی حمیده صفات وپسندیده ملکات بوده ، و مانند پدر در ادبیات استادی ماهر ودرریاضیات‌مهارتی بکمال داشت ، و از فقه واصول نیز بهره مند بود ، و آن عالی‌همت‌زیربارمنت‌کسی‌نمیرفت و معاش خود را از جزئی تجارتی که در ضمن تدریس داشت میگذرانید ، و اوقات شریف را بر مشاغلی چند مثل تدریس وعبادت واداره امورخانه‌توزیع نموده بود ، لذا کمتراوقاتش بهدر میرفت ، وحتی الامکان از خانه‌بیرون نمی‌آمد وطالبین ملاقاتش خود دید و بازدید او مینمودند ، و در اثر این تنظیم اوقات تا آخر عمر بنعمت قوت بنیه و صحـت جسم‌و رفاهیت ضمیر متنعم بود ، و در مسجد شیشه‌گرخانه‌امامت میـنمـود و در نـزد ، اهالی معروف بود به علم وفضل و کمال ، و از علماء منزوی و معمر بود ، وجلداول‌برهان‌الکفایه در نجوم مورخ (رجب ۱۳۱۰) بخط‌او بنظر رسید ،
مرحوم آقا سید آقای امام در (۱۳۰۸) قدری از علوم ادبیه ، و مرحوم آقا سید بزرگ آل طیب نجوم و هیاءت را نزد او خوانده‌اند ، و داستان ذیل را یکی از احفادش نقل‌نمود ، روزی زنی از همسایه ها نزد ایشان آمد اظهار داشت گردنبند او مفقود شده و اگر شوهرش مطلع شود او راشکنجه خواهد داد و از سید چاره‌ای خواست ، آنمرحوم سقای آنهـــا را طلبید و باو فرمود گردنبند این زن را باو برگردان ، سقا اظهار بی اطلاعی نمود و منکـر سرقت گردید ، سید باو فرمود پس برخیز وبرو بیرون ، سقا رفت اما پس از نیم ساعت او راکه از شکم درد بخود می‌پیچید و قدرت راه رفتن از او سلب شده بودسوارالاغی‌آوردند و زیر دالان خانه سید بزمین نهادند ، در حالیکه گردنبند را آورده و ازسید عذرخواهی و توبه کرد ، داستانهای دیگری هم از او شنیده‌ام که دلالت بر جلالت او دارد ،
در حدود (۱۳۱۱= نقصان عظیم) * درگذشت ، و در (۱۳۱۷-) جنازه اورااز‌شوشتر به نجف حمل نموده در حجره زاویه جنوب غربی صحن مطهر بخاک سپردند و از وی یک پسرمخلف گردید :

---

* مصادر مذکوره وفاتش را حدود (۱۳۱۰) نوشته اند اما او چنانکه دانستی در رجب آن سال زنده بوده ،

سید محمد علی ۷ که کسب کمال از والد ماجد خود نموده و انزوا بر طبعش غالب بودودر (۱۳۴۲= غالب شده) درگذشت ودر وادی السلام نجف اشرف مدفون گردیده بطوریکه یکی از احفادش اظهار نمود ،

در بوستان پیغمبر گوید (معروف بود به سید محمد علی شیشه گرخانه ،وایشان عالم فاضل در علم نجوم ید طولائی داشت * در مسجد پدرش امامت داشت وفاتش حدود (۱۳۴۲)

نگارنده گوید آنمرحوم داماد مرحوم آیه‌اللهحاجی سیدعبدالصمدبوده وازهمسرش بی بی فاطمه دختر آیةالله دارای اولادی شد که ذکور آنان سه‌نفر بودند :سیدمحمدباقر۸ ، سید عبدالله۸ ، سید جواد ۸ ،

در شجره طیبه سید عبدالله رامقدم برسید محمد باقر نوشته که اشتباه است ،

سید محمد باقر ۸ مدتها به‌تحصیل علوم رنج برده‌بود ، بجوانی در(۱۳۲۵= جوان خدا ترس) درگذشت ، و مدفن وی حتی بر فرزندش مجهول است ، یک پسر از وی‌یادگارماند:

سیدمحمد ۹ هاشمی که درسال درگذشت پدر بدنیا آمد ، سابقا مقیم شوشتر بودواکنون در اهواز است ، سه پسر دارد : سیدمحمدحسین ۱۰ ، سیدمصطفی ۱۰ ، سیدمهدی ۱۰ ،

سیدمحمدحسین ۱۰ لیسانسیه‌زبان انگلیسی درشرکت صنایع فولاد دراهوازکار میکند ،

سید مصطفی ۱۰ در اهواز و سید مهدی ۱۰ اکنون دوره نظام را میگذراند ،

و سید عبدالله۸ بن سید محمدعلی ملقب به منجم متولد (۱۳۰۲= اختراق) مدتی به تحصیل علوم قدیمه و طب مشغول شد آنگاه وارد کسب گردید ،سیدی‌جلیل‌وسلیم‌النفس بود ، در (۱۳۷۵= مشغله) مشرف بزیارت عتبات مقدسه عراق گردید ، هنگام‌مراجعت‌که در شوال سال مذکور بود در آبادان که رسید سکته کرد ودرگذشت ، جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن نمودند ، یک پسر از وی مخلف گردید :

سیدجعفر ۹ جزائری متولد (۱۳۳۶) مقیم اهواز کارمند بازنشسته شرکت نفت ، یک پسر دارد سید محمدعلی ۱۰ متولد (۱۳۸۳)

و سید جواد ۸ بن سید محمدعلی ملقب به‌بنی هاشمی ،متولدحدود (۱۳۰۵=فیروزبخت) و متوفی (۱۳۷۱= ظلمات) و مدفون در وادی السلام نجف اشرف ، دارای‌پنج پسرشد :

سید محمدحسن۹ ، سیدمحمدی۹ ، سیدرضا۹ ، سیدحسین۹ ، سیدمحمدعلی۹ ،

سید محمدحسن۹ متولد (۱۳۴۷) کارمند دارائی ، چند سالی است منتقل به تهران شده و سه پسر دارد : سید مرتضی ۱۰ ، سید مجتبی ۱۰ ، سید احمد۱۰ ،

---

* یدی طولی انسب است ،

سید محمدی ۹ کارمند اداره سپاه دانش در اهواز تولدش (۱۳۵۲) بوده ، و دو پسردارد:
مهـرداد ۱۰ متولد (۱۳۸۲) ، سید رضا ۱۰ متولد (۱۳۸۷) ،
سیـدرضا ۹ متولد (۱۳۵۹) کارمند آموزش وپرورش شوشتر تاکنون فرزندی ندارد ،
سید حسین ۹ متولد (۱۳۶۱) در اداره تعاون روستائی خرمشهر کار میکند وتاکنون یـک پسر دارد پژمان۱۰ (۱۳۹۱) ،
سید محمدعلی ۹ پسر کوچک سید جواد بنی هاشمی متولد (۱۳۶۹) کارمند شرکت سهام زراعی در عقیلی شوشتر است ،

و اما سید بهاء الدین ۴ چهارمین فرزند آقا سید عبدالله ۳ ، مطابـق نوشته پدر وبرادر زاده‌اش * این نام را داشته ، و از امضاء خود ونوشته فرزندانش ومرثیه‌ای که برای او گفته شده معلوم میشود نام او محمد ، و بهاء الدین لقب او است ،
در هر حال شرح حال مختصری از او در تحفه آمده و همان را در بوستان پیغمبر ، وشجره طیبه ، و(الکرام البرره ۱ : ۱۹۹) نقل کرده ، و هیچکدام تاریخ وفات او را ننوشته اند، و اینک ما گوئیم :
وی سیدی بزرگ منش با وقار و در قطع خصومات و تحریر و ثائق بین الانام یگانه روزگـار بوده ** ، و نسخه‌ای از (المختصر النافع) بخط مرحوم آقا سید نورالدین ۲ دیدم که بر آن نوشته بود (فائدةاصطلح المحقق فی کتاب الشرائع بعبارات نذکر تفسیر هـــا فالاشهرای‌فی‌الروایه ،والاظهرای فی‌الفتوی ، والاشبه‌ای مایدل‌اصول المذهب من‌العمومات و الاطلاقات فی‌الادله ، والاصح ای مایحتمل‌عنده غیرالمذکور ، و الاحوط بمعنی ان‌العمل‌به متیقن معه‌البراء ه ، والاکثرای القائل به‌اکثر والانسب مرادف الاشبه ، والاولی هوترجیـح احدالقولین والاحتمال علی الاخر بوجه ما ، والتردد مایعارض فیه‌الدلیلان من‌غیرترجیح وعلی قول ای لم یوجدله دلیل ، والشیخ هوالطوسی ، والشیخان الطوسی مع‌المفیـد ، والثلاثه همامع المرتضی ، والخمسه هم‌مع ابن بابویه‌وابنه ، من التنقیح‌الرائع بمختصر الشرائع ، نقله‌المذنب‌الجانی غبارنعال اهل التحصیل ، بهاء الدین محمدبن عبداللـــه الحسینی الموسوی ، فی شهر رجب المرجب سنة السابعة والخمسین و المائة و الالف مـن الهجرة النبویة علی مهاجرها افضل الصلوة واکمل التحیة حامد امصلیا مسلما) ،
وسید لطف الله۵ فرزندش مینویسد بتاریخ لیلةالخمیس (۱۳ــ ج ۲ــ ۱۲۲۱= روح‌قبض نموده) از این سرای فانی بروضه جاودانی شتافت وداغ حرمان بردل و جگر بازمانـدگان نهاد ، وشعرای عصر تواریخ متعدد بر فوت آن بزرگوار ساخته اند ، یکی ازآنهابرای‌نمونه

---

* (تذکره شوشتره: ۶۰) و (تحفه العالم: ۱۲۵)
** (تحفه العالم: ۱۲۵)

که‌از ملاعوض قواس تخلص * ثبت افتاد

فغان از روزگار کینه اندیش — که دائم میکند آزار هر دل
نمیماند کسی سالم زجورش — گدا و شاهرا داند مقـابل
چنان‌سید بهاء الدین‌محمد — که‌بودش‌بنده‌هردانا‌و عاقل
مه برج سیادت کز جبینش — منور اهل دین رابودمحفل
زعلمش عالمان‌یکسرنکونام — زفضلش بهره‌ور جمع‌افاضل
قوی زو پایه شرع پیمبـــر — وزو بر مسلمین اسلام‌حاصل
زمکر گردش گردون پر فن — بر او پیک اجل گردید نازل
همانـدم‌مرغ‌روحش‌کرد‌پرواز — بشد بر آستان قدس واصل
دریغازان‌شکوه‌عقل‌ودانش — کزو منحل‌شدن‌بسیار مشکل
دریغازان‌کمال‌ورای‌وتمکین — که‌ذهنش‌بود‌درهرعلم‌قابل
طلب کردم‌چه‌تاریخ‌وفاتش — زعقل تعمیت پرداز کامل
خردبنهاد‌پای‌دانش وگفت — بجنت‌سیدماکردمنزل **

و چون آن بزرگوار را در حال حیات انسی تام و موانستی مالاکلام بمقبره‌وبارگاه‌والدماجد و جد امجد (قدس‌الله‌روحیهما)که در جوار جامع کبیر شوشتر است بود ، و مکرر اوقات‌در لیالی و ایام متبرکه بزیارت ایشان که‌الحق راهنمایان دین و پیشوایان اهل یقین‌بوده‌اند میشتافت ، بنابراین مدفن آن بزرگوار متصل به‌مرقد والدوالاتبار اتفاق و قرار یافت ، و فقیر و جمیع بازماندگان را در این ظلمتکده ناکامی بی کس و بی صاحب گذاشت ، افسوس یالیتنی مت قبل هذا و کنت نسیامنسیا ***

اولاد او : سید عبدالرزاق ۵ ، سید لطف الله۵، سید علی اصغر۵ ، سید نصرالله۵****
که در (شکوفه هفتم بیایند)

---

* شاعری‌گمنام است ، در هیچیک از کتب تراجم و تذکره‌ها که بنظرنگارنده‌رسیده‌مذکورنیست ، و بجز ابیات مذکوره در فوق که نشانه طبع غرای او است اثری از وی بدست نیآمده ، و محتمل است که فرزند ملا هادی قواس مذکور در صفحه ۵٤ باشد ،

** مقصود از پای دانش (شین = ۳۰۰)است که بر مصراع اخیر که مطابق (۹۲۱) است‌افزوده گردد تا (۱۲۲۱) که‌تاریخ‌مطلوب است بدست آید ،

*** (حاشیه تحفه العالم)

**** (تحفه العالم: ۱۲۵)

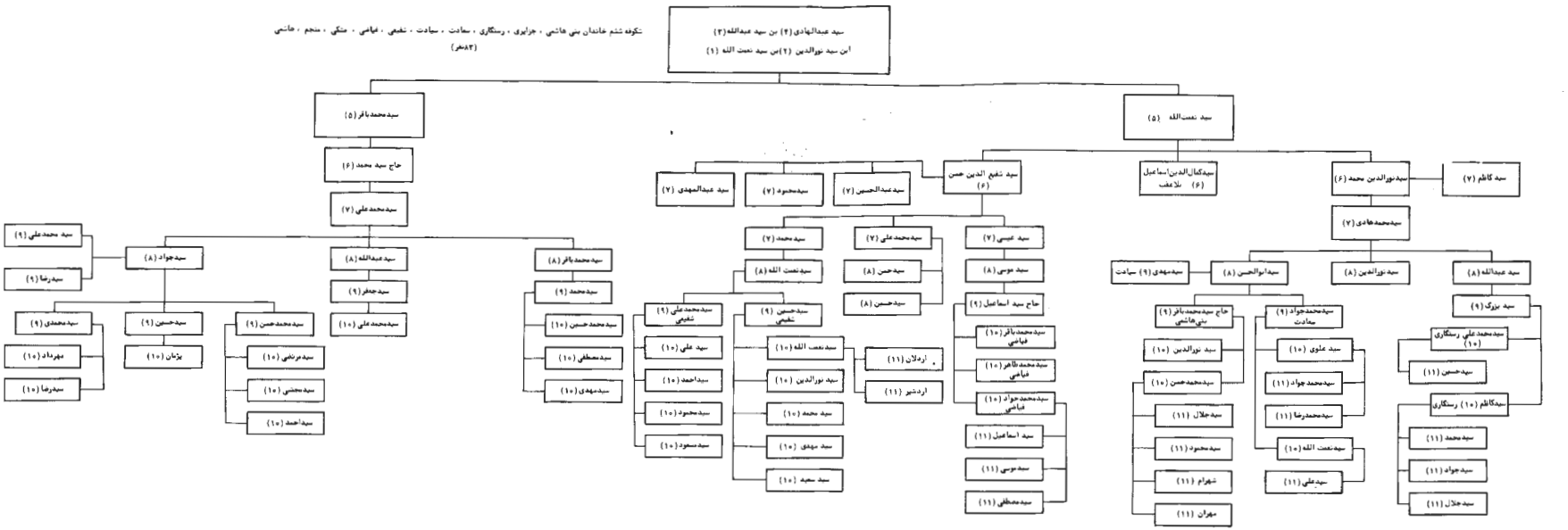
تکوفه ششم خاندان بنی هاشمی ، جزایری ، رستگاری ، سعادت ، سیادت ، شفیعی ، غیاثی ، منکی ، منجم ، هاشمی
(۸۳نفر)
سید عبدالهادی (۴) بن سید عبدالله (۳)
آن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید محمدباقر (۵)
حاج سید محمد (۶)
سید محمدعلی (۷)
سید محمد علی (۹)
سید جواد (۸)
سید رضا (۹)
سید محمدی (۹)
مهرداد (۱۰)
سید رضا (۱۰)
سید حسین (۹)
یزدان (۱۰)
سید محمد حسن (۹)
سید مرتضی (۱۰)
سید مجتبی (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سید عبدالله (۸)
سید جعفر (۹)
سید محمد علی (۱۰)
سید محمدباقر (۸)
سید محمد (۹)
سید محمد حسین (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید نعمت الله (۵)
سید شفیع الدین حسن (۶)
سید عبدالمهدی (۷)
سید محمود (۷)
سید عبدالحسین (۷)
سید محمد (۷)
سید نعمت الله (۸)
سید محمد علی شفیعی (۹)
سید علی (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سید محمود (۱۰)
سید مسعود (۱۰)
سید حسین شفیعی (۹)
سید نعمت الله (۱۰)
سید نورالدین (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید سعید (۱۰)
سید محمد علی (۷)
سید حسن (۸)
سید حسین (۸)
اردلان (۱۱)
اردشیر (۱۱)
سید عیسی (۷)
سید موسی (۸)
حاج سید اسماعیل (۹)
سید محمدباقر (۱۰) شفیعی
سید محمد طاهر (۱۰) شفیعی
سید محمدجواد (۱۰) شفیعی
سید اسماعیل (۱۱)
سید موسی (۱۱)
سید مصطفی (۱۱)
سید کمال الدین اسماعیل (۶) ملقب
سید نورالدین محمد (۶)
سید کاظم (۷)
سیدمحمدهادی (۷)
سیدمهدی (۹) سعادت
سیدابوالحسن (۸)
سید نورالدین (۸)
سید عبدالله (۸)
سید بزرگ (۹)
حاج سید محمدباقر (۹) بنی هاشمی
سید نورالدین (۱۰)
سید محمدحسن (۱۰)
سید جلال (۱۱)
سید محمود (۱۱)
شهرام (۱۱)
مهران (۱۱)
سیدمحمدجواد (۹) سعادت
سید علوی (۱۰)
سید محمد جواد (۱۱)
سید محمدرضا (۱۱)
سید نعمت الله (۱۰)
سید علی (۱۱)
سید محمد علی رستگاری (۱۰)
سید حسین (۱۱)
سیدکاظم (۱۰) رستگاری
سید محمد (۱۱)
سید جواد (۱۱)
سید جلال (۱۱)

شکوفه هفتم

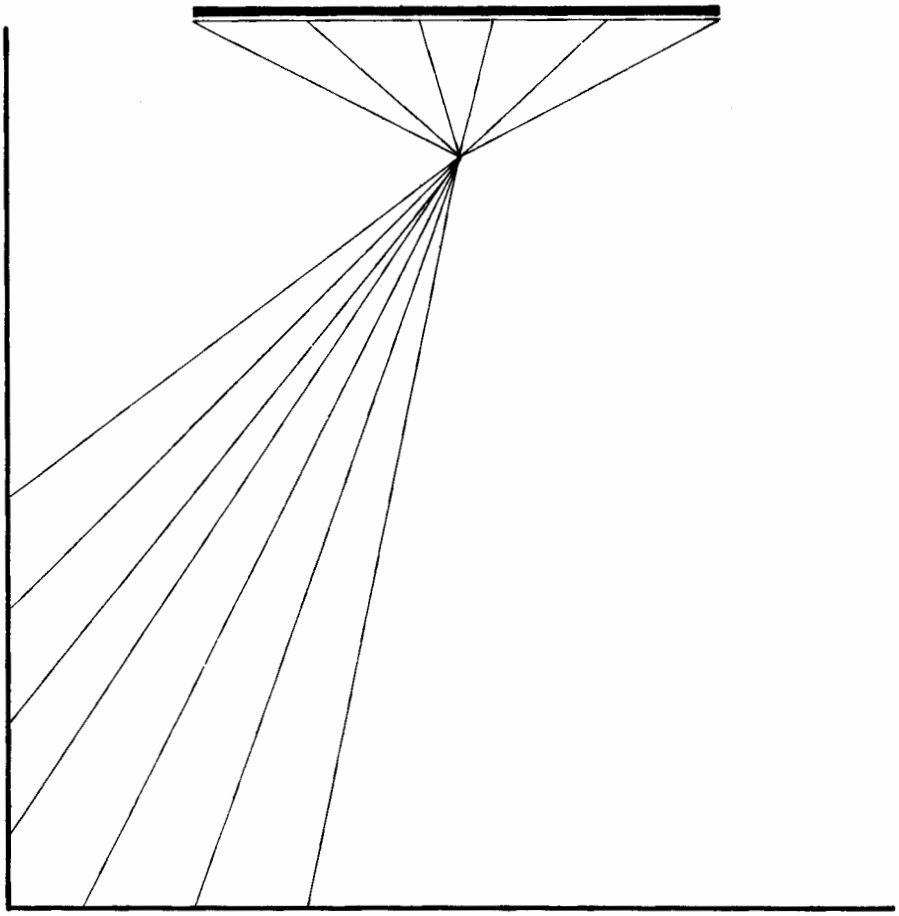

* شکوفه هفتم *

خاندان آل ایوب . ایوبی . پیشوا . نقیب . نقیبی

دربیان احوال واعقاب سید عبدالرزاق ۵ وسیدلطف الله ۵ وسیدعلی اصغر ۵ وسیدنصرالله ۵ فرزندان سید بهاء الدین ۴ مذکور در شاخه اول*

سید عبدالرزاق ۵ بن سید بهاء الدین را صاحب (تحفه العالم : ۱۷۶) چنین معرفی کرده (فاضلی نحریر وزاهدی بی نظیر بود ، قبل از استکمال کمالات بجوانی درگذشت اگر فرصت یافته بود یکی از فضلای عالی مقدار و در سلک پارسایان نیکو اطوار بشمار آمدی . از او مخلف شد دو پسر سید محمد سمیع و سیدایوب)

در بوستان پیغمبر ، وشجره طیبه ، و (الکرام البرره : ۷۲۸) و (نجوم السماء : ۳۲۳) نیز بهمین نحو مذکور است ،

در (دائره معارف الشیعه) جواهر کلام جلد ششم زیر عنوان جزائری ، بشماره ۱۳ نوشته ، (فقیهی است فجاة وفات کرده) وآن ادعائی بی دلیل بلکه اشتباهی واضح است

نسخه‌ای ازمغنی اللبیب مورخ (۱۱۸۷) بخط اودیده‌ام که درآخرش چنین نوشته (فرغ من کتابته بعون الله وعنایته العبدالمعیوب الذی یرده المشتری عبدالرزاق بن بهاء الدین محمد بن عبدالله بن نورالدین بن نعمت الله الحسینی الموسوی الجزائری التستری فی مدرسة المرحوم امیر شکار فی ضحوة سلخ ذی القعدة الحرام ۱۱۸۷ و الحمدلله و حده والصلوة علی من لانبی بعده)

سید محمد سمیع ۶ فرزند سید عبدالرزاق را در شجره طیبه مجهول الحال نوشته و گفته از اولادش اطلاعی نیست اما در بوستان پیغمبر گوید اولاد ذکور از او نماند

و سید ایوب ۶ پسر دیگر سید عبدالرزاق که جد خاندان آل ایوب است ، از بقای اسم او تا امروز معلوم میشود که دارای مقامی بوده ، و از او سه پسر مخلف شده : سید اغائی ۷ (عبدالرزاق) ، سید محمد ۷ ، سید احمد ۷ **

سید آغائی ۷ که نام حقیقی اوسید عبدالرزاق است ، بطوریکه در شجره طیبه مذکوراست سه پسر داشته : سید محمد ۸ و سید زین العابدین ۸ ، و حاج سید علی ۸ ، که دو نفراول را بلاعقب معرفی کرده ، اما در بوستان پیغمبر گوید (سید آغائی بن سید ایوب دارای چهار پسر بود : سید زین العابدین ، وسیدعلی ، وسیدمحمدحسن وسیدمحمد ، از سید زین العابدین وسیدمحمد اولاد دکور نماند واز سید محمدحسین یک پسر بعمل آمد بنام سید عبدالرزاق که در کودکی وفات نمود) ،

---

* صفحه ۲۰۵

** شجره طیبه . و در بوستان پیغمبر سید محمد را مقدم بر سید آغائی نوشته ،

وحاج سید علی ۸ بن سید آغائی سیدی فاضل وساده وبی آلایش بود و در توکل وسخا از غرائب روزگار بشمار میرفت ،و آنحناب در (۱۲۵۱= تشریف-آوردند) متولد ودر (۱۳۰۳) بخراسان مشرف شده و مجاورت اختیار نمود ، اتفاقا در آن ایام وبائی در مشهد حادث شد،بعضی از مؤمنین در عالم رؤیا بحضور مبارک حضرت رضا (علیه‌السلم)مشرف‌شده شکایت از وبا نمودند ، حضرت ایشان را بگرفتن دعای وبا از حاج سیدعلی امر فرمود ، این خواب باعث اشتهار آن سید شد ، مردم خراسان اعتقادی‌تام درباره‌اش‌پیدانمودند ودر حرم مقدس امامت مینمود تا در (۱۳۳۶= رخصت ولی) وفات فرمودودرحجره‌متصل به‌کفشداری در صحن مقدس کهنه مدفون گردید ، از او دو پسر بعمل آمد : سید محمد ۹، سید جواد ۹ ،*

در (نقباء البشر ۴ :۱۲۹۶) ترجمه شده ،ماوفاتش رابنقل از(البدائع الجعفریه) در (۱۳۲۲) نوشته کهاشتباه‌است ، و سیدمحمد ۹ فرزند حاج سیدعلی متولد (۱۲۹۳= غلام حیدر) و متوفی (۸ ــ رمضان ــ ۱۳۷۸ = محمد غفور) و مدفون در باغ رضوان مشهد** سیدی بود صافی مشرب بغایت آرمیده*** ، مثل مرحوم پدرش در مشهد امامت و شهرتی داشت ، اولاد ذکورش شش نفرند سید حسن ۱۰ ، سیدحسین۱۰ ، سیدمحسن ۱۰ ، سید ابراهیم ۱۰ ، سید صدرالدین۱۰ ، سید علی۱۰ ، که هر شش نفر در مشهد مقدس به کسب اشتغال داشته و دارند ،

سید حسن۱۰ بن سید محمد در حدود (۱۳۹۰= مستفیض) درگذشت طبق اظهار سید عطاءالله آل ایوب ، وپسرانش چهار نفراند: سید احمد۱۱ ، سید عباس ۱۱ ، سیدجواد ۱۱ ، سید محمود ۱۱***

سید حسین۱۰ بن سید محمد سه پسر دارد سید رضا۱۱ ، سید جعفر۱۱ ، سید محمد تقی ۱۱ ،***

سیدمحسن۱۰ بن سیدمحمد ، بنابه‌گفته‌آقا سید عطاء الله مذکور ، در (۱۳۸۸ = قابض السرور) وفات نمود و در مشهد مدفون است ،

وسید جواد ۹ بن حاج سید علی که قبل از(۱۳۶۴) درگذشته * یک پسر داشته : سید امیرآغا ۱۰ ، که پنج پسر دارد:سید محمد ۱۱ ، سید هادی۱۱ ، سید جواد۱۱ ،سید علی۱۱ ، سید هاشم ۱۱***

و اما سید محمد ۷ بن سید ایوب سیدی فاضلو مقدس بوده نزد مرحوم حاج شیخ جعفر

---

* شجره طیبه

** گورستانی مخصوص علما وبزرگان بود که مرحوم حاج سید حسین سبزواری از علمای مشهد آنرا تاءسیس کرده و اکنون خراب شده و جزء خیابان گردیده

*** بوستان پیغمبر

شوشتری درس خوانده ودر مسجد افضل شوشتر امامت داشته ،ودرمجموعه‌ای که‌نزدنگارنده موجود است بعضی ادعیه را نوشته ، وفاتش روز عاشوراء (۱۲۸۸= غفار ابد) بوده ، دو پسر از وی مخلف گردید : سید حسین ۸ ، سید احمد ۸ ،

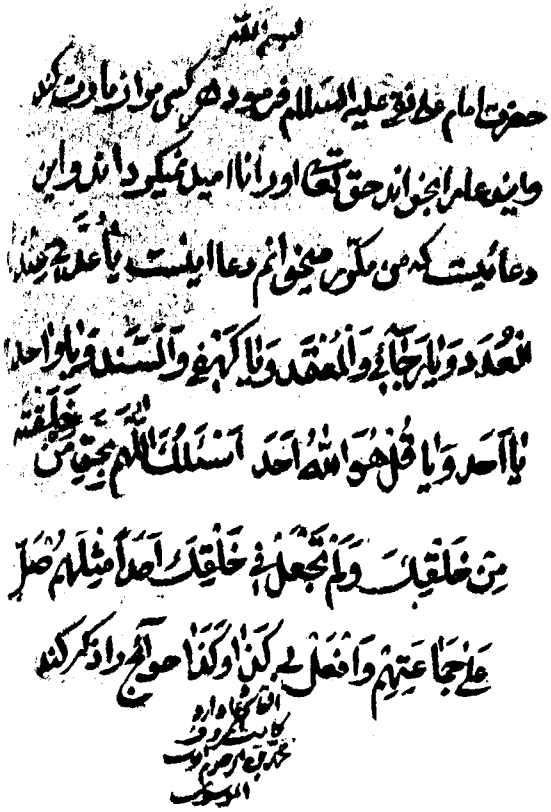

سید حسین ۸ متولد (۱۲۷۱= نیراعظم) و متوفی (۱۳۴۰ = خدمت رسول) درکاظمین ، یک پسر داشته سید تقی ۹ که او هم ساکن کاظمین بود و اخیرا" به سماله منتقل ، و در شوشتر درگذشت و در مقام حسین مدفون گردید ، وی دارای دو پسر بود سیدحسین ۱۰ ، سید حسن ۱۰ ، هر دو ساکن سماله که‌یکی از دهات عقیلی ازاطراف‌شوشتراست بوده‌اند ، و سید حسین اخیرا" به شوشتر منتقل شده و یک پسر دارد سید علی ۱۱ ،

وسید احمد ۸ بن سید محمد ۷ در (۱۲۷۶= اعتضاد) متولد و در شوشتر مقیم ، سیدی بودعالم فاضل‌پرهیزگار منزوی طبق اظهار نوه‌اش سید عطاء الله درسیدصالح مدفون‌است ، ازاوسه‌پسر بعمل‌آمد : سیدمحمدعلی ۹آل ایوب ، سیدعلی‌اصغر ۹ ، سید بزرگ ۹ ایوبی ،

* بوستان پیغمبر

سیدمحمدعلی ۹ آل ایوب متولد (۱۲۹۸= عید غدیر) فاضلی جلیل وامام یکی از مساجد شوشتر بود در اواخر عمر به نجف اشرف مشرف و مجاورت اختیار نمود تا در (۲ـرجب ـ ۱۳۸۱= شام غم) بین راه کاظمین وسامرآء در اثر سانحه اتومبیل خود و زوجه اش جان سپردند ، و در وادی السلام نجف اشرف مدفون شدند ،

پنج پسر از وی مخلف گردید: سید محمد ۱۰ ، سیدصدرالدین ۱۰ ، سیدمرتضی ۱۰ ، سید مصطفی ۱۰ ، سید عطاءالله ۱۰ ، و یک پسر بنام سید مهدی ۱۰ داشته متولد (۱۳۴۱) که در حیات وی (۱۳۵۹) بلاعقب درگذشت و در سید صالح مدفون شد ، *

سید محمد ۱۰ بن سید محمدعلی متولد (۱۳۲۴= بهار ظاهری) ومتوفی (۱۳۸۴= تربت عنبرین) و مدفون در وادی السلام قم ، دارای سه پسر شد: سید احمد ۱۱ ، سید محمود ۱۱ ، متولد (۱۳۷۱) سید ابوالقاسم ۱۱ متولد (۱۳۷۹) ،

سید احمد ۱۱ که لقب فامیلی (پیشوا) گرفته ، متولد (۱۳۶۴) کارمند سازمان آب وبرق خوزستان در اهواز است و تاکنون دو پسر دارد: شهروز ۱۲ متولد (۱۳۹۳) ، سید شهاب ۱۲ متولد (۱۳۹۵) ،

سیدصدرالدین ۱۰ بن سیدمحمدعلی متولد (۱۳۲۹= حفظ فرزند) ومتوفی (۱۳۸۹= غفار حق) و مدفون در سید صالح نیز دارای سه پسر شد: سید حسین ۱۱ (عبدالصمد) ، سید تاج الدین ۱۱ ، سید علی ۱۱ ،

سید عبدالصمد ۱۲ ساکن اهواز و کارمند راه آهن است ،

سید مرتضی ۱۰ بن سید محمدعلی متولد (۱۳۴۳) به‌تحصیل علوم دینیه اشتغال داردو چند سالی است که مقیم نجف اشرف شده و تاکنون پسری ندارد ،

سید مصطفی ۱۰ بن سید محمدعلی متولد (۱۳۴۷) او هم مقیم نجف اشرف و اهل علم‌و دارای چهار پسر است :

سیدمحمدحسن ۱۱ متولد (۵ـ ع ۱ـ۱۳۷۸) ، سیدمحمدحسین ۱۱ متولد (۱۳ـ ج ۲ـ۱۳۸۱)، سید محمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ، سید محمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۹۰) ،

سید عطاءالله ۱۰ بن سید محمدعلی متولد (۱۳۵۰) مدتها ساکن مسجدسلیمان بود و در مطبعه کار میکرد ، اکنون مقیم قم شده وضمن اشتغال بشغل‌مذکور به تحصیل هم پرداخته ودارای شش پسر است :

سیدهبه‌الله ۱۱ متولد (۱۳۷۹) ، سید حشمةالله ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ، سید نعمت الله ۱۱ متولد (۱۳۸۶) ، سید محمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۸۷) ، سید مهدی ۱۱ متولد (۱۳۹۲) ، سید محمد رضا ۱۱ متولد (۱۳۹۴) ،

و سید علی اصغر ۹ بن سید احمد ۸ بلاعقب بود ،

---

* اظهارات شفاهی سید عطاءالله آل ایوب ، اما در بوستان پیغمبر و شجره طیبه‌مذکور نیست ،

وسید بزرگ ۹ بن سید احمد ۸ ملقب به (ایوبی) کارمند دارائی شوشتر و متوفی شعبان (۱۳۹۳= انتظامات) و مدفون در جلو ایوان سید حسین ، شش پسر مخلف نمود : سید نورالدین ۱۰ ، سید جمال ۱۰ ، سید فخرالدین ۱۰ ، سید کمال ۱۰ ، سید منصور ۱۰ ، سید ایوب ۱۰ ،

سید نورالدین ۱۰ کارمند بهداری شوشتراست وتاکنون یک پسر دارد سید نعمت‌الله ۱۱ ،

وسید احمد ۷ بن سید ایواب ۶ بلاعقب بوده ،

وسید لطف الله ۵ دومین پسر سید بهاءالدین بن سید عبدالله (به‌تحصیل علم دماغی سوخته‌وبعدر وسع از فنون متداوله بهره‌اندوخته‌است ، بعلم وفضل خویش بغایت نازان و در عرصه‌جدل ازیکه تازان ، و در محافل عظیمه بنحوی که شیوه منتسبان بعلم است ازمسائل مهجوره رایات جدل بر افرازد و این شیوه را مستحسن و نیکو شمارد ، از سن صبا بااین شکسته بال برادر و دوست بی همال است ، اولاد او سید ابوطالب ، سید محمد علی)*

در بوستان پیغمبر ، وشجره طیبه ، والکرام البرره خطی ، بهمین مضمون ترجمه شده ، نگارنده گوید او صاحب حاشیه تحفه العالم است که در مقدمه مذکور ، وازمدارک‌ماست ، حواشی مزبور را بر نسخه‌ای خطی بخط خود نوشته ومحتمل است که متن آن‌کتاب‌هم بخط او باشد ، قسمتی از آن حواشی را در (نابغه فقه وحدیث)** نقل کردیم

و از آنها براید که او تفسیر صافی را نزد مرحوم سید ابوالحسن ۴ شیخ الاسلام و مقداری اصول فقه وبدیع را نزد مرحوم سید عبدالهادی ۴ عمویان خود خوانده ،

و از آنجمله درباره‌عقرب جراره‌که‌درشوشتر وجود داشته وبسیار خطرناک است‌گوید (از بعض نقات مسموع شده که سمیت این عقرب به‌مرتبه‌ای است که دفعه عقرب جراره‌در میان مسی‌افتاده بود و قدری کاه برروی آن‌در طاس گذاشته بودند و آب نیز بر آنها پاشیدند بعد از انقضای چند ساعتی اتشی از آن بهمرسیده و آن کاه خود بخود اتش‌گرفته‌بسوخت هذاما سمعته و العهده علی قائله)

ودر شرح حال ملامحمد ابدال شاعر شوشتری مینویسد (از جمله‌خوشگذرانان روزگاروهمیشه با ظریف طبعان سروکار داشت طبع او مایل به‌گشت وصحرا روی حتی در این اواخر که‌به سبب پیری وعسرت وضعف وناتوانی بحد نهایت رسیده‌بود اصلا " کج خلقی در مزاج او نبود و در روز جمعه ببقعه صاحب الزمان که بصحرای گرگر واقع است رفتی وباظرفا صحبت داشتی گاهگاهی بنزد فقیر میآمد و با او اختلاط شعری و بعض صبحتها داشتم روزی درطی مصاحبت این فرد که‌از او است بزبانش جاری شده فقیر را بسیار خوش آمد در اینجا ثبت شده

---

* (تحفه العالم : ۱۷۷)

** در صفحات (۲۲۶-۲۳۱)

همچه پرگار در این دائره‌گشتیم بسی بجز از نقطه تجرید ندیدیم کسی

ودرباره‌ملامحمدبن عیدی محمد قاری خلیفه شوشتری مذکور در (نابغه‌فقه‌وحدیث ۱۸۷) چنین نوشته (از جمله ظرائف آخوند مولانا آنکه روزی فقیر بکوچه باو برخوردم عبای سیاهی بدوش او بود که بقامت‌او بسیار بلند بود باین سبب آخوند دامن عبا راجمع‌کرده بزیر بغل داشت باوگفتم عبای شما بسیار بلند است فرمود خیر عبا بلند نیست قامت من کوتاه وغیرمستوی الخلقه‌است)

و تا (۱۲ــ ع ۱ــ۱۲۲۴) در قید حیات بوده ، زیرا نسخه‌ای از تنبیهات المنجمین‌بخط‌او بتاریخ مزبور ، بنظر رسیده که نام و نسب خود را در آخر آن نسخه چنین نوشته (لطف الله ابن المرحوم المقدس السید بهاء الدین محمدبن عبدالله بن نورالدین محمد بن نعمت الله الموسوی)

قد اتفق الفراغ من کتابة هذه الرسالة الموسومة بتنبیهات بید الفقیر الحقیر المعترف
علی نفسه الجانیة بالتفریط والتقصیر لطف الله ابن المرحوم المقدس السید بهاء الدین محمد
بن عبدالله بن نورالدین محمد بن نعمت الله الموسوی قدس الله
تربتهم الزکیة وافاض علیهم المواهب الربانیة
فی تاریخ یوم الجمعة ثانی عشر شهر ربیع الاول
سنة الرابعة والعشرین بعد المائتین
والالف ۱۲۲۴
من الهجرة

از حالات سیدابوطالب ۶ پسرش اطلاعی در دست نیست ،

اما سید محمدعلی ۶ بن سید لطف الله ۵ یک پسر داشته بنام :

حاج سید عبدالله ۷ نقیب ،که متجاوز از یکصد سال عمر کرد و منصب نقابت دراویش و اصناف خورده از طرف فتحعلیشاه که در (۱۲۴۵) بخوزستان آمد بوی واگذار شد ، وسید نقیب را اولاد نمیشد تا در ایام پیری خداوند پسری باوداد بنام جدش سید بهاء الدین ۸ نامید و بسید بابا پیر معروف شد ،

وسید باباپیر ۸ مدتی جزء طلاب بود و اخیرا وارد شغل جولائی شدودرمسجددوحواهران * امامت مینمود ومدت صد وسی ودوسال زندگی کرد و دراین مدت چهل سفر به خراسان رفت و از او چهار پسر بعمل آمد :

سید عبدالله۹ ، سید ابوالحسن۹ ، سید محمدعلی۹ ، سید محمدهادی ۹ ،**

سید عبدالله۹ بن سید باباپیر بدزفول رفت واز اوسه پسر بجای ماند: سیدحسن۱۰ ،سید علی اکبر ۱۰ ، سید رضا۱۰ ،

از سید حسن۱۰ دو پسر ماند : سید بره۱۱ که اولاد ذکور نداشت ،وسیدکره۱۱که بلاعقب درگذشت ،

از سید علی اکبر ۱۰ فرزندی معلوم نشد ، وسید رضا۱۰ یک پسر داشته سید عبدالله۱۱ ،

واز سیدابوالحسن۹ بن سید باباپیر که درحدود (۱۳۶۰= ذی احترام) درگذشت دو پسر ماند : سید باباپیر ۱۰ ساعت ساز ، وسید مهدی ۱۰ نقیبی

سید باباپیر ۱۰ ساعت ساز متولد (۱۲۹۳= خبریافت) و متوفی (۱۳۷۶= مشغول) ، آوازی خوش داشت وروضه میخواند ودر (۱۳۴۲) طبق ورقه‌ای که‌موجود است عده‌ای‌ازدراویش‌که ورقه را امضاء کرده‌اند ، او را به نقابت خود منصوب داشته‌وکفایت‌ولیاقت وی‌راتصدیق نموده‌اند ، یکی از شعراهم در وصف او این بیت را گفته :

نجل موسی شه دین پادشه عرش سریر نظم سادات نقیب الفقرا باباپیر

خودش هم گاهگاهی شعر گفته ، از آنجمله این دوبیت را برای دوست شاعر خودملامحمد دوباب شوشتری که به‌رامهرمز رفته بود فرستاد

ای دهانت معدن قند و نبات تا رهای ریش تو همچون سمات ***

گر نیائی این زمان در شوشتر زین نمط ما شعر گوئیم از برات

و از سید باباپیر ۱۰ مذکور سه پسر مخلف گردید : سیدحسن۱۱ ، سیدحسین۱۱ ،سیدعلی ۱۱ ،

سیدحسن۱۱ بن سیدباباپیر۱۰ متولد (۱۳۳۸) مقیم شوشتر سه‌پسر دارد : سیدمحمد تقی ۱۲ ، سیدمجید۱۲ ، سید محمدرضا۱۲ ،

سیدحسین۱۱ بن سید باباپیر متولد (۱۳۴۲)

سیدعلی ۱۱ بن سیدباباپیر متولد (۱۳۵۳) ، خیاط است دراهواز ، و دو پسر دارد: سید رضا۱۲ ، سید محمد ۱۲ ،

و سید مهدی ۱۰ نقیبی بن سید ابوالحسن ۹ که قبل از (۱۳۶۰= یاغفارمجید) درگذشته ،

---

* از مساجد شوشتر است

** شجره طیبه

*** سمات بزبان محلی شوشتر پهن حیوان را گویند ، (واژه نامه ای از گویش‌شوشتری:۲۵۶)

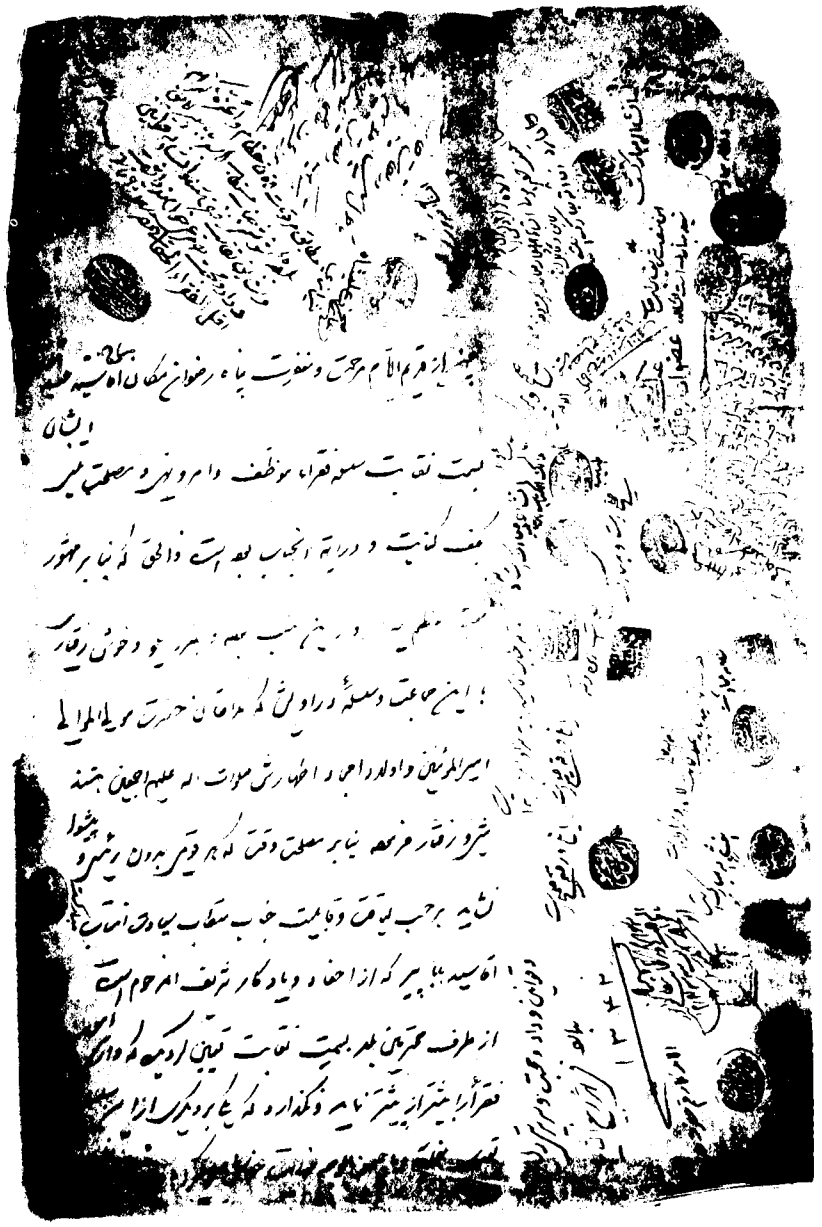

دارای سه پسر بوده سید محمدهادی۱۱ ، سید محمود ۱۱ ، سید علی ۱۱ ،
سید محمدهادی ۱۱ متولد (۱۳۶۴) ،
سیدمحمود ۱۱ متولد (۱۳۶۶) کارمند اداره تعاون روستائی شوشتر است ،
سید علی ۱۱ در رشته شیمی دانشکده علوم اهواز تحصیل کرده ،
سید محمدعلی۹ وسیدمحمدهادی ۹ فرزندان سید باباپیر ۸ بلاعقب بوده اند ،
و سید علی اصغر ۵ سومین پسر سید بهاءالدین۴ ، در (تحفة العالم: ۱۷۷) سید اصغر نامیده شده و آن غلط چاپی است ، زیرا که در ذیل ترجمه پدرش ، سید علی‌اصغر است.
و در نسخه خطی تحفه وشجره نوریه هم چنین است اما در (بوستان پیغمبر (از تتمة الشجره نقل کرده‌که سیدمحمدعلی ۸ بن سیدنعمت الله۷ بن سید عبدالحسین۶ بن سید عزیزالله۵ بن سید اسماعیل ۴ بن سید مرتضی ۳ بن سید نورالدین۲ بن سیدنعمت‌الله۱ گفته این نام اشتباه است‌و صحیحش سید علی اکبر است ، در هر حال درتحفه‌درباره‌اش چنین نوشته (سیدی نیکو خصال وبعلوم متداوله در ترقی وبرتری ، خاصه در نحو که‌سوم سیبویه و زمخشری است ، در یکی از مساجد و مدارس بامامت واشتغال قیام دارد) *
در الکرام البرره خطی هم بهمین نحو ترجمه شده ،

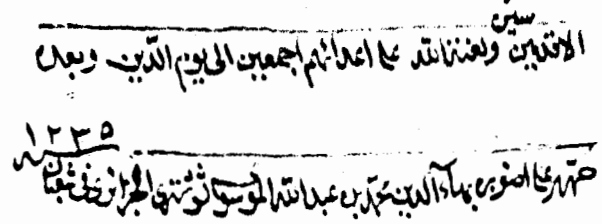

نسخه‌ای از حاشیه جداعلی بر شرح جامی را که ناقص بوده ، در (سلخ ــ ذ ح ــ ۱۲۲۱) برای مرحوم سید محسن ۵ فرزند سید ابوالحسن ۴ شیخ الاسلام تکمیل نموده ، و عبارتی را که در آخر آن آورده در شرح حال سید محسن مزبور نقل کردیم ، و زادالمعادمجلسی‌را مورخ (۱۲۳۵) بخط‌او دیده‌ام ، و معلوم نیست تا چه تاریخی بعد از آن در قید حیات بوده ،
در (بوستان پیغمبر) فرمایداولاد ذکور نداشت ، اما کتانباف پسری بنام سید محمد باقر برای اوثبت کرده و گفته او در فارسان چهارمحال میزیسته واز اوسیدحسین‌نامی بعمل‌آمده و سید حسین نامبرده را سه پسر مخلف شده سید عبدالرحمن وسید صالح و سید محمد ، در (شجره طیبه) این مطلب را بنقل از بعض ثقات آورده ، که بنظر میرسد همان‌کتانباف است که‌بالمشافهه برای او نقل کرده ، آنگاه در باره سادات فارسان نوشته جمعی ازآنان

* در تحفه چاپی صفحه مرقوم درفوق ، واو افتاده وچنین است (بهامامت اشتغال‌قیام‌دارد)

خود را اولاذ سید محمد ۳ بن سید نورالدین ۲میدانند ،انتهی،ومادرشرح‌حال‌سیدمحمد ۳ مزبور در این باره‌سخن خواهیم گفت ،

وسید نصرالله۵ چهارمین پسر سید بهاء الدین ۴، را صاحب تحفه ترجمه نکرده، فقط به نامبردن وی ذیل ترجمه پدرش اکتفا کرده، و محتمل است در اثر غفلت از قلم او افتاده باشد، در هر حال اویک پسر داشته بنام سید فضل الله۶ * و او را نیز یک پسر بوده سید ابوالفضل ۷ که عالمی جلیل بوده ودرمسجد میرشکار امامت مینمودو، در(۱۲۷۲ = اختراع) وفات کرد و نامش تاکنون ببزرگی یاد میشود **

فائز شوشتری (۷) مرثیه زیر را برای او گفته و از آن بر آید که در ماه شعبان درگذشته ،

ببالای دل غمها غمی از نو هویدا شد — عنان طاقت و صبر و فرار از دست دلهاشد
لوای عشرت‌وشادی‌فتادازپادراین‌عالم — درفش ماتم وغم باز در این دهر بر پا شد
نمیگویم که باشد روز قتل حضرت‌حیدر — نمیگویم جناب مجتبی مقتول اعـدا شـد
نمیگویم حسین کشته‌دردشت‌بلااین‌دم — نمیگویم که از شمشیر منقض شق بیضا شد
نمیگویم که‌شدعباس‌بیدست‌اندرین‌وادی — نمیگویم که قاسم پایمال خیل اعـدا شد
بلی این‌ماه‌شعبان‌شدمحرم‌اندراین‌کشور — چرا دراین عزاماتم نشین سلطان بطحاشد
زداغ ماتم سیدابوالفضل‌اندر این عالم — صدای وا اماما از زمین تا عرش اعـلا شد
دریده‌جامه‌طاقت‌بتن‌زین‌غم بنی هاشم — در افغان زین عزا هر شیعه‌بافرزندزهرا شد
دریغ‌ازآن‌کمال‌وفضل‌وزهدوحلم‌آن‌سرور — دوصدافسوس‌که‌ازاین‌دهردون‌دارای‌تقوی‌شد
جهان‌تاریک‌شدبرچشم‌اهل‌فضل‌زین‌ماتم — مگر از آسمان فضل غالب قرص بیضا شـد
مسلمانان‌چه‌شد دارای اخلاق پسندیده — کجا شدآنکه مونس برفقیران روز وشبها شد
یتیمان را بسر آسانـوازش کرد آن‌سرور — چه جد نامیش همصحبت اعراج و اعمی‌شد
ز دنیا پاکشید وچشم‌بست‌اززندگی‌یکسر — نبوداین‌خاکدان‌راچون‌ثباتی‌سوی عقبی‌شد
نبندد دل بدنیا مرد دانا فائز حیران — نباید بی خبر از کید دنیا مرد دانـا شد
نباشد باقیان راچاره‌ای‌جزصبروشکرحق — که شخص صابر شاکر بتحت ظل یکتا شـد
الهی روح او را با پیمبر ساز محشورش — که از درگاه منعم میتوان هـر کس توانا شد

و از سید ابوالفضل ۷ مذکور یک پسر مخلف شد بنام
سید محمد طاهر ۸ که ساکن حیدرآباد هندوستان بوده،
در (شجره طیبه) گوید : او را چند پسر است که یکی از ایشان بنام جدش سید لطف‌الله نام دارد و اولادش را نیز فرزندانی چند است که نامهایش معلوم نگارنده نیست ،انتهی نگارنده گوید مطلب مزبور اشتباه است زیرا که در اجداد او سید لطف‌اللهنامی نبوده بلکه

* شجره نوریه
** شجره طیبه

سید نصرالله جد او بوده ،
وسید محمدطاهر ۸ راپسر دیگری‌بنام سیدحسین ۹ بوده که عالمی فاضل و دارای‌تالیفاتی بوده ،
از آنجمله رساله‌فارسی در علم اخلاق که درهند چاپ شده‌وبلاعقب درگذشته *
واما سید عبدالرحیم ۴ فرزند پنجم آقا سید عبدالله۳ ، سیدی نیکوخصال‌پسندیده‌افعال بود چندی در بنگاله‌و دکن افتاده عود بوطن نمود و درگذشت **
در بوستان پیغمبر و تتمهٔ الشجره وشجره‌طیبه نیز بهمین نحو مذکور است ،
علاقه تهرانی در (الکواکب المنتثره) که مخصوص دانشمندانی است که در قرن دوازدهم درگذشته‌اند ترجمه اش کرده ، در حالکیه نسخه‌ای از (المقاصد العلیه) به خط اومورخ (۱۱–ج ۲–۱۲۰۵) موجود است ، و علامه تهرانی نسخه‌ای از حاشیه اربعین‌حدیث‌مورخ (۲۰–محرم –۱۱۷۳) بخط او دیده وگمان کرده‌اند که تا قرن سیزدهم‌نمانده ،واو دارای دو پسر بوده سیدعبدالحسین۵ ، سید محمدعلی۵ ، بطوریکه در تحفه است ،
در شجره نوریه پسر بزرگ را سید عبدالحسن نامیده ، و در تتمهٔ الشجره پیروی ازاونموده و فرموده در تحفه عبدالحسین است ، ولی بهتر بود مطابق تحفه بنویسد آنگاه اشاره کند که‌درشجره نوریه چنان است ، چه آنکه صاحب‌تحفه اقدم و اعرف بوده ودرصورت اختلاف قول او مقبول ، و مخالف مردود است ،
در هر حال این دو پسر مجهول الحال و معلوم نیست عقبی داشته یا نداشته اند ،
و اما سید علی‌اکبر ۴ ششمین فرزند آقا سید عبدالله۳ ، در انشای فارسی خالی از ربطی نبود و به نیک وبد آن میرسید واز مقدمات علوم نیز بیگانه نبود ، چندی قبل درگذشت از او بیادگار است سید حسنعلی ، سید محمد رضا ، سید عبدالله ،
در بوستان پیغمبر ، و شجره طیبه ، والکرام البرره قسمت خطی ، نیز بهمین‌مضمون‌مذکور است ،
و این سه فرزند که هر کدام مؤسس یک خانواده بزرگ بوده‌اند به‌ترتیب در شکوفه هـا ی (هشتم و نهم و دهم) مذکور میشوند ،

---

* (نقباء البشر۱ : ۵۹۰) وازآنجا در (گنجینه‌دانشمندان۵ : ۴۰۶) نقل شده ،
** تحفه العالم : ۱۲۵)

آقای سید احمد پیشوا

آقای سید عطاء الله آل ایوب

از راست به چپ ــ مرحوم آیه‌الله حاجی سید محمد حسن جزائری ــ مرحوم آیه‌الله حاجی سید علی بهبهانی مرحوم حاج سید علی احمدی ــ و نگارنده

مقبره مرحوم سیدنورالدین ۲ جنب مسجدجامع شوشتر

امامزاده عبدالله شوشتر

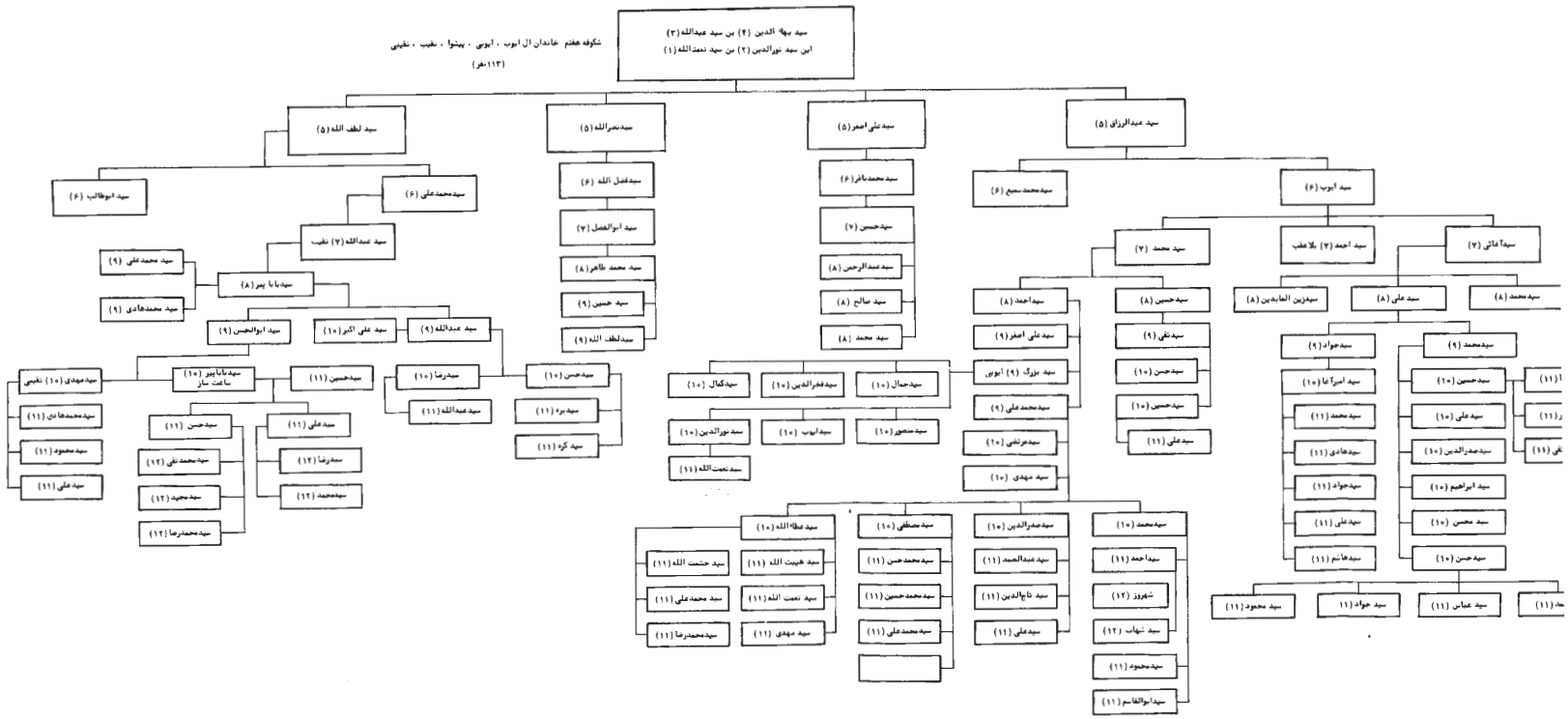

سید بهاء الدین (۴) بن سید عبدالله (۳)
ابن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت‌الله (۱)
شکوفه هفتم خاندان ال ایوب ، ایوبی ، پیشوا ، نقیب ، نقیبی
(۱۱۳نفر)
سید عبدالرزاق (۵)
سید علی اصغر (۵)
سید نصرالله (۵)
سید لطف الله (۵)
سید ایوب (۶)
سید محمد سمیع (۶)
سید محمد باقر (۶)
سید فضل الله (۶)
سید محمدعلی (۶)
سید ابوطالب (۶)
سید آغائی (۷)
سید احمد (۷) بلاعقب
سید محمد (۷)
سید حسین (۷)
سید ابوالفضل (۷)
سید عبدالله (۷) نقیب
سید محمد (۸)
سید علی (۸)
سید زین العابدین (۸)
سید حسین (۸)
سید احمد (۸)
سید عبدالرحمن (۸)
سید محمد طاهر (۸)
سید بابا پیر (۸)
سید محمدعلی (۹)
سید محمدهادی (۹)
سید حسین (۹)
سید صالح (۸)
سید محمد (۸)
سید لطف الله (۹)
سید عبدالله (۹)
سید علی اکبر (۱۰)
سید ابوالحسن (۹)
سید محمد (۹)
سید جواد (۹)
سید نقی (۹)
سید علی اصغر (۹)
سید بزرگ (۹) ایوبی
سید محمدعلی (۹)
سید مرتضی (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید حسین (۱۰)
سید علی (۱۱)
سید جمال (۱۰)
سید فخرالدین (۱۰)
سید کمال (۱۰)
سید منصور (۱۰)
سید ایوب (۱۰)
سید نورالدین (۱۰)
سید نعمت‌الله (۱۱)
سید حسن (۱۰)
سید بره (۱۱)
سید کره (۱۱)
سید رضا (۱۰)
سید عبدالله (۱۱)
سید حسین (۱۱)
سید بابا پیر (۱۰) ساعت ساز
سید مهدی (۱۰) نقیبی
سید محمدهادی (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید حسن (۱۱)
سید محمدنقی (۱۲)
سید مجید (۱۲)
سید محمدرضا (۱۲)
سید رضا (۱۲)
سید محمد (۱۲)
سید محمد (۱۰)
سید احمد (۱۱)
شهروز (۱۲)
سید شهاب (۱۲)
سید محمود (۱۱)
سید ابوالقاسم (۱۱)
سید صدرالدین (۱۰)
سید عبدالصمد (۱۱)
سید تاج‌الدین (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید مصطفی (۱۰)
سید محمدحسن (۱۱)
سید محمدحسین (۱۱)
سید محمدعلی (۱۱)
سید عطاءالله (۱۰)
سید هیبت الله (۱۱)
سید نعمت الله (۱۱)
سید مهدی (۱۱)
سید حشمت الله (۱۱)
سید محمدعلی (۱۱)
سید محمدرضا (۱۱)
سید محمد (۹)
سید حسین (۱۰)
سید علی (۱۰)
سید صدرالدین (۱۰)
سید ابراهیم (۱۰)
سید محسن (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید امیرآغا (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید هادی (۱۱)
سید جواد (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید هاشم (۱۱)
سید عباس (۱۱)
سید جواد (۱۱)
سید محمود (۱۱)

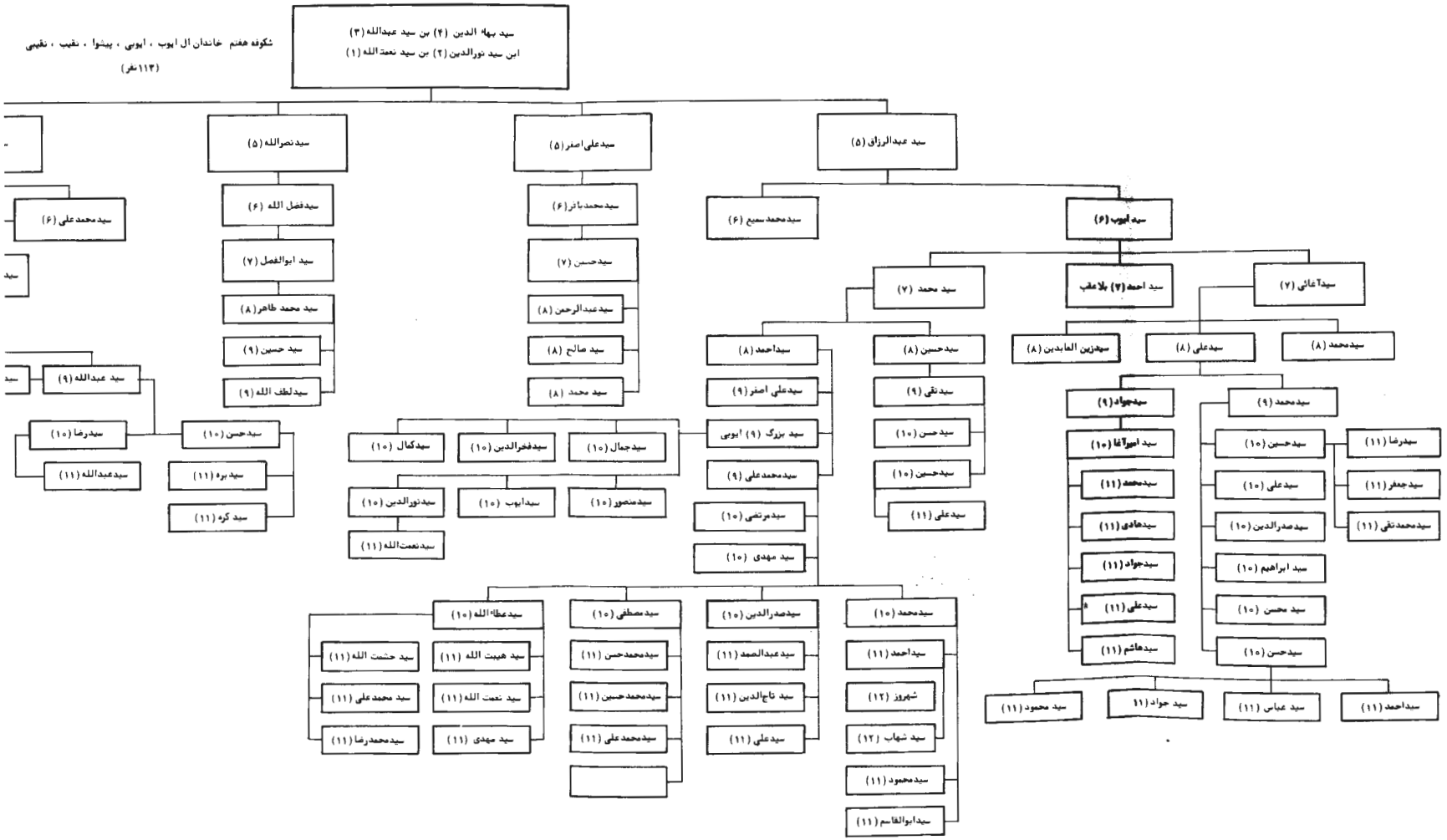
سید بهاء الدین (۴) بن سید عبدالله (۳)
ابن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
شکوفه هفتم خاندان ال ایوب ، ایوبی ، پیشوا ، نقیب ، نقیبی
(۱۱۳نفر)
سید عبدالرزاق (۵)
سید علی اصغر (۵)
سید نصرالله (۵)
سید ایوب (۶)
سید محمد سمیع (۶)
سید محمد باقر (۶)
سید فضل الله (۶)
سید محمد علی (۶)
سید آغائی (۷)
سید احمد (۷) بلاعقب
سید محمد (۷)
سید حسین (۷)
سید ابوالفضل (۷)
سید زین العابدین (۸)
سید علی (۸)
سید محمد (۸)
سید حسین (۸)
سید عبدالرحمن (۸)
سید محمد طاهر (۸)
سید احمد (۸)
سید صالح (۸)
سید محمد (۸)
سید حسین (۹)
سید لطف الله (۹)
سید عبدالله (۹)
سید جواد (۹)
سید محمد (۹)
سید تقی (۹)
سید علی اصغر (۹)
سید بزرگ (۹) ایوبی
سید محمد علی (۹)
سید امیرآغا (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید هادی (۱۱)
سید جواد (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید هاشم (۱۱)
سید حسین (۱۰)
سید علی (۱۰)
سید صدرالدین (۱۰)
سید ابراهیم (۱۰)
سید محسن (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید رضا (۱۱)
سید جعفر (۱۱)
سید محمد تقی (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید جواد (۱۱)
سید عباس (۱۱)
سید احمد (۱۱)
سید رضا (۱۰)
سید عبدالله (۱۱)
سید حسن (۱۰)
سید بره (۱۱)
سید کره (۱۱)
سید جمال (۱۰)
سید فخرالدین (۱۰)
سید کمال (۱۰)
سید منصور (۱۰)
سید ایوب (۱۰)
سید نورالدین (۱۰)
سید نعمت الله (۱۱)
سید مرتضی (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید احمد (۱۱)
شهروز (۱۲)
سید شهاب (۱۲)
سید محمود (۱۱)
سید ابوالقاسم (۱۱)
سید صدرالدین (۱۰)
سید عبدالصمد (۱۱)
سید تاج الدین (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید مصطفی (۱۰)
سید محمد حسن (۱۱)
سید محمد حسین (۱۱)
سید محمد علی (۱۱)
سید عطاء الله (۱۰)
سید هیبت الله (۱۱)
سید نعمت الله (۱۱)
سید مهدی (۱۱)
سید حشمت الله (۱۱)
سید محمد علی (۱۱)
سید محمد رضا (۱۱)

شکوفه هشتم

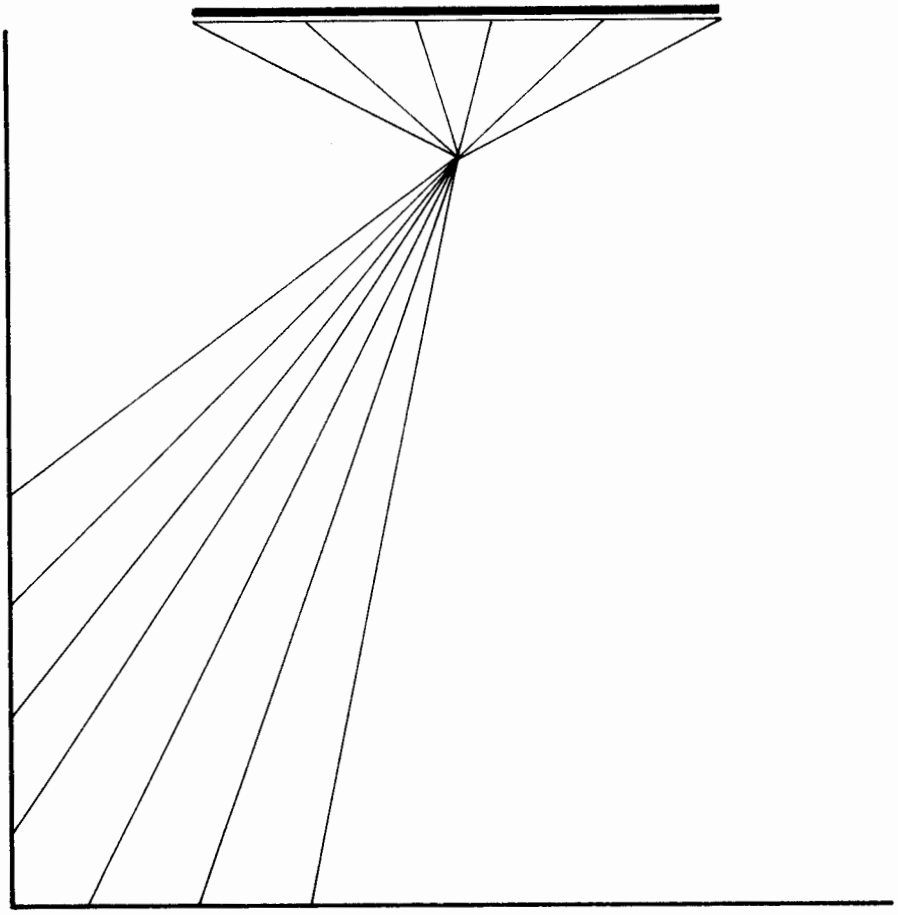

* شکوفه هشتم *

خاندان احمدی . ادیب . پیشنماز . تقوی . جزائری . حجت . عالمزاده . عبونوئی . عسکری . محمدی . موسوی . موسوی شوشتری . ناشر الاسلام . نوری .

سید حسنعلی ۵بن (سید علی اکبر ۴ مذکور در شاخه اول * را ، صاحب تحفه چنین ترجمه کرده (طفل بود که من برآمدم ، شنیده‌ام سیدی عالی مقام است تحصیل بعض علوم نموده ، در یکی از مدارس و مساجد جزء مدرس و امام است ، اولاد او سید محمد حسین . سید محمدرضا . سید محمد تقی)** در نسخه چاپی تحفه سیدمحمدتقی مذکور نیست ،

در شجره طیبه گوید (مرحوم سید حسنعلی بن سید علی اکبر عالمی جلیل بوده وازطرف اساتید آن عصر تصدیق اجتهاد داشته‌است ، سالها در مسجد عبدالله بانو امامت مینمود و رساله فقهیه‌ای دارد باسم (تحفه‌السلاطین) ، از وی دو پسر مخلف شد سید محمد حسین ، سید محمد تقی)

و بطوریکه معلوم میشود ترجمه سید حسنعلی درتحفه ، از نظر صاحب شجره طیبه پنهان مانده ، ولذا عبارت آنرا درباره‌اش نقل نکرده ، وسیدمحمدرضا فرزندش را که در آنجا مذکور است نام نبرده ، در بوستان پیغمبر بمضمون این دو مصدر مذکور است ،

علامه تهرانی عبارت تحفه‌چاپی را چنین ترجمه کرده ((لمابرع صارمدرسا فی بعض مدارس تستر واقام الجماعه فی مسجده فی هذه‌السنه (یعنی سنة تالیفه ۱۲۱۶) واولاده السید محمد حسین والسید رضا)) آنگاه فرموده (والظاهران وفاته بعدالتاریخ المذکور)***

چنانکه ملاحظه میشود این ترجمه اشتباه و استظهار بعد از آن بیمورد است ،

و چنانکه دانستی سه پسر داشته : سید محمدحسین۶ ، سیدمحمدرضا۶ ، سیدمحمدتقی۶ ، سیدمحمدحسین۶ بن سید حسنعلی۵ دارای چهار پسر بوده : سید عبدالکریم ۷ ، سید عبدالرحیم ۷ ، سیدمحمد علی ۷ ، سید نعمت الله۷ ، که‌دو نفر اول بلاخلف درگذشتند**** وسیدعبدالکریم ۷ جزء طلبه‌بوده‌وشاید بمقامی ازفضل رسیده‌باشد ، نسخه‌ای از مغنی اللبیب مورخ (۱۶ ــ ذ ح ــ ۱۲۴۵) بخط او دیده‌ام که نسب خود را در آخر آن چنین نوشته (عبدالکریم بن محمدحسین بن حسن بن علی اکبر بن عبدالله بن نورالدین) وبطوریکه ملاحظه میشود نام نیای نزدیک خود را که حسنعلی است حسن نوشته ،

---

* صفحه ۲۱۸

** (تحفه العالم : ۱۷۷)

*** (الکرام البرره ۱ : ۳۶۳)

**** (شجره طیبه)

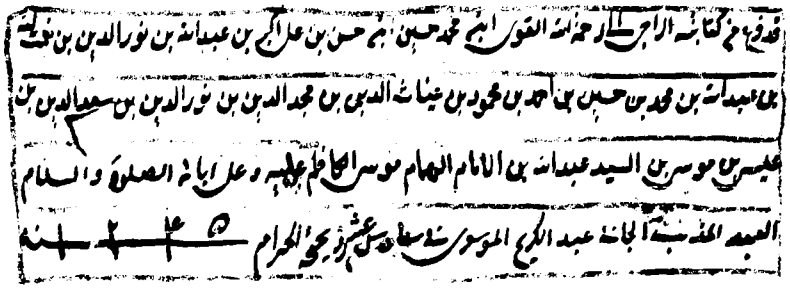

وسیدمحمدعلی ۷ بن سیدمحمدحسین۶ از مقدمات علوم وفقه‌بهره داشت ، در (۱۳۱۲ = خیر بشر) فوت شد ، از او دو پسر مخلف شد : سیدمحمد ۸. سیدکاظم۸.*

سیدمحمد ۸ در محله عبونو (عبدالله‌بانو) در شوشتر سکونت داشت وبه حاج سید محمد عبونوئی معروف بود ، تولدش در (۱۲۶۰= خورشید علم) مقدمات را در شوشتر و فقه و اصول را از محضر میرزا محمدحسن شیرازی در سامره بدست آورده بود ، و درنجف‌اشرف با مرحوم سید یزدی صاحب عروه هم مباحثه و مورد وثوق واعتماد کامل او بود ، چون‌به شوشتر برگشت نظر به مراتب قدس و تقوایش از مراجع مهم واقع گردید ،

آنجناب دانشمندی پرهیزگارمدرس وواعظ بوده ، ونخست درمسجدشاه زیدواخیرادرمسجد عبدالله‌بانوامامت داشته ،یکی ازشاگردان اوصاحب تتمة‌الشجره‌است که‌درحدود (۱۳۰۸) ابن ناظم ومغنی وحاشیه ملا عبدالله‌ومختصر مطول را نزد او خوانده است ،

وشنیدم ازفقیه معظم جناب حاج سیدمحمدحسن آل طیب دامت برکاته‌که‌مرحوم حاج سید محمد وقتی که بچه بود در اوائل اشتغال به‌تحصیل ، روزی بهمراه والدش درمجلسی که مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری تشریف داشته حاضر شدند ، شیخ سئوال نمود که آقاسید محمدچه میخواند ؟ جواب داد تصریف ، فرمود میتوانی (قال) را اعلال‌کنی ؟ عرض کرد بلی ، قال در اصل قول بوده واو متحرک ماقبل مفتوح را قلب الف کردیم قال گفتیم، شیخ فرمود از کجا میدانی در اصل قول بوده شاید قیل بوده؟ گفت چون حرفی‌که‌ازجنس عین الفعلش بر آن زیاد کرده‌اند تقول گفته‌اند واگریائی بود تقیل میگفتند ، شیخ فرمود احسنت وپس از آنکه بمنزل مراجعت کرد یک قدک وچند قرآن فرستاد بعنوان خلعت‌و جایزه برای وی که باعث خوشوقتی پدرش‌مرحوم‌آقاسید محمدعلی گردید ،

آنمرحوم تسلطی خاص در تلفیق اشعار الفیه داشت ، ابیات متعددی که یک قافیه‌داشتند مصرعی از یک بیت با مصرعی از بیت دیگر ضم مینمود و معنای آن شعر ملفق را از طلاب و اهل فضل سئوال مینمود وایشان از عدم تناسب معنای دو مصرع تعجب میکردند ،

---

* (شجره طیبه) ودر(بوستان پیغمبر) سید کاظم‌را قبل‌از سید محمد نام برده است ،

وقتی یک نفر طریفی * خواست گاومیشی باو بدهد از اوسئوال کرد ازحقوق‌واجبه‌مانند زکوة و خمس است ؟ عرض کردنه ، فرمود نذر است ؟ گفت نه ، فرمود پس به چه مناسبت میخواهی گاومیشی را که نسبتا " قیمتش زیاد است بمن بدهی ؟ عرض کرددلم میخواهد ، باو فرمود که‌توسفیهی که بدون داعی صحیح عقلائی میخواهی مالت را ببخشی و هبه تو باطل‌است ، از او قبول نکرد ، بعد معلوم شد واقع مطلب همین بوده چون خیلی ازمالش را باین نحو تلف نموده‌است ، وبا اینکه مرجعیت در حقوق شرعیه داشت ، از اموال کثیره که‌بدستش میرسید ذخیره‌ای نکرد و هنگام وفات بدهکار بود ، طلبکاران خدمتش رفتند و او را ابراء ذمه نمودند ، و هنگامیکه فوت شد غیر از خانه‌موروثی ومختصر اثاثیه ، ترکه ای نداشت و مؤمنان از خودشان مراسم بعد از فوتش را انجام دادند ، وفات‌حاج‌سیدمحمد ۸در (۱۳۴۴= ختم‌شد) یا (۱۳۴۵= فارغ البال) بوده ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف‌منتقل و در مقبره مرحوم حاجی محمد طاهر چیت ساز دفن نمودند ،

از آنمرحوم یک پسر مخلف گردید سید علی اکبر ۹ که ساکن (جانکی بختیاری) بود و در محرم (۱۳۶۳= باغ نشاط) درگذشت و در (ابوالعباس جانکی) مدفون‌گردید ،ودارای سه‌پسر بود سیدمحمدعلی ۱۰ ، سید حسین ۱۰ ، سید مهدی ۱۰ ، که‌لقب (موسوی) دارند سیدمحمدعلی ۱۰ موسوی متولد (۱۳۴۴) ، در اهواز ساکن وکاسب است وپنج پسر دارد : سیدعلی‌اکبر ۱۱ ، سیدمحمدحسین ۱۱ ، سیدمحمد ۱۱ ، سیدمهدی ۱۱ ، سیدمحمود ۱۱ ، سیدحسین ۱۰موسوی متولد (۱۳۴۷= ماخوذ) ، در حدود (۱۳۶۸= باغ دلشگا) درروددخانه کارون غرق شد ، و در سید حسین ** مدفون گردید ، و عقبی نداشت ،

وسیدمهدی ۱۰ موسوی معروف به (جزائری) متولد (۱۳۴۹) ساکن ایذه ودارای دفتر ازدواج وپنج پسر است : سید نظام الدین ۱۱ ، سیدشمس الدین ۱۱ ، سید جلال الدین ۱۱ سیدجمال الدین ۱۱ ، سید محمدحسین ۱۱ ،

و سیدکاظم ۸ بن سید محمدعلی ۷ بن سیدمحمدحسین ۶ بن سیدحسنعلی ۵ ،سیدی‌فاضل ومقدس بوده ویک پسرداشته‌سیدتقی ۹ که‌در بوستان پیغمبر اورامحمدتقی‌نوشته وهیچگونه توضیحی در باره او نداده ، و در شجره‌طیبه‌او را بلاعقب معرفی کرده‌است ،

و اما سیدنعمت الله۷ بن سیدمحمدحسین۶ بن سید حسنعلی ۵که‌برنسخه‌مغنی‌خط برادرش در (۷ـ شعبان ـ۱۲۶۳) یادداشتی نوشته مشعر برقراءت آنکتاب ، بطوریکه‌درشجره‌طیبه است ، امام‌مسجدعبدالله‌بانو بوده و لذا به‌سید پیشنماز معروف شده ودر (۱۳۲۸= عمری باخته) درگذشته ،

---

* (طریفی) و(تریفی) گاومیشی . گاومیش دار را گویند ، در شوشتر عربهائی که ازتربیت گاومیش امرار معاش میکنند ودر زمستان هر کدام چند گاومیش بشهر آورده شیروماست وپنیر وروغن‌آنهارا به‌اهالی میفروشند، تریفی یا طریفی نام دارند (واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری: ۹۰) ،

** در غرب بقعه امامزاده عبدالله واقع و اطراف آن گورستان‌عمومی‌است

اما در بوستان پیغمبر درباره‌اش چنین نوشته (جلیل القدر در مسجدشاه زیدامامت داشته و در اواخر عمر به‌نجف‌اشرف مشرف شده‌ودرهمانجا شب‌چهارشنبه (۲۸ـ محرم ـ ۱۳۲۱ = غمگسار) وفات نمود)

و بنظر ما به‌اختلاف زمان در هر دو مسجد مذکور امامت داشته ،وتاریخ‌وفات دوم‌که مشتمل بر روز و ماه و سال و محل وفات است صحیح است ،

در هر حال پنج پسر از وی مخلف گردید سیدمحمد۸ ، سید عبدالکریم ۸ ، سیدحسین۸ ، سید عبدالله۸، سید محمدعلی ۸ ،

سید محمد۸ بن سید نعمت الله ۷، از علوم ادبیه وشرعیه با اطلاع ، و تا سال (۱۳۱۳) زنده‌بوده ، ویادداشتی مورخ‌سال مزبوربخط اونزد فرزندش مرحوم حاج سیدمحمد حسین ۹ بوده بطوریکه اظهار نمود ، پس تاریخ وفات (۱۳۱۰) که در بوستان پیغمبر مذکور است اشتباه بوده ،

و حاج سید محمد حسین ۹ یگانه فرزند وی ملقب به (ناشر الاسلام) و معروف به حاج‌آقا سیدی ،عالمی‌فاضل مذکور در بوستان پیغمبر ، و (دائرةالمعارف جندقی ۱۳ : ۵۳، و (معجم رجال الفکر والادب فی النجف : ۹۱) و مقدمةالحدیقةالناشریه ، و (مؤلفین‌کتب چاپی۲: ۸۶۸) و (نقباء البشر : ۶۵۲) میباشد ،

و از مجموع آنها و اطلاعات خارجی چنین برآید کەوی درشوشتر در(ماه رمضان ـ ۱۳۰۵ = بلند اقبال) متولد ، و پس از رسیدن به سن تشخیص ، شروع به‌تحصیل در نزدعلمای آنشهر نموده تا (۱۳۳۷) که بعراق‌مهاجرت کرد ، چند سالی در سامرا و اخیرا " بـه نجف مشرف ومجاورت اختیار نمود ، و چند بار به‌افریقای شرقی : زنجبار ، گینه ، تنکانیکـا ، یوگنده ، ماداگاسکار ، سومـالی ایتالیا ، جهت تبلیغ احکام مسافرت نمود ، و در اواخر نماینده مرجع عالیقدر مرحوم آیةالله‌حاجی سیدحسین بروجردی در آنصفحه بود ،

وتالیفاتی بشرح زیر دارد اول الاربعون الناشربه‌چهل حدیث با ترجمه فارسی چاپ شده دوم اسلام و دانش ، در اخلاق فارسی چاپ شده سوم بوستان اثناعشری ،دراخلاق بزبان گجراتی در (۱۳۶۴) چاپ شده ، و در (۱۳۶۶) چاپ دوم آن بنام بوستان اسلام منتشر گردیده بطوریکه در مقدمه الحدیقة الناشریه مذکور است ، ودربوستان پیغمبر گمان تعدد آندو را داشته چهارم الحدیقة الناشریه ، عربی در مواعظ در (۱۳۸۹) در نجف اشرف با ترجمه مؤلف بقلم فرزندش سید علی چاپ شده پنجم ساختمان بشر ، در شرح حدیـث (من عرف نفسه) بفارسی چاپ شده ششم شرح حال مختار ، بفارسی در (۱۳۸۴) چـاپ شده هفتم شرح حال مختارومیثم تماربعربی بنام طلب الثارهشتم عشرات الناشریه ،بعربی در خصال دهگانه نظیر یک‌باب از خصال صدوق است ، چاپ شده ، و در بوستان پیغمبرآنرا

فارسی پنداشته نهم کشکول الناشریه ، فارسی وموضوع آن از نامش ظاهر است، چاپ شده دهم نورالهدایه ، رساله‌عملیه گجراتی مطابق فتاوی مرحوم آیه‌الله بـــروجردی (قدس سره)بازدهم وسیلة‌الناشریه‌دراصول دین بگجراتی که‌این‌دوهم چاپ شده‌اند ،آنمرحوم در۱۳۹۲ بایران‌معاودت نمود ،مدتی درقم‌وزمانی درتهران بسربرد ، تا اینکه‌بیمارگردیدوحدود ساعت نه روز چهارشنبه (۱۶ ــ ذ ح ــ ۱۳۹۶= شهرت یافت) در بیمارستان بلوار درگذشت ، جنازه‌اش را بقم برده در مقبره حاجی محمدعلی فیاضی در وادی السلام بخاک سپردند، و مجالس فاتحه در قم وبعضی از شهرستانهای دیگر برای وی بر قرار گردید ،

ده پسر از او موجود شد : سیدمحمد۱۰ ، سیدکاظم ۱۰ ، سیدحسن۱۰ ، سیدعلی۱۰ ،سید جعفر۱۰ ، سیدرضا۱۰ ، سید جواد۱۰ ، سید مهدی۱۰ ، سید هادی۱۰ ، سید جلال ۱۰ ، سیدمحمد۱۰ متولد (۱۳۳۰) مقیم تهران ، مدتها در عظیم آباد که از روستاهای اطراف پایتخت است به‌تعلیم‌اطفال‌پرداخته‌ومسائل دینیه‌رابه‌آنان آموخته ،ودارای‌چهارپسراست :

بسر است :

سید محمدتقی ۱۱ متولد (۱۳۶۰) کارمند راه‌آهن در تهران .سیدعلی ۱۱متولد (۱۳۷۸) سیدامیر۱۱ متولد (۱۳۸۰) ، سیدامین ۱۱ متولد (۱۳۸۲) ، سیدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۴۱) ، کاسب مقیم بغداد است و دو پسر دارد : سید عباس ۱۱ ، سید صاحب ۱۱ ،

سیدحسن۱۰ متولد (۱۳۵۶) ساکن دولت آباد بین تهران وشهر ری چهار پسردارد: سید فلاح ۱۱ سید عبدالرزاق ۱۱ سید صادق ۱۱ سید باقر ۱۱

سیدعلی ۱۰ معروف به سید نجفی متولد (۱۳۵۷) روحانی مقیم نجف اشرف ودارای یک پسر است سید محمد۱۱

سید جعفر ۱۰ متولد (۱۳۶۸) فعلا "در آمریکا بسر میبرد و هنوز متاءهل نشده

سید رضا۱۰ متولد (۱۳۶۹) تاکنون پسری ندارد ،

سیدجواد۱۰ در اثر تصادف ماشین درگذشت و در قم مدفون شد ،

سید مهدی۱۰ متولد (۱۳۷۸)سید هادی۱۰ متولد (۱۳۸۰) سیدجلال ۱۰متولد (۱۳۸۱) محصلند ،

سید عبدالکریم ۸ بن سید نعمت الله پیشنماز مجاور نجف اشرف بود و در روزعرفه (۹ــ ذ ح ــ۱۳۱۹= غم رسیده) درگذشت ، یک پسر از وی مخلف گردید :

سیدمحمد باقر ۹ معروف به حجت‌متولد (۱۲۸۷= بلند اختر) سیدی‌بودمتواضع‌گشاده‌رو و چرب زبان پرهیزگار ، سالها ساکن نجف اشرف بعدا" بشوشتر آمده در (۱۳۵۴= شاخ نبات) در اهواز وفات‌نمود* سه‌پسر ازوی مخلف‌شد : سیدمحمدتقی ۱۰ ،سیدعبدالسلام ۱۰ ، سید محمدجعفر۱۰ ،

* بوستان پیغمبر

سیدمحمدتقی ۱۰متولد (۱۳۱۷= متواضع) دارای اخلاق حسنه‌بود ، در محرم ـ۱۳۶۲ = غفورنکو) وفات نمود و در اهواز مدفون است ، چهار پسر بازنهاد : سیدجواد۱۱ ، سید مهدی ۱۱ ، سید محمد۱۱ ، سیدمحمدعلی۱۱ ،

سیدعبدالسلام ۱۰ متولد (۱۳۱۹= فرزند فخر زمان) و متوفی (۱۳۸۹= غفارحق) کاسبی خوش اخلاق بود و دو پسر از وی بجای ماند : سید کاظم ۱۱ ، سید محمد باقر ۱۱ ،

سید کاظم ۱۱ تاکنون دارای دو پسر است:سید محمد۱۲ ، سید مجید ۱۲ ،

سیدمحمدباقر۱۱متولد (۱۳۵۷) بازرگان مقیم خرمشهر و ملقب به‌حجت نژاد است ، و او نیز دارای دو پسر است سید محمد رضا ۱۲ ، سید مصطفی ۱۲ ،

سیدمحمدجعفر۱۰ متولد (۱۳۲۵) کارمند بازنشسته‌آموزش وپرورش در تهران سه پسردارد: سیدمحمد۱۱ ، سیدعبدالحسین۱۱ ، سید محمدرضا۱۱ ،

سیدمحمد۱۱ دکتردر طب‌است‌ونام فـامیلی (جزایری) را بجای‌حجت‌برای‌خود انتخاب کرده و ازپزشکان با عقیده است ، مدتی درخوزستان بود و اینک در تهران است .

سیدحسین ۸ بن سیدنعمت الله۷، مقیم خرمشهر بود ، تحصیلاتش در نجف اشرف چند سالی از محضر مرحوم آیةالله‌شیخ محمد طه نجف * استفاده نمود بود ، و در عصر خود در خرمشهر یگانه روحانی بانفوذ آنشهر بود ، ودر (۱۱ـذق=۱۳۳۶= نفروخت) در بصره وفات نمود ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف حمل و در حجره متصل‌به‌درطوسی دفن نمودند ،** دو پسر از وی مخلف گردید : سید محمد ۹ ، سید علی ۹ ،

سیدمحمد ۹ قبل از ازدواج بجوانی در (۱۴ـ ع ۲ـ ۱۳۳۸= پایه‌فضیلت) درگذشت ،

سیدعلی ۹ معروف به‌عالمزاده متولد (۱۳۲۵) ، در خرمشهر سر دفتر اسناد رسمی است و چهار پسر دارد: سید حسین۱۰ ، سید نعمت الله۱۰ متولد (۱۳۶۳) ، سید عزیز۱۰متولد (۱۳۶۶) ، سیدعبدالحمید۱۰ متولد (۱۳۶۹) ،

وسیدحسین۱۰ پسر اکبر وی که‌سید بزرگ هم نامیده میشود متولد (۱۳۵۰) ودارای‌دوپسر است : سیدمحمد۱۱ ، سید حسن ۱۱ ،

سید عبدالله۸ بن سیدنعمت الله مجهول الحال است ،

سید محمدعلی ۸ بن سید نعمت الله ۷ پیشنماز ، سیدی بود جلیل القدر ازمحترمین‌در مسجد عبدالله‌بانو در شوشتر امامت داشت ، و در ماه (ذح ـ۱۳۴۶= مغروق) وفـات

---

* تبریزی الاصل ، نشو و نما یافته در نجف اشرف ، و از بزرگان علما و مراجع بوده ،تالیفات و آثاری داشته‌از آنحمله (اتقان‌المقال) در علم رجال که در نجف اشرف چاپ شده‌ونخست‌آنرا (احیاء الاموات) نامیده‌بود ، و عدول از این نام کاری‌مستحسن و عملی متقن بوده چه آنکه الناس موتی و اهل العلم‌احیاء ،

** بوستان پیغمبر ،

نمود وبطورمسموع جنازه‌اش را به‌نجف اشرف برده‌اند ودر وادی السلام مدفون است ،
هفت پسر از وی مخلف گردید : سیدمحمدحسین ۹ ، سیدمحمدباقر ۹ ، سیدمحمدرضا ۹ ، سید جواد ۹ ، سید بزرگ ۹ ، سید نورالدین ۹ ، سید علی اکبر ۹ ،
سیدمحمدحسین ۹ پیشنمازمتولد (۱۳۱۳= حاضرشد)و متوفی در (شوال ــ ۱۳۹۵= گستاخی شد) و مدفون در شوشتر در سید صالح ، سیدی جلیل بود دو پسر داشت : سیدمحمد ۱۰ ، سیداحمد ۱۰ ،
سیدمحمد ۱۰ چهار پسر دارد : سید فخرالدین ۱۱ ، سید حسن ۱۱ ، سیدنورالدیــن ۱۱ ، سید صدرالدین ۱۱ ،
سیداحمد ۱۰ در شوشتر بکسب اشتغال دارد وتاکنون او را پسری نشده‌است ،
سید محمد باقر ۹ پیشنماز متولد (۱۳۱۵= نظر اقدس) و متوفی در (۱۳۸۳= باغ عیش)و مدفون در سید صالح ، پسرانی داشته‌که‌درحیات وی درگذشته‌اند ودو نفر از وی مخلــف گردید : سید محمدجعفر ۱۰ متولد (۱۳۴۳) که‌متاءهل نشده ،
وسیدمحمدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۴۵) که‌دو پسر دارد : سید فخرالدین ۱۱ ، سید محمد ۱۱ ،
سیدمحمدرضا ۹ پیشنماز ، در حدود (۱۳۶۷= سخت باشد) بلاعقب درگذشت و در سید صالح مدفون گردید ،
سیدمحمدجواد ۹ معروف به (عسکری) متوفی درشوشتر (۱۳۷۶= مشغول)ومدفون در مقام حسین ، دو پسر داشت : سید مجتبی ۱۰ ، سید مرتضی ۱۰ که در کودکی وفات کرد ،
وسیدمجتبی ۱۰ متولد (۱۳۵۵) ساکن اهواز دارای دو پسر است : سیدمحمدجواد ۱۱ کــه سیدسعیدهم نامیده میشود متولد (۱۳۸۲) ، سیدمرتضی ۱۱ متولد (۱۳۹۴) ،
سید بزرگ ۹ معروف به (ادیب) که‌اندکی پس از وفات برادرش سیدمحمدرضا درگذشت‌و در علی بن مهزیار مدفون گردید عقبی نداشت ،
سید نورالدین ۹ نام فامیلی خود را از پیشنماز به (جزایری) تغییر داده ، تولــدش در حدود (۱۳۳۶) بوده ، در شرکت نفت آبادان کار میکرد وبازنشسته شدواکنون‌مقیم تهران است وپنج پسر دارد : سیدمحمدعلی ۱۰ ، سیدمهدی ۱۰ ، سیدمحمود ۱۰ ، سیدمحسن ۱۰ ، مهرداد ۱۰ ،
سیدعلی‌اکبر ۹ پسر کوچک سیدمحمدعلی پیشنماز نیز ملقب به (جزایری)است ، درحدود (۱۳۴۰) متولد وسالها متصدی دستگاه‌مخابراتی‌کاخ نیاوران وکاخ گلستان بوده واخیرا" بازنشسته شده ودو پسر دارد سید محمدرضا ۱۰ متولد (۱۳۶۹)که‌طبق‌اظهارپدرش‌ریاست حسابداری یکی از شرکتهای خصوصی خرمشهر را دارد وسیدمهدی ۱۰ متولد (۱۳۷۹) ،
سید محمدرضا ۶ پسر دوم سید حسنعلی ۵ مجهول الحال است ، مرحوم کتانباف پسری به

نام سید احمد برای او نوشته واو را پدر سیدمحمود مقیم خرم آباد دانسته و این اشتباه است به سید محمد رضا ۵بن سید علی اکبر ۴ که در (شکوفه‌نهم) بیآید .
سیدمحمدتقی ۶ پسر سوم سید حسنعلی ۵ که نامش از تحفه‌العالم چاپی افتاده ،
در شجره نوریه و تتمة الشجره هم مذکور نیست ، و از اینجا معلوم میشودکه‌این‌دوتحقیق نکرده‌وبه‌تحفه‌چاپی استناد کرده‌اند ، در هرحال او دارای سه پسر بوده : سید حسن ۷ ، سید علی ۷ ، سید محمد ۷ ،
از سید حسن ۷ نیز سه پسر بجای ماند : حاجی سید محمدحسین ۸ ، سید احمد ۸ ، سید محمدعلی ۸ ،
حاجی سیدمحمدحسین ۸ معروف به (لنج) و (موسوی) متولد (۱۲۹۳= سید بیدار بخت) و متوفی در (۲۹ــ ماه رمضان ــ۱۳۷۴= باغ شمال) و مدفون در نجف اشرف درمقبره‌مرحوم حاجی محمدمهدی چیت ساز ، سیدی بود بسیار متین و موٴ دب وخوش اخلاق ،ودرنتیجه بزرگواری ومیهمان نوازیش مورد احترام عموم بود ، سالها در رامهرمز متوطن واول‌شخص آنجا بود ، در اسعاف ارباب حوائج بنهایت کوشان ، در واقعه طغیان شیخ خزعل (۱۰) در (۱۳۴۳) بهمراهی خزعلیان متهم ودر ورود قوای دولت دستگاهش به یغما رفت *
چهارپسرازاومخلف شد : سیدجعفر ۹ ، سیدمهدی ۹ ، سیدعلی‌اکبر ۹ ، سید ابوالحسن ۹ ، ملقب به (موسوی شوشتری) و در بوستان پیعمبر بدون ترتیب صحیح مذکوراند .
سیدجعفر ۹ پسر اکبرش که در بوستان پیغمبر پسر سوم معرفی شده‌اولاد دکوری‌نداشته‌ودر (۱۳۷۶= خرق عادات) درگذشته‌ودریکی از شهرهای اطراف بهبهان که‌آموزگاربودبه‌خاک سپرده‌شد ،
سیدمهدی ۹ در (۱۳۵۶= ذی مروت) در اهواز وفات نمود و درقبرستان‌کهنه‌اهوازمدفون شدازاو یک پسر بجای مانده :
سیدمحمدباقر ۱۰ که‌اکنون یک پسر دارد سید مهدی ۱۱ ،
سیدعلی‌اکبر ۹ متولد (۱۳۳۵) مقیم اهواز چهارپسر دارد : سید محمد تقی ۱۰ متولد (۱۳۶۳) ، سیدمحمدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۶۵) ،سیدمحسن ۱۰ متولد (۱۳۶۹) ، سیدعباس علی ۱۰ متولد (۱۳۸۲) ،
وسیدمحمدتقی ۱۰ که‌اکنون در لندن دوره‌تخصصی را میبیند تاکنون یک پسر بنام سید عبدالحمید ۱۱ دارد ،
سید ابوالحسن ۹ موسوی شوشتری پسر کوچک حاجی سیدمحمدحسین که‌دربوستان پیغمبر قبل از همه‌برادران یادشده ، در (۱۳۴۰) متولد و دارای شش پسر است : سیدمجتبی ۱۰ ، متولد (۱۳۶۵) سیدمرتضی ۱۰ ،متولد (۱۳۶۸) سیدمصطفی ۱۰ ، متولد (۱۳۷۲) سیداحمد

* شجره طیبه

علی ۱۰ ، متولد (۱۳۷۵) سیدمحمود ۱۰ ، متولد (۱۳۷۸) سیدعبدالحمید ۱۰ ، متولد (۱۳۸۵) ،

و از سید احمد ۸ بن سید حسن ۷ یک پسر ماند :

سید جواد ۹ ملقب به (احمدی) متولد (۱۳۴۴= خجسته و مبارک باد) که در (ماه رمضان–۱۳۸۷= بآخررسیدعمر) درگذشت ودرمسگرآباد مدفون گردید ،وسه‌پسرازوی مخلف شد: سید عبدالغفور ۱۰ ، سید صادق ۱۰ ، سید جعفر ۱۰ ،

سیدعبدالغفور ۱۰ متولد (۱۳۶۷) مهندس تاٴسیسات سازمان آب وبرق خوزستان دراهواز است ، سیدصادق ۱۰ متولد (۱۳۷۳) ، سیدجعفر ۱۰ متولد (۱۳۸۱) ،

وسیدمحمدعلی ۸ بن سیدحسن ۷ در رامهرمز بکسب مشغول بود بعدا " بشوشتر رفت تا اینکه درگذشت ، آنمرحوم از اخیار و ابرار روزگار بود و یک پسر از وی بیادگار مانده :

سید علی‌اصغر ۹ ملقب به نوری ، سیدی با اخلاق و متواضع ساکن اهوازودلال‌است ودارای شش پسر شد :سید علی ۱۰ ، سیدمحمد ۱۰ ، سیدمحمدحسن ۱۰ که در کودکی درگذشت ، سیدحسین ۱۰ ، سید ابوالحسن ۱۰ معروف به سید محمود ، سیدمسعود ۱۰ معروف به سید احمد ،

وسیدعلی ۱۰ بزرگترین پسرانش مهندس ساختمان‌است و تاکنون دوپسردارد: سید امیر ۱۱ ، سیدمحمدامین ۱۱ .

وسیدعلی ۷ بن سیدمحمدتقی ۶ در بختیاری و رامهرمز تجارت مینمود ودر (۱۳۲۹=غفار ازلی) فوت شد * دو پسر از او بوجود آمد : سیدنورالدین ۸ ، سیدمحمدحسین ۸ ، سیدنورالدین ۸ بلاعقب درگذشت ، و در سید قطب الدین**مدفون گردید ،

سیدمحمدحسین ۸ معروف به (تقوی) کارمندی بود ساکن اهواز با اخلاق ، متواضع کریم النفس خیرخواه درجمعه (۳۰– ذح –۱۳۸۵= عاقبت بخیر) بسکته‌قلبی درگذشت ودرگورستان علی بن مهزیار مدفون گردید : اولاد ذکوری از وی نماند ،

وسیدمحمد ۷ بن سیدمحمدتقی ۶ که در رامهرمز ریاست اعیانی وتجارتی داشت ،و سخاوت وجلادتش معروف است ، در (۱۳۲۴= رعنا باغ) مرحوم ، وجنازه‌اش‌رابنجف‌اشرف برده‌اند ، از او دو پسر بجای ماند : سیدحسین ۸ محمدی ، سید عبدالله ۸ ،

سیدحسین ۸ محمدی متولد (۱۳۱۲= پسر مریض) و متوفی (۱۳۹۱= متضاعف) در اهواز، و مدفون در شوشتر مقام صاحب دو پسر از وی مخلف شد : سیدکاظم ۹ ، سیدمهدی ۹ ،

* شجره طیبه

** بقعه سید قطب الدین در محله کهواز شوشتر واقع و دارای حیاطی است که عده‌ای داخل آن مدفونند ،

سیدکاظم۹متولد (۱۳۳۸) ، در اهواز شغل آزاد دارد و او را دو پسراست: سیدمحمد علی ۱۰ متولد (۱۳۸۰) ، سید مصطفی ۱۰ متولد (۱۳۸۳) ،
سیدمهدی ۹ تاکنون اولادی ندارد ،
سید عبدالله۸ بن سید محمد ۷ تاکنون یک پسر دارد سید مهدی ۹ ،

آقای سیدمحمدباقر حجت نژاد

آقای سیدعلی عالمزاده

آقای سیدعلی اکبر جزائری (پیشنماز)

علامه‌حاج شیخ محمدتقی شیخ شوشتری صاحب قاموس‌الرجال و نگارنده

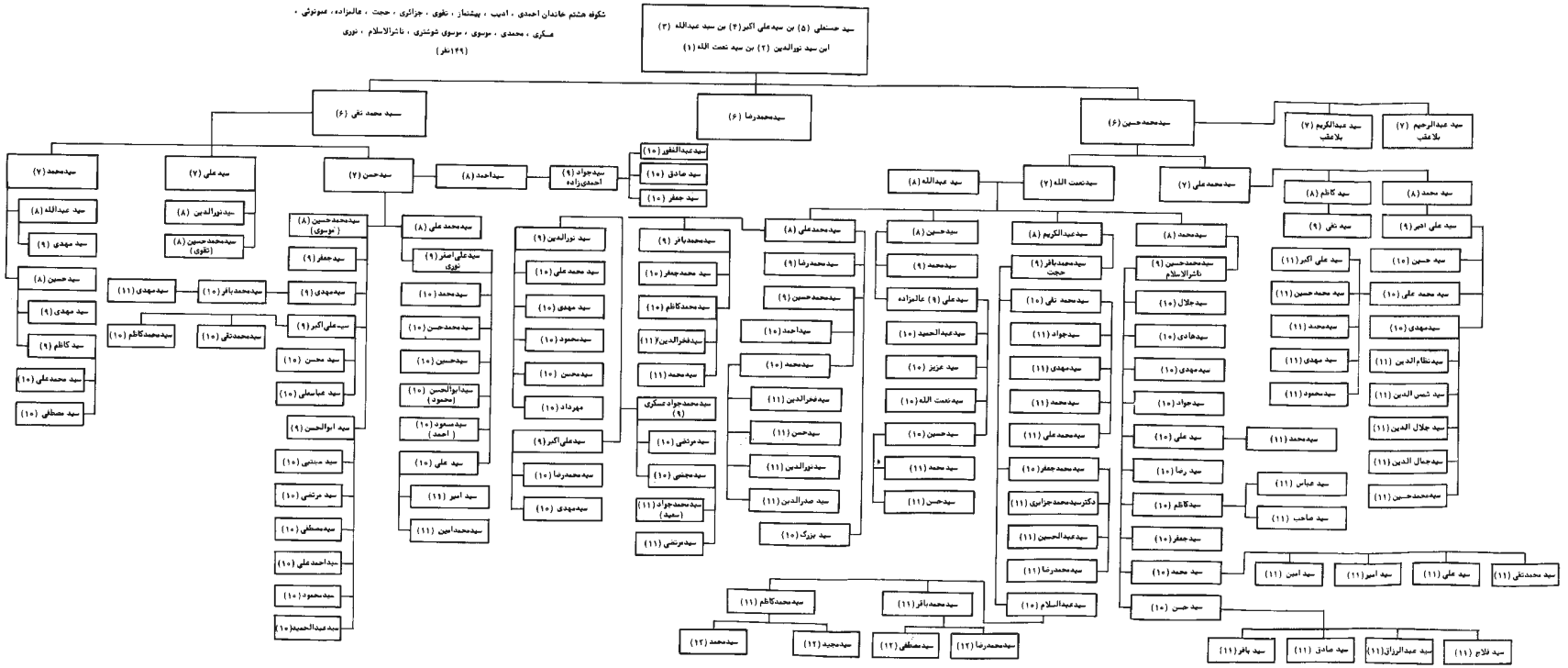
شکوه هشتم خاندان احمدی ، ادیب ، پیشنماز ، تقوی ، جزائری ، حجت ، عالمزاده، عمونوئی ،
عسکری ، محمدی ، موسوی ، موسوی خوشنظری ، ناشرالاسلام ، نوری
(۱۴۹نفر)
سید حسنعلی (۵) بن سید علی اکبر(۴) بن سید عبدالله (۳)
ابن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید محمد تقی (۶)
سید محمدرضا (۶)
سید محمد حسین (۶)
سید عبدالکریم (۷) بلاعقب
سید عبدالرحیم (۷) بلاعقب
سید محمد (۷)
سید عبدالله (۸)
سید مهدی (۹)
سید حسین (۸)
سید مهدی (۹)
سید کاظم (۹)
سید محمد علی (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید علی (۷)
سید نورالدین (۸)
سید محمدحسین (۸) (تقوی)
سید حسن (۷)
سید احمد (۸)
سید جواد (۹) احمدی‌زاده
سید عبدالغفور (۱۰)
سید صادق (۱۰)
سید جعفر (۱۰)
سید محمدحسین (۸) (موسوی)
سید جعفر (۹)
سید مهدی (۹)
سید علی اکبر (۹)
سید محسن (۱۰)
سید عباسعلی (۱۰)
سید ابوالحسن (۹)
سید مجتبی (۱۰)
سید مرتضی (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید احمد علی (۱۰)
سید محمود (۱۰)
سید عبدالحمید (۱۰)
سید محمد علی (۸)
سید علی اصغر (۹) نوری
سید محمد (۱۰)
سید محمدحسن (۱۰)
سید حسین (۱۰)
سید ابوالحسن (۱۰) (محمود)
سید مسعود (۱۰) (احمد)
سید علی (۱۰)
سید امیر (۱۱)
سید محمداً مین (۱۱)
سید نورالدین (۹)
سید محمد علی (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید محمود (۱۰)
سید حسین (۱۰)
مهرداد (۱۰)
سید علی اکبر (۹)
سید محمدرضا (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید محمدباقر (۹)
سید محمد جعفر (۱۰)
سید محمدکاظم (۱۰)
سید فخرالدین (۱۱)
سید محمد (۱۱)
سید محمدجواد عسگری (۹)
سید مرتضی (۱۰)
سید مجتبی (۱۰)
سید محمدجواد (۱۱) (سعید)
سید مرتضی (۱۱)
سید محمدعلی (۸)
سید محمدرضا (۹)
سید محمدحسین (۹)
سید احمد (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید فخرالدین (۱۱)
سید حسن (۱۱)
سید نورالدین (۱۱)
سید صدرالدین (۱۱)
سید بزرگ (۱۰)
سید حسن (۸)
سید محمد (۹)
سید علی (۹) عالمزاده
سید عبدالحمید (۱۰)
سید عزیز (۱۰)
سید نعمت الله (۱۰)
سید حسین (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید حسن (۱۱)
سید نعمت الله (۲)
سید عبدالله (۸)
سید عبدالکریم (۸)
سید محمدباقر (۹) حجت
سید محمد تقی (۱۰)
سید جواد (۱۱)
سید مهدی (۱۱)
سید محمد (۱۱)
سید محمد علی (۱۱)
سید محمد جعفر (۱۰)
دکتر سید محمد جزایری (۱۱)
سید عبدالحسین (۱۱)
سید محمدرضا (۱۱)
سید عبدالسلام (۱۰)
سید محمد (۸)
سید محمدحسن (۹) ناشرالاسلام
سید جلال (۱۰)
سید هادی (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید جواد (۱۰)
سید علی (۱۰)
سید رضا (۱۰)
سید کاظم (۱۰)
سید جعفر (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید عباس (۱۱)
سید صاحب (۱۱)
سید محمدحسن (۱۱)
سید امین (۱۱)
سید امیر (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید محمدتقی (۱۱)
سید محمدکاظم (۱۱)
سید محمدباقر (۱۱)
سید محمد (۱۲)
سید مجید (۱۲)
سید مصطفی (۱۲)
سید محمدرضا (۱۲)
سید کاظم (۸)
سید تقی (۹)
سید علی اکبر (۱۱)
سید محمد حسین (۱۱)
سید محمد (۱۱)
سید مهدی (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید محمد (۸)
سید علی اصغر (۹)
سید حسن (۱۰)
سید محمد علی (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید نظام‌الدین (۱۱)
سید شمس الدین (۱۱)
سید جلال الدین (۱۱)
سید جمال الدین (۱۱)
سید محمدحسین (۱۱)
سید باقر (۱۱)
سید صادق (۱۱)
سید عبدالرزاق (۱۱)
سید فلاح (۱۱)

شکوفه نهم

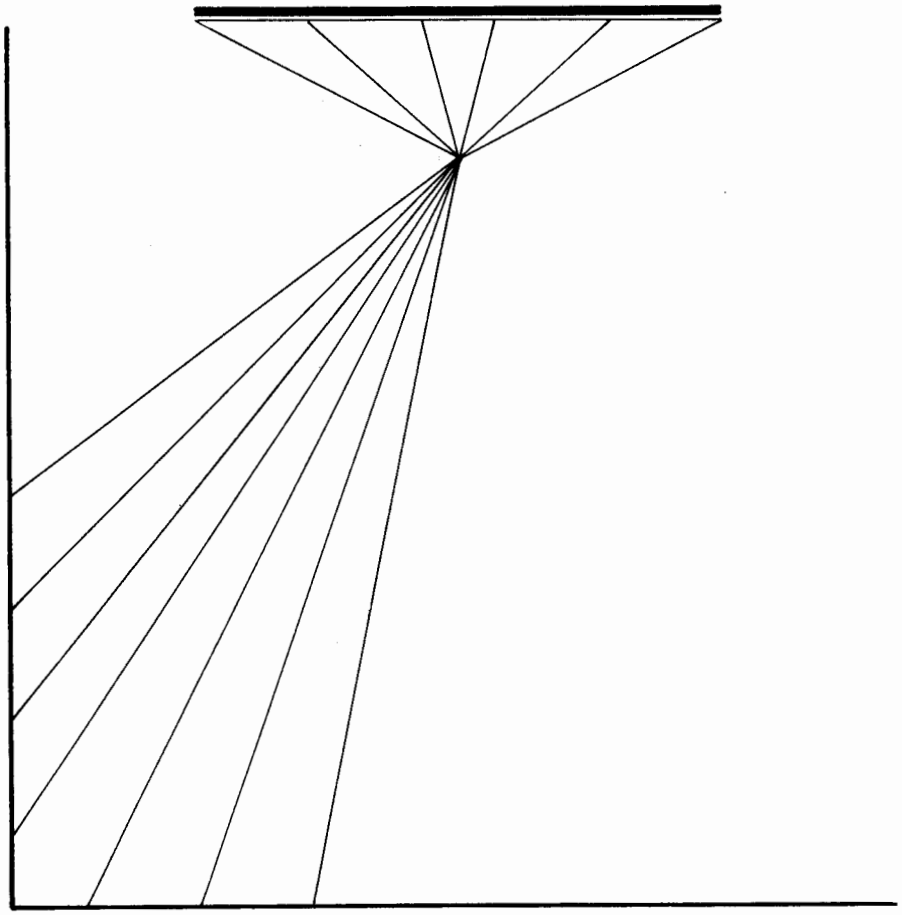

* شکوفه نهم *

خاندان باطنی . جزائری . علم الهدی . قدسی . گتوندی . متقی . مروج . منجم . موسوی سیدمحمدرضا۵ بن (سیدعلی اکبر۴ مذکور در شاخه‌اول *) سه پسر داشته سید علی ۶، سیداحمد ۶، سید حسین ۶، که دو نفر اول را ذیلا" و سوم را در (غنچه سوم) مینگاریم ،

در شجره طیبه فرموده سیدعلی ، اکبر اولادش یک پسر داشته سیدجعفر ، دربوستان پیغمبر او را سید علی‌اکبر نامیده ، واکبر را که در شجره‌طیبه‌وصف علی است ، جزء نام او پنداشته که اشتباه است .

از سید علی ۶ مزبور اطلاعی در دست نیست ،

اما پسرش سید جعفر ۷ ، شخصی فاضل بوده وبه‌انشاء قبالجات وفصل خصومات صرف عمر مینموده ، ** و پنج پسر داشته : سیدمحمدصادق ۸ ، سیدحسن‌منجم ۸ ، سیدحسین ۸ ، سیدمحمد ۸ ، سیدعلی ۸ ، بطوریکه بخط او دیدم ،

سیدمحمدصادق ۸ که در کودکی درگذشته ، وپدرش تاریخ تولد اورا (۱۴ـ ع ۲ـ۱۲۴۴) در پشت‌کتابی یادداشت کرده ، در بوستان پیغمبر وشجره طیبه مذکور نیست ،

سیدحسن ۸ منجم از علماء بزرگ عصر خود بوده‌که در علم نجوم تخصص داشته ، و در (اعیان الشیعه ۲۱: ۱۴۹) و (بدائع الجعفریه) و (بوستان پیغمبر) و (الدریعه) و (شجره طیبه) و (معجم المؤلفین ۳: ۲۱۳) و (نقباء البشر: ۳۹۲) ترجمه‌اش موجود است ، واز مجموع آنها باضافه بعض اطلاعات خارجی چنین برآید که تولدش در روز دوشنبه (۲۴ـ رجب ـ۱۲۵۱ = فیاض عصر) بوده که در بعضی از مصادر مذکوره‌به (۱۲۵۰) تصحیف‌شده، و در غالب علوم غریبه وریاضیات یدی طولی داشته لیکن بیشتر شهرت او در نجوم بوده و تقاویمش در ایران وعراق وهند مطلوب واقع گردیده ، در اوائل عمر تحصیل مقدمات و شرعیات نمود ودر اثر ضیق معاش دست کشید ، به‌تحصیل نجوم که بازاری‌گرم داشت شروع کرد وریاضیات را از سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ وحاج میرزافتح الله مرعشی کیمیائی *** اخذ ، و شروع باستخراج تقویم نمود ، از علم طب هم اطلاعاتی داشته ، وقانونچه را درس گفته اما عملا" طبابت نمی نموده

خطی زیبا داشته ودر (۶ـ شعبان ـ۱۲۷۵) نسخه‌ای از الفیه ابن مالک را بخط خود به پایان رسانده ، و تالیفاتش بشرح زیر است :

---

* صفحه ۲۱۸

** شجره طیبه

*** مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۷۰)

اول تحفة‌الاحباء ، در علم نجوم ، فارسی ، مرتب بریک مقدمه ودو مقاله وخاتمه ، بخط او نزد نوه اش مرحوم سید جواد روئت شد ، و مرحوم سید آقای امام در تقویم المعرفه از آن نقل کرده ، ودر (الذریعه۳ : ۴۰۸) مذکور است ،

دوم جدول تعیین اوقات شرعیه (فجر صادق ونصف النهار) بافق اهواز ورامهرمزوحوالی با ساعت غروب کوک ، چاپ شده ،

سوم جدول دیگری‌برای تعیین مقدار بین الطلوعین ونصف‌النهار ورسیدن کف‌الخضیب*

فاحمد الله مصلیا علی محمد خیر نبی ارسلا
واله الغر الکرام البررة وصحبه المنتجبین الخیرة

قد تم الکتاب فی ۶ شعبان المعظم من شهور سنه ۱۲۰۵

علی ید الاقل المحتاج الی ربه الغنی
حسن بن جعفر الموسوی
عفی عنهما

جدول تعیین ساعات طلوع فجر اذان صبح بافق اهواز ورامهرمز مطابق ساعت غروب کوک مستخرجه بنجم فلک سیادت العالم الکامل المؤتمن مرحوم حاج سید حسن منجم شوشتری جزایری متوفی ۱۳۲۳ قمری

ایام	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیرماه	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
۱	۱۰ ساعت ۳۰ دقیقه	۹ ساعت ۳۸ دقیقه	۸ ساعت ۴۵ دقیقه	۸ ساعت ۱۸ دقیقه	۸ ساعت ۲۰ دقیقه	۹ ساعت ۳۱ دقیقه	۱۰ ساعت ۴۰ دقیقه	۱۱ ساعت ۳۷ دقیقه	۱۲ ساعت ۲۲ دقیقه	۱۲ ساعت ۲۲ دقیقه	۱۲ ساعت ۱۰ دقیقه	۱۱ ساعت ۲۹ دقیقه
۲	۳۸ دقیقه	۳۶	۴۳	۱۹	۵۰	۴۳	۴۲	۳۹	۲۳ دقیقه	″	۹	۲۷
۳	۳۶	۳۴	۴۱	۱۹	۵۱	۴۴	۴۴	۴۱	۲۵	″	۸	۲۶
۴	۳۴	۳۳	۳۹	۱۹	۵۲	۴۶	″	۴۲	۲۶	″	۷	۲۳
۵	۳۱	۳۱	۳۷	۲۰	۵۴	۴۹	۴۸	۴۵	″	″	۵	۲۱
۶	۲۹	۲۸	۳۶	۲۰	۵۵	۵۰	۵۰	۲۷	۲۷	۳۱	۴	۱۹
۷	۲۸	۲۶	۳۵	۲۱	۵۷	۵۳	۵۱	۴۹	۲۸	″	۳	۱۷
۸	۲۶	۲۵	۳۳	۲۲	۵۹	۵۵	۵۳	۵۱	″	″	۱	۱۶
۹	۲۴	۲۳	۳۲	۲۳	۹ ساعت	۵۶	۵۵	۵۳	۲۹	″	۱۲ ساعت	۱۴
۱۰	۲۱	۲۰	۳۱	۲۴	۹ ساعت ۲ دقیقه	۵۸	۵۷	۵۵	۳۰	″	۱۱ ساعت ۵۹ دقیقه	۱۳
۱۱	۱۹	۱۹	۳۰	۲۶	۴	۱۰ ساعت	۵۹	۵۷	″	۳۰	۵۸	۱۱
۱۲	۱۷	۱۷	۲۹	۲۷	۶	۱۰ ساعت ۲ دقیقه	۱۱ ساعت	۵۹	″	۲۹	۵۶	۹
۱۳	۱۵	۱۵	۲۸	۲۸	۷	۴	۱ دقیقه	۱۲ ساعت	۳۱	″	۵۵	۷
۱۴	۱۳	۱۴	۲۷	۲۹	۸	۶	۳	۲ دقیقه	۳۲	″	۵۴	۶
۱۵	۱۱	۱۱	۲۶	۲۹	۹	۸	۵	۵	″	۲۸	۵۳	۵
۱۶	۸	۱۰	۲۵	۳۱	۱۲	۱۰	۷	۶	″	۲۷	۵۱	۳
۱۷	۶	۸	۲۴	۳۲	۱۴	۱۲	۹	۸	۳۳	۲۶	۵۰	۱
۱۸	۴	۷	۲۳	۳۴	۱۶	۱۴	۱۰	″	″	۲۵	۴۸	۱۱ ساعت
۱۹	۳	۵	۲۲	۳۴	۱۸	۱۶	۱۲	۱۰	۳۴	۲۴	۴۷	۱۰ ساعت ۵۹ دقیقه
۲۰	۱	۳	۲۱	۳۶	۱۹	۱۸	۱۴	۱۱	″	۲۳	۴۵	۵۷
۲۱	۹ ساعت ۵۸ دقیقه	۱	″	۳۷	۲۲	۲۰	۱۶	۱۲	″	۲۲	۴۴	۵۶
۲۲	۵۶	۹ ساعت	″	۳۹	۲۳	۲۲	۱۸	۱۳	″	۲۱	۴۳	۵۴
۲۳	۵۴	۸ ساعت ۵۷ دقیقه	۲۰	۴۰	۲۵	۲۴	۲۰	۱۵	۳۵	۲۰	۴۱	۵۲
۲۴	۵۳	۵۴	۱۹	۴۱	۲۸	۲۶	۲۲	۱۶	″	۱۹	۳۹	۵۰
۲۵	۵۱	۵۳	″	۴۳	۲۸	۲۸	۲۴	۱۷	″	۱۸	۳۸	۴۹
۲۶	۴۸	۵۱	۱۸	۴۴	۳۱	۳۰	″	۱۸	″	۱۶	۳۷	۴۸
۲۷	۴۶	۴۹	″	۴۵	۳۳	۳۲	۲۶	۱۹	″	۱۵	۳۵	۴۶
۲۸	۴۴	۴۷	۱۸	۴۷	۳۵	۳۴	۲۸	۲۰	۳۳	۱۴	۳۲	۴۴
۲۹	۴۲	۴۷	″	۴۷	۳۶	۳۶	۳۳	۲۱	″	۱۳	″	۴۳
۳۰	″	۴۶	″	۴۷	۳۸	۳۸	۱۱ ساعت ۳۵ دقیقه	۱۳ ساعت ۲۲ دقیقه	۱۲ ساعت ۳۲ دقیقه	۱۲ ساعت ۱۲ دقیقه	۱۱ ساعت ۳۰ دقیقه	۲۰ ساعت ۴۱ دقیقه
۳۱	۹ ساعت ۴۱ دقیقه	۸ ساعت ۴۶ دقیقه	۸ ساعت ۱۸ دقیقه	۸ ساعت ۴۲ دقیقه	۹ ساعت ۳۹ دقیقه	۱۰ ساعت ۳۸ دقیقه	سعی و اهتمام کتاب فروشی و چاپخانه صافی اهواز [illegible]					

جدول تعیین ساعات نصف النهار (اذان ظهر) بافق اهواز ورامهرمز مطابق ساعت غروب کوک مستخرجه بنجم فلک سیادت العالم الکامل المؤتمن مرحوم حاج سید حسن منجم شوشتری جزایری متوفی ۱۳۲۳ قمری

ایام	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
۱	۶ ساعت ۳۳ دقیقه	۵ ساعت ۳۲ دقیقه	۵ ساعت ۹ دقیقه	۵ ساعت ۵۱ دقیقه	۵ ساعت ۳۱ دقیقه	۵ ساعت ۳۲ دقیقه	۶ ساعت ۲۸ دقیقه	۶ ساعت ۵۱ دقیقه	۷ ساعت ۱ دقیقه	۶ ساعت ۵۱ دقیقه	۶ ساعت ۲۸ دقیقه	۶ ساعت ۲۸ دقیقه
۲	۵۷ دقیقه	۳۱ دقیقه	″	″	۱۰	۳۳	۲ ساعت	۲۹	۵۲	″	″	۲۷
۳	۵۷ دقیقه	۳۰	۸	″	۱۲	۳۴	۳	۳۰	۵۳	″	۵۰	۲۶
۴		۲۹	۷	″		۳۵	۴	۳۱	″	″	″	″
۵	۵۷ دقیقه	۲۸	″	″	۱۴	۳۶	″	۳۲	۵۴	″	۴۹	۲۵
۶	″	″	۶	″		۳۷	۵	۳۳	″	″	۴۸	۲۴
۷	۵۵ دقیقه	۲۷	″	″	۱۵	۳۸	۶	۳۴	۵۵	″	۴۷	۲۳
۸	۵۴ دقیقه	۲۶	۵	۵ ساعت	۱۶	۳۹	۷	″	۵۶	″	۴۶	۲۱
۹	۵۳	۲۵	۴	″		۴۰	۹	۳۶	۵۷	″	۴۵	″
۱۰	۵۲	۲۳	″	۵ ساعت ۱ دقیقه	۱۷	″	″	″	″	″	″	۲۰
۱۱	۵۱	″	″	″	″	۴۱	۱۰	۳۷	″	۷ ساعت	″	۱۹
۱۲	۴۹	۲۳	۳	″	۱۸	۴۲	۱۱	۳۸	۵۸	″	۴۴	۱۸
۱۳	۴۷	۲۲	۲	۱ دقیقه	″	۴۳	۱۲	۳۹	″	۶ ساعت ۵۹ دقیقه	″	۱۷
۱۴	۴۵	۲۱	″	۱ ½	۱۹	۴۴	۱۳	″	″	″	۴۲	۱۶
۱۵	۳۳	۲۰	″	″	۲۰	۴۵	۱۴	۴۰	۵۹	″	″	″
۱۶	۴۱	۱۹	″	۲	″	۴۶	۱۵	۴۱	″	۵۸ دقیقه	۴۱	۱۵
۱۷	۴۰	″	″	۲ ½	۲۱	۴۷	۱۶	۴۲	۷ ساعت	″	۴۰	۱۴
۱۸	۳۹	۱۸	″	۳	۲۲	۴۸	″	″	″	″	۳۹	۱۳
۱۹	″	۱۷	۱	۳ ½	۲۳	″	۱۷	۴۳	″	۵۷	۳۸	۱۲
۲۰	۳۸	″	″	۴	۲۴	۵۰	۱۸	۴۴	″	″	۳۷	۱۱
۲۱	″	۱۶	″	″	″	۵۱	۱۹	۴۵	″	″	″	۱۰
۲۲	۳۷	۱۵	″	۴ ½	۲۵	۵۲	۲۰	۴۶	″	۵۶	۳۶	۹
۲۳	″	۱۴	۵ ساعت	۵	۲۶	۵۳	۲۱	۴۷	″	″	۳۵	۸
۲۴	۳۶	″	″	۵ ½	۲۷	۵۴	۲۲	۴۸	۷ ساعت ۱ دقیقه	۵۵	۳۴	۷
۲۵	۳۵	۱۳	″	۶	۲۸	″	۲۳	″	″	″	″	۶
۲۶	″	۱۲	۴ ساعت ۵۹ دقیقه	۶ ½	۲۹	۵۵	۲۴	۴۹	″	۵۴	۳۳	۵
۲۷	۳۴	″	″	۷	″	۵۶	۲۵	۵۰	″	″	۳۲	۴
۲۸	″	۱۱	″	″	۳۰	۵۷	۲۶	″	″	۵۳	۳۱	۳
۲۹	۳۳	۱۰	″	۷ ½	″	″	۲۷	″	″	″	۳۰	۲
۳۰	″	″	″	۸	۳۱	۵۸	۶ ساعت ۲۷ دقیقه	۶ ساعت ۵۱ دقیقه	۷ ساعت ۱ دقیقه	۶ ساعت ۵۲ دقیقه	۶ ساعت ۳۰ دقیقه	۶ ساعت ۴۱ دقیقه
۳۱	۵ ساعت ۳۳ دقیقه	۵ ساعت ۹ دقیقه	۴ ساعت ۵۹ دقیقه	۵ ساعت ۲ دقیقه	۵ ساعت ۳۱ دقیقه	۵ ساعت ۵۹ دقیقه	حق چاپ محفوظ و مخصوص است بنام					

۱۳۶۹

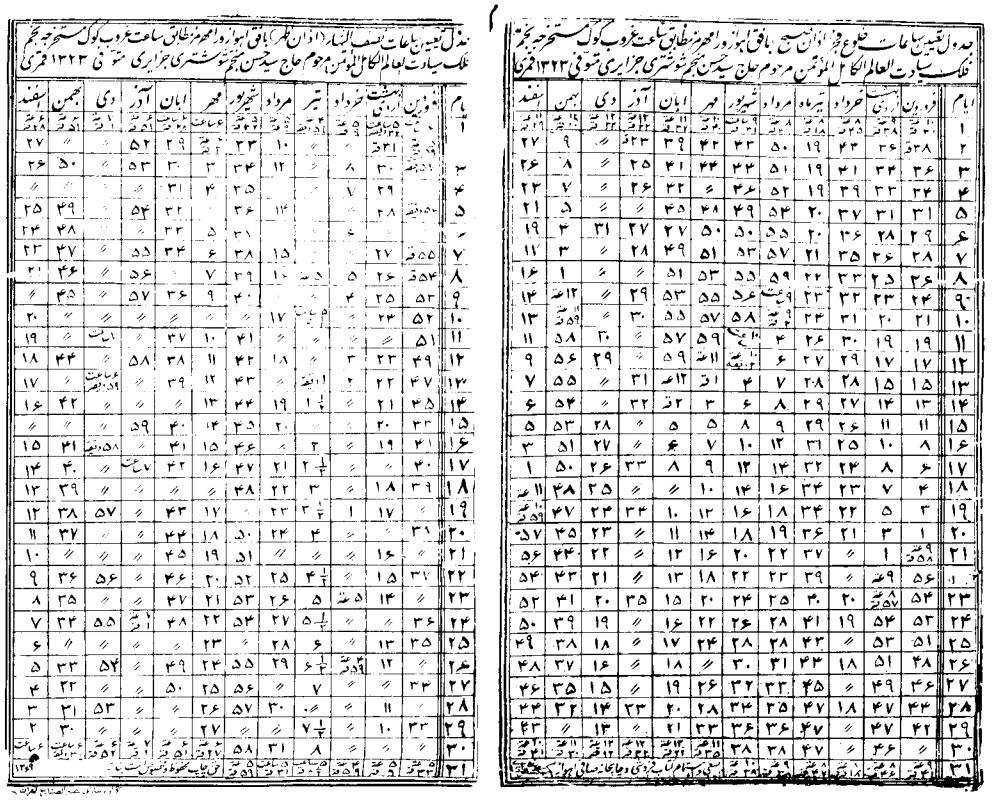

* کف الخضیب نام ستاره ایست که‌بعقیده بعضی منجمان هروقت به نصف النهار رسید موقع استجابت دعاء است ،

بەوسط السماء بافق شوشتر ، بەاستدعای یکی از بزرگان آنرا نوشتەاست چاپ نشده ، چهارم رسالەالحسام فی معرفة قبلةالاسلام ، آنهم فارسی و مرتب بر یک مقدمەودومقاله و خاتمەایست ، بنام محمد میرزای حسام السلطنەحاکم خوزستان ، در (۱۳۱۰) نوشتەوچهار نسخه از آن موجود است ، در بعضی‌از مصادر از آنجمله (الذریعه ۱۲:۷) و (معجـــم المؤلفین در صفحەمرقوم) آنرا الرسالةالحسامیةنامیدەاندکەمسامحەاست ،واولی گفتەنسخه آنرا بخط سید محمدحسن بن سید بزرگ آل طیب مورخ (۱۳۲۷) دیده ، ولی اشتباه است زیرا نویسنده آن نسخه ، جناب آقای آل طیب (سلمەاللەتعالی) ، متولد (۱۳۲۹) یعنی دو سال پس از تاریخ مزبور بوده ، و تاریخ صحیح آن نسخه (۱۳۵۵) است کەنزدایشان‌به نظر ما رسید ،

پنجم رساله حل معما در علاج طاعون وعلت آن ، که در بوستان پیغمبر بوی نسبت داده، در رساله الحسام قاعدەای برای تعیین قبله نوشته ، که بوسیلەساعات گذشته از روز معین میشود ، وافق شوشتر را خودش حساب نموده و نتیجه این شده که (۷ساعت و ۳۳ دقیقه) که از طلوع آفتاب بگذرد در تمام ایام سال آفتاب محاذی قبله میشود در شوشتر ونواحی آن ، که اگر مصلی آنرا بین العینین قراردهد مستقبل قبله میباشد ،

وفات‌مرحوم‌حاج‌سیدحسن ۸منجم روزچهارشنبه (۲۴ــ ع ۱ــ۱۳۲۴= ضرر مدعی) درشوشتر واقع و در امام زاده عبدالله پشت بقعه مدفون شد بطوریکەازنوەاش مرحوم آقا سید جواد شنیدم ، وعلامەتهرانی از فرزندش سید محمد نقل کرده در (۱۳۲۳) یا (۱۳۲۴) بودەکه بنظرمیرسد او تاریخ مذکور را بوی گفته و در اثر فراموشی وی مردد شدەاست ،

مرحوم آخوند ملاجعفرشرف‌الدین (۶) درمرثیەاش‌اشعاری سروده که بیت اول وآخرچنیـــن است

یاعین لاتجمدی حزنا علی الحسن سماء مجدو نجم الفضل فی الزمن

ذاجعفر یتمنی الموت مـــن اسف لفقد سیده اصل الندی حســـــن

از آنمرحوم یک پسر مخلف شد : سیدمحمد۹ منجم که مانند پدر در علم نجوم ماهر بودو آنرا تدریس میکرد ، وسالها استخراج تقویم مینمود و تقاویمش به نجف اشرف و بمبئی‌و جاهای دیگر فرستاده میشد ، تولدش در (۱۲۸۵= مظهرعلم) و وفاتش یک ساعت و نیم گذشته از شب (۱۹ــ ماه رمضان ــ۱۳۵۰=مغشی) در شوشتر اتفاق افتاد و در مقبره پـــدر بزرگوارش مدفون گردید .

جناب آقای آل طیب (دامت برکاته) از آنمرحوم نقل کردند که فرمود سال‌اولی کەوالدم فوت نمود مشغول بەاستخراج ونوشتن تقویم شدم و در اثناء عمل ، مطلبی برمن‌مشتبەشد که طریق حلش را نمی‌دانستم ، از آقایان اهل فن که سئوال کردم جواب کافـــی از ایشان

نشنیدم ، تا آنکه شبی مرحوم والد را در خواب دیدم خدمتش عرض کردم که من حسابی کرده‌ام و نتیجه‌اش بر من معلوم نیست ، فرمود نتیجه عمل اینجا نوشته شده و بمن نشان داد ، وقتیکه بیدار شدم دیدم خوابم صحیح و مطابق واقع است و نوشته‌ای مطابق خواب دیدم واستخراج خود را تمام نمودم ،

از آنمرحوم چهار پسر مخلف گردید : سیدجعفر ۱۰ ، سید محمدرضا ۱۰ ،سیدجواد ۱۰ ،سید محمدعلی ۱۰ کهلقب (منجم یامنجم زاده) دارند

سیدجعفر ۱۰ منجم متولد (۱۳۰۸= باغ شه) و متوفی (۱۳۸۴= باغ شمالی) و مدفون در سیدحسین ، دو پسر داراشد: سیدمحمدحسن ۱۱ ، سیدمحمدعلی ۱۱ ،

سیدمحمدحسن ۱۱ متولد (۱۳۴۰) ، کاسب وساکن اهواز ، در شرکت واحد حمل ونقل کار میکندودوپسردارد : سیدمحمدرضا ۱۲ متولد (۱۳۶۹) ، سید محمد جواد ۱۲ ،

سیدمحمدعلی ۱۱ نیز در اهواز است و تاکنون متاءهل نشده ،

وسیدمحمدرضا ۱۰ منجم متولد (۱۳۱۰= سیمرغ) و متوفی (۱۳۷۳= باغ نسرین) و مدفون در ابن بابویه * یک پسر دارا بود :

سیدمحمد ۱۱ متولد (۱۳۶۷) کهازطلبه‌علوم دینیه‌وبااخلاق ومقیم شوشتراست‌ودوپسردارد: سیدمجتبی ۱۲ ، سیدمصطفی ۱۲ ،

وسیدجواد ۱۰ منجم متولد (۱۳۲۰= اوج سیمرغ) کارمندشهرداری شوشتر بود ، وچند سال قبل‌ازفوتش از آن استعفا داده بود و در پنجشنبه (۲۰ــ ع ۱ــ۱۳۹۵= مخاصمت‌کرد) وفات نمود و درسیدحسین مدفون گردید ، و دو پسر بجای نهاد: سیدنجم‌الدین ۱۱ ،سید محمد ۱۱ ،

سیدنجم الدین ۱۱ متولد (۱۳۵۶) ، در شجره‌طیبه‌او را سید طاهر نامیده‌که‌اشتباه است ، فعلا" ساکن شیراز است ودو پسر دارد : سیدمحمدرضا ۱۲ ، سید حمید رضا ۱۲ ،

سید محمد ۱۱ متولد (۱۳۶۱) کارمند اداره تعاون در خرم آباد است ،

وسیدمحمدعلی ۱۰ منجم زاده متولد (۱۳۲۲= ترقی‌خواه)ومتوفی (۱۳۸۴= تربت‌عنبرین) و مدفون در سید حسین ، پنج پسر داشت : سیدمجید ۱۱ ، سیدمهدی ۱۱ ، سیدمجتبی ۱۱، سیدمحمدحسن ۱۱ ، سیدمحمود ۱۱ ، که دو نفر اخیر در کودکی درگذشتند .

سیدمجید ۱۱ متولد (۱۳۶۷) ساکن تهران و کارمند یکی از ادارات دولتی است .

سیدمهدی ۱۱ مشغول تحصیل در دانشگاه اهواز است .

سید مجتبی ۱۱ کارمند پتروشیمی آبادان است ،

وسیدحسین ۸ بن سید جعفر ۷ بن سید علی ۶ بن سید محمدرضا ۵ ، تولدش را به‌خط

* *ابن بابویه‌کنیه رئیس المحدثین ابی جعفر محمد ملقب به صدوق صاحب کتاب من لا یحضره الفقیه است که مرقد وی در نزدیکی شهر ری معروف و اطراف آن گورستان عمومی است ،*

پدرش دیدم که در (۱۵ـ ج۲ـ ۱۲۶۳= برخاست) بوده ولی وفاتش معلوم نیست ، و او یک پسر داشته :

سید آغائی ۹ که در بوستان پیغمبر او را همنام پدر دانسته ولی مشهوربااین نام بوده‌ملقب به (باطنی)و او سیدی مقدس بی پیرایه‌بوده وعامه‌اهل شوشتر و اطراف آن بوی عقیدتی مخصوص داشته‌اند ، و نذورات بسیار نصیب او میشد ، وتاکنون برخی از اهالی آنشهردر موقع سختی کلمه‌یا جدسیدآغائی را بزبان میآورند ،

در(۱۳۵۲= استرخاص) درگذشت و در وادی السلام نجف اشرف مدفون و یک پسر ازاو مخلف شد :

سیدکاظم ۱۰ باطنی مقیم شوشتر که‌عده‌ای از اهالی نسبت به‌او هم عقیده دارند و اوراسه پسر است : سیدمحمد۱۱ ، سیدابراهیم ۱۱ ، سیدحمید رضا ۱۱ ،

وسیدمحمد۸ بن سیدجعفر ۷ متولد (۱۱ـ دح ـ۱۲۶۴= استخبار) ، از راه کسب امرارمعاش میکرد و یک پسر داشت :

سیدمحمدعلی ۹ متقی متوفی (۱۳۶۳= باغ نشاط) و مدفون در سیدحسین‌که‌دوپسرداشت :

سیدحسن ۱۰ ، سیدجعفر ۱۰ ،

سیدحسن ۱۰ دارای سه‌پسر است : سیداحمد ۱۱ ، سید محمود ۱۱ ، سید محمد ۱۱ ،

وسیدعلی ۸ بن‌سیدجعفر ۷ متولد (۲۲ـ ع ۱ـ ۱۲۸۲= افتخار) بوده ، بطوریکه‌بخط پدرش دیدم ، اما تاریخ وفات او را بدست نیآوردم ، وشگفت آنکه دربوستان پیغمبر وشجره‌طیبه اصلا" مذکور نیست ،

آقاسیدمحمدمنجم

آقای‌سیدمحمدمنحم‌زاده

و اما سید احمد ۶ دومین‌پسر سیدمحمدرضا۵ ، سیدی اعیان منش وجلیل‌ازاکابراین‌سلسله جلیله بوده و نزد اهالی کمال‌احترام را داشته ، و در حدود (۱۲۵۰= تشریف‌بردند) در شوشتر درگذشته ،

دربوستان پیغمبر وفاتش را در (۱۲۵۰) نوشته ، و از تتمة الشجره‌نقل‌کرده (مدفن او در جوار مسجد جامع است ، که هرگاه شخصی رو بقبله بایستد در کوچه مشرقی جنب مسجد،

مزار دوجدامجد آقاسیدنورالدین و آقا سید عبدالله‌که‌متصل است به‌مسجد سمت راست ، و مدفن آقا سید احمد سمت چپ او واقع میگردد) انتهی ،ولی‌نگارنده‌ازیکی ازاحفادمطلع وی شنیدم که در نجف اشرف در وادی السلام مدفون است ، پس محتمل است که‌آن‌مدفن موصوف ، مشتبه‌به‌مدفن سیداحمد ۷ معلم (شکوفه‌سوم) شده ، که‌صاحب بوستان پیغمبر هنگام نقل‌اشتباه کرده‌باشد ، در هر حال او دو پسر داشته : سید محمد ۷ ،سیدمحمود۷، و دختری بنام بی بی فاطمه ۷ نیز داشته‌که‌همسر سیدجعفر ۷ بن سید محمد حسین ۶بن سیدجعفر۵ ابن سید طیب ۴ بن سیدمحمد ۳ بن سیدنورالدین ۲ وجده چهارم مادری نگارنده بوده ،

سیدمحمد ۷ بن سید احمد۶ عالمی جلیل القدر بوده ، سالها در سامره میزیسته ودرحوزه درس میرزای شیرازی حاضر میشده ، و میرزا را در حق وی مرحمتی مخصوص بوده ، وچون سیدمحمدخواست به‌شوشتر مراجعت کند ، میرزا باو فرمود شما زینت سامره هستید وبرای شوشتر حیفید *

در بوستان پیغمبر این آثار را بوی نسبت داده :

اول زادالمعاد بفارسی در اخلاق ، کتابی‌است‌بزرگ

دوم رؤوس الایات برای بدست آوردن آیات قرانی ،

سوم منظومه درفقه ،وغیرآنها نیز داشته ،

در نقباء البشر خطی و (هدیةالرازی : ۱۴۴) هم ترجمه‌شده‌اما مؤلفات او یادنشده‌است و در باره‌کتاب اول او شنیدم از نوه‌اش مرحوم آقاسیدعبدالسلام ۹ که نام آن زادالعبادو موضوع آن نصیحت وپند به‌فرزند خود سیدمحمدعلی است ، ودرآنجا فرموده به دنیا دل مبند که آن خلای آخرت است ، و حضرت آدم (علیه‌السلم) برای قضای حاجت ازبهشت بیرون آمد و وارد آن شد ،

وفات آنجناب در حدود (۱۳۱۳= رحمت خداوند) بوده‌وجنازه‌اش را به‌نجف اشرف برده و در مقبره‌حاج سید علی مقابل مقبره‌شیخ انصاری دفن نمودند ، یک پسر ازوی‌مخلف‌شد: سیدمحمدعلی ۸ که اونیز از محاضر علمای عراق بویژه میرزای شیرازی (رحمه‌الله) استفاده فضل نمود تا بدرجه‌علیا ارتقاء یافت ، وچون از عراق به‌شوشتر بازگشت به‌گتوند ** منتقل گردید ودرآنجا به‌امامت وارشاد مشغول بود ،تادرشب‌پنجشنبه (۱ــ صیام ــ۱۳۵۱= تاریک گشت) درگذشت و در بقعه سیدحسین در شوشتر بخاک‌سپرده‌شد ،وخودوفرزندانش به‌گتوندی معروف شدند ،

---

* شجره طیبه

** گتوند با ضم اول وسکون دوم و فتح سوم و سکون چهارم وپنجم‌ازقصبات‌معروف‌اطراف‌شوشتر است ،

علامه‌تهرانی او را به‌فقیه صالح وادیب ماهر توصیف نموده وفرموده منظومه‌ای‌درفقه‌دارد*
و این منظومه را از تقریرات درس مرحوم میرزا استفاده کرده و چون آنرا نشان استاد داد ، اول تحسین نموده بعد فرمودند شعر گفتن را ترک کن ، همت خود را صرف شعر گفتن ننما** ، آنجناب کتابخانه‌موروثی ارزنده‌ای داشت و با انتقال فرزندان وی از شوشتر ، کتابها که مدتها در اطاقی متروک مانده اوراق و متفرق‌وطعمه‌موش و موریانه‌گردید ، وقسمتی را که از آن بلامحفوظ ماند ، در (۱۳۸۸) به دریا ریختند وطعمه ماهیها شد وآثار وتالیفات این خانواده از بین رفت ،

از آنمرحوم پنج پسر مخلف گردید : سید عبدالسلام ۹ ، سیدحسن ۹ ، سیدمحسن ۹ ، سید جواد ۹ ، سیدنورالدین ۹ ،

سید عبدالسلام ۹ متولد (۱۳۰۴= زیب غرفه) سیدی مقدس و بزرگوار و متعبد بود ، تحصیلاتش یک اندازه نزد مرحوم والدش وآقاسید بزرگ ال طیب وغیر ایشان از اساتید ، و سالها در شوشتر و گتوند به‌امامت جماعت و ترویج دین مبین مشغول بوده و از (۱۳۶۳) به‌نجف اشرف مشرف مجاورت را اختیار** تادر (۱۳۹۱) که بالاجبار جزء معاودان ایرانی به‌ایران بازگشت ، مدتی در اهواز و اخیرا " در تهران بسر میبرد تا روزجمعه (۲۷ صفر–۱۳۹۴= مرغ سفید) برحمت ایزدی پیوست و در بهشت زهرا دفن شد ،

پسران وی دونفربودند سیدمحمد ۱۰ ، سید محمد جواد ۱۰ ،

سیدمحمد ۱۰ متولد (۱۳۴۴= غفاربینا) ** در شوشتر ، جوانی با اخلاق‌حسنه‌سیمای سعادت از جبینش ساطع و در رشته کسب داخل وساکن تهران بود ، برای معالجه‌بیماری‌که عارض او گردید بآلمان رفت اما متاء سفانه‌در (رجب –۱۳۸۴= غفارزمانه) درفرانکفورت آلمان درگذشت و در همانجا مدفون‌شد دو پسر از وی‌یادگار ماند : سید حمید ۱۱ ، سید احمد ۱۱ ، که محصلند

سیدمحمد جواد ۱۰ تولدش در (۱۳۵۷) ، جزء طلاب علوم دینیه‌درنجف اشرف‌بودواو هم

مرحوم‌آقای‌سیدعبدالسلام جزائری

---

* (نقباءالبشر: ۱۵۱۵) و (هدیةالرازی: ۱۳۱) و در (گنجینه‌دانشمندان ۵: ۴۰۹)هم مذکور است ،

** بوستان پیغمبر

با پدر خود بایران آمد و منتقل به‌تهران ودرآنجا ساکن واکنون امام جماعت‌یکی‌ازمساجد پایتخت وبترویج‌احکام مشغول‌است وتاکنون‌یک‌پسردارد سیدعلی ۱ امتولد (۱۳۹۷) ،
سیدحسن ۹ ملقب به(موسوی) ابن سیدمحمدعلی ، متولد (۱۳۱۲= پسرمعظم) درشوشتر ، سیدی‌جلیل وفاضلی‌نبیل ،در شوشتر و گتوندبترویج دین‌مشغول‌بودودر (۱۳۵۱= متقاضی) مرحوم ودرسیدحسین مدفون گردید ،
یک پسر از وی مخلف شد : سیدمحمدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۴۴) مقیم شوشتر کارمند یکی از ادارات است وچهار پسر دارد : سید محمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۶۸) ، سیدجمال‌الدین ۱۱ متولد (۱۳۷۲) ، سیدحسن ۱۱ متولد (۱۳۷۶) ، سیدمحمدحسین ۱۱ متولد (۱۳۷۷) ،
در (مشجره سید علاء : ۹) پسر بزرگ او را سید جلال نامیده کهاشتباه است ،
سیدمحسن ۹ بن‌سیدمحمدعلی متولد (۱۳۱۴= غسل کرد) ، سیدی‌نیکوسیرت‌بود ،مقدمات را تا اندازه‌ای فرا گرفته بود در شب (۸ ــ شوال ــ۱۳۹۶= غفورعلی) درشوشتر درگذشت و در سید حسین مدفون شد ، دو پسر بر جای نهاد : سید محمد طاهر ۱۰ که بطور مسموع دارای دو لیسانس است واکنون در آمریکا در رشته اقیانوس شناسی ادامه میدهد و سید محمدی ۱۰ که در شوشتر کارمند است ،
سید جواد ۹ بن سید محمدعلی متولد (۱۳۱۷) ، سیدی متواضع خوش اخلاق مقیم‌تهران وکاسب است و پنج پسر دارد : سید جلیل ۱۰ ، سید هادی ۱۰ ، سید عباس۱۰ ،سید مهدی ۱۰ ، سید منصور ۱۰ ،
سیدنورالدین ۹ بن سید محمدعلی متولد حدود (۱۳۲۰) ، ساکن گتوند نیز دارای پنج پسر است : سید فخرالدین ۱۰ ، سید علی اکبر ۱۰ ،سیدمحمدباقر۱۰ ، سید مصطفی ۱۰ ، سید احمد ۱۰ ،
سیدفخرالدین ۱۰ کارمند وتاکنون دارای سه پسر است : سید رضا ۱۱ ، بهزاد ۱۱ ، سید فرید ۱۱ ،
سیدعلی اکبر ۱۰ نیز تاکنون دو پسر دارد : سیدمحمد ۱۱ ، سیدوحید ۱۱ ،
سیدمحمدباقر ۱۰ ، روحانی و درقم مشغول تحصیل علوم دینیه‌است وتاکنون سه‌پسردارد :

نگارنده‌کتاب و مرحوم حاج سیدنورالدین عم وی وچند تن دیگر از سادات جزائری

سیدسعید ۱۱ ، سیدمصطفی ۱۱ ، سیداحمد ۱۱ ،
وسید محمود ۷ بن سید احمد ۶ بن سید محمدرضا ۵ ، عالمی پرهیزگاروجلیل‌القدروادیب متخلص به‌منزوی بوده ،

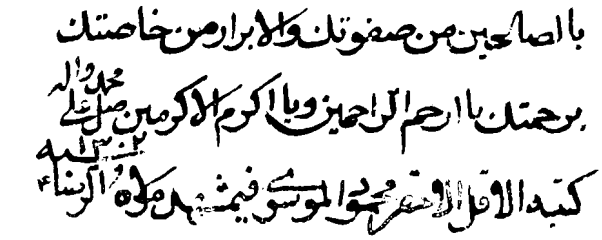

شرح حال وی در بدائع الجعفریه * ، وبوستان پیغمبر ، وشجره‌طیبه ، ونقباء البشرخطی آمده ، و آنچه‌از ملاحظه‌آنها واطلاعات خارجی‌دیگر برآید آنکه وی در حدود (۱۲۴۵= تشریف ارند) ** متولد،مقدمات را در شوشتر خوانده ، و از جمله اساتید وی در شوشتر مرحوم سید محمدجواد معروف به‌سیدمحمدبن سیدعبدالله بوده‌که‌مغنی اللبیب‌را در(۱۲۷۰) نزد او خوانده ،

و مرحوم سید احمد معلم متخلص به‌مشفق که زبدةالاصول را نزد او شروع نموده و در (۷ شعبان ـ۱۲۷۲) بپایان رسانده واستاذ درآخر یک نسخه خطی چنین نوشته ،

بسم اللهالرحمن الرحیم آنهاه‌قراءه من بدایته الی نهایته الولدالاعزالروحانی الفهیم الفاضل الالمعی اللوذعی التقی النقی السیدمحمودابن المرحوم المغفور السیداحمدطاب ثراه‌عندالحقیرالفقیرالمنزوی احمدبن محمدبن عبدالکریم الموسوی فی یوم الاربعاء (۲۱ ذق ـ۱۲۷۲) حامدامصلیا مسلما ،

و چندی بشراکت مرحوم حاج سید حسن منجم از مرحوم سیدمحمدعلی‌بن‌سیدعبدالسلام

---

* تالیف مرحوم شیخ محمدمهدی بن محمدبن جعفر (۶) شرف الدین شوشتری متولد(۱۳۱۸) ومتوفی در روز پنجشنبه(۱۵ـ شوال ـ۱۳۹۴) خطیبی فاضل متخصص در تاریخ شوشتر بود و شرح حال علمای شوشتر را در کتابی ناتمام‌نوشته که چهل‌سال مشغول آن بود اما بپایان نرسید ، و مصحح کتاب فردوس در صفحات ۱۸۴ و۱۸۶ وغیره‌از آن نقل کرده ، و همچنین صاحب (دیار شهریاران ۱: ۶۷۲)نام آنرا برده و قسمتی از مطالب آنرا در آنکتاب آورده‌است ،

و(بدائع الجعفریه) مجموعه‌ایست از اشعار نیای وی مرحوم ملا جعفر شرف الدین ، که آنهم‌ناتمام مانده، ودر (نقباءالبشر۱: ۱۰۷) اشتباها "آنرا به‌نیای نامبرده‌اش نسبت داده ،(رساله‌شرفیات) مشتمل بر سئوالاتی که از علامه کبیر مرحوم سید هبه‌الدین‌شهرستانی پرسیده و (عقائد اسلامیه) در ترجمه نکت اعتقادیه شیخ مفید (قدس سره)، وکتابی در شرح حال وفائی مشتمل بر مطالب غریبه ازآنمرحوم‌چاپ شده ، و عکس وترجمه‌اش در (مولفین کتب چاپی ۶: ۴۰۶) موجود است ،

** مصادر فوق تولدش رادر(۱۲۵۰)نوشته‌اند با اینکه به‌ولادت‌فرزندش سیدحسین‌در(۱۲۶۵) تصریح نموده‌اند ،

استفاده‌نجوم نمود و تقاویمی استخراج کرد لکن اخیرا " ترک نجوم کرد ، و به‌تحصیل فقه واصول درحوزه درس میرزای شیرازی مشغول شد وبعداز تکمیل تحصیل بخیال توطن در خرم آباد لرستان از سامره حرکت کرد ، میرزای شیرازی بجنابش فرمود (آقا خرم آباد برای شما کوچک است مگر از قدوم شما بزرگ شود) و در درس شیخ انصاری نیز حاضرشده و آن عالیجناب در نشر دیانت و ترویج احکام سعیهای بسیار نموده‌وآثاری‌بشرح‌زیرداشته

اول بیاض ، مورخ (۱۳۰۲) در ادعیه‌که‌نزدحفید فقیه‌وی آقای سید محمد جعفر مروج (سلمه‌الله) موجود است ،

دوم تقریرات درس شیخ انصاری ، که‌حفید مزبور بیان داشت ،

سوم اشعار ، که متاء سفانه‌بنظر نرسید تاچیزی از آن ثبت افتد ،

وفات آنجناب در اهواز (ذق ــ۱۳۱۲= نقصان عظیم) واقع ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف منتقل در وادی السلام دفن نمودند بطوریکه‌از آقای مروج مذکور شنیدم ، در نقباء البشر وفات را به سال مذکور بدون ماه‌نوشته ، و در شجره‌طیبه (۱۳۱۳) ، اشتباه است ،

اولاد ذکور آنمرحوم‌چهار نفراند : سید حسین۸ ، سیداحمد۸ ، سیدمحمدعلی۸ ، سید نعمت الله۸ که بلاعقب بوده ،

سیدحسین۸ بن سیدمحمود ، عالم کامل ادیب ، در (اعیان الشیعه ۲۷ ۲۵۹) و بدائع الجعفریه‌وبوستان‌پیغمبروشجره‌طیبه‌و (معجم‌المولفین۴ ۶۰)وانقباءالبشر۲ ۶۵۲) ترجمه‌اش موجود است ، و آنچه از آنها و اطلاعات خارجی دیگر برآید چنین است که وی‌در (۱۲۶۵ = خداترس) متولد گردیده‌ومدتها در شوشتر ونجف اشرف به‌تحصیل فضل مشغول بوده ، واز آیات عظامی مانند میرزا حسین خلیلی ، وشیخ‌عبدالرحیم شوشتری (۱۱) و حاج سید عبدالصمد جزائری جد نگارنده‌استفاده فضل کرده تا از معارف اهل علم و فضل و وعاظ شوشتر گردیده ، و در مسجد قلی نزدیک بازار امامت داشته تا (۱۳۱۴) که به خرم‌آباد مهاجرت نموده و در آنجا مورد توجه مردم شده‌و متصدی مشاغل شرعیه گردید ، وعموم الوارلرستان باوگرویده واحترامات ایشان را رعایت نموده‌اند تا جائیکه درآنزمانهاکه‌راه لرستان‌بسته‌وکسی جرأت رفت و آمد از هیچ طریقی‌نداشت مع ذلک‌ایشان‌ووابستگان‌ایشان‌با نهایت احترام در میان الوار مسافرت مینمودند ،

درترویج احکام‌دیانت جدیتی‌کامل‌داشته ،و قدس وتقوایش معروف اهالی است ،وتالیفاتی داشته‌که‌عبارت است از اول اشعار که گاهگاهی سروده دوم اداب المتعلمین که در بوستان پیغمبر بوی نسبت داده سوم نجوم العلوم در دو جلد ، که جلداول رابخط مولف نزد نوه‌اش مرحوم حاج سید مرتضی‌علم الهدی دیدیم ، مرتب برسه منهاج‌وهر منهجی‌بر چند فصل و هر فصل بر چندین نجم ، آغاز (الحمدلله علی ماانعم وعلم‌من‌العلوم مالم

نعلم والصلوة والسلام علی افضل الانبیاءواعلم والهاشرف الاوصیاءواکرم... * فیقول المحتاج الی رحمة ربهالغنی حسین بن محمود الموسوی التستری ... و لماکان العلم کثیرا والعمرقصیرا انتخبت ما معرفته علی المتعلمین اهم و نفعه للمشتغلین اعم .. و سمیته بنجوم العلوم .. ورتبته علی خمسه عشرمنهاجا المنهاج الاول فی اداب المعلمین والمتعلمین وفیه خمسه عشرفصلا ، الفصل الاول فیمایتعلق بالعلم وفیه نجوم الخ)

در نجم چهارم از فصل دوازدهم از منهج اول گوید (حکی لی استادی قال حین کنت فی المدرسة کنت غریقافی بحرالاشتغال فبینماکنت مشتغلا بالمطالعة قدغشی علی فاجتمع الطلاب حولی فلمافتحت بصری وادرکت الواقعهاشرت بیدی الی الطعام فاکلت ثم جلست فسالوا عن ذلک فقلت نسیت الاکل)

و در نجم پنجم داستان جداعلی سیدنعمت اللهرا که غیر از آب چیزی نداشته و ببرکت سید احمد شاهچراغ در شیراز غذائی بوی رسیدهنقل کرده ، سپس گفتهازاین نمونه برای مؤلف کتاب مکرر واقع شده که جهت اختصار آنها را ذکر نکردم ،

منهاجدوم در علم صرف است ، و در آخرمنهاج سوم کهآخر این جلد است چنین نوشته (قدتم الکتاب بید مؤلفهالاقل ابن محمود الموسوی الجزائری التستری حسین فی شهر جمادیالثانی** ۱۳۰۳)

و نوه مشارالیه وی حکایت نمود که روزی مرحوم آقاسیدحسین همراه برادرش مرحوم حاج سید محمدعلی در نجف اشرف بدیدن مرحومآخوند ملامحمدعلی خوانساری*** رفتند ، در آنوقت آخوند مکاسب را درس میگفت و بیش از دویست شاگرد داشت ، پس به احترام سید درس را تعطیل کرد و مشغول پذیرائی از او شد تا اینکه آقاسید حسینآنجاراترککرد، در این هنگام یکی از شاگردان کهآقاسیدحسین را نشناختهبود وظاهر او را که مردی کم مو و کوسه بود دیدهاما از مراتب علمی او آگاهی نداشت به آخوند اعتراض کرد که چرا درس را بخاطر این شخص تعطیل کردی؟ آخوندفرموداین سیدبزرگوار از سی سال پیش مجتهد است ،

وفات آقا سید حسین۸ در خرم آباد شب جمعه (۲۳ـ ج ۱ـ ۱۳۲۳= رحمت خداوندی) اتفاق افتاده ، جنازهاش را بهنجف اشرف حمل و در مقبره پدرش دفن نمودند ،

مرحوم آخوند ملاجعفر شرف الدین (۶) اشعاری در مرثیهاش سروده مطلع آنها

---

* کلمات اعلم واکرم را هیمنگونه بیال آورده ،

** جمادی الاخره درست است ،

*** عالمی ذوفنون صاحب کتابخانهای بسیار نفیس بودهکهدر الذریعه مکرر نام آنبردهشده ، در (احسن الودیعه ۲: ۲۳۷) و (نقباءالبشر۴: ۱۳۸۲) وجاهای دیگر ترجمهاش موجود است ، و اوپدرشیخ محمد امامی معاصر متولد (۱۳۱۲) عالم ساکن اراک است (سلمهالله)

آیا عین ابکی للحسین وغربته　　سلیل الهدی من کان عینا لمهجته

پنج پسر از آنمرحوم مخلف شد: سیدمحمدرضا۹، حاج سیدجواد۹، سید باقر ۹، سید جعفر۹ ، سید مهدی ۹،

سیدمحمدرضا۹ بن سیدحسین۸ متولد (۱۲۹۵= وهاب غفار) زاهد پرهیزگار ازائمه‌جماعت شوشتر ، شب پنجشنبه (۱ــ ج۱ــ ۱۳۶۵= دست قضا) وفات نمود جنازه‌او را به‌نجف‌اشرف آورده در وادی السلام دفن نمودند ،*

سه‌پسر از ایشان مخلف شد: سید مرتضی۱۰ علم الهدی ، سید جعفر ۱۰ جزائری ، سید عبدالسلام ۱۰ قدسی ،

سید مرتضی۱۰ علم الهدی در (مقتبس الاثر ۱۳: ۵۳) نامش آمده، در (۱۳۱۸ = باغ شادی) در شوشتر متولد گردید ، الهیات را نزد جدامی خود مرحوم حاجی سید محمد عبونوئی ، و مرحوم حاج سید محمدحسین نوری ، و مرحوم آقاسید بزرگ آل طیب تحصیل نموده، در (ماه‌رجب ــ۱۳۴۱) به‌نجف اشرف مشرف ، سطوح را تکمیل ودرس خارج فقه واصول را از محضر مرحوم آیةالله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، و مرحوم آقا شیخ ضیاء الدین عراقی ، و غیرایشان ، ورجال را از محضر آقاسید ابوتراب خوانساری ،** استفاده‌نموده ،* و پس از آنکه ازآیةالله‌اصفهانی ، وآقاضیاء اراکی ،ومیرزا ابوالحسن مشکینی وآقا سید محمود شاهرودی اجازات اجتهاد و روایت دریافت نمود ، باهواز آمده و مشغول تدریس و امامت جماعت وارشاد و هدایت مردمان گردید ، تا شب یکشنبه (۱۸ــ ع ۱ــ ۱۳۹۳= انتظامات) که بسکته درگذشت ، وباتشییعی‌شایان وتجلیلی فراوان جنازه او را بقم برده در حجره شرقی صحن مطهر مقابل ایوان آینیه بخاک سپردند ، در روزنامه کیهان‌عکس آنمرحوم وگوشه‌ای از تشییع جنازه‌اش دراهواز ،چاپ‌شد ، مجالس‌فاتحه‌متعدد در اهواز و تهران وخرم آباد ودزفول وشوشتر وقم ومشهد بنام آنمرحوم منعقد گردید ،و چون قبل ازفاصله‌اندکی برادرش حاج سیدجعفر۱۰ جزائری نیز درگذشته‌بود ،فاضل‌معاصر حاج سیدحسین جزائری خرم آبادی اشعاری در مرثیه آندو سرود که‌از آنجمله است

نیک بنگر بدهر و عبرت گیر　　که ندارد قرار نزد بصیر

شاهبازان آسمان پیما　　اوفتادند از زبر برزیر

پادشاهان نامدار جهان　　جملگی در حصار گوراسیر

---

* بوستان پیغمبر

** متوفی در(۱۳۴۶) از علماء بزرگوار و مدرسان معروف نجف اشرف بوده‌که‌علاوه‌برفقه‌واصول در رجال تخصص داشته . شرح‌نجاة‌العباد‌ازمؤلفات مطبوعه اواست ، کتابی جداگانه در ترجمه‌اش‌نوشته شده ،ودر(احسن‌الودیعه ۲: ۱۸۶ــ۲۱۹)چاپ‌دوم و(احسن الاثر: ۲۹) شیخ محمدصالح کاظمی و (نقباء البشر: ۲۷ــ۲۸) مذکور است ،

این بهاری که گشت خـــزان ز وفات دو عـالم نحریر
جعفری کوبفن فقه و اصـــول کم بدش در زمانه شبه و نظیر
ناگهان شمع علم او خاموش گشت در راه کربلا بمسیر
یک تصادف که زد شرر بجهان وآتشی در دل صغیروکبیر
وا اسف بعد فوت او نگـــذشت جزدو مه بر زمان کهنه وپیر
مرتضی رفت از جهان فنـــــا سوی پرورد کارحی قدیـــر

از آنمرحوم هشت پسر بجای ماند : سید مصطفی ۱۱ ، سید نورالدین ۱۱ ، سیدمحمود ۱۱، سید محمد ۱۱ ، سید علی ۱۱ ، سید کاظم ۱۱ متولد ۱۳۷۴،سیدحسین ۱۱ متولد ۱۳۷۵ و سیدحسن ۱۱ (سیدحمید) ،

سیدمصطفی ۱۱ متولد (۱۳۴۷) ، در نجف اشرف و قم تحصیل علوم دینیه نموده وازمحاضر علماء اعلام استفاده کرده وپس از وفات پدر از قم باهواز آمده وشاغل مسجد ومحرابـش گردیده ، ودارای شش پسراست : سید ضیاء ۱۲ ، سید مجتبی ۱۲ ، سیدمحمدعلی ۱۲ ،متولد ۱۳۷۶ ، سید محمدرضا ۱۲ متولد ۱۳۷۷ ، سید محمد جواد ۱۲ معروف به مسعود متولـــد ۱۳۸۶ ، سید محمد حسین ۱۲ ،

سیدنورالدین ۱۱ متولد (۱۳۵۶) کاسب است و تاکنون دو پسر دارد : سیدحسین ۱۲ ، سید رضا ۱۲ ،

سیدمحمود ۱۱ نیز کاسب است ، سیدمحمد ۱۱ متولد (۱۳۶۷) کارمند شرکت نفت درجزیره خارک است ، سید علی ۱۱ متولد (۱۳۷۲) فعلا" دوره نظام را میگذراند ،

وسیدجعفر ۱۰ بن سیدمحمدرضا ملقب به جزائری * در (مقتبس الاثر ۱۳ : ۵۳) نامش آمده ، درشوشتر (۱۵ــ ج ۱ــ ۱۳۲۱= تذکار) متولد ،مقدمات رانزد جدامی خود حاجی سید محمدعبونوئی ، و مرحوم آقا سیدعلی اصغر حکیم ، و مرحوم آقا سید بزرگ آل طیب ، و مرحوم آقاسیدمحمدمهدی آل طیب ، ومرحوم حاج سیدمحمدحسین نوری خوانده ، ودر ماه رجب (۱۳۴۱) برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف ، سطوح را از خدمت مرحوم شیخ مرتضی طالقانی ومرحوم شیخ حبیب اردبیلی ومرحوم شیخ عبدالله قوچانی ومرحوم شیخ عبدالحسین رشتی که همه از اعاظم علماء و مدرسان معروف بوده اند استفاده نمود ، و معقول را نـزد مرحوم آقا سید حسین بادکوبه ای و مرحوم آقا میرزا احمد آشتیانی دیده ، درس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام ، مرحوم آقاسید ابوالحسن اصفهانی ، و مـرحوم میرزا محمدحسین نائینی ، ومرحوم آقا شیخ ضیاء الدین عراقی ، و مرحوم حاج شیخ محمدحسین کمپانی ، و مرحوم میرزاابوالحسن مشکینی ، و مرحوم میرزا علی ایروانی ، و مرحوم شیـخ

* در (شجره سید علاءالدین صفحه ۱۴) لقب (قدسی) را باو داده ،که از برادرش میباشد ،

محمدرضا آل یس ، رجال ودرایه را از محضر مرحوم آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده نمود ، اجازه اجتهاد و روایت از آیةالله‌اصفهانی وعراقی بدست آورد ، یک دوره اصول تقریرات درس اراکی ، و تقریرات صلوة مشکینی ، و تقریرات طهارت آیةالله‌اصفهانی ، و تقریرات مکاسب آیةالله‌نائینی ، وبعضی حواشی بر عروة الوثقی ، وابواب معاملات‌متفرقه تقریر درس آیه‌الله‌اراکی ، وقسمتی از دروس رجال آقاسید ابوتراب را نوشته * ،
آنمرحوم پس از سالها سکونت درنجف اشرف واشتغالات علمی و تدریس ، در روز عاشورا (۱۰ــ محرم ــ۱۳۹۳= قصر بــاغ) هنگام مراجعت از کربلا ، نزدیک نجف دراثرسانحه اتومبیل درگذشت ، و در یکی از حجرات صحن مطهر بخاک سپرده شد ، و مجالس فاتحه در نجف وشهرستانهای دیگر بنام وی تشکیل گردید ، و مرثیه مشترک برای او و برادرش مرحوم علم الهدی سروده شد که‌قسمتی ازآن گذشت ، اولادوی منحصر بیک پسر است :
سید علی ۱۱ ساکن تهران کارمند ثبت اسناد است ودو پسر دارد : سیدمحمدحسین۱۲ معروف به‌مجیدمتولد (۱۳۸۳) ، سید علیرضا۱۲ معروف به سعید متولد (۱۳۸۷) ،
در (مشجره سید علاء الدین :۱۴) نام پسر بزرگ او را ، سید محمدرضا نوشته است ،
وسید عبدالسلام ۱۰ بن سید محمدرضا ملقب به (قدسی) کاسب است ، مدتی درکویت بوده و اینک در تهران است ، و شش پسر دارد : سیدحسین۱۱ ، سید مصطفی۱۱ ، سید رضا۱۱ ، سید مرتضی۱۱ ، سید محمدعلی۱۱ ، سید مجید۱۱ ،
حاج سید جواد ۹ دومین پسر سید حسین۸ ملقب به (جزائری) متولد حدود (۱۲۹۷ = فیوضات) عالم فاضل پرهیزگار از مروجان شرع وخدمتگذاران بجامعه در خرم آباد ،ونزد دولت و ملت محترم و موجه بود ، و در ایام انقلابات اخیره‌لرستان‌کارهای‌خوبی‌بدستش انجام گرفت و وجود او برای فامیل و اهل علم که‌بخرم آباد میرفتند مغتنم و مفید بود ،
برای‌تعمیر مقبره جداعلی درجایدر زحماتی‌کشید ، در (۲۳ــ ذق ــ۱۳۸۴= شمع فضل‌دین) که برای دیدن فامیل بخوزستان سفر کرد دراهواز بسکته‌درگذشت ، جنازه‌اش را بخواهش اهالی خرم آباد به‌خرم آباد بردند و در مقبره‌خانوادگی دفن نمودند ، در شجره طیبه ولادتش را اشتباها " (۱۳۰۱) نوشته و در (آثارالحجه۲ : ۲۸۷) و (گنجینه‌دانشمندان۵: ۲۵) هم مذکوراست ، درکتاب اخیر وفات او را (۱۳۸۳) نوشته که اشتباه است ، چهار پسر از او بوجود آمد : سیدمحمدحسن ۱۰ ، سیدعمادالدین ۱۰ ، سیدنورالدین ۱۰ ، سید مغیث‌الدین ۱۰ ، در بوستان پیغمبر سه نفر نوشته وچهارم را نام نبرده‌است ،
سیدمحمدحسن ۱۰ متولد (۱۳۲۸) از محترمان واعیان خرم آباد است وسه پسر دارد :
سیدمحمدرضا ۱۱ ، سید مصطفی ۱۱ ، سید مرتضی ۱۱ ،

---

* بوستان پغمبر

سید عمادالدین ۱۰ متولد (۱۳۴۳) ، از علماء خرم آباد و ائمهٔ جماعت آنجا است ، در نجف اشرف و قم تحصیل علوم دینیه‌نموده‌ودرس مرحوم‌آیةالله‌بروجردی را دیده ، و در (گنجینه‌دانشمندان ۵ : ۲۵) مذکور است ، تاکنون دو پسر دارد : سید محمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۷۸) ، سیدمحمدحسین ۱۱ متولد (۱۳۸۰) ،

سیدنورالدین ۱۰ متولدحدود (۱۳۴۵) ،اکنون در قم به‌تکمیل تحصیل‌مشغول‌ودر (گنجینه دانشمندان ۵ : ۲۵) مذکور است ، چهار پسر دارد: سیدمسعود ۱۱ متولد (۱۳۷۱) ، سید محسن ۱۱ متولد (۱۳۷۶) ، سیدمجید ۱۱ متولد (۱۳۸۰) ، سیدحمید ۱۱ متولد (۱۳۸۲)*

سید مغیث الدین ۱۰ متولد (۱۳۵۲= استرخاص) که در سن بیست ودوسالگی‌در (۲۱ـع ۲ ـ۱۳۷۴= نورس باغ امید) بلاعقب درگذشت وپدرخودرا داغدارنمود . جوانی باتقوی‌و فضیلت و استعدادبود ، مرحوم آیةالله‌بروجردی نماز او را خوانده و در مقبره شیخان‌قم مدفون گردید ، در (گنجینه‌دانشمندان ۵ : ۲۵) مذکور است ،

ودر (آثارالحجه۲ : ۲۸۸) عکس او راچاپ کرده وگوید (درشب فوت وی ،یکی ازمحصلین در عالم خواب دیده بود که حضرت موسی بن جعفرعلیه‌السلم از دنیا رفته و جنازه او را از گذرخان قم میبراند ، فردا صبح از همان گذرخان ، جنازه آنمرحوم تشییع گردید ، و معلوم است که‌کلیه‌سادات جزایری که‌یکی از آنها هم این ناکام بودموسوی‌وازاولاد حضرت ابراهیم المرتضی ابن الامام موسی الکاظم علیه‌السلم!ند)انتهی

نگارنده گوید نسب سادات جزائری به‌امامزاده‌عبدالله فرزند امام کاظم‌علیه‌السلم‌میرسد نه‌ابراهیم المرتضی ،

سید باقر ۹ سومین پسر سید حسین متولد (۱۳۰۰= صغیر) ساکن خرم آباد از اعیان و ملاکین آنجا بود** در (۱۳۶۰= ذی احترام) درگذشت و در قبرستان حائری در قم مدفون‌گردید ، یک پسر داشت سید جعفر ۱۰نام ، که در حیات پدر بلاعقب وفات نمودو در خرم آباد مدفون است ،

سیدجعفر۹ چهارمین پسر سیدحسین ، عالم فاضل متولد (۱۳۰۳=پسر غالی) در شوشتر، مقدمات را در همانجا فرا گرفت و برای تکمیل تحصیل به‌نجف اشرف رفته وپس از آنکه به مراتب کمال رسید ، بخرم آباد رفت و مشغول امامت‌و وعظ وهدایت اهالی شد تااینکه در حدود اربعین (۱۳۶۱= غفارحسیب) درگذشت و در مقبره‌خانوادگی در خرم آباد مدفون گردید ،

از مرحوم سید آقای امام اجازه روایت مورخ (۲۰ـ شوال ـ۱۳۴۳) دارد ، در آن اجازه و در(بوستان پیغمبر) و (تتمةالشجره) سیدمحمدجعفر نامیده شده ، ولی در (شجره طیبه)

---

* در (شجره سیدعلاءالدین: ۱۴) بجای سید حمید (سید محمدرضا) نوشته که اشتباه‌است ،

** در (بوستان‌پیغمبر) او را سید محمد باقر نامیده اما در (شجره طیبه) سید باقر است ،

سید جعفر است ،
درکتاب اخیر او را فاضلی بزرگوار خوانده و دو پسر برایش ثبت کرده‌که‌اشتباه‌است ،ویک پسر دارد بنام :
سیدمجدالدین ۱۰ که‌نام اصلی‌او سیدمحمداست ، تولدش درحدود (۱۳۴۶) بوده و در نجف اشرف تحصیل علوم دینیه‌نموده واکنون از علماء خرم آباد است ودو پسر دارد :
سیدمحمدرضا ۱۱ ، سیدمحمدعلی ۱۱ ،
سیدمهدی ۹ پنجمین‌پسر سیدحسین معروف به (قدسی) ، در اهواز یکشنبه (۹ــ محرم ــ ۱۳۸۶= مشغولی) درگذشت ودرمقبره علوی در جوار بقعه علی بن مهزیار مدفون گردید، سیدی صالح و ساده بود ، یک پسر داراشد
سیدمحمد ۱۰ نام متولد (۱۳۴۴) ، که درارای یک پسر است بنام سیدمحمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۷۵) که‌اکنون دوره نظام را میگذراند
وسیداحمد۸ بن سیدمحمود ۷ در سید صالح مدفون و تاریخ ولادت و وفاتش مجهول‌است، دربوستان‌پیغمبر وشجره‌طیبه‌بلاعقب معرفی شده ،امادختری داشته که همسر برادرزاده‌اش سید باقر ۹ بن سید حسین بوده‌است ،
وسیدمحمدعلی ۸ بن سید محمود ، از علمای شوشتر بوده ، تولدش در شب (۱۲ــ رمضان ۱۲۹۷= دانشور وذکی) در شوشتر ، و وفاتش آخر شب دوشنبه (۶ ــ ذح ــ۱۳۵۶= اهـــل فضیلت) واقع گردید ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن‌نمودند ، در بوستان پیغمبر درباره‌اش مینویسد (الیات را در شوشتر نزدمرحوم برادرش سید حسین و نزد مرحوم آقاسید محمدعلی شیخ‌الاسلام ، وسطوح را نزد مرحوم علامه‌حاجی سیـــد عبدالصمد خوانده ، پس از آن به‌نجف اشرف مشرف ودرخدمت مرحوم میرزا محمـد علی رشتی و غیر ایشان از اساطین استفاده‌نمود ، پس از آن به‌شوشتر مراجعت ، درمسجد قلی نزدیک بازار امامت داشته ، مردم آنجا در امور شرعیه بایشان رجوع مینمودند)
ودرشجره‌طیبه‌است‌که ((آنجناب‌ازمعاریف * سادات‌وفضلاء عالی درجات‌بود ، تحصیلات وی اکثر در شوشتر بوده‌است و مدتی در این راه صرف وقت نموده ، وسالها بوعظ و امامت مسجد بازار (مسجدقلی) مشغول وگاهگاهی از کتب ادبیه وفقه‌واصول‌نیزتدریس مینمود))
در (نقباء البشر ۴ : ۱۵۳۸) هم ترجمه‌شده ، و در آنجارساله‌ای درامامت بوی نسبت‌داده وسید یزدی را از اساتید او شمرده ،امـا سید محمدعلی شیخ الاسلام را شیخ محمد علی نوشته که‌اشتباه‌چاپی است ** و بطوریکه از فرزندش شنیدم در درس آخوند خراسانی هم حاضر میشده‌است ،

* معارف صحیح است ،

** و از آنجادر(گنجینه‌دانشمندان۵ : ۴۰۹) ترجمه‌اش با اشتباه مذکور نقل شده ،

فرزندان ذکورش سه نفراند سیدمحمد حسین ۹ ، سید محمد جعفر ۹ ، سید محمدحسن۹ ، که لقب هر سه (مروج الشریعه) و تخفیفا (مروج) است ،

درشجره‌طیبه‌پسرانش را چهارنفر سیدحسین ، سید جعفر ، سید حسن ، سیدتقی‌نوشته‌و اخیر را بلاعقب معرفی کرده ، که اشتباه است ،

ولادت او راهم در (۱۳۰۰) دانسته‌درحالیکه‌فرزندانش (۱۲۹۷) را تاءییدمیکنند ،وگفته ایشان در این مورد معتبر و صحیح است ،

سیدمحمدحسین۹ مروج متولد (۱۳۲۴= پسر نیک بخت) سیدی فاضل بود ، مدتها ساکن نجف اشرف بود ودر (۱۳۶۹) به‌افریقای شرقی مسافرت ، مدتی در ممباسه‌که‌ازبنادرمهم کنیـا است‌وبعدها در زنگبار توطن نمود ودرمسجد حجه‌الاسلام امامت داشت واهالی آن صفحه‌در امور مذهبی واحکام شرعی‌بوی مراجعه‌مینمودند ، تا اینکه‌در (۱۴ــ صفرــ۱۳۸۵= قخرشهر) در همانشهر متوفی و مدفون گردید ، در (مقتبس الاثر جندقی۱۳ : ۵۳)نام‌او را برده ،

ده پسر از وی مخلف شد : سید مرتضی ۱۰ معروف به‌سید بزرگ ، سیدمحمدکاظم ۱۰ ، سید محمدجواد ۱۰ ،سیدمحمدعلی ۱۰ معروف به‌فخرالدین ،سیدمصطفی ۱۰ معروف بصدرالدین سیدمحمد ۱۰ معروف به‌نورالدین ، سید محمدحسن ۱۰ معروف به‌مجتبی ، سید محمد رضا ۱۰ ، سیدنصرالله ۱۰ ، سید عبدالصمد ۱۰ ،

سیدمرتضی ۱۰ معروف به‌سید بزرگ متولد (۱۷ــ ج۱ــ ۱۳۴۷) در نجف اشرف ، روحانی فاضلی است که‌قسمتی از تحصیلات خود را نزد علامه‌استادشیخ مجتبی لنکرانی (مدظله) گذرانیده ، و مدتها به‌امامت و وعظ در شهرهای مختلف مشغول بود ،واخیرابه‌اهوازمنتقل شده‌واز محضرعم‌محترم خود استفاده‌میکند وچهارپسر دارد: سید احمد ۱۱متولد (۱۳۷۱) سید محمود ۱۱ متولد (۱۳۷۵) ، سید علی ۱۱ متولد (۱۳۷۸) ، سید عبدالله ۱۱ متولـد (۱۳۸۵) ،

سیدمحمدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۵۰) درشوشتر ، ساکن بغدادوکاسبی با استعداد است ، دراوائل مشغول تحصیل مقدمات بود اما آن رشته را رها کرد ، او هم چهار پسـر دارد : سیدمحمدحسن ۱۱ ، سید احمد ۱۱ ، سید عباس ۱۱ ، سید نعمه ۱۱ ،

سید محمدجواد ۱۰ متولد (۱۳۵۲) در شوشتر ، مقیم اهواز و کاسب و دارای پنـج پسر است سید هاشم ۱۱ ، سید باقر ۱۱ ، سید صادق ۱۱ ، سید علی هادی ۱۱ ،سید حسین ۱۱ معروف به سید محمد .

سیدمحمدعلی ۱۰ معروف به‌فخرالدین ، متولد حدود (۱۳۵۵) در نجف اشرف ،لیسانسیه از دانشگاه دارالسلام است ، و طبق اظهار برادر بزرگش درجه فوق لیسانس از دانشگاه تهران گرفته ،وساکن اهوازاست‌واکنون دوپسر دارد سید جعفر ۱۱ متولد (۱۳۹۱) ، سیـد

جلال ۱۱ متولد (۱۱ ــ صیام ــ۱۳۹۷)
سید مصطفی ۱۰ معروف به‌صدرالدین متولد (۱۳۶۴) در نجف اشرف ، کارمندیکی ازشرکت های خارجی است وتاکنون پسری ندارد ،
سیدمحمد ۱۰ معروف به‌نورالدین در (۱۳۶۶) در نجف متولد ، و در دارالسلام متـــاءهل شده واکنون در تهران ودارای یک پسر است ، سید عبدالباسط ۱۱ متولد (۱۳۹۰) ،
سیدمحمدحسن ۱۰ معروف به مجتبی ، کارمند یکی ازشرکتهای خارجی اهوازاست ،تولدش در (۱۳۶۸) در نجف اشرف بوده ،
سیدمحمدرضا ۱۰ در هندوستان به‌تحصیل مشغول است ،
سیدنصرالله ۱۰ متولد (۱۳۷۳) در زنگبار ، مقیم مسقط (عمان) ، کارمند نیروی دریائـی است بطوریکه‌برادرش سید صدرالدین بیان‌نمود ،
سید عبدالصمد ۱۰ متولد (۱۳۷۹) در زنگبار ، در دارالسلام محصل است ،
سیدمحمدجعفر ۹ مروج ، عالمی کامل و مدرسی فاضل وفقیهی جلیل صاحب تالیفات است شرح حال وی در بوستان پیغمبر ، و(گنجینه‌دانشمندان۵ : ۴۰۵) و معجم رجال الفکـر و الادب : ۴۰۹) * و (نقباءالبشر : ۲۹۳) مذکوراست ، و (در مقتبس الاثر ۱۳: ۵۳) نام او برده‌شده ،
تولدش در شوشتر (۲۸ــ ذح ــ۱۳۲۸) بوده ، مقدمات ومقداری از فقه‌واصول را از علمای آنشهر مرحوم‌پدرش ، ومرحوم سیدحسین نوری ، و مرحوم سیدعلی اصغرحکیم ،ومرحوم سیدمحمدمهدی آل طیب فرا گرفت ، در (۱۳۴۷) به‌نجف اشرف مشرف ، مکاسب را نـزد مرحوم عالم متقی سیدعلی نوری و غیره ، قسمت مهم رسائل را نزد مرحوم آیه‌الله سیـد محمود شاهرودی ، کفایه‌را نزد مرحوم شیخ محمدحسین‌حائری‌ومرحوم سیدحسین‌اصفهانی وجزایشان‌خوانده ،آنگاه درحوزه درس آیات عظام‌مرحوم سیدابوالحسن‌اصفهانی ، و مرحوم شیخ حسین‌حلی ** ومرحوم سیدمحسن‌حکیم ،ومرحوم سیدمحمود شاهرودی سابق الذکر و مرحوم شیخ موسی خوانساری*** و غیره‌وارد گردید ، و در این مدت به‌تدریس وافاده نیز اشتغال داشت تا اینکه در (۱۳۹۱) به‌ایران معاودت ودراهواز مجاورت‌اختیار ،وحوزه درسی در این شهر تشکیل داده‌وجمعی را مستفید مینماید واین‌تالیفات را دارد :
اول تقریرات درس آیةالله‌حکیم وآیةالله‌شاهرودی (قدس سرهما) و نفر اول تفریظ بر آن

* در این کتاب که مرتب بر ترتیب حروف در اسماء خانوادگی است باید بعداز مرعشی یـــاد شود ، اما او را قبل از آن نوشته‌که‌اشتباه‌ومخالف ترتیب کتاب است ،

** مدرس محقق صاحب ملکات فاضله‌وبی الایش بود ، تبحر او در فقه و اصول زبـان زد فضلاء نجف است ،

*** از اعاظم تلامذه مرحوم نائینی وصاحب منیه‌الطالب درحاشیه مکاسب است ،

نوشته واو را به‌العلامه الذکی حجةالاسلام توصیف نموده‌است ، و ناگفته‌نماند که وی افضل تلامذه این دو استاد بوده

دوم حاشیه بر مکاسب از بحث ولایت فقیه‌تا آخر مورخ (۲۲ـ ج ۱ـ ۱۳۷۶) ،

سوم رساله‌در تعیین وطن شرعی ، مختصری‌است به‌امرمرحوم عم معظم حاج سید نورالدین جزائری (رحمه‌الله تعالی) تألیف نموده‌ونگارنده نسخه‌ای برای آنمرحوم نوشتم ،

چهارم رساله‌در حرمت ریش تراشی *

پنجم رساله در شرح حدیث لاتعاد

ششم شرح طهارت‌عروه ، تاقسمتی از مبحث وضو ،

هفتم شرح بیع مکاسب ، تا مبحث عقد فاسد

هشتم شرح وسیلةالنجاة مرحوم آیةالله‌اصفهانی ، ناتمام ،

نهم ضیاء المسالک ، در شرح مناسک حج مرحوم آیةالله‌نائینی (قدس سره) ، مفصل تر از شرح مرحوم آیةالله‌حکیم ، مورخ (۷ـ رجب ـ۱۳۷۳) در ۹۹۷ صفحه بپایان رسیده ،

دهم کتابی در احکام افعال صبی ناتمام است ،

یازدهم منتهی الدرایه ، در شرح کفایةالاصول دوجلد آن چاپ شده ، و متن‌مذکورازکتب درسی است وشروح عدیده‌برآن نوشته‌شده ، این شرح از بهترین شرحهای توضیحی ومفید نظیر شرح مرحوم مشکینی (علیه‌الرحمه) است نه‌مانند بعضی از شروح که‌پیچیده‌تروغامض تر از متن نوشته‌شده‌ونتیجه‌ای جز اتلاف وقت مراجعه کننده ندارد

دوازدهم هدایه‌الانام مجموعه‌ای است از فقه‌و درایه وکلام که‌ناتمام است ،

وپسران وی‌چهارنفربودندسیدمحمدتقی ۱۱ ، سیدمحمدی ۱۱ ، سید محمد علی ۱۱ ، سید محمدهادی ۱۱ ،

سیدمحمدتقی ۱۱ متولد (۱۳۵۷= غفور بی چون) زرگر بود به‌قصد زیارت از اهواز به قم رفته‌بود ، هنگام مراجعت به اهواز روز یکشنبه (۱۱ـ شوال ـ۱۳۹۷= سعادت‌کیش) نزدیک اراک بواسطه زنبوری که وارد ماشین او شد کنترل خود را از دست داده و ماشین از جاده منحرف وپس از چند معلق که‌به‌فوت اومنجر شدمتوقف گردید ، جنازه را بقم برده در مزار علی بن جعفر بخاک سپردند یک پسر از وی بازماند : سیدمحمد رضا ۱۲ که همراه پدربود اما خوشبختانه در این سانحه آسیبی بوی نرسید ،

---

* حرمت ریش تراشی تقریبا " از بدیهیات مذهب شیعه است و رساله‌های متعدد در اثبات آن نوشته شده ، از آنجمله از علامه خبیر مرحوم سید جعفر بحرالعلوم ، وعلامه مجاهد کم نظیر مرحوم شیخ جواد بلاغی ، و فقیه جلیل مرحوم حاج محمدحسن کبه ، وشیخ محمدرضای طبسی (سلمه‌الله) از فضلاء عصر ، که همه بچاپ رسیده ،

اما یکی از معاصران بنام دکتر سید حسن صفوی در (۱۳۴۰ شمسی) رساله‌ای بنام ریش تراشی منتشر و بگمان‌خود جواز آنرا ثابت کرده ، و نوشته‌های فقها را که‌متخصص در این فن هستند نادرست پنداشته !

سید محمدی ۱۱ متولد (۱۳۶۴) ، جزء طلاب علوم دینیه‌در قم ، و تاکنون یک پسر دارد سید محمدحسن ۱۲ ،

سید محمدعلی ۱۱ متولد (۱۳۶۹) ، در خدمت پدر به‌تحصیل مشغول واکنون‌دوپسردارد سیدمحمدحسین۱۲ معروف به عمادالدین ، سیدمحسن۱۲ ،

سیدمحمدهادی۱۱ متولد (۱۳۷۳) ، که‌دیپلم را گرفته واکنون دوره‌نظام را میگذراند ،

سیدمحمدحسن۱۰ مروج متولدحدود (۱۳۳۳) ، مقیم اهواز بازرگانی با اخلاق‌حمیده‌است و یک پسر دارد : سید عبدالله۱۱ که در دانشگاه تهران مشغول تحصیل است ،

آقاسیدعمادالدین‌جزائری

مرحوم‌آقای‌سیدمحمدعلی مروج

آقای‌سیدمحمدجعفرمروج

آقای‌سیدمرتضی‌مروج

۱ـ نگارنده کتاب ۲ـ آقاسیدمحمدحسن آل طیب ۳ـ آقاسیدمحمدجعفر مروج
۴ـ آقاسیدطیب جزائری

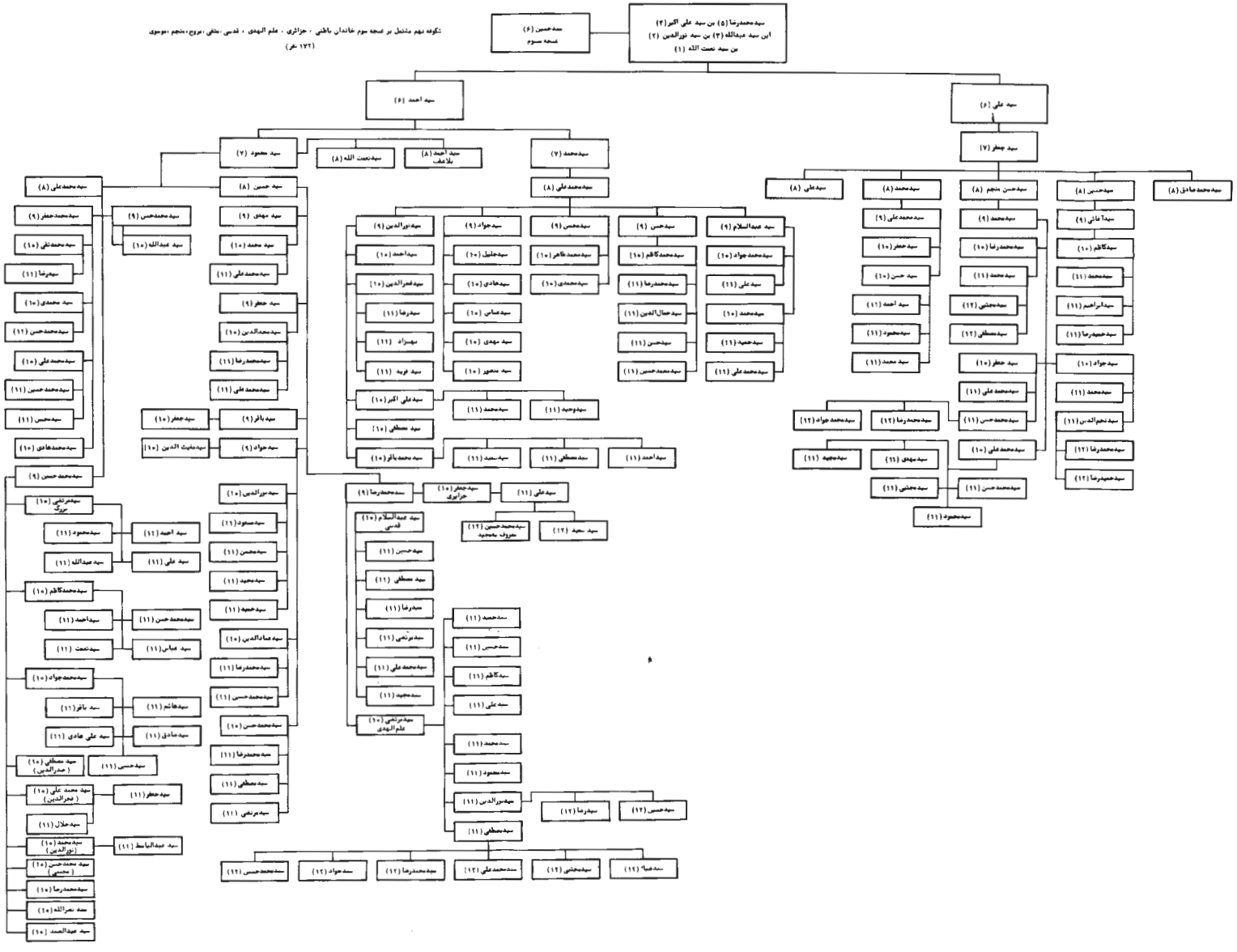
سید محمدرضا (۵) بن سید علی اکبر (۴)
ابن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲)
بن سید نعمت الله (۱)
سید حسین (۶)
عجه سوم
نگوفه نهم مشتمل بر عجه سوم خاندان باطنی ، حزائری ، علم الهدی ، قدسی ،بلغی ،بروج ،منجم ،موسوی
(۱۲۲ نفر)
سید احمد (۶)
سید علی (۶)
سید جعفر (۷)
سید محمود (۷)
سید نعمت الله (۸)
سید احمد (۸) بلاعقب
سید محمد (۷)
سید محمد علی (۸)
سید علی (۸)
سید محمد (۸)
سید حسن منجم (۸)
سید حسین (۸)
سید محمد صادق (۸)
سید حسین (۸)
سید مهدی (۹)
سید محمد (۱۰)
سید محمد علی (۱۱)
سید جعفر (۹)
سید محمدالدین (۱۰)
سید محمدرضا (۱۱)
سید محمدباقر (۱۱)
سید نورالدین (۹)
سید احمد (۱۰)
سید فخرالدین (۱۰)
سید رضا (۱۱)
بهزاد (۱۱)
سید فرید (۱۱)
سید علی اکبر (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید محمدباقر (۱۰)
سید جواد (۹)
سید جلیل (۱۰)
سید هادی (۱۰)
سید عباس (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید منصور (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید وحید (۱۱)
سید سعید (۱۱)
سید مصطفی (۱۱)
سید احمد (۱۱)
سید محمدحسن (۹)
سید محمد طاهر (۱۰)
سید محمدی (۱۰)
سید حسن (۹)
سید محمدکاظم (۱۰)
سید محمدرضا (۱۱)
سید جمال الدین (۱۱)
سید حسن (۱۱)
سید محمدحسن (۱۱)
سید عبدالسلام (۹)
سید محمد جواد (۱۰)
سید علی (۱۱)
سید محمد (۱۰)
سید حمید (۱۱)
سید محمدعلی (۱۱)
سید علی (۸)
سید محمد (۸)
سید محمد علی (۹)
سید جعفر (۱۰)
سید حسن (۱۰)
سید احمد (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید محمد (۱۱)
سید حسن منجم (۸)
سید محمد (۹)
سید محمدرضا (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید مجتبی (۱۲)
سید مصطفی (۱۲)
سید حسین (۸)
سید آقائی (۹)
سید کاظم (۱۰)
سید محمد (۱۱)
سید ابراهیم (۱۱)
سید حمیدرضا (۱۱)
سید محمد حسین (۹)
سید محمد علی (۱۰)
سید محمد تقی (۱۰)
سید رضا (۱۱)
سید محمدی (۱۰)
سید محمد حسین (۱۱)
سید محمد علی (۱۰)
سید محمد حسین (۱۱)
سید حسین (۱۱)
سید محمد هادی (۱۰)
سید محمد حسین (۹)
سید عبدالله (۱۰)
سید باقر (۹)
سید جعفر (۱۰)
سید عنایت الدین (۱۰)
سید جواد (۹)
سید محمد حسن (۹)
سید محمد تقی (۱۰)
سید محمود (۱۱)
سید عبدالله (۱۱)
سید احمد (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید محمد حسن (۱۱)
سید عباس (۱۱)
سید محمد جواد (۱۰)
سید باقر (۱۱)
سید علی هادی (۱۱)
سید حسن (۱۱)
سید مصطفی (۱۰) صدرالدین
سید محمد علی (۱۰) فخرالدین
سید جعفر (۱۱)
سید جلال (۱۱)
سید محمد (۱۰) زین الدین
سید عبدالباسط (۱۱)
سید محمد حسن (۱۰) مجتبی
سید محمدرضا (۱۰)
سید نصرالله (۱۰)
سید عبدالصمد (۱۰)
سید جعفر (۹)
سید جعفر (۱۰) حزائری
سید علی (۱۱)
سید محمدرضا (۹)
سید عبدالسلام (۱۰) قدسی
سید حسین (۱۱)
سید مصطفی (۱۱)
سید رضا (۱۱)
سید مرتضی (۱۱)
سید محمد علی (۱۱)
سید مجید (۱۱)
سید مرتضی (۱۰) علم الهدی
سید محمد حسین (۱۲) مروج بمجید
سید سعید (۱۲)
سید حمید (۱۱)
سید محسن (۱۱)
سید محمود (۱۱)
سید نورالدین (۱۱)
سید رضا (۱۲)
سید حسین (۱۲)
سید مصطفی (۱۱)
سید محمد حسین (۱۲)
سید محمد علی (۱۲)
سید محمد رضا (۱۲)
سید محمد جواد (۱۲)
سید مجید (۱۲)
سید مهدی (۱۲)
سید مجتبی (۱۲)
سید محمد حسن (۱۲)
سید محمود (۱۲)
سید محمد جواد (۱۲)
سید محمد رضا (۱۲)
سید مجید (۱۲)
سید مهدی (۱۲)
سید مجتبی (۱۲)
سید محمد حسن (۱۲)
سید محمود (۱۲)
سید محمد حسین (۱۲)
سید محمد علی (۱۲)
سید محمد رضا (۱۲)
سید مجید (۱۲)
سید مهدی (۱۲)
سید مجتبی (۱۲)
سید محمد حسن (۱۲)
سید محمود (۱۲)

خاندان آل محمد ، نبوی ، نجفی
سیدحسین ۶ سومین پسر (سیدمحمدرضا۵ مذکور در شکوفه‌نهم) مجتهدی عظیم صاحب تاٴلیفات فقهیه واصولیه ، و (از نخبه‌علماٴ وصلحای مجاورین نجف اشرف ، و از ائمـــه جماعت رواق مطهر ، و در نزد علمای آن بلده‌طیبه معزز ومحترم) * بوده ،
شرح‌حال‌وی‌در (اعیان‌الشیعه ۲۶ : ۵۸) وبوستان‌پیغمبر ،و (تتمه نجوم السماٴ ۱ : ۳۲۱)و (زندگانی و شخصیت شیخ انصاری : ۲۴۶) و شجره طیبه ، و (الکرام البرره ۲ : ۳۹۳) و (معجم امینی : ۹۹) و (معجم الموٴ لفین ۴ : ۸) مذکور است ، وآنچه ازآنهـــا و اطلاعات خارجی دیگر برآمده‌آنستکه‌مقدمات را در شوشتربدست‌آورده‌برای تکمیل‌تحصیل به‌نجف اشرف مشرف شد ، وسالها از مخضر مرحوم صاحب جواهر ودیگران استفاده فضل نمود تا به‌مقام اجتهاد و افتاٴ نائل‌واز نوابغ علمی گردید و به‌خوزستان مراجعت کردودر مرجعیت واشتهار بر معاصران خویش تقدم جست ، و نظر بمراتب زهدوقدس وتقوی‌وحسن اخلاقش ، مرحوم شیخ انصاری را نسبت بوی عقیده‌ای خاص بود ، وآنجناب را بدوستی وبرادری برگزید نظیر دوستی ومصاحبتی که‌بامرحوم حاج سید علی وصی خود داشت ، و حتی در بدو امر نظر داشت که او را وصی خویش قرار دهد ، و لذا در ایام مرض کتبـــا " آنجناب را از شوشتر به‌نجف اشرف طلبید تا وصی خود قرار دهد ولی سید حسین دراثر گرفتاری به‌مرض موفق به‌این مسافرت نگردید ،
و چون در (۱۲۸۸) آتش قحط‌وغلا درخوزستان مشتعل شد ، آن عالیجناب بقدر قوه‌بـــه محتاجان کمک مینمود ، آخر الامر دید مقاومت‌بابلای غلا از قدرت وی خارج است لذابه نجف اشرف مهاجرت اختیار نمود ، وچون درآنجا ورود کرد مورد تجلیل علماٴ واقـع گردید و مرجعیتی تمام پیدا نمود اما اجلش مهلت نداد ،
تاٴلیفاتی داله بر فضل و تبحر وی داشته بشرح ذیل :
اول فواکه الاحکام ، یک دوره‌فقه‌استدلالی که بقول علامه‌تهرانی هشت جلد ** وموافق (شجره‌طیبه) ده‌جلد است ،
نگارنده بعضی‌از مجلدات آنرا نزد حاجی سیدنجفی حفیداو و مرحوم حـــاج سیـــد جعفـر جزائری دیده‌ام ،
دوم فواکه‌الاصول ، دراصول فقه دو جلد ، که‌درشجره‌طیبه‌آنراوارونه‌کرده واصول‌الفواکه نامیده ،

* محدث نوری طاب ثراه در (کلمه‌طیبه: ۱۰۲) با اوصاف مزبور او را یاد و دو کـرامت از وی نقل کرده ، و مرحوم حاج ملا باقر شوشتری درکتاب تذکره‌داستانی از او آورده‌است ،
** (الذریعه، ۱۶: ۳۶۵) ،

سوم فوزالمعاد که رساله‌عملیه است ، یک نسخه مورخ (۱۲۸۸) بخط مرحوم حاج سیدحسن منجم دیده‌ام ، و در شجره‌طیبه آنرا ذخیره‌المعاد نوشته‌که‌اشتباه‌است ، و این اشتباه در برخی از مصادر سابق الذکر که‌از او نقل کرده‌اند نیز دیده میشود ،

وفات آنجناب در (رجب ـ۱۲۹۱= براحت رفت) اتفاق افتاد و در مقبره‌مرحوم حاج‌سید علی* مقابل مقبره‌شیخ‌انصاری‌درصحن‌مطهر نجف‌اشرف معروف به‌مقبره‌شوشتریها مدفون گردید ، وماده‌تاریخ‌فوت او (رفع فی الخلدمقامه) است

مرحوم آخوند ملاعبدالجواد متخلص به‌ناطق شوشتری ** قصیده‌ای در مرثیه‌او گفته‌که بعضی از ابیات آن ثبت گردید

تیر قضا زشست قدر زد چه بـر هدف — غلطان بخاک شد مهی از شرفه *** شرف
ماهی چگونه ماه که در علم و معرفت — نادیده بود مادر دوران چنیـن خلـف
درعلم‌وحلم‌وزهدوصلاح‌آن‌مهین‌جناب — بـر برده بـود گوی ز میدان مـا سلف
دریای سبعه پیش علومش چه شبنمـی — صحرا و کـوه پیش وقارش چه یک خزف
چون کوس الرحیل بگوششرسیدگفت — لبیک ربنـا و اطعنـا به صـد شعـف
در انتظار روح شریفش بسوی خلـد — بنشسته انبیـاء و رسل جمله صف بصف
در فوت او رسید باسلام لطمـه ای — تـا حشر گشته رونـق اسلامیـان تلـف
افسوس از آن مـروج دین محمـدی — افسوس از آن نتیجـه احفـادلو کشف

شیرازه شرائـع اسلام پـاره شـد — واحسرتـا فواعـد احکـام شد ز کـف
چون صاحب فوا که احکام‌شدبخاک — یک بـار شـد ضوابـط اسلام منحرف
ختم کلام آنکه سروش آمدم بـگوش — سید حسین به خلد برین گشت معتکـف

---

* مقصود مرحوم حاج سید علی ۶ جزائری وصی شیخ انصاری است (میوه دوم) که خـود و برادرش مرحوم حاجی سید احمد ۶ و برادرزاده‌اش مرحوم حاجی سید عبدالصمد ۷ فرزند حاجی سیـد احمد نیاکان نگارنده (میوه اول) و چند تن دیگر از خاندان جزائری در آن آرمیده اند و از اینرو بـه مقبره حاج سید علی شوشتری و مقبره شوشتریها معروف است .

در (هدیة الزائرین :۲۳۵) تالیف مرحوم محدث قمی (قدس سره) ضمن مقابر علماء نجف اشرف کـه سزاوار است زوار آنها را زیارت کنند ،آنرانام برده اما بجای سیدعلی شوشتری ، شیرازی آمده‌که اشتباه است .

** فرزند ابوطالب فرزند ملا جواد از شعراء گمنام شوشتر بوده ، خود ،وفرزندش‌ابوطالب شاگرد مرحوم سید احمد معلم ، وپدرش اهل فضل وکمال بوده‌اند ، و بطوریکه پدر وی در مجموعه خود نوشته ، تولد ناطق در(۲۵ـ صیام ـ۱۲۱۶) و تولد خودش در (۶ـ ذق ـ۱۱۷۹) و وفات پدرش ملا جواد جـد ناطق در (۱۸ـ شعبان ـ۱۲۱۲) بوده ، و مجموعه مذکوره مشتمل‌است بر بیست باب اسطرلاب و خلاصه الحساب ،

*** شرفه بر وزن غرفه ایوان و کنگره قصر است و در اینجا معنی دوم مقصود است ،

چهار پسر از آنجناب مخلف گردید : سیدمحمدرضا۷ ، سید علی اکبر ۷ ، سید علی اصغر۷ سیدابوالحسن۷ ،

سید محمدرضا ۷ بن سید حسین ۶ نیز از علماء وائمه جماعت درصحن مطهر علوی ، قسمت جنوب غربی بوده ، ودربوستان پیغمبر ، وشجره‌طیبه ،و (نقباء البشر: ۷۵۴) و (هدیة‌الرازی: ۹۹) مذکور است ، تولدش در (۱۲۵۸= رونق بخش) پس از تحصیل سوادفارسی ومقدمات فقه‌واصول را ازمحاضر والد ماجد وشیخ محمدحسین کاظمی‌ومیرزا حبیب‌اللهرشتی استفاده نمود ، چون بشوشتر مراجعت کرد مرجعیتی بسزا یافت ، وعظ و تبلیغش خیلی شیرین‌بود

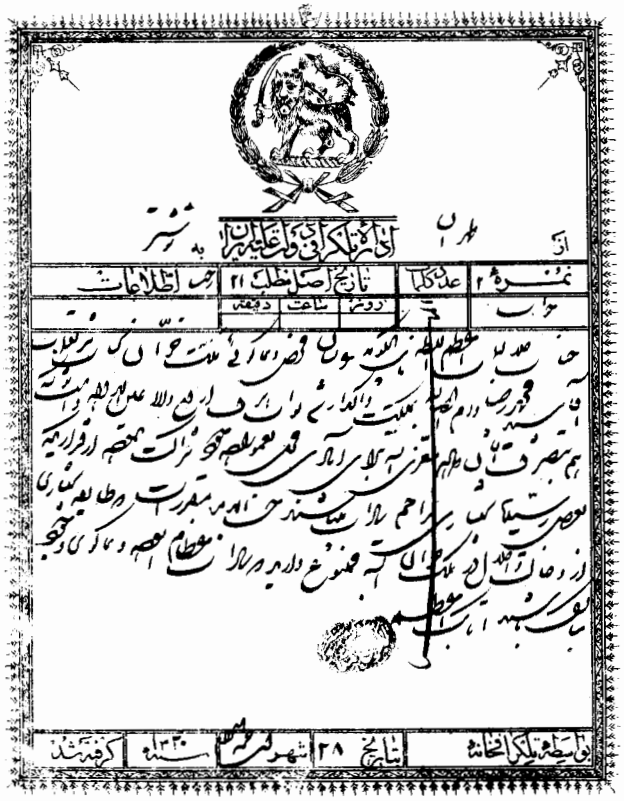

وپس از آن به‌نجف اشرف مشرف شد ودر درس میرزا حسین خلیلی حاضرگشت‌ودرخانه‌اش تدریس مینمود ، وچنانکه گفتیم به‌امامت هم در صحن مطهر میپرداخت تا اینکه در (۱۷ شعبان ـ۱۳۲۹= قطع نظر) درگذشت و در مقبره پدر مدفون گردیـد ، در (گنجینـه دانشمندان ۵ : ۴۰۷) هم مذکور است ،

نگارنده گوید: تقریرات غیر مرتبی از دروس اساتید خود نوشته و مالک نصف مزرعه خران*

* در(مجمع الفرس ۱:۴۶۸) گوید خران بکسرخاء و رای مهمله مشدد ومخفف . رام ومطیع باشد.

واقع در سمت راست رودخانه‌کارون بوده‌که‌نصف دیگر آن متعلق به‌مرحوم ایه الله حاجی سید عبدالصمد نیای دوم نگارنده بوده ، و هنگامیکه از طرف بعضی مورد تعدی قرارگرفت در(۱۳۲۸) ، مرحوم آیةالله‌آخوند خراسانی ودیگر علماء نجف نامه‌ها و تلگرافهائی در این خصوص به‌اولیاء امور نمودند که کلیشه بعضی در اینجا و بعضی در ضمن شرح‌حال‌نیای مزبور خواهد آمد ، مرحوم آقا سید محمدرضا۷ دارای چهار پسر بوده : سید محمد باقر ۸ سیدمحمدتقی ۸، سید بزرگ ۸، سید نجفی ۸،

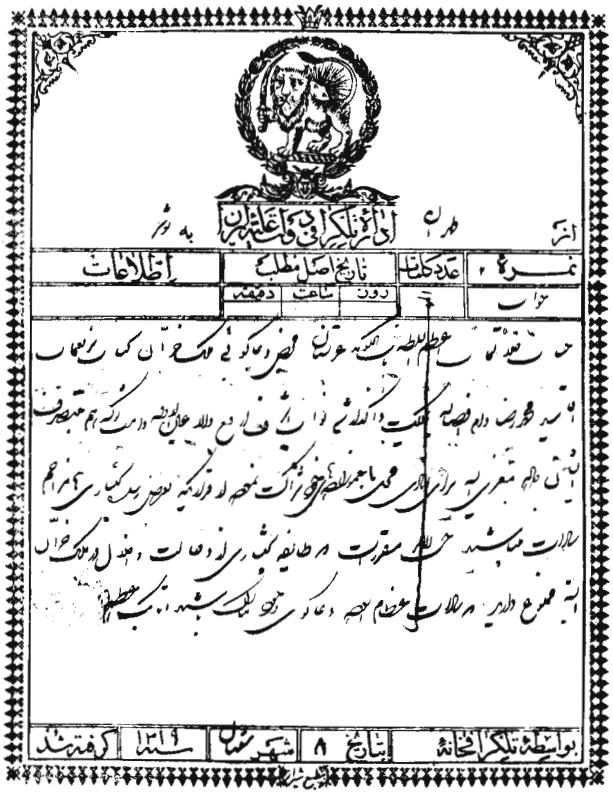

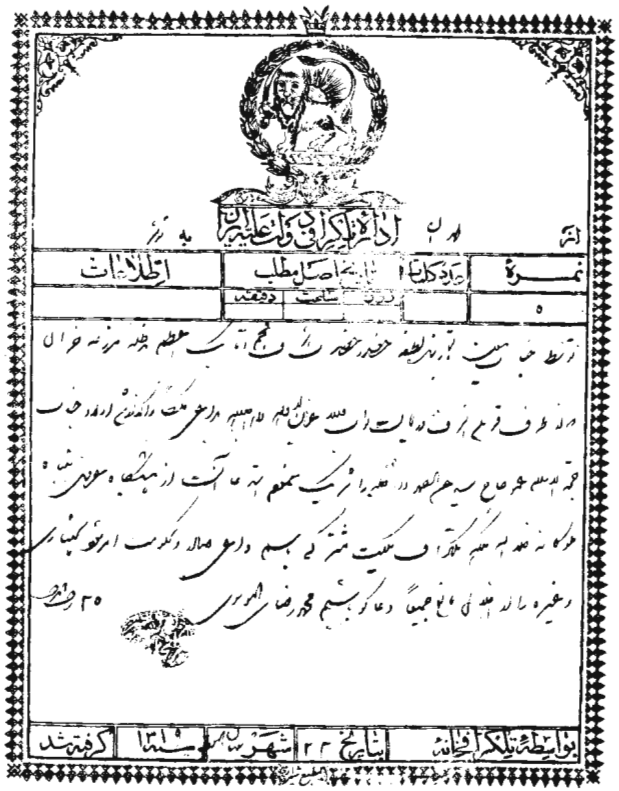

از طهران — اداره تلگرافی دولت علیه ایران — به شوشتر

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۵					

توسط جناب معین التجار بندر لطیفه حضور حضرت اشرف نجم اتابک اعظم مدظله مزرعه خزان

که از طرف قوم اشرف در ولایت [illegible] عزیز الدوله [illegible] مکث واگذاشتن اولاد جناب

حجة الاسلام عمو حاج سید عبدالصمد [illegible] شریک [illegible] آنست از [illegible]

[illegible] تلگراف ملکیت مشترکه باسم داعی صادر و حکومت امر شود [illegible]

وغیره را از [illegible] مانع جمیعاً دعاگو باشیم محمدرضا الموسوی ۲۵ [illegible]

بواسطه تلگرافخانه — بتاریخ ۲۲ — شهر [illegible] — سنه ۱۳۱۹ — گرفته شد

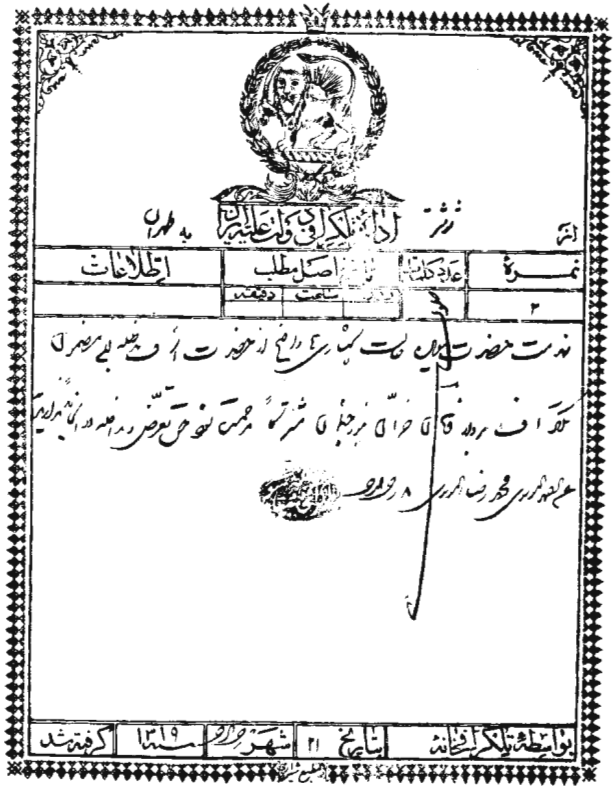

از شوشتر — اداره تلگرافی دولت علیه ایران — به طهران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۲					

خدمت حضرت [illegible] حالت [illegible] واضح از حضرت اشرف [illegible] مضمون

تلگراف [illegible] خزان [illegible] مشترکاً مرحمت شود حق تعرض و مداخله [illegible]

عبدالصمد الموسوی محمدرضا الموسوی ۸ [illegible]

بواسطه تلگرافخانه — بتاریخ ۲۱ — شهر [illegible] — سنه ۱۳۱۹ — گرفته شد

بسم الله

سیدمحمدباقر ۸ پس از مدتی تحصیل به‌تهران رفت و مرجعیتی پیدا نمود ودر دو سنـــد دولتی مورخ (۱۳۱۹) ، خران مذکور بالمناصفه ملک او و مرحوم جدامجد حاجی‌سیدمحمد جعفر فرزند مرحوم آیةاللّه‌حاجی سیدعبدالصمد خوانده‌شده ، وی در (۱۳۳۷= غالب‌شد) درگذشت و در مقبره شوشتریهادرصحن نجف مدفون گردید ، سه پسر از او مخلف شد : سیدجعفر ۹ ، سرهنگ سید احمد ۹ ، سید محمد۹ ،

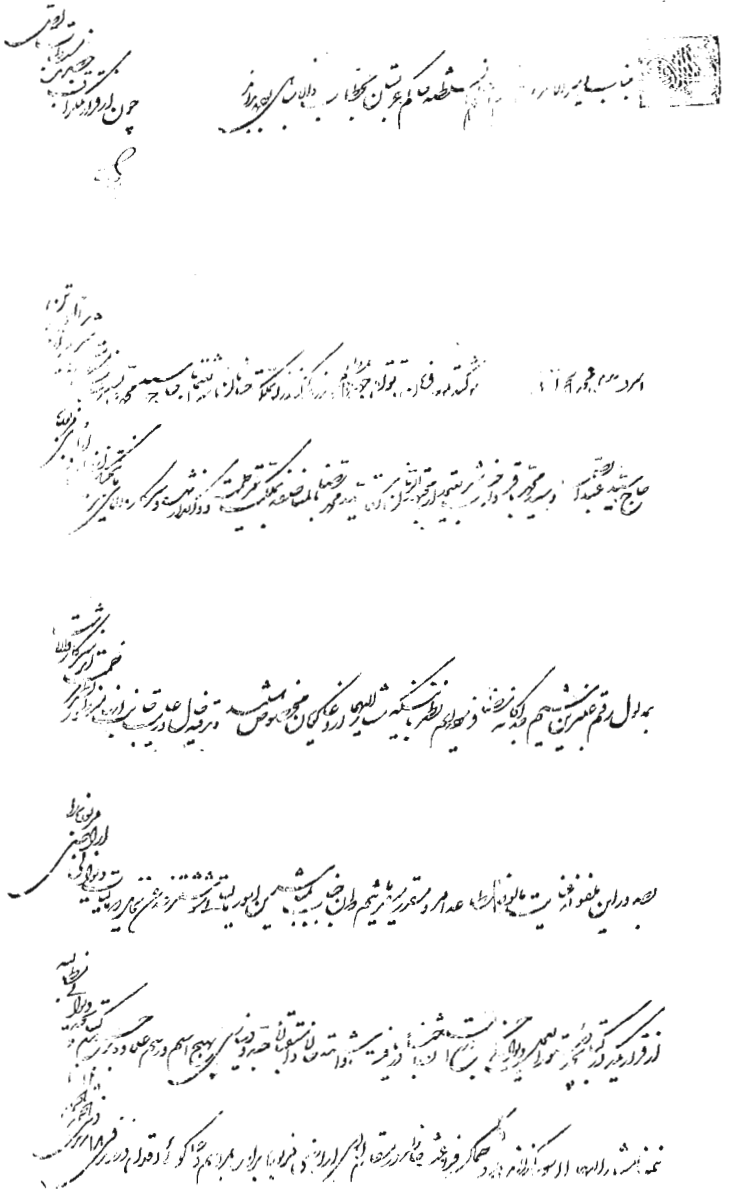

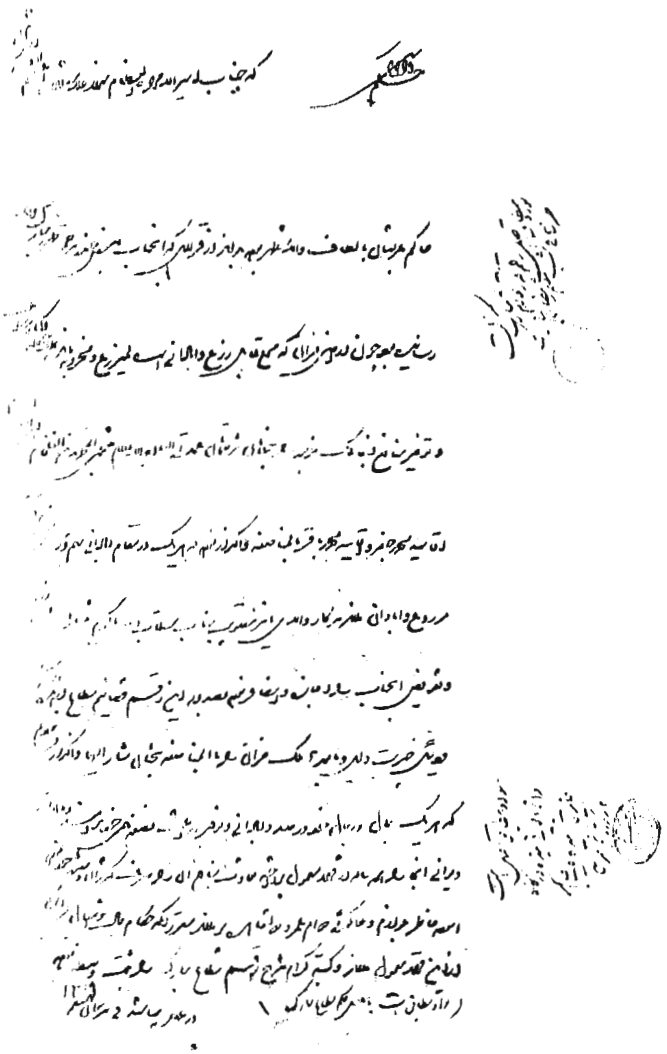

سیدجعفر ۹ در ربیع الاول (۱۳۹۰= تشخص) وفات کرد و در بهشت زهرا مدفون گردید، سه‌پسر از وی بجای ماند : سید سعید ۱۰ ، سید محمدباقر۱۰ ، سید اسماعیل۱۰ ،

سرهنگ سیداحمد ۹ متولد (۱۳۳۵) در تهران ، که طبق نامه‌مورخ (۲۹ــ ۲ــ ۱۳۵۵شمسی) که‌به‌اینجانب نوشته ، تحصیلات را تا دکترای علوم نظامی بپایان رسانیده و وارد ارتش شده ، مشاغل عمده‌را که‌عهده‌دار شده ، ریاست ستاد لشگر گرگان ، ریاست ستاد لشکر خوزستان ، در (۱۳۱۹ شمسی) بدرجه‌ستوان دومی مفتخر ودر (۱۳۴۵شمسی) با درجه سرهنگی بازنشسته شده‌وپس از بازنشستگی بلافاصله‌باسمت معاونت سازمان بسیج وآمادگی ملی در نخست وزیری مشغول کار شده ، وتاکنون در همان سازمان‌اشتغال‌دارد ودر (۱۳۳۹ شمسی) بمنظور بازدید از ارتش‌آمریکا به‌اروپا رفته ، ودارای دو پسر است : سیدمحمدرضا ۱۰ ، سید اللهیار ۱۰ ، که اولی در دانشکده‌پزشکی تهران ، سال ششم‌رامیگذراند ،ودومی در سال اول نظری مشغول تحصیل است ،

سیدمحمد ۹ بن سید محمدباقر ۸ در جوانی بسکته‌درگذشت ودر باغ طوطی جنب‌درصحن مطهر حضرت عبدالعظیم در شهر ری بخاک سپرده شد ، و یک پسر از وی یادگار بماند به نام سید محمود۱۰ ،

سیدمحمدتقی ۸ بن سید محمدرضا در (۱۳۴۸= حادثات روزگار) در شوشتر وفات کرد و در امامزاده عبدالله‌مدفون گردید ودو پسرباز نهاد : سید حسین۹ ناجی ، سیدمحسن ۹ علوی ،

سید حسین ۹ ناجی متولد (۱۳۱۳= بستان شکفت) کارمند شرکت‌نفت‌بودوبزبان‌انگلیسی آشنائی کامل داشت پس از آن به‌نجف اشرف مشرف گردیدودراوآخر عمر مجددا" بایران برگشت ، ودر تهران ساکن وبیمارشد تا (۸ــ شوال ــ۱۳۹۱= ختم قرآن)مرحوم ودربهشت زهرا مدفون‌گردید، و هشت پسر بجای نهاد : سیدمحمدتقی۱۰ ، سید ابراهیم۱۰ (سید علی) ، سیدمهدی۱۰ ، سیدرضا۱۰ (سید منصور) ، سیدمحسن۱۰ ، سید محمد جواد ۱۰ متولد (۱۳۷۶) ، سیدمحمدهادی۱۰ متولد (۱۳۷۸) ، سیدهاشم۱۰ متولد (۱۳۸۰) ،

سیدمحسن ۹علوی‌متولد (۱۳۱۵= باغ قریب) ومتوفی‌شب شنبه (۲ــ محرم ــ۱۳۹۷=تذکره یزدان) و مدفون در بهشت آباد اهواز دارای پنج پسر بود: سید محمدرضا۱۰ ،سیدمحمد جواد۱۰ ، سید محمد علی ۱۰ ، سید منصور ۱۰ ، سید مهدی ۱۰ ،

سید بزرگ ۸ بن سید محمدرضا که‌نام اصلی او سید حسین بود متولد (۱۲۹۶= تفویض) ، عالم فاضل ، تحصیلاتش در نجف اشرف‌بوده ودر (۱۳۳۶) با خانواده به شوشترمراجعت کرد * و امامت جماعت مینمود ، و آنمرحوم با مرحوم علامه‌حاجی سید محمد جعفر نیای نگارنده‌قسمتی از اراضی خران موسوم‌به (عرب سید حسن) را به‌شرکت سابق نفت

* (نقباء البشر: ۷۵۴)

ایران وانگلیس که‌از دولت علیه‌ایران امتیاز داشته‌اجاره‌داده‌که‌اجاره‌نامه‌آن به‌شماره ۲۷۷ مورخ ۳۰–۱۰–۱۳۰۳ شمسی = ۱۸–۶–۱۹۲۴ م = ۱۳۴۳ در دو صفحه بفارسی‌وانگلیسی در اهواز نوشته‌شده‌وبه‌امضاء ومهرآن دو و مهرمرحوم آقاسیدمحمدتقی برادر وی والکینگتن رئیس کل وقت‌شرکت نفت رسیده‌که‌کلیشه‌آن دیده‌میشود ،

TRANSLATION OF AGREEMENT BETWEEN
MESSRS ANGLO PERSIAN OIL COMPANY LTD.
and
AGHA SAYED MOHAMMED BAQIR
and
AGHA SAYED MUZURG.

The object of this agreement is as follows:-
Haji Mohammed Jafar Mujtahed of Shushtar on behalf of himself and on behalf of his relatives and heirs and Agha Sayed Muzurg on behalf of himself and on behalf of his partners and heirs of Sayed Mohammed Baqir hereby agree to lease to the Anglo Persian Oil Company Ltd. a plot of land known as Arab Sayed Hasan which is [illegible] by pillars and situated in Sharran on the banks of the Ab-i-Garger.
The total area is 15 6/10 acres of arable land and it has been leased to the Company for the residence of their staff, also 11 4/10 acres of arable land for a road 16500 feet long and [illegible] feet wide extending from Arab Sayed Hasan to [illegible].
The foregoing lands have been leased for a sum of £340/- (say Pounds Sterling Three Hundred & Forty only) from 1st January 1920 corresponding with
until the expiry of the Company's Concession with the Persian Government

مقصود از این قرارنامه آنکه جناب شریعتمدار
مجتهد الاسلام والمسلمین آقای حاجی سید محمد مجتهد دامت برکاته
از طرف خود و از جانب اقوام و وراث و جناب
شریعتمدار آقای آقا سید بزرگ از طرف خود و از جانب
شرکا و ورثه مرحوم آقا سید محمد باقر اجاره مجلس شرعیه
دادند بکمپانی نفت ایران و انگلیس یک قطعه زمین معروف
به عرب سیدحسن که با نشانه محدود شده واقعه
در قرآن در کامل آب گرگر —
مساحت آن پانزده جریب و هشت عشر زمین قابل زراعت
(جریب انگلیس) و بکمپانی برای مسکنت اجزایش اجاره
داده شد و همچنین یازده جریب و چهار عشر
(جریب انگلیس) از اراضی قابل زراعت برای جاده از
عرب سیدحسن تا هفتادکم که طول آن شانزده هزار و
پانصد فوت (۱۶۵۰۰) و عرض آن شش فوت است —
در اراضی فوق الذکر از غره جنوری ۱۹۲۰
مطابق
ریه [illegible]
امتیاز کمپانی با دولت علیه ایران بسیج
سیصد و چهل پونه اجاره داده شد —

صفحه اول قرار نامه

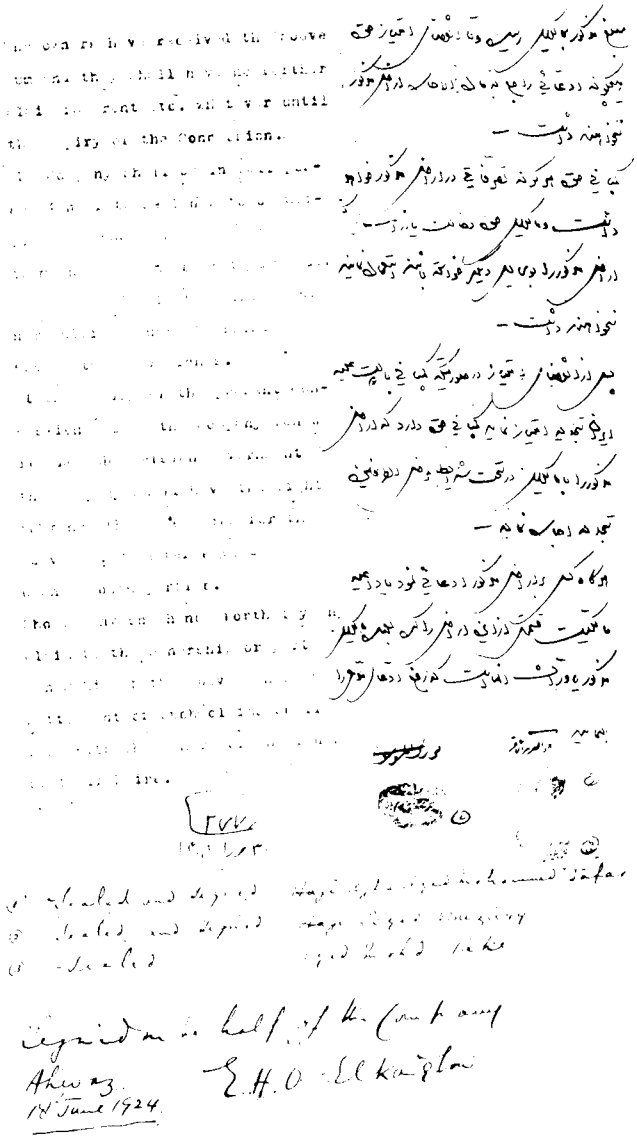

صفحه دوم قرار نامه

ومقصود شرکت ازاین‌قرارداد باراندازی برای‌کشتیهای‌خوددرمحل‌مزبوربوده .
مرحوم آقاسید بزرگ ۸ بعد از چندی به تهران رفته و در آنجا ساکن و در وفات نموده، جنازه را به نجف اشرف برده و در وادی السلام دفن نمودند ، یک پسر از ایشان مخلف شد سید نورالدین ۹ که نام‌اصلی او سید محمد رضا است ، در (۱۳۵۱) متولد، قسمتی از تحصیلات خود را در آلمان گذرانیده و اینک ساکن تهران است .
سید نجفی ۸بن سید محمدرضا متولد پنجشنبه (۹ــ شوال ــ۱۳۲۰) مدتی در نجف‌اشرف به‌تحصیل اشتغال داشت و از تلامذه مرحوم مشکینی بود ولی شوق به‌کسب وتجارت اورابه شغل واداشت و اخیرا" پس‌از مدتها سکونت در اهواز به‌تهران مهاجرت کرد ،واکنون‌امام جماعت یکی از مساجد پایتخت است ودو پسر دارد : سیدصدرالدین۹ ، سیدمحمدرضا ۹ سیدصدرالدین ۹ کارمند آموزش وپرورش و اکنون دارای یک پسر است سیدشهاب‌الدین۱۰ سیدمحمدرضا ۹ در یکی از ادارات تهران کار میکند ودارای پسری‌بنام‌سیدعلیرضا ۱۰است، واماسیدعلی‌اکبر۷ بن سیدحسین۶ ، عالم فاضل جلیل‌القدر ۰،متولد (۱۲۶۲=عنایت خالق) سالها در نجف به تحصیل اشتغال داشت و چون به شوشتر برگشت مورد رجـــوع اهالی بود و در مسجد دکان شمس‌امامت مینمود ، و در سال قحطی کتابهای خـــود را فروخته و صرف فقرا نمود* ۰ تا عاقبت در جمعه (۱۰ ــ شعبان ــ۱۳۴۶= غفار دیـان) درگذشت ، جنازه‌اش را به‌نجف برده‌وبخاک سپردند ، جمله (رفع فی الجنه مقامه بمحمد واله) ماده‌تاریخ وفات اواست ، اما در آن مسامحه‌ای است چه‌آنکه میزان درتاریخ ،کتابت حروف است نه‌تلفظ ، و در اینجا باید تاء جنت را که‌در عربی جنه بصورت‌هی‌نوشته‌میشود و مساوی (۵) است ، مطابق تلفظ ، تاء = (۴۰۰) منظور نمود که‌تاریخ مطلوب حاصل‌شود بهرحال آنمرحوم دو پسر داشت: سیدجواد۸ ، سیدمحمدحسین۸ نبوی ،
سید جواد ۸ به قفقاز افتاد و در حیات پدر بلاعقب درگذشت ،
دربوستان پیغمبر و شجره سید علاء مذکور نیست ،
سید محمدحسین ۸ نبوی ، متولد (۱۳۲۰) ، در بدو امر تحصیلاتی در حدود مقدمـات و قدری از منطق * داشته ، اما به آن ادامه نداده و وارد رشته کسب گردید ،
سالها پیش شائع شد که شجره‌ای برای سادات جزائری در دست تالیف دارد ، اما وقتی در(۱۳۸۹) بدیدن اینجانب آمد و آنرا ارائه داد دیدم همان شجره‌طیبه‌مرحوم‌امام‌است نهایت آنکه نـام بعضی از معاصران‌را بر آن افزوده ، پسران او.هفت‌نفربودندسید علی اکبر ۹ ، سید محمدعلی ۹ ، سید محمدکاظم۹ ۰ سید ابوالحسن ۹ ، سید ابراهیم ۹ ،سید محمدرضا ۹ ، سید محمدمهدی ۹ ،

---

* بوستان پیغمبر
** شجره طیبه

سیدعلی اکبر ۹ متولد(۱۳۴۹) ،در خرمشهر بتجارت اشتغال دارد ودارای سه پسر است :
سید محمدرضا ۱۰ ، سیدمحمود ۱۰ ، سیدمحسن ۱۰
سید محمد علی ۹ متولد (۱۳۵۱)،در اهواز بازرگان است و تاکنون یک پسر دارد: فرزاد ۱۰ متولد (۱۳۸۱)
سیدمحمدکاظم ۹متولد(۱۳۵۳) ساکن آمریکاشده ،سید ابوالحسن ۹ متولد (۱۳۵۴) رئیس شعبه مرکزی بانک سپه در اهواز و تاکنون دارای دو پسراست ؛ سید محمدرضا ۱۰ سید محمد حسین ۱۰ ،سیدابراهیم ۹ بجوانی درگذشت ودر علی بن مهزیار مدفون شد ،
سیدمحمدرضا ۹ اکنون در آمریکا مشغول تحصیل است ،
سید محمدمهدی ۹ نیز در آمریکا تحصیل میکند ،
و اما سید علی اصغر ۷ بن سید حسین ۶ متولد (۱۲۶۵= خدا ترس) عالم فاضل کامل پرهیزگار متواضع ، گشاده جبین طبعی لطیف ونفسی بسیار عفیف داشت *
تحصیلاتش در سامرانزد میرزای شیرازی ودر نجف اشرف بوده ، آنگاه بەشوشتر مراجعت و پس از چندی توقف مجددا" بەنجف اشرف بازگشت ، تا اینکه در (۱۳۴۸= فروغ نبی) در (ابوالخصیب) از توابع بصره وفات نمود ، جنازەاش را بەنجف برده در وادی السلام دفن نمودند ، سه پسر از وی مخلف گردید: سید حسین ۸ ، سید مهدی ۸ ، سیدکاظم ۸ ، سید حسین ۸ ملقب به (نجفی) ، فاضلی جلیل بود وبوسیله منبر ترویج شرع پیمبرمینمود تولدش درنجف اشرف (۱۶ــ رجب ــ۱۳۱۴= بصرەوبغداد)ودر همانجا به تحصیل علوم دینیه پرداخته بود ، سپس بەشوشتر رفتەبەامامت جماعتو وعظ مشغول بود ، تا آنکه در سەشنبه (صفر ــ ۱۳۷۷= غمگساردانا) درگذشت ، جنازەاش را بەنجف اشرف منتقل و در وادی السلام بخاک سپردند ،
پنج پسر از وی مخلف شد: سید محمد حسن ۹ سید عمادالدین ۹ سید محمدعلی ۹ سید علی اصغر ۹ سید محمد جواد ۹ ،
سید محمدحسن ۹ متولد (۱۳۴۰) کاسب مقیم اهواز دارای سه پسر است: سید محمود ۱۰ ، سید احمد ۱۰ ، سید محمدعلی ۱۰،
سید محمود ۱۰ پسر اکبرشتاکنون دو پسر دارد: سید رضا ۱۱ ، سید علی ۱۱ ،
سید عمادالدین ۹ موسوم به سید محمدرضا و معروف به سید عماد نیز کاسب واکنون ساکن تهران است ، پسرانش چهار نفر بودند:سیدمحمد ۱۰ ، سیدمصطفی ۱۰ ،سید مسعود ۱۰ ، بهمن ۱۰ ،
سید محمد ۱۰ که جوانی با استعداد و مؤدب بود برای تحصیل بەآمریکارفت امامتاءسفانه در ۱۷ سالگی در (۱۳۹۵) در اثر سانحەاتومبیل درگذشت جنازه را منتقل بەقم نمودند،

* بوستان پیغمبر

سید محمدعلی ۹ بن سید حسین ۸ سه پسر دارد: سیدوحید ۱۰ ،سیدفرید ۱۰ ،فرشید ۱۰

سید علی اصغر ۹ بن سید حسین ۸ تاکنون یک پسر دارد سید محمدحسین ۱۰ ،
سیدمحمدجواد ۹ بن سید حسین جوانی مؤدب است در دانشگاه تهران تحصیل میکند ،
سیدمهدی ۸ بن سید علی اصغر متوفی درجمعه (۲۴ــ شعبان ــ۱۳۸۰= فخذ) ومدفون در مسجدماشاءالله جنب مزار ابن بابویه ، دارای دو پسر بود: سید محمدطاهر ۹ ، سید محمد باقر ۹ ، سیدمحمدطاهر ۹ متولد (۱۳۵۹) کهتاکنون پسری ندارد ،
سیدمحمدباقر ۹ متولد (۱۳۶۳) که تاکنون یک پسر دارد فرزان ۱۰ نام ،
سیدکاظم ۸ بن سیدعلی اصغر کارمند شهربانی دزفول بود ودر (۱۳۹۲= انتظام) درگذشت و در دزفول مدفون شد وسه‌پسر از وی مخلف گردید:سید محمد ۹ ، سید حمید۹ ، سیدامیر ۹ ،
واما سیدابوالحسن ۷ بن سیدحسین ۶ عالمی فاضل و مدرسی واعظ بوده ،
دربوستان‌پیغمبر ،و شجره‌طیبه ، و(نقباءالبشر : ۳۶) و(هدیةالرازی : ۵۲) مذکوراست ، در شجره طیبه گوید (آنجناب از علمای معروف شوشتر بود ، مقدمات را درشوشتربدست آورده برای تکمیل بعراق رفت و مدتها در نجف از محضر حاج ملا احمد شبستری وآقاسید محمداصفهانی بهاخذ معقول ومنقول مشغول بود آنگاه بهسامره رفته‌تا (۱۳۱۱) در حوزه درس میرزای شیرازی داخل تاکامل شد) ،
تاریخ ولادتش (۱۲۷۵= ذات قدسی) بوده و مهاجرت او بهسامره قبل از(۱۳۰۰)انجام گرفته بطوریکه‌علامه‌تهرانی فرموده ، و در بوستان پیغمبر گوید (از جمله اعلام دیـــن و مروجین شریعت سید المرسلین ، پس از تحصیل‌مقدمات ودیدن سطوح به‌سامراءمشرف‌شده وشش سال از درس خارج میرزای بزرگ شیرازی ودرس‌علامه‌آقاسیدمحمدطباطبائی اصفهانی استفاده نموده پس از آن به‌شوشتر معاودت ، در منطق ید طولائی داشته‌نگارنده قدری از شرح مطالع را خدمت ایشان خوانده،در مسجد معروف دو خواهران امامت داشته ،مردم در نماز جماعت ایشان حاضر ، منبر تشریف برده موعظه وارشاد مینمود ، وبا وجودکبرسن به مدرسه علمیه‌جداعلی تشریف آورده‌تدریس مینمود) ،
نگارنده گوید آنمرحوم یادداشتهای متفرقه‌در فقه‌واصول داشته‌که‌از بین رفته ، وفهـرسی برای تفسیر کبیر فخر رازی که در هشت جلد در مصر چاپ شده نوشته ، و هر آیه را معین کرده که در کدام صفحه‌است ،بدین ترتیب که‌چندین صفحه را ستون بندی کرده یکی برای آیات ودیگری برای صفحات ، و این کار رنج زیادی داشته‌اما قلیل الجدوی است ،ونظیر او را اما بافائده بیشتر یکی از معاصران انجام داده ،

وی‌مرحوم عالم جلیل سیدحسین بن‌سیدحسن لاری‌معصومی مقیم کرمانشاه متوفی (۱۳۷۴) است‌که کشف الآیاتی بنام (مفتاح التفاسیر) دارد در (۱۳۷۳) چاپ شده وآیات‌رامطابق حروف تهجی که سهل التناول باشد نوشته ، و در مقابل هر آیه شماره وسوره‌ومحل تفسیر آنرا از نه تفسیر معتبر که از آنجمله تبیان شیخ و مجمع البیان طبرسی ، و ابوالفتوح رازی و همین تفسیر کبیر است معین کرده ، که با مراجعه بآن ، محل تفسیر آیه از تفاسیرمذکوره معلوم میشود ،

وفات مرحوم آقا سید ابوالحسن ۷ شب چهارشنبه (سلخ ج ۲ ــ ۱۳۵۰ = مقتضی)واقع گردیده بطوریکه بخط فرزندش در پشت نسخه‌ای از شرح مطالع‌الانواردیدم ، در بوستان پیغمبر اوائل رجب نوشته که‌اشتباه است ، و افزوده (در تشییع جنازه ایشان ازدحام زیاد و سینه‌زن وعلم وبیرق و قاری قرآن و نوحه خوان بود ، چسد ایشان به‌بقعه سید حسین آورده شد بعد از انجام تشریفات به‌امانت سپرده که آنرا به‌نجف‌اشرف‌ببرند ، پس از یکسال بواسطه مسدود شدن راه عتبات آنرا نزدیک صفه عقب بقعه سید حسین‌دفن نمودند) انتهی

ودر پشت کتاب مذکور سه مرثیه برای آنمرحوم ثبت شده مطلع یکی

بازازآه درون واشک چشم مردمان　　شد زمین دریای آب و کوره نار آسمان

مرثیه دیگر

بازاز جفای گردش این چرخ کج مدار　　داغی رسید بر دل ابناء روزگار
دانی چه شد بعالم و کی رفت از میان　　آن کس که بدسرآمد مخلوق کردگار
دست اجل ربود کسی را که در جهان　　اعلم بدی و اورع واتقی در اشتهار
نائب مناب حجة حق پور بوالحسن　　کز نعمت وجودویش داشت افتخار
مخزون بسینه داشت‌علومی‌و عقل ونقل　　قدرت بشرح آن نتوانم یک از هزار
گردید منهدم همه ارکان شرع دین　　سیف‌اللسان‌وی بدی چون‌تیغ ذوالفقار
بدر رخش در آب کفن گشت منخسف　　دیدار منجلی نتوان تاصف شمار
سید بزرگ ارشد اولاد او ز غم　　قدش کمان ودیده‌اش ازاشک‌جویبار
سید حسن ز مرگ پدر دست غم‌بسر　　آهش برون ز حد سرشکش چه‌بیشمار
آقای فخر ملت و دین در عزای باب　　بر تن دریده پیرهن صبر و اختیار
روز و شبان ز فرقت باب گرامیش　　از نور سینه آه ز چشمانش اشکبار
سید محسن از مغارقت باب ماجدش　　نه صبر مانده هیچ بدل نی بتن‌قرار
سادات موسوی همه از کوچک‌وبزرگ　　ریزان ز دیده اشک چه باران‌نوبهار
گرد الم نشسته به دلهای مردمان　　خاصه‌کسی‌که‌مسکن‌اوبوده‌این‌دیارالخ

از مرحوم سید ابوالحسن ۷ چهار پسر مخلف گردید : سید بزرگ ۸ ، سید حسن ۸ ، سید

فخرالدین ۸، سید محسن ۸، که لقب آنان (آل محمد) است
سید بزرگ ۸ آل محمد نامش سید جواد * ولی بآن معروف نبوده، تولدش (۱۳۱۴= صورتی خوب) دارای اخلاق فاضله، تحصیلاتش خدمت والد بزرگوارش، و در شوشتر امامت جماعت داشته بعدا ساکن اهواز گردیده** تا اینکه در (۱۳۷۲=غمگساران) درگذشت و در علی بن مهزیار مدفون شد و شش پسر مخلف نمود
سیدمحمدحسین ۹، سیدمحمدطاهر ۹، سیدمرتضی ۹، سیدمصطفی ۹، سیدجعفر ۹، سیدداور ۹،

سیدمحمدحسین ۹متولد (۲ـ شعبان ـ۱۳۳۹) مقیم خرمشهر، نیکوسیرت و وارسته وشغل آزاد دارد ودارای سه پسر است: سید جمال ۱۰، سید محمدرضا ۱۰، سید احمد ۱۰،
سیدجمال ۱۰ نام اصلی او ابوالحسن ودکتر داروساز است متولد (۱۳۶۲) مقیم تهران است،
سیدمحمدرضا ۱۰ متولد (۱۳۶۵) اکنون در آمریکامشغول تحصیل است،
سیداحمد ۱۰ متولد (۱۳۶۷) در دانشگاه پاریس در رشته جامعه شناسی مشغول میباشد،
سید محمدطاهر ۹ مقیم اهواز، مردی خوش اخلاق است، تولدش در (۱۳۴۳) بوده وهفت پسر دارد:
سیدمحمود ۱۰، سیدابوالحسن ۱۰، سیدمجتبی ۱۰، سیدعباس ۱۰، سیدعلیرضا ۱۰، سید محمدباقر ۱۰، سیدمحمدصادق ۱۰،
سید مرتضی ۹ دارای سه پسر است: سیدابوالحسن ۱۰، سیدکمال ۱۰، سید رضا ۱۰،
سیدمصطفی ۹تاکنون دو پسر دارد: سیدمحمد ۱۰، سید علی ۱۰،
سید جعفر ۹ دکتر در طب است واوهم تاکنون دو پسر دارد: سید امیرمحمد ۱۰، سید امید ۱۰،
سید داور ۹ متولد (۱۳۵۴) تحصیلات دانشگاهی در فیلیپین داشته و درجه فوق‌لیسانس در ادبیات انگلیسی از دانشگاه آنجا دارد و اکنون در اهواز در دانشکده ادبیات تدریس میکندوگاهی مقالاتی ازوی در روزنامه‌های کثیرالانتشارمنتشرمیشود وتاکنون پسری‌ندارد،
وسید حسن ۸ آل محمد متولد (۱۳۲۰) صاحب دفتر ازدواج در مسجدسلیمان بود اخیرا" به‌اهواز منتقل شده و دارای نه پسر است:
سیدمحمدتقی ۹، سیدکاظم ۹، سیدصادق ۹، سیدطاهر ۹ متولد (۱۳۶۶)، سیدنورالدین ۹ متولد (۱۳۷۰)، سید احمد ۹ متولد (۱۳۷۲)، سید جمال ۹، سید کمال ۹،
سید محمدتقی ۹ پسر اکبر وی متولد (۱۳۴۴) کارمند شرکت نفت در تهران، ومتخلق به اخلاق حسنه و دارای چهار پسر است:

---

* شجره طیبه
** بوستان پیغمبر

سید محمد ۱۰ ، سید ابوالحسن ۱۰ ، سید محمدرضا ۱۰ ، سید جلال ۱۰ ،
سیدکاظم ۹ متولد (۱۳۵۰) نیزدارای چهار پسراست : سید صدرالدین ۱۰ ، سید نظام الدین ۱۰ ، سید شمس الدین ۱۰ ، سید نجم الدین ۱۰ ،
سید علی اکبر ۹ متولد (۱۳۵۷) تاکنون یک پسر دارد هومن ۱۰ ،
سید صادق ۹ متولد (۱۳۶۲) مشاور حقوقی سازمان آب وبرق خوزستان و وکیل دادگستری در اهواز است ،
وسید فخرالدین ۸ آل محمد متولد (۱۳۲۲= پسرغنی) در شوشتر ،مردی‌فاضل‌وخوش‌بیان بود ، مقدمات وسطوح را نزد مرحوم والد بزرگوارش وغیرایشان دیده‌وساکن مسجد سلیمان بود ، و بوسیله منبر ترویج دین مبین مینمود وبه‌رتق وفتق امور اشتغال داشت ،
وفاتش یک شنبه (۸ــ صیام ــ۱۳۸۷= غالب شدن) و مدفنش در دالان مسجد آنشهر است، روزنامه اطلاعات مورخ (۱۱ــ۱۰ــ۱۳۴۶ شمسی) به مناسبت درگذشت وی ،عکسوشرح حال او را چاپ کرده بدین مضمون:که پس از تحصیل مقدمات در شوشتر بدزفول رفت ودردرس مرحوم آیة اللهحاج شیخ محمدرضای معزی (۸) حاضر گردید ، آنگاه به‌نجف اشرف مشرف و چندی از مراجع عالیقدر کسب فیض نمود وسرانجام بمنظور نشر احکام شریعت‌محمدی‌در مسجدسلیمان رحل اقامت افکند ، فقید سعید که‌ازوعاظ طراز اول و مورد توجه خاص وعام بود در طول سی سال اقامت خود در مسجدسلیمان خدماتی به‌مردم این شهر وعالم‌اسلام نمود ، و چندین نفر در محضر ایشان‌بدین‌مبین اسلام مشرف شدند ، رجال و عموم‌طبقات درتشییع وی‌شرکت‌کردندوبازارمسجدسلیمان‌بصورت نیمه‌تعطیل‌درآمدانتهی ،شش پسرازوی بجای‌ماند سید محمد۹ ، سید مهدی۹ ، سید عباس ۹ ، سید حسین۹ ،متولد (۶ــ محرم ــ ۱۳۶۵) ،سید محمود ۹ متولد (۱۳۷۱) ،سید ابوالقاسم ۹ معروف به‌منصور متولد (۱۳۷۶)، سیدمحمد۹ پسر اکبر وی متولد (۱۷ــ ع ۱ــ۱۳۴۶) کارمند شرکت نفت دراهواز و با اخلاق است ، چهار پسر دارد: سیدمحمد سعید ۱۰ متولد (۹ــ ع ۱ــ۱۳۷۴) ،سیدمحمدمسعود ۱۰ متولد (۹ــ صفرــ۱۳۷۷) ، سیدمحمدعلی ۱۰ متولد (۲۲ــ ذح ــ۱۳۸۳) ، سیدمحمد هادی ۱۰ متولد (۱۲ــ ع ۲ــ۱۳۸۶) ،
سیدمهدی ۹ متولد (۲۸ــ صفر ــ۱۳۵۳) دارای دفتر ثبت اسناد در مسجدسلیمان ودارای چهار پسر است : سیدمسعود۱۰ ، سیدضیاءالدین ۱۰ ،سید ناصر۱۰ ، سید نادر ۱۰ ،
سید عباس ۹ متولد (۶ــ شوال ــ۱۳۶۲) ، تاکنون یک پسر دارد: سید علیرضا ۱۰ ،
وسید محسن ۸ آل محمد متولد (۱۳۲۴= مرغان بلا) و متوفی (۱۲ــ صیام ــ۱۳۸۴=مرغان چمن) و مدفون در شوشتر در بقعه سید حسین نزدیک قبر پدر ، چهار پسر دارا شد:
سیدمجتبی ۹ ، سید مجید ۹ ، سید محمدرضا ۹ ، سید جمال ۹ ،
سید مجتبی ۹ متولد (۱۳۵۲) دارای دفتر ازدواج و کارمند اداره‌آموزش وپرورش در اهواز

است ودارای سه پسر است : سیدمحمدحسین ۱۰ متولد (۱۳۷۹) ، سیدمهدی۱۰ متولد (۱۳۸۱) سیدابوالحسن۱۰ متولد (۱۳۸۳) ، سید مجید ۹ متولد (۱۳۵۹) کارمندآموزش‌و پرورش اهواز و تاکنون یک پسر دارد سید امین ۱۰ ، متولد (۱۳۹۶) ،
سیدمحمدرضا۹ متولد (۱۳۶۴) کارمند شرکت ملی گاز در میان کوه است وفعلا "دوپسردارد :
سیروس ۱۰ متولد (۱۳۹۲) سید محسن ۱۰ متولد (۱۳۹۴) ،
سیدجمال ۹ متولد (۱۳۷۴) محصل کلاس ششم دبیرستان رشته طبیعی است ،

آقای سیداحمد
(سرهنگ جزایری)

آقای سیدنجفی نجفی

آقای سیدصدرالدین نجفی

آقای سیدمحمدرضا نجفی

آقای سیدمحمدطاهرجزایری

آقای سیدمحمدحسین آل محمد

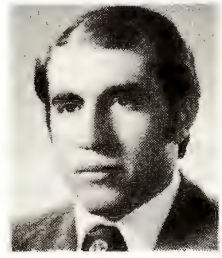
دکترسیدجمال آل محمد

آقای سیدمجمدرضاآل محمد

آقای سیداحمد آل محمد

آقای سید مجمد طاهر آل محمد

آقای سید مرتضی آل محمد

دکتر سید محمد جعفر آل محمد

آقای سید داور آل محمد

مرحوم آقای سید فخرالدین آل محمد

مرحوم آقا سید محسن آل محمد

مسجد جامع شوشتر

نمائی از مسجد جامع شوشتر

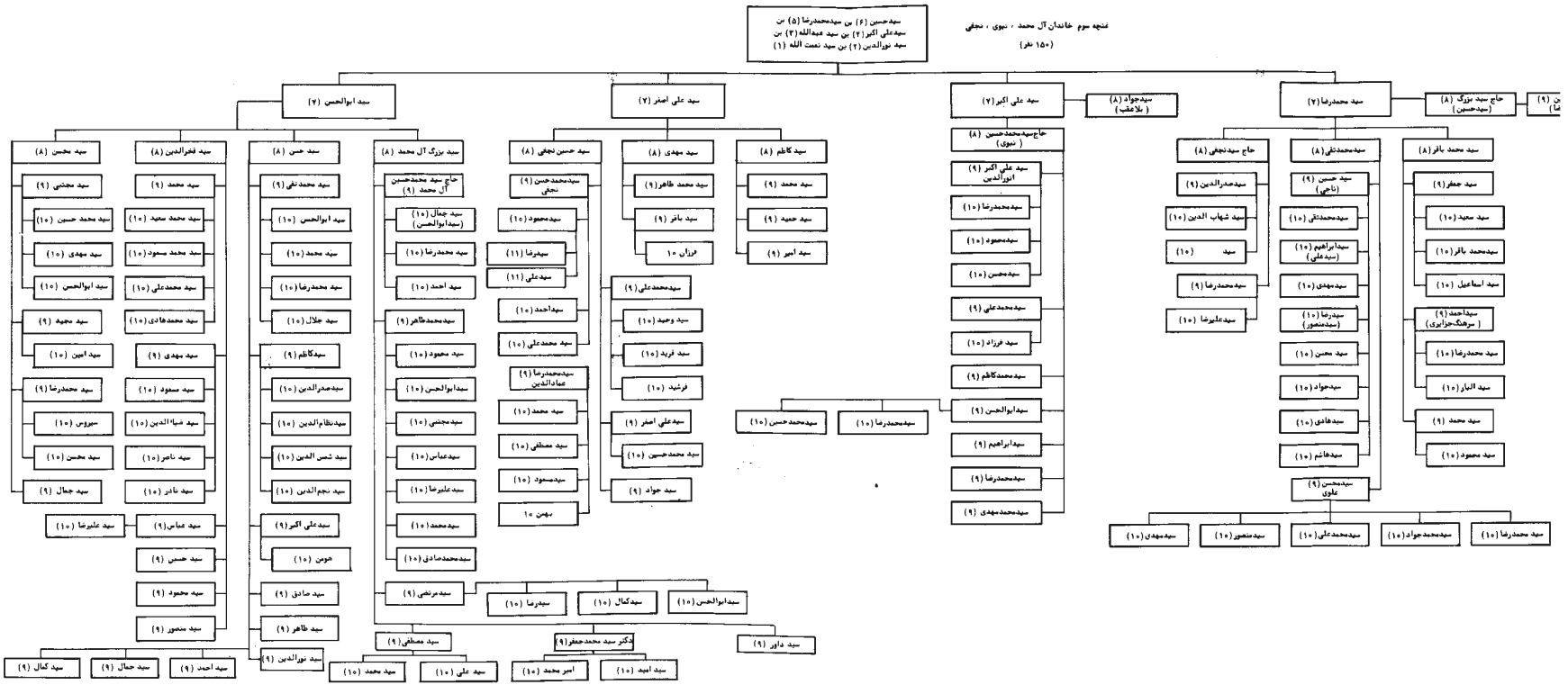
غنجه سوم خاندان آل محمد ، نبوی ، نجفی
(۱۵۰ نفر)
سیدحسین (۶) بن سیدمحمدرضا (۵) بن
سیدعلی اکبر (۴) بن سید عبدالله (۳) بن
سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید ابوالحسن (۷)
سید علی اصغر (۷)
سید علی اکبر (۷)
سیدجواد (۸) (بلاغب)
سید محمدرضا (۷)
حاج سید بزرگ (۸) (سیدحسین)
سید محسن (۸)
سید فخرالدین (۸)
سید حسن (۸)
سید بزرگ آل محمد (۸)
سید حسن نجفی (۸)
سید مهدی (۸)
سید کاظم (۸)
حاج سیدمحمدحسین (۸) (نبوی)
حاج سیدنجفی (۸)
سیدمحمدتقی (۸)
سید محمد باقر (۸)
سید مجتبی (۹)
سید محمد (۹)
سید محمد تقی (۹)
حاج سید محمدحسین آل محمد (۹)
سیدمحمدحسن نجفی (۹)
سید محمد طاهر (۹)
سید محمد (۹)
سید حمید (۹)
سید امیر (۹)
سید حسن (۹) (ناجی)
سید جعفر (۹)
سید محمد (۹)
سید محمد حسین (۱۰)
سید محمد سعید (۱۰)
سید محمد مسعود (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید ابوالحسن (۱۰)
سید محمدعلی (۱۰)
سید محمدهادی (۱۰)
سید جمیله (۹)
سید امین (۱۰)
سید محمدرضا (۹)
سیروس (۱۰)
سید محسن (۱۰)
سید جمال (۹)
سید علیرضا (۱۰)
سید مهدی (۹)
سید مسعود (۱۰)
سید ضیاءالدین (۱۰)
سید ناصر (۱۰)
سید نادر (۱۰)
سید عباس (۹)
سید حسنی (۹)
سید محمود (۹)
سید منصور (۹)
سید محمد تقی (۱۰)
سید ابوالحسن (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید محمدرضا (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سید جلال (۱۰)
سیدکاظم (۹)
سیدصدرالدین (۱۰)
سیدنظام الدین (۱۰)
سید شمس الدین (۱۰)
سید نجم الدین (۱۰)
سیدعلی اکبر (۹)
حسین (۱۰)
سید صادق (۹)
سید طاهر (۹)
سید نورالدین (۹)
سید جمال (۱۰) (سیدابوالحسن)
سید محمدرضا (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سیدمحمدطاهر (۹)
سید محمود (۱۰)
سیدابوالحسن (۱۰)
سید مجتبی (۱۰)
سید عباس (۱۰)
سید علیرضا (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سیدمحمدصادق (۱۰)
سیدمرتضی (۹)
سیدرضا (۱۰)
سیدکمال (۱۰)
سیدابوالحسن (۱۰)
سیدمحمود (۱۰)
سیدرضا (۱۱)
سیدعلی (۱۱)
سیداحمد (۱۰)
سید محمدعلی (۱۰)
سیدمحمدرضا (۹) عمادالدین
سید محمد (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سیدمسعود (۱۰)
بهمن ۱۰
سید محمدعلی (۹)
سید وحید (۱۰)
سید فرید (۱۰)
فرشید (۱۰)
سید علی اصغر (۹)
سید محمدحسین (۱۰)
سید جواد (۹)
فرزان ۱۰
سیدمحمدحسن (۱۰)
سیدمحمدرضا (۱۰)
سیدمحمود (۱۰)
سیدمحسن (۱۰)
سیدمحمدعلی (۹)
سید فرزاد (۱۰)
سیدمحمدکاظم (۹)
سیدابوالحسن (۹)
سیدابراهیم (۹)
سیدمحمدرضا (۹)
سیدمحمدمهدی (۹)
حاج سیدصدرالدین (۹)
سید شهاب الدین (۱۰)
سید (۱۰)
سیدمحمدرضا (۹)
سیدعلیرضا (۱۰)
سیدمحمدتقی (۱۰)
سیدابراهیم (۱۰) (سیدعلی)
سیدمهدی (۱۰)
سیدرضا (۱۰) (سیدمنصور)
سید محسن (۱۰)
سیدجواد (۱۰)
سیدهادی (۱۰)
سیدهاشم (۱۰)
سیدمحسن (۹) علوی
سید جعفر (۹)
سید سعید (۱۰)
سیدمحمد باقر (۱۰)
سید اسماعیل (۱۰)
سیداحمد (۹) (سرهنگ جزایری)
سید محمدرضا (۱۰)
سید الیار (۱۰)
سید محمد (۹)
سید محمود (۱۰)
سید مهدی (۱۰)
سید منصور (۱۰)
سیدمحمدعلی (۱۰)
سیدمحمدجواد (۱۰)
سید محمدرضا (۱۰)
سید کمال (۹)
سید جمال (۹)
سید احمد (۹)
سید مصطفی (۹)
سید محمد (۱۰)
سید علی (۱۰)
دکتر سید محمدجعفر (۹)
امیر محمد (۱۰)
سید امید (۱۰)
سید داور (۹)

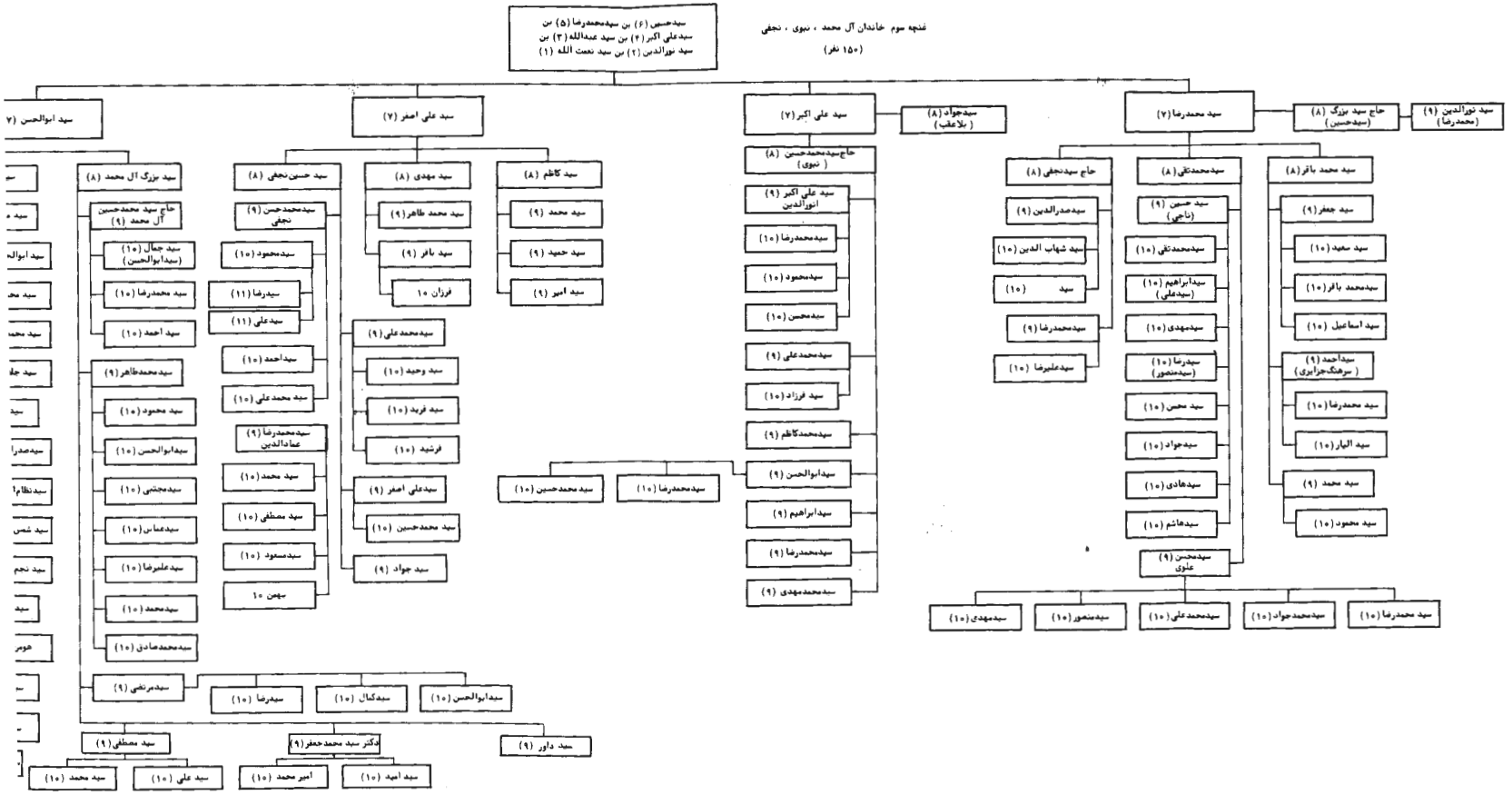
سیدحسین (۶) بن سیدمحمدرضا (۵) بن
سیدعلی اکبر (۴) بن سید عبدالله (۳) بن
سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
غنچه سوم خاندان آل محمد ، نیوی ، نجفی
(۱۵۰ نفر)
سید ابوالحسن (۷)
سید علی اصغر (۷)
سید علی اکبر (۷)
سیدجواد (۸) (بلاعقب)
سید محمدرضا (۷)
حاج سید بزرگ (۸) (سیدحسین)
سید نورالدین (۹) (محمدرضا)
سید بزرگ آل محمد (۸)
حاج سید محمدحسین آل محمد (۹)
سید جمال (۱۰) (سیدابوالحسن)
سید محمدرضا (۱۰)
سید احمد (۱۰)
سیدمحمدطاهر (۹)
سید محمود (۱۰)
سیدابوالحسن (۱۰)
سیدمجتبی (۱۰)
سیدعمار (۱۰)
سیدعلمرضا (۱۰)
سیدمحمد (۱۰)
سیدمحمدصادق (۱۰)
سیدمرتضی (۹)
سیدرضا (۱۰)
سیدکمال (۱۰)
سیدابوالحسن (۱۰)
سید مصطفی (۹)
سید محمد (۱۰)
سید علی (۱۰)
دکتر سید محمدجعفر (۹)
امیر محمد (۱۰)
سید امید (۱۰)
سید داور (۹)
سید حسین نجفی (۸)
سیدمحمدحسن نجفی (۹)
سیدمحمود (۱۰)
سیدرضا (۱۱)
سیدعلی (۱۱)
سیداحمد (۱۰)
سید محمد علی (۱۰)
سیدمحمدرضا (۹) عمادالدین
سید محمد (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سیدمسعود (۱۰)
بهمن ۱۰
سید مهدی (۸)
سید محمد طاهر (۹)
سید باقر (۹)
فرزان ۱۰
سید کاظم (۸)
سید محمد (۹)
سید حمید (۹)
سید امیر (۹)
سیدمحمدعلی (۹)
سید وحید (۱۰)
سید فرید (۱۰)
فرشید (۱۰)
سیدعلی اصغر (۹)
سید محمدحسین (۱۰)
سید جواد (۹)
حاج سیدمحمدحسین (۸) (نیوی)
سید علی اکبر (۹) انورالدین
سیدمحمدرضا (۱۰)
سیدمحمود (۱۰)
سیدمحسن (۱۰)
سیدمحمدعلی (۹)
سید فرزاد (۱۰)
سیدمحمدکاظم (۹)
سیدابوالحسن (۹)
سیدابراهیم (۹)
سیدمحمدرضا (۹)
سیدمحمدمهدی (۹)
سیدمحمدحسین (۱۰)
سیدمحمدرضا (۱۰)
حاج سیدنجفی (۸)
سیدصدرالدین (۹)
سیدشهاب الدین (۱۰)
سید (۱۰)
سیدمحمدرضا (۹)
سیدعلیرضا (۱۰)
سیدمحمدتقی (۸)
سید حسین (۹) (ناجی)
سیدمحمدتقی (۱۰)
سیدابراهیم (۱۰) (سیدعلی)
سیدمهدی (۱۰)
سیدرضا (۱۰) (سیدمنصور)
سید محسن (۱۰)
سیدجواد (۱۰)
سیدهادی (۱۰)
سیدهاشم (۱۰)
سیدمحسن (۹) علوی
سیدمهدی (۱۰)
سیدمنصور (۱۰)
سیدمحمدعلی (۱۰)
سیدمحمدجواد (۱۰)
سیدمحمدرضا (۱۰)
سید محمد باقر (۸)
سید جعفر (۹)
سید سعید (۱۰)
سیدمحمد باقر (۱۰)
سید اسماعیل (۱۰)
سیداحمد (۹) (سرهنگ جزایری)
سیدمحمدرضا (۱۰)
سید الیار (۱۰)
سید محمد (۹)
سید محمود (۱۰)

شکوفه دهم

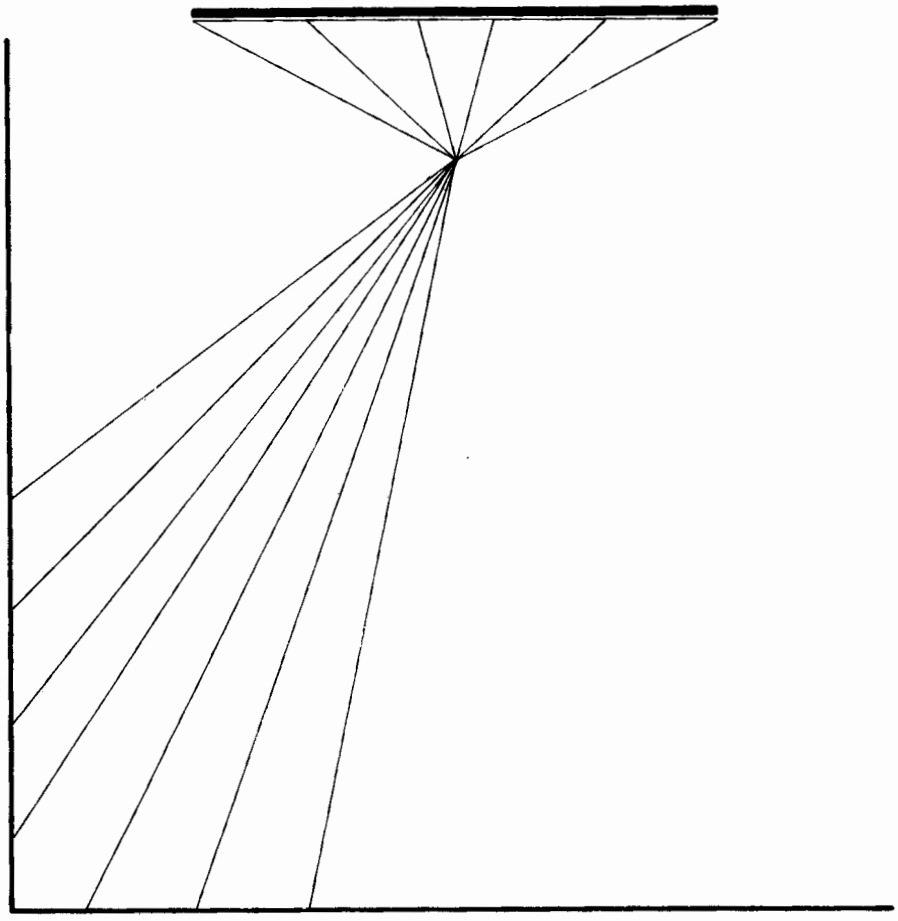

* شکوفه دهم *

خاندان جزائری ، جزایری شوشتری، شوشتری ، طلاچی ، موسوی ، موسوی زاده
سید عبدالله۵ بن (سید علی اکبر ۴ مذکور در شاخه اول *) که از تاریخ ولادت و وفات وباقی حالات وی اطلاعی در دست نیست دارای دو پسر بوده : سیدعلی اکبر ۶ ، سید محمدعلی ۶ ،

سیدعلی اکبر ۶ که در شجره نوریه مذکور ودر شجره طیبه غیرمذکور است ،اولاد ذکورازاو مخلف نشد .**

سید محمدعلی۶ ازعلمای معروف‌تهران درعصر ناصرالدین شاه بود ، و در (المآثروالآثار: ۱۵۹) که علمای آندوره را نوشته چنین مذکور است (آقاسید محمدعلی ششتری از اولاد مرحوم سید نعمة الله جزائری رحمة الله علیه میباشد و ازسالها در تهران‌محل وثوق عامه مردم بود در (۲۳ــ ذح ــ۱۳۰۶ درگذشت)

در بوستان پیغمبر ، و (تتمه‌نجوم السماء ۲ : ۱۱۲) و (زندگانی و شخصیت شیخ انصاری : ۲۸۸) وشجره طیبه و (نقباء البشر ۴ : ۱۴۷۲) هم ترجمه شده و تفصیل آنها با اطلاعات خارجی دیگر آنستکه وی معروف به میرسید محمدعلی بوده و کلمه (میر) را احفادش‌همواره قبل از نام‌او میآورند ،تولدش در (۱۲۲۵) یا (۱۲۳۰) ، و نخستین کسی است از فامیل جزائری که به‌تهران مهاجرت کرد و در آنجا متوطن شد *** و ازاجله‌علماء دین‌واعاظم مروجان شریعت مطهره سیدالمرسلین صلی الله علیه وآله بوده ،

مقدمات را در شوشتر بدست آورد انگاه به‌نجف اشرف مشرف ، و فقه واصول را از محضر صاحب جواهر وشیخ انصاری علیهما الرحمه استفاده فرمود وازایشان اجازه‌اجتهادتحصیل نمود **** ، چون به‌شوشتر برگشت شوق زیارت ارض اقدس رضوی اش به‌سر افتاد و در (۱۲۸۲) رهسپار خراسان شد ، در مراجعت از خراسان بخواهش بعضی از اهالی تهران‌و به‌اصرار حاج ملاعلی کنی شخص اول علمی پایتخت که‌ازنجف اشرف باایشان‌سوابق‌دوستی وآشنائی داشت درآنجا توطن نمود ودر مسجد عباس‌آباد واقع دراول بازار تهران اقامه جماعت میفرمود ،

---

* صفحه ۳۱۸

** بوستان پیغمبر

*** معلوم باشد که سادات جزائری که‌از قدیم ساکن تهرانشده دو تیره اند تیره اول که‌احفاد صاحب عنوان فوق هستند و در این شکوفه مذکوراند ،
تیره دوم احفاد مرحوم سید مصطفی ۵ بن سید اسماعیل ۴ بن سید مرتضی ۳ بن سید نورالدین ۲ بن سید نعمه الله ۱ معروف به عون ، وعون جزائری ، و نریمان ، که در (شاخه چهارم)مذکورخواهندشد ،

**** اجازه اجتهاد از شیخ انصاری که در این زمینه احتیاط و وسواس بسیار بخرج میداده و جزء عده‌ای انگشت شمار از وی اجازه دریافت نکرده‌اند امتیازی بزرگ برای صاحب عنوان است ،

شخصی دائم‌الذکر و مردی الهی بود واز کثرت تقوی آنچه باواصرارکردندکه‌مرجع مرافعات ومخاصمات باشد قبول نفرمود بطوریکه نوه‌اش مرحوم حاج سید فخرالدین به‌ما اظهارنمود، اما در شجره طیبه‌است (که آن عالیجناب در سالهای اولین ، در ترافع وفصل خصومات دخالت مینمود و اخیرا " آنرا موقوف فرمود و حاشیه‌ای بر قوانین دارد) انتهی ،

وشنیدم وقت احتضار به‌اولاد خود گفته‌است که‌من با مهاجرت‌از شوشتر به تهران ، بر شما منتی بزرگ‌دارم چه اگر در شوشتر میماندید جز مشتی سید محروم ازمواهب‌زندگی‌نبودید، واقعا " راست فرموده‌چه‌آنکه‌شوشتر باوضع رقت باری که‌دارد با تهران‌باآن عظمت‌وپیشرفت قابل مقایسه نیست ، وفات آنجناب بطوریکه گذشت در (۲۳ــ ذح ــ۱۳۰۶= مشمول فیض) بوده ودر مقبره ابی الفتوح رازی مفسر مشهور در مشهد عبدالعظیم شهری * بخاک سپرده شد

در بوستان پیغمبر (۱۳ ذی‌الحجه) نوشته که‌اشتباه‌است ، شش پسر از وی بعمل آمد :

سیدمحمدکاظم ۷ ، سیدعبدالله۷ ، سید حسن۷ ، حاج سید محمد۷ ، حاج سیدعلی ۷ ، سید حسین ۷ ، سیدمحمدکاظم ۷ فرزند ارشد ایشان در(۱۲۴۵= باغ ارام) متولد و در حدود (۱۳۰۲= اختراق) در حیات پدر درگذشت ، سالها در شوشتر و نجف اشرف به‌تحصیل فضل اشتغال داشت ، و از او دو پسر مخلف شد : حاج سیدمحمدحسین ۸ ، سید تقی ۸ ، معروف به سید بزرگ ،

حاج سید محمدحسین ۸ بن‌سید محمدکاظم سیدی فاضل ،متولد (۱۲۸۰= میرحسین‌ثابت) تحصیلاتش در طهران و نجف و سامرا بود ، در طهران نزد مرحوم آقاسیدعلی‌اکبرتفرشی ودرنجف از محضر فاضل شربیانی وعلامه مامقانی استفاده نمود بعدا به‌طهران مراجعت ، از علماء طراز اول و مراجع آنجا بود ،

وفاتش شب (۲۴ــ رجب ــ۱۳۴۱= حور وغلمان) مدفنش در جوار حضرت عبدالعظیم‌مقبره ابوالفتوح رازی است **

هفت پسر از وی مخلف شد :سیدعلی اکبر۹ ، سیدعلی‌اصغر۹ ، سیدعبدالکریم ۹ ، سید مهدی ۹ ، سید محمدرضا۹ ، سید عباس ۹ ، سید مرتضی ۹ ،

سیدعلی اکبر ۹ بن سیدمحمدحسین ۸ ملقب‌به‌طلاچی ، درتهران زرگر است ، تولدش‌در (۱۳۱۲) بوده‌واکنون‌معمرترین‌سادات جزائری تهران میباشد ، یک پسر از او بنام: سیدشمس الدین ۱۰ ، در (۱۳۳۴= فروغ کوکب)متولدودر(۱۳۹۰= فضیلت حسب) وفات نمود و در امامزاده عبدالله شهر ری مدفون گردید ، و پنج پسر بجای نهاد : سید محمد

* واقع در قسمت شمالی صحن امامزاده حمزه و در ورودی آن در صحن کوچک (زنانه) قرار دارد ،

** بوستان پیغمبر

علی ۱۱ متولد (۱۳۵۵) ، سید نعمت الله۱۱ متولد (۱۳۶۸) ، سید ابراهیم ۱۱ متولد (۱۳۷۶) ، سید اسماعیل ۱۱ متولد (۱۳۷۷) سید اسدالله۱۱ ،

سیدعلی اصغر ۹ بن سید محمدحسین ۸ ، متولد شب (۲۴ـ ج ۲ـ۱۳۱۴) * در نجف اشرف دربوستان پیغمبرگوید (تحصیلاتش در طهران نزدمرحوم حاجی شیخ‌مسیح طالقانی‌و آقاسیدمحمدتنکابنی ومرحوم حاج‌شیخ مرتضی آشتیانی‌ودرقم درحوزه درس آیه‌الله‌حاجی شیخ عبدالکریم یزدی ودر نجف اشرف از حوزه‌های دروس مراجع تقلید ، و اجازه‌اجتهاد نیز از آنها دارد و فعلا" ساکن طهران در مسجد مرحوم حاجی میرزا شفیع اول خیابان آرامگاه امامت دارند) انتهی

نگارنده گوید اکنون چند سال است که‌بواسطه کسالت وضعف مزاج ترک امامت نموده‌وخانه نشین میباشد ، (عافاه‌الله) و دارای سه پسر است: سید حسن ۱۰ ، سیدمحمدحسین ۱۰ ، سید علی محمد ۱۰ معروف به شجاع

سید حسن ۱۰ متولد (۱۲ـ صفر ـ ۱۳۵۰) کارمند مجلس شورای ملی‌وریاست قسمتی را عهده دار است ،

سیدمحمدحسین ۱۰ معروف به بزرگ متولد شب (۲۶ـ رجب ـ۱۳۶۵)

سید علی محمد۱۰ معروف به شجاع متولد (۲۶ـ شعبان ـ۱۳۶۷) ،

سید مهدی ۹ بن سید محمدحسین ۸ متولد (۱۳۲۳) ** در تهران بازرگان است‌و سه‌پسر دارد :

سید هادی ۱۰ متولد (۱۳۵۸) ، سید مصطفی ۱۰ متولد (۱۳۶۰) ، سید محمدابراهیم ۱۰ متولد (۱۳۷۳) ،

سیدمحمدرضا۹ بن سید محمدحسین۸ متولد (۱۳۲۵) *** تاجر است در تهران پنج پسر دارد : سیدمحمدجواد۱۰ ، سیدعلی۱۰ ، سیدمحمدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۶۸) ، سید محمد۱۰ متولد (۱۳۷۲) ، سید احمد ۱۰ ،

سیدمحمدجواد۱۰ متولد (۱۳۶۰) کارمند اداره‌ثبت اسناد تهران‌است و تاکنون یک پسر دارد سید علیرضا ۱۱ ،

سید علی۱۰ متولد (۱۳۶۴) **** اکنون یک پسر دارد بنام امیرحسین ۱۱ ،

سید عباس ۹ بن سیدمحمدحسین ۸ متولد (۱۳۳۴) کارمند دولت است ودوپسردارد :

سیدمحسن ۱۰ متولد (۱۳۶۰) ، سید ناصر ۱۰ متولد (۱۳۶۶) که اکنون یک پسر دارد به نام سید علی ۱۱

---

* در(گنجینه‌دانشمندان۳ : ۴۲۲) تولدش را ۲۲ نوشته

** در بوستان پیغمبر (۱۲۸۴ شمسی) ضبط شده‌که‌مطابق سال فوق الذکر است ،

*** در مصدر سابق (۱۲۸۶ شمسی) نوشته که‌موافق سال مذکور در فوق است ،

**** در مصدر مذکور (۱۳۶۶شمسی) ثبت شده که مطابق (۱۳۶۶) میباشد ،

سید مرتضی ۹ بن سیدمحمدحسین ۸ متولد (۱۳۳۵) کاسب است و چهار پسر دارد :
سید مجتبی ۱۰ متولد (۱۳۶۵) ، سید مجید ۱۰ متولد (۱۳۶۶) ، سیدمحمدباقر۱۰متولد (۱۳۶۸) ، سیدمحمد۱۰ معروف به‌علاءالدین متولد (۱۳۷۳) ،
سیدمحمدتقی ۸ بن سیدمحمدکاظم ۷ معروف به‌سید بزرگ ، در تهران تجارت داشت‌ودر (۱۳۳۶= فروختن) وفات نمود ، یک پسر از وی مخلف شد سید ناصر ۹ که او هم پسری دارد سید نعمت الله۱۰ نام ،
وسید عبدالله ۷ دومین پسرسیدمحمدعلی ۶ بن سیدعبدالله۵ ، متولد (۱۲۵۱=مختاری) در شوشتر ، مقدمات را در موطن خود اخذ نموده برای تحصیل شرعیات‌به‌عتبات‌عالیات انتقال یافت ، و چون بقدر همت بهره‌مند گردید به‌شوشتر برگشت وسالها در مسجد سری سقطی * امامت مینمود ، و در (۱۳۲۱) مجددا" به‌نجف مشرف شد ومجاورت‌اختیار نمود تا در شعبان (۱۳۲۹= مرغوب‌طبع)به جدش ملحق گردید ،**
سیدی بود جلیل القدر عالم فاضل متقی در شوشتر در مسجد حاجی علی‌حاجی علی‌اکبر امامت داشت و امورات شرعیه آن محله‌را انجام میداد و گاهگاهی برای ارشاد و هدایت و یاددادن احکام شرعیه‌بگتوند میرفت***
سه‌پسر از وی بجای ماند : سیدمحمدرضا۸ ، سید نعمت الله۸ ، سید محمدحسن۸ ،
سیدمحمدرضا ۸ عالم پرهیزگار یک پسر از او مخلف شد :
سیدمحمدتقی ۹ واو سیدی بود نیکوسیرت صافی سرپرت علوم غریبه را یک اندازه دیده، سه‌پسر از او مخلف شد :
سیدعلی۱۰ ، سید حسین۱۰ ، سید عبدالله۱۰ و هر سه لقب دارند (موسوی زاده)***
سید علی ۱۰ موسوی زاده را سه پسر است : سیدمحمدرضا۱۱ ، سید محمدتقی‌معروف به منصور۱۱ ،سید مصطفی۱۱ ،
سید حسین ۱۰ موسوی زاده چهار پسر دارد : سید علی اکبر۱۱ ، سید محمد۱۱ ، سید محمدکاظم ۱۱ ،سید حمید ۱۱ ،
سید عبدالله۱۰ موسوی زاده‌سه‌پسر دارد: سیدمحمود۱۱ ، سید محمد۱۱ ، سید مجید۱۱، سیدنعمت الله۸ بن سید عبدالله ۷ را در بوستان پیغمبر بلاعقب نوشته و گفته در نجف اشرف فوت شد، اما او پسری بنام سیدعلی‌اصغر ۹ داشته‌که‌او بلاعقب بوده‌چنانکه‌ازشجره طیبه واطلاعات خارجی معلوم شد ،
سیدمحمدحسن ۸ بن سید عبدالله۷ ملقب به (موسوی) و معروف به مش آغا****

---

* *از بزرگان صوفیه‌است*
** *شجره‌طیبه*
*** *بوستان پیغمبر*
**** *مش بزبان‌شوشتری مخفف‌مشهدی کسی‌را گویند که‌بزیارت مشهدمقدس امام هشتم‌علیه السلم نائل شده‌باشد*

متولد شعبان (۱۳۱۷= متواضع) جلیل القدر با اخلاق حسنه ، مقدمات را یک اندازه در مدرسه جزائریه شوشتر و نجف اشرف تحصیل نموده ، امامت یکی از مساجد شوشتر را دارا بود ، در (۱۳۹۱) به‌اهواز منتقل اما دیری نبائید که بیمار شد و بینائی خود را ازدست داد ،و عاقبت در شب سه شنبه (۱۶ــ صیام ــ۱۳۹۲= انتظام) وفات نمود ، جنازه اش را به شوشتر برده در سید حسین دفن نمودند ،

هشت پسر از وی مخلف شد : سیدعلاء الدین ۹ ، سیدمحمدجواد ۹ ، سیدمحمدجعفر ۹ ،سید جمال الدین ۹ ، سیدمرتضی ۹ ، سید محمود ۹ ، سیدجلال ۹ متولد (۱۳۸۲) ،سیدطاهر ۹ متولد (۱۳۸۴) ،*

سیدعلاء الدین ۹ ، اکبر اولادش متولد (۲۸ــ شعبان ــ۱۳۴۶) ،درشوشتر ونجف تحصیلاتی داشته و اکنون مقیم اهواز وبه‌ادامه‌تحصیل فقه‌واصول وامامت یکی از مساجد اشتغال دارد، جد ولی برای تعیین اوقات شرعی صبح وظهــر طبق‌افق شوشتر نوشته‌که در (۱۳۸۸) در مسجدسلیمان چاپ شده ، وشجرد نامه‌اولاد مرحوم سید علی اکبر ۴ بن سید عبدالله ۳ را در (۱۳۷۷) چاپ کرده ، مشتمل بر نوزده صفحه ، اقتصار بذکر اسامی نموده و هیچگونــه توضیح و تاریخی در آن نیست و در عین حال همین مقدار اوهم دارای اشتباه‌وکامل نیست چه آنکه نسب جداعلی را مطابق نوشته‌خود سید که مشهور است نیآورده ،وبرخی ازاعقاب را بدون رعایت ترتیب سنی یادکرده ، وبسیاری از قلم اوافتاده‌اند ،ازآنجمله‌عم وابن عم بلاواسطه خودش ،سید نعمت الله۸ و سید علی اصغر ۹ را ننوشته و ما برخی از اشتباهات آنرا در گذشته یادآور شدیم ، و بهرحال به‌اندازه زحمت خود قابل تقدیر ودارای‌شش‌پسر است : سیداحمد ۱۰ ، سیدمحمد ۱۰ ، سید حسین ۱۰ ، سیدصادق ۱۰ ،سیدامین ۱۰ ، سید محمدرضا ۱۰ ،

سید محمدجواد ۹ بن سید محمدحسن ۸ ، مقیم اهواز متولد (۱۳۵۴) ، تاکنون‌سه‌پسردارد: سیدمحمدکاظم ۱۰ ، سید محمدعلی ۱۰ ، سید مهدی ۱۰ ،

سیدمحمدجعفر۹بن سیدمحمدحسن ۸ مقیم تهران متولد (۱۳۵۹) ، چهار پسر دارد : سید حسن ۱۰ متولد (۱۳۸۸) ، سید حسین ۱۰ متولد (۱۳۹۰) ، سید عباس ۱۰ متولد (۱۳۹۱) سید مهدی ۱۰ متولد (۱۳۹۳) ،

سیدجمال الدین ۹ بن‌سید محمدحسن ۸ متولد (۱۳۶۶) ، ساکن اهواز دارای دوپسراست؛ سید محمدحسن ۱۰ ، سیدمحسن ۱۰ ،

سیدمرتضی ۹ بن سیدمحمدحسن ۸ متولد (۱۳۷۰) ،

وسیدحسن ۷ سومین پسر میرسید محمدعلی ۶ که شاغل‌محراب ومسجد پدر و یکی از علمای مهم تهران بوده ، بطوریکه‌در (بوستان پیغمبر) و (شجره‌طیبه) و (نقباء البشر : ۴۱۹) مذکور است ،

* در شجره طیبه دو نفر بنام سید عبدالله و سید ابوالقاسم نوشته‌که اشتباه است

تولدش در (۱۲۶۰= دماغداری) در نجف اشرف اتفاق اتفاد ، علوم ادبیه و شرعیه را از محضر والدماجد وسائر علمای تهران استفاده نمود تاخود از جمله اعیان علماء عاملین وروٴساء دین درامور شرعیه مرجع ، و نزد اهالی مسموع القول گردید ،

علماء آن جناب را بنظر احترام نگریسته تا در (۱۳۴۶= غفاردنیا) وفات نموده جنازه ایشان را در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار حضرت عبدالعظیم مدفون گردانیدند ، سه پسر از وی مخلف گردید : حاج سید نصرالله۸ ، سید محمدعلی شوشتری۸ ، دکتر سید شمس الدین۸ جزائری ، و چند دختر که یکی متعلقه آیه‌الله مرحوم سیدمحمدهادی میلانی قدس سره * و مادر آقا سید محمدعلی بوده ،

حاج سید نصرالله۸ متولد (۱۳۰۲= بلنداقبال) ** از علمای معروف تهران و در حسن اخلاق و بزرگواری فائق بر اقران ، دارای مقامی شامخ و رفیع بود ، در مسجد عباس آباد امامت جماعت داشت ،در (ع ۱–۱۳۷۷= فروغ نما) وفات نمود ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف برده در وادی السلام دفن نمودند ،

در (گنجینه‌دانشمندان ۴ : ۴۲۳) مختصری در باره‌ایشان نوشته‌که‌خالی از تاریخ است ، دو پسر از آنمرحوم بجای ماند : دکتر سید نظام الدین ۹ ، سید قوام الدین ۹ ،

دکتر سید نظام‌الدین ۹ ، نامش عبدالله ، جراحی قابل از مشهورترین جراحان ایران است تولدش در (۲۷–ج ۱–۱۳۳۳) در تهران ، تحصیلات خود را تا دریافت دکترای پزشکی در ایران گذرانده وپس از چند سال طبابت در تهران و خوزستان ، مسافرت به پاریس نموده و تخصص در جراحی را در یکدوره چهار ساله دیده وبه‌تهران برگشته وتاکنون در تهران است وپنج پسر دارد : سیدجواد۱۰ ، سیدمحمد۱۰ ، سیدمحمود۱۰ ، سیدحمید۱۰ ، سیدنصرالله ۱۰ ،

سیدجواد۱۰ معروف به‌بهروز متولد (۱۳۶۲) فارغ التحصیل رشته‌تعلیم و تربیت از آمریکا است ،

سیدمحمد۱۰ معروف به‌بهمن متولد (۱۳۶۴) که در هفته‌نامه (نفت خیز) *** صفحه‌دوم از شماره سی ام (مورخ۵–۵–۱۳۵۱ شمسی) عکس او را چاپ کرده وچنین نوشته ((آقای بهمن جزایری مهندس زمین شناسی شرکت سهامی اکتشاف وتولید نفت ایران ، در (۱۳۲۵ شمسی) در تهران متولد شد ، و در سن یازده سالگی جهت تحصیل عازم انگلستان شدو از کالج سلطنتی علوم تکنولوژی لندن موفق باخذ فوق لیسانس در رشته نفت گردید ،ودر ۱۹۷۰ (م=۱۳۷۰) به‌استخدام شرکت اکتشاف درآمد))

---

* از مراجع معروف عصر در مشهد مقدس بود

** شجره طیبه

*** این نشریه اکنون با نام یادداشت هفتگی منتشر میشود ،

وچنانکه دانستی ولادت او در (۱۳۶۴) مطابق (۱۳۲۴ شمسی) بوده بطوریکه پدرش برای نگارنده نوشته، و او را تاکنون یک پسر است: سید محمدحسین ۱۱ معروف به‌مهرداد متولد (۱۳۹۱)،

سیدمحمود ۱۰ و سید محمد ۱۰ دوقلو متولدین (۱۳۶۸) هستند، سید نصرالله ۱۰ متولد (۱۳۷۷)،

سید قوام الدین ۹، نامش اسدالله، متولد (۲۱ـ ج ۲ـ۱۳۳۹) کارمند شرکت نفت در تهران دو پسر دارد: سید علیرضا ۱۰، سید حمیدرضا ۱۰،

سیدمحمدعلی ۸ شوشتری متولد (۱۳۰۷= آغوش) پس از خاتمه تحصیلات درکارهای دولتی داخل، پستهای حساسی را شاغل شد، چندی نماینده استرآباد در مجلس شورای ملی، و مدتی مفتش اوقات آستانه‌مبارکه رضویه، و زمانی بازرس وزارت‌کشوربود، ودرزمان نمایندگی چون هماره قبل از سخنرانی بسم الله میگفت به (سید بسم‌اللهی) معروف شد، ونطقهای مطبوعه وی در جرائد با بسم الله است، در (۱۳۸۲= فیض اتمام) بلاعقب درگذشت،

دکتر سید شمس الدین ۸ جزایری نام او جعفر، و از رجال کشور است، تولدش (۱۴ ـ صفر ـ ۱۳۲۴)

نام وشرح حال وی در (بوستان پیغمبر) و (رجال بدون ماسک ایران) بطوریکه‌ازآن نقل شده و (شجره‌طیبه) و (مؤلفین‌کتب چاپی ۳: ۴۴۳) وبرخی از دائره المعارف هاومجله ها ازآنجمله (مجله‌تماشا سال سوم شماره۴۹) مورخ (۲۷ـ۱۱ـ۱۳۵۲ شمسی) و غیره موجود است،

تحصیلات ابتدائی را در مدرسه حشمتیه تهران و متوسطه را در دارالفنون و عالی را در دانشکده‌حقوق تمام نموده، وباسمت سرپرستی دانشجویان اعزامی به‌پاریس‌رفته و دردانشگاه آنجا به‌تحصیلات حقوق ادامه‌داده‌تا دیپلم دکترای حقوق را ازآن دانشگاه‌تحصیل‌نموده و به‌تهران بازگشته و مشغول خدمت گردیده، از مشاغلی که در دوره‌های مختلف زندگی داشته ۱ـ وزارت فرهنگ (آموزش وپرورش) ۲ـ عضویت شورای عالی برنامه ۳ـ مدیریت شرکت بیمه ۴ـ نمایندگی مجلس شورا در دوره هجدهم ۵ـ استانداری‌خراسان ۶ـ استادی دانشکده‌حقوق از دانشگاه‌تهران از (۱۳۱۷ شمسی‌مطابق ۱۳۵۷) تا زمان‌بازنشستگی است، و در (۱۸ـ۱۱ـ۵۲ شمسی) استاد ممتاز گردید،

مؤلفات وی اول بحران اقتصادی در دنیا واثرات آن در ایران، بزبان فرانسه نوشته‌ودر همانجا چاپ شده، دوم اقتصاد اجتماعی، چاپ شده سوم عوائد کاروسرمایه، درسه‌جلد چهارم قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه‌از ابتدای مشروطیت تا بحال، چاپ شده،

اخیرا" چند سالی است که‌منتقل‌به‌لندن شده ودرآنجا بسر میبرد، وگاهگاهی بایران‌ذهاب

وایاب * میکند و احیانا" بمناسباتی در روزنامه‌های کثیرالانتشار نام وعکس او چاپ میشود ، یک پسر دارد ، بنام سید حسن ۹ متولد (۱۳۷۵) ،

وسیدمحمد۷ چهارمین پسرمیرسید محمدعلی۶ بن سید عبدالله۵ ، متولد (۱۲۶۲=عنایت خالق) در تهران ، در رشته‌تجارت داخل بود ، در (۱۳۴۳= خیرالبشر) وفات نمود ودر گورستان‌قدیم تهران معروف به (آب انبار قاسم خان) مدفون شد ، و لقب وی جزایری شوشتری بود،شش پسر از وی مخلف گردید : سید عبدالرحیم ۸ ، سید آقابزرگ۸ ، سید احمد۸ ، سید محمود ۸ ، سید جواد۸ ، دکتر سیدهادی ۸ ، که در کارهای دیوانی بوده و هستند ،

سید عبدالرحیم ۸ متولد (۱۳۰۴= غفار پاک) وارد نظام بود ، در (۱۳۶۸= غفارمطلوب) درگذشت و در ابن بابویه مدفون‌شد ، دو پسر از وی بجای ماند : دکتر سید مهدی ۹ ، سید میر محمد علی ۹ ،

سید آقا بزرگ ۸ ، نام وی سید مهدی و در تبریز به تجارت مشغول بود ، و در اواخرربیع الاول (۱۳۹۷= سعادت کیش) درگذشت ، و درامامزاده‌عبدالله مدفون شد، واگهی‌فاتحه وی‌در (روزنامه‌کیهان شماره ۱۰۱۱۹)مورخ (۳۵/۱۲/۲۹شاهنشاهی)منتشرشد، دارای‌چهار پسر بود: دکتر سیدمحمد ۹،مهندس سید سیف الدین ۹ ، سیدحمید۹ ، سیدمجید ۹ ، دکترسیدمحمد۹نام فامیلی‌وی (مولوی تبریزی) است ،

سید احمد ۸ دو پسر دارد سید علی ۹ ، سید نعمت الله۹ ،

سیدمحمود۸نیز دارای دو پسر است : سید یحیی ۹ ، کسری ۹ ،

سید جواد ۸ متولد (۱۳۲۱= شادابی باغ) در تهران کارمند وزارت‌کشاورزی بود در (۷ ـ ع۱ـ۱۳۹۷= پذیرفته) درگذشت ودر بهشت زهرا مدفون‌گردید ودوپسرداشت بهروز ۹ متولد (۱۳۷۱) مهندس مخابرات است ، و بهزاد ۹ متولد (۱۳۷۲) که درکودکی درگذشت، دکتر سیدهادی ۸ ، کارمند وزارت خارجه وصاحب ترجمه‌تاریخ خاورمیانه است وتاکنون‌یک پسر دارد: سید علیرضا ۹ نام

و سید علی ۷ پنجمین پسر میرسید محمدعلی۶ بن سید عبدالله۵ ، تولدش درنجف‌اشرف در (۱۲۶۵= درخت‌میوه) تحصیلاتش نزد والد ماجد خود و مرحوم میرزا محمد حسن اشتیانی** وسائر علمای تهران و مرحوم میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم میرزا حسین خلیلی بوده ، آنجناب یکی از مجتهدان معروف تهران ، و وعظ‌وی مورد توجه اهالی آن

---

* در بیشتر محاورات این دوکلمه‌را با تقدیم و تاخیر بصورت ایاب و ذهاب تلفظ می کنند و مینویسند که میامحه‌است چه‌انکه ذهاب بمعنی رفتن و ایاب بازگشتن است ،

** از اعاظم تلامذه شیخ‌انصاری و مقرر درس وی بوده‌از اینرو به‌لسان الشیخ معروف است و فرزندان و بعضی نوه‌هایش از علماء در معقول و منقول بوده‌اند واکنون بقیه السلف این خاندان ، فاضل جلیل میرزامحمد باقر بن‌احمد بن محمدحسن (سلمه‌الله) متولی و مدرس مدرسه مروی تهران است ،

سامان وفضائل ایشان مورد تصدیق همه‌علمای معاصر وی ، و در این فامیل به فضل معروف و مرجع مرافعات بود ، در (۱۳۵۴= درنظر) درگذشت ، و در حرم قم مدفون شد ،
در (نقباء البشر ۴ : ۱۴۸۵) ترجمه شده ،
اولاد ذکورش هشت نفربودند : حاج سیدفخرالدین ۸ ،سید جلال الدین ۸ ، سیدنورالدین ۸ سیدجمال‌الدین ۸ ، دکترسیدغیاث‌الدین ۸ ، دکتر سید سراج الدین ۸ ، سیدضیاء الدین ۸ ، سید علاء الدین ۸ که بلاعقب درگذشت **
در بوستان پیغمبر پسر نهمی بنام سید کمال الدین ثبت کرده که اشتباه و در (مشجره سید علاء الدین : ۶) سید علاء الدین را ننوشته که ناقص است ،
حاج سید فخرالدین ۸ متولد (۱۳۰۵= خوان رحمت) در تهران، از علمای تهران ومشغول رتق وفتق امور بود ، در مدرسه مروی تهران از مرحوم شیخ علی نوری و مرحوم شیخ‌مسیح طالقانی و مرحوم سید محمد تنکابنی که‌از مدرسان مدرسه مذکوره‌اند ، ودرقم حدود ده سال‌ازدرس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی* موٴسس بزرگوارحوزه‌علمیه قم استفاده‌نموده** نگارنده درتاریخ (۱۲ـ۴ـ۵۱ شمسی) به عیادت وی که بیمار بود به منزل فرزندش سید حسام الدین در تهران رفته وشرح حال او و پدر و نیایش را از وی گرفته بطوریکه نگارش یافت ،
در شجره طیبه درباره‌اش مینویسد (خط و انشایش شیرین و کتابی در ردبهائیها دارد) نگارنده‌چند سطر بخط وی مورخ (۱۳۳۸) درحاشیه تحفة العالم دیده‌ام که مطالب فوق را تاٴیید میکند زیرا از نظر خط ولفظ و معنی بسیار زیبا بود ،
در (گنجینه‌دانشمندان ۳ : ۴۲۳) تاریخ ولادتش را در (۱۳۰۸) نوشته که اشتباه است ، مرحوم حاج‌سیدفخرالدین ۸ پس از مدتی بیماری طبق نوشته روزنامه‌اطلاعات (۸ ـ ۵ـ۵۳ شمسی) ونامه‌ایکه‌فرزندنامبرده‌اش مورخ ۳۵/۵/۲۵ شاهنشاهی برای نگارنده‌نوشته درقبل‌ازظهر سه شنبه (۱۰ـ رجب ـ۱۳۹۴= مرغ سفید) درگذشت ، جنازه‌اش را به مشهد مقدس منتقل و در دارالسلام حرم مطهر امام رضا علیه‌السلم بخاک سپردند ،
دربوستان پیغمبر اشاره به‌اجازات اجتهاد وی کرده‌و ، کتابی بنام سوانح‌عمریه‌درهرمبحث بوی نسبت داده‌است ، و در روزنامه‌کیهان (۱۲ـ۵ـ۵۳ شمسی) چندین‌آگهی مجلس‌ترحیم وعکس وی با مختصر شرح حال چاپ شده ، و درآنجا آمده که وی ((اجازه اجتهاد از مرحوم آیةالله یزدی سابق الذکر و آیةالله‌اصفهانی و آیةالله عراقی و آیة الله کمپانی

---

* شجره طیبه

** متولد حدود ۱۲۷۲ و متوفی ۱۳۵۵ مذکور در نقباء البشر: ۱۱۵۸ و غیره ، در(اعیان‌الشیعه ۳۸ : ۸۰)فرموده‌زمانیکه نزد او بودیم (۱۳۵۳) او را یافتیم مردی خردمند با کیاست و دانش و فضل‌الخ در نقباء البشر تولدش را در ۱۲۷۶ نوشته ، و فرزندش شیخ مرتضای حائری از مدرسان مشهور و علماء موجه قم است (سلمه الله) ،

(علیهم‌الرحمه) دریافت داشته و به‌تهران مراجعت‌و در مسجد پدری که درحوالی بازارو خیابان‌مولوی است به‌اقامه‌نماز جماعت و باعلاقه خاصی به‌رفع حوائج مستمندان‌آن‌حدود و کمک به فقراء محل می پرداخت))

سه پسر از وی مخلف گردید: سید حسام الدین۹ ، سید قوام الدین ۹ ، سید علی ۹ ،

سید حسام الدین ۹ متولد (۱۳۴۲) ، مدتها ریاست سازمان اوقاف را در شهرستان های مختلف دارا بوده و اخیرا " در اداره‌آموزش وپرورش کار کرده و پس از ۳۱ سال خدمت ، بازنشسته شده وطبق نامه وی تحصیلات خود را ده سال درقم و چندی در تهران به‌پایان رسانده واکنون به‌مطالعه میپردازد ، و دو پسر دارد: سید بدرالدین ۱۰ متولد (۱۳۷۷) ، سید محمدکاظم ۱۰ متولد (۱۳۸۳) که هر دو محصل دبیرستانند ،

در بوستان پیغمبر ولادت سید حسام الدین ۹ را در(۱۳۳۹) نوشته ، و آنچه‌رامانوشتیم از خودش شنیدیم ،

سید قوام الدین ۹ متولد (۱۳۴۷) کارمنداداره‌قند و شکر است ،

در بوستان پیغمبر ولادتش را (۱۳۵۳) نوشته که مدرک او بر ما مجهول است ، و آنچه را که مانوشتیم طبق اظهار برادرش سید حسام الدین ۹ است ،

سید علی ۹ متولد (۱۳۵۹) کارمند دولت است ،*

سید جلال الدین ۸ بن سید علی ۷ متولد (۱۳۱۲= پسر معظم)پس از گذراندن مدرسه ابتدائی به مدرسه منیریه رفته وپس از آن در مدرسه مروی نزد مرحوم‌آقاسیدمحمدتنکابنی وغیر ایشان‌تلمذداشته ومتصدی دفتراسناد رسمی شده * تا در حدود (۱۳۸۰= شغف) بلاعقب درگذشت ، و در وادی السلام قم مدفون گردید .

آنمرحوم مردی خلیق وفامیل دوست بود وبه‌فامیل که در تهران یا غیرتهران‌بودنداظهار علاقه زیاد مینمود و هر وقت نگارنده به‌تهران میرفتم مراسم معموله دید وبازدید انجام میداد (رحمة الله علیه) ،

سید نورالدین ۸ بن سید علی ۷ دو پسر دارد : سید رضا ۹ ، سید شهاب الدین ۹ ،

سید جمال الدین ۸ بن سید علی ۷ کاسب بود وطبق آگهی روزنامه کیهان مورخ (۱۸ — ۶—۲۵۳۵) در ثلث دوم ماه رمضان (۱۳۹۶= شهرت یافت) درگذشت ،ودر بهشت زهرا مدفون گردید ،

سه پسر از وی مخلف شد: سید صدرالدین۹ ، سید نظام الدین ۹ ، سیدبدرالدین ۹ ،

در (مشجره سید علاء : ۶) بجای بدرالدین کمال الدین نوشته ، و دربوستان‌پیغمبر هرچهار را ثبت کرده‌است ،

وسیدکمال الدین بزرگ اوبوده‌که‌درحیات وی درگذشته ودرابن بابویه مدفون است .

---

* بوستان پیغمبر

وسید بدرالدین ۹ طبق نوشته کیهان مورخ (۳۶/۶/۲۷ شاهنشاهی) مطابق (۴ـ شوال ـ ۱۳۹۷= غم روزافزون) در اثر تصادف دردوکیلومتری شهسوار درگذشت ،

دکتر سید غیاث الدین ۸ بن سید علی ۷ ، متولد (۱۳۳۲) و در (۱۳۵۹) از دانشکـــده پزشکی تهران فاغ التحصیل ودارای گواهی نامه‌تخصصی در رشته غذاشناسی از فرانسه ،و اکنون دوره بازنشستگی را میگذراند و بمطالعه کتب بویژه طب قدیم و نوشتن میپردازد ، ویکی از مشاهیر این خاندان‌است که با طبع و نشر کتب ومقالات‌سودمند وی درمعرفـــی دواها و غذاها شهرتی فراوان دارد ،

عکس وترجمه مختصر وی در برخی از روزنامه‌ها و مجلات و (مؤلفین کتب چاپی ۴: ۷۳۹) و غیره موجود و آثار ذیل از اواست :

اول و دوم اسرار خوراکیها و اعجاز خوراکیها و این دوجلد با استقبال کم نظیری از طرف عموم طبقات روبرو گردیده و چندین باربطبع رسیده ، از آنجمله در (۱۳۳۴) شمسی ، و سال بعدازآن ،والحق کتابی سودمند وبرای همه مفید است ، و مؤلف محترم هر دو جلد را بما اهداء نموده ،

سوم اسرار عدد هفت یا هفت طبقه بودن کائنات ، و طبق اظهار مؤلف ، در این‌کتاب جالب ، ثابت نموده که برگشت تمام بوها ورنگها وطعمها و خلاصه‌تمام‌اوصاف‌به‌هفت‌است،

چهارم برنامه غذائی در سفر حج ، در (۱۳۴۱شمسی) چاپ شده ،

در (مؤلفین کتب چاپی) نام این کتاب را برنامه‌غذائی در سفر نوشته ، و کلمه حج را انداخته که‌اشتباه ، و کتاب مزبور مخصوص این سفر است ، که غذای حجاج چه باشد ؟

پنجم جدول فلزیابی ، که بنا به‌اظهار مؤلف ، اولین کتابی‌است که بفارسی درراه تجزیه شیمیائی چاپ شده ،

ششم خواب و خوراک ، چاپ شده ،

هفتم دکتر کاردوچنگال ،رمـانی است انتقادی و مطبوع و در عین حال شیوه مخصوص نویسندگی مؤلف را آشکار میسازد ، یک نسخه بما اهداء نموده ،

هشتم زبان خوراکیها ، که بتدریج در مجله اطلاعات وجداگانه چاپ شده ،

نهم کندو ، گلچینی است از اشعار ، چاپ‌نشده ،

هفت طبقه‌بودن کائنات ، که همان اسرار عدد هفت سابق الذکر است ،

اولادذکور وی منحصراست‌به یک‌نفر سید صلاح‌الدین ۹ معروف‌به‌فـرهاد متولد (۱۳۷۹) ،

دکتر سید سراج الدین ۸ بن سید علی ۷ دکتر در حقوق است تولدش در (۲۱ ـ ذ ح ـ ۱۳۳۶) بوده وکیل دادگستری است و دو پسر دارد: سید علاءالدین ۹ ، سیـد احمد ۹ متولد (۱۳۷۶) ،

سید علاءالدین ۹ اکنون در آمریکا در رشته مهندسی آبها مشغول تحصیل است تولدش در (۱۳۶۹) بوده ،

سید ضیاءالدین ۸ بن سید علی ۷ دارای تحصیلات جدیده و دبیری فاضل بود،درجوانی با یک بیماری مرموز دچار شد ، روزبروز او را ضعیف و کوچک میکرد وعاقبت در (۱۹ـصیام ۱۳۸۶= نورخلقت) درگذشت ، و در مقبره پدر در حرم قم مدفون شد ،وی رئیس دبیرستان امیر کبیر در (۱۳۳۱ شمسی) بود وکتابی بنام حساب مصور دارد که در (۱۳۳۴شمسی)چاپ شده * وبعدهارئیس بازرسی اداری شد ، دوپسرازوی یادگاربماند مهندس سیدعلی ۹ ، سید محمد ۹ ،

وسید حسین ۷ ششمین پسر میرسید محمدعلی ۶ ، عالمی پارسا ودر نزدعموم طبقات بسیار موجه بوده ، ودر بوستان پیغمبر ، و تتمةالشجره ، وشجره طیبه ،و (گنجینه دانشمندان ۵ : ۴۰۶) و (نقباءالبشر ۲ : ۶۳۱) بتلفیق چنین مذکور است : که تولدش در (۱۲۸۵=خجسته اطوار) بوده ، و پس از تحصیل مقدمات در تهران ، بعداز (۱۳۰۶) که پدرش وفات کرد به نجف اشرف مشرف وبامرحوم حاج سید ابوالقاسم بن سید احمد امام (غنچه دوم)شریک بحث شده ، و در حوزه درس مرحوم میرزا حبیب الله رشتی ، و مرحوم میرزاحسین خلیلی داخل ، تا اینکه عنایات حق او را شامل وانسانی کامل گردید ، بعدازآن مراجعت به تهران وبوظائف شرعیه قیام نمود ،

مقام علم و زهد وقدس وورع آنحضرت معروف مردم تهران ، و در میان علمای پایتخت و جاهای دیگر از مشاهیر بود ، و چون در روز (۸ـ محرم ـ۱۳۶۲= فخرکائنات)وفات نمود ** و خبر فوت وی به کربلا رسید ، مرحوم آیةالله حاجی آقا سید حسین طباطبائی قمی ، مجلس فاتحه در خانه خود برای ایشان در روز عاشورا تشکیل داد (رحمةالله علیهما) ، چهار پسر از وی مخلف گردید : سیدابوالقاسم ۸ ، سید صدرالدین ۸ ، سید محمدعلی ۸ معروف به میرزا کوچک ، سید بزرگ ۸ ،

سید ابوالقاسم ۸ بن سید حسین ۷ متولد (۱۷ـ ع ۱ـ ۱۳۰۵= فیروزبخت) خطی زیبا داشت و آموزگار خط بود ، در حدود (۱۳۷۳= ای فخر کائنات) وفات کرد ودرابن بابویه مدفون گردید ، در بوستان پیغمبر ، وشجره طیبه که او را ملقب به (علم الهدی) کرده ولادتش را در (۱۳۰۷) نوشته اندکه ازطرف برادر ارجمندش حاجی سید صدرالدین تخطئه شد ، پنج پسربجای نهاد :سید احمد ۹ ،سیدمحمود ۹ ، سید نورالدین ۹ ، سیدمجدالدین ۹ ، سید منصور ۹ ،

سید احمد ۹ مردی خلیق است ، مدتی در آبادان بود واینک در تهران ودارای سه پسر

---

* (مؤلفین کتب چاپی ۳: ۵۶۵)

** در بوستان پیغمبر ۷ـ محرم است ،

است: خسرو ۱۰، سید علیرضا ۱۰، فریدون ۱۰*

سید محمود ۹، چند سال پیش که بزیارت عتبات عالیات مشرف شد در بین راه کربلا و نجف تصادف کرد و مرحوم شد، در وادی السلام او را بخاک سپردند، پسرانش سه‌نفرند: سیدمحسن ۱۰، سید مسعود ۱۰، سید منوچهر ۱۰،

سیدنورالدین ۹ متولد (۱۳۳۸)، کارمند راه‌آهن تهران ودارای دو پسر است: امیر مسعود ۱۰ متولد (۱۳۶۸)، سید ابوالقاسم ۱۰ متولد (۱۳۷۷).

سید مجدالدین ۹، کارمند شرکت نفت است‌وتاکنون پسری ندارد، تولدش در (۱۳۴۴) بوده،

سید منصور ۹، نام اصلی وی محمد باقر و دارای سه پسر است: سیدرضا ۱۰، بهرام ۱۰، بهمن ۱۰،

سید صدرالدین ۸ بن سید حسین ۷، نامش سید مهدی است، از علماء و فقهاء ومدرسان مدرسه‌مروی و ائمه‌جماعت و مشاهیر روحانیان پایتخت بود،

شرح حال وی در بوستان پیغمبر، وشجره‌طیبه، و (علماء معاصرین: ۲۲۹) و (گنجینه دانشمندان ۴: ۴۲۱) به اجمال و تفصیل بیان شده، و آنچه را ما از اظهارات شفاهی آن مرحوم واطلاعات متفرقه‌دیگر بدست آوردیم به شرح ذیل است:

ولادتش در (۳ـ ذح ـ۱۳۱۳= ظهور بر**واقع گردید، پس از تحصیل مقدمات، سطحرا از شاگردان مرحوم میرزای آشتیانی فراگرفت، آنگاه به مشهد مقدس رفت‌ومدت‌هفت‌سال ازدرس مرحوم آیةالله حاجی‌آقا حسین قمی و مرحوم میرزا محمدآقازاده‌خراسانی استفاده کرد، و بعدازآن عازم نجف اشرف گردید و در حوزه مرحوم آیةالله میرزا محمد حسین نائینی، و مرحوم آیةالله شیخ محمد حسین کمپانی حاضر، وپس‌ازمدتی بتهران مراجعت و به افاده و تدریس واقامه جماعت مشغول گردید، یادداشتهائی در عقائد، و مسألـــه ولایت اهل بیت (علیهم‌السلم) دارد.

وفات آنجناب در چهارشنبه (۲ـ ذح ـ۱۳۹۶= خواجه خواجگان) اتفاق افتاد، وباتشییع شایان جنازه را به صحن حضرت عبدالعظیم منتقل ودرجوار قبر فرزند مرحومش‌سیدمحمد حسن ۹ که قبلا" وفات کرده‌بود بخاک سپردند، و مجالس ترحیم عدیده بمناسبت وفات واربعین وی‌بوسیله طبقات مختلف از آنجمله آیةالله‌حاج سید احمدخوانساری‌دامت‌برکاته برگزار گردید ***

---

* بوستان پیغمبر و (شجره سید علماء: ۷)،

** در گنجینه دانشمندان، هفتم ذی الحجه، اشتباه است،

*** فرزند مرحوم سید یوسف، متولد ۱۳۰۹، صاحب (شرح نافع) مطبوع وشیخ فقها و مراجع عصر است، سلمه‌الله تعالی، نگارنده در (۱۳۸۹) با وی ملاقات نموده و از تحقیقات درسی اوبهره‌مند و مورد توجه‌آنجناب واقع گردید، عکس و ترجمه‌وی در مقدمه (مناهج المعارف: ۱۹۶) و غیره‌موجودودر (نابغه فقه و حدیث: ۱۹۹) بوی اشاره نموده‌ایم،

نگارنده روی مودت وصمیمیت که با آنمرحوم داشتم در اربعین وی شرکت کردم واز نزدیک دسته‌های سینه‌زن واندوه اهالی را از فقدان آن بزرگوار بزأی العین دیدم ، و غالب علما و طبقات مختلف در آن مجلس حاضر و دعوت بشام شده بودند ،

صاحب (نقباء البشر ۲ : ۶۳۱) ذیل ترجمه‌پدرش ، وعده‌داده‌که‌در حرف صاد اوراترجمه کند اما باین وعده‌وفا نشده ، و علتش آنستکه ، جمعی از زنده‌ها را که ترجمه‌کرده بود با اعتراض عده‌ای از بستگان آنان روبرو گردید که معتقد بودند حق آنان ادانشده ،روی این اصل آنمرحوم ازترجمه سائراحیاء منصرف‌گردید ،در هرحال ازمرحوم حاج سید صدرالدین ۸ سه‌پسربودجودآمد : سیدمحمدحسن ۹ ، سیدمرتضی ۹ ، سیدصادق ۹ ،

سید محمدحسن ۹ متولد (۳ـع ۱ـ۱۳۴۷=استفاضه) و متوفی (۱۳۸۶= مفخر سادات) و مدفون در صحن شهر ری ،سیدی جلیل وامام جماعت بود ، دو پسر از وی یادگار ماند : سید محمد ۱۰ متولد (۷ـ محرم ـ۱۳۷۶)،سید محسن ۱۰ ،

سید مرتضی ۹ متولد (۱۹ـ رجب ـ۱۳۴۹) سالها از محاضر اساتید قم استفاده کرده ،و مقالاتی درمجلـــه‌مکتب اسلام وغیره از وی منتشر شده‌که دلالت بر میزان فضل‌وی‌مینماید، واکنون در تهران به‌ارشاد و هدایت طبقه‌جوان تحصیلکرده کشور وامامت جماعت اشتغال دارد (و فقه الله تعالی) ودارای دو پسر است: سید علی ۱۰ متولد (۲۱ـ صیام ـ۱۳۷۱) سید جواد ۱۰ ،

سید محمدعلی ۸ بن سید حسین ۷ معروف به میرزا کوچک متولد (ج ۲ـ۱۳۲۶) ، مقدمات را تا اندازه‌ای بدست آورده‌ولی وارد کسب شد و دو پسر دارد: سید ابراهیم ۹ ، ســـید اسماعیل ۹ ،

سید ابراهیم ۹ متولد (۱۳۶۵) تاکنون یک پسر دارد : سید علیرضا ۱۰ متولد (۱۳۹۵) ، سید اسماعیل ۹ متولد (۱۳۶۹) هنوز متاءهل نشده ،

سید بزرگ ۸ پسر کوچک سید حسین ۷ ، نامش محمد جعفر و کارمند بیمارستان آپادانـــادر تهران است ودو پسر دارد : سید امیر محسن ۹ ، سید ،

آقای سید محمد جزایری
فرزند سید محمدرضا

آقای سید حسن حزایری
فرزند آقای سید علی اصغر

مرحوم آقای سید محمدحسن
موسوی

آقای سید علاء الدین موسوی

مرحوم حاج سید محر الدین جزایری

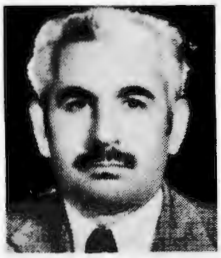

آقای سید حسام الدین جزایری

مرحوم آقای سید جواد جزایری

و اما سید عبدالمهدی ۴ هفتمین فرزند آقا سید عبدالله۳، بنـا به تصریح پدربزرگوارش * همین نامش بوده‌ولی در (تحفة العالم : ۱۲۵–۱۲۷)و (الکرام البرره) خطی و(نجوم السماء : ۲۲۹) او را سید مهدی نوشته‌اند ، و در کتاب اول در باره اش چنیـن گفته :

(السید الفاضل الزاهد الکامل السید مهدی بن سید عبدالله ، وی از افاضل‌روزگاروأرشد اولاد عم عالی مقدار ، اگر چه از اکثر برادران کوچکتر اما بهره‌او از علم و تقوی أوفربود ذلک فضل الله یوتیه من یشاء ،

از اعیان زمان وبه‌علم وتقوی نادره دوران ، استغنائی داشت که‌تااین زمان کسی را به آن وارستگی ندیده‌ام ، گنج قارون وحشمت سلیمان را در نظر والای او قدر خاشاکی نبود ، از فرط علو همت وتقوی با استدعای عظماء وروٴسا هرگز آلوده به مشاغل دنیا نشد وبوضع گوشه‌نشینان معاش مینمود ،

بحکم تقدیر که‌او را گریبانگیر شده به هندوستان افکند ، بعد از رسیدن باین دیارو‌ملاحظه کردار شناعت آثار و اوضاع قبح اطوار این مردم بغایت نادم و متاٴسف گردید ،چندمرتبه بعزم عود بوطن ماٴلوف روانه شد میسر نیآمد ، چار و ناچار در مرشد آباد بنگاله اقامت نمود ،

* (تذکره شوشتر: ۶۰)

با اینکه حکام وفرماندهان همه‌نیکوبند گیها نسبت باو مرعی میداشتند ، اما آن بزرگوار همیشه کاره مکث در آن مقام ، وبسی مشتاق به‌عود وطن و ملاقات بنی اعمام بود ،مکرراز او شنیده‌ام که‌میفرمود عمری‌برایگان در این کشور بر باددادم ،چه از آغاز ورود بـه ایـن مملکت تا این زمان که‌فزون بر بیست سال است ، مدام خلقی انبوه آمد وشد واوقات مـرا ضایع داشته‌اند و من همیشه بصعوبت تنهائی و رنج بیکسی گرفتار بوده‌ام ، و اگر به‌کوهی یا غاری مسکن گزیده بودم باین همه گوناگون رنج و عنا که اکنون هستم مبتلی نبـودم ، بالجمله در (۱۲۰۶= شوشتر) از این سرای عاریت رخت بربست ، اللهم انشر علیـه شابیب الرحمه)

دریکی از باغات آن شهر مدفون گردید ،صاحب آن‌باغ که‌یکی از اعاظم و اخیار بود بـه شرافت مقبره او مسجدی و تعزیه خانه‌ای متصل به‌مرقد منورش بنا نهاده وموقوفات بسیاری وقف آن سرکار نمود ،

درجمعات وایام متبرکه رسم مرثیه‌خوانی در آنجا شیوع و آن مرقد مبارک مطاف آن مردم است ،

میرزا محمدرضای اصفهانی عیشی‌تخلص * که‌شاعری شیرین زبان واز روز ورودبه‌این‌کشور از معاشرین این بی نام و نشان ودر استقامت سلیقه مختار اقران‌است ، قطعه ای متضمـن تاریخ وفات دارد ثبت افتاد

رکن ایمان سید مهدی ای دریغ — زین جهان فانی مغرور شد
زین مصیبت بر همه اهل جهان — روزروشن‌چون‌شب دیجورشد
زین خراب آباد پراندوه و رنج — بر تماشای جنان ماٴمور شد
جبرئیل از بهردفنش‌در بهشت — از پی استبرق و کافور شد
از فروغ روح آن عالیجنـاب — جنةالمأوی سراسر نور شد
گفت تاریخ وفاتش پیـر عقل — با علی و مصطفی‌محشورشد

در دو مصدر سابق الذکر و بوستان پیغمبر و شجره طیبه نیز با مضمون تحفه‌مذکوراست ،

---

* تنها مدرکی که‌متعرض شرح حال این شاعر شده (وادی ایمن) است که گفته ((عیـشی اسم‌او میرزا رضا از اهالی اصفهان بود مدتهای مدید در هندوستان به قلیل تجارتی مشغول و از آن اوقات‌بسر میبرد ، مردی بشاش و خوش‌گذران و در بند بعضی چیزها نبود بنابراین عیشی تخلص میکرد ، القصه چند سال را بزعم خود در هند که کل مکروه جائز خوش‌گذرانید ، با فقیر در هند بارها اتفاق ملاقـات شد ، طبع خوشی داشت ، از اشعار او قطعه‌ای که از کلکته در جواب خط میر عبداللطیف خـان شوشتری (مؤلف تحفةالعالم) گفته و به حیدرآباد دکن بنزد آن مرحوم فرستاده بود با دو غزل دیگرحاضربود در این تذکره ثبت خواهد شد انشاءالله‌تعالی ، چند سال قبل میرزای مذکور از کلکته از راه خشکی روانه حیدرآباد دکن شده بود و از آنجا در بمبئی و سورت رفته چندی درآن دیار مانده در این روزها (حدود ۱۲۳۵) میشنوم که فوت شده ، خدا از سر تقصیراتش بگذرد و بیامرزد)) آنگاه اشعار او را نقل کرده ،

ودر (تاریخ گلزار اصفیه : ۲۱۸) ذیل ترجمه‌فرزندش سیدمحمدحسن‌خان فرموده (پدرخان مذکور سید بزرگواری بود به زهد و تقوی آراسته و در مرشدآباد در علو مدارج و مراتب زندگی بسر بردکه‌حاکمان وفرمانروایان آنجا مثلا "مبارک الدوله وپسرش عالیجاه‌جنابعالی هر زمان و هر وقت رضاجوی خاطر شریف او میبوده نمیگذاشتندکه‌یکدمی نوع دلرنجی او شود و آن سید بزرگوار عالمی بود و هم صاحب راءی که در آنوقت نظیر خودنداشت ،اکثر حکام و فرمانروایان آنجا از رای سلیم سید بزرگواری تجاوز نمی کردند و برگفته او عمل مینمودند و در زمانه جناب عالیجاه بهادر فرزند نواب مبارک الدوله بهادر ناظم مناظم صوبه بنگاله در آنجا روح قدسش بروضه رضوان خرآمیده در یکی از باغات آن شهرمدفون گردید و برای شرافت مقبره شریف او از طرف جنابعالی فرمانروای آنجا مسجدوعاشورخانه وخانقاه‌متصل مرقدش احداث شده‌موقوفات بسیار وقف مصارف مرقدمطهرش‌گردیدواززبان صادر وارد و مردمان مرشدآباد شنیده‌میشودکه‌مرقد مبارک سید بزرگوار مطاف مشهوره مردمان آنجا هست) و در جای دیگر او را سید عبدالمهدی صاحب نامیده ،

و در شجره نوریه در باره‌اش نوشته (جامع المعقول والمنقول مجتهد الزمان المعروف‌بین الانام ، طاب ثراه ، توفی فی مرشد آباد بنگاله ،

چهار پسر از او مخلف شد یکی در شوشتر سید فرج الله۵ ، سه در بنگاله سیدحسن۵ ،سید حسین۵ ، سید محسن ۵ ، * که در (شکوفه‌یازدهم) مذکور میشوند

* (تحفه‌العالم: ۱۲۷)

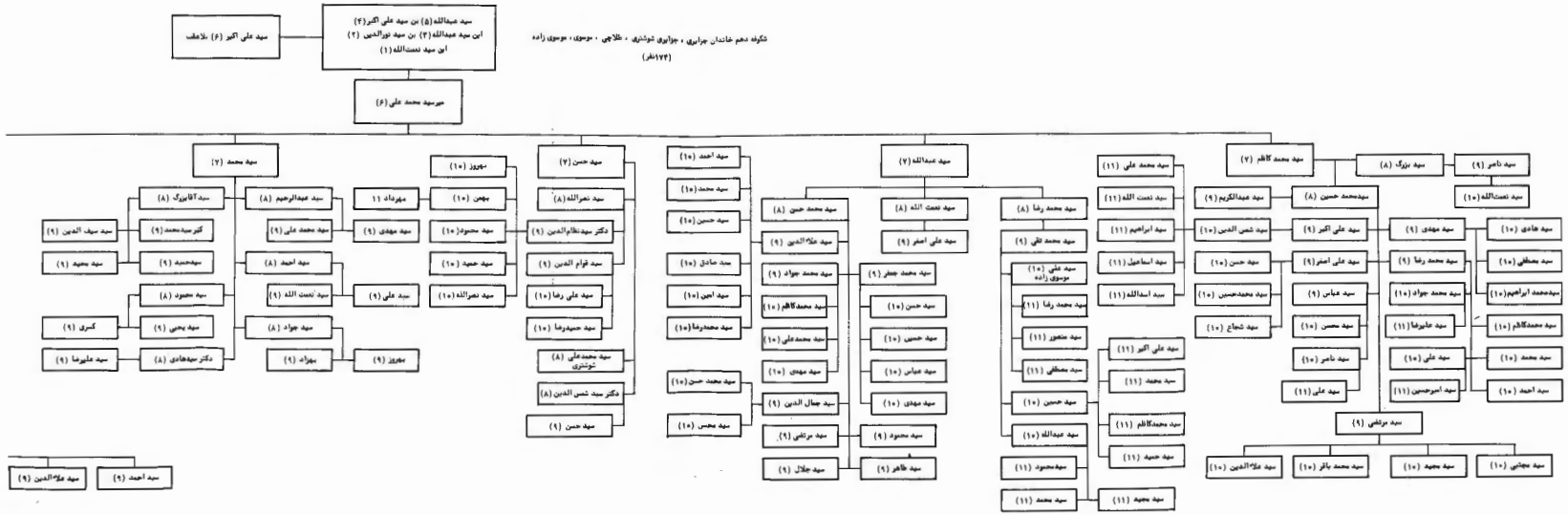
سید عبدالله (۵) بن سید علی اکبر (۴)
ابن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲)
ابن سید نعمت‌الله (۱)
سید علی اکبر (۶) ملاعف
میرسید محمد علی (۶)
شکوه دهم خاندان جزایری ، جزایری شوشتری ، خلاجی ، موسوی ، موسوی زاده
(۱۷۴نفر)
سید محمد (۷)
سید حسن (۷)
سید عبدالله (۷)
سید محمد کاظم (۷)
سید احمد (۹)
سید علاءالدین (۹)

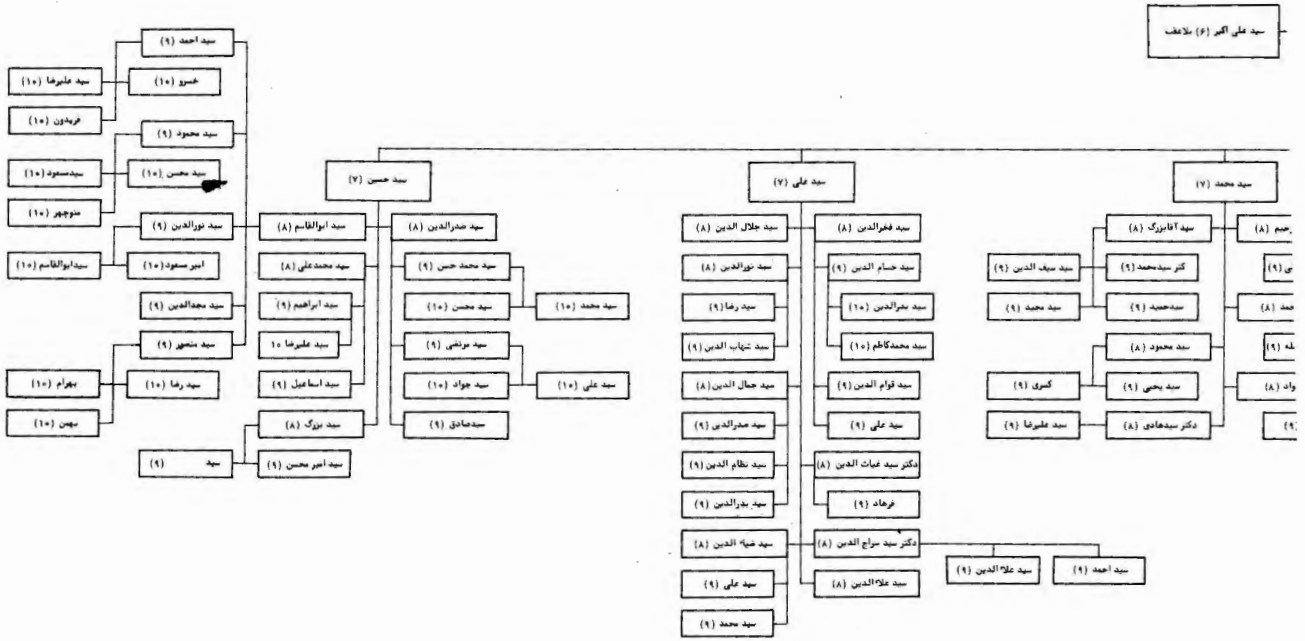
سید علی اکبر (۶) ملاعف
سید محمد (۷)
سید آقابزرگ (۸)
سید سیف الدین (۹)
کنز سیدمحمد (۹)
سیدحمید (۹)
سید مجید (۹)
سید محمود (۸)
کسری (۹)
سید یحیی (۹)
دکتر سیدهادی (۸)
سید علیرضا (۹)
سید علی (۷)
سید فخرالدین (۸)
سید حسام الدین (۹)
سید بدرالدین (۱۰)
سید محمدکاظم (۱۰)
سید قوام الدین (۹)
سید علی (۹)
دکتر سید غیاث الدین (۸)
فرهاد (۹)
دکتر سید سراج الدین (۸)
سید علاءالدین (۸)
سید علاءالدین (۹)
سید احمد (۹)
سید جلال الدین (۸)
سید نورالدین (۸)
سید رضا (۹)
سید شهاب الدین (۹)
سید جمال الدین (۸)
سید صدرالدین (۹)
سید نظام الدین (۹)
سید بدرالدین (۹)
سید ضیاء الدین (۸)
سید علی (۹)
سید محمد (۹)
سید حسن (۷)
سید صدرالدین (۸)
سید محمد حسن (۹)
سید محسن (۱۰)
سید محمد (۱۰)
سید مرتضی (۹)
سید جواد (۱۰)
سید علی (۱۰)
سیدصادق (۹)
سید ابوالقاسم (۸)
سید محمدعلی (۸)
سید ابراهیم (۹)
سید علیرضا ۱۰
سید اسماعیل (۹)
سید بزرگ (۸)
سید امیر محسن (۹)
سید (۹)
سید احمد (۹)
خسرو (۱۰)
فریدون (۱۰)
سید محمود (۹)
سید محسن (۱۰)
منوچهر (۱۰)
سید نورالدین (۹)
امیرمسعود (۱۰)
سیدمسعود (۱۰)
سیدابوالقاسم (۱۰)
سید مجدالدین (۹)
سید منصور (۹)
بهرام (۱۰)
سید رضا (۱۰)
بهمن (۱۰)
سید علیرضا (۱۰)

شکوفه یازدهم

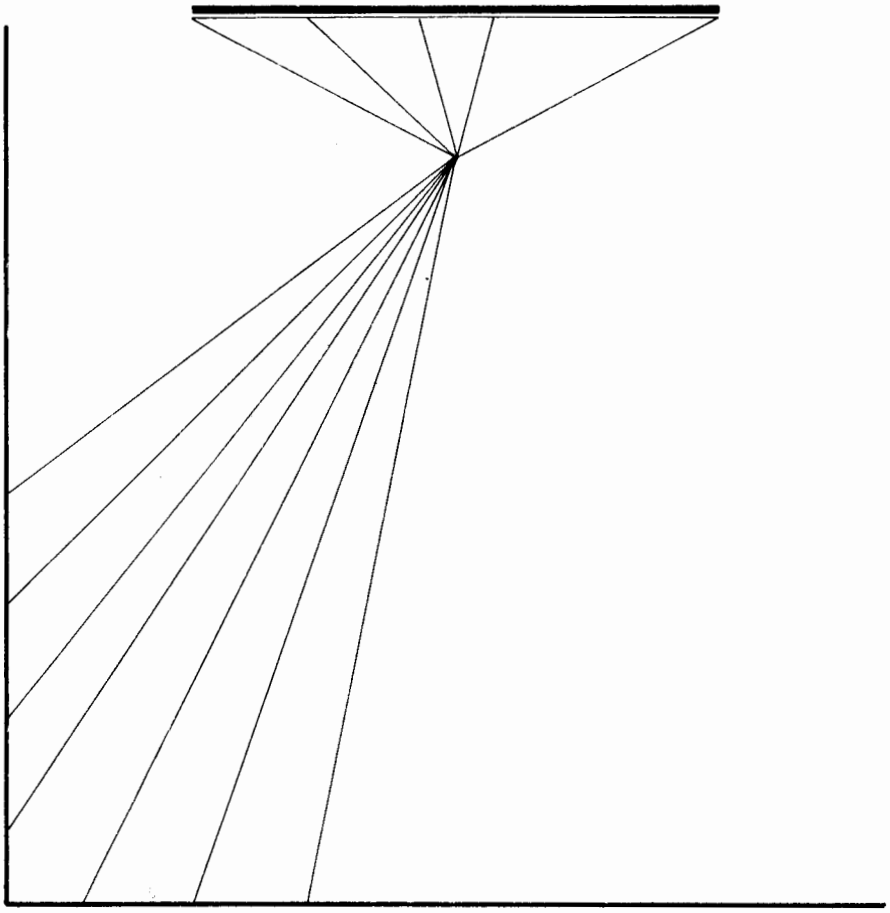

* شکوفه یازدهم *

خاندان حقیقت

سید فرج الله ۵ بن سید عبدالمهدی ۴ بن سید عبدالله۳ بن سید نورالدین ۲ سه پسر داشته : سید محمد ۶ ، سید نعمت الله ۶ ، سید مهدی ۶ *

در بوستان پیغمبر گوید: در شجره‌ای که مرحوم آقاسیدنورالدین امام نوشته فرزندچهارمی از برای سید فرج الله نگاشته بنام سید حسین‌واو یک پسر داشته سید عبدالکریم الخ ،

نگارنده گوید این نقل خالی از تحریف نیست چه آنکه عبارت شجره امام که همان شجره طیبه است چنین است (از اعقاب سید عبدالمهدی ، سید عبدالکریم نامی بوده که تا شصت هفتاد سال قبل حیات داشته ، گویند او پسر سید حسین نام فرزند سید فرج الله مزبور بوده‌است ، اما در تحفه وشجره‌مطبوعه سید حسین نامی دراولادسیدفرج‌الله‌نیست ، پس باید گفت که‌تولد سید حسین مزبور پس از تاٴلیف تحفه‌بوده ، یا سید عبدالکریم پسر سید حسین برادر سید فرج الله است که از بنگاله به‌شوشتر آمده است الخ)

و در هرحال سید عبدالکریم ۶ مذکور را دو پسر بوده: سید حسین ۷ ، سیدهادی ۷ ،

از سید حسین ۷ یک پسر ماند سید مهدی ۸ نام که به سید مهدی حقیقت شهرت دارد و او را پسری است سید عبدالمجید ۹ نام بطوریکه در شجره طیبه‌است ،

در بوستان پیغمبر پسر دیگری بنام سید محمد ۹ از قول شجره طیبه ثبت کرده ،امادرآنجا مذکور نیست ،

وازسید هادی ۷ بن سید عبدالکریم ۶ ، سید باقر ۸ نامی مخلف شده‌بود که چندی قبل وفات‌کرد و از او دو پسر مانده : سید علی محمد ۹ ، سید هادی ۹ **

سید نعمت الله ۶ بن سید فرج الله۵ یک پسر داشته سید شریف ۷ ، و او را یک پسربود سید کاظم ۸ واز اویک پسر بعمل آمد سید حسین ۹ و او دارای یک پسر بود :

سیدطاهر ۱۰ ، بطوریکه‌دربوستان‌پیغمبر است ، اما در شجره‌طیبه‌عقبی برای‌سیدنعمت‌الله ۶ ننوشته ،

سید مهدی ۶ بن سید فرج الله۵ در تحفه مذکور است ، اما در شجره‌نوریه بجای او سید عبدالله است که اشتباه‌است ،

سید حسن ۵ بن سید عبدالمهدی ۴ را صاحب تحفه‌ترجمه‌نکرده ، و در شجره نوریه محمد حسن است ویک پسر برای او ثبت کرده سید ابوالقاسم ۶ ،

---

* (تحفة‌العالم: ۱۷۷)

** شجره طیبه

نگارنده گوید:وی از بزرگان دانشمندان هندوستان بوده ودر (۱۲۵۵= پیغامبر) درگذشته، در (تاریخ گلزار اصفیه: ۳۱۷) چنین مذکور است (میرمحمدحسن خان بهادر مشهور به میر حسن صاحب خلف ارشد واکبر سید عبدالمهدی صاحب مرحوم عموزاده‌حقیقی میرعالم بهادر مغفور وزیر سرکاراصفیه آدام اللهاقبالهاست

در زمانه‌منیرالملک امیرالامرا بهادر وزیر سرکار اصفیه از مرشد آباد دارالحکومه‌بنگاله‌وارد حیدرآباد گردیده‌موافق استدعاء وزیر باتدبیر بهادر موصوف در عقب مکان درگاه حضرت عباس علم بردار حسین شهید علیدلسلم سکونت نمودند کهاو بعد مدت قلیل بسعی امیر الامرا بهادر،شادی خان مذکور از دخترخان ایران‌بهادر که از بطن ریاض النساء بیگم صاحبه‌صبیه نواب میر نظام علیخان بهادر غفران ماب بود گردید و از او یک پسر و یک دختر بوجود آمده تاحال تحریر این تاریخ(۱۲۵۸)موجودند ،

وبعدکتخدائی از ماهوار یک هزار روپیه نقل سرفراز شد و پس از مدت دراز در زمانه‌کلان صاحبی متکلف ، صاحب بهادر سفیر کلاه پوشان بسفارش او ومعروضه منیرالملک بهادر منصب مناسب وجاگیر سیر حاصل قصبه کهرالهوبدنوروغیره دیهات قریب‌پانزده‌هزارروپیه سالیانه‌محاصل ازسرکار حضور پرنور نواب سکندرجاه بهادر مغفرت منزل مرحمت شده در نظر همگنان و بنی اعمام گوی سبقت بورزد

واین‌عاصی محرر اوراق بسیار مراتب شرف اندوز ملاقات بافیض اوشد وعالمی‌دیدم‌متبحر در علوم عقلی ونقلی وغیر ذلک مرتبه کمال داشت ودرویشانه‌مزاج میداشت که ده بیست کس مغیله و نجباء وشرفاء شهرهر روز از شیلان بافیضان او بهره ور ولذت یاب میشدند ودرسنه یکهزارودوصدوپنجاه وپنج بعهد حکومت نواب قمر کاب ناصرالدوله بهادر ازاین سرای فانی رخت هستی بملک جاودانی بر بست)

سید حسین ۵بن سید عبدالمهدی ۴ را در (تحفة العالم : ۱۷۷) چنین معرفی کرده (به کسب اخلاق‌فاضله شائق و در مکارم اخلاق از برادران دیگر فائق است ، اولاد او سید مهدی ، سید هادی ، سید عبدالسلام)

در شجره نوریه او را محمد حسین واولادش را چهار نفر بدین‌نحونوشته :سیدمحمد مهدی ۶ ، سید محمدهادی ۶ ، سید محمد علی ۶، سید عبداللطیف ۶ ،

که‌بایدگفت‌عبداللطیف اشتباهوعبدالسلام درست‌است ،واگروجود محمدعلی ثابت شدباید پس ازاو ذکرشود ، و همانطور که‌گذشت محتمل است سید عبدالکریم مذکورهم فرزند او بوده ،

سید محسن ۵بن سید عبدالمهدی ۴ در تحفه ترجمه‌ای ندارد ، اما در شجره نوریه او را محمدمحسن‌نامیده و مصنف (مقصد الزائر) معرفی کرده ،

در بوستان پیغمبرگوید (سید محسن بن سید عبدالمهدی عالمی جلیل‌وفاضلی نبیل‌بوده

کتابی تألیف نموده بنام مقصد الزائر) و بطوریکه‌معلوم است آنچه را نوشته‌ازهمان‌شجره نوریه گرفته ، و چنانکه از نام کتاب برآید موضوع آن زیارات است ، اما نام این کتاب در هیچیک از فهارس مذکور نیست وبر علامه تهرانی بود که دو الذریعه آنرا بنویسد ولی از او فوت شده و نسخه‌اش را کسی سراغ ندارد ،

و چون این‌خانواده در بنگاله‌بوده‌اند اطلاعات درستی از اعقاب آنان‌در دست نیست .

و اما سید ابوتراب ۴ هشتمین فرزند آقا سید عبدالله۳ در (تحفةالعالم : ۱۲۷) چنین است (در علوم مبادی و فقه در سلک خواص و در شوشتر به تدریس وامامت یکی ازمدارس و مساجد جزء اختصاص دارد) درشجره نوریه معنی جزء را نفهمیده و نوشته (عالم فاضل و مدرس مدرسه جزء و امام مسجد جزء) ، در (اعیان‌الشیعه ۶ : ۲۴۰) و بوستان پیغمبر،و (دائرة معارف الشیعه جواهر کلام ۶ : ۷ ببعد) زیر عنوان جزائری بشماره (۷) و شجره طیبه ، و (الکرام البرره : ۲۸) و (الکنی والالقاب ۲ : ۳۰۰) و (نجوم السماء : ۳۳۱) با همان مضمون‌تحفه‌ترجمه شده ، و بعضی از آنها از آنجمله‌بوستان پیغمبر و الکنی و الالقاب افزوده‌اند که در (۱۲۰۰) وفات کرده ، اما این‌تاریخ غلط است چه‌آنکه از ظاهر عبارت‌تحفه حیات وی استفاده میشود پس‌وفات او بعداز تالیف آنکتاب (۱۲۱۶) بوده ، در هرحال سید ابوتراب مزبور اهل فضل وکمال بوده‌وبهند سفر کرده ،

نسخه‌ای از (کفایه‌منصوری)* را در مکه معظمه‌نوشته ، و ملحق به‌آن (خرقه)** است که درآخر آن این عبارت دیده‌میشود (قدتم‌هذا الکتاب فی تاریخ یوم‌الخمیس ۱۷

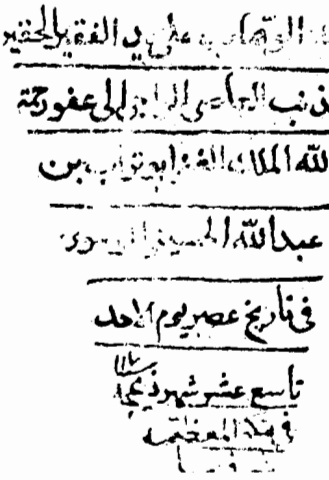

* در طب تألیف منصوربن محمدبن یوسف بن‌احمدبن‌الیاس ، در ۲۵۵ صفحه بامیزان‌الطب، و دلائل‌النبض ، و دلائل‌البول ، و رساله بحران ، و چوب چینی ، در مطبعه قاسمی‌نولکشوراز(۱۹۱۴ م تا ۱۹۱۵ م) چاپ شده ، وی غیر از صاحب تشریح الابدان است زیرا او منصوربن‌محمدبن‌احمد بوده ،

** در تقویت باه تألیف مرتضی قلی شاملو یا محمدبن‌محمدمؤمن حکیم ، درهند چاپ شده ،

ج ۲ــ ۱۱۷۱ علی یدافقر عبادالله‌الغنی ابوتراب بن عبدالله‌الحسینی الموسوی‌الشوشتری فی‌بلدة‌مخافی داخل بیت امیرپولاد) ویک صفحه مشتمل بر دیباچه شرح مدینه النحوپدر بزرگوارش را دیدم و نمیدانم موفق به‌نوشتن این شرح شده‌یا فقط همان‌یک صفحه رانوشته ، و دو پسر داشته : سید عبدالله۵ ، سید زکی ۵ ،* که در (شکوفه‌دوازدهم)بیآیند ،

---

* (تحفه العالم: ۱۲۷) وشجره نوریه ،

شکوفه یازدهم خاندان حقیقت
(۲۱ نفر)

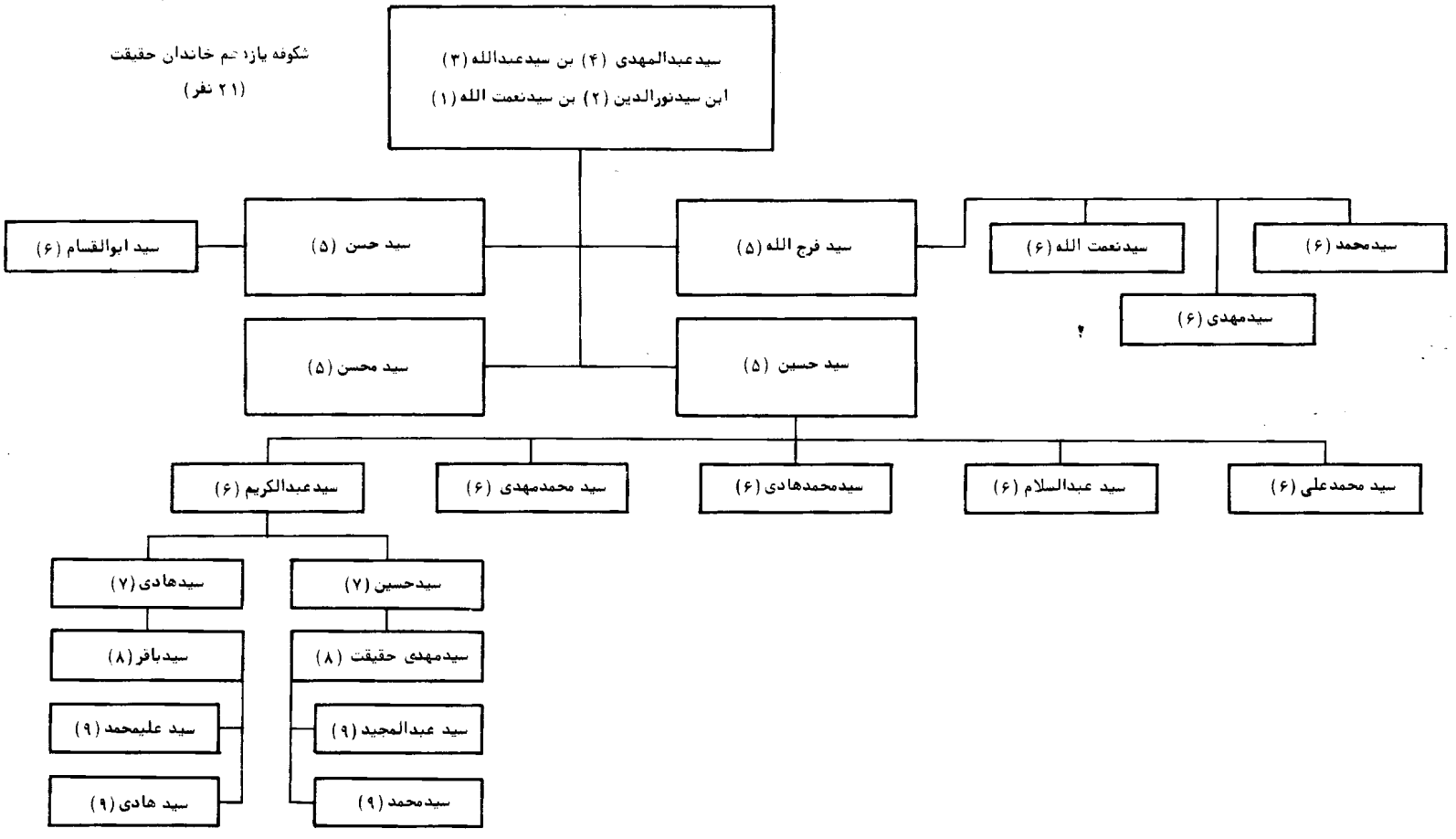

شکوفه دوازدهم

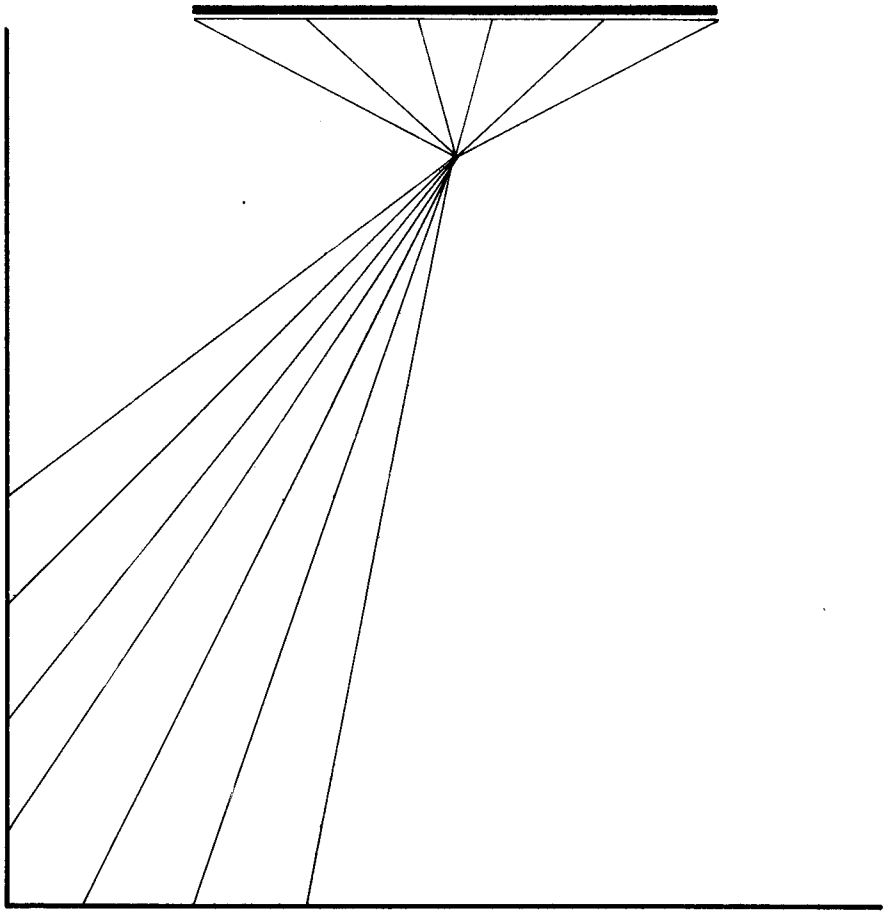

* شکوفه دوازدهم *

خاندان صحاف

سید عبدالله۵ بن سید ابوتراب ۴ را در (تحفةالعالم : ۱۷۷) چنین معرفی‌کرده (احوال او را شنیده‌ام که‌در تحصیل علم دست وپائی زده‌لیکن بجائی نرسیده ، از اویک‌پسراست سیدمحمدحسین) ،

سیدمحمدحسین ۶ بن سید عبدالله که در تحفه وشجره‌نوریه‌باین نام نامیده شـــده ، در شجره طیبه‌او را سید محمد معروف به ابوتراب معرفی کرده ، ولی در بوستان‌پیغمبرهم‌سید محمدحسین است ، وسید ابوتراب فرزند او معرفی شده ، وبنظر ماهیمن درست است واواز طبقه‌هفتم است پس گوئیم :

سید ابوتراب ۷ در مسجد حاج زمان در شوشتر امامت مینمود واو یک پسر داشته سیدمحمد۸ ، که او نیز در همان مسجد امام بود معروف به سید آقائی که در سن چهـــل سالگی‌درروزچهارشنبه(۲۲-ع۲-۱۳۰۹=فروع‌دیده)درگذشته‌بطوریکه‌ازاین‌مرثیه‌اش‌معلوم‌میشود

عجب گلی فلک از باغ بو تراب گرفت — که تا بحشر ز چشم جهان گلاب گرفت
بنام بود محمد سمی جد گرام — که صبروطاقت وآرام شیخ و شاب‌گرفت
ز عمر خود بجهان بر خورد اگر ولیک — زدست ساقی کوثر شراب نـــاب‌گرفت
نشد از او دلی آزرده در حیـــات‌اما — زمرگ خود دل خلقی درالتهاب‌گرفت
بدور عمر چهل ساله بود شد ز میـان — بما مصیبت او راه خورد و خواب‌گرفت
چهار شنبه و بیست و دو از ربیع دوم — هزار وسیصد و نه بود کافتاب گـــرفت
فسرده باغ نبی باغبان دهر چـــــرا — ز چشم ما نه اگر (آنجناب ظ) گرفت

و او نیز یک پسر داشت سید عبدالله۹ نام که در (۱۳۱۷= متواضع) درگذشت ، واز وی دو پسر مخلف گردید : سیدمحمدعلی ۱۰ ، سید نعمت الله۱۰*

سید محمدعلی ۱۰ در (۱۳۲۴= دردظاهری) وفات کرد ، یک پسر از او مخلف شد : سیدمحمد۱۱ متولد (۱۳۲۳) که فعلا" درآبادان است ،**

سید نعمت الله ۱۰ متولد (۱۲۹۸= خواستگاری) و متوفی حدود (۱۳۷۵= مشغله) ، به طوریکه در بوستان پیغمبر است (از اخیار و ابرار روزگار مقدمات را یک اندازه‌دیده‌خیلی عفیف النفس‌و پرهیزگار ومتواضع بود ،رشته کسب را اختیار نموده‌لذا مشهور شده به سید نعمت الله صحاف) یک پسر از وی مخلف گردید سید محمدرضا ۱۱ که از او دو پسر بجا ماند : سید نعمت الله ۱۲و سید محمد ۱۲ ،

* بوستان پیغمبر و شجره‌طیبه ،

** بوستان پیغمبر

و پوشیده نباشد جمعی از سادات در نجف سکونت دارند که به (آل‌حجار) معروفندوخود را اولاد سید حسین ۶ نام فرزند سید عبدالله۵ بن سید ابوتراب ۴ میخوانند و میگویند سید عبدالله از شوشتر به نجف آمد و خاندان ایشان را تشکیل داده، ولی اعقاب سید ابوتراب این حرف را کاملا " تکذیب میکنند *

وسیدزکی ۵ دومین پسر سید ابوتراب ۴ بن سید عبدالله۳ که در شجره نوریه محمد زکی است اولاد ذکور نداشته **

و اما سید محمد امین ۴ نهمین فرزند آقا سید عبدالله۳ ، سیدی نیکو اطوار و اولاد او منحصربه‌یک‌پسرسیدمحمد۵بوده*** که‌در (شکوفه‌سیزدهم) نگارش یابد ،

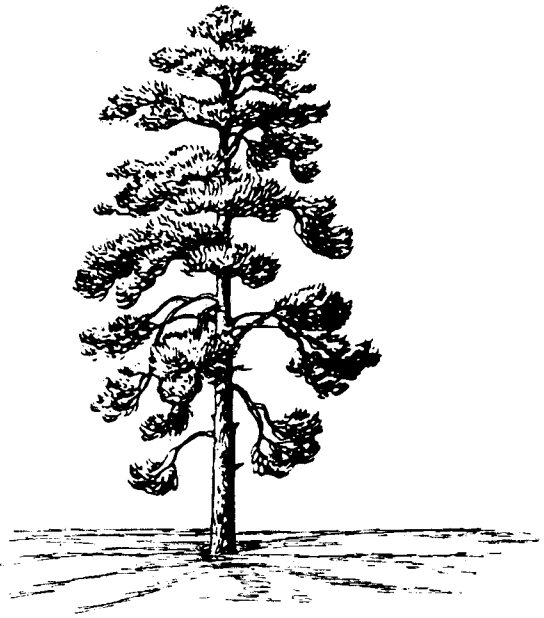

---

* شجره طیبه

** بوستان پیغمبر و شجره طیبه

*** (تحفه العالم: ۱۲۷) و (الکرام البرره: ۱۵۷)

شـــکـــوفـــه دوازدهـــم

خاندان صحاف

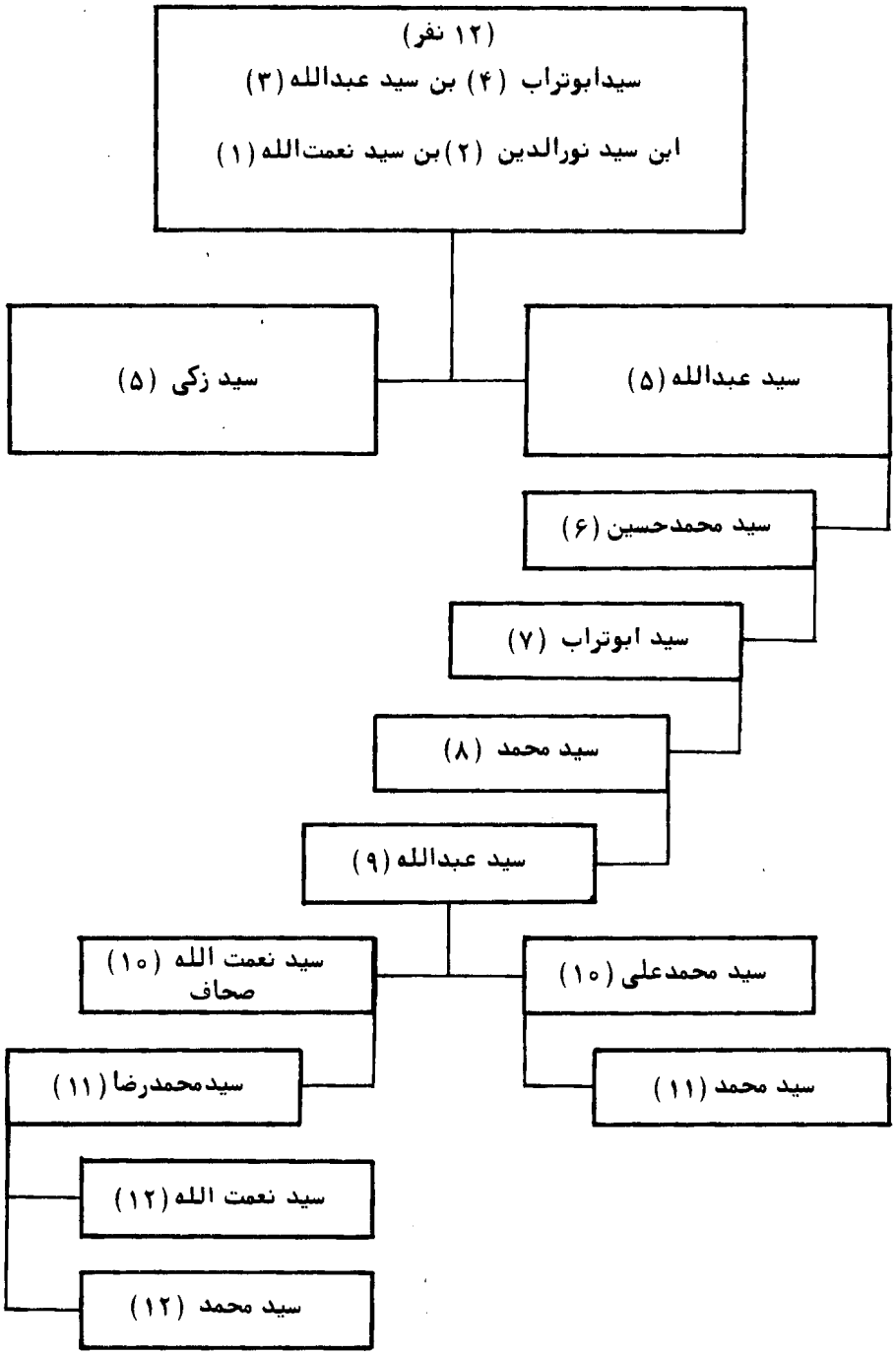

شکوفه‌سیزدهم

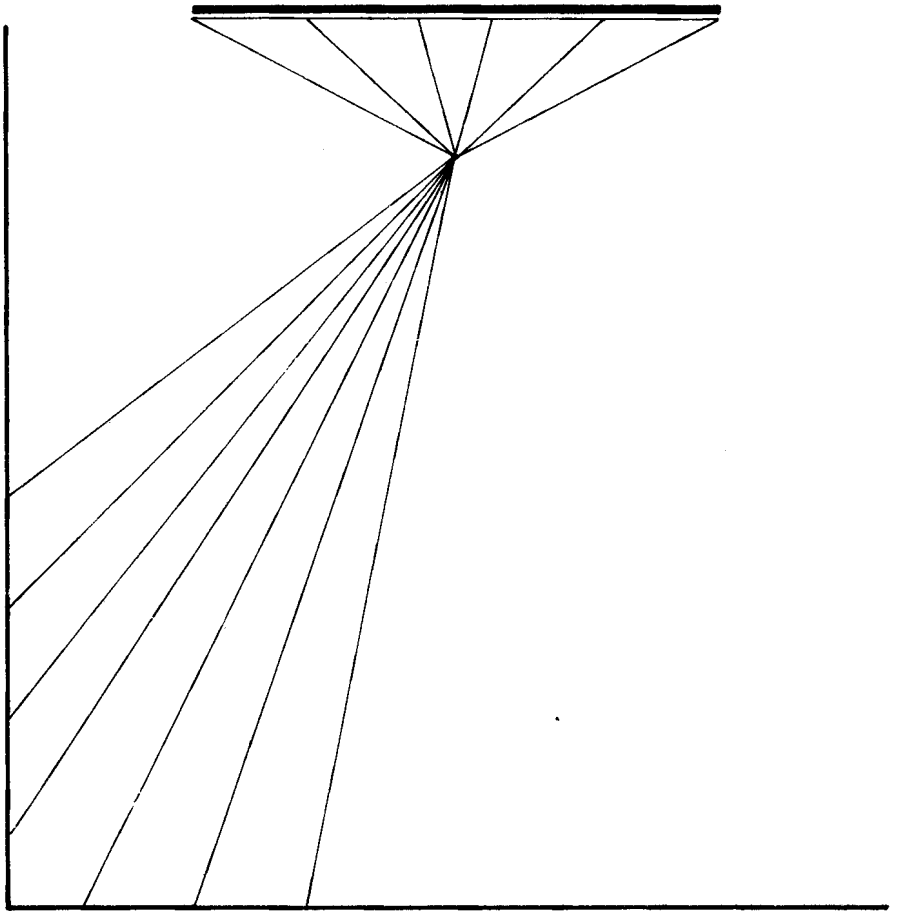

* شکوفه سیزدهم *

خاندان حسن زاده ، شرافت ، شریعت ، عطار ، مطلق ، موسوی ،
سید محمد ۵ بن سید محمدامین ۴ بن سیدعبدالله۳ بن سید نورالدین ۲ خط نسخ را خیلی خوب مینوشت و به اجرت کتابت گذران مینمود ، سفری بهحیدرآباددکن‌رفت‌نیابت حج و خراسان میرعالم را * باو دادند ، از او دو پسر مخلف شد : سیدحسن ۶ ، و حاج سیدنعمت الله ۶ ،**

سید حسن ۶ در (۱۲۹۰= رخصت) فوت شده** وطبق وصیت به فرزندش‌درنزدیکی خانه خود در (محله سادات) کهاز محلههای شوشتر است او را بخاک سپردند که برای فرزندش زیارت مزار او آسان باشد ، و در اثر دوری راه بزحمت نیفتد ، واو یکپسرداشته سیدمحمد ۷ که سیدی جلیل‌القدر بی آلایش بود** و در (غره ــ شوال ــ ۱۳۴۸) درگذشت و در مقام حسین مدفون گردید بطوریکه از فرزندش حاج سید عبدالله ۸ (سلمه الله) شنیدم ،

و از او دو پسر بعمل آمد : سید نعمت الله ۸ حاج سید عبدالله ۸ حسن زاده ،

سید نعمت الله ۸ در (۱۳۳۷= غالب شد) درگذشتودر سید صالح مدفون‌گردید ، دارای یک پسر بود که در کودکی پس از وفات او بهاندکی وفات نمود ،بنابهاظهارات‌شفاهی آقای حاج سید عبدالله ۸ (سلمهالله) برادر وی ، در شجرهطیبهاو را بلاعقب نوشته ،

و حاج سید عبدالله ۸ حسن زاده (مشارالیه) متولد حدود (۱۳۰۱) ، اکنون شیخ الطائفه و معمرترین سادات جزائری وساکن اهواز است ، سیدی جلیل دارای اخلاق‌پسندیده‌است، مدتها در شوشتر بهخیاطی مشغول وچندی هم امامت جماعت مینمود ، اما اکنون مدتهاست بواسطهکهولت وکبر سن خانهنشین است و کمتر بیرون میرود ، اولادذکورش پنج نفر بودند : سیدعلی محمد۹ ، سید محمد ۹ ، سید هاشم ۹ ، سید حسین۹ ، سیدمحمدعلی۹ ، سید علی محمد ۹ بن سید عبدالله۸ مقیم اهواز خیاط بود ، در صبحسهشنبه (۲۷ــ محرم ۱۳۹۷= پذیرفته) درگذشت و در بهشت آباد مدفون گردید ، پنج پسر از وی یادگار ماند: سید محمدحسن۱۰ ، سیدمحمدحسین۱۰ ، سیدمحمد۱۰ ، سیدمهدی۱۰ ،سید محمود ۱۰ ، و سید محمد حسن ۱۰ را تاکنون یک پسر است سید محمد رضا ۱۱ نام ،

سیدمحمد۹ بن سید عبدالله‌متولد (۱۳۵۰) کاسب ساکن اهواز است وسه پسر دارد : سید محمدرضا۱۰ متولد (۱۳۸۱) ، سید ابوالحسن۱۰متولد (۱۳۸۳) ، سیدمحمدعلی۱۰متولد (۱۳۹۰) ،

---

* (میرعالم) سید ابوالقاسم ۴بن سیدرضی ۳ بن سید نورالدین ۲در شاخه ششم بیآید ،

** بوستان پیغمبر و شجره طیبه

سیدهاشم ۹ بن سید عبدالله۸ ، در شوشتر تحصیل علوم دینیه‌نمودومدتی هم درنجف اشرف بوده‌واکنون چندسال است که در (میان‌کوه) از مناطق نفت خیزخوزستان‌بسرمیبرد وامام جماعت وروحانی آن محل است وچهار پسر دارد : سید مصطفی ۱۰ ، سیداحمد۱۰ ، سیدمحمود۱۰ ، سید ابوالقاسم۱۰ ،
سیدحسین۹ بن سید عبدالله۸ تاکنون یک پسر دارد سید مرتضی۱۰ ،

آقای‌سیدعبدالله‌حسن‌زاده

آقای‌سیدمحمدحسن زاده

آقای‌سیدحسین‌حسن‌زاده

وحاج سیدنعمت‌الله۶ بن‌سید محمد۵ بن‌سید محمدامین ۴ ،متولد (۱۲۲۷=خبیرعالیقدر) عالمی کامل بوده ،در (بوستان پیغمبر) و (زندگانی وشخصیت‌شیخ‌انصاری : ۲۸۹) شرح حال او را از شجره طیبه نقل کرده‌اند وآن چنین‌است (مدتی در محضر شیخ محمدحسین صاحب فصول وشریف‌العلماء به‌تحصیل فقه‌واصول اشتغال‌داشت تا اجازه‌اجتهاد یافت وبه شوشتر برگشت ، ودر شوشتر حوزه‌درسی تشکیل داد ومرجعیتی پیدا نمود ، و در مسجد سیدقطب الدین‌امامت میکرد ، ودرسن هشتادوسه‌سالگی در (۱۳۱۰= ضیقت)وفات‌کرد ، حاشیه بر رساله‌استصحاب صاحب فصول نوشته‌وحاشیه‌ای بر قوانین هم دارد) ،
نگارنده گویدمدفنش دربقعه‌سیدقطب‌الدین است‌بطوریکه آقای‌حاج‌سیدعبدالله‌حسن‌زاده اظهارنمود ، و اولاد ذکورش دو نفراند : سید محمدعلی ۷ ، سید حسین ۷ ،
سید محمدعلی ۷ بن‌سیدنعمت‌الله۶ سیدی فاضل‌ومقدس بوده ، وسالها از محضر علامه انصاری وحاج سید علی شوشتری استفاده کمال نمود ، در (۱۲۵۹= درخت امید) متولد و در (۱۳۱۳= مسجدشوشتر) متوفی گردید * و در بقعه سید قطب الدین در شوشتر مدفون است بطوریکه از سید سابق الذکر شنیدم ،
چهار پسر از وی مخلف شد : سیدجعفر ۸ ، سیدنعمت الله۸ ، سیدبزرگ۸ ، سیدهادی ۸** سیدجعفر ۸ بلاعقب بوده‌ودر سید قطب الدین مدفون است ،

---

* شجره‌طیبه ، و این ترجمه در (بوستان پیغمبر) و (زندگانی وشخصیت شیخ‌انصاری: ۲۸۹) منقول است ،

** در بوستان پیغمبر بدین ترتیب نوشته‌است : سید بزرگ وسید جعفر وسیدمحمدهادی و سید نعمت الله ،

سید نعمت‌الله۸ نیز بلاعقب درجوانی درگذشت ودروادی السلام نجف اشرف‌مدفون‌است
سیدبزرگ۸ ملقب به (عطار) صاحب اخلاق‌حسنه‌بود وقریب صد سال عمـر کرد ، در
(۱۳۸۱= خذلان) درگذشت ،جنازه‌اش را به‌نجف اشرف‌برده دروادی‌السلام دفن‌نمودند ،
دو پسر از او بجای ماند : سید محمد حسن ۹ ، سید محمد جواد۹ ،
سید محمدحسن ۹ فرزندی ندارد ،
سیدمحمد جواد۹ ملقب به (شرافت) اخیرا" منتقل به‌تهران شده ، از فرهنگیان با ایمان
وفاضل‌است، بیان‌وبنانی‌روان‌داردوکتابش (فاطمه‌زهرا) علیهاالسلم (ترجمه کتاب عباس)
محمودعقادمصری) که در ۱۳۴ صفحه‌بی تاریخ چاپ شده‌گواه برآن است ، واوراچهارپسر
است سیدمحمود۱۰ ، سید مرتضی۱۰ ، سید محمدعلی۱۰ ، سید مصطفی ۱۰ ،
سیدهادی ۸ که‌دربوستان پیغمبر محمدهادی‌است در(۲۰ـ ج ۲ـ ۱۳۴۸=حادثات‌روزگار)
درگذشت و در امام‌زاده عبدالله شوشتر درمقبره‌هاشمیها مدفون گردید بطوریکه‌شنیدم‌از
یگانه پسرش سیدمحمدجواد۹
وسیدمحمدجواد۹ ملقب به‌موسوی متولد (۱۳۴۱) سیدی جلیل نیکو خصلت است‌ومدت ها
در خرمشهر بوده‌واخیرا" منتقل‌به‌اهواز شده‌و به‌تجارت مشغول است وسه پسر دارد : سید
محمدهادی۱۰ متولد (۱۳۶۸) سیدمحمدمهدی۱۰ متولد (۱۳۷۴) ، سیدحسین۱۰ متولد
(۱۳۷۸) ،
وسیدحسین۷ بن سید نعمت الله ، سیدی فاضل و مقدس وبه‌اجراء صیغه.طلاق مشغول‌بودو
از اینرو به‌سید مطلق معروف شد ،
تولدش در (۱۲۶۴= استخبار)و وفاتش در (۲۴ـ شوال ـ۱۳۵۱= تناقض) واقع گردید ،و
دو پسر از او بعمل آمد : سید محمد ۸ ، سید علی ۸ ،
سیدمحمد در (۱۳۳۰ = شغل) در حیات پدر درگذشت ودو پسر بجای گذاشت : سیـــد
عبدالله۹ ، سیداسدالله۹ ،
سید عبدالله۹ در علی بن مهزیار مدفون است ویک پسر از او بجای ماند سید باقر ۱۰ ،
سید اسدالله۹ در وفات نموده‌ویک پسر از وی باقی ماند
سید علی ۸ بن سید حسین ۷ مطلق متولد (۱۳۰۲= اقتضا) و متوفی در دو
پسر داشت : سید علی اکبر ۹ ، سید کاظم ۹ که لقب هر دو (شریعت) است .
سید علی اکبر ۹ شریعت در قم مدفون است ودارای سه پسر بود : سید علاءالدین ۱۰ ،
سید ضیاءالدین۱۰ ، سید بهاءالدین ۱۰ ،
سید علاءالدین۱۰ را اکنون یک پسر است سید مجید ۱۱ ،
سید ضیاءالدین ۱۰ نیز اکنون یک پسر دارد سید محمد ۱۱ نام ،

سید بهاء الدین ۱۰ در حیات پدر درگذشت ودر علی بن مهزیار مدفون شد ،
سید کاظم ۹ شریعت مقیم آبادان است ودو پسر دارد : سید بزرگ ۱۰ ، بهروز ۱۰ ،
واما سید عبدالسلام ۴ دهمین پسر آقا سید عبدالله۳ در (تحفةالعالم : ۱۲۸) چنین مسطور است (در محکمه والااز اجله عدول ، برتق وفتق مخاصمات مشغول ،طلاق کهابغض مباحات و تفریق زوجات است باو مرجوع ، و بنهج ستوده از او برقوع میآید ،)
علامه‌تهرانی او را ترجمه کرده وبه‌تحفه نسبت داده‌که در باره‌اش چنین گفته (موثقی عادل مرجع قضاء درهند است) اما چنانکه دیدی در تحفه‌چنین چیزی وجودنداردواین‌مطلب اشتباه‌است ، و در (۱۲۰۱) نسب نامه (سادات قاری) شوشتررا که‌درطوماری‌بلندنوشته شده وعلمای آنعصر تصدیق نموده‌اند ، گواهی نموده ،
در شجره طیبه‌او را اصغر اولاد آقاسیدعبدالله۳ خوانده ودرباره‌اش گفته (سیدی فاضل و خجسته صفات بود و در مقدمات مهارتی کامل داشت وبعمر طولانی نائل شد)
اولاداوسیدمحمدحسین۵ ، سیدمحمدعلی۵ ، سیدمحمدباقر۵ ،
در (شجره نوریه) سید محمدباقر را دوم ، و در شجره‌طیبه‌اول قرارداده ، و در بوستان پیغمبر بدین ترتیب است : سیدمحمدعلی ، سید محمدباقر ، سید محمدحسین ، که‌همه اشتباه‌است ،
سید محمدحسین ۵ در (شکوفه‌چهاردهم) بیآید ،
سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ ، دانشمندی بزرگ بود در (۱۱۹۴= مربی‌الفضلا) متولد و در ظهر چهارشنبه (۱۷ــ شوال ــ۱۲۷۶= اعتضاد) درگذشته*
در شجره‌طیبه‌گوید (فاضلی جلیل وجامعی‌نبیل‌بوده‌است ، درریاضیات‌استادی‌دقیق‌النظر و نکته یاب ، و در عربیت وانشاء با سیبویه وقابوس همرکاب ،خط نسخ وشکسته راشیرین‌و پخته مینوشت ، و بتحریر اسناد و ثائق شرعیه‌معروف بود ، وآن عالیجناب آدمی رشیدو قوی بنیه وکامل‌القوه‌بود ، و تاآخر عمر که به‌نود رسید حواس‌ظاهری‌وباطنیش‌باوی‌همراهی نمود ،
در سن هشتادسالگی بادام وگردکان را بادندان میشکست و دختر باکره را تزویج نمود ، کتابهای بسیار بخط‌وی موجود است ، و مشارالیه در قوه‌عبادت و کثرت تلاوت از غرائب روزگار بود ، و در تمام عمر از مستحبات اندکی فروگزاری نمی فرمود ، و معروف است که صائم الدهر وقائم اللیل بوده ، در روز عید فطر (۱۲۸۶) بسکته درگذشت) انتهی

---

*: *تاریخ ولادت از نوشته خود او در اخر قطعه جواهر مورخ (رجب ۱۲۶۲) ظاهر میشود که تصریح کرده‌در آن وقت (۶۸) ساله بوده ، و وفاتش را نوه‌اش سید محمد باقر ۷ در پشت‌کتابی‌یادداشت کرده ، و نیز فرزندش حاج سید عبدالله۶ در نوشته‌ای مورخ(۱۲۸۲) او را (مرحوم) خوانده ،*

نگارنده گوید سن آنمرحوم به‌نود نرسید چون وفات او بطوریکه گذشت در (۱۲۷۶) بوده و کلمه (باکره) که عربی دوشیزه گمان شده ،غلط ، وصحیح آن بکر است * و در بوستان پیغمبر او را به سید محمدعلی ۷ بن سید محمد ۶ بن سید محمدباقرشیشه‌گرخانه اشتباه‌کرده‌وگفته (نجوم را از سید حسن وسید محمد فرا گرفته) و تاریخ غلط مزبور را در وفاتش نوشته‌است ، وآنجناب را سادات جزائری عمو بزرگ میگفتند ، زیرا از نظر طبقه مقدم بر بسیاری از معاصران خود بوده‌وبه‌اصطلاح علمای نسب قعدد ** فامیل‌بوده است ، یک دوره جواهرالکلام ، وصافی ، و فروق اللغات مورخ (۱۲۴۵) ، وقاموس اللغه ،و کتاب من لایحضره الفقیه مورخ (۱۲۲۰) را بخط‌وی دیده‌ام ،

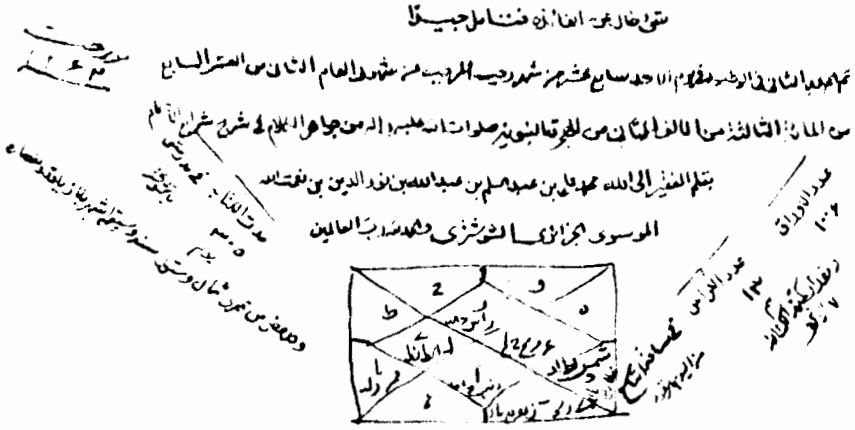

و مدرسه علمیه‌ای داشته *** که‌مرحوم حاج حسن ماهر و یکی از نیکوکاران آنزمان‌برای او ساخته و بعدها مقبره‌او وبعضی از اعقابش شده و در محله‌موگهی شوشتر مقابل خانه ما قرار دارد اما محتاج تعمیر و تجدید است ، و وضع کنونی آن هیچگونه تناسبی با صاحب آن ندارد ،

پنج پسر و چهار دختر داشته که‌یکی ازدختران بی بی نفیسه ۶ ، همسر مرحوم سیداحمد۶ ابن‌سیدمحمدرضا۵ ومادر سیدمحمود ۷ و بی‌بی‌فاطمه ۷ وجده پنجم مادری نگارنده‌بوده ، و پسرانش حاج سید عبدالله ۶ ، حاج سید آقائی ۶ ، حاج سید عبدالکریم ۶ ،سیدحسین۶ و حاج سید مصطفی ۶ ، بوده‌اند****

---

* این غلط در (انجیل لوقا آیه ۲۷) دیده‌میشود ، رجوع شود به عهد جدید: ۱۱۷ چاپ ۱۸۸۷ م)

** قعدد بر وزن افتد ، نزدیکترین افراد را به چد خانواده گویند ، (اصطلاحات‌نسابه: ۳۶۸) ملحق عمده الطالب چاپ نجف اشرف ،

*** (تاریخ جغرافیائی خوزستان: ۱۳۶)

**** شجره‌طیبه و در بوستان پیغمبر بدین ترتیب : سید عبدالله وسید حسین و سید مصطفی و سید عبدالکریم وسید آغائی مذکورند ،

سید حسین ۶ پسر چهارمش را در بوستان پیغمبر بلاعقب نوشته‌وطبق اظهار یکی از افراد این خاندان آقا سید کاظم غفاری معاصر ، در حیات پدر درگذشته ، اما یکی دیگر ازآنان او رادارای دختر میداند ، واحوال واعقاب چهار نفر دیگر بترتیب در (شکوفه‌های‌پانزدهم، و شانزدهم ، وهفدهم ، و هجدهم) نگارش خواهد یافت ،

وسید محمدباقر ۵ بن سید عبدالسلام را در شجره طیبه بلاعقب نوشته ، اما در بوستان پیغمبر گوید از او اولاد ذکور مخلف نشده ، و در هر حال او مردی فاضل و خوش‌خط بوده، در پشت نسخه‌مطول بخط مرحوم سید نجم الدین جزائری برادر جداعلی چنین نوشته (ممن نظر فیه وتاءمل فی بعض مشکلاته ودعالکاتبه‌العبدالجانی‌محمد باقر بن عبدالسلام بن عبدالله‌بن نورالدین بن نعمت الله‌بن عبدالله‌الموسوی الحسینی‌الجزائری‌فی ۱۲۱۲)

شکوفه سیزدهم خاندان حسن زاده ، شرافت ، شریعت ، عطار ، مطلق ، موسوی

(۵۴نفر)

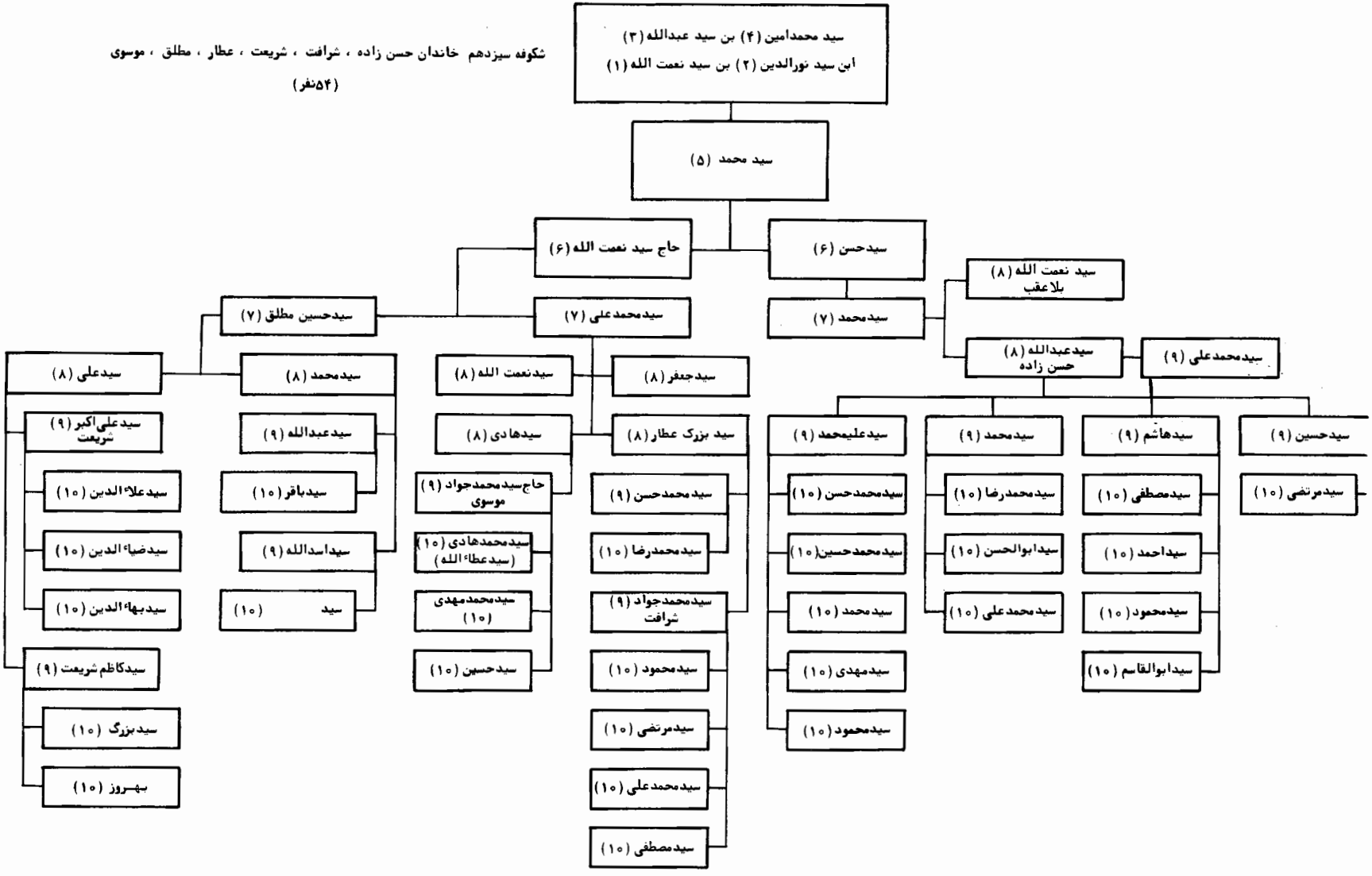

شکوفه چهاردهم

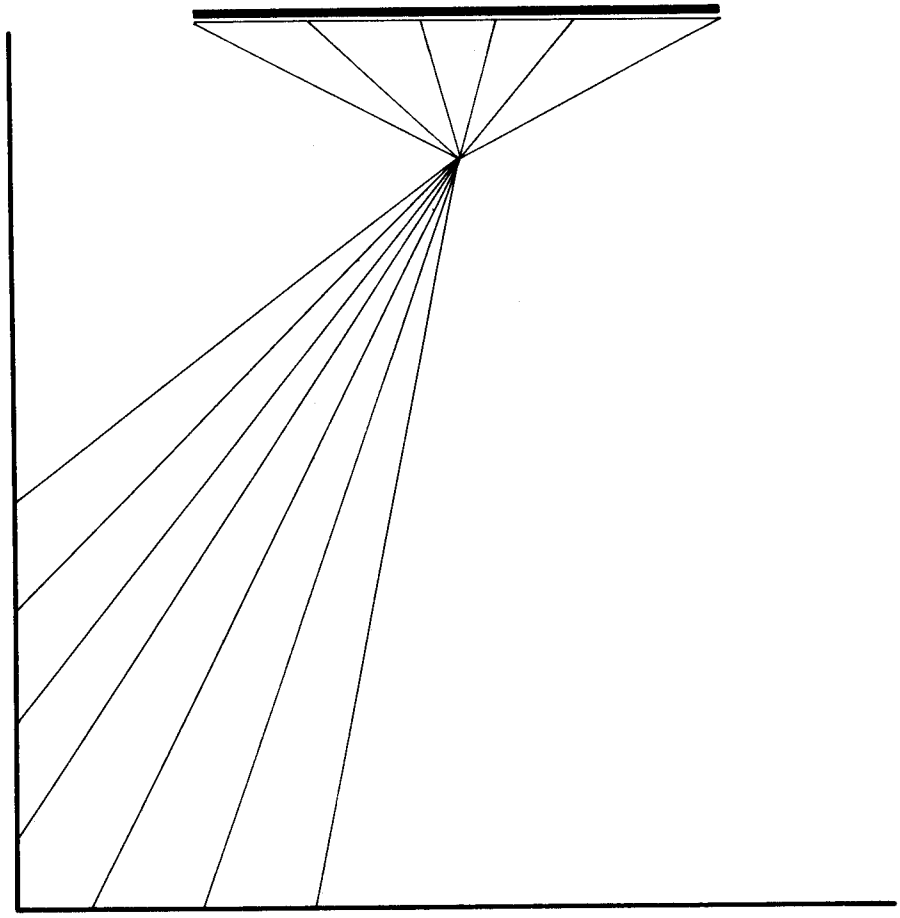

* شکوفه چهاردهم *

خاندان جعفری ، قائمی ، قائمی‌نژاد ، هادیان ، هادوی .

سیدمحمدحسین۵ بن (سیدعبدالسلام ۴ مذکور درشاخه‌اول)* که‌چندی شیخ‌الاسلام بوده‌وفضیلتی داشته ** کفایه‌سبزواری رابخط خودنوشته ،وتملک‌وی رابرتهذیب‌الاصول علامه مورخ (۱۲۲۹) دیده‌ام ،

وفاتش در (۲۲ــ ع ۲ــ۱۲۳۴= باغ ارم) بوده بطوریکه‌برنسخه‌خطی ارشادالاذهان ثبت‌شده، واز اشتباهات عجیب شجره طیبه اینکه وفات‌اورادر (۱۲۹۰) واورا بلاعقب نوشته ، در صورتیکه وفات او بطوریکه دانستی خیلی جلوتر بوده ، وپسری بنام سید جعفر ۶ داشته ، و سید جعفر ۶ یگانه پسرش مردی ادیب ودرانشاء و خط‌استادی ماهر بوده ،

شنیدم از جناب آقای آل طیب که مرحوم حاج سید احمد جزائری جد سوم نگارنده ، وجه خطیری به شیخ ثامر یکی از مشایخ عرب‌وام داده بود و وقت‌اداء آن رسیده بود اما او در پرداخت کوتاهی و دفع الوقت مینمود ، پس مرحوم آقا به سید جعفر مزبور دستور فرمود که‌نامه‌ای از طرف‌ایشان برای شیخ ثامر بنویسد که‌متن آن‌احوالپرسی باشد و در ضمن بـــه نحویکه صراحت نداشته‌باشد مطالبه‌وجه‌نماید ، پس مرحوم سید جعفرنامه‌ای‌نوشت که‌متن آن از احوالپرسی معمولی تجاوز نمیکرد اما حروف اوائل‌سطور را اندکی درشتتر از حروف باقی نامه نوشته بود و از ترکیب آنها بطور عمودی این‌جمله حاصل میشد (یا ثامراعطنی فلوسی)

از آنمرحوم یک پسر مخلف شد :

حاج سید هادی ۷ که به‌تجارت‌مشغول بود ودر (ع ۱ــ۱۳۰۰= غرق) درگذشت ، جنازه او را به‌نجف اشرف برده در ساباط صحن امیرالمؤمنین (علیه‌السلم) دفن نمودند ، چهار پسر از او مخلف گردید : سید محمدعلی ۸ ، سید محمدشاه۸ ، سید اسماعیل ۸ ،سیدمحمد طاهر ۸ ،

سیدمحمدعلی ۸ بن سید هادی ۷ متولد (۱۲۸۴= تیرخدنگ) و متوفی (۱۳۳۷= لغزش) ومدفون در سید صالح ، مرحوم علامه‌آقاسیدبزرگ آل طیب در سندی‌مورخ (۱۷ــ رجب ــ ۱۳۱۴) که‌بخط‌او موجود است او را به (عالیجناب مستطاب‌کمالات‌اکتساب)توصیف‌کرده سه پسر بجای نهاد: سید مهدی ۹ ، سید عبدالسلام ۹ ، سید عبدالله۹ ، که‌لقب‌خانوادگی هرسه (جعفری) است

سید مهدی ۹ درحدود (۱۳۵۲= مؤاخذه) وفات کرد ودر قبرستان کهنه‌اهواز مدفون‌گردید وسه پسر بازنهاد : سید رضا۱۰ ، سید جعفر ۱۰ ، سید مجید ۱۰ ،

---

* صفحه ۳۰۹

** (بوستان پیغمبر) و یادداشت عالم فقید مرحوم حاج سید محمدحسن جزائری ،

بسم الله الرحمن الرحیم

محقق باشد، چون جناب آقا سید محمد علی نعم الخلف المرحوم الحاج

آقا سید محمد هادی معامله خیاریه موافق یکطغرا قباله معتبره علیحده نموده است

املاک خود را با حضرت ملاذ الانام حجة الاسلام نائب الامام علیه الصلوة و السلام

السید المرید بالسید الاوحد الحاج آقا سید عبد الصمد مدظله العالی

بدوام الایام و اللیالی در مبلغ سیصد تومان و از جمله مبیعات معادل

چهار سهم و بیست و سه جزء از سی و دو جزء از یک ربع کامل یک سهم است

از دولت آباد که مابین خود و علیا جناب والده اش مشترک

بوده معامله نموده الحال بر سبیل توضیح اینجانب کلمه حسب الاقرار

والده اش در امضاء معامله مسطوره در سهام مزبوره مرقوم شد

۱۳۱۴

و کان ذلک فی بیست و چهارم شهر شعبان المعظم عام یکهزار و سیصد و چهارده

۱۳۱۴

سیدرضا ۱۰ درحدود (۱۳۶۸= باغ دلگشا) بلاعقب درگذشت ودرقبرستان مذکوردفن‌شد،
سید جعفر ۱۰ مقیم اهواز وبکسب اشتغال دارد و دارای چهار پسر است: سید محمد ۱۱،
سید محمود ۱۱، سید مرتضی ۱۱، سید منصور ۱۱،
سید مجید ۱۰ مفقود الاثر گردید،
وسید عبدالسلام ۹ بن سید محمدعلی ۸، روزسه‌شنبه (۳ـ رجب ـ۱۳۸۱= ظلماتی) در
اهواز درگذشت و در مقبره‌خانوادگی مدفون گردید، یک پسر از وی یادگار بماند:
سید علی ۱۰ متولد (۱۳۶۶) که اکنون در آمریکا است،
وسیدعبدالله۹ بن سیدمحمدعلی ۸ مقیم‌خرم آباداست، وتاکنون فرزندی ندارد،
وسیدمحمدشاه ۸ بن‌سید هادی ۷ متولد (۱۲۸۸= عزت‌نشین) در (۱۳۴۷=یاغفارمجیب)
در اثر سقوط ماشین وی از روی پل مرحوم شد، جنازه او را به نجف اشرف منتقل و در
وادی السلام دفن نمودند،
پنج پسر از وی بجای ماند: سید اسدالله‌هادیان۹، سید محمد۹ قائمی، سید جلال ۹
قائمی‌نژاد، سیدجمال۹ هادی پور، سیدجواد۹، قائمی
سید اسدالله‌هادیان ۹ در (۱۳۶۱= غفار حسیب) وفات کرد و در مقبره خانوادگی در
سید صالح مدفون شد،
یک پسر از او مخلف گردید: سید محمود ۱۰ مقیم شوشتر کاسب است و دو پسر دارد:
کیوان ۱۱، سید مجتبی ۱۱،
سید محمد ۹قائمی متولد (۱۳۱۴) ساکن شوشتر، که صاحب (دیار شهریاران۱: ۸۲۰)
به‌مناسبت پذیرائی که از او نموده نام او را با تشکر و تمجید برده، و او دارای پنج پسر
است: سیدرضا۱۰، سیدمهدی۱۰، سیدمرتضی۱۰، سیدمصطفی۱۰، سیدضیاء ۱۰،
سیدرضا۱۰ بن سید محمد ۹ متولد (۱۳۵۰) چهار پسردارد سیدبهاء ۱۱، بهروز ۱۱،
بهزاد ۱۱، سیدعلی ۱۱،
سید مهدی ۱۰ بن سید محمد را صاحب کتاب مزبور نامبرده،
سید جلال ۹ قائمی نژاد در (۱۳۸۴= خان باذل) درگذشت ودر مقبره‌خانوادگی درسید
صالح مدفون شد، مدتی بسمت شهردار در شهرداری کار میکرد، سه پسر از وی مخلف
شد سیدکمال۱۰، سیدمجتبی۱۰، سیدمرتضی۱۰،
سید جمال ۹ هادی پور، ساکن شوشتر دارای چهار پسر است: سید نورالدین۱۰، سید
صدرالدین ۱۰، سید فخرالدین۱۰، سید شمس الدین۱۰،
سید نورالدین۱۰ در شوشتر آموزگار است،
سید صدرالدین۱۰ دکتر در طب مقیم اهواز است،
سید جواد ۹ قائمی در اداره‌بهداشت شوشتر کار میکند وتاکنون یک‌پسردارد سیدرضا۱۰،

وسیداسماعیل ۸ بن‌سیدهادی ۷ متولد(۱۲۹۰= رغیف)ومتوفی (۱۳۷۱= ظلمات) ، هشت پسر داشت :سید نصرالله۹ ، سید صدرالدین ۹ ، سید کاظم ۹ ، سید مجید ۹ ، سید نورالدین ۹ ، سید بهاء ۹ ، سید ضیاء ۹ ، سید رضا۹ ، کەلقب (هادوی) دارند

سید نصرالله۹ در حدود (۱۳۵۵= غریبان بیکس) وفات کرد و در مقبره‌خانوادگی‌شوشتر در سید صالح مدفون گردید ، واولاددذکوری نداشت ،

سید صدرالدین ۹ در (رجب ــ۱۳۸۰= شغف) درگذشت و در مقبره مذکور مدفون شد ، ویک پسر از او بماند سید حمید ۱۰ نام ، که در رشته پزشکی تحصیل میکند

سید کاظم ۹ کارمند بازنشسته دارائی شوشتر دو پسر دارد: سیدمحمد۱۰ ، سید فرید۱۰ ،

سیدمجید ۹ ساکن‌اهواز است‌سه‌پسر دارد: منوچهر ۱۰ ، سروش ۱۰ ، سید فواد ۱۰

سید نورالدین۹ کارمند بازنشسته شرکت ملی نفت متولد (۱۳۳۸) دو پسر دارد : پرویز۱۰ بهروز ۱۰ ، پرویز۱۰ در امریکا است و تازه دارای پسری شده ،

سیدبهاء ۹ درآبادان‌شغل‌آزاددارد وتاکنون‌دارای سه پسراست :مهرداد۱۰ ،سیدمسعود۱۰ سید امیرحسین۱۰ ،

سید ضیاء ۹ دکتر شرکت نفت در مسجدسلیمان است و هنوز متاءهل نشده ،

سیدرضا۹ متولد (۱۳۵۲)چهارپسردارد : سید سعید ۱۰ متولد (۱۳۷۹) ،سیداسماعیل۱۰ متولد (۱۳۸۲) ، خسرو۱۰ متولد (۱۳۸۴) ، سیدعلی۱۰ متولد (۱۳۸۶) ،

وسیدمحمدطاهر۸ بن سیدهادی ۷ متولد (۱۲۹۷= خانه‌خالی) و متوفی (۱۳۷۶=مشغول) یک پسر دارد :

سیدحسین۹ متولد (۱۳۴۰) ،کارمندشرکت‌نفت درتهران‌واو نیزیک‌پسردارد سیدمحمد۱۰ متولد (۱۳۶۲) مقیم آمریکا کەتاکنون دارای یک پسر است سید طاهر ۱۱ متولد (۱۳۹۴)،

آقای‌سیدجلال‌قائمی‌نژاد

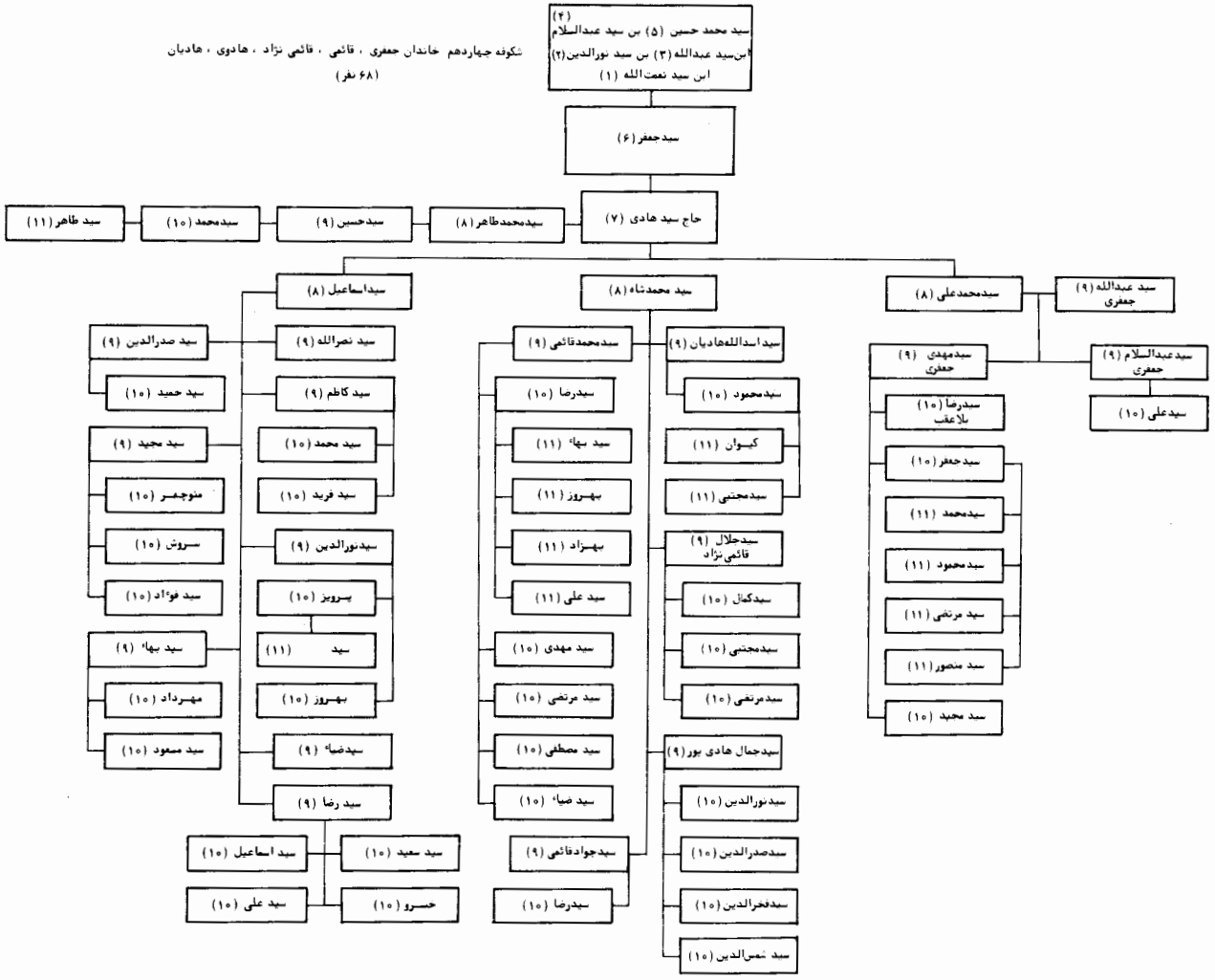
شکوفه چهاردهم خاندان جعفری ، قائمی ، قائمی نژاد ، هادوی ، هادیان
(۶۸ نفر)
سید محمد حسین (۵) بن سید عبدالسلام (۴)
ابن‌سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲)
ابن سید نعمت‌الله (۱)
سید جعفر (۶)
حاج سید هادی (۷)
سیدمحمدطاهر (۸)
سیدحسین (۹)
سیدمحمد (۱۰)
سید طاهر (۱۱)
سیداسماعیل (۸)
سید محمدشاه (۸)
سیدمحمدعلی (۸)
سید عبدالله (۹) جعفری
سید عبدالسلام (۹) جعفری
سیدعلی (۱۰)
سیدمهدی (۹) جعفری
سیدرضا (۱۰) بلاعقب
سیدجعفر (۱۰)
سیدمحمد (۱۱)
سیدمحمود (۱۱)
سید مرتضی (۱۱)
سید منصور (۱۱)
سید مجید (۱۰)
سید صدرالدین (۹)
سید حمید (۱۰)
سید مجید (۹)
منوچهر (۱۰)
سروش (۱۰)
سید فؤاد (۱۰)
سید بهاء (۹)
مهرداد (۱۰)
سید مسعود (۱۰)
سید نصرالله (۹)
سید کاظم (۹)
سید محمد (۱۰)
سید فرید (۱۰)
سیدنورالدین (۹)
پرویز (۱۰)
سید (۱۱)
بهروز (۱۰)
سیدضیاء (۹)
سید رضا (۹)
سید اسماعیل (۱۰)
سید سعید (۱۰)
سید علی (۱۰)
حسرو (۱۰)
سیدمحمدقائمی (۹)
سیدرضا (۱۰)
سید بهاء (۱۱)
بهروز (۱۱)
بهزاد (۱۱)
سید علی (۱۱)
سید مهدی (۱۰)
سید مرتضی (۱۰)
سید مصطفی (۱۰)
سید ضیاء (۱۰)
سیدجوادقائمی (۹)
سیدرضا (۱۰)
سیداسدالله‌هادیان (۹)
سیدمحمود (۱۰)
کیوان (۱۱)
سیدمجتبی (۱۱)
سیدجلال (۹) قائمی نژاد
سیدکمال (۱۰)
سیدمجتبی (۱۰)
سیدمرتضی (۱۰)
سیدجمال هادی پور (۹)
سیدنورالدین (۱۰)
سیدصدرالدین (۱۰)
سیدفخرالدین (۱۰)
سید شمس‌الدین (۱۰)

شکوفه پانزدهم

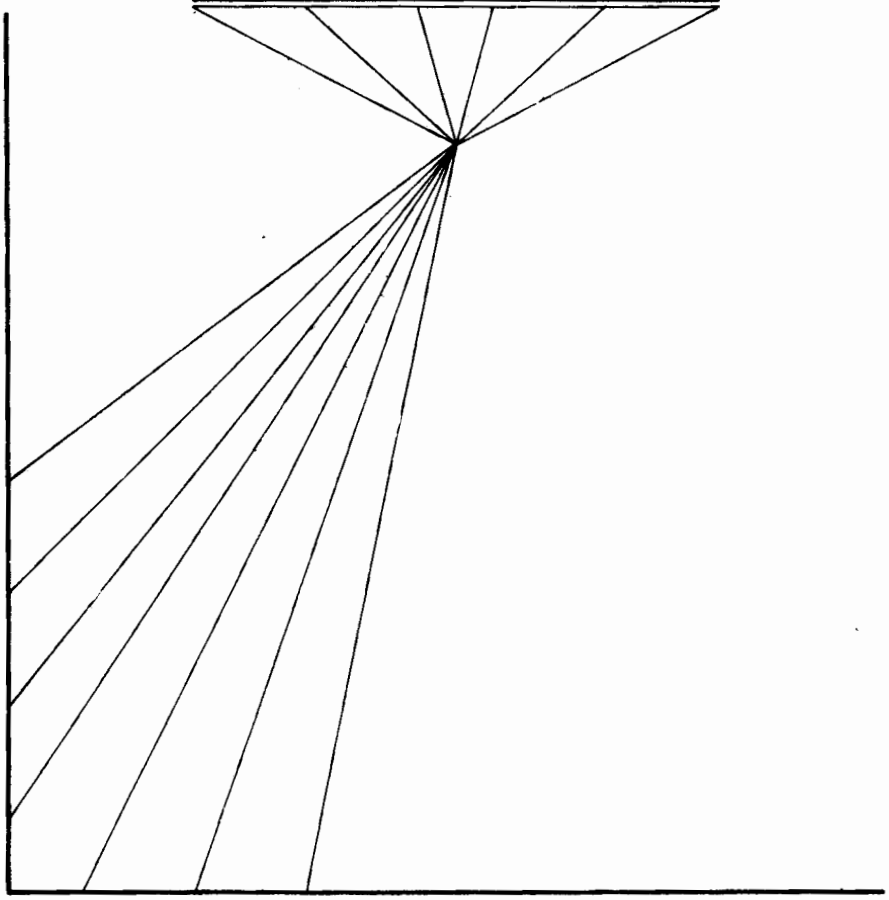

* . شکوفه پانزدهم *

خاندان آل‌مصطفی ، احمدی زاده ، تقدس ، تهامی ، سلامی ، سلامی‌پور ، صمدی ، غفاری ، کاظمی محمدی ، محمدی ،

حاج سید عبدالله۶ بن سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ ، عالمی فاضل بوده ، در بوستان پیغمبر ، وتتمه‌الشجره ، و (الذریعه۱۸ ۱۶۸) وشجره‌طیبه ، و (الکرام‌البرره ۲ ۷۸۳) مذکور است ، و از آنها واطلاعات خارجی دیگر برآید که‌وی فاضلی‌حمیده‌صفات و مجموعه‌ای از محاسن ملکات بوده ، در ذهن وذکاء نادره دهر ودر استقامت‌طبع‌ودقت‌نظر اعجوبه عصر محسوب میشد ، تاء لیفی‌درفقه‌دارد .

بقوت ذهن وحدت فهم مقامی عالی در ریاضیات وعربیت وطب وفقه بدست آورده بود ، وامامت را با طبابت جمع داشت ،

تهذیب الاصول علامه‌مورخ سه‌شنبه (۲۳ــ ع ۱ــ۱۲۶۴) بخط‌او ، و تملکش را بر نسخه ای کهنه ازطوالع الانوار ، و وقفنامه‌استبصار مورخ (۱۲۷۳) بخط‌اودیده‌ام ، وکتاب‌کنزالملوک تالیف سیدعبدالله‌جزائری معاصر فتحعلیشاه محتمل است از او باشدبطوریکه‌علامه‌تهرانی فرموده* ولی بنظر ما از سید عبدالله‌خان ۶ مذکور در (شاخه چهارم) است ، و در (الشجره‌المورقه) دو اجازه میرزامحمدهمدانی ** را بدین صورت گواهی‌نموده (بسم الله‌هذه‌اجازه‌العالم‌المعظم‌وابن‌عمی‌المکرم‌الحاج‌سیدعلی‌التستری ،وقدکتبها‌السید المرقوم دام مجده‌بمحضرمنی‌للاخ‌السدید‌العالم‌الربانی‌المیرزامحمدالهمدانی اطال‌الله‌عمره واناالجانی عبدالله‌ابن المرحوم المقدس السید محمدعلی التستری الجزائری قدس الله روحه ،

بسم‌اللهوالحمدالله ، هذه اجازه‌العالم‌العلم العلامه‌مصباح الکرم ومفتاح الکرامه‌الراقدفی حلل الزهدوالتقی والراقی من الشرف‌اعلی مرتقی ،المیرزامحمدعلی‌الشهرستانی‌للعالـــم العامل مجددالمراسم‌والمعالم‌المیرزامحمدبن‌عبدالوهاب‌الهمدانی‌اناله‌الله‌الامانی ، و انا الجانی عبدالله ابن المرحوم محمدعلی ابن‌المرحوم عبدالسلام‌ابن المرحوم عبدالله‌بن نورالدین ابن العلامه السیدنعمه‌الله‌الموسوی الجزائری الشوشتری تغمدهم‌الله فـی بحار رحمته ، فی ۲۴ــ صفر ــ ۱۲۸۲)

تاریخ‌ولادت ووفات اومعلوم نیست امامدفنش درجنب مدفن پدرش میباشد ،

اولاد ذکور آنجناب سه‌نفراند سیدمحمد۷ معروف به‌حمادی ، حاج سید احمد ۷ ، حـاج سید بزرگ ۷ ،

---

* (الذریعه ۱۸:۱۶۸)

** مذکور در (نابغه فقه وحدیث: ۳۲۸)

(۱۳۵۵) دو پسر دارد : شهرام ۱۱ متولد (۱۳۸۶) شهریار۱۱ که نام دیگر او مایکل است متولد (۱۳۹۱) ،

سیدناصر ۱۰نامش‌دراصل‌سیدمحمدمتولد (۱۳۶۲) پیمانکاراست و دو پسر داردداریوش۱۱ ، متولد (۱۳۹۲) ، سید کاظم ۱۱ که هر دو دارای نام خارجی نیز هستند .

سید منصور ۱۰ متولد (۱۳۶۴) فوق دیپلم مکانیک است

دکترسیدمحمدمحمدی

مهندس‌سیدعلی‌اصغر کاظمی‌محمدی

مهندس کاظمی محمدی

آقای‌سیدناصرکاظمی‌محمدی

آقای سیدمنصورکاظمی‌محمدی

سید جواد ۹ محمدی متولدقبل‌از (۱۳۴۴) پنج پسر دارد :سید عبدالسلام ۱۰ معروف به حسرو که‌تحصیلات خود را درآلمان انجام داده‌و اکنون در هفت تپه است

سیدحمادی ۱۰ متولد (۱۳۷۲) ، سید عبدالکریم ۱۰ ،سید امین ۱۰ متولد (۱۳۸۳) ، سید جلال ۱۰ ،

وسیدعبدالله۸ معروف به‌آقاسید بن سید محمد ۷ ابن حاج سید عبدالله۶ ، در (۱۲۹۴= نظم شد) متولد ودر (۱۳۴۴= ختم شد) متوفی ودر مقبره‌نیای خود سیدمحمد علی۵ بن سید عبدالسلام درشوشتر مدفون گردید ، پک پسر از وی بجای ماند :

سیدکاظم ۹ غفاری متولد (۱۳۲۳) مقیم‌اهواز ، شش پسر دارد:سیدمحمد۱۰ ،سیداحمد۱۰، سیدعلی۱۰ ، سید عبدالله۱۰ متولد (۱۳۶۷) ، سید محمدرضا۱۰متولد (۱۳۷۳) ، سید محمدحسین ۱۰متولد (۱۳۷۶) ،

سید محمد ۷ معروف به‌حمادی ابن حاج سید عبدالله۶در (۱۲۵۵= باغ انار) متولدو در (۱۳۰۹= باغ شاه) متوفی وجنازه‌اش به‌نجف اشرف منتقل ودر وادی السلام مدفون شد ، دارای سه پسر بود سید حسین ۸، سید عبدالله ۸ معروف به‌آقاسید ، سید تقی ۸، سید حسین ۸ متولد (۱۲۸۸= بفروخت) و متوفی در سه شنبه (۳ـ رجب ـ۱۳۸۱= خلاف دستور) و جنازه‌اش منتقل به‌نجف اشرف ودر وادی السلام بخاک سپرده شد ، سه پسر داشت سید محمدعلی ۹، سید کاظم ۹، سید جواد ۹، هر سه‌معروفند به (محمدی) سید محمدعلی ۹ محمدی متولد (شعبان ـ۱۳۱۶= غاشیه) ومتوفی در (۵ـصیام ـ۱۳۸۵= عتبات عالیات) ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف برده و در وادی السلام دفن‌نمودند ،و هفت پسر از وی مخلف شد مهندس سیدجعفر۱۰ ، دکترسید محمد۱۰ ، مهندس سید مجتبی ۱۰ سیدمجید ۱۰ ، دکتر سیدحمید ۱۰ ، مهندس سیدنورالدین ۱۰ ، سیدمحمود ۱۰ ،

مهندس سید جعفر ۱۰ متولد (۱۳۴۱) ، در اداره کشاورزی اهواز کار میکند و دو پسردارد سیدمحسن ۱۱ ، سید محمد ۱۱ ،

سیدمحسن ۱۱ دکتر در طب متولد (۱۳۶۸) واکنون درآمریکا است

سیدمحمد ۱۱ نیز اکنون درآمریکاودوره دانشگاه‌را میگذراند .

دکتر سید محمد ۱۰ ، جراح وشکسته بند است ، وسه پسر دارد سیدعلی ۱۱ ، سیدرضا ۱۱ سید محمدعلی ۱۱ معروف به‌رامین ،

مهندس‌سیدمجتبی ۱۰کارمندسابق اداره‌مالاریا ، تاکنون سه‌پسردارد شایان ۱۱ ،شاهرخ ۱۱ شهرام ۱۱ ،

سیدمجید ۱۰ کارمند کشاورزی است وتاکنون یک پسر دارد سید علیرضا ۱۱ ،

دکتر سید حمید ۱۰ داروساز است ، تولدش در (۱۳۴۹) بوده‌وتاکنون یک پسر دارد سید محمدرضا ۱۱ متولد (۱۳۹۱) ،

مهندس سید نورالدین ۱۰ ، مقیم مشهد دو پسر دارد سید علی ۱۱ ، سید عطاء ۱۱ ، و سید کاظم ۹ محمدی که‌لقب او کاظمی محمدی ولی به‌محمدی معروف بود ، متولدحدود (۱۳۳۳= باغ نرگس) ازملاکان معروف اهواز بود بیمارشد برای معالجه به آمریکا رفت و درهمانجا روز سه‌شنبه (۲۵ـ ج۲ـ۱۳۹۶= غفور علی) درگذشت ، جنازه‌اش را به اهواز آورده‌ودرجوارعلی بن مهزیار دفن نمودند ، پنج پسر از وی مخلف گردید : سیدعلی اصغر۱۰ ، هوشنگ ۱۰ ، سید ناصر۱۰ ، سیدمنصور۱۰ ، سیدمصطفی ۱۰ ،

سید علی اصغر ۱۰ مهندس کشاورزی است متولد (۱۳۵۴) ویک پسر دارد:فرشید ۱۱متولد (۱۳۸۳) ،

هوشنگ ۱۰ نام اصلی او سید رضا ، مهندس در رشته‌زمین شناسی وبازرگانی است ،متولد

(۱۳۵۵) دو پسر دارد : شهرام ۱۱ متولد (۱۳۸۶) شهریار ۱۱ که نام دیگر او مایکل است متولد (۱۳۹۱) ،

سیدناصر ۱۰ نامش در اصل سیدمحمد متولد (۱۳۶۲) پیمانکار است و دو پسر دارد داریوش ۱۱ ، متولد (۱۳۹۲) ، سید کاظم ۱۱ که هر دو دارای نام خارجی نیز هستند .

سید منصور ۱۰ متولد (۱۳۶۴) فوق دیپلم مکانیک است

دکتر سیدمحمد محمدی

مهندس سید علی اصغر کاظمی محمدی

مهندس کاظمی محمدی

آقای سیدناصر کاظمی محمدی

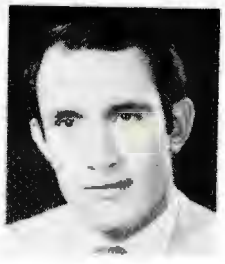

آقای سیدمنصور کاظمی محمدی

سید جواد ۹ محمدی متولدقبل از (۱۳۴۴) پنج پسر دارد : سید عبدالسلام ۱۰ معروف به حسرو که تحصیلات خود را در آلمان انجام داده و اکنون در هفت تپه است

سیدحمادی ۱۰ متولد (۱۳۷۲) ، سید عبدالکریم ۱۰ ، سید امین ۱۰ متولد (۱۳۸۳) ، سید جلال ۱۰ ،

وسیدعبدالله ۸ معروف به آقاسید بن سید محمد ۷ ابن حاج سید عبدالله ۶ ، در (۱۲۹۴= نظم شد) متولد ودر (۱۳۴۴= ختم شد) متوفی ودر مقبره‌نیای خود سیدمحمد علی ۵ بن سید عبدالسلام درشوشتر مدفون گردید ، پک پسر از وی بجای ماند :

سیدکاظم ۹ غفاری متولد (۱۳۲۳) مقیم اهواز ، شش پسر دارد : سیدمحمد ۱۰ ، سیداحمد ۱۰ ، سیدعلی ۱۰ ، سید عبدالله ۱۰ متولد (۱۳۶۷) ، سید محمدرضا ۱۰ متولد (۱۳۷۳) ، سید محمدحسین ۱۰ متولد (۱۳۷۶) ،

سیدمحمد ۱۰ ، مهندس کشاورزی وکارمندوزارت بازرگانی درزنجان است ، تولـدش در (۱۳۵۴) بوده‌وتاکنون یک پسر دارد سیدمحمدحسین ۱۱ ، سیداحمد ۱۰ معروف به‌مهدی متولد (۱۳۵۷) اکنون یک پسردارد سیدعلی ۱۱ ،
سید علی ۱۰ متولد۱۳۶۴ ، تاحال یک پسر دارد سید امیر محمد ۱۱ متولد (۱۳۹۶)
وسید تقی ۸ بن سید محمد ۷ ابن حاج سید عبدالله۶ ، در (۱۳۰۷=آغوش) متولد ودر (۱۳۳۹= هشت خلد) متوفی گردید وجنازه‌اش را به‌نجف اشرف منتقل و نزدیک مقبـره هودوصالح در وادی السلام دفن نمودند ،
دو پسر از وی مخلف شد : سید محمد ۹ ، سید علی‌اکبر ۹ ، که لقب هر دو (تهامی)است وسابقا" (تقی پور) بوده ،
سید محمد ۹ تهامی متولدحدود (۱۳۲۷= اغوش زیبا) مقیم تهران ، مردی بود شریـف و خلیق نسبت بارحام با محبت‌وشفیق ، برای مدتی توقف دراهواز آمده‌بود بیمارشد ،ودر چهارشنبه (۱ـج ۲ـ ۱۳۹۵= شهرجمادی الاخر) در بیمارستان درگذشت و حسب الوصیه جنازه‌اش را بقم برده در وادی السلام دفن‌نمودند ، دو پسرازوی‌یادگارماند سیداحمد ۱۰ سید علیرضا ۱۰ ،
سید احمد ۱۰ دکتر در طب و زبان فرانسه را خوب بلداست ، تولدش (۱۳۶۳) بوده‌وتا کنون یک پسر دارد : سید محمد ۱۱ ،
سید علیرضا ۱۰ متولد (۱۳۶۷) ، اکنون در فرانسه ومهندس است واو هم زبان فرانسه را بلد است ،
سید علی اکبر ۹ تهامی مقیم خرمشهر بود و اکنون دراهوازاست ،متولد(۱۳۳۷) دو پسر دارد :سیدمحمدرضا ۱۰ متولد (۱۳۸۲) سید محمود رضا ۱۰ متولد (۱۳۸۶) معروف به رامین و اما حاج سید احمد ۷ ابن حاج سید عبدالله۶ از علمای شوشتر و امام جماعت درمسجد شیخ محمد بوده ،
در بوستان پیغمبر ، وشجره‌طیبه‌که‌او را بفاضل موقر توصیف کرده ، ولادتش رادر (۱۲۶۴= مظهرلطف) و وفاتش را در (۱۳۲۴= تیرتقدیر) نوشته‌اند ، و مدفن وی درمقبره‌هودوصالح در نجف اشرف است ،
در کتاب اول گوید (در عصر ۶ـ محرم ـ۱۳۲۴ در خرمشهر وفات نمود وروزعاشورا بودکه خبر وفاتش به‌شوشتر رسید ، عاشورای دیگر تجدید شد)
علامه تهرانی او را عالمی جلیل‌از مراجع شوشتر دانسته‌وفرموده‌که‌ملاجعفر شرف‌الدین (۶) در بدائع الجعفریه آورده‌که‌او در سن پنجاه وپنج سالگی در۱۳۲۴ درگذشته‌وجنازه‌اش‌را به نجف برده‌اند پس تولد او در ۱۲۶۹ بوده‌است انتهی*

---

* (نقباء البشر ۱: ۱۰۷) و از آنجا در(گنجینه‌دانشمندان۵: ۴۰۱ـ۴۰۲) نقل شده ،

نگارنده‌گوید تاریخ تولد اول معتبر تر است ،
از مرحوم حاج سید احمد ۷ چهار پسر مخلف شد : سید نعمت الله۸ ،سیدعبدالله۸تقدس سیدمحمدباقر۸ آل مصطفی ، سید محمدتقی ۸ احمدی زاده ،
سید نعمت الله۸ متولد (۱۳۰۲= مدد پیغمبر) صاحب سعادت‌جاودانی و مشمول لطف و توفیق ربانی ، بسیار متواضع بود ، مقدمات یک اندازه‌تحصیل نموده و در مسجد علافان امامت داشت* تا آنکه در (۱۴ــ شوال ــ۱۳۵۴= درنظر) درگذشت و در اطاق مقام حسین مدفون گردید وچهار پسر بجای نهاد :
سیدمحمدعلی۹ سلامی ، سیدمهدی۹ ، سیدکاظم ۹ ، سیدهادی۹ ، که لقب هر سه نفر اخیر سلامی‌پور است
سیدمحمدعلی ۹ سلامی متولد (۱۳۳۱) چندی مقدمات را فرا گرفته* واکنون رئیس آب و برق خوزستان در شوشتر ودارای یک پسر است : سید نورالدین۱۰ متولد (۱۳۵۳) که‌او هم پسری دارد سید علی ۱۱ متولد (۱۳۸۸) ،
سید مهدی ۹.سلامی پور متولد (۱۳۳۳) ساکن خرمشهر سه پسر دارد: سید محمد رضا۱۰ ، متولد (۱۳۶۲) سید مرتضی ۱۰متولد (۱۳۶۶) ، سید محمد۱۰ متولد (۱۳۷۴)وسیدمحمد رضا۱۰ را تاکنون یک پسر است سید ناصر ۱۱ نام .ومرتضی ۱۰ درمجموعه‌مقالات :۵۱آمده
سید کاظم ۹ سلامی پور متولد (۱۳۳۹= خلف سعادتمند) بلاعقب در (۱۳۷۷=متواری‌گشت) درگذشت ، وفاتش در خرمشهر بوده‌جنازه‌اش را به‌نجف اشرف منتقل نمودند ،
سیدهادی ۹ سلامی پور در تهران بشغل بازرگانی اشتغال و دو پسر دارد:سید سعید ۱۰ ، متولد (۱۳۷۶) سید حمید۱۰ ،
سید عبدالله۸ تقدس ، سیدی بود عالی‌همت بلند فطرت ، خیرخواه متدین پارسا*متولد (۱۳۱۱= تقریرات) و متوفی در روز (پنجشنبه۱۹ــ صفر ــ۱۳۹۴= مرغ سفید) ودرمقبره خانوادگی جنب مسجد جامع اهواز مدفون شد،
پنج پسر از وی بوجود آمد : سید احمد ۹ ، سید محمدعلی ۹ ، سید جواد۹ ،سیدحسین۹ ، سید نورالدین ۹ ،
سید احمد ۹ بن سید عبدالله۸ تقدس ، متولد (۱۳۳۵) کارمند شهرداری اهواز ، سه رپسر دارد سیدمحمود۱۰متولد (۱۳۶۴) سیدمنصور۱۰ متولد (۱۳۷۳) معروف‌به‌سیدحسین سیدمجید۱۰ ، وسید محمود۱۰را اکنون یک پسر است سید یوسف۱۱ متولد۱۳۹۷ ،
سید محمدعلی ۹ بن سید عبدالله۸ ، متولد (۱۳۳۷) کارمند بازنشسته دارائی آبادان ، اکنون ساکن اهواز و نیکوسیرت است وشش پسردارد : سیدمحمدرضا۱۰ متولد (۱۳۶۹) ، سیدمحمدحسین۱۰ متولد (۱۳۷۴) ، سید محمدمهدی۱۰ متولد (۱۳۷۶) ، سیدحمید۱۰ ، سیدعلی۱۰ ، سیدسعید۱۰ ،

* بوستان پیغمبر

سیدجواد۹ بن سید عبدالله۸، متولد (۱۳۴۴= عقاربینا) رشته‌حقوق را بپایان رسانده ، صاحب دفترخانه‌اسناد رسمی شد ، در (۱۳۸۹= غفران پناه)که برای معالجه بآلمان‌رفت درگذشت ، جنازه‌اش را به‌اهواز آورده‌ودرمقبره‌خانوادگی جنب مسجدجامع دفن نمودند ، یک پسر از وی یادگار ماند : سید امیر ۱۰ که در سال درگذشت پدر متولد شده ،

سیدحسین۹ بن سید عبدالله۸، متولد (۱۳۴۶) دکتر داروساز مقیم آبادان سه‌پسر دارد: سیدنادر ۱۰متولد (۱۳۸۵) ، سیدعلیرضا۱۰ متولد (۱۳۸۶) ،سیدکریم ۱۰متولد (۱۳۹۰) سید نورالدین ۹ بن سید عبدالله۸ متولد (۱۳۵۳) ،

سیدمحمدباقر ۸ آل مصطفی ، از طلاب علوم دینیه ، مقدمات واندازه‌ای از سطوح رادیده در (۱۳۵۷= عفوتقصیرات) وفات نمود ، جنازه‌اش را به‌نجف اشرف برده در وادی‌السلام دفن نمودند ،

دربوستان پیغمبر او را بلاعقب نوشته‌اما او یک دختر داشت که پس از وی درگذشت ،

سیدمحمدتقی ۸ احمدی زاده ، متولد (۱۳۱۸) سیمای بزرگی از جبینش ظاهر و اکنون در اهواز ساکن است وسه پسر دارد : دکتر سید مجید ۹ ، سید مرتضی ۹ متولد (۱۳۶۲ ، سید محمد ۹ متولد (۱۳۷۱) ،

دکتر سید مجید ۹ احمدی زاده ، متولد (۱۳۵۱) استاد سابق دانشکده پزشکی اهـواز و متخصص درگوش وحلق وبینی از دانشگاه‌لندن و از اطباء مشهور اهواز است و تاکنون یک پسر دارد سید علی ۱۰ ،

سید مرتضی ۹ را نیز تاکنون یک پسر است فرشید ۱۰ نام ،

واما حاج سید بزرگ ۷ ابن حاج سیدعبدالله۶ بن سید محمدعلی۵ ، نامش محمد علی و معروف به‌بزرگ ، سیدی حمیده‌خصال متدین بود ، بسیار تلاوت‌قرآن مینمود و شب هـای جمعه را تا صبح بیدار میماند .

تولدش در (۱۲۷۵= ذات قدسی) ووفاتش در (۱۳۴۰= حافظ قرآن) اتفاق‌افتاد ،مدفنش در وادی السلام نجف اشرف میباشد ،

وی‌دا مادآیه‌اللهحاج سید عبدالصمد جزائری نیای دوم نگارنده‌است ، و همسرش بی بـی ساره نام ، علویه‌ای متعبده ومجلله بوده ، واز ایشان دو پسر بوجود آمد سیدمحمدباقر۸ سیدحسین ۸ صمدی ،

سیدمحمدباقر ۸ متولد حدود (۱۳۰۷=آغوش) بوده ، در (۱۳۴۰= مغرق) دررودخانه خرمشهر (اروند رود) غرق شد ، و اولادی از او نمـاند ، در بوستان پیغمبـر او را ننوشته ،

سید حسین ۸ صمدی متولد حدود (۱۳۳۳) ساکن اهواز یک پسر دارد منوچهر ۹ متولـد

حدود (۱۳۵۴) کارمند سازمان آب وبرق خوزستان دراهواز و دارای یک پسر است سید محمدعلی ۱۰،

مرحوم آقای سید محمد تهامی

مرحوم آقای سید نعمت الله ابن حاجی سید احمد

آقای سید محمدعلی سلامی

آقای سید مهدی سلامی پور

آقای سید محمدرضا سلامی پور

آقای سید مرتضی سلامی پور

آقای سید حسین صمدی

شکوفه پانزدهم خاندان آل مصطفی ، احمدی زاده ، تقدس ، تنهایی ، سلامی ، سلامی پور ، صمدی ، غفاری ، محمدی

(۱۰۴ نفر)

حاج سید عبدالله (۶) بن سید محمدعلی (۵) بن سید عبدالسلام (۴)
ابن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)

شکوفه‌شانزدهم

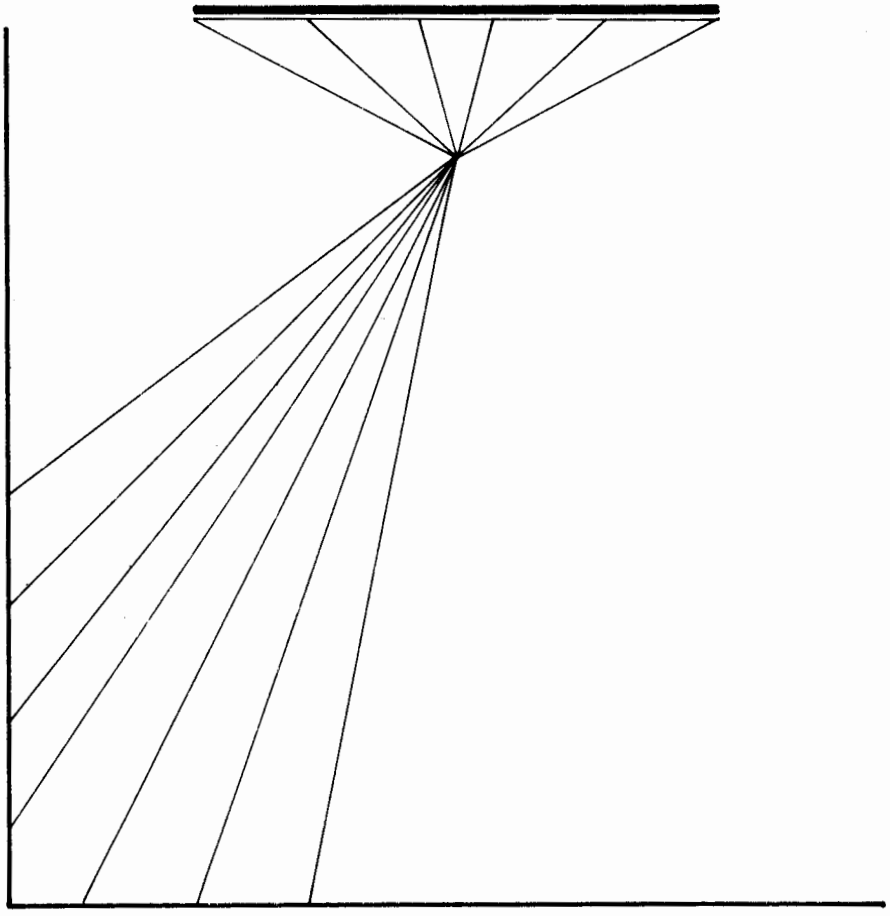

* شکوفه شانزدهم *

خاندان علوی ، علوی زاده خوزستانی ، مصطفوی ،

حاج سید آقائی ۶ بن سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ که‌نامش عبدالسلام بوده ، اول کسی است از این خاندان که در تجارت داخل شد * وچهار پسر داشته : سیدمحمد باقر ۷ ، سیدرضا۷ ، سید جواد ۷ ، سید حسین ۷ ،

سید محمد باقر ۷ که خط‌او را بر نسخه‌ای از (ارشاد الاذهان) دیدم ، در شجره طیبه حاج سید باقر نامیده شده ، و او از اعیان واشراف بود ، مدتی در بمبئی تجارت داشته خط نسخ را بسیار خوب مینوشت** ، در (۱۳۰۱) مرحوم آقا سید محمدرضا۷ ، (غنچه سوم) بوکالت از وی خانه‌ای در نجف برای او خریده است ،

در(ع۱ـ۱۳۲۲= ترقی‌خواه) درگذشت ودروادی السلام نجف جنب مقبره حاج سید کریم هندی مدفون گردید ، و دو پسر از وی مخلف شد : حاجی سیدمهدی۸ ، حاجی سیدمحمد حسین ۸ که نام فامیلی آنان (علوی) است ،

حاجی سیدمهدی ۸ علوی متولد (۱۲۹۸= مخب مرغوب) بطوریکه پدرش در پشت قرآن نوشته ، در بمبئی ، مدتی در بمبئی بود و او سیدی مبادی آداب و متین ، درانشاء فارسی وتاریخ وحساب وهندسه‌وزبان‌انگلیسی ماهربود ، وسالها درشوشتر ریاست شهرداری‌وعضویت انجمنهای مهمه‌راداشت ، ودرعمران وآبادی وخدمات فرهنگی شوشتر سهیم بود ، کسروی درکتاب (زندگانی من ۲۵۶) مینویسد:(شادروان حاج سید مهدی علوی که هندوستان را هم دیده‌بود با مامهربانی بسیار میکرد و میهمانی ها میداد) در (۱۳۰۴ شمسی) به نمایندگی از طرف اهالی شوشتر به مجلس مؤسسان تهران رفت و در (۲۵ ـ محرم‌ـ ۱۳۴۷= سخنوریکتا) در بغدادوفات نمود جنازه‌اش را به نجف منتقل در وادی السلام دفن نمودند ،*** و مرحوم حاجی صادق متخلص به ناظم شوشتری ار را مرثیه گفته

افسوس مهدی علوی سید الانام زدخیمه از فنای بسر منزل بقا

دربوستان‌پیغمبرولادت را۱۲۹۷و وفات اورا (۱۳۴۶) بدون تعیین ماه‌ومحل‌نوشته‌که‌اشتباه است ، سه‌پسر از وی مخلف گردید : سیدمحمدعلی ۹ ، سیدنورالدین۹ ، سیداحمد ۹ ، سید محمدعلی ۹ در (۱۳۸۹= عفران پناه) درگذشت و در علی بن مهزیار مدفون شد و تولدش در (۱۳۱۷= ذی رتبه) بوده ، در جوانی مدتی در دادگستری مشغول پس از آن وارد تجارت شد*** و هفت پسر بجای نهاد : سید محمدجواد ۱۰ ، سید محمد

---

* شجره‌طیبه

** بوستان پیغمبر ،

*** نامه آقای سید علی ۱۰ علوی مورخ (۱۱ـ۶ـ۳۶ شاهنشاهی) که برای اینجانب نوشته و حال جد و پدر و اعمام‌خود را شرح داده است ،

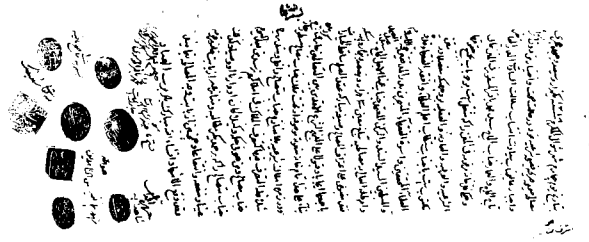

رونوشت سند مذکور درصفحه ۲۶۰

کاظم ۱۰ ، سیدعباس ۱۰ ، سیدعطاءالله ۱۰ ،سید امیر ۱۰ ،سیدضیاء ۱۰ ،سیدنعمت‌الله ۱۰ ، سید محمدجواد ۱۰ کارمند شرکت نفت در آبادان‌ودارای دوپسر است: سیدمحمدحسین ۱۱ سیدحمیدرضا ۱۱ ، سیدمحمدحسین ۱۱ درآلمان تحصیل کرده و اکنون در دانشگاه صنعتی آریامهر تدریس میکند ، سید حمیدرضا ۱۱ در دانشگاه پهلوی شیراز محصل است .

سیدمحمدکاظم ۱۰ در داروخانه‌شرکت نفت درتهران کارمیکند یک پسرداردکامبیز ۱۱علوی که در کنکور تهران نفر اول از ایران شد ، وبه‌آمریکا رفته بادامه تحصیل مشغول است ،

سید نورالدین ۹ علوی ، متولد (۱۳۲۲= ذی قسمت بود) کارمند بازنشسته بیمه های اجتماعی درتهران بودکه‌قبلا " در راه‌آهن وشرکت نفت هم خدمت کرده درروز (۱۸ــ ذ ق ۱۳۹۵= شیشه‌شکست) درگذشت ودر بهشت‌زهرا مدفون گردید ، سه پسر از او مخلف شد : سیدعلی ۱۰ ، سید محمدمهدی ۱۰ ، سیدمحمدرضا ۱۰ ، سیدعلی ۱۰متولدجمعه (۲۸ــ شوال ۱۳۴۳) درشوشتر ، مدتی دراهواز بکسب پرداخت و چندی بعد روی علاقه که به فرهنگ داشت در مسجدسلیمان کارمند آموزش وپرورش شد و در (۱۳۹۶) بازنشسته‌گردیدواکنون درتهران است و یک پسر دارد:سید محمدحسین ۱۱ نام ،

سیدمحمدمهدی ۱۰ معروف به سید محمد اکنون در آلمان غربی است‌وطبق نامه‌ای که برای اینجانب از آلمان فرستاده‌تولدش در (۱۳۵۹) در اهواز بوده‌وتحصیلات خود را در رشته سرامیک وچینی سازی در ژاپن انجام داده‌وتاکنون پسری‌ندارد ،

سیدمحمدرضا ۱۰ متولد (۱۳۶۵) دراهواز واکنون دوره نظام را میگذراند وتاکنون‌یک پسر دارد بنام کامران ۱۱ ،

سید احمد ۹ علوی متولد (۱۳۴۱) در شوشتر ، کارمند شرکت نفت دراهواز بود پس از بازنشستگی جهت سکونت به‌آمریکا عزیمت نمود و دو پسر دارد: سید مهدی ۱۰ ، سید امیرحسین ۱۰ ،

حاج سید محمدحسین ۸ علوی متولد (۱۳۰۰= میرمعظم) در بمبئی ، وتا ۱۸ سالگی در آنجا بود و زبان‌هندی را بیاموخت و سپس به‌ایران بازگشت ، علوم ادبیه را یک اندازه دیده ، دارای کمالات صوری ومعنوی بود ، خطی زیبا و انشائی عالی داشت ، وبه اخلاق حسنه و صفات مستحسنه آراسته بود ، زمانی ببازرگانی اشتغال داشت ولی شکستی در کار او پدید آمد،که مرحوم آیةالله‌یزدی در خصوص او نامه‌ای به‌مرحوم حاجی آقا سید محمد جعفر جد امجد نگارنده نوشت ، وسفارش نمود که‌نگذارند از حیثیت واعتبار او کاسته‌شود و با حاج رئیس و دیگران مذاکره کنند که‌او را کمک کنند ، اما پس از آن جریان ، تجارت را رها نمود وسر دفتر اسناد رسمی گردید ، و او را حاج سید محمدحسین بزرگ‌میگفتند به جهت امتیاز از عمزاده‌اش سید محمدحسین بن سید جواد ، و کسروی شبی را که خزعل

دستگیر شد در منزل او مهمان بوده *

وفاتش‌در (۳ـع ۱ـ۱۳۹۰=تشخص) دراهواز اتفاق افتاد و در مقبره‌خانوادگی در جوار علی بن مهزیار مدفون ودو پسر از وی مخلف شد : سید محمدباقر۹علوی ، سیدمحمدعلی۹ علوی

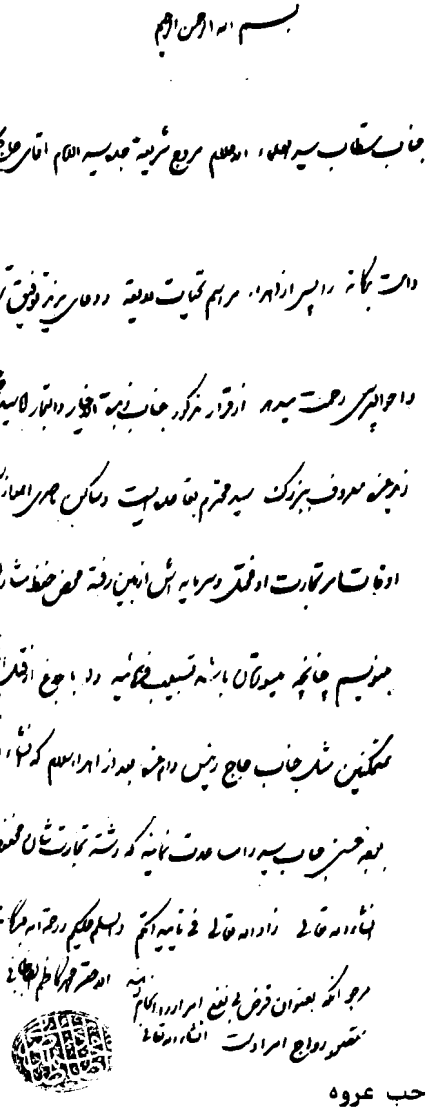

نامه آیه‌الله‌یزدی صاحب عروه

سیدمحمدباقر۹ متولد (۱۳۴۴) کارمندشرکت نفت است وسمتهای مهمی رادارابوده و اکنون دراهوازوریاست روابط شرکت ملی را بعهده دارد

---

* (زندگانی من: ۳۱۴) چاپ چهارم ،

مقالات عدیده‌از او در یادداشت هفتگی شرکت‌منتشر شده ، وپاین مناسبت عکسهای‌متعدد وی در آن نشریه چاپ‌شده ، و او را یک پسر است:سید محمدحسن ۱۰ معروف بـه فریدون متولد (۱۳۶۷) که‌او هم کارمند شرکت‌نفت‌دراهوازاست‌واکنون‌یک‌پسردارد‌بنام سیدامیرعلی۱۱، سیدمحمدعلی ۹ علوی متولد (۱۳۴۸) ، لیسانسیه‌حقوق از دانشگاه‌تهران ، مدتی‌سردفتر اسناد رسمی بود واکنون در بخش حقوقی شرکت نفت کار میکند ، و پروانه‌وکالت دادگستری نیز دارد ، و دارای اخلاق حمیده‌است ، تاکنون پسری ندارد ،

مرحوم آقای سیدنورالدین علوی

آقای سیدعلی علوی

آقای سیدمحمدمهدی علوی فرزند سید نورالدین

آقای سیدمحمدرضا علوی فرزند سیدنورالدین

مرحوم حاج‌سیدمحمدحسین علوی بزرگ

آقای‌سیدمحمدباقرعلوی

آقای‌فریدون علوی

وسیدرضا۷ ابن حاج سید آقائی ۶ بن سید محمدعلی ۵ ، قبل از (۱۳۱۱) درگـذشتـه ، بطوریکه‌ازمرثیه برادرش سید جواد ۷ مستفاد میگردد ،ودر وادی السلام نجف مدفون‌است بطوریکه‌ازسید تقی نوه‌اش شنیدم ، دارای یک پسر بوده : سیدعبدالحسین ۸ که‌درجوانی درگذشته‌ودروادی کهنه‌نجف اشرف‌مدفون شده‌و یک پسر از وی بجای مانده سیدتقی ۹ ملقب به (علوی زاده‌خوزستانی) ، متولد (۱۳۳۳) کارمند دولت است . وشش پسردارد سید صدرالدین ۱۰ ، سید نورالدین ۱۰ ، سید منصور ۱۰ ، سید حسین ۱۰ ، سیدمحمود ۱۰ ، سیدمحسن ۱۰ ،

سیدصدرالدین ۱۰که نام دیگر او سیدرضا است ، کارمند سازمان آب و برق خوزستان‌است تولدش در(۱۳۵۲) و تاکنون دو پسر دارد:سید حسین ۱۱ معروف بابک ، سید علـی ۱۱ معروف سیامک ،

سید نورالدین ۱۰ ، کارمند بانک صادرات ایران دراهواز ، متولد (۱۳۵۶) هم دو پسـر دارد : پیمان ۱۱ ، پیام ۱۱ ،

سید منصور ۱۰ نام دیگرش سید محمدعلی‌است ، متولد (۱۳۶۵) ساکن آمریکا و مهندس ساختمان است ،

سید حسین ۱۰ متولد (۱۳۶۸) در آمریکا تحصیل میکند ،

سیدمحمود ۱۰ که باقر هم نامیده میشود ، تولدش در (۱۳۶۹) بوده ،

سیدمحسن ۱۰ که‌محمدجواد هم‌نام داردمتولد (۱۳۷۱) ، درآمریکا بتحصیل‌ادامه‌میدهد ،

وسیدجواد۷ابن‌حاج‌سیدآقائی ۶ ،جلیل‌القدرمتواضع ازتجار معروف واعیان خوزستان بود، در(رجب ـ۱ ۱۳۱= نقصان عظیم) فوت‌شد و در وادی السلام‌جنب‌قبربرادرش‌مدفون‌است، یکی از شعرا مرثیه‌ای برای او گفته‌که‌معلوم میشود در جوانی درگذشته است ،

فریاد خاکباز چه تا عرش اعظم است — ماه رجب به خلق چرا ماه ماتم است
یاران چه روی داده که از پیر تا جوان — برسرزنان و نوحه کنان دیده‌پرغم‌است
سادات موسوی همـه در نالـه و فغان — گویـا عـزای اشرف اولاد آدم اسـت
سید جـواد بار سفر بسته زین جهان — کز داغ فرقتش قـد آل علی خم‌است
داغ رضا * هوز ز دلها نرفته اسـت — و ز آب دیده ها همه روی زمین‌یم‌است **
گرگ اجل ربود شهی را که در سخـا — مهمان‌خوان نعمت او هر چه حاتم است
شد از چهان کسیکه به اخلاق و معـرفت — در خلق این زمانه بمانند او کـم اسـت
تنها نه آل عبد سلامنـد اشکبـار — هر کس شنید نامش ازاین‌غصه‌درغم‌است

---

* برادر اواست ،

** یم با یاء و میم دریارا گویند ،

سید محمد تقی از هجـر باب خـود — خون جای اشک بارد اگر ازبصرکم‌است
سید حسین‌کشد زجگر بانک وا ابـــا — چون نام او بزخم دلش‌جای‌مرهم است
از نوجوانیش چه دهم شرح‌وبسط من — کی مثل او کسی به جوانان عالم است
گز این‌عزااست‌حضرت‌احمد * سرشگ‌ریز — زیراکه آنجناب به‌آن شه پسر عم است

سه‌پسر از وی مخلف شد:حاج سید محمد تقی ۸ ، سید محمدحسین۸ ، سید عبدالسلام ۸، حاج سیدمحمدتقی ۸ بن‌سید جواد ، متولد (۱۲۹۵= فروغ ده) و متوفی (۱۳۷۱=ظلمات) و مدفون در کربلا در صحن امام حسین علیه‌السلم ،مدتی در بمبئی واصفهان و خوزستان تجارت داشت در اوآخر دست کشیده وساکن کربلا شد ، سیدی جلیل بود به صله ارحـام علاقه داشت ، نگارنده او را مکرر میدیدم که بدیدن‌عم‌معظم مرحوم حاج سید نورالـدین (قدس سره) و جد امی خود مرحوم حاج سید محمدمهدی (طاب ثراه) میآمد ، و بـــا نگارنده با ملاطفت و مهربانی سخن میگفت ، هفت پسر از وی موجود شد : سید جواد ۹ ، معروف به سید بزرگ ، سید مهدی ۹ ، سید حسین ۹ ، سید جعفر ۹ ، سید کاظم ۹ ، سیـد محسن ۹ ، سید علی ۹ ،

سید جواد ۹ معروف به سید بزرگ متولد (۱۳۳۰) در خرمشهر ، از بازرگانان‌نیکوکاراهواز است وچهار پسر دارد: سید حمید ۱۰متولد (۱۳۶۴) ، سید مجید ۱۰ متولد (۱۳۶۶) دیپلمه مکانیک ، سید سعید ۱۰ متولد (۱۳۷۰) ، سید مسعود ۱۰ متولد ۱۳۷۷ محصلند،

سید مهدی ۹ ، در جوانی در کربلا مرحوم و مدفون شد ، در (بوستان پیغمبر) او را با سید مهدی ۹ بن سید محمدحسین کوچک اشتباه کرده ،

سیدحسین ۹متولد (۱۳۴۰)دکتر در طب وساکن آمریکا است ، دو پسر دارد: سیدجعفر۱۰، کیوان ۱۰ ،

سید جعفر ۹ نیز دو پسر دارد: فریبرز ۱۰ ، فرشید ۱۰ ،

سید کاظم ۹ در امریکا است ویک پسر دارد: سید داود ۱۰ ،

سید محسن ۹ ساکن اصفهان دو پسر داشت : مهرداد ، مهیار ۱۰ ،

مهرداد ۱۰ علوی که سید تقی نام اصلی او است ، مهندس فارغ التحصیل از امریکا ، به ایران مراجعت کرد عازم اصفهان شد اما در اثر سانحه اتومبیل در (۳ـ صفر ـ ۱۳۹۶ = خون میگریست) درگذشت ،

سید علی ۹ علوی ، ساکن امریکا ودارای سه پسر است: سید رضا ۱۰ ، سیـد امیر ۱۰ جمشید ۱۰ ،

---

* مقصود سید احمد ۷ سید عبدالله۶ بن سید محمدعلی ۵ (شکوفه‌پانزدهم) یا سیداحمد ۷ ابن سید عبدالکریم ۶ بن سید محمدعلی۵ (شکوفه‌هفدهم) است ،

وسید محمدحسین ۸ بن سید جواد ۷، که جهت امتیاز از عمزاده‌اش به سید محمد حسین کوچک‌معروف‌بود ،تولدش در (۱۳۰۷ = نظام شاهی) و وفاتش در (۱۳۶۰= تسخیرملک)، جنازه‌اش را بنجف منتقل و دفن نمودند ، در بوستان پیغمبر وفاتش رادر(۱۳۶۲) نوشته که اشتباه است ، وی دارای اخلاق حسنه وتاجر بود ، دو پسر از وی مخلف شد : سید مهدی ۹، دکتر سید داود ۹ ،

سیدمهدی۹بن‌سیدمحمدحسین ،متولد (۱۳۲۸) دراهوازبه‌تجارت‌مشغول بود واخیرا "دست کشیده‌وسه‌پسر دارد : سیدمحمود۱۰ ،سیدمنصور۱۰ ،سیدنادر۱۰ ، (محمدحسین)

سید محمود۱۰ متولد (۱۳۵۶ در تهران) ساکن آمریکا است ،تحصیلات‌خودرادرکالیفرنیا انجام داده‌ودر همانجا به کسب آزاد اشتغال و تاکنون دو پسر دارد: راد ۱۱ متولدآمریکا (۱۳۸۹) کیا ۱۱ متولد (۱۳۹۷) ،

سید منصور ۱۰ متولد (۱۳۶۵) در تهران ، لیسانسیه‌زبان‌انگلیسی وفرانسه ازدانشگاه‌ملی تهران ودارای فوق لیسانس از دانشگاه سوربن‌پاریس وکارمند بانک توسعه کشاورزی ایران در تهران و تاکنون یک پسر دارد: سپهر ۱۱ متولد ۱۳۹۷ ،

سیدنادر۱۰ نامش سید محمدحسین است‌متولد (۱۳۷۱) درتهران ،لیسانسیه‌زیست‌شناسی از اراک و اکنون در شهر سونوما (آمریکا) در رشته میکرب شناسی اشتغال دارد ،

دکتر سید داود ۹ بن سید محمدحسین ۸ متولد (۱۳۵۰) دکتر دندانساز و رئیس اداره نظارت بر امور درمانی ودبیرنظام پزشکی اهواز است و تاکنون دو پسر دارد کاوه ۱۰ متولد (۱۳۷۸) کامیار۱۰ متولد (۱۳۸۲) ،

وسیدحسین ۷ بن سید آقائی ۶ بن سید محمدعلی ۵ ، درخرمشهر تجارت مینمود و به جوانی در (۱۳۱۳= رحمت خداوند) درگذشت از او یک پسر مخلف شد :

سید محمدعلی ۸ متولدحدود (۱۳۱۱= ذریات) سیدی بود متواضع با اخلاق ، سال ها منشی شهرداری شوشتر بود ، در (۱۳۶۰= ذی احترام) در خرمشهر درگذشت جنازه‌اش را به نجف اشرف برده در وادی السلام دفن نمودند ،

در شجره طیبه وفات او را در (۱۳۶۲) نوشته که‌اشتباه‌است ، یک پسر از وی بجای ماند: سید علی‌اکبر ۹ مصطفوی متولد (۱۳۴۴) کارمند شرکت نفت در اهواز ، و دارای اخلاق حسنه وقلب پاک است ،و دو پسر دارد : سید مسعود ۱۰ ، سید محمدعلی ۱۰متولد۱۳۸۳ ، سید مسعود ۱۰ متولد (۱۳۷۱) لیسانسیه از مدرسه علوم اداری وبازرگانی قزوین و اکنون در آمریکا بادامه تحصیل مشغول است ،

مرحوم آقای سید محمد حسین علوی کوچک

آقای سید مهدی علوی

آقای سید منصور علوی

دکتر سید داود علوی

مرحوم آقای سید محمد علی مصطفوی

آقای سید علی اکبر مصطفوی

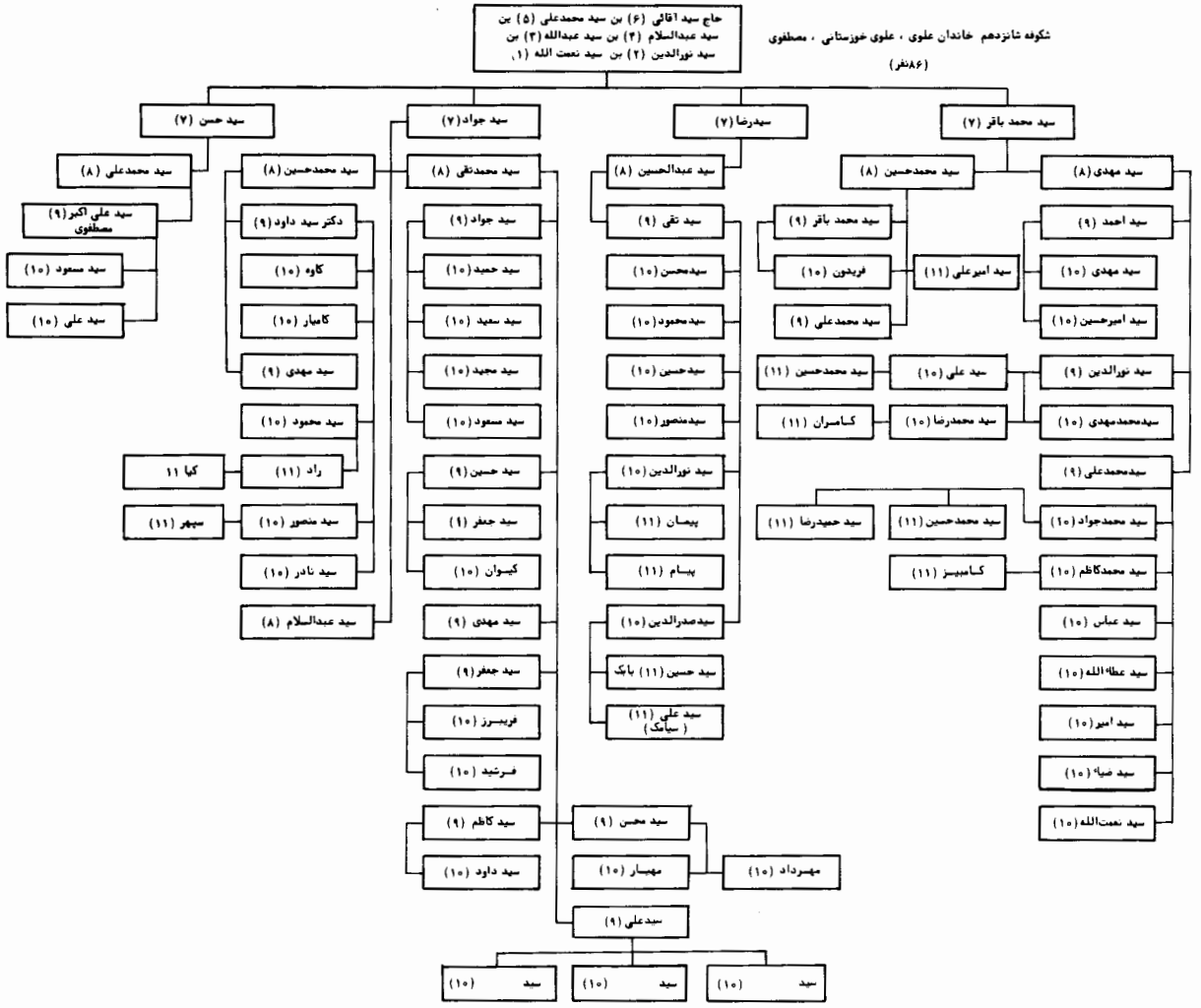
حاج سید آقائی (۶) بن سید محمدعلی (۵) بن
سید عبدالسلام (۴) بن سید عبدالله (۳) بن
سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
شکوفه شانزدهم خاندان علوی ، علوی خوزستانی ، مصطفوی
(۸۶نفر)
سید حسن (۷)
سید جواد (۷)
سیدرضا (۷)
سید محمد باقر (۷)
سید محمدعلی (۸)
سید محمدحسین (۸)
سید محمدتقی (۸)
سید عبدالحسین (۸)
سید محمدحسین (۸)
سید مهدی (۸)
سید علی اکبر (۹) مصطفوی
سید مسعود (۱۰)
سید علی (۱۰)
دکتر سید داود (۹)
کاوه (۱۰)
کامیار (۱۰)
سید مهدی (۹)
سید محمود (۱۰)
راد (۱۱)
کیا ۱۱
سپهر (۱۱)
سید منصور (۱۰)
سید نادر (۱۰)
سید عبدالسلام (۸)
سید جواد (۹)
سید حمید (۱۰)
سید سعید (۱۰)
سید مجید (۱۰)
سید مسعود (۱۰)
سید حسین (۹)
سید جعفر (۹)
کیوان (۱۰)
سید مهدی (۹)
سید جعفر (۹)
فریبرز (۱۰)
فرشید (۱۰)
سید کاظم (۹)
سید داود (۱۰)
سید محسن (۹)
مهیار (۱۰)
مهرداد (۱۰)
سیدعلی (۹)
سید (۱۰)
سید (۱۰)
سید (۱۰)
سید تقی (۹)
سیدمحسن (۱۰)
سیدمحمود (۱۰)
سیدحسین (۱۰)
سیدمنصور (۱۰)
سید نورالدین (۱۰)
پیمان (۱۱)
پیام (۱۱)
سیدصدرالدین (۱۰)
سید حسین (۱۱) بابک
سید علی (۱۱) (سیامک)
سید محمد باقر (۹)
فریدون (۱۰)
سید محمدعلی (۹)
سید امیرعلی (۱۱)
سید علی (۱۰)
سید محمدرضا (۱۰)
سید محمدحسین (۱۱)
کامران (۱۱)
سید حمیدرضا (۱۱)
سید محمدحسین (۱۱)
کامبیز (۱۱)
سید احمد (۹)
سید مهدی (۱۰)
سید امیرحسین (۱۰)
سید نورالدین (۹)
سیدمحمدمهدی (۱۰)
سیدمحمدعلی (۹)
سید محمدجواد (۱۰)
سید محمدکاظم (۱۰)
سید عباس (۱۰)
سید عطاءالله (۱۰)
سید امیر (۱۰)
سید ضیاء (۱۰)
سید نعمت‌الله (۱۰)

شکوفه هفدهم

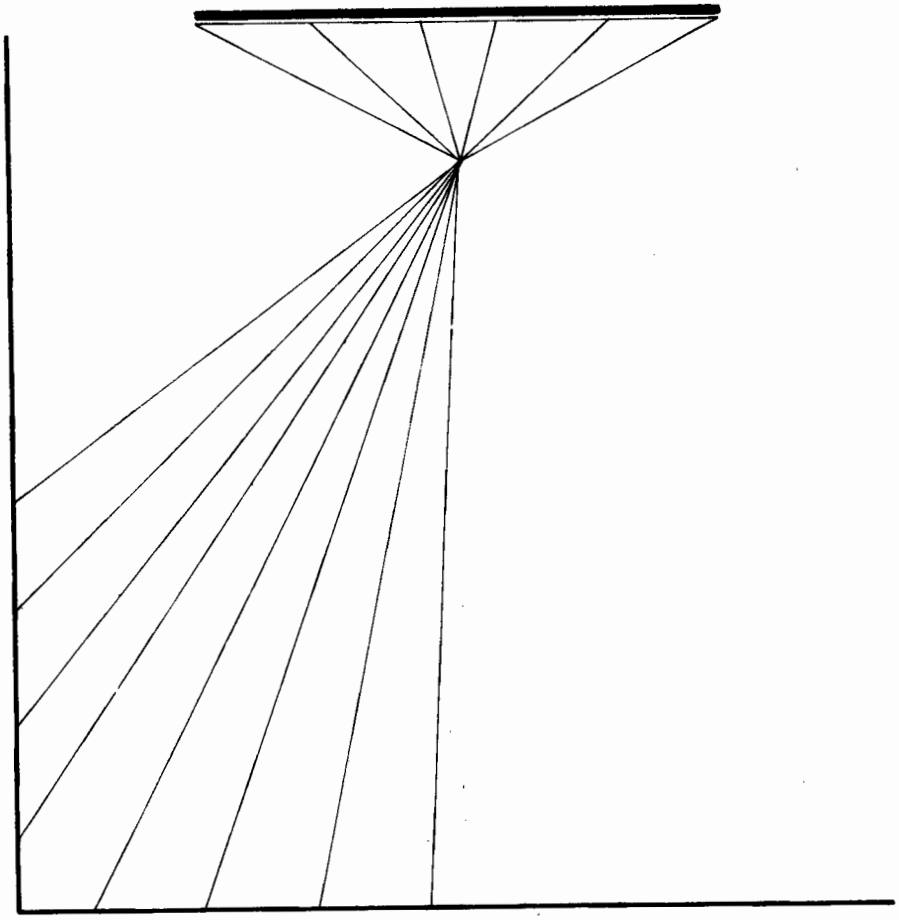

* شکوفه هفدهم *

خاندان‌جزائری مقدس ، سید وکیل ، صاحبی ، عالم پور ، عالم زاده ، علوی شوشتری ، محمدی وکیل ، وکیل التجار ، وکیل نژاد ، وکیلی

سید عبدالکریم ۶ بن سید محمدعلی۵ بن سید عبدالسلام ۴فاضلی کامل وعالمی عامل ، عالی همت بلند فطرت بوده ، در ادبیات استادی تمام ، ودرشرعیات مهارتی بسلاکلام داشت ،

تولدش در (۱۲۴۰= مرغ) و وفاتش در (۱۲۹۵= فروغ داد) بوده ،

تفسیری نوشته‌به‌اسم مجمع التفاسیر که‌تاسوره طه رسیده است ، *

و مرحوم آیةالله حاجی سید عبدالصمد (قدس سره) جد دوم نگارنده ، در بیاض پدرش از او چنین تعبیر نموده (المرحوم المبرو رالمقدس الموفق لتفسیرالقران‌العظیم‌الحاج‌سید عبدالکریم)

وبطوریکه‌ازتاریخ ولادت و وفات او معلوم شد ، در پنجاه و پنج سالگی درگذشته ، و در جنوب ساباط بالای سر صحن مطهر نجف اشرف مدفون است ، و دارای شش پسر بوده :

سید صادق۷ ، سیدکاظم ۷ ، حاج سید محمد ۷ ، سید نعمت الله ۷ ، سید احمد ۷ ، سید حسین۷ علوی ،

سید صادق ۷ و سید کاظم اولاد نداشته‌اند ،

اما حاج سید محمد ۷ متولد (۱۲۶۷= استخاره) در شوشتر ، خانه‌ایشان نزدیک بودبمقام دلدل ** لذا مشهور شدبه‌حاج سیدمحمددلدلی ،و ایشان از اخیار روزگار دائم‌الذکر عفیف النفس*** ، سیدی قوی بنیه وفعال بود و بسیار تلاوت‌قرآن مینمود ،دراواخر عمر ساکن اهواز شده ودر همانجا در (۱۳۴۰= حافظ قران) * درگذشت و در مقبره خاندان علوی متصل به مسجد جامع مدفون گردید ،

داستانهائی‌از شجاعت و نیروی بدنی آنمرحوم برالسنه‌جاری‌است ، ازآنجمله به تواتر مسموع شد ، یک روز صبح زود که هوا روشن نشده بود بقصد حمام از منزل بیرون میرود اتفاقا" گاومیشی قوی هیکل به‌او حمله میکند ، آنمرحوم بدون ترس و واهمه بقچه‌لباسهارا زیر بغل گذاشته وبا دستها شاخهای حیوان را محکم گرفته و با فشار او را بعقب برگردانده وبخانه صاحبش میرساند وبخواهش صاحبش آنرا ول نمیکند و همانطورنگهمیداردتا قصابی را خبر میدهند و میاید آنرا میکشد ،

---

* شجره طیبه

** بر وزن بلبل واقع در محله موگهی شوشتر ، سابقا " قبه وبارگاهی داشته که‌خراب‌شده‌واکنون سکوی‌آن‌به‌ابعاد ۲۰ /۲۳×۴۰ /۱۰ متر و ارتفاع بین ۲ تا نیم متر باقی است ، (دیار شهریاران۱ :۷۴۳)

*** بوستان پیغمبر ،

هشت پسر از او بعمل آمد : حاج سید ابراهیم ۸ محمدی ، حاج‌سید عبدالله ۸وکیل‌التجار ، سید عبدالکریم ۸ علوی شوشتری ، سید حسین ۸ وکیل التجار ، سیدابوالحسن ۸ ، سید محمدعلی ۸ ، سید مهدی ۸ ، سید محمد طاهر ۸ محمدی وکیل ،

حاج سید ابراهیم ۸ محمدی پسر اکبرش ، مجتهدی جلیل در تقوی و قدس بی عدیل ، دارای طبع شعر عالی بود و (رجا) تخلص مینمود ،

تولدش‌در شوشتر (۱۲۹۲= ارمغان) مقدمات را در آنجا و در دزفول‌بدست‌آوردآنگاه‌عازم تهران واصفهان و مشهد گردید وپس از هفت سال تحصیل در آن مراکز علمی به شوشتر بازگشت ، وپس از ازدواج بطرف‌نجف اشرف رهسپار شد ، هفت سال دیگر در آن‌دانشگاه بزرگ اسلام بماند ، و از محاضر علمای آندوره مانند مرحوم سید یزدی ، و مرحوم‌آخوند خراسانی ، استفاده فقه واصول نمود ، وپس از نیل به درجه اجتهاد بخواهش جمعی از محترمان به اهواز مراجعت و سکنی گزید ، و به ترویج دین و تهذیب‌اخلاق‌مسلمین‌مشغول گردید ، و مانند جد بزرگوارش رفتار مینمود ، در کوچه وبازار کسبه و تجار را راهنمائی‌و به کارهای خیر و عام المنفعه تشویق میفرمود ،

در محضرش هیچوقت غیبت کسی شنیده نمیشد وکردار و رفتارش انسان را بیاد خدا میانداخت ، و مواعظ و منابر بلیغه اش در دلها اثر میگذاشت ،

اجازات متنوعه از مرحوم آقاسید اسماعیل صدر مورخ (محرم ـ۱۳۲۶) و مرحوم حاج‌سید علی تبریزی معروف به داماد مورخ (محرم ۱۳۲۷) وآخوند خراسانی مورخ (محرم ـ ۱۳۲۶) و سید یزدی و دیگران دارد ، که‌عموما "او را به‌وصف تقوی و قدس ستوده‌اند ،

دیوان‌شعری‌بزرگ دارد که بیشتر آن در مدائح و مراثی اهل بیت (علیهم‌السلم)ونصیحت است در(۳۶۳ صفحه) نیم ورقی ، فرزند ارشد وی حاج سیدمحمدعلی (سلمه‌الله) بیست نسخه را زیراکس نموده و یک نسخه بما اهداء کرده ، و در (۱۳۵۱ شمسی) منتخب‌آن‌که قریب‌یک‌دهم‌اصل‌است‌باشرح‌حال‌آنمرحوم بقلم‌فرزندنامبرده و تصویروی به چاپ رسیده ، در (۱۳۶صفحه) ،

درآن شرح حال صفات وخدمات آنمرحوم بیان شده ، و از جمله آنکه اشعار زیاد دیگری‌به فارسی و عربی داشته که از بین رفته است ،

وآیة الله بهبهانی را از اساتید اوشمرده ، که‌بنظر میرسد مقصودمرحوم‌سید کاظم‌بهبهانی عالم مدرس انْحصر است ،

گفتیم که آنمرحوم اشعار عالی دارد از آنجمله لف و نشری جالب در مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلم‌که در (منتخب دیوان: ۵۷) وی چاپ شده و ما نظر خوانندگان را به آن‌جلب میکنیم ،

و رباعیات زیادی داشته از آنجمله :

ای نام مقدس تو الله و خدا — پرورده احسانِ تو سلطان و گـدا
امید رجا بود ز لطفت امروز — ماء یـوس نسازی تو ز عفوت فردا
درظلمت دریای عدم من بودم — کردی تو زلطف بی نهایت بودم
گر شامل مرحمت نسازی بجزا — زین بود چه بود بارالهی سودم
ای یاد تو برزخم دلم چون مرهم — بی ابر تو دریم نزند مـوری دم
گرعفوکنی جنت ورضوان بخشی — از بحر غنایت نشود چیزی کم
لاتیاء سواارنبود بودم مایوس — زین نفس رذیل شوم زشت منحوس
من کیستم ومطلب من چیست خدا — باشد کرمت شامل ترسا ومجوس
ای آنکه بخاک مردمان میگذری — از کبر نمیکنی به پائین نظـری
فرداست که این کله پر باد توخاک — میگردد وازتو کس نپرسد خبری
ای آنکه زدین وعقل وتقوی دوری — بر دشمنی آل علی مشهوری
اول ظالم هرآنکه باشد باشد — ازآخر تا بعین تو خود منظوری
گفتم دیشب بعشق آن جانانه — گشتی ز چه همـدم من دیوانه
گفتا که منم گنج ودلت ویران است — ماوی نکنـد گنج بجز ویرانه

و در مرثیه بانو بتول دختر مرحوم حاج سید احمد مرتضوی وهمسر مرحوم آقای سیدمحمد جواد جزائری و مادر دکتر سید محمد جزائری (سلمه‌الله) فرموده:

صد آه و صد فسوس که باد خزان وزید — در گلشنی که کس به صفایش چمن ندید
بر چید دست مرگ گلی را که تا کنون — گلچیـن روزگـار گلـی همچـو او نچیـد
زین نو نهال تازه که افتاد روی خـاک — گل در مصیبتش ز اسف جامه بر درید
گلهای نو بهار برون کرده سر ز خـاک — غیـراز گلی که گشته ز انظـار ناپدید
باشد هـزار لاله ز هـر سوی داغـدار — در ماتم گلی که نقاب از کفـن کشیـد
بلبل نموده جامه خاکستـری ببـر — چون آن همای قدس ز حبس قفس پرید
دور فلک به کـام محبان دمی نگشت — راحت خدای برای محبان نیآفریـد
روزی نشد که بر دل غمدیده از فلک — جز آنکه میشود غمی از نو بر او مزید
در خاندان مرتضوی از غم بتـول — در سینه حسین و حسن دل ز غم طپید
باشند آل فاطمه ز ین غم سرشک ریز — بر هر دلی ز زخم الم قسمتی رسیـد
شد قسمت جواد ز هر یـک زیـادتر — یارب دل مبارکش از غم چه هـاکشید
تاراج گشته گلشن او را خزان مـرگ — تاریـک گشتـه محفلش از مشعـل امیـد

اطفال مرده مـادر او از فـراق مام　　گلهای رویشان همـه گردیده شنبلید*
در فکـر بهر ماده تـاریخ او رجـا　　افتاد وگفت هاتفی (ازغصه‌آرمید) ۱۳۵۸

مرحوم حاج سید ابراهیم ۸ در اواخر عمر ، روی شدت علاقه به عبادت‌ونماز دچار نوعی وسواس شد و بیمار گردید تا اینکه عاقبت در روز چهار شنبه (۲۲ ــ شعبان ــ ۱۳۷۵= فرشته منش) هنگام سحر از این سرای عاریت رخت بربست ، جنازه‌اش را در همانروز با تجلیل واحترام شایسته‌ای بوسیله‌دامادش به نجف اشرف منتقل و روز بعد بوسیله‌جمعی‌از سادات وعلماء مقیم نجف اشرف درحرم مطهر طواف داده شد و در وادی السلام درمقبره چیت ساز دفن‌گردید ، و نگارنده توفیق شرکت در آن مراسم را داشتم ،

برادر زاده اش‌آقا سید محمد علی ۹ علوی شوشتری در مرثیه اش قصیده ای گفتـه و در مجلس ترحیمی که در حسینیه اعظم اهواز (که‌بوسیله آنمرحوم تاءسیس شده‌بود) برگزار گردید ، یکی از شعرا قصیده‌ای انشاء نمود که از آنجمله است :

گهی تو سنگ جفا بر دهان پیغمبر　　زنی و بشکنی از کین ز حضرتش دندان
گهی سلاله سادات را ز خوزستـان　　بری و در بغل خاک میکنی تو نهـــان

شش پسر از وی مخلف شد : سید محمدعلی ۹ ، سید نورالدین ۹ ، سید اسماعیل ۹ ، سید احمد ۹ ، سید مجید ۹ ، سید مرتضی ۹ ،

سید محمدعلی ۹ ابن حاج سید ابراهیم ۸ ، متولد (۱۳۳۸) کارمند بازنشسته شرکت نفت در اهواز و اکنون به شغل آزاد پرداخته ، و اطلاعاتی از فن معماری و باغبانی و کشاورزی دارد ،

با اینکه در مقام سخنوری و نویسندگی نیست ، اما از بیان وانشائی‌مناسب‌برخورداراست، مقالاتی در فلسفه شهادت امام حسین (علیه‌السلم)و موضوعات اخلاقی واجتماعی فراهم کرده ، نشان اینجانب داد آنها را خوب و موجب تحسین یافتم ،

گاهگاهی‌هم اشعاری‌بر زبان او جاری میشود ، از آنجمله موقعیکه فرزند ارشدش در شیراز بود این دو بیت را در جواب نامه او فرستاد

رسید امروز زیبا نامه تـو　　بدیدم خط مشکین خامه تـو
توکی‌دانی‌چه‌لذت‌میبرم‌من　　چه یعقوبم که بویم جامه تو

اولاد ذکورش سه نفرند : دکتر سید حسین ۱۰ ، سید مهدی ۱۰ ، سید محمود ۱۰ ،

دکتر سید حسین ۱۰ محمدی ، تحصیلات پزشکی خود را در شیراز تمام کرده واکنون‌برای تخصص به آمریکا رفته است ،

---

* شنبلید نام گلی است زرد و خوشبو ، مثالش مسعود سعد فرماید

بضعف ضمیرانش تن ، بخم خیزرانش قد　　بلون شنبلیدش رخ ، برنگ یاسمینش بر (مجمع الفرس ۲ ، ۸۴۶)

سید مهدی ۱۰ نیز در آمریکا وسید محمود ۱۰ در دانشگاه مشهد مشغول تحصیلند ،
سید نورالدین ۹ ابن حاج‌سیدابراهیم ۸ ،متولد (۱۳۴۲) کارمند شرکت نفت دراهوازاست ودو پسر دارد : سید شمس الدین ۱۰ متولد (۱۳۷۱) کهاکنون دوره‌دکترای مهندسی شیمی را میگذراند،و سید ابراهیم ۱۰ متولد (۱۳۷۵) که مشغول تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان است طبق اظهار والدشان ،
سیداسماعیل ۹ ابن حاج سید ابراهیم ۸ ، متولد (۱۳۴۴) سه پسر دارد: سیدنعمت‌الله ۱۰ متولد (۱۳۷۴) ، سید رضا ۱۰ متولد (۱۳۷۸) ، سید ابراهیم ۱۰ متولد (۱۳۹۶) ،
سید احمد ۹ ابن‌حاج سیدابراهیم ۸ ، متولد(۱۳۵۴) دارای دو پسر است: سیدمحمد ۱۰ ، سیدعلی ۱۰ ،
سیدمجید ۹ ابن حاج سید ابراهیم ۸ متولد (۱۳۶۲)
سید مرتضی ۹ ابن حاج سید ابراهیم ۸ متولد (۱۳۶۵)
وحاج‌سیدعبدالله ۸وکیل‌التجارابن‌حاج‌سیدمحمد ۷ ،متولد (۱۲۹۴=نظم شد) ، سالها دراهواز به‌تجارت مشغول و از طبقه اول سادات واعیان وتجار محسوب بود ، و درانجمنهای مهم همیشه عضویت داشت ،*
در امور دین راسخ و متصلب ، عمری بخوشی گذرانید ، اقبال وادباردنیادرنظراویکسان نه از روآوردن آن شادمان ونه‌از برگشتن آن هراسان ، حسن خلق و نشاط بر طبعش غالب بود ،**
در (۱۷ــ صیام ــ۱۳۶۵= دست قضا) درگذشت ، جنازه‌اش را بقم برده‌در بقعه شاهزاده ابراهیم دفن نمودند ، دو پسر از وی مخلف شد :حاجی سید علی اکبر ۹ محمدی ،سید مهدی ۹ وکیلی ،
حاجی سید علی اکبر ۹ محمدی ،متولد (۱۸ــ ذح ــ۱۳۲۲)*** مقیم‌اهواز ، مردی است آراسته ووارسته ، علوم ادبیه‌رابقدر وسع دیده و از وی هشت پسر بعمل آمد: سید محمدحسین ۱۰ ، سید محمدعلی ۱۰ ، سید محمدتقی ۱۰ ، سید محمدکاظم ۱۰ ، سید محمدباقر ۱۰ متولد (۱۳۷۰) ،سیدمحمدجواد ۱۰ ،سیدمحمدمهدی ۱۰ ،سیدمحمدهادی ۱۰، سیدمحمدحسین ۱۰متولد (۱۳۴۹) دارای دوپسراست سیدمحمدامین ۱۱ ، سیدامیر ۱۱ ، سیدمحمدعلی ۱۰ مهندس کشاورزی بود در اثر تصادف ماشین درگذشت ،ودرعلی‌بن‌مهزیار مدفون گردید.

---

* شجره‌طیبه ،
** بوستان پیغمبر
*** یادداشت مرحوم حاج سید محمدرضای شیخ الاسلام ،

سید مهدی ۹ وکیلی متولد (۲۰ـ ج۲ـ۱۳۳۴) مقیم اهواز است و شش پسر دارد سید محمود ۱۰ ، سیدمحمدعلی ۱۰ ، سیدحسین ۱۰ ، سیدکاظم ۱۰ ، سیدمجید ۱۰ ، سیدحمید ۱۰ ، سیدمحمود ۱۰ ابن سید مهدی ، در امریکا مشغول تحصیل است و تاکنون دو پسر دارد : سید مهدی ۱۱ ، سید محمد ۱۱ ،

وسیدعبدالکریم ۸ علوی شوشتری ابن حاج سیدمحمد ۷ ، متولد (۱۳۰۳= پیر مغان)* سالها به‌تحصیل صرف ونحو و منطق و فقه واصول مشغول و از شاگردان مرحوم آیه‌الله‌حاج شیخ محمدرضای معزی دزفولی (۸) محسوب و مدتی در آبادان امام جماعت بودولی بعدها ممیز اداره‌غله گردید و در اواخر ساکن اهواز شد و گاهی منبز میرفت و خطیبی فاضل بشمار میآمد ، طبع شعر هم داشته واز اشعار ایشان که در مرثیه همسرش سروده

دل گشته از مصیبت آن یار مهربان دریای خون و سرزده از راد دیدگان
جز صبر چاره نیست ولی صبرازکجا صبر و قرار من همه شد زیر گل نهان

و از او است

علوی را زحشر بیمی نیست چون بود زآل و اقرباء علی

نسخه‌ای از تذکره شوشتر بخط او دیده‌ام ، و از قرار مسموع قرآن مجید را هم بخط خود نوشته ،

در (۱۳۷۸= ظلمت زا) وفات نمود و در ضلع غربی مقام حسین مدفون گردید ،

یازده پسر از همسران متعدد داشت : سید جواد ۹ ، سیدمحمدعلی ۹ ، دکترسیدعلی‌اکبر ۹ سیدعلی اصغر ۹ ، سید محمدتقی ۹ ، سید محمد ۹ ، دکتر سید حسین ۹ ، سیداحمد ۹ ، سید محمود ۹ ، سید مجید ۹ متولد (۱۳۷۳) ، سیدرضا ۹ متولد (۱۳۷۵) ،

سید جواد ۹ اکبر اولادش در (۱۴ـ صیام ـ۱۳۳۰= شغل) متولدو در (۲۲ـ شوال ـ۱۳۹۰ = تشخص) متوفی ودربهشت زهرا مدفون گردید

شش پسر از وی مخلف شد : سیدعلی ۱۰ ، سید مرتضی ۱۰ ، سیدمحسن ۱۰ ، سیدمصطفی ۱۰ سید مسعود ۱۰ ، سید محمد ۱۰ ،

سید علی ۱۰ بن سید جواد ۹ متولد (۱۳۶۲) لیسانسیه رشته حسابداری ساکن اهواز ، تا کنون دو پسر دارد بابک ۱۱ ، افشین ۱۱ ،

سید مرتضی ۱۰ بن سید جواد ۹ را تاکنون یک پسر است بهروز ۱۱ ،

سید محمدعلی ۹ علوی شوشتری بن سید عبدالکریم ۸ متولد (۲۱ـ صفر ـ۱۳۴۶) مدیر اموراداری سازمان آب و برق خوزستان دراهواز و شاعر است و مقالاتی از وی منتشر شده ، پروانه‌وکالت دادگستری نیز دارد . غزل زیر از اوست:

هر کار میکنی بکن اما سفر مکن جانرا قرین محنت خوف و خطر مکن

---

* بوستان پیغمبر

جز باده محبت اهل صفا منوش — خود را در این میانه دچار ضررمکن
دست مرا بگیر که از غم رها شوم — الطاف خویش را ز وفا مختصر مکن
مگذار ناله های مرا خلق بشنوند — عشق مرا به محضر خود بی ثمر مکن
اشراق کن که پایه ایمان قوی شود — ما را اسیر دست قضا و قدر مکن
سر مست گشته ام بشراب نگاه تو — جز بر من ای عزیز دل من نظر مکن
کوشیده ام براه وصال توهر زمان — سعی مرا به عشوه گریها هدر مکن
با شعله ای زعشق بسوزان غم مرا — شعی مرا براه صفا بی اثر مکن

پسرانش سه نفر بودند : سیدمحمدمهدی۱۰ ، سید شمس الد۱۰ که در (۱۳۹۱) بجوانی درگذشت ، سید مجید ۱۰ ،

دکتر سید علی اکبر ۹ علوی بن سید عبدالکریم ۸ متولد (۱۳۴۸) ، دراهوازطبابت میکند وسه پسر دارد: سید محمود۱۰ ، سید مهدی ۱۰ ، سید محمدحسین۱۰ ،

سید محمود۱۰ را تاکنون یک پسر است: رامین ۱۱ متولد (۲۴ـ ج ۱ـ ۱۳۹۶)

سید علی‌اصغر ۹ علوی بن‌سید عبدالکریم ۸ ، نیز متولد (۱۳۴۸) با سید علی اکبر دوقلو بوده و شباهت صوری قریب و غریبی بهم دارند ، وسید علی اصغر ۹ کارمند شرکت نفت در اهواز است ، و پنج پسر دارد سیدجمال۱۰ متولد (۱۳۷۵) ، سید حمید۱۰ متولد (۱۳۸۳) سیدسعید۱۰متولد (۱۳۸۸) ،سیدفرید۱۰متولد (۱۳۹۱) ،سیدمحمد۱۰ متولد (ج۱ـ ۱۳۹۶) ،

سیدمحمدتقی ۹ علوی شوشتری بن سید عبدالکریم ۸ ، متولد (ذح ـ۱۳۵۱) ساکن تهران ودارای طبع شعرجدید است ، دومجموعه از وی منتشر شده بنام (سریر) در (۱۳۴۲ شمسی) باتقریظ یغمائی مدیرمجله‌یغماکه‌اوراجوانی با استعداد باذوق لطیف طبع خوش محضر شعر دوست و شعرخوان وشعرگوی و نام جوینده خوانده ، و (نسرین) که بی تاریخ است ، و او را سه پسر است : فرخ۱۰ ، پرتو۱۰ ، نوید۱۰ ،

سید محمد ۹ بن سید عبدالکریم ۸ ، متولد (۱۳۵۲) دارای دو پسر است سامان۱۰ ،سید علی۱۰ ،

سیدحسین ۹ بن سید عبدالکریم ۸ ، دکتر در طب و مقیم آبادان ، و نامش در شناسنامه سید بزرگ است ، متولد (۱۳۵۷) تاکنون یک پسر دارد: سید محمد ۱۰معروف به‌کیارش ،

سیدمحمود۹بن‌سیدعبدالکریم ۸ ،متولد۱۳۶۹کارمندبهداری‌اهوازاکنون‌یک‌پسردارد سید عباس۱۰ ،

وسیدحسین۸ بن حاج سید محمد ۷ ، متولد (۲۱ـ صیام ـ۱۳۰۵= مختاردین) ومتوفی در (۵ـ ذحـ ۱۳۹۱= متضاعف) و مدفون در مقام صاحب الزمان علیه‌السلم ،

ده پسر از او موجود شد : سید علی اکبر ۹ ، سید محمدعلی ۹وکیلی ، سید محمود۹ ،سید مجید ۹ ، سید ابراهیم ۹ معروف به‌سید حمید ، سید امید۹ ، سیدکریم ۹ ، سید احمد ۹ ، سید محمد ۹ ، سید مرتضی ۹ ،

سید علی اکبر ۹ بن سید حسین۸ ، متولد (۱۳۲۹= مرغوب طبع) ، در جوانی بلاعقب در (۱۳۵۳= بهشت دلخواه) درگذشت ،

سید محمدعلی ۹ وکیلی ساکن اهواز و شغل آزاد دارد سه پسر دارا شد : سید مرتضی ۱۰ ، سید مهدی۱۰ ، سید مسعود۱۰ ، سید مرتضی ۱۰ متولد (۱۳۶۷) مهندس راه و ساختمان است ، ساکن تهران و کارمند شرکت عمران ایران است ،

سید مهدی ۱۰ متولد (۱۳۶۹)

سید مسعود۱۰ متولد (۱۳۷۱) ، در شب جمعه (۳۰ـ ع ۱ـ۱۳۹۰) در اثر تصادف ماشین بین راه خرمشهر واهواز درگذشت و در مقبره قدیم قم دفن گردید ،

وسید ابوالحسن ۸ وکیل ابن حاج سید محمد ۷ ، متولد (۱۳۰۷= خامه راست) و متوفی در (۱۳۴۳= شهزاده بدارالبقا رفت)ومدفون در مزاربراء بن مالک * در شوشتر ، سه‌پسر از وی مخلف شد : سید محمدحسین ۹ ، سید وکیل۹ ، سید محمدعلی۹ صاحبی ، سید محمد جواد ۹ وکیل نژاد ،

سیدمحمدحسین ۹ سید وکیل ، متولد (۱۳۲۳) دارای یک پسر است : سیدکاظم ۱۰کارمند اداره ثبت است و تاکنون دو پسر دارد فرداد ۱۰ ، فرشاد۱۰ ،

سیدمحمدعلی ۹ صاحبی متولد (۱۳۲۶) هفت پسر دارد : سید حسین۱۰ معروف به سید بزرگ ، سید محمدحسن ۱۰ ، سید مهدی۱۰ ، سید نورالدین۱۰ ،سیدفخرالدین۱۰ ،سید شمس الدین۱۰ ، سید نجم الدین۱۰ ،

---

* براء بن مالک انصاری از فرماندهان سپاه اسلام واصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده ، آوازی خوش داشته و مردی شجاع بوده ، در فتح شوشتر بدست هرمزان کشته‌شده‌سال ۱۳یا ۱۹ یـــا ۲۰ (اسدالغابه ۱: ۱۷۲ـ۱۷۳) ،روایاتی‌درفضیلت براء رسیده که احتمال دارد در باره براء بن عاذب بوده وبوی مشتبه شده‌باشد(قاموس الرجال۲: ۱۵۸) ، در فصل پنجم (تذکره‌شوشتر۱۵ـ۱۷) شرحی درباره‌او نوشته‌وآن‌اخبارراد‌ر مدح‌ودانسته ، وخوبی‌حال‌وبستگی‌به‌آن روایات داردکه‌درباره‌او بوده‌یا همنامش، در هرحال مزار او گورستانی معروف و قدیمیترین مزارات شوشتر است ، سید لطف الله۵درحاشیه‌تحفه‌العالم مینویسد (ازمرحوم‌والدبزرگوارقدس سره‌مکرر مسموع شد که‌جدامجدعلا مه‌وکذلک جده‌مکرمه‌وسایراسلاف‌این سلسله علیه نوریه را به بقعه براء بن مالک که در شوشتر است اعتقادی خاص و ارادتی باختصاص بوده و در شدائدبان بقعه شریفه‌توسل مینمودند واغلب آنکه قبل از مراجعت متوسل از بقعه آن مطلب مقرون به انجاح بوده

و در اسفار نادری که‌سلطان ایران جداعلی را باماکان بعیده میطلبید هر وقت در مراجعت ایشان تاخیری میشد مرحوم‌جده‌بآن بقعه شریفه‌میرفت،اغلب این‌بودکه‌قبل از مراجعت جده‌معظمه جد والاجاه بـــه‌خانه وارد میشد و بارها تجربه نموده‌اند)

سید حسین ۱۰ معروف به سید بزرگ تاکنون دارای سه پسر است : سید سعید ۱۱ ، سید علی ۱۱ ، سید وحید ۱۱ ،

سید محمدحسن ۱۰ هم تاکنون یک پسر دارد : سید محمد ۱۱ ،

سید محمد جواد ۹ وکیل نژاد متولد (۱۳۳۱) را هشت پسر است : سیدنورالدین ۱۰ متولد (۱۳۶۳) ، سید محمدعلی ۱۰ متولد (۱۳۶۴) ، سید حسین ۱۰ متولد (۱۳۶۵) ، سید شمس الدین ۱۰ متولد (۱۳۷۱) سید فخرالدین ۱۰ متولد (۱۳۷۶) سید مجید ۱۰ ، سید محمود ۱۰ ، سید مرتضی ۱۰ ،

سید محمدعلی ۱۰ بن سید محمدجواد ۹ را تاکنون یک پسر است : سید رضا ۱۱ معروف به افشین ،

وسید محمدعلی ۸ بن حاج سید محمد ۷ ، درحیات پدر بلاعقب درگذشت و در مزار براء بن مالک مدفون شد ،

در بوستان پیغمبر فرموده‌اولاد ذکور نداشته ، و کلمه‌ذکور زائد است ،

و سید مهدی ۸ بن حاج سید محمد۷ ، نیز در حیات پدر وفات‌نمودوداراهوازجنب مسجد جامع مدفون شد ، یک پسر از وی مخلف شد :

سید احمد ۹ متولد (۱۳۳۵) کارمند بازنشسته راه آهن دراهواز است و اولاد ندارد ،

وسید محمد طاهر ۸ بن حاج سید محمد ۷ ملقب به (محمدی وکیل) متولد (رجب ۱۳۱۶ = غنچه گلزار) در شوشتر و متوفی (۱۳۸۳ = صاحب افتخار) دراهواز و مدفون‌درشاهزاده ابراهیم قم ، پنج پسر داشت : سید محمدی۹ ، سید علی ۹ ، سید مهدی ۹ ، سید محمد جواد۹ ، سید محمدحسین ۹ ،

سید محمدی ۹ متولد (۱۳۴۳ = خیرالبشر) درشوشتر ، کارمند شرکت نفت دراهواز ، مردی موقر ومحترم بود ، در جمعه (۶ــ صفرــ۱۳۹۱ = ختم قرآن) دراثرتصادف‌ماشین درگذشت و در مقام صاحب الزمان شوشتر مدفون گردید ، وسه پسر از وی بجای ماند : سیدعلی ۱۰ سیدمحمدحسین ۱۰ ، سیدمهدی ۱۰ ،

سیدعلی ۱۰ بن سیدمحمدی۹ متولد (۱۳۶۶) وصاحب شرکتی خصوصی است وتاکنون یک پسردارد سید محمد ۱۱ نام ، سید محمد حسین ۱۰ متولد (۱۳۷۱)

سید علی ۹ بن سید محمدطاهر ۸ کارمند شرکت نفت در اهواز و به‌اخلاق حمیده ممتاز ، تولدش‌در (۱۳۴۹) درشوشتربوده‌ودارای‌چهارپسراست سیدمحمدحسین ۱۰ متولد (۱۳۷۴) دراهوازسیدمحمدمهدی ۱۰ متولد (۱۳۷۶) دراهواز ، سیدمحمدجواد ۱۰ معروف بشهریارمتولد (۱۳۷۸) دراهواز ، سید محمدرضا ۱۰ ، متولد (۱۳۸۵) درتهران ،

سید مهدی ۹ بن سید محمدطاهر ۸ در شناسنامه سید محمدجعفر است متولد (۱۳۵۶) دراهواز ، دکتر در طب است و با سمت سرگردی رئیس بهداری شهربانی سنندج میباشدو

تاکنون دو پسر دارد : سید امیر۱۰ ، افشین ۱۰ ،
سید محمدجواد۹ بن سید محمد طاهر ۸ متولددر (۱۳۵۹) دراهواز ،کارمند سازمان‌آب و برق خوزستان و دارای دو پسر است : سید وحید ۱۰ ، نوید۱۰ ،
سیدمحمدحسین ۹ بن سید محمدطاهر ، در شناسنامه‌محمدحسن نامیده شده ،تولدش در (۱۳۶۴) دراهواز بوده ،

مرحوم حاج‌سیدابراهیم محمدی

آقای‌سیدمحمدعلی‌محمدی

دکترسیدمحمدحسین‌محمدی

آقای‌سیدنورالدین‌محمدی

مرحوم‌آقای‌سیدمحمدجواد علوی‌شوشتری

آقای‌سیدمحمدعلی علوی‌شوشتری

آقای‌سیدعلی‌اصغرعلوی

آقای‌سیدمحمدتقی علوی‌شوشتری

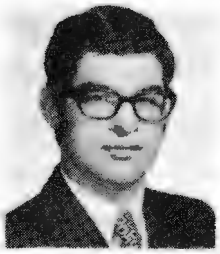

مهندس‌سیدمرتضی‌وکیلی

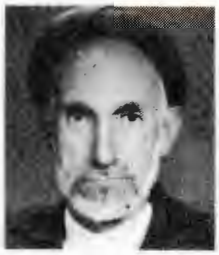

مرحوم آقای سید محمد طاهر محمدی وکیل

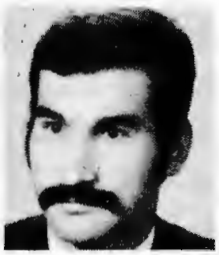

آقای سید محمد علی محمدی وکیل

آقای سید علی محمدی وکیل

دکتر سید مهدی محمدی وکیل

آقای سید محمد جواد محمدی وکیل

و اما سید نعمت الله ۷ بن سید عبدالکریم ۶ بن سید محمدعلی ۵، متولد (۱۲۸۱=فارغ) از اجلاء سادات و محترمین خوزستان بود ، اغلب اوقات در رامهرمز واهوازتوقف داشت، در (۱۳۴۸= بهای مختصر) وفات نمود و در مقبره خانوادگی متصل به مسجد جامع اهواز مدفون گردید ،

هفت پسراز وی‌بعمل آمد: سید باقر ۸ جزایری مقدس ، سید آقاجان ۸علوی ،سیدجعفر۸ ، سیدمحمدعلی ۸ ، دکترسیدصدرالدین ۸ ،سیداسماعیل ۸ ،سیدضیاء ۸ ،

سید باقر ۸ جزایری مقدس بن سید نعمت الله۷ ، در (۲۷ رجب —۱۳۷۳= باغ نسرین) وفات کرد ، جنازه‌اشرا به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن نمودند ،

هفت پسر از او مخلف شد سید احمد ۹ ، سید مهدی ۹ ، سید محمدعلی ۹ ،سیدمرتضی ۹ سیدمصطفی ۹ ،سیدمجتبی ۹ ،سیدرضا۹ ،سیداحمد۹بن سیدباقرمتولد (۱۵— ذق — ۱۳۲۹) ساکن اهواز و داروفروش است و دو پسر دارد سیدمهدی ۱۰ ، سید علی ۱۰ ،

سید مهدی ۹ بن سید باقر متولد (۱۳۳۳) نیز دارو فروش و دارای هفت پسر است : سید کاظم ۱۰ ، سید محمد ۱۰ ، سیدجعفر۱۰متولد (۱۳۶۶) ، سیدمحمدعلی ۱۰ متولد (۱۳۷۱) ، سید محمدباقر۱۰ متولد (۱۳۷۳) ، سید محمدحسین۱۰ متولد (۱۳۷۶) ،سید محمدجواد۱۰ متولد (۱۳۸۲) ،

سیدکاظم ۱۰ بن سیدمهدی ۹ مولد (۱۲۵۷) نادون سه پسر دارد: سید داود ۱۱ متولد (۱۳۸۲) ، شهرام ۱۱ متولد (۱۳۸۸) ، سید علی ۱۱ متولد (۱۴ـ صیام ـ۱۳۹۷) ، سید محمد ۱۰ بن سید مهدی ۹ تاکنون یک پسر دارد: سیدمحمود ۱۱ متولد (۱۳۹۳) ،
سید جعفر ۱۰ بن سید مهدی ۹ در امریکا تحصیل میکند و تاحال دو پسر دارد: بابک ۱۱، سید یوسف (بهنام)
سید محمدعلی ۹ بن سید باقر ۸ دارای چهار پسر است: سیدمحمود ۱۰ ، سیدمجید ۱۰ ، سیدحمید ۱۰ ، سید محسن ۱۰ ،
سیدمحمود ۱۰ دکتر در شیمی از دانشگاه مونیخ آلمان ، و کارمند سازمان انرژی اتمی در تهران است ،
سید مجید ۱۰ متولد (۱۳۶۹) مهندس شیمی است ، در دانشگاه آریامهر تهران تحصیل کرده و تازه دوره نظام را گذرانیده‌است ،
سیدحمید ۱۰ مهندس نساجی از دانشکده پلی تکنیک تهران ،
سید محسن ۱۰ ، اکنون سال آخر رشته‌مهندسی مکانیک رادردانشکده نامبرده‌میگذراند ،
سید مرتضی ۹ بن سید باقر متوفی در (۱۳۵۸= باغ ملکشا) ومدفون در قبرستان عمومی اهواز بلاعقب بوده ،
سید مصطفی ۹ بن سید باقر متولد (۱۳۵۱) دارای دو پسر است: سید مسعود ۱۰ متولد (۱۳۷۵) ، مهران ۱۰ متولد (۱۳۸۲) ،
سید مجتبی ۹ بن سید باقر متولد (۱۳۵۳) صاحب فرزند نشده ،
سید رضا ۹ بن سید باقر درجوانی در (۱۳۸۴= ذی اعتبار) درگذشت ودر قبرستان کهنه اهواز مدفون شده ،
وسید آقاجان ۸ علوی بن سید نعمت الله ، نامش سید محمد اما مشهور بسید آقاجان‌است ودرهفتگل و اهواز شغل آزاد دارد ، تولدش در (۱۳۱۹) بوده و چهار پسر دارد : سید احمد ۹ ، سید جلال ۹ ، دکتر ایرج ۹ ، سید ناصر ۹ ،
سید احمد ۹ بن سید آقاجان ۸ متولد ، در تهران در یک شرکت‌خصوصی‌کارمیکند وتاکنون یک پسر دارد: ارش نام متولد (۱۳۸۲) ،
سیدجلال ۹ بن سید آقاجان ۸ متولد (۱۳۵۲) ساکن اهواز و کارمند آموزش وپرورش است واو نیز تاکنون یک پسر دارد: سید امیر ۱۰ متولد (۱۳۸۶) ،
دکتر ایرج ۹ بن سید آقاجان ۸ ، متولد (۱۳۵۴) جراح وشکسته بند وازاطباء معروف اهواز است ، و تاکنون دو پسر دارد: ارژنگ ۱۰ ، سید علی ۱۰ ،
سید ناصر ۹ بن سید آقاجان ۸ کارمند سازمان آب وبرق خوزستان دراهواز ، ومهندس راه وساختمان است ،

وسیدجعفر ۸ بن سید نعمت الله۷، مقیم اهواز بود و در (۲۴ــ رجب ۱۳۹۳=فروغ‌مسجد) در تهران بسکته قلبی درگذشت ، جنازه اش را بقم برده بخاک سپردند ،
یک پسر از او یادگار مانده، سید مجید ۹ که در خرمشهر تجارت میکند ،
وسید محمدعلی ۸ بن سید نعمت الله۷، کارمند بازنشسته دارائی در تهران است‌و دوپسر دارد سید شمس الدین۹، سید یوسف ۹ ،
وسید اسماعیل ۸ بن سید نعمت الله۷، درجوانی در حدود (۱۳۸۹= حفاظت) درگذشت و در قبرستان کهنه اهواز مدفون شد ،
وسید ضیاء ۸ بن‌سیدنعمت الله۷ متولد (۱۳۴۷) کارمند نیروی‌دریائی شاهنشاهی در تهران است و تاکنون متاءهل نشده ،
واما سید احمد ۷ بن سید عبدالکریم ۶ بن سید محمدعلی۵، عالمی فاضل دارای اخلاق حسنه و صفات مستحسنه بود ، و در رامهرمز مرجعیت دینی داشت ، در (۱۳۳۸= غفار مجید) بزیارت عتبات رهسپار گشته مفقودالاثر گردید ، از او چهار پسر بعمل آمد :
سید محمدحسین ۸ عالمزاده ، سید جعفر ۸، سید تقی۸، سید علی ۸ عالمپور ،
سیدمحمدحسین ۸ عالمزاده متولد (۱۹ــ شوال ــ۱۳۱۳= بستان شکفت) سیدی‌جلیل بود در (۱۹ــ ع ۱ــ۱۳۷۴= باغ‌شمال) درگذشت ودر ابن بابویه‌مدفون شد ،
چهار پسر داشت : سیدمحمدجواد۹، سید احمد ۹، سید محمد ۹، سیدمحمدرضا ۹،
سیدمحمدجواد۹متوفی در (۱۸ــصیام ــ۱۳۸۹=غفران‌پناه‌ومدفون درابن بابویه) سه‌پسر داشت:
سیدکمال۱۰، سیدجمال۱۰، سیدحسین۱۰ ساکن تهرانند
سید احمد ۹ متولد (۱۳۴۵) دراهواز، مهندس راه‌وساختمان درتهران‌است وتاکنون سه‌پسر دارد سید جمال الدین۱۰ متولد (۱۳۷۱)، سیدشهاب الدین۱۰ متولد (۱۳۷۷)، سید وهاب الدین ۱۰ متولد (۱۳۷۹) ،

آقای‌سیداحمدجزائری‌مقدس

آقای‌سیدمصطفی
جزایری‌مقدس

آقای‌سیداحمدعالمزاده

سید محمد ۹ رئیس کارخانجات نساجی مازندان است و پسری ندارد ،
سید محمدرضا۹ کارمند کارخانه‌سیمان در کرمان است و او هم پسری ندارد ،
وسیدجعفر۸بن سیداحمد۷متولد (۲۷ـصیام ـ۱۳۲۱= تدکار)ومتوفی (۲۴ـ شوال ـ۱۳۸۸= فروغ ایمان) ومدفون در مقام صاحب در شوشتر
دوپسر داشت:سید احمد ۹ مقیم لندن و سید محمد ۹ که در دانشگاه نفت آبادان محصل است ،

وسیدتقی۸ بن سیداحمد۷متولد (۱۷ـرجب ـ۱۳۲۳) سه‌پسر دارد : سیدمجید۱۰ سید عباس ۱۰ سید حمید ۱۰ ،
سیدعلی۸ عالمپوربن‌سیداحمد۷متولد (۸ـصیام ـ۱۳۳۲)ساکن اهواز نیز سه پسر دارد:
سید احمد ۹ ، سیدمحسن ۹ ، سید حسین ۹ ،

واما حاج سید حسین ۷ علوی بن سید عبدالکریم۶ بن سید محمدعلی ۵ ، شخصی بزرگ منش خوش اخلاق وبسیار محترم * ، از علماء و اعیان واشراف خوزستان ساکن اهواز بود ، رتق و فتق امور مینمود** ، و تجارت وسیعی داشت ، و زمین مسجد جامع اهواز از اواست ، در (۱۳۲۵) مرحوم آیه‌اللّه‌حاجی سید عبدالصمدجزائری (قدس سره)جد دوم نگارنده ، او را از طرف خود واولادش وکالت داده‌که‌املاک‌مشترکه‌بین‌ایشان واولاد مرحوم حاج سید محمدهادی را افرازنماید ، و او را بجناب مستطاب ابن‌عم‌محترم المحلی بکل زین توصیف فرموده ، و مرحوم آیة اللّه آخوند خراسانی‌در (ج ۲ ـ ۱۳۲۸) نامه‌ای بوی نوشته در خصوص مزرعه خران‌که‌مورد تعدی واقع شده و از املاک مرحوم جد مرقوم بوده است ، وفات آنجناب در(۱۳۳۰= شغل) و در مقبره خانوادگی‌متصل بمسجد جامع اهواز مدفون است ،
چهارپسر ازوی مخلف شد : سید کاظم ۸ ، سید مجید ۸ ، سید مهدی ۸ ،سیدمحمدعلی ۸ ، سید کاظم ۸ ، از اعیان سادات خوزستان واشخاص درجه‌اول این استان بود ، تولدش در (۲۵ـ ذح ـ۱۳۱۷= غواشی) ووفاتش در(۱۳۶۷= تشت زرین) در تهران ، جنازه‌اش را به‌نجف برده در مقبره حاج رئیس دفن نمودند ،
و مقصود از حاج سید کاظم شوشتری داماد حاج رئیس التجار که در یک آگهی بعنوان (اخطار عمومی) از طرف فامیل مرحوم آیه . . . حاج سید عبدالصمدجزائری (قدس سره) در روزنامه حبل المتین چاپ کلکته مورخ (۶ـ صفر ـ۱۳۴۷) در ستون اول از صفحه ۲۴ شماره۳۳ سال ۳۸ منتشر شده او میباشد ،

---

* شجره طیبه ،
** بوستان پیغمبر

پنج پسر از وی مخلف گردید: سیـــد محمدعلی ۹ ، سید مهدی ۹ ، سید نورالدین ۹ ، پرفسور سید یوسف ۹ ، دکترسیدحمید۹ ، سیدمحمدعلی ۹ اکنون درتهران رئیس یکی از شرکتهای اتومبیل داخلی است ، و یک پسر دارد مسعود ۱۰ نام که در آمریکا محصل است ،

سید مهدی ۹ ، کارمند بازنشسته شرکت نفت ، مقیم تهران است واولادی ندارد ،

سیدنورالدین ۹ ، در (۱۳۹۴= شهید عشق خدا) در اثرسانحه‌اتومبیل‌درتهران‌درگذشت وجنازه‌اش را به‌اهواز آورده در مقبره‌خانوادگی متصل به‌مسجدجامع دفن نمودند ،اولادی نداشت ،

پرفسور سید یوسف ۹ ، از دانشگاه کارامازون آمریکا درجه پرفسوری در رشته‌برق دارد ، و اکنون در آنجا بسمت استادی مشغول است ، یک پسر دارد کیوان۱۰ ،

دکتر سید حمید ۹ ، متخصص درجراحی استخوان و پلاستیک ، مقیم راشل فرانسه است ، ودوپسر دارد : فریدون ۱۰ ، جان ۱۰ ،

سید مجید ۸ علوی متولد (۱۶ــ رجب ــ۱۳۲۲= اقتضای حب) و متوفی (در غره ــ محرم ۱۳۸۵= فخر شهر) و مدفون در مقبره خانوادگی سابق الذکر ، وی نیز از اعیان متنفـــذ خوزستان بود و او را یک پسر است: سید محمد رضا ۹ که در تهران تجارت میکند ودوپسر دارد : سید کریم ۱۰ ، سید علی ۱۰ ،

سیدمهدی ۸ علوی متولد (۱۳۲۱= اهل غرفه) و متوفی (۱۳۸۲= مشغله‌ابد) و مدفون در همان مقبره ، اولاد ذکور نداشت ،

سید محمدعلی ۸ علوی متولد (ج۱ــ ۱۳۲۵) کارمند بازنشسته شرکت نفت در تهران‌است و متاءهل نشده ،

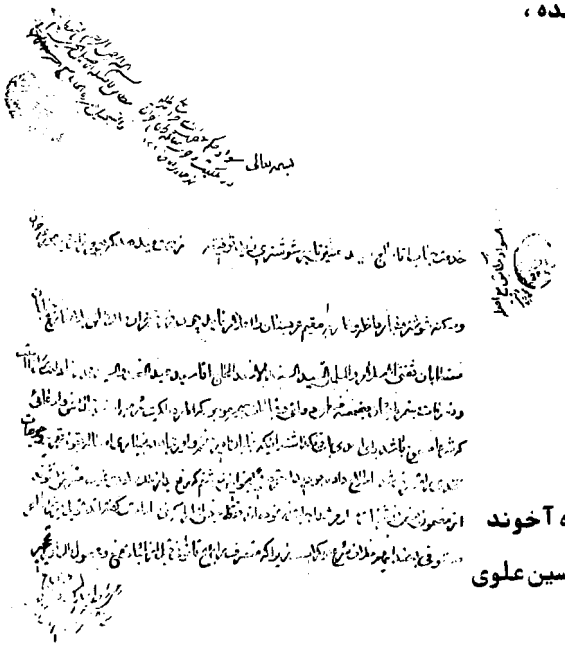

قسمتی از نامه آخوند به‌حاج‌سیدحسین‌علوی

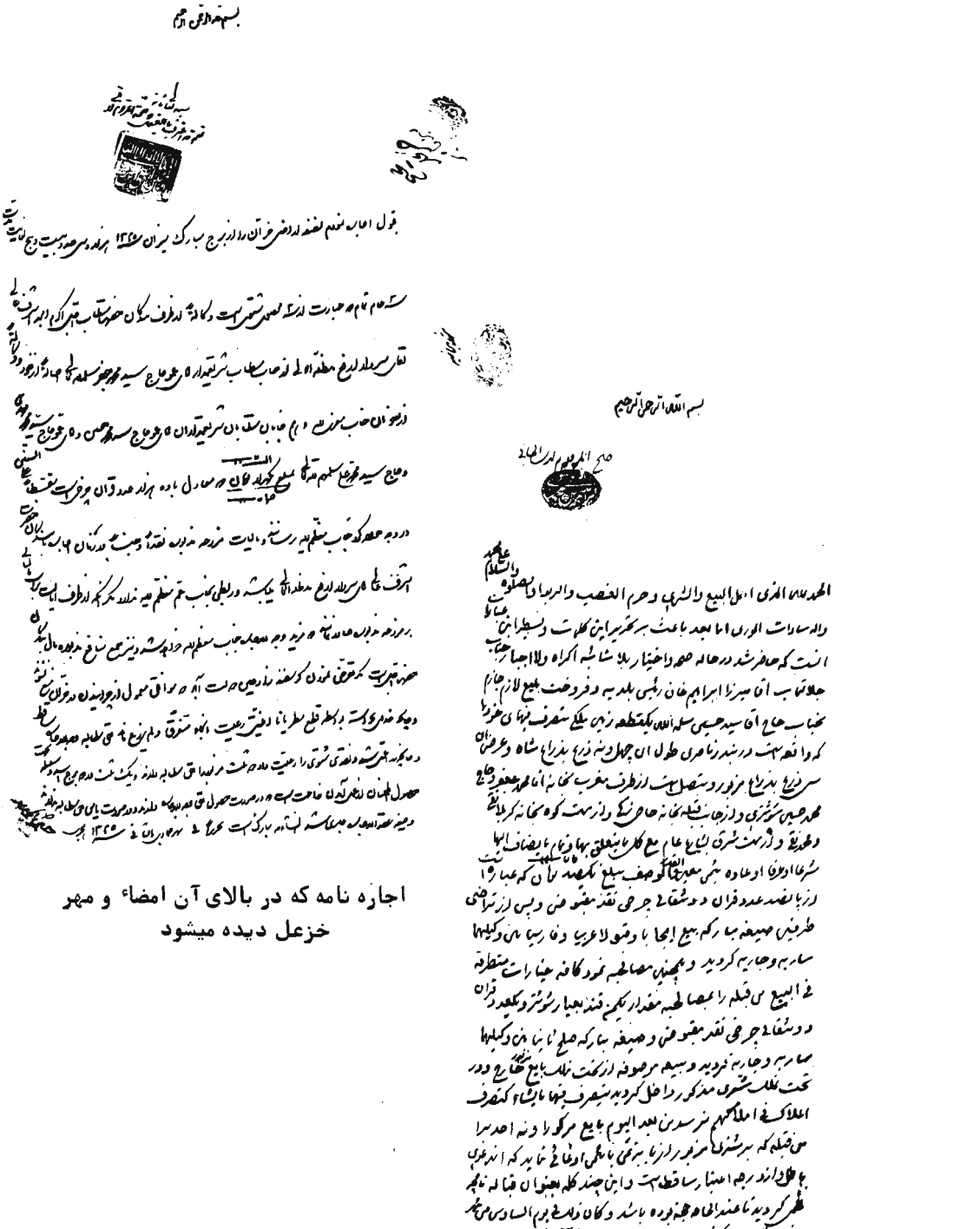

اجاره نامه که در بالای آن امضاء و مهر خزعل دیده میشود

سند ملک حاج سیدحسین علوی

شکوفه هجدهم

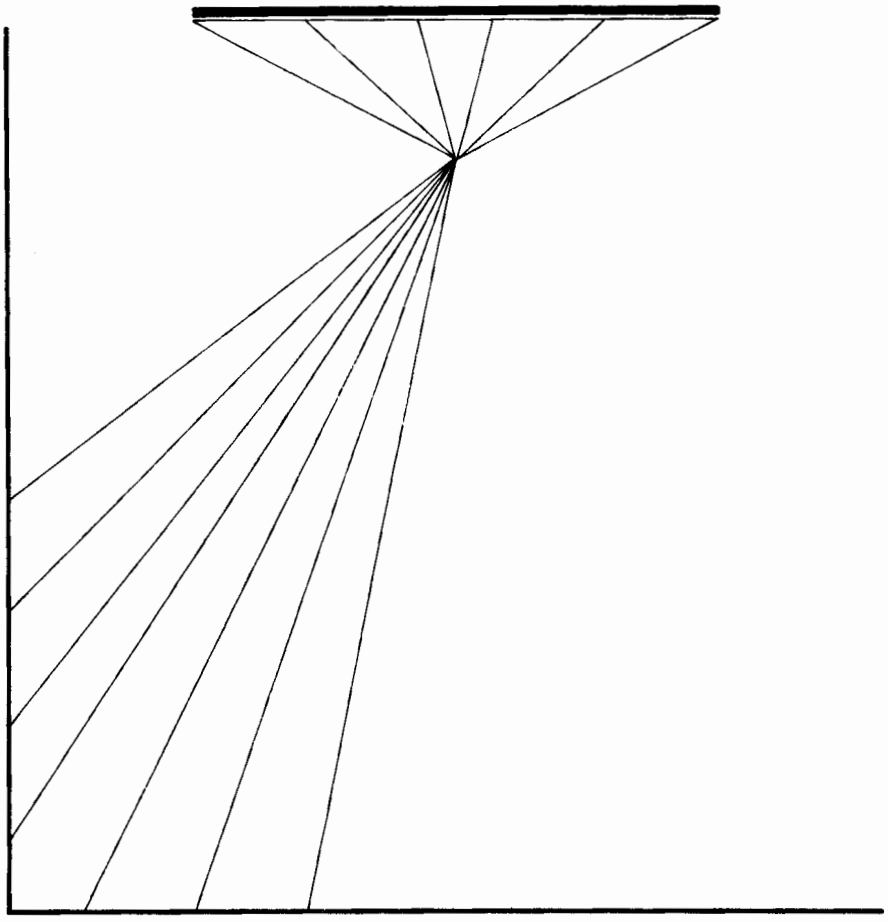

* شکوفه هجدهم *

خاندان صدیق* ، صدیق زاده ، صدیق هاشمی ، صدیقی ، مصطفی‌زاده ، هاشمی ،
حاج سید مصطفی ۶ بن سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ ، سیدی خجسته‌کرداربود درشوشتر تجارت مینمود ودر (۱۳۱۱= تقریبات) وفات کرد ** و در مقبره پدرش‌در شوشتر مدفون گردید ، سه پسر از وی مخلف شد : سید نصرالله۷ صدیق‌التجار ، سید علی محمد ۷ ، سید هدایةالله۷ ،
سید نصرالله۷ صدیق‌التجار در (۱۲۸۳= افاضات)متولدو در(شعبان ـ۱۳۵۰= مشیخت) متوفی ، و در امامزاده عبدالله مدفون گردید ، مشارالیه سیدی خیر و در اصلاح‌امورعباد ساعی بود ، لذا در سالهای اخیر عمر ، شهرت و تجارتش بالا گرفته در صف بزرگان خوزستان قرار گرفت ،**
چهار پسر از وی مخلف شد : سید هاشم ۸ صدیق هاشمی ، سید مرتضی ۸ صدیق زاده ، سید کاظم ۸ صدیق ، سید محمدهادی ۸ معروف به سید بزرگ ،
سید هاشم ۸ بن سیدنصرالله۷ ،در (۱۳۰۴= خوب‌صورت)متولدودر (۱۳۵۲= استرخاص) بسکته قلبی درگذشت ودرمقبره‌پدر مدفون گردید ، وی از ملاکان وتجار شوشتر بود وچهار پسر بجای‌نهاد سید اسدالله۹ هاشمی ، سید نظام الدین۹ ، سید هبه‌الله۹ ، سیدمحمد مهدی ۹ ،
سید اسدالله۹ هاشمی متولد (۶ـ شوال ـ۱۳۳۷) *** ساکن شوشتر وازاعیان آن شهر است که‌در انجمنها شرکت میکند ، و هفت پسر دارد : سید علیرضا۱۰ ، سیدمحمدهاشم۱۰ سیدمنصور۱۰ ، سید طاهر۱۰ ، سید ضیاء ۱۰ ، سید فواد۱۰متولد (۱۳۷۹) ، سید عماد۱۰ متولد (۱۳۸۳) ،
سید علیرضا۱۰ بن سید اسدالله۹ متولد (۱۳۶۷) ، در رشته علوم اجتماعی تحصیل‌کرده واکنون در دالاس‌آمریکا برای گرفتن فوق لیسانس بسر میبرد ،
سید محمدهاشم ۱۰ بن سید اسدالله۹ ، متولد (۱۳۶۹) ، نیز در همان‌شهرمشغول‌تحصیل است ،
سید منصور ۱۰ بن سید اسدالله۹ ، متولد (۱۳۷۲) ، در رشته طبیعی دیپلمه شده و برای ادامه تحصیل به‌شهر مذکور رفته است ،
سید طاهر۱۰ بن سید اسدالله۹ متولد (۱۳۷۵) دیپلمه طبیعی است . سید ضیاء ۱۰ بن

---

* صدیق با کسر صاد و تشدید دال

** بوستان پیغمبر وشجره طیبه ،

*** بوستان پیغمبر

سید اسدالله۹ متولد (۱۳۷۶) فعلا" سال آخر دبیرستان دوره طبیعی را میگذراند ،
سید نظام الدین ۹ بن سید هاشم ۸، متولد (۱۳۴۵) ، مقیم شوشتر دو پسر دارد : سید عطاءالله۱۱ متولد (۱۳۷۰) ، مهران ۱۱ متولد (۱۳۸۴) ،
سید هبةالله۹ بن سید هاشم ۸، متولد (۱۳۵۱) ، سه پسر دارد: رامک ۱۱ متولد (۱۳۸۴)
سید رضا ۱۱ متولد (۱۳۸۸) ، رامین ۱۱متولدهمانسال ،
سید محمد مهدی ۹ بن سید هاشم ۸، متولد (۱۳۵۰) تاکنون یک پسر دارد:بابک۱۱متولد (۱۳۸۳) ،
وسید مرتضی ۸ صدیق زادهکهبه هاشمی هم شهرت داشت فرزند سید نصرالله۷، متولد (۱۳۰۶= تاج بخش) مقیم شوشتر بود ، در ساعت هشتم از شب چهار شنبه (۱۰ـ ج۲ـ ۱۳۹۶= مشغلهجدید) در حالیکه بزرگ خاندان خود بود درگذشت ، و در مقام حسین مدفون شد ، دارای شش پسر بود : سید عبدالله۹ ، سید محمد۹ ، سید محمود۹ ، سید اسماعیل ۹ ، سید ناصر ۹ ، سید امیر ۹ ،
سید عبدالله ۹ بن سید مرتضی ۸، متولد (۱۳۳۸) مقیم شوشتر ، راغب درشرکت درامور اجتماعی است ، و در انجمنهای محلی همیشه سهمی داشتهواکنون نمایندهمردمان شوشتر درمجلس شورای ملی است ودو پسر دارد : سید محمد حسین ۱۰ متولد (۱۳۷۴) ، سید عبدالحمید ۱۰ متولد (۱۳۷۷) ،
سید محمد ۹ بن سید مرتضی ۸، متولد (۱۳۴۹) ، در شوشتر بهکشاورزی مشغول است ودو پسر دارد :سید مصطفی ۱۰ متولد (۱۳۷۲) ، سید مجید ۱۰ متولد (۱۳۷۸) ، کههردودر پاریس تحصیل میکنند و سید مصطفی در رشته کامپیوتر مشغول است ،
سیدمحمود ۹بن سید مرتضی ۸، در حیات پدر (۱۳۸۱= غم فرزند) درگذشت ودر امامزاده عبدالله مدفون شد ،
سید اسماعیل ۹ معروف بههوشنگ بن سید مرتضی ۸، متولد (۱۳۵۶) مدیر یکی از شرکتها درتهران است ، وتاکنون یک پسر دارد : کامران ۱۰ متولد (۱۳۹۴) ،
سیدناصر ۹ بن سید مرتضی ۸ متولد (۱۳۵۷) کارمند یکی از شرکتهادر تهران است و تا کنون یک پسر دارد : داریوش ۱۰ ،
وسید کاظم ۸ صدیق بن سید نصرالله۷، متولد (۱۳۱۱= نفع ذاتی) و متوفی (۱۳۷۷ = فروغ نما) و مدفون در مقبره خانوادگی در امامزاده عبدالله ، دارای پنج پسر بود : سید جواد۹ ، سید احمد ۹ ، سید نعمت الله۹ ، سید لطیف ۹ ، سید نصرت الله۹ ،
سید جواد۹ بن سید کاظم ۸، متولد (۱۳۳۵= ظهور کرد) و متوفی (۱۳۸۹= غفار حق) و مدفون در مسکرآباد تهران یک پسر بجای نهاد : سید محمد ۱۰ متولد (۱۳۵۸) ،
سید احمد ۹ بن سید کاظم ۸ ، متولد (۱۳۴۲= بخت نصر) ، و متوفی در (ماه رمضان

۱۳۸۹= یاغفور یا بدیع) و مدفون در مقبره‌خانوادگی آل طیب در سید صالح،دو پسر از وی مخلف شد: سیدحسین۱۱ متولد (۱۳۷۰) کارمند است در شوشتر ، سید محسن ۱۱ متولد (۱۳۷۴) محصل است ،

سید نعمت الله۹ بن سید کاظم ۸، متولد (۱۳۴۹) کارمند شهرداری شوشتر ، تا کنون یک پسر دارد : سید محمدرضا ۱۰ متولد (۱۳۸۴) ،

سید لطیف ۹ بن سید کاظم ۸، متولد (۱۳۵۴) ساکن اهواز و پیمانکار است ، و تاکنون‌یک پسر دارد سید محمدکاظم ۱۰ معروف به بهزاد متولد (۱۳۸۴) ،

سید نصرت الله ۹ بن سیدکاظم ۸ متولد (۱۳۷۰) ،

وسیدبزرگ۸بن سید نصرالله۷ نامش سید محمدهادی است متولد (۱۳۵۰) ،دروقت فوت پدر سه ماهه‌بود ، اکنون ساکن تهران ودریکی ازشرکتهای بازرگانی کارمیکند ودوپسردارد: سیدمسعود۹ متولد (۱۳۷۸) ، مهران۹ متولد (۱۳۸۱) ،

واما سید علی محمد۷ ابن حاج سید مصطفی۶، در(۱۲۸۷= بلنداختر) بدنیا آمد و در (۱۳۶۰= مرغوب الطبع) از دنیا رفت ، و در مقبره جدش سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ مدفون شد ، دو پسر از وی مخلف گردید:سید شکرالله۸ هاشمی ، دکترسید مهدی ۸ صدیقی ،

سید شکرالله۸ هاشمی ، متولد (۱۳۵۰)،درخرمشهر تجارت میکند و تاکنون یک پسر دارد: سید علی ۹، دکترسید مهدی ۸ صدیقی متولد (۱۳۵۲) ، تحصیلات پزشکی خود رادر تبریز گذرانده واکنون یکی از دکترهای معروف خرمشهر است ، و دو پسر دارد:سیدفؤاد۹ متولد (۱۳۹۲) ، سید امیر ۹ متولد (۱۳۹۳) ،

واما سید هدایةالله۷ ابن حاج سید مصطفی۶، در (۱۳۰۲= بلند اقبال) متولد و در (۱۳۶۷= آدم ترقی خواه) متوفی ودرسید صالح مدفون گردید ، دو پسر از اوبجای‌ماند: سید ابراهیم ۸، سید جعفر ۸، که لقب هر دو (مصطفی زاده) است ،

سید ابراهیم ۸ مصطفی‌زاده، متولد (۱۳۴۰) ، آموزگار در خرمشهر است ،وچهارپسردارد سید فخرالدین ۹ معروف به‌نورالدین ، سید علی اکبر ۹ ، سید صدرالدین۹ ، سید علی رضا ۹ معروف به شهرام ،

سید جعفر ۸ مصطفی زاده متولد (۱۳۴۳= خبر نیافت) ، در خرمشهر ساکن وکاسب بود ، در (۱۳۸۹= غفار حق) درگذشت ودر سید صالح مدفون گردید ،

یک پسر از وی یادگار مانده : سید حسین ۹ متولد (۱۳۷۸) ،

آقای سید عبدالله صدیق زاده

آقای سید محمد هادی هاشمی

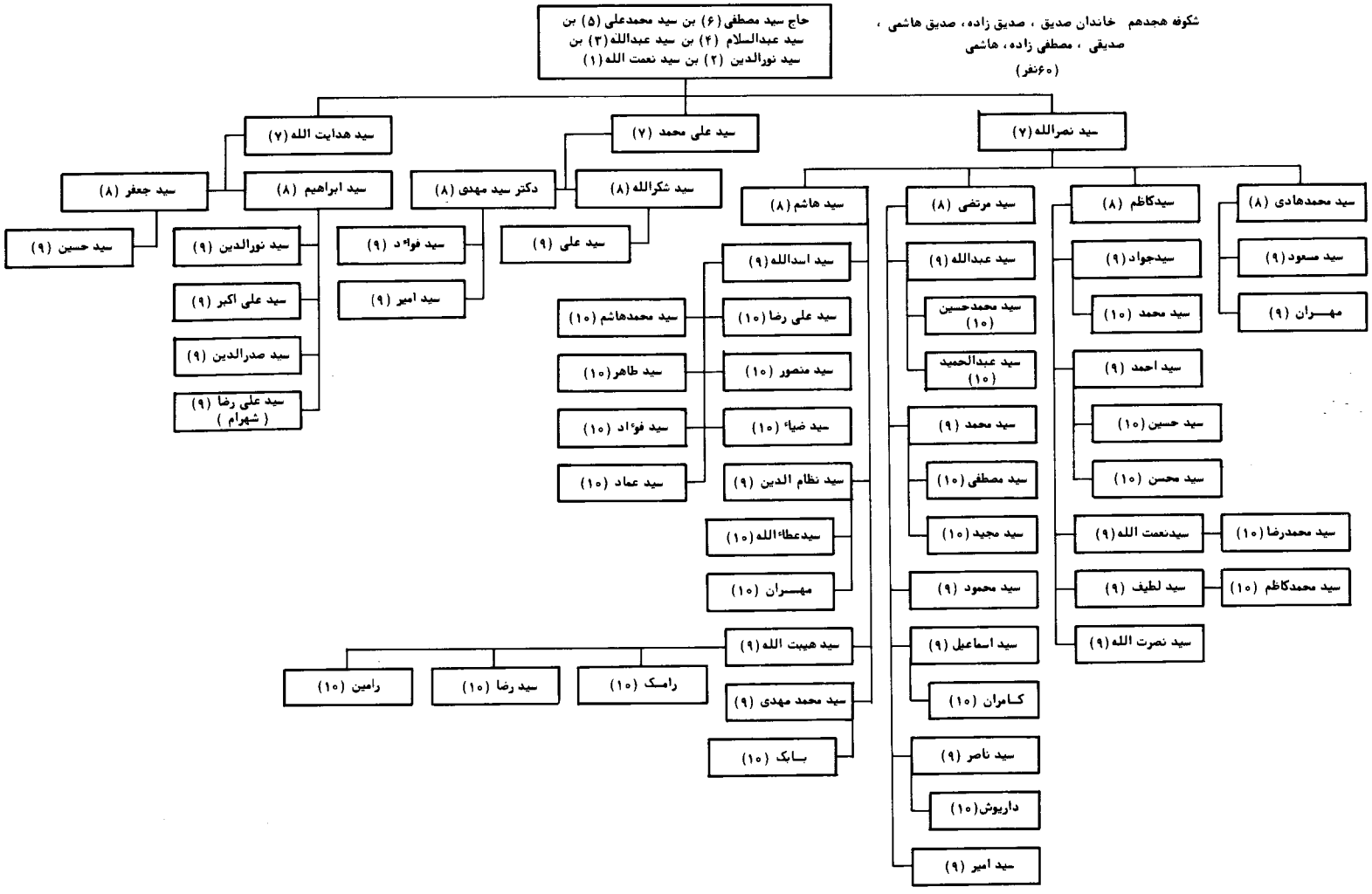
شکوفه هجدهم خاندان صدیق ، صدیق زاده، صدیق هاشمی ، صدیقی ، مصطفی زاده، هاشمی
(۶۰نفر)
حاج سید مصطفی (۶) بن سید محمدعلی (۵) بن سید عبدالسلام (۴) بن سید عبدالله (۳) بن سید نورالدین (۲) بن سید نعمت الله (۱)
سید نصرالله (۷)
سید علی محمد (۷)
سید هدایت الله (۷)
سید محمدهادی (۸)
سید مسعود (۹)
مهـــران (۹)
سیدکاظم (۸)
سیدجواد (۹)
سید محمد (۱۰)
سید احمد (۹)
سید حسین (۱۰)
سید محسن (۱۰)
سیدنعمت الله (۹)
سید محمدرضا (۱۰)
سید لطیف (۹)
سید محمدکاظم (۱۰)
سید نصرت الله (۹)
سید مرتضی (۸)
سید عبدالله (۹)
سید محمدحسین (۱۰)
سید عبدالحمید (۱۰)
سید محمد (۹)
سید مصطفی (۱۰)
سید مجید (۱۰)
سید محمود (۹)
سید اسماعیل (۹)
کـامران (۱۰)
سید ناصر (۹)
داریوش (۱۰)
سید امیر (۹)
سید هاشم (۸)
سید اسدالله (۹)
سید علی رضا (۱۰)
سید منصور (۱۰)
سید ضیاء (۱۰)
سید نظام الدین (۹)
سیدعطاءالله (۱۰)
مهـــران (۱۰)
سید هیبت الله (۹)
رامـک (۱۰)
سید رضا (۱۰)
رامین (۱۰)
سید محمد مهدی (۹)
بـابک (۱۰)
سید محمدهاشم (۱۰)
سید طاهر (۱۰)
سید فؤاد (۱۰)
سید عماد (۱۰)
سید شکرالله (۸)
سید علی (۹)
دکتر سید مهدی (۸)
سید فواد (۹)
سید امیر (۹)
سید ابراهیم (۸)
سید نورالدین (۹)
سید علی اکبر (۹)
سید صدرالدین (۹)
سید علی رضا (شهرام) (۹)
سید جعفر (۸)
سید حسین (۹)

شاخه دوم

* شاخه دوم *

در بیان احوال واعقاب عالم ادیب سید حسین ۳ سومین پسران سید نورالدین ۲ بن سید نعمت الله ۱* ، نام و شرح حال وی در (تذکره شوشتر: ۶۰) و (تحفةالعالم ۱۱۷ وازآنجا در (بوستان پیغمبر) و (تتمةالشجره) و (الذریعه۷: ۱۰۷) و (شجره‌طیبه) و (الکواکب المنتثره) و (معجم رجال الفکر والادب فی النجف: ۹۹) و (نجوم السماء : ۲۵۹) وغیره یادشده ، و از مجموع آنها واطلاعات خارجی دیگر برآید که وی ازشاگردان پدر بزرگوار خود و مرحوم شیخ محمدعلی حزین ** و مرحوم شیخ یعقوب بختیـــاری حویزی*** و از اعاظم دانشمندان عالیقدر و متخلق به اخلاق حمیده بوده ،

در (تحفة العالم : ۱۱۷) مینویسند (السید الاولی الاجل الفاضل الادیب الاکمل السید حسین بن السید نورالدین ، سیدی عالی شان و در فنون ادبیه دستگاهی عالی داشت ، کسب فضائل از والد مبرور خود نموده بود ،

در بدایت حال به‌هند افتاد ، چندی چاروناچار بتکلیف محمدشاه در شاه جهان آبـــاد دهلی اقامت نمود ، اوضاع این کشور منافرطبع آن عالی جناب ، و چنین است حال هر کسی که او را فی الجمله تمیزی**** باشد باختیار خود رضا بماندن نمی دهد ،

بالجمله از شاهجهان آباد به بنگاله و از آنجا بر جهاز سوار شده عود بوطن نمود ، از اسخیای روزگار و بغایت عالی‌همت بود ، بدست بذل و ایثار که برسلسله‌وقبیله‌نمود ،از اموال بسیاری‌عاری گشته ، مجاورارض‌اقدس نجف اشرف گردید و در آن مکان با برکت و اعزاز بمطالعه و تحقیق مطالب علمی وعبادات و ریاضات کامروا بود و درهمانجا مدفون شد الخ) ،

نگارنده خط او را در چند جا دیده ، از آنحمله بر نسخه‌ای از تیسیر دانی در علم‌قرائت چنین نوشته (قدقرائت جملة من اول هذاالکتاب علی شیخی واستادی الشیخ الصالـح الفالح الورع خاتمةالمجتهدین شیخ یعقوب الحویزی ادام الله ایام افاداته ، فعلقت علیه بعض الحواشی منه دام‌ظله ،واناغریق بحرالعصیان ابن‌نورالدین محمدالحسینی ،حسین) و مجموعه ای*****مشتمل بربیست باب‌اسطرلاب خواجه‌نصیر ،وترجمةالعقائدورساله‌ای در

---

* دومین پسرانش ، سید فرج الله ۳ است که در ساقه اول صفحه ۲۲ گذشت

** مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۳۰۶)

*** مذکور در (نابغه فقه و حدیث: ۲۱۳)

**** (تمیز) با یک یاء پاکیزگی است‌که‌در اینجامنظور نیست ،و با دویاء (تمییز) بمعنی فراست در اینجا منظور است ، و آن مصدر باب تفعیل و یکی از مباحث علم نحو است ، و عامه مردم این دو را هم با یک یاء استعمال میکنند چنانکه در فوق دیده‌میشود و آن غلطی مشهور است ،

***** این مجموعه را صاحبان تتمةالشجره والکواکب المنتثره هم دیده‌اند ،

علم خدا به‌اشیاء و دیگری هر سه از فیض ، و شجرةالطور حزین لاهیجی ، وصفیحه شیخ بهائی ، و کلمات‌مکنونه و مرآةالاخره هر دو از فیض ، و معرفة التقویم خاتون آبادی ، و مقدمه حبل المتین و وجیزه شیخ بهائی ، و غیره ، که از (۱۱۴۰ تا ۱۱۴۳) در اصفهان وشوشتر و کربلا و نجف اشرف نوشته ، و در آخر هر یک ازرسائل‌مذکوره‌عبارتی‌ادبی‌آورده وآخر مجموعه چنین ست (یاد از روزیکه در بقعه معروفه‌به‌صفه‌صفا در حرم محترم حضرت سیدالوفاء علیه‌افضل التحیه‌والثناء درحالت تشتت بال وتوفرملال وتفرق حواس واحوال‌با دلی مملو از انواع محـــن وبلا و مشحون باقسام غریبه وکیفیات عجیبه‌جفا وعنا وچشمـــی از فراق احباب گریان واشکی بریاد اهالی واوطان ریزان مانند باران نه‌همدمی نه محرمی نه یاری نه‌غمگساری نه‌انیسی نه‌طبیبی مرقوم قلم شکسته رقم گردید)

امضایش در بعضی موارد حسین و در بعضی محمدحسین است ،

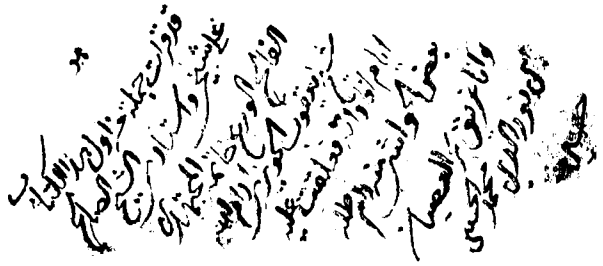

ودر (۱۱۴۸) در لکهنو از نوشتن شرح غرر و درآمدی فارغ شده ، وتحقیقی درباره‌مؤلف آنکتاب نوشته ، و این نسخه در کتابخانه مدرسه سپهسالار است*

وفات آنجناب در (۱۱۷۳= فضل ربانی) بوده و بر سنگ قبر وی که به‌دیوار قبلی (ایوان العلماء) در صحن مطهر علوی منصوب بود این عبارت منقوش بود (هذاسرداب المرحوم المبرورالمغفور الفاضل العالم العامل السید حسین ابن المرحوم السید نورالدین‌الموسوی الجزائری ، توفی سنه۱۱۷۳)

و وجه‌تسمیه محل مذکور آنستکه جمعی کثیر از علماء و بزرگان درآنجا مدفونند**

که‌هر کدام دارای سنگ قبر مشتمل بر نام و تاریخ وفات بودند تا در (۱۳۷۵)که‌آن‌سنگها را برداشته وبجای آنها سنگ مرمر ساده گذاشتند و اکنون اثری از آن نامها و تاریخ هـــا نمانده ،

یک پسر از وی مخلف شد : سید محمدعلی۴ نام بطوریکه از تحفه‌وشجره‌نوریه‌ظاهرمیشود . وسید محمدعلی۴ بن سید حسین ۳ که تملک خود را بر مجموعه پدرش نوشته ،وزیری‌کامل

---

* الکواکب المنتثره

** در (ماضی النجف و حاضرها ۱: ۶۳) نام بسیاری‌از مدفونان درآن ایوان رانوشته‌اما‌صاحب ترجمه را اشتباها " سید حسن نامیده ،

عیار و شاعری بزرگوار متخلص بد (ناله) و مقیم هند و موصوف به میرمحمدعلی‌خان بوده* شرح حال وی در (تحفه العالم : ۱۲۸ـ۱۳۰) مذکور و از آنجا به‌بوستان پیغمبرو (الذریعه ۹ : ۱۱۶۵) ** و الکرام البرره و وادی ایمن***،تألیف شرف شوشتری (۹)منقول‌است .
در تحفه فرموده (دوالمفاخرالجلی السید محمدعلی بن السید حسین ، از خدمت والد بزرگوار خود وعلمای عراق عرب تحصیل مقدمات نموده ، و چون طبیعت موزون بودبیشتر به‌فن ادب پرداخت هنوز بجائی نرسیده‌بودکه‌والد علامه‌اش به‌داربقا شنافت ، سفری به هندوستان آمده باز مراجعت نمود و در دارالافاضل شیراز رحل اقامت انداخت‌ودرآنشهر روانپرور و دارالسلطنه اصفهان با افاضل و مستعدان معاشرت گزید ، بقابلیت اصلـــی و مصاحبت شعرا زبانش را روانی بهمرسید و شاعری معروف گردید ،
جعفرخان بن صادق خان زند که چند روزی سلطنت با او بود و خالی از ربطی نمی‌نمـود باعزازاوکوشید ،به‌تکلیف خان معظم و به‌استعداد ذاتی که در فن سیاق وامور دیوانـــی مدخلیتی داشت،وزارت یکی از بلدان عراق باو مفوض گردید و آن شغل خطیر را به آئین شایسته بتقدیم رسانید ،
القصه‌سیدی عالی شان از مستعدان زمان و در شعر فارسی بدرجه علیا و برنظم عربی‌توانا است ، دیوان اواز قصائد وغزلیات بقدر دوهزاربیت کمابیش خواهد بود ، اکثرآن قصائد

---

* (تاریخ‌گلزار اصفیه : ۳۱۹) تالیف حکیم غلا محسین دهلوی معروف به‌خان زمان‌خان (متولد ۱۱۹۹ و متوفی در ۱۲۶۰ بطوریکه ازفهرست اصفیه دکن ۳ : ۱۰۸ نقل شده) موضوع آن شرح حال اصف جاه چهارم میرعلیخان نظام حیدرآباد از سلاطین اصفیه‌است که‌کتب دیگری نیز در تاریخ آنان به نثر و نظم نوشته‌شده ، تاریخ تالیف ۱۲۵۸ بوده بطوریکه در صفحات ۱۵۶ و۲۳۷ و ۴۱۴ و۵۱۰ بدان تصریـح شده و در بالای تمام صفحات ،تاریخ گلزار اصفیه نوشته شده ،
در (فهرست کتابهای چاپی فارسی ۴ : ۴۲۷۳) بعنوان گلزار اصفیه مذکور و تاریخ تالیف را ۱۲۶۸نوشته که اشتباه‌است ، وگفته‌در۶۰۷ صفحه بسال۱۳۰۸ در حیدرآباد دکن بطبع رسیده ،
در (الذریعه ۱۸ : ۲۱۵) نیز مختصرا "مذکوراست ،
نثر کتاب فارسی مصطلح در هندوستان و مشتمل بر عباراتی نامانوس و نامفهوم است ، شرح حال چندتن از سادات جزائری مقیم هند را دارد که‌همه‌را باعظمت یادکرده و مخصوصا "ازمیرعالم علاوه بر شرح حال مفصل و مجللی که‌نوشته‌نام او را در بسیاری از صفحات کتاب بمناسبت آورده ، این کتاب از مطبوعـات نایاب است که‌صاحبان اعیان‌الشیعه‌ومکارم‌الاثار بآن‌دسترسی‌نداشته‌اند یک نسخه‌ناقص‌نزدماموجوداست،
** اما بعنوان نالد شیرازی یاد شده‌که‌اشتباه‌است ،
*** مؤلف‌این‌کتاب‌که‌ترجمه‌اش‌درتوضیحات‌آخرکتاب‌بشماره(۹) بیاید ، تاریخ پایان این کتاب‌را (۱۲۳۵) مطابق (میخوان تووادی ایمن) نوشته ، اما از اثناءآن معلوم میشود بعد از تاریخ مذکور هـم مشغول آن بوده و تاریخ(۱۲۳۶)را در چند موضع آورده .
و ماده تاریخ مذکور ضمن اشعاری در آخر کتاب چنین است
از خردسال واسم آن جستم گفت(میخوان تووادی ایمن)

در مدح ائمه هدی است در طرز تازه‌ای که ممتاز بعضی متاخرین و معاصرین وبغایت دلکش افتاده است ،

نی کلکش سحر طراز و بانواسنجان اصفهان وشیراز دمساز است ، جودت طبع و استقامت سلیقه اش بکمال و در سخنوری قدوه امثال است ، (ناله) تخلص او است . . . . ،والحق خامه واسطی نژادش مشاطه‌عرایس ابکار وخاطر بحر نوالش گنجینه لالی شاهوار است‌الخ) و در (تاریخ گلزار اصفیه : ۳۱۹) گوید (در دیوانی میرعالم بهادر برادر عموی خـــوداز ولایت شوشتر وارد حیدرآباد شده‌بعد چندی بحصول مراد روانه وطن خویش گشته‌ودیعت حیات فرمود)

درروادی‌ایمن‌پس‌از نقل‌قسمت‌مهم عبارت تحفه‌درباره‌اش چنین‌آورده

(با فقیر در شوشتر ملاقات بوده و در سأل هزار و دوصد ونو زده که بـــاز عـــود در هندوستان کرده بود در کلکته ملاقات شد چندی ماند و باز روانه ولایت گردید ، دوسال قبل از این شاید در بمبئی برحمت ایزدی پیوست)

أز اشعار نائه قصیده‌ای است مشتمل بر چهل و هشت بیت در مدح میرعالم (شاخه‌ششم) که‌صاحب تحفه‌این چند بیت را از آن نقل کرده و گفته بغایت مستانه گفته شده :

خدیو ملک وکن میر عالم آنکه دهد — به مهر پرتو رایش امان زبیم زوال
سحاب دست‌میری که‌یافته‌است امل — زفیض قطره دستش تمتع آمـــــال
رسدبه کلک‌قدرقدرتش‌که‌چون‌تقدیر — کند حواله و تقسیـــم قسمت‌واجال
بر مهندس رایش عنان بود تاحشر — حوادث شب و روز مآثر مـــه و سال
بسینه دست‌ادب‌زاشتیاق‌خدمت‌او — برون شوند زارحام امهات ، اطفال
بیان‌حال عدوی‌توانوری کرده‌است — به‌بیتکی که خدایش دهاداجرمقال
شد آنکه‌دشمن‌توداشت‌گربه‌درانبان — کنون‌دمی‌است‌که‌باسگ‌نشانیش‌بجوال

و ابیات زیر را در وادی ایمن بوی نسبت داده

ترامیخواستم روزی کنی روزی دو یاریها — ندانستم که پیش از یاریت افتم بزاریها
بصدنومیدی ازقرب حریمت دورافکندی — من‌وزین‌بس‌خجل‌وامندن از امیدواریهـــا
دارای صبح امیدجهانی بی‌نقاب از در — که‌هرسوبینی‌ازشب‌زنده‌داران‌جان‌نثاریها
قراری داد عشقت کزغم‌آسودگی‌بخشد — نبردم ازقرارش بهره ای جز بی قراریها
شکیبائی کجا و ناصبوریهای دل از غم — فغان کز دست خواهد شدعنان‌بی‌قراریها
سرت گردم اگر از ناله دل نگذری بگذر — زخون دیده خونبار گاه قطره باریهـــــا
مرا رسوای عالم کرداخر اضطراب دل — نمیدانم چه آمد بر سران سوگواریهـــــا
کنونم وقت جان دادن بود از درد اماشب — تماشائی‌است‌خوش‌دورازجمالت‌جانسپاریها

دلم را ناله باغم سازگاری بود میترسم　　بناسازی شود اخر بدل آن سازگاریهـــا

غزل

دیدم افسرده درون مرغ غزلخوانی چند　　از غم غنچه دهانی بهگلستانی چند
کو زلیخا که زدست غم عشقت نگرد　　یوسفی چند در افتاده بزندانی چند
در رهعشق تو بر باد فنا داد دلیم　　بعد از این ما و غم منزل و بیرانی چند
خارخار جگر ریش نگر کز غم دل　　سینـــه چند کند چاک و گریبانی چند
لخت لخت دل صدپاره نگر کزستمت　　دیده پیوسته فرو ریخت بدامانی چند
باسیه طرهاش ای شانهخدا رارحمی　　کاشیانی است بدلهای پریشانی چند
بی تو ای سروروان نعره زنان می بیند　　نالهدرطرف چمنمرغ خوشالحانی چند

غزل

ای مایه عیش باده خواران　　مست از نگه تو هوشیاران
شکرانهاینکهبی گناهی　　بگذر ز سر گناهکاران
از تو بهمه امیدواری　　نومید شدند امیدواران
درمانده بشام غم گروهی　　بی ماه رخت ستارهباران
ای نرگس مست بادهخوارت　　مستی فرمای هوشیاران
بامن نه قرار عهدت این بود　　ای از تو قرار بی قراران
رفتندورونده و نکردند　　اخر نگهی به خاکساران
لنگانلنگان کجا توانرفت　　دنبال گروه شهسواران
درد دل خویش ناله بایار　　گفتیم ولی یکازهزاران

وفات ناله در (۱۲۳۳= بشتافتن) بوده بطوریکه از وادی ایمن که در (۱۲۳۵) تالیفشده نقل نمودیم که وفاتش را دو سال قبل نوشته ، امـا محل وفات را که گفته شایـد در بمبئی ، اشتباه است ، و او در شوشتر درگذشته چنانکه درگذشته از تصریح تاریخ گلزار آصفیهمعلوم شد ،

در شجره طیبهگوید (از عبارت میر چنان اشکار میشود که سید محمدعلی تا سال تالیف تحفه ۱۲۱۶ در حیات بودهاست گویا پس از انقراض زندیان سید مزبور بهندوستان رفتهو اعقابش تاکنون در هندوستانند)

پسرانش سه نفر بودهاند : سید محمدحسین ۵ ، سید محمدحسن ۵ ، سید عبدالله۵ *

در شجرهنوریه سید محمدحسن را ننوشته که دلیل بر بی اطلاعی نویسنده آنست

* (تحفه العالم ۱۲۹–۱۳۰)

و در شجره طیبه مرقوم داشته (از قرار مسموع پسری‌دیگر داشته بنام میرابوالقاسم که‌در تحفه نامبرده نشده) ،

سید محمدحسین ۵ بن سید محمدعلی ۴ نویسنده‌ای فاضل وشاعر،درهندوستان ملقب به بهادر معزو معروف به میر سید محمدحسین خان بهادر بوده .

در (اعیان الشیعه ۴۴:۲۶۵) و بوستان پیغمبر و (تاریخ گلزار اصفیه: ۳۱۹) و تتمه الشجره و (الذریعه۱۰:۵۵ و ۲۰ : ۱۷۰) و شجره طیبه و (فهرست کتابهای‌چاپی‌فارسی ۲ : ۲۲۶۲) چاپ اول و (الکرام البرره :۴۱۳) و (مؤلفین کتب چاپی۲ : ۸۶۹)* مذکور است ،

در (تاریخ گلزار آصفیه : ۳۱۹) گوید :(بعد رسیدن پدر بزرگوار به وطن خودبه حیدرآباد آمده تا بودن میرعالم بدامادی مستقیم الدوله فائز گردید ، چون‌آثاررشادت از ناصیه‌اش هویدا بود و در عرصه قلیل بمدارج بلند رسید ، فی الواقع بهادرمعزدرعلوم عقلی ونقلی واخلاق و مروت بادراک کامل فردیکتای روزگار است ، صاحب منصب وجاگیر بالطاف خاقانی معمور تعلقه‌عمده‌سرکاربوده‌درابنای جنس معزز وموقر)

ودر (صفحه۱۴۳) در ضمن مناصبیکه آصفجاه رابع میرعلیخان نظام حیدرآباد به‌افراد داده گوید (و میرمحمدحسین خان بهادر و برادر بهادر معز میرعبداللهخان بهادر برادرزادگان عموی میرعالم از اصل واضافه بمنصب چهار هزاری دو هزار سوار سرافراز) نگارنده گوید میرمحمدحسین خان ۵ مذکور،در پرتو توجه نواب مختارالملک نوهٔ دختری میرعالم ترقی بسیار نموده‌وکتابی بنام او تألیف کرده‌واشعاری در مدح او گفته ودوکتاب چاپی دارد ،

اول ترجمة المصباح که ترجمه مصباح کفعمی است در دوحصه در یک جلد۵۹۲ صفحه‌ای‌در ۱۳۲۴ درلکهنو چاپ شده ،

آغاز (الحمدلله چنین گوید اقل‌السادات عملاواکثرهم زللا محمدحسین بن محمد علی الموسوی الجزائری الشهیر بهشوشتری غفرالله‌ولوالدیه‌که‌چون‌کتاب مصباح‌کفعمی . . .که‌از سائر کتب ادعیه جامع و معتبرتر میباشد " فارسی زبانان را از آن بهره وفائده ای حاصل نمی گردید مدتی بود بخاطر این‌بی بضاعت میرسید که چنانچه آنرا بزبان فارسی نقل نماید تاآنکه . . . . در این زمان با وجود کثرت مشاغل دنیوی توفیق رفیق‌گشته‌درآغوش مقصود درآورد و مسمی گردانیدم آنرا به‌ترجمةالمصباح ، امیدازناظران وداعیان‌آنکه‌اگر درجائی سهوی واقع شده یا تادیه مطلب بعبارت دلپذیر نگشته باشد معاف نمایندالخ*)

---

* در کتاب اخیر نسب او را اشتباها " سید محمدحسین بن سید محمدعلی بن سید نورالدین نوشته ،

پایان (بتاریخ ۱۲ــ شوال ــ۱۳۳۴ کتاب ترجمه مصباح کفعمی علیه‌الرحمه شرف اختتام پذیرفت) و معلوم است که‌این تاریخ طبع است نه ترجمه ،وچنانکه دیدی نام آن ترجمة المصباح است اما روی جلد کاغذی آن (راحةالارواح) نامیده شده وبه‌استناد بـه آن در الذریعه وبعض مصادر مذکور دیگر نیز چنین یاد شده ،

دوم مختارالجوامع در۲۴۲ صفحه در۱۳۰۵ در بمبئی چاپ شده ، و آن‌کشکولی‌است‌مشتمل بر نثر و نظم فارسی و عربی مفید وسودمند بنام نواب مختارالملک مشارالیه نوشته ،

آغاز (حمد وسپاس و ثنای بی قیاس سرمعبودی را سزا است که مجموعه دفتر وجود حرفی از کتاب الهیت اواست ..... و درودنامعدود به‌ذات کامل الصفات اشرف مخلوقـات و اکمل موجودات باعث ایجاد ارض وسماوات ... حضرت خاتم الانبیاء محمدمصطفی صلی اللهعلیه‌واله‌وسلم وبرال واصحاب کرام آن زبدانام سیما اخیه وابن عمه و وصیـه و زوج ابنته .. علی بن‌ابیطالب‌واولاده‌الائمه‌الاخیارالاطهار .. چنین گوید سرگشته‌وادی‌نادانی وعمر تلف کرده کشمکش دنیای فانی اقل السادات عملاواکثر هم زللا ابن‌المرحوم المغفور المبرور السید محمدعلی محمدحسین الموسوی الجزائری الشهیر بهشوشتری عفا الله عنه وعن والدیه کهاین مجموعه ای است از تفسیر و حدیث وادعیه وعلوم متفرقه و تواریـخ و عبارات فصیحه وبلیغ و اشعار متین فصحای بلاغت شعار وشعرای نغز گفتار عرب و عجم‌و لطائف و ظرائف و غیره که این عاصی در اوان مطالعه کتب بسالهای دراز جمع نموده‌است وچون توفیق اتمام این مجموعه درعهد صدارت واوان وزارت صدراعظم‌ودستورمعظم‌چشم وچراغ ارباب دانش وبینش رونق‌بخش محفل آفرینش صدرگزین ایوان وزارت مسندنشین اریکه عدالت ... که از مصداق این قطعه کهازقصیده مدیحیه جامع اوراق‌است‌ظاهرمیشود

ای به استحقاق در ملک دکن مسند نشین — وی بحقیت در ایوان وزارت تکیه زن
داد در دستت زمام رتق و فتق کائنـات — چونکه‌دیدت قابل‌ولائق‌کریم دوالمنن
غیر تو نبود سزاوار چنین مسنـــد بلـی — لائق تخت سلیمانی نباشد اهرمـــن

المؤید بتاییدات مالک و مجری الفلک نواب مختارالملک بهادر ... به مختارالجوامع موسوم نموده‌الخ)

تاریخ وفات سید محمدحسین ۵ بدست نیآمد اما از گذشته معلوم شد که تا (۱۲۵۸) زنده بوده ،

پسرانش شش نفر بوده‌اند : سید محمد ۶ ، سید محمد حسن ۶ ، سیدنعمت‌الله ۶، سید جعفر ۶ که بلاعقب بوده ، سید عباسعلی ۶ ، سید احمد علی ۶ ،

سید محمد ۶ بن سید محمدحسین ۵ یک پسر داشته بنام سید نظام الدین ۷ که ازاوهفت پسر مخلف گردید : سیدعلی ۸ ، سید علی حسین ۸ ، سید محمد ۸ ، سیدعلیرضا ۸ ، سید علینقی ۸ ، سید صادق‌علی ۸ ، سید محمدتقی ۸ ،

ازسید علی ۸ وسید علی حسین ۸ فرزندی معلوم نشد ،وازسیدمحمد۸بن‌سیدنظام‌الدین دو پسر بوجود آمد : سید کاظم علی ۹ ، سید محمدعلی ۹ ،

وسیدعلینقی ۸ بن سید نظام الدین را پسری است بنام سید فراست علی ۹ ،

وسید صادق علی ۸ بن سید نظام الدین را پنج پسراست : سیدمحمدمجتبی ۹ ،سید کاظم علی ۹ ، سیدمحمدحیدر ۹ ، سید نظام الدین ۹ ، سید محمدمهدی ۹ ، که او را نیز پسری است سید محمد هادی ۱۰ نام ،

وسیدمحمدتقی ۸ بن سیدنظام الدین را سه پسر است : سیدمحمدعسکری ۹ ، سید محمد عباس ۹ ، سید محمدباقر ۹ ،

واز سید محمدحسن ۶ بن سید محمدحسین ۵ دو پسر مخلف شد : سیدمحمدحسین ۷ ،سید ابوالقاسم ۷ که او را پسری است بنام سید مهدی علی ۸ ،

و از سید نعمت الله ۶ بن سید محمدحسین ۵ دو پسر بجای ماند : سید ابراهیم ۷ ،سید باقر ۷ که او نیز دو پسر دارد: سید نعمت االه ۸ ، سید رضی ۸ ، که او نیز پسری داردبه نام جدش سید باقر ۹ ،

وسید عباسعلی ۶ بن سید محمدحسین ۵ یک پسر داشته سید بهاءالدین ۷ که او نیز یک پسر دارد سید عباسعلی ۸ ،

وازسید احمدعلی ۶ بن سید محمدحسین ۵ هفت پسر بعمل آمده :میرحسنعلی ۷بلاعقب ، میراصغرعلی ۷ معروف به‌اصغر جنگ ، میرحسینعلی ۷ ، میرعبدالله۷ ، میرگوهرعلی ۷ ، میر مصطفی علی ۷ ، میر محمدعلی ۷ ،

واصغر جنگ ۷ را دو پسر است : میر احمدعلی ۸ ، میر عابدعلی ۸ ، و میر حسین‌علی ۷ را پسری است بنام سید سجادعلی ۸ ، ومیرمصطفی علی ۷ پسری دارد بنام میرمحمدعلی ۸، ومیرعبدالله۷ را پسری است موسوم به‌پرفسورمیراکبرعلی ۸ *

وسیدمحمدحسن ۵ بن سید محمدعلی ۴ مجهول الحال است ،

وسیدعبدالله۵ بن سید محمدعلی ۴ را در (تاریخ گلزار اصفیه : ۳۱۹) در ذیل عنوان برادرش سید محمدحسین ۵ یاد کرده وبه‌میر عبدالله‌خان بهادر او را نامیده و چنین‌گفته (در وقت منشی گیری میرالتفات حسین منشی وکیل انگریزی وارد فرخنده بنیاد گشته به دامادی برادر منشی صاحب مذکور معمور گردیده بدرجه رسید وبعد روانگی منشی میرابن علی تابه کلکته همراهش رفته بعد ایامی چند باز وارد حیدرآباد شدند و تا حال ــ۱۲۵۸ هر دو برادر مشمول عواطف خسروانه وحاضر در بارخاقانه‌اند)

---

* *این اسامی را در بوستان پیغمبر بنقل از تتمه الشجره آورده و در شجره طیبه با مختصر اختلافی هم مذکور است که او هم از تتمه گرفته یا بر عکس .*

ودرصفحه۴۱۳ از او به بهادر معز تعبیر کرده و چون این خانواده در هندوستان متوطن و از ایران دور بوده‌اند اطلاعی ازآنان نداشته وناچار این شاخه دوم راباختصارگذرانیدیم .

*** پایان جلد اول ***

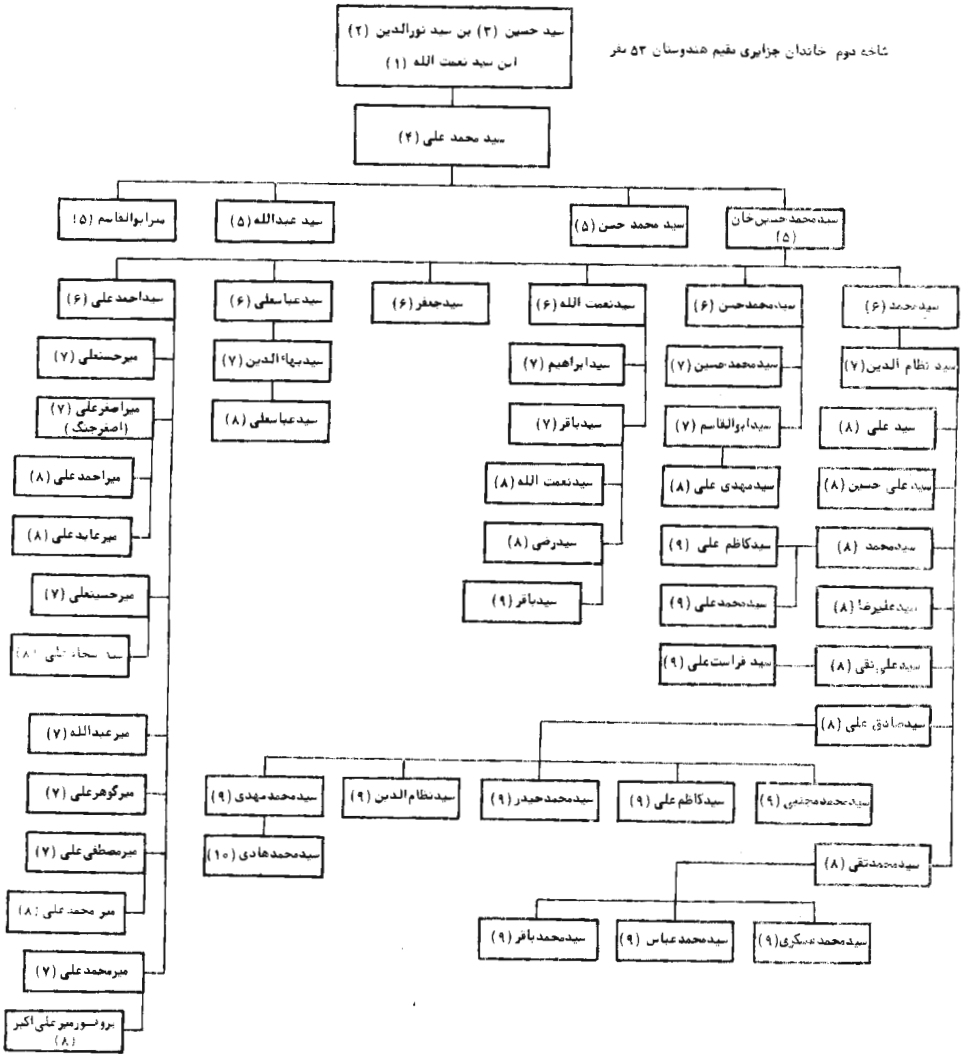

* فهرسها *

۱ ـ عنوانها	۳۷۲
۲ ـ خاندانها	۳۷۴
۳ ـ کسان	۳۷۹
۴ ـ آرامگاهها	۳۹۳
۵ ـ کتابها	۳۹۴

عنوانها

ساقه اول ۲۲

اعقاب علامه‌سیدنعمت الله۱ جزائری مشتمل برشش شاخه

شاخه اول ۲۸

احوال علامه سیدعبدالله۳ بن سیدنورالدین ۲ بن سیدنعمت الله۱ مشتمل بر هجده شکوفه

شکوفه اول ۵۹

احوال واعقاب سیدمحسن ۵بن سیدابوالحسن ۴ بن سید عبدالله۳

شکوفه دوم ۷۷

احوال واعقاب سید محمد۵ بن سیدابوالحسن ۴ بن سیدعبدالله۳

شکوفه سوم ۱۰۱

احوال واعقاب سیدمحمد۶ بن سیدعبدالکریم۵ بن سیدجواد۴ بن سیدعبدالله۳

شکوفه‌چهارم ۱۲۸

احوال سیدحسین ۶ بن سیدعبدالکریم ۵ بن سیدجواد۴ بن سید عبدالله۳ مشتمل بردو غنچه

غنچه اول ۱۳۷

احوال واعقاب حاج سیدمحمد۷ امام جمعه بن سید حسین ۶ بن سید عبدالکریم ۵بن‌سیدجواد۴بن‌سیدعبدالله۳

غنچه دوم ۱۶۲۰

احوال واعقاب باقی فرزندان سیدحسین۶بن سیدعبدالکریم۵ بن سیدجواد۴بن سیدعبدالله۳

شکوفه پنجم ۱۸۲

احوال واعقاب سیدمحمدجواد۶ بن سیدعبدالله۵ بن سیدجواد۴ بن سید عبدالله ۳

شکوفه‌ششم ۱۸۸

احوال واعقاب سید نعمة الله۵ وسیدمحمدباقر۵ فرزندان سیدعبدالهادی ۴ بن سید عبدالله ۳

شکوفه هفتم ۲۰۸

احوال واعقاب سیدعبدالرزاق ۵ وسید لطف الله۵ و سیدعلی اصغر ۵ وسید نصرالله۵ فرزندان سید بهاءالدین ۴ بن سید عبدالله ۳

شکوفه هشتم ۲۲۲

احوال و اعقاب سیدحسنعلی ۵ بن سید علی اکبر ۴ بن سید عبدالله ۳

عنوانها

شکوفه نهم ۲۳۴

احوال واعقاب سید علی ۶ و سید احمد ۶ فرزندان سید محمدرضا ۵ بن سید علی اکبر ۴ بن سید عبدالله۳

غنچه سوم ۲۵۵

احوال واعقاب سید حسین ۶ بن سید محمدرضا ۵ بن سید علی‌اکبر ۴ بن سیدعبدالله۳

شکوفه دهم ۲۷۸

احوال واعقاب سیدعبدالله۵ بن سید علی اکبر ۴ بن سید عبدالله ۳

شکوفه یازدهم ۲۹۶

اعقاب سید فرج الله۵ وسیدحسن ۵ و سیدحسین ۵ فرزندان سید عبدالمهدی ۴ بن سید عبدالله۳

شکوفه دوازدهم ۳۰۲

اعقاب سید عبدالله۵ بن سید ابوتراب ۴ بن سید عبدالله ۳

شکوفه سیزدهم ۳۰۶

احوال واعقاب سیدمحمد۵ بن سیدمحمدامین۴ بن سیدعبدالله۳

شکوفه‌چهاردهم ۳۱۴

احوال واعقاب سیدمحمدحسین۵ بن سیدعبدالسلام۴ بن سید عبدالله۳

شکوفه پانزدهم ۳۲۰

احوال واعقاب حاج سیدعبدالله۶ بن سیدمحمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام۴ بن سید عبدالله۳

شکوفه‌شانزدهم ۳۲۸

احوال واعقاب حاج سیدآقائی ۶ بن سیدمحدمعلی ۵ بن سیدعبدالسلام۴بن سیدعبدالله۳

شکوفه هفدهم ۳۳۹

احوال واعقاب سیدعبدالکریم ۶ بن سید محمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام ۴ بن سیدعبدالله۳

شکوفه هجدهم ۳۵۶

احوال واعقاب حاج سید مصطفی ۶ بن سیدمحمدعلی ۵ بن سید عبدالسلام۴ بن سید عبدالله۳

شاخه‌دوم ۳۶۲

احوال واعقاب سید حسین ۳ بن سید نورالدین ۲

خاندانها

الف

آل ایوب ۲۰۸
آل محمد ۲۷۲
آل مصطفی ۳۲۴
احمدی ۲۳۰
احمدی زاده ۳۲۵
ادیب شوشتری ۱۷۱
امام ۱۲۷
امامپور ۱۴۸
امام جمعه ۱۳۷–۱۵۹
امامزاده ۱۶۶
امام شوشتری ۱۵۸
امامی ۱۵۳
امامی شوشتری ۱۱۰
امامیان ۱۵۴
امین‌التجار ۱۷۲
امین زاده ۱۷۳
امینی ۱۸۳
ایوبی ۲۱۲

ب

باطنی ۲۳۸
بنی هاشمی ۱۹۶–۲۰۴

پ

پیشنماز ۲۲۴–۲۲۷
پیشوا ۲۱۱
پیامی ۱۵۵

ت

تقدس ۳۲۴
تقوی ۲۳۰
تهامی ۳۲۳

خاندانها

ج

جزائری ۱۷۱–۲۲۴–۲۲۷–۲۲۸
۲۴۰–۲۴۶–۲۸۴

جزائری شوشتری ۲۸۵

جزائری مقدس ۳۴۹

جعفری ۱۸۳–۳۱۴

ح

حجت ۲۲۶

حسن زاده ۳۰۶

حقیقت ۲۹۶

ر

رستگاری ۱۹۵

س

سعادت ۱۹۷

سلامی ۳۲۴

سلامی پور ۳۲۴

سیادت ۱۹۵

سیدوکیل ۳۴۶

سیف السادات ۷۲

ش

شرافت ۳۰۸

شریعت ۳۰۸

شفیعی ۱۹۸

شمس زاده ۷۳

شوشتری ۲۸۴

شوشتریان ۱۷۴

شیخ‌الاسلامی ۵۹–۷۴

شیشه‌گرخانه ۲۰۴

خاندانها

ص

صاحبی ۳۴۶

صحاف ۳۰۲

صدیق ۳۵۷

صدیق زاده ۳۵۷

صدیق هاشمی ۳۵۶

صدیقی ۳۵۸

صمدی ۳۲۵

ط

طلاچی ۲۷۹

ع

عالمپور ۳۵۲

عالمزاده ۲۲۷–۳۵۱

عبونوئی ۲۲۳

عسکری ۲۲۸

عطار ۱۷۴–۳۰۸

علم الهدی ۲۴۹–۲۸۹

علوی ۲۶۵–۳۲۸–۳۵۰

علوی خوزستانی ۳۳۳

علوی شوشتری ۳۴۴

غ

غفاری ۳۲۲

ف

فیاضی ۱۹۸

ق

قائمی ۳۱۶

قائمی نژاد ۳۱۶

قاری پور ۱۲۵

قدسی ۲۴۷–۲۴۹

ک

کاظمی ۱۷۸

خاندانها

کاظمی محمدی ۳۲۱

ل

لنج ۲۲۹

م

متقی ۲۳۰

محمدی ۳۲۱–۳۴۳

محمدی وکیل ۳۴۷

محمودی زاده ۱۲۵

مروج ۲۵۰

مشکی ۱۹۵

مصطفی‌زاده ۳۵۸

مصطفوی ۳۳۵

مطلق ۳۰۸

معلم ۱۱۱

ملائکه ۷۷

منجم ۲۰۴–۲۳۴

منجم زاده ۲۳۷

موسوی ۲۲۴–۲۴۱–۳۰۸

موسوی زاده ۲۸۱

موسوی شوشتری ۲۲۹

مولوی تبریزی ۲۸۵

ن

ناجی ۲۶۵

ناشرالاسلام ۲۲۵

نبوی ۲۶۸

نجابت ۱۷۱

نجفی ۱۷۰–۲۶۹

نقیب ۲۱۳

نقیبی ۲۱۴

نوری ۲۳۰

خاندانها

و

وکیل التجار ۳۳۳

وکیل نژاد ۳۴۴

وکیلی ۳۴۴–۳۴۶

ه

هادوی ۳۱۷

هادیان ۳۱۶

هادی پور ۳۱۶

هاشمی ۷۳–۲۰۴–۳۵۶–۳۵۸

کسان

الف

آزاد (میرغلامعلی) ۱۷
سید آغائی ۲۳۸
حاج سید آغائی (سید محمد تقی) ۸۴
سید آغائی (سید نعمه‌الله) ۲۳
حاج میرزا آقا (سیدمحمد) ۱۰۹
سید آقا امام (سید احمد) ۱۳۹
ملا آقای دربندی ۱۳۰
حاج سید آقامعلم ۱۱۹
سیدآقائی شیخ‌الاسلام ۶۱–۶۲–۶۴
شیخ آقا بزرگ تهرانی ۵–۷–۲۰
سید آقا گپ ۱۷۶
شیخ ابراهیم حویزی ۴۵
حاج سید ابراهیم محمدی ۱۶۵–۳۴۰
ابن بابویه ۲۳۷
سید ابوتراب خوانساری ۲۴۵
سید ابوتراب بن سید عبدالله ۲۹۸
سید ابوتراب بن سید محمدحسین ۳۰۲
سیدابوالحسن بن سید حسین ۲۷۰
سیدابوالحسن شیخ الاسلام ۵۵
سید ابوالحسن بن سید محمدهادی ۱۹۶
میرزا ابوالحسن مشکینی ۱۱۹
سید ابوالحسن ملائکه ۸۰
ابوصالح ترشیزی ۴۰
ملاابوطالب شوشتری ۱۱۳
سیدابوالفضل بن سید فضل الله ۲۱۷
سید ابوالفضل بن سید جعفر ۱۱۱
سید ابوالقاسم بن سید احمد امام ۱۶۳
آیه‌الله سید ابوالقاسم خوئی ۱۲۱
شیخ ابوالقاسم کاشانی ۸۴
سید احمد جزائری ۴۵

کسان

حاجی سیداحمد جزایری ۱۱–۱۳–۶۵–۱۳۷
سید احمدبن سید حسین امام ۱۶۲
سید احمد حویزی ۳۸
ملا احمد خاتون آبادی ۴۲
حاج سیداحمدخوانساری ۲۹۰
سیداحمدبن سیدعبدالکریم ۳۵۱
سیداحمدبن سیدعبدالله ۳۲۳
سیداحمدعلوی خاتون آبادی ۴۱
سید احمد بن سید محمد رضا ۲۳۸
سیداحمدمعلم (مشفق) ۱۱۲–۲۴۲
سید احمد ملائکه ۷۹
سید احمدعلی شیخ‌الاسلام ۶۵
اسدالله‌آصفی ۳۴
اسفندیار بیک میر شکار ۳۹
سید اسماعیل صدر ۸۹
حاج سید اسماعیل بن سید موسی ۱۹۷
اشرف شوشتری ۱۰۴
الکینگتن ۲۶۶
امان الله خان والی ۱۱۴

ب

سیدباباپیر ۲۱۴
میرزاباقر زنجانی ۱۲۰
حاج ملاباقر شوشتری ۱۴۲
بانو بتول مرتضوی ۳۴۱
بحرالعلوم (سیدمحمدمهدی) ۱۰۵
براء بن مالک ۳۴۶
سید بزرگ شیخ‌الاسلام ۶۸
سید بزرگ مشکی ۱۹۵
سید بزرگ نجفی ۲۶۵
سید بهاءالدین بن سید عبدالله ۲۰۵

کسان

ج

سیدجعفربن سیدحسین امام ۱۷۶

سیدجعفربن سیدحسین‌خرم آبادی ۲۶۸

ملاجعفر شرف الدین ۱۱۳–۱۴۵–۲۳۶

شیخ جعفر شوشتری ۱۲۹

سیدجعفر شیخ‌الاسلام ۶۷

شیخ جعفر کاشف الغطاء ۱۹۱

سیدجعفربن سیدمحمدباقرامام ۱۵۳

سیدجعفربن سیدمحمدرضا ۲۴۶

سیدجلال امام جمعه ۱۵۹

جلوه‌شوشتری ۶

سیدجوادبن سید آقائی ۳۳۳

حاج سیدجوادبن سیدحسین جزائری ۲۴۷

سیدجوادبن سیدعبدالله ۸۵

ح

میرزاحبیب الله‌رشتی ۱۷۶

سیدحسن بن سید عبدالکریم ۹۶

سیدحسن بن سید عبدالمهدی ۲۹۶

سیدحسن بن سیدمحمدشفیع ۱۰۹

سیدحسن بن میرسید محمدعلی ۲۸۲

شیخ‌حسن‌محیی الدین ۴۲

سیدحسن منجم ۲۳۴

سیدحسنعلی بن سیدعبدالله ۲۲۲

حاج‌سیدحسین جزائری ۲۴۵

شیخ حسین حلی ۲۵۱

میرزاحسین خلیلی ۸۴

سیدحسین زنگباری ۱۴۲

سیدحسین ظهیرالاسلام ۱۳۰

سیدحسین بن سید عبدالکریم ۱۲۸

سیدحسین بن سیدعبدالمهدی ۲۹۸

کسان

سیدحسین علوی ۳۵۲–۳۵۳–۳۵۴
سیدحسین کوهکمری ۱۷۶
سیدحسین لاری ۲۷۱
سیدحسین بن سید محمدرضا ۲۵۵
سیدحسین بن سید محمود ۲۴۳
سیدحسین ملائکه ۷۷
حاج سیدحسین نجفی ۱۷۸
سیدحسین بن سید نورالدین ۳۶۲
حسینقلی خان (نظام السلطنه) ۱۳۷

خ

خادم قیری ۱۸۹
شیخ خزعل ۲۲۹–۳۵۴

د

دری شوشتری ۶۰–۷۱–۱۰۲
دوباب شوشتری ۲۱۴
دولتشاه (محمدعلی میرزا) ۱۸۸–۱۸۹

ر

رجاء شوشتری ۱۶۶–۳۴۰
ملا رجبعلی شوشتری ۱۵۶
سیدرضا صائغ ۱۰
آقا رضا مستوفی ۴۸
سید رضی الدین جزائری (اقدس) ۴۵
سیدرضی الدین عاملی ۴۲
ملا رفیع گیلانی ۴۲
ملا رفیع الدین شوشتری ۴۵

ز

سید زین الدین جزائری ۴۶–۵۹

س

سالارالدوله ۲۶۳

سعادت شوشتری ۱۶۹
سعدالملک ۱۵
سلطان العلماء (سیدعلی) ۱۸
شیخ سلمان خاقانی ۶–۱۲
آقا سمیع مقدمی ۴۷
سید شوشتری ۲۳
حاجی آقا سید معلم ۱۲۰

ش

شباب شوشتری ۱۱۸–۱۶۹
شرف شوشتری ۳۶۴
بی بی شرف جان ۱۹۴
آیه‌الله شریعتمداری ۶–۷
سید شفیع الدین حسن ۱۹۷
دکتر سید شمس الدین جزائری ۲۸۴
شیخ شمس الدین جزائری ۴۲
شیخ الشریعه اصفهانی ۱۱۸
شیدای دزفولی ۱۴۶

ص

صالح خان مکری ۱۹۰–۱۹۳
سید صدرالدین جزائری ۲۹۰
سید صدرالدین دزفولی (کاشف) ۱۴۱
سید صدرالدین قمی ۴۳
ملا صدرالدین قمی ۴۳

ط

طغارتکین ۹۸

ع

سید عبدالباقی دزفولی ۴۳
ملا عبدالجواد شوشتری ۱۱۳
شیخ عبدالحسین اعسم ۸۴

کسان

سید عبدالحسین بن سید علی اصغر ۱۷۴
سید عبدالرحیم بن سید عبدالله ۲۱۸
سید عبدالرحیم بن سید محمد ۱۱۰
سید عبدالرزاق بن سید بهاء الدین ۲۰۸
عبدالرسول خادم نجفی ۳۸
ملا عبدالرضا شوشتری ۱۳۲
سید عبدالسلام بن سید عبدالله ۳۰۹
آیه‌الله حاج سید عبدالصمد جزائری ۱۸
ملا عبدالغفار صراف ۴۳
سید عبدالغفور بن سید جواد ۹۷
سید عبدالکریم بن سید جواد ۸۶
سید عبدالکریم علوی شوشتری ۳۴۴
سید عبدالکریم بن سید محمد علی ۳۳۹
شیخ عبدالکریم یزدی ۲۸۶
میر سید عبداللطیف جزائری ۹
حاج سید عبدالله امام ۱۵۳
سید عبدالله حسن زاده ۳۰۶
شیخ عبدالله مازندرانی ۲۶۱–۲۶۲
سید عبدالله بن سید محمد ۱۰۹–۱۱۸
سید عبدالله بن سید محمد علی ۲۸۱–۳۲۰
میرزا عبدالله مرعشی ۶۳
سید عبدالله بن سید محمد هادی ۱۹۵
سید عبدالله ملائکه ۷۴
ملا عبدالله نجار ۴۶
حاج سید عبدالله نقیب ۲۱۳
سید عبدالله بن سید نورالدین ۲۸
سید عبدالله وکیل التجار ۳۴۳
سید عبدالله خان بن سید محمد علی ۳۶۹

کسان

سیدعبدالمهدی بن سید عبدالله ۲۹۲
سید عبدالوهاب شیخ الاسلام ۷۱
سید عبدالهادی بن سید عبدالله ۱۸۴
سید عزیزالله شیخ الاسلام ۷۴
سید علی آل ایوب ۲۰۹
سید علی امام دزفولی ۱۴۰
سید علی امام ۱۴۸
حاج سید علی بهبهانی ۱۶۳–۱۶۴–۲۱۹
میرسیدعلی جزائری ۶–۴۴
علی جواهر کلام ۱۸۹
شیخ علی دوانی ۲۹
حاج سیدعلی شوشتری ۱۱–۱۳۷
حاجی علی شوشتری (اکسیر) ۴۶
شیخ علی شوشتری ۱۹۹
سید علی کمالی ۱۳۰
حاجی علی گرگری ۴۶
سیدعلی بن سیدمحمد ۴۶–۸۴–۸۵
علی بن مهزیار ۶۷
سید علی نهاوندی ۳۳
اخوند ملاعلی‌همدانی ۳۳
سیدعلی‌اصغر بن سید بهاءالدین ۲۱۶
سیدعلی‌اصغر بن سید حسین امام ۱۷۲
سید علی اصغر بن سید حسین ۲۶۹
سید علی اصغر بن سید محمدحسین ۲۸۰
سیدعلی اصغر بن میرسیدمحمدعلی ۲۸۵
سیدعلی‌اکبر بن سیدحسین ۲۶۸
ملاعلی‌اکبر شوشتری ۴۷
سیدعلی اکبر بن سید عبدالله ۲۱۸
سید علی اکبر معلم ۱۲۱

کسان

سید علیخان حویزی ۴۰
آقاعلیرضا مقدمی ۴۷
سیدعلیمحمد آل علی ۱۴۵
شیخ‌علمحمد نجف‌آبادی ۱۴۱
ملاعلینقی بصیر ۴۸
شیخ علینقی شمس العلماء ۱۴۱
ملاعلینقی گرگری ۴۸
عمر رضا کخاله ۲۹
سید عیسی بن سید شفیع الدین حسن ۱۹۲
عیشی اصفهانی (محمدرضا) ۲۹۳

غ

غلامحسین دهلوی ۳۶۳
میرغلامعلی بلگرامی ۱۷
دکتر سید غیاث الدین جزایری ۲۸۸

ف

فائزشوشتری ۶-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۹-۲۱۷
فتحعلیشاه ۱۳۱
فتح الله میرزای قاجار ۱۹۱
سید فخرالدین آل محمد ۲۷۳
سید فخرالدین جزائری ۲۸۶
شیخ فرج آل عمران ۵
میرزا فرج الله مرعشی ۱۹۱
سیدفرج اللهبن سیدنورالدین ۲۲
فقیر شوشتری (سیدعبدالله) ۳۶

ق

قواس (ملاعوض) ۲۰۶
قواس شوشتری (خواجه‌هادی) ۵۴

ک

سیدکاظم علوی ۳۵۲

کسان

کباب شوشتری (ملامحمدرضا) ۱۸۹
حاج سید کریم هندی ۱۶۹

ل

سیدلطف اللهبن سید بهاءالدین ۲۱۲

م

شیخ مجتبی لنکرانی ۶–۱۹–۱۲۱
ملامحب طحان ۱۵۷
حاج محسن‌بهبهانی ۴۸
سیدمحسن حکیم ۱۱۹
حاج محسن دزفولی ۴۴
شیخ محسن دزفولی ۱۴۱
سید محسن شیخ الاسلام ۵۹
سید محسن بن سید عبدالمهدی ۲۹۷
ملامحمدابدال شوشتری ۲۱۲
سیدمحمدبن سید احمد ۱۱۶–۲۳۹
حاج سید محمد امام جمعه ۱۳۷
میرزامحمدامام الحرمین ۱۱۶
سیدمحمدبن سید ایوب ۲۰۹
سیدمحمد تهامی ۳۲۳
سیدمحمدجزائری نگارنده ۳–۷–۱۲–۱۷۹–۲۴۱
حاجی سیدمحمدجزائری نیای نگارنده ۱۱
دکتر سیدمحمدجزائری ۳۴۱
سیدمحمددلدلی ۳۳۹
سیدمحمدبن سید شفیع الدین حسن ۱۹۸
سیدمحمد شوشتری ۸۱
سیدمحمدشوشتری هندی (سعادت) ۱۶۹
سیدمحمدشیخ‌الاسلام ۶۸–۶۹
حاجی محمدملاصفیه ۴۹
سیدمحمدبن سیدعبدالکریم ۱۰۱
سیدمحمدعبونوئی ۲۲۳

کسان

حاج محمدعلم	۱۸۳
ملامحمدبن عیدی محمد شوشتری	۲۱۳
محمدقاع دزدی شافعی	۱۱۳
محمدبن قنبرعلی	۳۴
سیدمحمدکاظمی	۱۷۸
شیخ محمدبن کرم‌اللّه‌حویزی	۴۹
ملامحمد کسائی	۱۴۶
ملامحمدگرگری	۴۹
سیدمحمدبن سیدمحمدامین	۳۰۶
سیدمحمدبن سید محمد باقر	۲۰۳
سیدمحمد بن‌سیدمحمد تقی	۸۱–۸۴
سیدمحمدبن سیدمحمد شفیع	۱۰۸
سیدمحمدبن میرسیدمحمدعلی	۲۸۵
شیخ محمدبن محمدمقیم اصفهانی	۵۰
سیدمحمدملائکه	۷۷
سیدمحمدنائب الصداره	۷۷–۷۸
شیخ محمدبن یونس حسکی	۱۹۲
شیخ محمد ابراهیم طبسی	۲۹
حاج محمد امین خراط	۵۳
سیدمحمدامین بن سید عبدالله	۳۰۳
سیدمحمدامین‌بن سیدمحمدجواد	۱۸۳
سیدمحمدباقر بن سید آقائی	۳۲۸–۳۲۹
میرزامحمدباقر آشتیانی	۲۸۵
سید محمد باقر امام	۱۴۹
سیدمحمدباقربنی‌هاشمی	۱۹۶
آقامحمد باقربهبهانی	۸۷
شیخ محمد باقر بیرجندی	۵
شیخ محمد باقر دزفولی	۱۴۶
سیدمحمد باقر بن سید عبدالسلام	۳۱۱
سیدمحمدباقربن سید عبدالهادی	۱۹۹

کسان

سیدمحمدتقی امام ۱۵۰
محمدتقی چیت ساز ۵۳
شیخ محمدتقی شیخ ۶–۱۱۶–۱۴۶–۲۳۱
سیدمحمدتقی شیخ الاسلام ۶۶
محمدتقی بن عبدالله‌شوشتری ۵۲
سیدمحمدتقی علوی ۳۳۴
شیخ محمدتقی مقدس ۸۴
سیدمحمدتقی مصطفوی ۶
سید محمدتقی ملائکه ۷۹
حاج سیدمحمدجعفرجزائری نیای نگارنده ۱۴–۱۷۰
سیدمحمدجعفرمروج ۲۵۱
سیدمحمدجوادبن سیدحسین امام ۱۶۸
سیدمحمدجوادبن سید عبدالله ۱۸۲
میرزامحمدحسن آشتیانی ۲۸۵
سیدمحمدحسن آل طیب ۸–۱۶۵
سیدمحمدحسن جزائری ۹–۲۱۹
میرزاسیدمحمدحسن شیرازی ۸۲
شیخ محمدحسن مامقامی ۱۶۴
شیخ محمدحسین‌جندقی ۱۴۰
امیرمحمدحسین خاتون آبادی ۴۴
سیدمحمدحسین شیخ‌الاسلام ۷۲
سیدمحمدحسین بن سید عبدالسلام ۳۱۴
سیدمحمدحسین علوی ۳۳۰
سیدمحمدحسین بن سیدمحمدکاظم ۲۷۹
سیدمحمدحسین مروج ۲۵۰
محمدحسین موگهی ۵۳
سیدمحمدحسین مهدوی ۱۶۹
سیدمحمدحسین نجفی ۱۷۰
سیدمحمدحسین خان جزائری ۳۶۷

کسان

محمدرشید مقدمی ۴۷
شیخ محمدرضا اصفهانی ابوالمجد ۲۰۱
میرزامحمدرضااصفهانی (عیشی) ۲۹۳
سیدمحمدرضاامام ۱۴۵
شیخ محمدرضا دزفولی ۱۴۵–۱۴۶–۱۵۷–۱۶۰–۳۴۴
سیدمحمدرضا بن سیدحسین ۲۵۷
آقامحمدرضا شوشتری ۵۳
سیدمحمدرضا شیخ الاسلام ۶۶– ۷۰
ملامحمدرضا (کباب) ۱۸۹
سیدمحمدرضامرعشی ۱۷۲
سیدمحمدرضا معلم ۱۲۲
سیدمحمدرضا ملائکه ۸۰
محمدزمان صحاف ۵۳
سیدمحمدشریف امام ۱۵۶
شیخ محمد طاهر دزفولی ۱۴۰
شیخ محمد طه‌حویزی ۴۹
شیخ محمد طه‌نجف ۲۲۷
مفتی سیدمحمدعباس جزائری ۱۸
میرزامحمدعلی اردوباری ۱۶۴
سیدمحمدعلی امام ۱۴۵
سیدمحمدعلی امام دزفولی ۲۲
سیدمحمدعلی امام شوشتری ۱۵۸
مرسیدمحمدعلی جزائری ۲۷۸
محمدعلی جناح ۸۲
سیدمحمدعلی بن سید حسین (ناله) ۳۶۳
ملامحمدعلی خوانساری ۲۴۴
سیدمحمدعلی روضاتی ۱۷
سیدمحمدعلی شیخ‌الاسلام ۶۹
سیدمحمدعلی شیشه‌گرخانه ۲۰۴

کسان

سیدمحمدعلی بن سید عبدالسلام ۳۰۹
حاج محمدعلی کتانباف ۱۰
سیدمحمدعلی گتوندی ۲۳۹
سیدمحمدعلی محمدی [illegible] ۳۴۲
سیدمحمدعلی بن سیدمحمود ۲۴
میرزامحمدعلی معزی دزفولی ۹۰
سیدمحمدعلی بن سید نعمه الله ۳۰۷
سید محمدعلی بن سیدهادی ۳۱۴
سیدمحمدکاظم بروجردی ۱۴۵
سیدمحمدکاظم جزائری ۱۶۴
آخوند ملامحمدکاظم خراسانی ۲۶۱
ملامحمدکاظم فروغی ۱۷۲
سیدمحمدکاظم یزدی ۱۱۸—۳۳۱
میرزا محمد مهدی خراسانی ۸۷
شیخ‌محمدمهدی شرف الدین ۲۴۲
شیخ محمدهادی امینی ۱۴۰
سید محمدهادی میلانی ۲۸۳
سید محمدهادی بن سید نورالدین محمد ۱۹۵
سیدمحمود بن سید احمد (منزوی) ۱۸۲—۲۴۲
سیدمحمود ملائکه ۸۰
مخلص شوشتری ۶
سید مرتضی امام ۱۴۷
سید مرتضی علم الهدی ۲۴۵
مرتضی مدرسی ۶
سید مرتضی بن سید نورالدین ۵۴
مشفق شوشتری (سید احمد) ۱۱۲
سید مصطفی امام زاده ۱۶۶
میرزامعصوم قزوینی ۸۳
منزوی (سید محمود) ۲۴۲

کسان

سید منصور طالقانی ۴۴
سیدموسی امام ۱۷۵
موسوی (سیدمحمد) ۱۰۱
سید مهدی ادیب ۱۷۱
حاج مهدی چیت ساز ۱۶۳
سید مهدی علوی ۳۲۸
سید مهدی هاشمی ۷۳

ن

ناطق شوشتری (عبدالجواد) ۶–۲۵۶
ناله‌شوشتری (سیدمحمدعلی) ۳۶۳
سیدنجم‌الدین بن سیدعبدالهادی ۱۸۵
سید نصرالله بن سید بهاءالدین ۲۱۷
سید نصرالله‌حائری ۴۴
حاج سید نصرالله بن سید حسن ۲۸۳
میرزا نصرالله مرعشی ۱۴۹
نصرالله مقدمی ۴۷
ملانظرعلی زجاجی ۴۴
سیدنعمت‌الله (سید آقائی) ۲۳
سیدنعمت اللهجزائری ۲۲–۲۵
سیدنعمت اللهِ پدر نگارنده ۲
سیدنعمت الله بن سید عبدالکریم ۳۴۹
سیدنعمت الله بن سید عبدالهادی ۱۸۸
سیدنعمت الله بن سید محمد ۱۹۸–۳۰۷
شیخ نوح قریشی ۱۱۸
سید نورالدین امام ۱۵۶
سید نورالدین جزائری ۲۲–۲۵–۲۴۱
سید نورالدین بن سید جواد ۹۷
سید نورالدین بن سید محمدهادی ۱۹۷
سید نورالدین محمدبن سیدنعمت الله ۱۹۲

کسان

ه

ملاهادی (قواس) ۵۴

سید هبه‌الدین شهرستانی ۱۵۷

پرفسور سیدهدایت الله‌جزائری ۱۸

آرامگاهها

امامزاده عبدالله ۸۰ـ۱۰۵

باغ رضوان ۲۰۹

براء ۳۴۶

بهشت آباد ۸۱

بهشت زهرا ۱۷۱

سید حسین ۲۲۴

سید صالح ۷۳

علی بن مهزیار ۶۷

سید قطب الدین ۲۳۰

مقام حسین ۵۷

مقام صاحب‌الزمان علیه‌السلام ۷۳

مقبره ابی الفتوح ۲۷۹

مقبره شوشتریها ۲۵۶

مقبره حاجی سید علی ۲۵۶

وادی السلام قم ۲۸۷

وادی السلام نجف ۱۵۹

کتابها

الف

آداب المتعلمین ۲۴۳
اجازات المشایخ ۱۴۱
اجازه بحرالعلوم ۹۶
اجازه‌کبیره ۳۲
رساله‌دراخلاق ۲۱۸
اربعین حدیث ۱۷۷
ارمغان اصفهان ۲۸–۱۶۳
اسباب النجاه ۱۴۶
اسرارخوراکیها ۲۸۸
اسرار عددهفت ۲۸۸
اسعاف الراغبین ۱۷
اسماعیلیه ۱۹۳
اصول کافی ۱۶۰
اعجاز خوراکیها ۲۸۸
اعیان الشیعه ۲۳–۳۳
افعال صبی ۲۵۲
اقتصاد اجتماعی ۲۸۴
اقمار مصنوعی ۱۶۰
انجیل لوقا ۳۱۰
انشاء الصلوات ۸۸
الانوار الجلیه ۳۳
الانوارالنعمانیه ۲۲
ایضاح الدلیل ۸۹

ب

بحرالانساب ۵
بحران اقتصادی ۲۸۴
بدائع الجعفریه ۲۴۲
برنامه غذائی ۲۸۸
برهان قاطع ۱۷۶

کتابها

البرهان المؤسس ۸۹
بسط المقال ۵۰
بوستان پیغمبر ۸–۱۶۷–۱۷۰
بیاض ۱۱۳–۱۲۴–۱۷۸–۲۴۳

ت

تاریخ بروجرد ۱۰۵
تاریخ پانصدساله‌خوزستان ۱۵۴
تاریخ جغرافیائی خوزستان ۱۵۷
تاریخ سیاسی خوزستان ۱۵۷
تاریخ علمی و ادبی خوزستان ۱۵۷
تاریخ کاظمین ۱۲۳
تاریخ گلزار آصفیه ۲۹۴–۳۶۴
تاریخ المشعشعیین ۳۸
تاریخ مقایسات و نقود درحکومت اسلامی ۱۵۹
تتمه‌الشجره ۹–۱۴۱
تتمه نجوم السمآء ۲۷۸
تجدیدالدوارس ۱۴۰
تحفه‌الاحباء ۲۳۵
تحفه‌الاخوان ۱۳۲
التحفه‌البهیه ۸۹
تحفه‌الحجاز ۱۳۰
تحفه الحرمین ۸۳
تحفه‌السلاطین ۲۲۲
التحفه‌السنیه ۳۴
تحفه‌العالم ۹–۲۲–۳۸
التحفه الغریه ۹۱
تحفه الملوک ۹۸
التحفه‌النوریه ۳۴
تحقیق قبله‌شوشتر ۳۹
التذکره ۱۴۲

کتابها

تذکره شوشتر ۲۲–۳۴
تذکره‌المحدثین ۳۸
تذکره‌نصرآبادی ۵۷
تذییل سلافه‌العصر ۳۵
ترجمه‌اضداد ۱۹۳
ترجمه‌تاریخ سید علی ۱۹۳
ترجمه تصریف زنجانی ۳۵
ترجمه تعبیرخواب ۱۹۳
ترجمه زهرالربیع ۱۹۳
ترجمه سید عبدالله ۲۸
ترجمه فلاسفه الشیعه ۲۳
ترجمه مصباح کفعمی ۳۶۷
ترجمه هدیه‌المؤمنین ۳۵
تسهیل الدوآء ۹۸
تعریب شرفیات ۱۶۷
تعریب مصباح الهدایه ۱۴۱
التعلیقات الیسیره ۱۴۱
تعویداللسان ۱۴۲
تفسیرآیات بینات ۱۶۷
تقریرات ۱۶۸–۱۷۸–۲۴۳–۲۵۱
تقویم المعرفه ۱۴۲
تکمیل الایمان ۸۹
تلخیص البیان ۱۱۶
تلخیص مغنی ۱۱۳
تنبیه العاقل ۸۹

ج

جدول اوقات ۲۳۵–۲۸۲
جدول فلزیابی ۲۸۸
جغرافیای تاریخی خوزستان ۱۵۷

کتابها

الحنه‌العاصمه ۸۹
جنه‌النعیم ۱۷
جنگ ۳۵
جواب مسائل ۳۵
چمن عشاق ۱۶۹
حاشیه اربعین بهائی ۳۵
حاشیه استصحابیه ۳۰۷
حاشیه‌الفیه ۳۵
حاشیه تحفه‌العالم ۹–۵۶–۳۴۶
حاشیه تمهیدالفواعد ۱۸۸
حاشیه‌الدرر المنثوره ۸۹
حاشیه شرح نخبه ۵۰
حاشیه قوانین ۳۰۷
حاشیه مغنی ۸۹
حاشیه مکاسب ۲۵۲
حاشیه نقدالرجال ۱۰۷
حاشیه وافی ۳۵
الحجه البالغه ۸۹
حقائق الاصول ۱۷۶
حل معما ۲۳۶
حواشی متفرقه ۳۵

خ

خاندان معزی ۱۴۰–۱۴۶
ختام الکلام ۳۶
الخلاصه المغنیه ۱۱۴
خواب و خوراک ۲۸۸
خوزستان نامه ۱۵۷

د

دائرةالمعارف جندقی ۲۸

کتابها

دائره‌معارف الشیعه الامامیه ۲۸–۱۰۱–۱۸۴–۱۹۲–۲۰۸
الدررالمنثوره ۸۹
دکتر کاردو چنگال ۲۸۸
دوازده مقاله تاریخی ۱۵۹
دیارشهریاران ۲۹–۲۴۲
دیوان رجا ۳۴۰
دیوان شافعی ۱۶
دیوان طالقانی ۴۴
دیوان فقیر ۳۶
دیوان کعبی ۱۰

ذ

الذخرالرائع ۳۶
الذخیره الابدیه ۳۸
الذخیره‌الباقیه ۳۹
الذریعه ۱۷–۴۱

ر

راحه الارواح ۳۶۸
رد کتب بهائیه ۲۸۶
رساله‌اخلاقیه ۲۱۸
رساله‌الحسام ۲۳۶
رساله‌رمل ۳۹
رساله‌کاشفه‌الحال ۴۰
الرمحیه ۳۹
رؤوس الایات ۲۳۹
روضات الجنات ۳۳–۴۳
ریش تراشی ۲۵۲

ز

زادالعباد ۲۳۹

کتابها

زبان خوراکیها ۲۸۸
زندگانی من ۱۸–۱۵۴
زندگانی وشخصیت شیخ انصاری ۲۷۸
زیج محمدشاهی ۱۵۴

س

سروآزاد ۸
سفرنامه‌برادران امیدوار ۱۴۳
سفرنامه‌خوزستان ۱۴۰
سفرنامه‌دیولافوا ۱۴۰
سفرنامه‌لرد کرزن ۱۸۹
سفینه‌خوشگو ۱۰۲
سلوه الغریب ۱۰۵
سندالسعادات ۱۶–۱۷
سوانح عمریه ۲۸۶

ش

شجره‌طیبه ۹–۴۴–۴۵–۱۵۷–۱۹۴
شجره‌سید علاء ۲۴۶–۲۴۸
شجره‌نوریه ۹–۲۲
الشجره‌النوریه ۵
شرح بیع مکاسب ۲۵۲
شرح حال آیه‌الله‌بهبهانی ۲۹–۱۶۳
شرح حدیث لاتعاد ۲۵۲
شرح طهارت عروه ۲۵۲
شرح مدینه‌النحو ۲۹۹
شرح مفاتیح ۵۶–۹۱
شرح وسیله‌النجاه ۲۵۲
شکرستان ۱۳۰

ص

الصراعق المحرقه ۱۶–۱۷

کتابها

صیغ النکاح ۱۴۲

ضیاء المسالک ۲۵۲

ط

طلسم سلطانی ۴۰

طول وعرض شهرهای قدیم ایران ۱۵۹

ع

عطرالعروس ۱۸۸

عمده‌الطالب ۵

عوائد کار وسرمایه ۲۸۴

عوالم العلوم والمعارف ۴۰

عیون اخبارالرضا ۱۷

ف

فائق البیان ۱۸۸

فاطمه زهرا ۳۰۸

فراماسون ۱۵۹

فردوس ۲۴۲

فرهنگ عمید ۲۴

فرهنگ واژه‌های فارسی در عربی ۱۵۹

فریده الاصقاع ۱۹۱

فضائل السادات ۱۷

کتاب فقه ۳۲۰

فوائد الرضویه ۱۸–۳۳

فوائد اللبیب ۱۱۴

الفوائدالمختلفه ۱۴۳

فواکه الاحکام ۲۵۵

فواکه‌الاصول ۲۵۵

الفوزالعظیم ۱۴۳

فوزالمعاد ۲۵۶

کتابها

فهرست تفسیر فخر رازی ۲۷۰
فهرست کتابخانه‌استان قدس رضوی ۸۴
فهرست کتابخانه مجلس ۳۴
فهرست کتابهای چاپی فارسی ۱۷
فهرست کتب مخطوطه عربی سالارجنگ ۳۸
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رشت وهمدان ۳۳–۱۹۱

ق

قاصم الجبارین ۱۴۱
قانون تفسیر ۱۳۰
قندونبات ۱۰۴–۱۱۴
قوانین مالیه ۲۸۴

ک

کتابخانه‌های ایران ۱۴۲
کشف الریاض ۱۰۷
کشف الغطاء ۹۱
کفایه‌منصوری ۲۹۸
کلمه‌طیبه ۲۵۵
کندو ۲۸۸
کنزالملوک ۳۲۰
الکنی والالقاب ۸۲
الکواکب الدریه ۱۴۲
الکواکب المنتثره ۲۳–۸۶
کهن شعرای خوزستان ۲۲–۲۹–۳۳

گ

گرز آتشی ۹۱
گلبن تاریخ ۸
گنجینه دانشمندان ۸۲–۱۳۹–۱۷۸
گلستان پیغمبر ۱۶۸

کتابها

ل

لب اللباب ۴۰
لغزالعزه سید عبدالله ۴۰
اللوح المحفوظ ۴۰
لولوءالبحرین ۲۹

م

المآثر والاثار ۱۴۰
ماضی النجف وحاضرها ۱۰–۵۱–۱۴۰–۶۳
ماه ۱۶۰
مجمع التفاسیر ۳۳۹
مجمع الفرس ۵۴–۲۵۷
مجموعه‌رسائل ۳۹
مجموعه مجالس ۱۷۶
مختارالجوامع ۳۶۸
مخزن‌الدر ۱۴۶
مدینه‌النجو ۴۰
مراسلات ۱۹۴
مسائل عویصه شیخ مفید ۳۵
مستدرک تحفه‌اهل الایمان ۵
مستدرک الوسائل ۴۴–۸۶
مسکن الشجون ۱۳۷
مصابیح اللوامع ۴۰
مصباح الهدایه ۱۴۰
معترک المقال ۴۱
معجم رجال الفکروالادب فی النجف ۲۸
معجم المؤلفین ۲۹
مفتاح‌الایمان ۹۱
مفتاح التفاسیر ۲۷۱
مفتاح الجنه ۹۱

کتابها

مفتاح المغلقات ۱۱۵
المقاصد العلیه ۴۱
مقالات ۳۴۲–۳۴۴
مقصدالزائر ۲۹۷
المقفل ۴۱
مکارم الاثار ۲۴–۲۹–۱۴۰
مناسک حج ۹۱
مناهل الضرب ۲۲
منتهی الامال ۱۸
منتهی الدرایه ۲۵۲
منتهی المطالب ۱۹۱
المنجد ۴۸
منجزات مریض ۱۰۷
منتخب دیوان رجاء ۳۴۰
منظومه البیان ۱۷۸
منظومه فقه ۲۳۹
مؤلفین کتب چاپی ۱۷
منهج الراغب ۱۹۲
منیه المرتاد ۳۸

ن

نابغه فقه وحدیث ۶
نامنامه جغرافیائی ایران ۱۵۹
نجوم السماء ۲۳–۱۰۱
نجوم العلوم ۲۴۳
نفت خیز ۲۸۳
نقباء البشر ۱۳۹–۱۴۰
نهایه الکفایه ۹۱

و

واجبات الصلاه ۱۳۲

کتابها

وادی ایمن ۲۹–۱۷۰–۲۹۳–۳۶۴
واژه نامه‌ای از گویش شوشتری ۱۷۶
وحید بهبهانی ۲۹– ۹۶
وطن شرعی ۲۵۲
وقائع الشهور ۵

ه

هدایه‌الانام ۹۱–۲۵۲
هدیه الاحباب ۱۸
هدیه‌الرازی ۱۷۷
هدیه‌الزائرین ۲۵۶
هشت بهشت ۹۱–۲۸۸
هفت طبقه بودن کائنات ۲۸۸

ی

یادداشتهای کتانباف ۱۰

سپاس و قدردانی

از آقایان ، ابن عم محترم دکتر سید محمد جزایری که هزینه‌چاپ کتاب را پرداخته‌اندو عم معظم حاجی سیدنجفی جزائری وعمزاده فاضل سیدمحمدکاظم جزائری‌وبرادران عزیزم سیدکاظم جزایری وسیدمرتضی جزایری ونورچشمان سیدنعمت اللهدایت پور وسید احمد آل محمد وسید احمد جزائری وسید نعمت الله‌جزائری (حفظهم الله‌تعالی)

که در نشر کتاب و امر چاپ آن با ما همکاری کرده‌اند سپاسگزاری نموده ، توفیق وسعادت همگی را از خدای بزرگ خواستاریم

سید محمد جزائری

آقای دکتر سیدمحمد جزایری

آقای‌حاجی سیدنجفی جزائری

آقای سیدمحمدکاظم جزائری

آقای سیدکاظم جزائری

آقای سیدمرتضی جزائری

آقای سیدنعمت الله
هدایت پور جزائری

آقای سیداحمد جزائری

آقای سیدنعمت الله جزائری

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵	۳	حد	عد
۵	۶	ارحام	الارحام
۲۲	۱۲	سعدالدین سید	سعدالدین بن سید
۳۳	۷	آنجملهودائره	آنجمله دائره
۳۶	۱۶	خوجزه	موجزه
۳۶	۱۷	رلمها	رامها
۳۸	۲۳	کتاب سعدتا آخر سطر	زائداست
۴۰	۱۷	است	است . لغزالعزه، مذکور در (الذریعه ۱۸ : ۳۳۵)
۴۰	۱۹	است	است . مدینهالنحو، در تذکرهشوشتر : ۶۰ مذکور استواز اجازهکبیره معلوممیشود هنگام اشتغال به نحو آنرا نوشته .
۴۱	۱۸	نقلکردهایم	نقل کردیم ، و کلیشه آن در صفحه ۲۵ کتاب حاضر دیده میشود
۴۳	۶	رافیه	وافیه
۴۵	۱۰	اگر قرینه	اگر از قرینه
۴۵	۱۲	لهی	تهجی
۴۵	۲۷	ورواله	ووالد
۴۸	۱۵	یا	یاء
۵۰	۳	تنقیر	تنقیر)
۵۰	۲۶	و لبتینان	والتبیان
۵۹	۵	عناست	محسن است
۶۷	۴ پاورقی	از مزارات شوشتر	این پاورقی مربوط به عبداللهبانو مذکور درصفحه۷۰ سطر اول است
۷۹	۱۴	باقر ۹ تا آخر سطر	زائد است
۸۱			پاورقی اول مربوط به بهشت آباد است
۹۵		خط زیر صفحه زائد است	
۱۰۲	۱۱	سیلقه	سلیقه
۱۲۴	۳	سید محمد ۱۱	وسیدکاظم ۱۱ در چهارشنبه (۴ـج۱ـ۱۳۹۸) درگذشت
۱۴۲	۱۲ پاورقی	سیدراضی بن سیدمحمد بن سیدمحمدباقربن سید حسین بن سیدعبدالله بن سید عبدالکریم بن سید حسین بن سید نورالدین	سید راضی بن سید قوام الدین
۱۴۳	۴ پاورقی	مرحوم سیدعلی اکبر	مرحوم سیدعلی اصغر و سید علی اکبر معاصر
۱۵۴	۸	نامبرده	نامبرده، در یکشنبه (۳ـج۲ـ۱۳۹۸= اشتهاریافت) وفات نمود و در علی بن مهزیار مدفون شد
۱۶۰	۶	امیرضا	امیر رضا
۱۶۷	۲۵	بدن	بدین
۱۷۰	۸	مهدی	مهدوی
۱۷۸	۷	مجدحزائریه	مدرسه جزائریه
۱۹۹	۲	اردلان	اردوان
۲۱۸	۸	علاقه	علامه
۲۲۷	۲۲	دو پسر	سه پسر است : سیدمحمد۱۱ ، سید حسن ۱۱ ، سید علیرضا ۱۱ ،
۲۳۶	۲۷	گردید	گردید . و برخی از شعرای شوشتر او را مرثیهگفتهاند و سید عزیز ۱۰ تاکنون یک پسر دارد سید امیر رضا ۱۱ ،
۲۳۸	۱۳	(۱۳۶۳= باغ نشاط)	(۱۵ـ شعبان ـ۱۳۸۶= شغل نو)
۲۳۸	۱۵	سه پسر است	پنج پسر است : سید احمد ۱۱ ، سیدمحمد۱۱ ، سیدمحمود۱۱ ، سید مرتضی۱۱ ، سید مسعود۱۱ ،
۲۶۵	۱۰	الهیات	الیات
۲۷۲	۲۵	نه پسر	ده پسر است : سیدمحمدتقی۹ ، سیدکاظم۹ ، سیدعلیاکبر۹ ، سیدمنصور۹ ،
۲۷۳	۹	است	است واکنون یک پسر دارد سیدامین۱۰
۳۲۱	۱۱	کارمیکند	کار میکند . وی در سال۱۳۲۷ شمسی رئیس کشاورزی شوشتر بوده و دو مقاله بعنوان سدهای خوزستان و کشاورزی در خوزستان نوشته که در سال مزبور با عکس وی در سالنامه کارون اهواز صفحه ۲۳ و ۷۲ چاپ شده
۳۳۴	۱ پاورقی	سید احمد ۷ سید	سید احمد ۷بن سید